



تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران



بمناسبت آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

تاریخ پنجاه ساله

نیروی زمینی شاهنشاهی ایران

نخارش :

با اتمام :

پهبد - محمد کاظمی

سرینک تساد - علی وزیر

سرینک تساد - منوچهر البرز

آبانماه ۲۵۳۵

چرا این کتاب نوشته شد؟

در کشورهای روزگاران ما، بدآموزیهای فریبنده فراوان و گوناگونی پیکارهای
سودجویانه بسیار زیاد است. یکی از تمکارانهترین آن، خلع سلاح ملتها از سپرها،
جنگ افزارها و سلاحهایی است که بهتی پناه آنها در جنگهای بی امان نسبت پرده است.
یکی از این جنگ افزارها، مانع یا کارنامه ملتهاست که در تحقیقات آئینه آئین
خودشناسی آنهاست که هرگاه بدست فراموشی سپرده شود، خودکلم کردگی یا بزرگترین
انگیزه سرگردانی ملتها پدید میآید تا جائیکه تا روپود جامعه میسود و آن جامعه برگی از کتاب
ملت با ویا کشورهای گذشته را پر میسند.

دوین خیری که در بدآموزیهای فریبنده از مردم گرفته میشود از روش فلسفی جهاد و یا

جنگ مقدسی است که در دین مبین اسلام روی آن تأکید فراوان شده و یکی از واجبات
دین شمار آمده است. در این فریب سرانیزنگ ، ارج معنوی و فلسفی این مجاهد را پنهان
میدارند که گفته اند : « اگر خواهان صلحی آماده جنگ باش . و صلح برابر جنگ را با دشمنی
فریبکارترن آسانی و افسانه های دلپذیر آسودگی و تخیلی که در نهاد طبیعت ، برگرز وجود ندارد و
طوری بجز آن تلقین می کنند که از جنگ و در حقیقت از جهاد مقدس روگردان میشوند .
دیش گفت این تاریخ نظامی ، یا پنجاه سال تاریخ نیروی زمینی شایسته های این
کوشش شده است نخست گوشه ای از ارزشهای بی چون و چرای تاریخ و نقش آنرا در راه
آزادی و استقلال و سازندگی کشور باروشن کند و پرتوی از فلسفه جنگ و یاسکار برای جنگ
و یاسکار برای آزادی و استقلال را از دیدگاه جهاد مقدس برپوشش بگذارد و سپس با شرح
مفصلی از پنجاه سال تاریخ تشکیل نیروی زمینی شایسته های ایران پایان دهد . روانشان
فلسفی ، اجتماعی و انسانی و بر گونه پژوهشگران ارزشهای هستی بخش ، یاد و یادگیری را پیچیده ترین
راز زندگی و تنها بستر هستی آدمیت و بزرگترین سرمایه آدم شمانه اند .

اگر یاد و یادگیری در یک انسان فراموش شود آن انسان تباہ شده است
 اگر یاد و یادگیری یک جامعه از میان برود آن جامعه بر باد رفته است. از همین رویدادها
 است که پیشوران جامعه، تاینج را یاد و بهوش جامعه خوانده اند زیرا به تحقیق، میتوان گفت
 که تاینج، حافظ جامعه و یاد و بهوش آنهاست و همانگونه که حافظ در بجه جاروش مکرر راه
 شناساگر چه برای یک انسان است در جامعه هم چرخ راه و فرود انگر سر نوشت است.
 یاد و بهوش انسان انبار خرمین گشت زار زندگانی اوست که تحقیقت بر بنا
 زندگانی امروز نمودار زندگانی فرداست. بهین جهت هم تاینج بر ملت خزانہ دار و مترنج
 گذشتگان آن ملت است که بیگان زیر بنای زندگانی امروز آن ملت و جلوه گاه زندگانی فردا
 است.

اگر ارامی ترین شخص فی کز از فزنگ ایران باتان بااریده است، نیست که
 بهنر بخرد، خرد بدانش و دانش به آزمایش نیاز دارد، بانگهی باین تحقیقت بزرگ که
 تاینج، آزمایشگاه انساناست خوب روشن میشود که این آزمایشگاه تا چه پایه نقش هدایت

ورایسمائی برای جامعه دارد و چگونه با فراموش کردن تاریخ، راه برداشتنش بسته شود، خرد
بیکاریمانده و هوسر مجال خودنمائی نمیباید یعنی فراموش کردن تاریخ، از دست دادن
یاد و هوش یا هستی سرزمین است.

مردم بیدار و بخت در سینه کوه تاریخ زندگی می کنند و اگر از آن کوه جدا شوند چون
برک و کاه خشک بزرگتیل حوادث زهپسار و یار فراموشی میشوند.

گذشته از آنکه تاریخ، امانت دارترین خزانه دار دانشهای گوناگون و گنجینه دار
خوبنهای میدیوسف منور بزرگ است. بزرگترین جلوه گاه رویداد های نیک و بد، جوانمردیها
و ناجوانمردیهای مل، دوستیها و دشمنی ها و شبیخون های بشمار، پاکبازیها و سیرکجهای
جوراجور ملتها در هر خط از گذشته های بی پایان است که تنها آینه و ا طرح و بر نامه های نگارنی
انسانست و بس.

علی حضرت همان شاه آریامهر بزرگ ارشتماران. درباره هستی تاریخ چنین
تاریخ گذشته ثانویه حال و آینده است. هیچ طمی نمیتواند بدون توجه بگذشته

آینده خوش را بصورت واقع بنیانه ای طراحی کند زیرا: سرنوشت هر فرد بسته به بطرز تفکر و
ورویجات و خصائص و نقاط ضعف و قدرت روحی آن ملت است که ریشه همه آنها را باید
طرزنگوین این روویجات و خصائص، در طول قرنهای گذشته جستجو کرد.

در دنیای کنونی دیگر تاریخ را نمیتوان فقط توالی یک سلسله ارقام و اعداد و فصل
یک سلسله حوادث و وقایع دانست.

بلکه آنچه امروز اهمیت دارد درک علل بروز این حوادث و تجزیه و تحلیل عواملی است
که این وقایع را بوجود آورده اند.

الکون تاریخ نیز مانند هر دانش دیگر بصورت علمی و دقیق درآمده است که اساس
آن توجیه بگونه ای عمیق سیر تکامل جوامع و ملل است. نه صرفاً آن حوادثی که در سطح خارجی این
تحوالات بچشم میخوردند. تاریخ چندین بار ساله ایران با میراث عظیم سیاسی و فرهنگی
و اجتماعی و فلسفی و هنری و ادبی آن میدان علمی نامحدود و در برای هر نوع تحقیق و تتبع علمی
بشمار میرود.

تاریخ نظامی مل راهبهای همین فرزند شیبها، رویدادها، جو انمردیها،
 ناهو انمردیها، دوستیها، دشمنیها، شبیخونها، پانجا زیبا و شیر گنجهای جورا جو است
 که یگانہ از آسمانهای پیکار زندگیست، زیرا برندگان پیکار آزادی کسانی هستند که طرح نقشه
 حریف را می‌اندو و واروی آنرا بکار می‌برند و سخت پذیران محکوم، کسانی هستند که در دانش
 جنگ از چون و چو طرح پیکار دشمن آگاهی ندارند و در سرگردانی بسر می‌برند. اما جنگ
 از دیدگاه فرهنگ یزدانی ملت ایران با جنگ از دیدگاه مردم گیتی، یکی نیست. کار،
 در زبان و فرهنگ پارسی یعنی جنگ است و این جنگ بدنی جز برای آدم بر جهان آدم
 ندارد. سعدی، شاعر گرانمایه سپین مایگوید: رسد آدمی بجائی که بحر خدا بنسند - بلکه
 تا چه حد است مکان آدمیت.

آنجا که چنگال اهریمنان جلوسیر انگیزه پیکارهای یزدانی شود و صلح و چاره جوئیها کارگر
 جنگ شمشیر آغاز می‌گردد، در چنین هنگامی است که جنگ شمشیر، کار و کوششی است یزدانی
 و خوشبختانه تاریخ ایران زمین سر هر گواه این سخن است.

دربان پارسی ضرب المثلی است معروف که میگویند «خرابی چونکه از زنگ بگذرد آب میگیرد»
تاریخ نجفی نشان میدهد که سلسله های فرمانروائی حتم نامه کمال ویرانی و ویرانگری و در
حال تابانی خبری کامل از سرنوشت مرزوبوم و ملت خویش نرسند برنگار میگردند. این برکناریها
خود بخود بدست برگزیده ترین افراد همان ملت که در دین قهرمانان تاریخ بشمار میآیند انجام
میسپذیرد که توانا و دانا و بزرگوار است و اوست که با همرازان خود، کارهای بنیادی را آغاز
و ویرانیهایی پس از دیگری از نو بنیاد می کند.

اینگونه ابرمردان تاریخ، نخست به ایجاد انبساط و انبساط میپردازند و ویرانی و نماندن دو گوهر
همزمانند که هرگاه این دو نیروی اهریمنی در بین جامعه دنیای متمدنی بوجو و آید. «هانگونه که در پیش
بان اشاره شد» ویرانزدان جامعه راه نیستی را می پدید و برگی از کتاب تنها و یا کشور های
گم شده را پر میکنند پس سازمان میدهند تا کشور سر و سامانی بگیرد و از آنجا که ارتش تواناترین
پناهگاه ملت ها و نیرومندترین سنگر عدالت و انبساط است بنی درنگ برای پدید آوردن
ارتش قوی افتد را می کنند. آنگاه به بهداشت و فرهنگ میپردازند و بهم آهنگ با

آموزش و پرورش بکارنوسازی سازمانهای گوناگون اقتصادی. کشاورزی فنون مختلف میزبان
قیام دبیران ابرم در مایخ ایران. در سپیده دم سوم اسفند ماه سال ۲۴۷۹ شایسته می نمودند باز
است از یک رسانه خبری در جهت توجیه فلسفه بالا که شرح کامل آن در این کتاب آمده و خوانندگان
ارجمند با خواندن آن بلزوم این پیکار مقدس و عظمت کاریکه انجام شده است پی خواهند برد.
مایخ پنجاه ساله شایسته می دو دمان پراشمار پهلومی بخوبی نشان میدهد که علیحضرت
رضاشاه که پسر ارشدی ربه پاره زمین راه بزرگ بود و با ایجاد امنیت و صدور فرمان گنجش
نوین ایران و انحاء کانتیولایسون. نداستقلال سیاسی کشور عزیز ما را امضاء فرمود. سپس
به تجدید بنای فرهنگ و بهداشت و اساس نوین اقتصاد و کشاورزی پرداخت ولی این حقیت
را باید همواره بفرزندان برومند سپه پیمان نفی کنیم که گرنامه تیر از آزادی و استقلال گوهری در خزانه
روزگار نیست و این گوهر گرانها. خوشبختی جانبازان بزرگوار و پراج این راه است که
پاسداری نام نیشان توانا ترین پشتیبان شدادار و گان از او گیه است چون علیحضرت رضاشاه که
یکی از فرخنده ترین افراد این دست از ابرم روان مایخ است که با فرخنده فرمان خویش آتش نوین

ایران بسیار دهناد ، بنام تهناسی و دستپاری در شد آرا دگی و آرا دیها . این تاریخ یعنی تاریخ
پنجاه ساله نیروی زینبی شاهنشاهی که یکی از متمیزین اقدامات بنیادی آن را دوم بزرگ بوده است
برشته تر تحریر داده و در دسترس عموم قرار داده شده است ، ولی ناگفته نماند که در میان بزرگان
تاریخ و هر سلسله هائی که به بنوسازی کشور خویش پرداخته اند فرمانروایانی یافت میشوند که بنیادهای
کلخ اجتماعی جامع را بنا نهادند بازماندیم رسیدند و قرار داد های اجتماعی هزاران ساله را زیر و رو میکنند
اندیشه های بلند و قدرت خلافت این گروه از فرمانروایان ملت ما از مجموع خاصی برخوردار است
بطوریکه تاریخ همواره نام آنها را در عداد نوابغ گبستی یاد می کند ، از اینرو تحقیق میتوان گفت
که رهبران دینمند ما علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ را رتشاران از این دست نمونند
که تاریخ نام معظمه را در عداد نوابغ جهان ثبت میکند . زیرا پیشوایان امر و ملت ایران از
یکو علی غم همه مصائبی که جنگ دوم جهانی برای مین ما بوجود آورده بود ، نه تنها کشور خود
و آسیب دیده دزیر بار خود خوانان جنگ فرور را بفر از نیک بخشی با کشانید بلکه بر توانانک
آفتاب رهبریهائی خردمندانه خود را بحسان سردرگم هم ارزانی داشت و از سوی دیگر

با انقلاب شاه و ملت و صدور فرمان رستاخیز ملت ایران، اساس چند هزار ساله خانگی
را برچید و بنای اجتماعی نو، بنیاد نهاد و در حقیقت خود یکی از سرسلسله‌های بسیار توانا و نیرو
بشمار می‌آیند.

رهبان دیشتم ایران با آزمونهای تلخ از دو جنگ جهانی گذشته و زبانه‌های مرگبار
اعلام بطرفی در آن دو جنگ بتجدید بنای آتش شایسته‌های و تجهیز آن به آخرین
سلاحهای مدرن و شرکت در پیمانهای منطقه‌ای کوشیدند بطوریکه امروز در شرف از دست
بند و دور اندیش فرماندهی تاجدار خود از برترین جنگ افزارهای زمان بهره‌مند بوده و ماسک
آتش‌های متمرقی جهان، راه توسعه و تکامل را می‌پساید.

از دیدگاه سربازی ماسه‌بران، ساخت این تخمین بزرگترین و طیفه وجدانی و مبینی هر
ایرانی پاک‌نمادی است که به آزادی و سربازی مبین خود پامی بند است.

در اینجا از فرصت استفاده کرده، بفرزندان این سز زمین یزدانی، بنام کیس باز
قدیمی و یک خدمتگزار صدیق که غم‌ی زاده خدمت به علیحضرت همامیون شاه آریامهر بزرگ ارتش را

و مین عزیز چسپی کرده است ، اندر می دهم :

مرز و بوم خود را پرستش کنید . رژیم شاهنشاهی و پرچم ایران را نجس نماند ، شاهنامه
بزرگ و زهر توانا و خردمند خود را ستایش کنید و پوید شاه و ملت را بر هر پیشتر شکم سازید .
اگر تش شاهنشاهی ایران را که حافظ صلح و امنیت و جهان خاک مین شاهست دوست
دارید ، در هر جامعه و کسوفی که بتی در و حاسر باز باشید و پیوسته در همه مراحل زندگی خود
بزرگ را شکر گزاری کنید که شاهنشاهی توانا و خردمند و مین امن و آباد و آزاد با همه فرزندان
شما عطا فرموده است .

ما سر بزرگان نیز بیاس پنجاه سال فداکاری ، و بزرگوارینهای فرخنده و دودمان سپهروی
پیمان سر باری را نومیازیم و سوگند یاد می کنیم که ارج نیر دانی گوشه شاهی شاهانمان
پهلوی را میشتناییم و در پاس آن بر آسانی جان میبازیم .

در پایان این مقدمه که هنوز سخن بسیار است این سر بزرگان شاهنشاهی آریامهر
از درگاه خداوند بزرگ و توانا ملت دار و دگر جان بزرگان نیروی زمینی شاهنشاهی را چون

دیگر نیروهای سرفراز و نیرومند ایران در جرای فرین مقدس علیحضرت همان شایسته‌ها که مهر
 بزرگ ارشتماران پیروز داشته و ما را برای آن خدمت مقدسی کبرعمده داریم بخیرتوفیق
 بداد و در این هنگام خسته که ملت ایران پنجاه سال شاهنشاهی سلسلوی را جشن میگیریم بدین
 بگویم تاریخ نیروی زمینی شایسته‌ها می‌دینیم قرن اخیر برای چو نوشته شد تاضلی دیگر بصفحات در پیش
 تاریخ ملت ایران بیافزاید .

ناگفته نماند که ، تلاش و زحمات فراوان تیمسار سپهبد محمد کاظمی و سرکار سرنگین نوبهار نیز
 در گردآوری و تهیه و تدوین این تاریخ نظامی ، در خور تقدیر و تشویق بسیار بوده ، و توفیق روزافزون
 آنان را در انجام اینگونه وظایف ملی و مهنی از درگاه یزدان پاک خواهاشم .

جاوید شایسته و شاهنشاهی ایران
 توانا و پیروز با دارش شاهنشاهی ایران

فرمانده نیروی زمینی شاهنشاهی
 ارشد بنعلی اویسی

فهرست

بخش نخست:

- ۱ - اوضاع عمومی کشوری پیش از کودتای سوم اسفند ۲۴۷۹ شاهنشاهی از صفحه ۱۸ تا ۲۵
- ۲ - تحولات ارتش شاهنشاهی ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی « « ۲۶ تا ۴۲
- ۳ - ضرورت کودتای سوم اسفند ماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی « « ۴۳ تا ۴۶

بخش دوم:

- ۱ - ویژگیهای رهبر کودتا « « ۴۸ تا ۵۰
- ۲ - چگونگی کودتای سوم اسفند ۲۴۷۹ شاهنشاهی « « ۵۰ تا ۵۷
- ۳ - غائله گیلان یا شورش جنگل « « ۵۷ تا ۶۵
- ۴ - شورش اکراد « « ۶۶ تا ۶۷
- ۵ - غائله اسمعیل آقا سمیتقو « « ۶۸ تا ۷۶
- ۶ - شورش شیخ خزعل در خوزستان « « ۷۷ تا ۱۰۰
- ۷ - شورش الوار و شورشهای پراکنده بختیاری « « ۱۰۱ تا ۱۰۲
- ۸ - عملیات علیه شورش جنوب « « ۱۰۳ تا ۱۱۶
- ۹ - تشکیل قشون همسان و پی ریزی ارتش نوین ایران « « ۱۱۷ تا ۱۳۳
- ۱۰ - دوران آرامش و سازندگی « « ۱۳۴ تا ۱۴۹
- ۱۱ - سازمان و دگرگونیهای نیروی زمینی شاهنشاهی « « ۱۴۹ تا ۱۵۸
- ۱۲ - آموزش « « ۱۵۹ تا ۱۸۱
- ۱۳ - سیر تکامل لجستیک « « ۱۸۲ تا ۲۱۴

بخش سوم:

- ۱ - وقایع شهریور ماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی « « ۲۱۶ تا ۲۲۰
- ۲ - سازمان، گسترش و استعداد یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی در شهریور ماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی « « ۲۲۰ تا ۲۲۳
- ۳ - شرح عملیات در شهریور ماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی « « ۲۲۳ تا ۲۳۰
- ۴ - صدور فرمان ترک محاصره « « ۲۳۰ تا ۲۳۴
- ۵ - آغاز شاهنشاهی شکوهمند شاهنشاه آریامهر و عزیمت اعلیحضرت رضاشاه کبیر از ایران « « ۲۳۴ تا ۲۵۰

بخش چهارم:

- ۱ - دوباره سازی ایران « ۲۵۶ تا ۲۷۲
- ۲ - انقلاب شاه وملت « ۲۷۲ تا ۲۷۴
- ۳ - مهمترین مراحل زندگی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران از ۲۵۳ تا ۲۵۳ شاهنشاهی « ۲۷۴ تا ۲۸۲
- ۴ - پیشرفته‌ها و دگرگونی‌ها نیروی زمینی شاهنشاهی از لحاظ آموزش، سازمان و لجستیک « ۲۸۵ تا ۳۵۸
- ۵ - اهم عملیات نیروی زمینی شاهنشاهی از شهر یورماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی تا عصر حاضر « ۳۵۸ تا ۳۹۶
- ۶ - روحیه و رفاه در نیروی زمینی شاهنشاهی « ۳۹۷ تا ۴۰۷
- ۷ - نیروی زمینی شاهنشاهی و سپاهیان انقلاب « ۴۰۸ تا ۴۳۱

بخش پنجم:

- چهره امروز نیروی زمینی شاهنشاهی (قدرت پیاده نظام، قدرت زرهی، قدرت توپخانه، قدرت مهندسی و یگانهای پشتیبانی رزمی « ۴۳۲ تا ۴۰۰

بخش نخست

ایران در سال‌های پیش از کودتای اسفند ۱۳۰۶، ستایش‌های
«پیش از ۱۳۰۶ خورشیدی»

در قرنهای ۱۲ و ۱۳ هجری (۱۸ و ۱۹ میلادی) که اروپای باختری برق آسا بسوی تمدن ماشینی پیش میرفت و ملل زورمند اروپائی برای تأمین مواد خام و بازار فروش مصنوعات صنعتی خود در سراسر جهان مشغول رقابت و تحصیل امتیاز بودند، کشور ایران نه تنها از این تحولات و پیشرفتها کاملاً دور بود و در غفلت و بی خبری تمام بسر میبرد، بلکه بسرعت در سراشیبی سقوط و نیستی راه می پیمود. مناظرات داخلی و جنگهای خارجی همراه با ضعف کشورداری سلاطین قاجار که فقط بدربار خود حکومت میکردند، میدان را برای رقابت دو حریف زورمند یعنی روس و انگلیس از هر جهت آماده نمود و نه فقط در اثر غفلت و عدم لیاقت قسمتهای بسیار مهمی از زرخیزترین مناطق خاک کشور برای همیشه از دست رفت بلکه سلاطین وقت برای تأمین هزینه های غیر ضروری دربار خود، با دریافت وام و دادن امتیاز بخارجیان، کشور را به آستانه نابودی و سقوط و انهدام حتمی کشانیدند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، بزرگ رهبر خردمند انقلاب اجتماعی ایران در کتاب «مأموریت برای وطنم» پیرامون امتیازات دوران قاجار به چنین مینویسند:

... ما پیش از این فدا رقابت بازرگان روس و انگلیس شدیم و باید گفت که در آن
 مورد تقصیر از خود بود. پارت باغ قاجاریه برلین زمین همزمین ما سرخانه دربار، امتیازات متعددی
 بازرگانان خارجی دادند. یکی از عجیب ترین امتیازاتی که داده شد، امتیاز بهره سلطنت
 وقت در سال ۱۲۵۰ به «بارون رولینوس دوروتیر» که به تبعیت از انگلیس در آنگه بوداد
 بموجب این امتیاز «بارون دوروتیر» حق کنسار کشیدن راه آهن و تراموای رل در ایران
 مدت هفتاد سال تصدیق نمود و ضمناً در مورد راه دکنور مربوط بآب و معدن و کارخانه باطلوط
 معروف دج لور حقوق مگر که در اختیار منضم به دست آورد.
 اما طبعاً آنها عملاً از یک طرف و فشار و سهواً طرف دیگر را به لغو آن بموجب
 شاه بلار اسکا از «دوروتیر» بجا کرده شد، بورلضانه دکنور با سرمایه انگلیس با اینها شکیب کند....

برای شناخت وضع عمومی کشور و آگاهی از موقعیت روزهای پیش از کودتای ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) بطور مختصر اوضاع استانها و شهرستانها خاطر نشان میشود.

اوضاع ایالات و ولایات (استانها و شهرستانها):

هر استان یا شهرستان «تیول» یک والی یا حکمران بود که با دادن رشوه و پیشکش و صرف هزینه گزاف این مقام را برای خود میخرید و با عدهای قراول و یساول از تهران عازم محل مأموریت خود میگردد و بلافاصله پس از ورود با استفاده از «نسقچی» ها که مأمور جلب و حبس و زجر و شکنجه و جوب زدن مردم از سوی حاکم بودند، برای جبران هزینه انجام شده و پر کردن کبسه، بچان و مال و ناموس مردم بی پناه میافتاد و از هیچ جنایتی برای پیشبرد مطامع خویش خودداری نمینمود و مردم بی گناه و مصیبت زده نیز جز اشک و آه و جز التماس بدرگاه خداوند، هیچ پناهگاه و مأمنی نداشتند.

وضع ایلات و عشایر:

ایلات و عشایر ایران در طول تاریخ همیشه مرزداران غیور این آب و خاک بوده اند ولی وقتی حکومت مرکزی خود شریک در چپاول اموال مردم بی پناه بود و وقتی نظم و امنیت مفهوم خارجی نداشت، آنها نیز وسیله بیگانگان اغوا و مسلح گردیده و بسر عوامل عدم ثبات و ناامنی و هرج و مرج افزودند و تحت امر خوانین خود مشغول راهزنی و قتل و غارت و تاراج اموال و تجاوز به نوامیس مردم گردیدند.

وضع سرزها:

مرزهای کشور کاملاً باز و نه تنها بی دفاع، بلکه بدون واریسی (کنترل) و مراقبت بود. هر جنسی اعم از ضروری یا غیر ضروری، مجاز یا قاچاق، بسیار راحت و بدون اظهار نظر و حتی اطلاع دولت وارد یا خارج میگردد و هیچکس گمرکی بابت ورود و خروج کالا بدولت نمیداد و در نتیجه خزانه دولت روز بروز خالی تر میشد.

وضع راهها:

نخست باید گفت که در طول ۱۴ سال سلطنت سلسله قاجاریه، حتی یک قدم در راه توسعه راههای کشور برداشته نشد و راههای موجود نیز که همگی در شرف ویرانی و انهدام بود، تماماً ناامن و زیر نظر مستقیم دزدان و راهزنان قرار داشت که با کمال شجاعت و جسارت اموال کاروانیان را چپاول میکردند و یا از آنها حق عبور و یاج سبیل دریافت میداشتند.

حکام محلی نیز در صورت عدم قدرت و توانائی مقابله با دزدان، سکوت میکردند و در صورت توانائی فقط بدریافت حق سهم از راهزنان اکتفاء مینمودند، یعنی شریک

دزد و رفیق غافلہ بودند.

وضع داخلی پایتخت:

هر مرحله‌ای از تهران منطقه‌شمارت یک اوپاش بود که نامبرده با کمک چاقو کتشی و قداره‌بندهای خود که آنها را «نوجه» مینامید محله را اداره میکرد و بر تمام جان و مال و ناموس مردم حکومت داشت. هر کس به نسبت درآمدش باید برای ادامه حیات باو باج و حق و حساب بپردازد، ضمناً نامبرده نیز برای حفظ موقعیت خود یا با نسیق چی‌ها هم‌دست بود، یا به اشخاص یا نفوذ در دستگاه‌های دولتی رشوه میداد و یا با یکی از سفارتخانه‌های خارجی بتجوی ارتباط داشت. بنابراین از غروب آفتاب بعد هیچکس جرأت عبور از کوچه‌ها و گذرهای شهر تهران را نداشت و گرنه وسیله اوپاش لخت میگردد. بطور مثال، خیابان سعدی جنوبی امروز تهران، اصولاً بنام خیابان لختی‌ها معروف شده بود و اوپاش اغلب کسانی را که در ساعات خلوت روز و یا شبها از آن خیابان عبور میکردند لخت مینمودند.

چگونگی زندگی در داخل پایتخت و شهرهای عمده کشور:

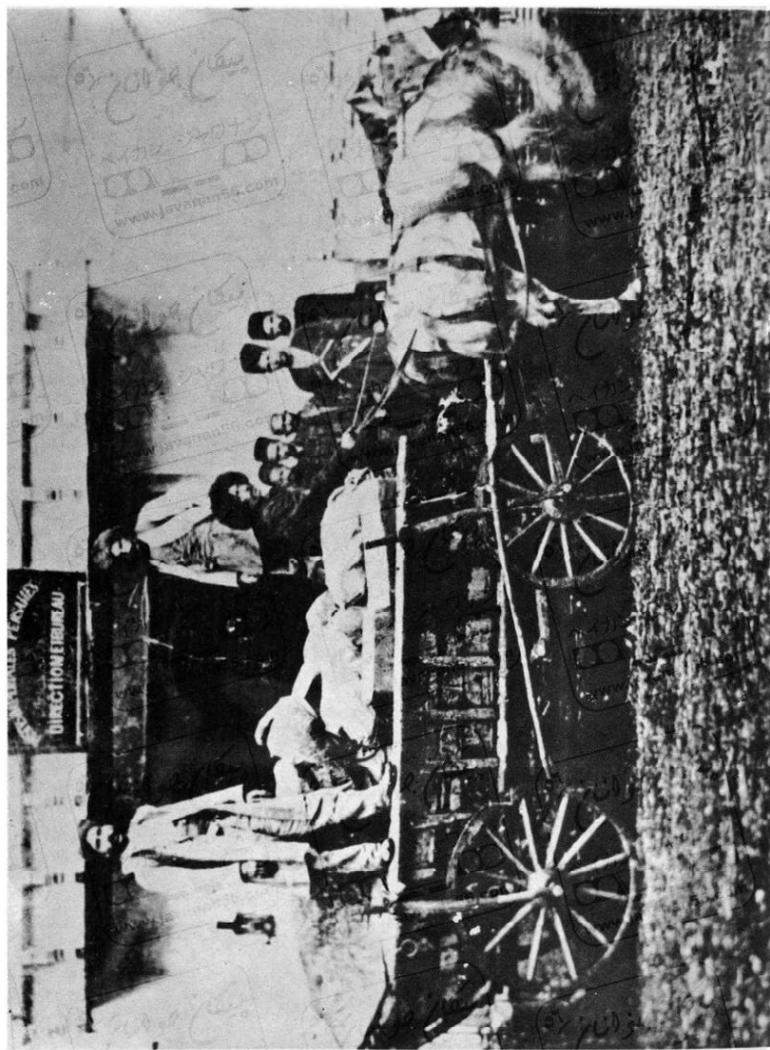
بهداشت و آموزش عمومی تقریباً وجود نداشت، آب سالم و قابل آشامیدن یافت نمیشد، دارو و پزشکی تحصیلکرده نادر بود و سلامتی مردم در دست دعانویسان و رمالان و گاه تعداد انگشت‌شماری پزشک‌نما قرار داشت، که اغلب حرفه پزشکی را مانند عنوان و لقب از پدر به ارث برده بودند و سودآموزی بدست تعدادی آخوند و ملا و مکتب‌دار که اغلب صلاحیت آموزش و پرورش را نداشتند سپرده شده بود.

بعلت عدم رسیدگی کافی بوضع شهرها و فقدان بلدیه (شهرداری) کوچه‌ها بر گل و شبها تاریک بود و از جویهای آب بوی لجن و تعفن استشمام میشد.

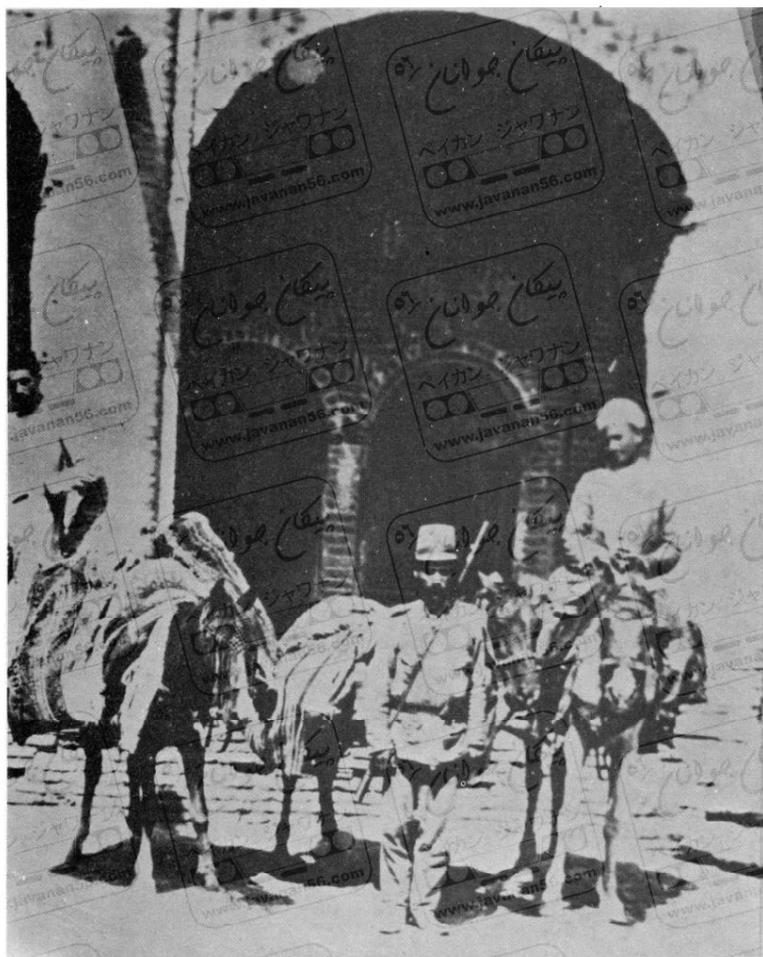
کشک‌تارگه وجود نداشت و هر قصایی در جلوی دکان خود ذبح میکرد و خا کروب و فضولات حیوانات در کوچه‌ها انبار میشد. غسل‌خانه در اغلب شهرها وجود نداشت و مردم مرده‌های خود را اجباراً در آب جاری می‌شستند و چه بسا همان آب برای مصرف و آشامیدن داخل حوض یا آب‌انبارهای دیگر میگردد.

بیماریهای همه‌گیر بعلت عدم رعایت اصول بهداشت چون داس اجل هر چند یکبار شهری را غرق در عزا میکرد و مردم بعنوان بلای آسمانی آنرا بناچار می‌پذیرفتند و بجای چاره‌جویی، درمان و پیشگیری، دست دعا بلند میکردند و در مساجد قرآن بر سر میگرفتند.

نبودن بهداشت، برای کودکان و مادران از سایرین خطرناکتر بود، چه بسیار مادرانی که در موقع زایمان میمردند و یا برای همه عمر ناقص و علیل میگرددند، مسئله مرگ کودکان یک واقعت قبول شده بود و نادر بود خانواده‌ای که حداقل یک یا چند کودک مرده نداشته باشد.



عربه حامل پست و افراد مسلح در سال ۱۳۰۷ هـ شاهنشاهی «خویشی»



تصویری از افراد مسلح دولتی در سال ۲۴۷۶ شاهنشاهی «خوشی» که برای حفاظت
محمولات پستی ساموران پستخانه را همراهی میکردند.

در شهرها و مخصوصاً در روستاها عده زیادی از کودکان قبل از رسیدن به سن چهار سالگی در اثر بیماریهای مختلف وعدم وجود بهداشت میمردند و یا بعلت بیماریهای آبله و فلج برای تمام عمر کور و علیل میگردیدند.

چگونگی زندگی در روستاها:

بعلت نبودن امنیت هیچ روستائی امید نداشت که بتواند محصولی را که کشت میکند برداشت نماید و اگر تحت حمایت ارباب یا خانی مقتدر، موفق بجمع آوری محصول خود میگردد، آنقدر باید سهم ارباب و باج و باویش و مباشران ارباب بدهد که شاید برای حداقل زندگی چیزی برایش باقی نمی ماند.

از نظر بهداشت و آموزش دیگر لازم بتوضیح نیست، چون وقتی وضع اجتماعی در شهرهای عمده کشور و حتی در پایتخت آنطور باشد که تشریح گردید، در روستاها چه امکاناتی ممکن است موجود باشد. بسبب بیماریهای خطرناک همه گیر مانند وبا، طاعون و با نبودن بهداشت و طب پیشگیری برای روستائی و احشام او و غارتها و تاراج مکرر روستائیان بوسیله اوپاش محلی یا دزدان منطقه، بسیاری از روستائیان مقارن کودتای سوم اسفندماه ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) گاو یا وسیله ای برای شخم زدن زمین نداشتند تا بتوانند چیزی در زمین کشت کنند. بنابراین دزخیم مرگ سایه سیاه خود را بر روستاهای ایران افکنده بود و هر روز انبوهی از زن و مرد روستائی را بعلت فقر و بیماری و گرسنگی روانه دیار نیستی میکرد.

اوضاع آذربایجان:

با آنکه در دوره قاجاریه همیشه ولیعهد فرمانروای آذربایجان بود، باز هم این استان در آتش ناامنی میسوخت و از رفاه و امنیت در آن اثری دیده نمیشد. اسماعیل آقا سمیتقو رئیس ایل شکاک، در شهرهای رضائیه، خوی و ماکو تقریباً خودمختار بود و بچپاول اموال و قتل و غارت مردم بی پناه آذربایجان غربی مشغول، در بقیه منطقه آذربایجان نیز قبائل مختلف کرد، آشوری و شاهسون، مشغول راهزنی، دزدی و کشتار مردم بودند.

اوضاع گیلان:

سید جلال چمنی و میرزا کوچک خان جنگلی منطقه گیلان را کاملاً ناامن ساخته بودند، تا جائی که میرزا کوچک خان جمهوری گیلان را رسماً اعلام داشت و مسافرین شمال مجبور بودند برای ورود بمرزهای جنگل قبلاً از نماینده حکومت جنگلی در تهران پروانه عبور دریافت دارند و گرنه از ورود و مسافرت آنها به گیلان در مرزهای جنگل جلوگیری میشد.

اوضاع مازندران:

خطه مردپرور مازندران و مردم بی دفاع آن در زیر تازیانه های تفتنگیچیان

امیر مؤید سواد کوهی، ساعدالدوله واحسان‌الخان قرار داشت و آتش ناامنی و قتل و غارت این استان را نیز چون دیگر نقاط زرخیز کشور در خود میساخت.

اوضاع گرگان:

ایلات یموت و کولان تمام ترکمن صحرا و شهرهای استرآباد و گنبد کاووس را بخون و آتش کشیده بودند و جنایات آنها در قتل و غارت و چپاول اموال مردم و راهزنی مسلحانه، توحش عصر مغولان را در خاطره‌ها تجدید میکرد.

اوضاع خراسان

استان قهرمان‌پرور خراسان و راههای منطقه آن زیر نفوذ قبائل زغفرانلو، هزاره‌ایها و نیمی از ترکمانان قرار داشت و مسافران و زوار آستان قدس رضوی مرتباً بوسیله راهزنان مختلف قتل و غارت میشدند و هیچکس را فریاداری نبود.

اوضاع کرمان:

نواحی سیستان و بلوچستان و راههای محدود اطراف آن زیر نفوذ وسلطه کامل سردار دوست‌محمدخان و سردار بهرام‌خان بلوچ قرار داشت و نامبردگان در کمال قدرت چپاول اموال و غارت مردم منطقه و کاروانیان مشغول بودند.

اوضاع بلوچستان و سیستان:

منطقه کرمان تا ساحل دریای عمان و راهها و آبادیهای آن سامان مرتباً از جانب ایلات بلوچ و ایلات مختلف منطقه فارس و طایفه باجمالوها مورد دستبرد قرار میگرفت و مردم غارت‌زده دیگر رمقی در تن نداشتند.

اوضاع فارس:

منطقه فارس از حاشیه کرمان تا آنسوی بهبهان و کهکیلویه واز دروازه‌های خوزستان تا کنار اصفهان بوسیله عشایر مختلف با سلاح و پشتیبانی بیگانه ناامن گردیده بود که مهمترین آنها عبارت بودند از، ایلات قشقایی و تیره‌های مختلف آن، ایلات شبانی، باصری، عرب‌خمس، بویراحمدی، چهار راهی و بعضی از سرکردگان دشتستان و تنکستان.

اوضاع خوزستان:

تمام استان خوزستان در آتش فتنه شیخ خزعل میساخت و نامبرده با حمایت رسمی بیگانه علم استقلال برافراشته بود و کوس سلطنت میزد و قصد داشت تمام استان خوزستان و مناطق نفت‌خیز آنرا از ایران جدا کرده و کشوری تحت حمایت کامل دولت انگلستان بنام عربستان تشکیل دهد و خود را سلطان آن بنامد.

اوضاع مناطق باختری ایران:

غرب کشور نیز مانند دیگر نقاط آن با آتش قتل و غارت و مملوکی‌الطوائفی هم آغوش بود. شهرهای سقز، بانه، گروس و مریوان منطقه تاخت و تاز شخصی بنام

سید «طه» بود و ظایفه گلباغی تا حومه سنندج را زیر نفوذ داشت و برقیه منطقه سردار رشید تسلط پیدا کرده بود.

از کرمانشاه تا ساوراء مرزهای باختری کشور منطقه تاخت و تاز و یاغیگری طوایف باباخانی و سنجایی بود. شهرهای نهاوند، توپسرکان و ملایر وسیله الوارطایفه حسن وند نامن گردیده بود. از فریدن تا خوانسار و گلپایگان را طوایف زلفی و خواجه مکوئی که از ایلات چهارلنگ بختیاری بودند نامن ساخته بودند.

وضع اصفهان و نواحی مرکزی ایران:

از کنار دشت خوزستان تا شمال اصفهان منطقه نفوذ و شرارت و قتل و غارت ایلات مختلف بختیاری بود و در شهرهای کاشان، قم و ساوه، نایب حسین و پسرش ماشاء الهخان کاشی و شخصی بنام رضا جوزانی مشغول شرارت بودند و گردنه‌های راه تهران را بسوی مسافرین بی دفاع می‌بستند و آنها را ضمن چپاول بخاک و خون میکشیدند.

وضع حومه تهران:

حومه تهران، یعنی پایتخت کشور نیز از راهزنی و شرارت و قتل و غارت در امان نبود و پاره‌ای از ایلات شاهسون و خلجها که تخته قاپوشده بودند، بر راههای حومه پایتخت مسلط بوده و در فرصتهای مناسب اموال مسافرین را چپاول میکردند.

اوضاع نظامی کشور:

ارتش ایران تا زمان کریم‌خان زند که خود فرماندهای لایق و افسری توانا بود، کیفیت قشون نادری را حفظ کرده بود و با جنگ افزار روز و آموزش خوب و ایمان و انضباط کافی به حفاظت استقلال کشور و افتخارات نیاکان این مرز و بوم کمر بسته ادامه میداد و از نفوذ بیگانه کاملاً بدور بود، ولی از اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار تحولات ارتش ایران رنگ دیگری بخود گرفت و تابع نظرات و سیاستهای بیگانه گردید که مراحل آن ذیلاً از نظر خوانندگان میگذرد.

تحويلات ارتش شاهنشاهی ایران

از آغاز سلطنت قاجاریه تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه

پس از کشته شدن آغامحمدخان قاجار سرسلسله دودمان قاجاریه، ارتش ایران همراه با سایر شئون مملکت بسرعت راه انحطاط را پیمود و تلاش عمده‌ای برای بهبود ارتش بعمل نیامد و رفته‌رفته ارتش ایران از کاروان ارتشهای مترقی جهان فاصله گرفت تا زمانیکه ناصرالدینشاه قاجار میرزا تقی‌خان امیرکبیر را بصدارت برگزید. میرزا تقی‌خان اصلاحات را در تمام شئون مملکت واز جمله در ارتش آغاز نمود و به همت او سازمان ارتش ایران بر اصول بنیچه بنیان‌گذاری شد.

بنیچه بدین ترتیب بود که درآن هر بخش یادهستان به نسبت جمعیت خود، تعدادی داوطلب از بین جوانان خود انتخاب نموده و آنها را باسم سرباز بحکومت مرکزی یا حکومت محل تحویل میداد، رفع حوائج این عده ومخارج نگهداری شخص سرباز درطول مدت خدمت بعهدۀ دولت ومخارج نگهداری خانواده سرباز بعهدۀ اهالی زادگاه آن سرباز بود.

با استفاده از سربازان بنیچه، میرزا تقی‌خان امیرکبیر ارتش ایران را به پنجاه فوج (هنگ) پیاده‌نظام ودوازده دسته سوارنظام سازمان داد. هر فوج (هنگ) پیاده شامل یکهزار سرباز بود که فرماندهی آنها یک سرهنگ بعهدۀ داشت و نامبرده با کمک و معاونت دو یاور (سرگرد) فوج را رهبری وفرماندهی مینمود. دسته‌های سوارنظام بدو صورت بود.

۱ - دسته غلام رکاب که گارد پادشاه یا ولیعهد را تشکیل میداد وشامل ۳۰۰ سوار بود که هر ۱۰ سوار زیر فرمان یک ده‌باشی (گروه‌بان) وهر ۱۰۰ نفر سوار زیر فرمان یک یوزباشی (افسر جزء) مشغول خدمت و انجام وظیفه بودند.

۲ - دسته غلام سوار که باید آنها سوارنظام معمولی نام نهاد وهر دسته آن شامل یکهزار سوار بود، بفرماندهی یک سلطان (سروان) که نامبرده دونایب (ستوان) ودو وکیل (گروه‌بان) ودوسرجوخه زیر امر داشت. به هنگهای پیاده ودسته‌های سوار فوق باید/ ۲۰۰۰ توپچی و ۲۰۰۰ زنبورکچی وچند فوج (هنگ) جماز سوار مخصوص مناطق کرمان و بلوچستان و چند فوج (هنگ) مرزی نیز اضافه گردد.

میرزاتقی خان امیر کبیر پس از مرتب شدن شالوده ارتش ایران شرح فوق، بسا زمان دادن نیروهای نظامی پرداخت و ارتش ایران را به ۱۰ تومان (سازمان مشابه تیب یا لشکر امروز) قسمت نمود که هر تومان به تفاوت از ۱ الی ۱۱ فوج (هنگ) را تحت کنترل داشت. هر تومان دارای یک فرمانده سرتیپ و پرچم خاص مربوط بخود بود و ضمناً در سازمان هر تومان یک فوج «مخیران» وجود داشت که در حقیقت یک واحد بخبراتی محسوب میگردد. تومنهای ۱۰ گانه سازمان یافته ارتش در زمان میرزاتقی خان امیر کبیر بشرح زیر بود:

۱ - تومان اول	شامل ۱۱ فوج (هنگ)
۲ - تومان دوم	شامل ۸ فوج (هنگ)
۳ - تومان سوم	شامل ۱۰ فوج (هنگ)
۴ - تومان چهارم	شامل ۸ فوج (هنگ)
۵ - تومان پنجم	شامل ۸ فوج (هنگ)
۶ - تومان ششم	شامل ۷ فوج (هنگ)
۷ - تومان هفتم	شامل ۸ فوج (هنگ)
۸ - تومان هشتم	شامل ۷ فوج (هنگ)
۹ - تومان نهم	شامل ۴ فوج (هنگ)
۱۰ - تومان دهم	شامل ۴ فوج (هنگ)

میرزا تقی خان امیر کبیر علاوه بر سازمان دادن ارتش ایران شرح فوق برای بسی نیازی هرچه بیشتر ارتش از دولتهای بیگانه، اقدام به تأسیس یک کارخانه باروت سازی، یک کارخانه اسلحه سازی و چند کارخانه تهیه سازوبرگ نظامی در تهران و دیگر شهرستانهای عمده کشور، چون تبریز و اصفهان نمود و ضمناً برای تعلیم و تربیت کارکنان چنین ارتشی، با استخدام تعدادی افسر و مربی خارجی از کشور اتریش مبادرت کرد، و با وجود مخالفت های سری و علنی بسیار شدید دولت انگلستان، موفق گردید معلمان اتریشی مشروحه زیر را استخدام و وارد ایران نماید، ولی متأسفانه مربیان اتریشی دو روز پس از عزل میرزا تقی خان امیر کبیر از مقام صدارت یعنی در روز ۲۷ محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری (۱۰۴۱ - شاهنشاهی) وارد تهران گردیدند:

۱ - کاپیتان (سروان) ذاتی	(Zattie) افسر مهندسی
۲ - گومنز (Gumege)	افسر پیاده
۳ - کرزیز (Krzyiz)	افسر توپخانه
۴ - لیونتان (ستوان)	نمیرو (Nemiro) افسر سوار
۵ - کارنوتا (Carnota)	معلم عملیات کوهستانی.

بنظور پیشرفت آموزش عالی در سطح کشور و بخصوص آموزش عالی نظامی، بدرت

دارالفنون وسیله میرزا تقی خان امیرکبیر بنیان نهاده شد، ولی متأسفانه بعلت دسائس بیگانه امیرکبیر خود نتوانست شاهد افتتاح این مؤسسه بزرگ فرهنگی نظامی باشد. پس از برکناری میرزاتقی خان امیرکبیر از مقام صدارت، انگلیسها موفق گردیدند نشش نفر از اتباع ایتالیائی را وارد کادر مؤسسه علمی دارالفنون نمایند که از میان آنها دو نفر بشرح زیر معلم امور نظامی بودند:

۱ - کلنل (سرهنگ) متراتسو (Metratso) معلم پیاده نظام و تاکتیک (تدابیر جنگی).

۲ - پوشه (poche) معلم پیاده نظام.

بدین ترتیب مدرسه دارالفنون در روز پنجم ربیع الثانی سال ۱۲۶۸ هجری قمری (۲۴۱۰ شاهنشاهی) یعنی درست ۱۷ روز پس از قتل ناجوانمردانه و نابخردانه میرزاتقی خان امیرکبیر بنیانگذار نامدار آن، افتتاح گردید و محصلین رسته های مختلف نخستین دوره آن ۷۳ نفر بشرح رسته های مشروحه زیر بودند:

- | | |
|--------------------------|--------|
| ۱ - محصل رسته پیاده نظام | ۳۰ نفر |
| ۲ - محصل رسته توپخانه | ۲۶ - |
| ۳ - محصل رسته مهندسی | ۱۲ - |
| ۴ - محصل رسته سوار | ۵ - |

تأسیس و گشایش مدرسه دارالفنون که برای توسعه دانش و معلومات نظامیان و غیر نظامیان کشور و تأمین سعادت مردم ایران الزامی بود، با تحریکات شدید و کارشکنی های خارجی و عمال دست نشانده آنها مواجه گردید و رفته رفته شاه نیز تحت تأثیر عناصر بدخواه نسبت بان بدگمان شد و بهمین دلیل در پیشرفت و توسعه آن کوتاهی گردید.

قشون نمونه اطریشی:

وضع ارتش ایران تا سال ۲۴۳۶ شاهنشاهی (۱۲۵۶ خورشیدی) با سربازان نتیجه و سازمانی که مشروحاً از نظر گرامی خوانندگان ارجمند گذشت، زیر نظر افسران ایرانی که در مدرسه دارالفنون تربیت میشدند ادامه داشت، در این سال ناصرالدینشاه (سلطان وقت) برای بار دوم باروپا سفر نمود و هنگام عبور از کشورهای روسیه و اطریش وضع سوارنظام این دو کشور مورد توجه قرار گرفت و بهمین دلیل از دولت اطریش خواست که عده ای از افسران خود را برای ایجاد قشون مشابه ارتش اطریش بایران اعزام دارد.

بدنبال مذاکرات «نظرآقا» وزیر مختار ایران در فرانسه (که بهمین منظور به وین احضار شد) با مقامات اطریشی، چهارده نفر افسر و معلم، همری اطریشی بسرپرستی کلنل (سرهنگ) آلبرت شوالیه دوشینوسکی (Chynovosky) در ماه محرم سال ۱۲۹۶ -



میرزا تقی خان امیر نظام « امیر کبیر »
صدر اعظم ناصرالدین شاه و بنیان‌گذار
مدرسه نظام

هجری قمری (۲۴۳۷ شاهنشاهی) وارد تهران گردیدند.

بستور ناصرالدینشاه یگانهای زیر جهت آموزش و تجدید سازمان در اختیار مستشاران اطریشی قرار گرفت:

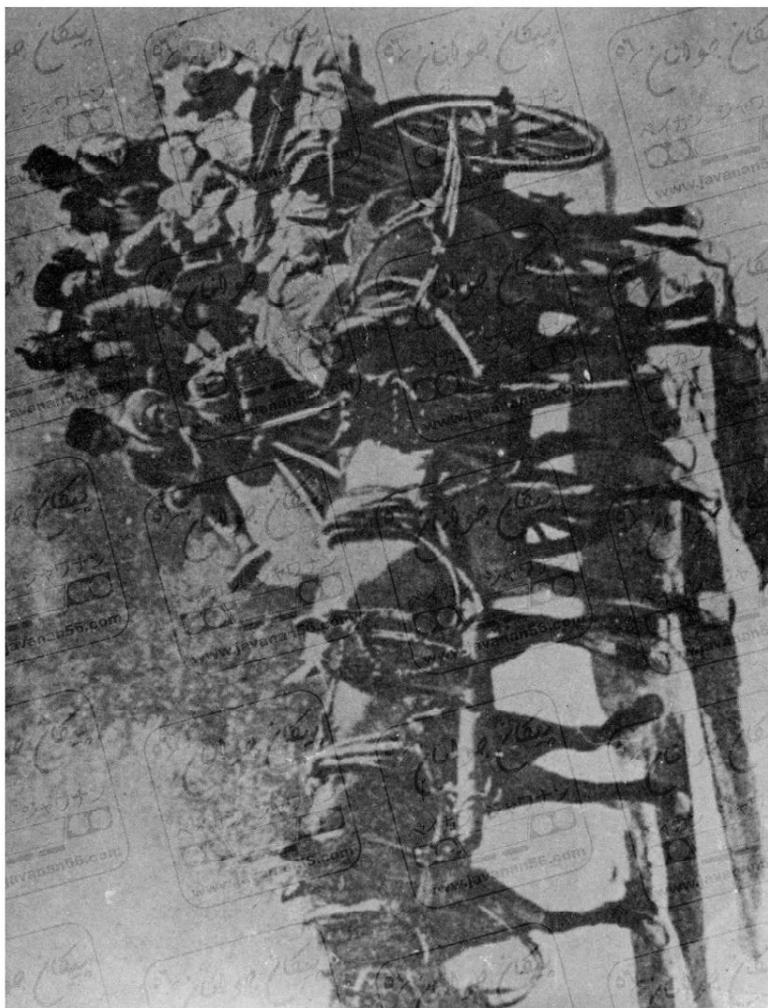
- ۱- فوج (هنگ) فراهان مرکب از ۱۰۰۰ نفر
- ۲- فوج (هنگ) کزاز مرکب از ۱۰۰۰ -
- ۳- فوج (هنگ) سربند مرکب از ۸۰۰ -
- ۴- فوج (هنگ) نهاوند مرکب از ۸۰۰ -
- ۵- فوج (هنگ) کمره مرکب از ۸۰۰ -
- ۶- فوج (هنگ) بزچلو مرکب از ۸۰۰ -
- ۷- فوج (هنگ) خلعج مرکب از ۶۰۰ -
- ۸- فوج (هنگ) خرقان مرکب از ۸۰۰ -
- ۹- توپچیان شرائی و خرقانی مرکب از ۶۰۰ -

مستشاران اطریشی نخست بسرپرستی کلنل (سرهنگ) آلبرت شوالیه دوشینوسکی و سپس بسرپرستی کلنل (سرهنگ) فردینان شمیل از مجموع یگانهای مشروحه بالا، دو فوج (هنگ) پیاده نظام، یک فوج (هنگ) مهندس، یک فوج (هنگ) مخابرات، یک فوج (هنگ) توپخانه و یک دسته موزیک، با سازمان مشابه ارتش اطریش تشکیل داده و مشغول آموزش آنها گردیدند.

بالاخره مأموریت مستشاران اطریشی براساس قرارداد قبلی در سال ۲۴۴۰ شاهنشاهی (۱۲۹۹ هجری قمری) یعنی پس از سه سال پایان پذیرفت و نامبردگان به کشور خود بازگشتند و قطسه نفر از آنها در ایران بطور داوطلب باقی ماندند و بخدمت در ارتش ایران سالها ادامه دادند.

سازمان و چگونگی تشکیل بریگاد (تیپ) قزاق در ایران:

سازمان قزاقخانه نیز همانند طرح قشون اطریشی محصول و زائیده سفر دوم ناصرالدینشاه بااروپا بود، بدین ترتیب که شاه پس از بازدید از سوار نظام قزاق در پترزبورگ (لنینگراد امروز) تصمیم گرفت که با استفاده از مستشاران روسی، سوار نظام ایران را بصورت مشابه سوار نظام روسیه درآورد و بهمین دلیل، از امپراطور روسیه خواست تا چند نفر از افسران روسی را برای تربیت سوار نظام ایران و تشکیل نیروی قزاق بایران گسیل دارد. درخواست شاه ایران نه تنها مورد قبول بلکه مورد استقبال تزار روسیه قرار گرفت، زیرا تشکیل یک نیروی قزاق بسرپرستی افسران روسی در ایران میتوانست در اعمال قدرت سیاسی و نظامی روسیه در ایران بسیار مؤثر باشد، بنابراین بدنبال موافقت دو دولت نخستین هیئت معلمین روسی در سال ۲۴۳۷ شاهنشاهی (ماه محرم سال ۱۲۹۶ قمری) مرکب از ۴ افسر و ۴ گروهیان بسرپرستی کلنل (سرهنگ)



نمونه‌ای از افراد فزاق و وسیله ترابری آنها در بندو تشکیل تپه فزاق

دومانتویچ (Dumantovitch) وارد ایران گردید. دولت ایران تعدادی از سواران موجود ارتش را که بسواران مهاجر معروف بودند (این عده پس از جدا شدن شهرهای قفقاز از ایران بعلت میهن پرستی از روسیه بایران مهاجرت کرده ودر خدمت ارتش ایران بودند) برای آموزش در اختیار هیئت مستشاران روسی قرار داد و آنها توانستند با استفاده از این سواران یک فوج (هنگ) ۸۵ نفری قزاق سوار، برای اولین بار در ایران تشکیل دهند.

فوج (هنگ) سواران قزاق برابر قرارداد منعقد بین دو دولت ایران و روسیه، تابع وزارت جنگ ایران بود و مدت خدمت هیئت مستشاران روسی سه سال تعیین شده بود که این مدت در سال ۲۴۴ شاهنشاهی (۱۲۹۹ هجری قمری) پایان پذیرفت. پس از پایان مدت مأموریت سه ساله کلنل (سرهنگ) دومانتویچ و همراهان او، هیئت جدید مستشاران روسی بریاست کلنل (سرهنگ) چارکوفسکی (Tcharkofsky) وارد ایران شد و فرماندهی قزاقخانه را عهده دار گردید.

کلنل (سرهنگ) چارکوفسکی که مردی بسیار زیرک، باهوش، دقیق و موقع شناس بود، با استفاده از موقعیتهای مناسب به بهانه اینکه امکان دارد قوای قزاق هر لحظه مورد استفاده دولت انگلستان علیه دولت روسیه قرار گیرد، رفته رفته سر از اطاعت وزارت جنگ بیرون زد و زیر فرمان مستقیم شاه قرار گرفت و قزاقخانه را بنام بریگاد (تیپ) قزاق اعلیحضرت همایونی نامگذاری کرد و از آن پس رئیس بریگاد (تیپ) قزاق تابع مستقیم شخص شاه گردید، ولی گزارشات خود را پس از مشورت با وزیر مختار روسیه در ایران بارکان حرب (ستاد) قوای قزاق روسیه در قفقاز ارسال میداشت و از همان طریق نیز برای اداره قزاقخانه ایران دستور میگرفت.

بدین ترتیب کلنل (سرهنگ) چارکوفسکی با زیرکی و موقع شناسی تمام توانست چند بار ملت مأموریت خود را در ایران تجدید نموده و تا سال ۲۴۵ شاهنشاهی (۱۳۱۳ هجری قمری) یعنی حدود ۱۳ الی ۱۴ سال در خدمت دولت ایران و در سمت ریاست بریگاد (تیپ) قزاق باقی بماند.



نمونه‌ای از افراد گارد در دوره قاجاریه

وضع اسرائیل در زمان مظفرالدین شاقا

از: ۲۴۵۴ تا ۲۴۶۵ شنباهی ۱۲۷۴-۱۲۸۵ خورشیدی.

ضعف و بیماری مظفرالدینشاه و مسافرت‌های مکرر او با اروپا برای معالجه و بی‌اطلاعی کامل نامبرده از وضع مملکت باعث گردید که کشور در زمان او با سرعت بیشتری به پرتگاه نابودی و انحطاط نزدیک گردد.

بنابراین ارتش نیز در زمان سلطنت این پادشاه مانند دیگر شئون و امور مملکتی قوس نزولی را پیمود. گرچه در مکاتبات اداری ظاهراً از ۷ فوج (هنگ) در ارتش نام برده میشد ولی این افواج (هنگها) اولاً حداکثر بیش از ۱۰٪ سازمان خود را نداشتند و ثانیاً این نیروها محلی بوده و ضمن نداشتن سازمان صحیح و آموزش لازم، تحت نظر حکام محلی انجام وظیفه میکردند و اغلب بکارهای روزمره غیر نظامی خود مشغول بوده و فقط در روزهای مخصوصی در سربازخانه مربوطه اجتماع و پس از یک حضور و غیاب و گاهی یک رژه کوتاه، دوباره روانه کسب و کار روزانه خود میگرددند. بنابراین نه تنها این نیروها ارزش رزمی نداشتند بلکه بیشتر باعث ناامنی و بی‌نظمی و شرارت شده و خود شریک دزد و رفیق غافلگانه بودند.

با توجه به مراتب مشروح بالا ذیلاً فهرست یگانهای نظامی کشور در این دوره از نظر گرامی خوانندگان ارجمنده میگردد:

الف - یگانهای پیاده سپاه آذربایجان و لشکر پارکابی ولیعهد مقیم تبریز:

- ۱ - فوج (هنگ) بهادران
- ۲ - - - اول خاصه
- ۳ - - - دوم خاصه
- ۴ - - - سوم اقبال
- ۵ - - - چهارم تبریزی
- ۶ - - - مخبران شقاقی
- ۷ - - - امیریه
- ۸ - - - پنجم شقاقی
- ۹ - - - هفتم شقاقی
- ۱۰ - - - هشتم شقاقی
- ۱۱ - - - قهرمانیه
- ۱۲ - - - دوم نصرت
- ۱۳ - - - پنجم ایلام

۱۴ - فوج (هنگ) ناصر تخت قابو	
اول اردبیل و مشکین شهر	== ۱۵
خلخال	== ۱۶
مظفر سراغه	== ۱۷
سوم سراغه	== ۱۸
چهارم سراغه	== ۱۹
هفتم افشار ارومی	== ۲۰
هشتم افشار ارومی	== ۲۱
جدید افشار	== ۲۲
خوی	== ۲۳

ب - یگانهای پیاده پایتخت و باختر ایران:

۱ - فوج (هنگ) مخصوص	
بیات ززند	== ۲
خلیج و ساوه	== ۳
مسعود تهران	== ۴
دماوند	== ۵
درجزینی	== ۶
قدیم خمسه	== ۷
جدید خمسه	== ۸
گروس	== ۹
ظفر کردستانی	== ۱۰
قدیم قزوین	== ۱۱
جدید قزوین	== ۱۲
افشار بکشلو	== ۱۳
افشار خرقان	== ۱۴
سمنان و دامغان	== ۱۵
عرب و عجم	== ۱۶
فیروز کوهی	== ۱۷
سواد کوهی	== ۱۸
لاریجانی	== ۱۹
تنکابنی	== ۲۰
بندی	== ۲۱

۲۲- - فوج - (هنگ) هزار جریبی

۲۳- - دوم هزار جریبی

۲۴- - دودانگه

۲۵- - اشرف و توابع

۲۶- - چهارمحالی

۲۷- - فریدنی

۲۸- - ششم قره گزلو

۲۹- - فدوی

۳۰- - منصور

۳۱- - ملایری

۳۲- - مخبران مرکز

۳۳- - نهاوندی

۲۴- - گوران قلعه زنجیری

۳۵- - سیلاخور

۳۶- - کلهر

۳۷- - زنگنه

۳۸- - پشت کوهی

پ- یگانهای پیاده قسمت خاوری ایران:

۱- فوج (هنگ) قرائی

۲- - جمشیدی

۳- - هزاره

۴- - ترشیزی

۵- - بربری

۶- - تربتی

۷- - امرائی

۸- - قائن

۹- - قدیم قائن

۱۰- - جدید قائن

۱۱- - کرمان

۱۲- - شوکت کرمان

۱۳- - بهادران گرمسیر کرمان

ت - سوارنظام ایران مانند پیاده نظام بصورت فوج (هنگ) نامگذاری نشده بود، بلکه در هر ایالت و ولایت (استان و شهرستان) بنام جماعت یاد شده نامبرده میشدند

وتابع رؤسای ایل یا خوانین خود بودند و در هنگام ضرورت از آنها تعدادی سوار خواسته میشد:

۱ - جماعت	افشار ارومی
۲ - -	صائین قلعه
۳ - -	چهار دولی
۴ - -	سوار مظفر
۵ - -	غلام نصرت
۶ - -	سوار فوجانی
۷ - -	سوار بجنوردی
۸ - -	سوار طبسی
۹ - -	درجزی
۱۰ - -	کلاتی
۱۱ - -	باخزر
۱۲ - -	تیموری
۱۳ - -	جامی

ث - تنها نیروی منظم موجود در این دوره همان بریگاد (تیپ) قزاق بود که به همت افسران روس همچنان بکار خود ادامه میداد و دارای لباس منظم و متحد - الشكل و آموزش خوب بود و از حقوق دائمی نیز استفاده مینمود.

وضع تشریفات «زنان سلطنت محمدعلیشاه قاجار»

از: ۲۴۶۵ تا ۲۴۶۸ شانزدهمی «۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ خورشیدی»

در طول مدت کوتاه سلطنت محمدعلیشاه قاجار نیز ارتش ایران راه انحطاط را پیمود و نه تنها اقدام مثبتی در جهت تکامل آن برداشته نشد، بلکه بعلت ضعف زمامداران و تهی بودن کامل خزانه دولت، حقوق و مزایای عادی نیز بکارکنان ارتش پرداخت نشد و از نیروی نظامی که مبیایستی حافظ نظم و استقلال کشور باشد جز نامی باقی نماند. ولی چون محمدعلیشاه از نظر سیاسی متمایل بروسها بود، در زمان او بریگاد (تیپ) قزاق رونق بیشتری یافت و بر چهار فوج (هنگک) سوار آن، یک گردان پیاده و یک آموزشگاه نظامی نیز اضافه گردید و حقوق و مزایای کارکنان بریگاد (تیپ) قزاق مرتباً از محل درآمد گمرکات شمال بوسیله بانک روس در تهران پرداخت میشد.

فرماندهی بریگاد(تیپ) قزاق همچنان با یک افسر روسی بود که نامبرده دستورات نظامی و سیاسی خود را با مشورت وزیر مختار روسیه در تهران از فرمانده قوای روس در قفقاز می‌گرفت و در ایران بنفع سیاست روسیه بمورد اجراء میگذاشت. همین نیروی قزاق بود که در قیام مشروطیت ایران به اشاره دولت روسیه تزاری، ندای آزادی را در حلقوم هزاران آزادیخواه ایرانی خفه کرد و چه بسیار مردم شریف و بی‌دفاع را فقط بجرم میهن پرستی از دم تیغ تیز گذرانید، ولی پیشرفت آزادیخواهان و فداکاری و جانبازی مداوم آنها وسیل قربانی سبب گردید، محمدعلیشاه از سلطنت برکنار و احمدشاه که طفلی بیش نبود بر تخت سلطنت ایران جای گیرد.



سرهنگ لبخوف فرمانده تیپ قزاق که در قیام مشروطیت به اشاره دولت روسیه تزاری موجب نابودی تعداد زیادی از هم‌میهنان آزادیخواه ما را فراهم ساخت.

وضع‌اش ایران در زمان سلطت لهرشا و معارن کودتا

از: ۲۴۶۸ تا سوم اسفندماه ۲۴۷۹ شاهنشاهی

دوره سلطت احمدشاه قاجار را باید یکی از بحرانی‌ترین و خطرناک‌ترین دوران تاریخ ۲۵۰ ساله شاهنشاهی ایران دانست، زیرا در این دوره، استقلال و تمامیت کشور آنچنان متزلزل گردید که حیات و بقای ایران به موئی بسته بود.

در چنین دوران متلاطم و پیر آشوبی در هیچیک از شئون مملکت قدم مثبتی برداشته نمیشد و همه چیز همزمان میسوخت و نابود میگردد، بنابراین از ارتش نیز جز نامی و از نیروهای مسلح جز شعی در سراسر کشور بجای نمانده بود، ولی در عوض دولت روسیه تزاری برای پیشبرد مطامع و مقاصد خود در ایران و برای مقابله در برابر نفوذ روزافزون دولت انگلستان به تکمیل و تجهیز هرچه بیشتر بریگاد (تیپ) قزاق همت گماشت، تا این نیرو هرچه بیشتر توسعه یابد و عامل مؤثر اعمال قدرت روسیه در ایران گردد. بهمین علت یگانهای قزاق از دروازه‌های تهران به شهرستانهای مرکزی و شمالی ایران نیز راه یافت و بریگاد (تیپ) قزاق به دیویزیون (لشگر) قزاق تبدیل گردید. از نظر آشنائی ذیلاً بطور مختصر سازمان، گسترش، آموزش و وضع اداری دیویزیون (لشگر) قزاق تشریح میشود:

۱ - دیویزیون (لشگر) قزاق دارای یک ارکان حرب (ستاد) و ۹ آتریاد (تیپ مختلط) قزاق بود که خود ارکان حرب دیویزیون (ستاد لشگر) بدو شعبه اجراء و تشکیلات قسمت میشد.

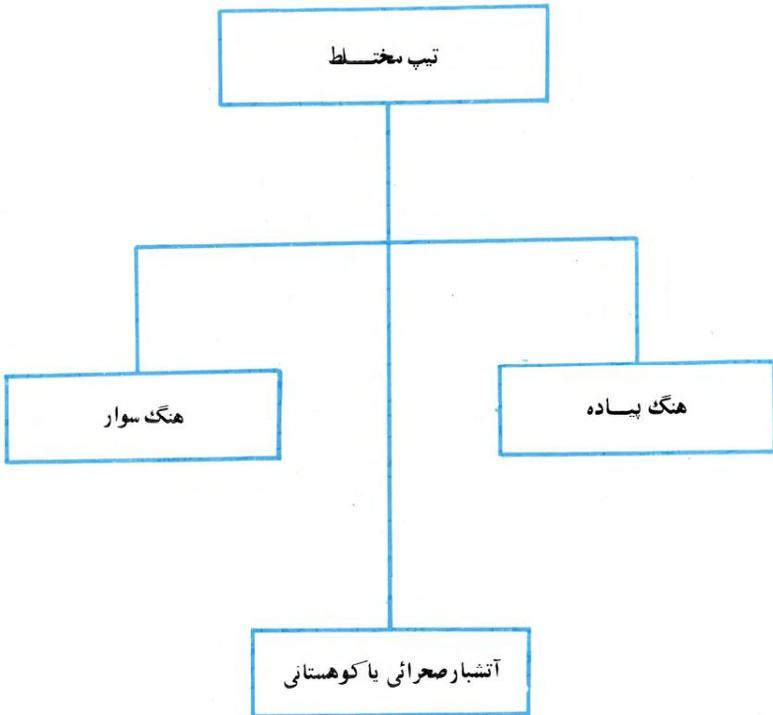
۲ - هر آتریاد (تیپ مختلط) حداکثر از یک فوج (هنگ) پیاده و یک فوج (هنگ) سوار و یک آتشبار صحرائی یا کوهستانی تشکیل میگردد که هر فوج آن حداقل شامل یک گروهان پیاده، یک بهادران سوار و یک آتشبار توپخانه بود.

۳ - هر آتریاد (تیپ مختلط) بنام شهر یا پادگانیکه در آن استقرار داشت نامیده میشدو آتریادهای ۹ گانه دیویزیون (لشگر) قزاق در شهرهای زیر استقرار داشتند:

تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - اردبیل - همدان - مازندران - ارومیه (رضائییه)
۴ - هر آتریاد (تیپ مختلط) حداکثر دارای ۱۲ قبضه و حداقل دارای ۲ قبضه مسلسل شصت تیر بود.

۵ - تفنگها در دیویزیون (لشگر) قزاق عموماً روسی و مسلسلها و توپها، مخلوطی از

نمای سازمان یک تیپ مختلط



یک تیپ مختلط حداقل دارای یک گروهان پیاده و یک بهادران سوار و دو قبضه مسلسل (شصت تیر) بود و حداکثر یک هنگ پیاده و یک هنگ سوار و یک آتشبار صحرائی و یا کوهستانی و ۱۲ قبضه مسلسل (شصت تیر).

روسی و فرانسوی و مهمات آنها کم و غیر کافی بود.

۶ - لباس قزاقها مشابه لباس قزاق روسی بود و برای هر نفر قزاق مبلغ بیست تومان اعتبار در سال در نظر گرفته شده بود.

۷ - بودجه دیویزیون (لشکر) قزاق به ترتیب از طرف بانک استقراضی روس در تهران بحساب بدهکاری دولت ایران فرمانده روسی دیویزیون (لشکر) قزاق پرداخت میشد که معادل ۱۹ بلیون قران (ریال) در سال بود.

۸ - افراد قزاق معمولاً بطور داوطلب وارد خدمت قزاقخانه میشدند ولی در اواخر خدمت بصورت بنبچه در میآمدند و پس از پانزده سال خدمت بازنشسته شده و از حقوق بسیار ناچیز و غیر کافی بازنشستگی استفاده میکردند.

۹ - اسب و قاطر برای حمل و نقل توپخانه و سایر وسایل و تجهیزات و خواربار نظامی، وسیله قزاقخانه خریداری میگردد ولی افراد سوار قزاق هر یک اسب سواری خود را شخصاً تهیه میکردند.

۱۰ - برای نیل بدرجه افسری در دیویزیون (لشکر) قزاق یک مدرسه افسری بنام مدرسه قزاقخانه در تهران تأسیس گردیده بود، که شاگردان آن از بین افراد و درجه داران با سواد ولایت قزاقخانه انتخاب میشدند. در این مدرسه گذشته از برنامه آموزشی دبیرستان، تعلیمات نظامی نیز بدوطلبان داده میشد. کلیه دروس مدرسه قزاقخانه باستانی دروس فارسی، عربی و اصول دین بزبان روسی تدریس میشد و اغلب معلمان آن روسی بودند. شاگردان مدرسه پس از موفقیت در طی دوره بدرجه ستوان دومی نائل میشدند.

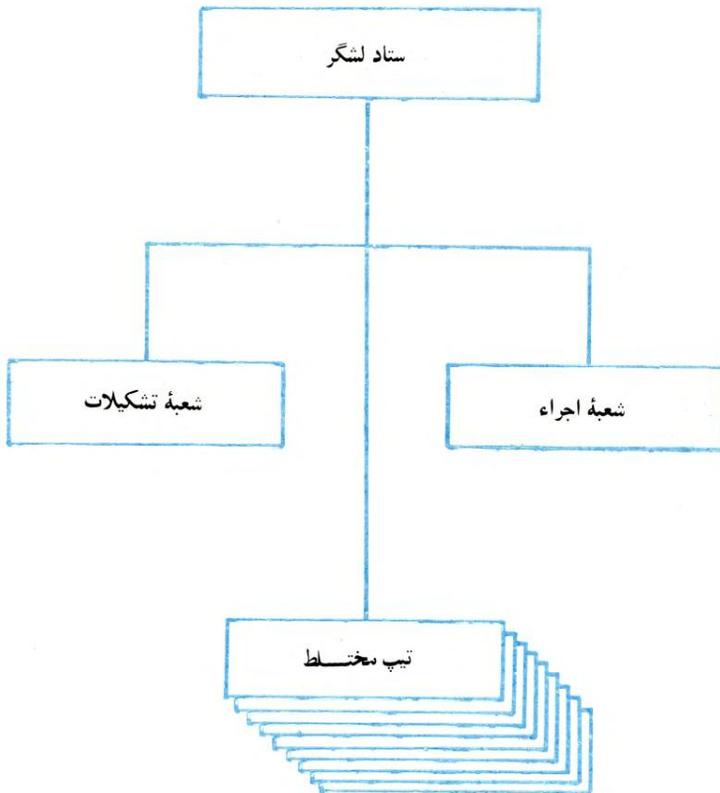
برای نیل بدرجه گروهبانی نیز مدرسه دیگری در دیویزیون (لشکر) قزاق موجود بود که اغلب اولاد گروهبانان و قزاقان در آن پذیرفته شده و پس از پایان دوره بدرجه و کیلی (گروهبانی) نائل میگرددند.

۱۱ - اصول تعلیم و تربیت در مدارس قزاقخانه روسی بود و فرمانهای نظامی بزبانهای مختلف روسی، ترکی، فارسی و یا مخلوطی از آنها صادر میگردد.

۱۲ - فرماندهی دیویزیون (لشکر) قزاق همیشه بایک ژنرال روسی بود ولی در درجات پائین تر افسران روسی و ایرانی توأم خدمت مینمودند، با این تفاوت که در یک درجه مشابه حقوق و مزایای افسران روسی حدود پنج برابر افسران ایرانی بود و این تفاوت فاحش در درجات پائین تر بیشتر میشد و حتی تا پانزده برابر نیز میرسید.

۱۳ - حکم نظامی کل ارتش ایران و یا فرمان همگانی ارتش وسیله ارکان حرب (ستاد) قزاقخانه صادر میشد و بجای فرماندهی کل قوای ایران یک افسر روس آنرا امضاء مینمود. این حکم که نمونه ای از آن جهت آشنائی ارائه گردیده است بدو زبان فارسی و روسی تهیه و بدون احتیاج باظهار نظر و تأیید مقامات ایرانی ابلاغ میگردد.

نمای سازمان لشکر قزاق



ضرورت کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ششم

« ۱۲۹۹ خورشیدی »

در تاریخ ششم مردادماه سال ۲۴۷۳ شاهنشاهی (۱۲۹۳ خورشیدی) برابر با ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۱۴ میلادی جنگ اول جهانی آغاز گردید و با آنکه ایران بیطرفی خود را رسماً اعلام داشته بود، قوای روس از شمال، نیروی انگلیس از جنوب و عثمانیها از باختر وارد ایران گردیدند.

در آن تاریخ قوای ایران عبارت بود از عده‌ای قزاق که از ایران حقوق بگیرفتند و بروسها خدمت میکردند و عده کمی ژاندارم که تحت امر افسران سوئدی مشغول انجام وظیفه بودند و این نیرو ضمن برآکنندگی، بیشتر متمایل به آلمانها بود. بنابراین روسها از شمال، انگلیسها از جنوب، عثمانیها از باختر و عشایر به تحریک آلمانها از داخل وضع مملکت بیدفاع ما را کاملاً آشفته و بحرانی ساخته بودند. در سال سوم جنگ، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (۲۴۷۶ شاهنشاهی) در روسیه بوقوع پیوست و در نتیجه آن بیست هزار سرباز روسی، بعثت تغییر رژیم در کشور متبوعه، مسلح و بی سرپرست در ایران رها شدند و بشارت و راهزنی و غارت پرداختند و سپس دسته‌دسته جنگ افزار خود را بعشایر فروختند و نامنی و نابسامانی جدیدی برای مملکت فراهم نمودند. علاوه در نتیجه جنگ و نامنی، یک قحطی و بدنبال آن چند بیماری همه گیر پیش آمد و گرسنگی و بیماری و مرگ دستجمعی، بر عوامل بدیختی و نامنی و نابسامانی افزود. در این روزهای سیاه که تمام مملکت در آتش نفاق، نامنی، بیماری، قحطی، گرسنگی و برادر-کشی میسوخت، هر کس در گوشه‌ای از کشور به تحریک و پشتیبانی یک دولت خارجی کوس استقلال و ملوک‌الطوایفی و خودمختاری میزد که اهم آنها عبارت بودند از:

- ۱- سید جلال چمنی و میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان.
- ۲- نایب حسین کاشی و پسرش ماشاءاله خان کاشی و رضا جوزانی در کاشان و قم.
- ۳- شیخ خزعل در خوزستان و قسمتی از سواحل خلیج فارس.
- ۴- سردار بهرام خان و دوست محمدخان در سیستان و بلوچستان.
- ۵- ایلات بختیاری در اصفهان.
- ۶- طوایف کهکیویه در بهبهان و مناطق اطراف آن.
- ۷- ایلات قشقائی، شبیانی، باصری، عرب‌خمسه، بویراحمدی، چهار راهی و بعضی از سرکردگان دشتستان و تنگستان در فارس.
- ۸- ایلات میوت و کولان در گرگان.

۹ - خوانین قائنات در قاین و بیرجند.

۱۰ - امیرمؤید سواد کوهی، ساعدالدوله و احسان‌اله‌خان در مازندران.

۱۱ - سید «طه» و طوایف گلباغی و سردار رشید در کردستان و کرمانشاهان.

۱۲ - طوایف سنجایی و باباخانی در مرزهای غربی کشور.

۱۳ - طایفه حسن‌وند در شهرهای نهاوند، ملایر و تویسرکان.

۱۴ - طوایف سگوند و پیرانوند در بروجرد و اطراف آن.

۱۵ - طوایف زلفی و خواجه‌مکویی در شهرهای فریدن، خوانسار و گلپایگان.

۱۶ - اسماعیل آقاسمیتقو رئیس ایل شکاک و اقبال‌السلطان ماکوئی در شهرهای

رضاییه، خوی، ماکو و شاهپور.

۱۷ - قبایل مختلف کرد، آشوری و شاهسون در دیگر شهرهای آذربایجان.

۱۸ - ایلات خمسه و قسمتی از تنگستانیها در سواحل خلیج فارس.

۱۹ - ایلات بلوچ و طایفه باجمالوها در کرمان.

۲۰ - سردار معزز در بجنورد و قوچان.

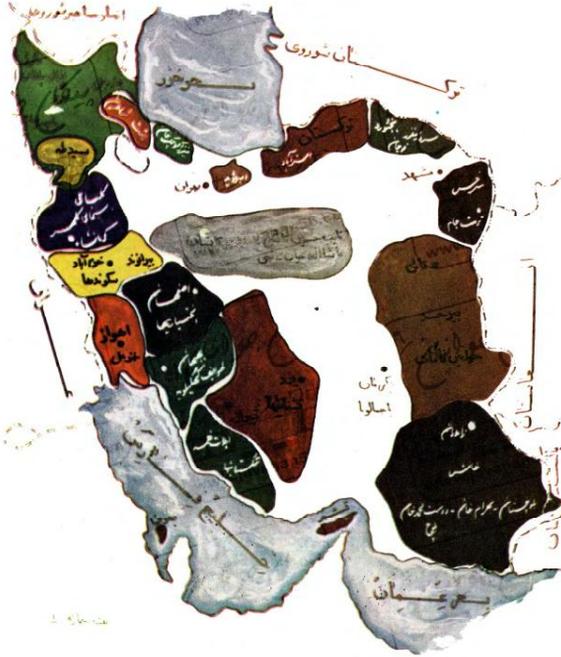
۲۱ - شاهسونها در آستارا.

نه تنها راهها ناامن و شهرستانها بدون تأمین و دهات، مرکز تاخت‌وتاز یاعیان و گردنکشان بود بلکه در شهر تهران یعنی پایتخت مملکت نیز کسی امنیت و رفاه نداشت و هر محله و چهارسوق (چهار راه) وسیله یکی از اوباش قداره‌بند از غروب آفتاب قرق میگردد و عموماً مردم از هول جان شب تا صبح بیدار میمانند.

در زمستان سخت ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) خزانه مملکت بکلی خالی بود و دولت هرچه تلاش کرد نتوانست از بانک شاهی وامی دریافت دارد، چون انگلیسها دادن وام را مشروط به تصویب غائی و نهائی قرار داد ۱۹۱۹ میلادی (۲۴۷۸ شاهنشاهی) نموده بودند که اجرای آن بمنزله تجزیه و تحت - الحمایگی کامل ایران بود.

چند ماه حتی به نیروی قزاق نیز حقوق نرسیده بود و آنها در سرمای زمستان بسیار سخت سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) لباس و غذا نداشتند و مردم نسبت به حیات مملکت بشدت مضطرب و پریشان بودند.

در این لحظه حساس و بحرانی که حیات مملکت به موئی بسته بود، ناگهان دست توانای خداوند بزرگ برای نجات ایران عزیز از آستین یکی از فرزندان قهرمان این آب و خاک بدآید و میرپنج (سرتیپ) رضاخان فرمانده آتریاد (تیپ محتلط) همدان که مأمور جنگ در گیلان بود، در قزوین / . . . قزاق گرسنه و پابرنه را با نیروی ایمان با خود همراه کرد و آماده اجرای کودتا و نجات کشور از سقوط حتمی گردید.



برای بیان ضرورت کودتای سوم اسفندماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹-
خورشیدی) هیچ سخنی رساتر و هیچ سندی گویاتر از نوشته‌های حضرت‌هما یون شاهنشاه
آریامهر بزرگ ارتشتاران نیست که در کتاب «انقلاب سفید» چنین مینویسند:

... در سوم سفند ۱۲۹۹ تقید بر چنین خواست که سرزشت ملت کشمال ایرلام از وضع اسفند
پُرخط‌سره از آنرا تا به پرنگاه سقوط رسیده به خارج شود. در آن زمان چنانکه در کتاب
«مؤریت بلبل و طغم» به تفسیر شرح داده ام، ایران یک از بدترین جوره نامرکطاط خود را میگرداند

تا بدینجا که در سال ۱۲۵۸ این کشور بر دو منطقه نفوذ شمال و جنوب یعنی روس و انگلیس تقسیم شد.
 ولی بدین مقدار زمان با وجود ممالک اروپائی و ممالک جبلتین و تارنفس و قدرت امریکا و سایر ارباب
 جهان کشور آریترستان با سرعت هر چه تمامتر با پیشرفت صنعت و تحف بی ثبات تر قرار گرفت.
 این حوزه نقطه تقریباً از قرن پیش از آن در ایلات آغاز شد و روز بروز فاسدین
 مملکت را با دین مسترته قبیله کرده بود.

در این هنگام بود که یکی از بجز آنیکه تاریخ کهن کشور ما ضعیف با شاهان بود است بوی
 پویست ، یعنی یک فرزند غیر متولد و متهم ایلات قدیم کرد و مملکت را از مملکت تاخت تاراج و
 ملوک الطوائف و بر سر سلطنت نهاد و در آن کوهها که تیره بلار و مترو دست بود تا آنجا که مملکت بود و جاده
 خورشید در راه نیست و ترقی پیش میوه .

- ۱ - قامتش با شانه‌های پهن آنقدر بلند و رسا بود که همیشه در میان جمع از سینه بالا نمایان میشد و همه در برابرش احساس کوچکی میکردند.
- ۲ - سرش متناسب با پیکرش بزرگ بود و حکایت از مغزی متفکر مینمود.
- ۳ - موهایش همیشه بحالت سربازی ساده و بی‌آرایش ترتیب میافت.
- ۴ - پیشانی‌ش بلند و ابروانش پیوسته بود، بر بالای بینی‌اش ضربت جنگ بصورت خط شمشر نقش بسته بود.
- ۵ - چشمانش درشت و نافذ بود و اثری معجزه‌آسا داشت که بهنگام مسرت، سلامت- نفس و مهربانی از آن ساطع میگردد و بهنگام خشم، کسی جرأت ایستادن و نگرستن در آنها را نداشت.
- ۶ - چانه‌اش بازنخدا، گردنش افراشته، بازوانش ورزیده و قامتش راست بود،
- ۷ - هنگام اخذ تصمیم، دستها را بکمر بند می‌آویخت و روی پا تکیه میکرد، صحیح و سریع تصمیم میگرفت و دید رنگ دستور میداد.
- ۸ - ساده روی پیرایه لباس میپوشید، همیشه لباس سربازی را دوست میداشت، بیشتر فکر میکرد و کمتر حرف میزد و هرگاه که لب به سخن میگشود به آرامی تکلم مینمود.
- ۹ - برای اخذ تصمیم در مواردیکه نیازمند شتاب نبود عجله نداشت ولی در کارهای ناگهانی سریع تصمیم میگرفت و برق‌آسا بکار می‌بست.
- ۱۰ - قدرت تشخیص و وسعت دید فوق‌العاده‌ای داشت با یک نگاه تا اعماق قلب مخاطبش را میخواند و از طرز تکلم و گردش چشم او درک میکرد که راست بیگوید یا خدعه میکند، بهمان نسبت که سخت‌گیر و خشن بود، دارای چشم‌پوشی و گلشت و حلم و حوصله نیز بود.
- ۱۱ - حافظه‌ای قوی و حضور ذهنی خارق‌العاده داشت؛ هیچ قیافه و هیچ منظره و هیچ سابقه‌ای را از یاد نمیرد و فراموش نمیکرد و هرکس را بقدر مهری که با او ورزیده بود دوست میداشت. اشخاص و افرادی را که خضوع میکردند و در غیابش خدعه مینمودند، سخت در دل میگرفت.
- ۱۲ - متفکر، متفحص و کنجکاو بود. هرچه را نمیدانست بدون خود خواهی و تکبر میپرسید و می‌آموخت و اصولاً از آموختن لذت میبرد و در این راه ذره‌ای ملاحظه نداشت.
- ۱۳ - برای سلامت خود روش بهداشتی ساده‌ای را دنبال میکرد، ورزش مورد علاقه او راه رفتن بود که در همانحال فکر میکرد و برای پیشرفت مملکت نقشه میکشید و تصمیم میگرفت. مرتباً مأمورین و مسئولین را مورد پرسش قرار میداد. خرده‌گیر و



(رہبر نامدار کودتا)

وموشکاف و تیزبین بود و هیچ مسئله کوچک و کم اهمیتی را از نظر دور نמידاشت. ۱۴ - قدرت را برای حفظ مملکت و بقای امنیت و پیشرفت صنعت و تجارت و کشاورزی و گسترش فرهنگ و تمدن لازم میدانست و همین دلیل ارتش را همیشه نیرومند میداشت و خود در پیشاپیش صف سربازان همیشه سرباز بود.

۱۵ - عشقی سرشار و وصف نشدنی به میهن و زادگاهش داشت و مردان وطن پرست را احترام میگذاشت، با اجنبی از هر گروه و هر دسته ذاتاً دشمن بود و با هیچ بیگانه‌ای بهیچ بهانه‌ای نمیجوشید، عاشق اصلاحات و ترقی و تعالی ایران بود و میل داشت که در عصر و زمان خودش بتمام آرزوهایش در مورد ایران جامه عمل بپوشاند.

۱۶ - هروقت عصایش را بعلامت اشاره نشان میداد هنگامی بود که میخواست یک نقطه را مرکز قرار دهد و بشعاع اندیشه بزرگ خود آن محیط را آباد سازد، او عاشق عمران و آبادانی بود و آرزو داشت که ایرانی در عالیترین درجه رفاه و امنیت و آسایش زندگی کند.

۱۷ - خانواده و فرزندان را بسیار دوست میداشت، هرکس خانواده خود را دوست داشته باشد بالطبع وطنش را بیشتر دوست خواهد داشت، او با موهای سپید، پدر ملت ایران بود و ما سربازان، او را فرماندهی مقتدر و رهبری عالیقدر میدانیم و معتقدیم که اساس و بنیاد ارتش نوین ایران بپست توانای او پی‌ریزی گردیده و نیروی زمینی شاهنشاهی مخلوق اوست.

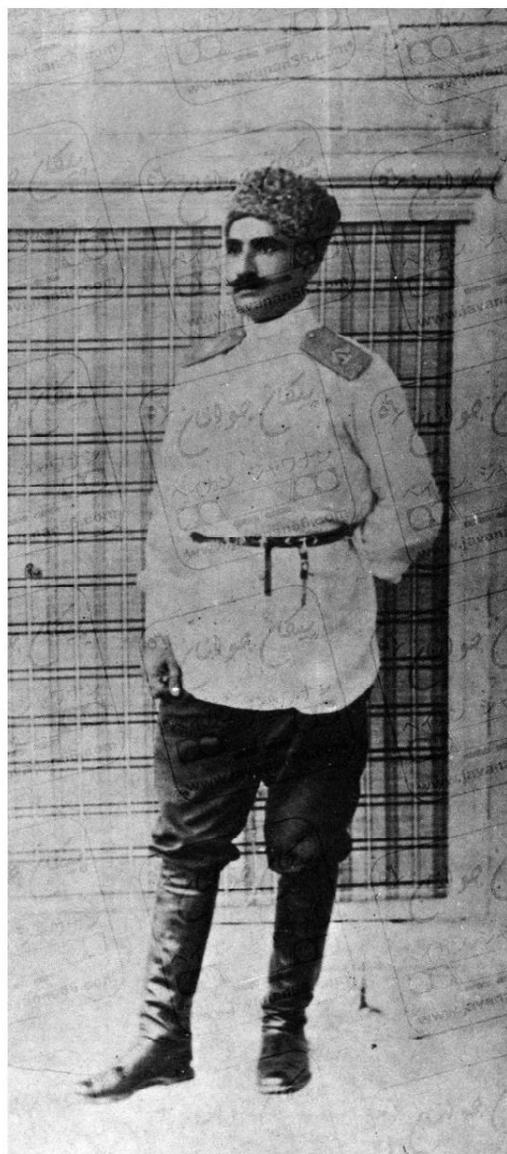
چگونگی کودتای سوم اسفند

همانطور که قبلاً اشاره شد قزاقهای تیپ مختلط همدان بفرماندهی رضاخان میرپنج (سرتیپ) پس از تحمل رنج اردو کشی و صدمات جنگ با بلشویکها به قزوین وارد گردید و رأی آقا با واقع در بیست کیلومتری شمال غربی قزوین اردو زدند در حالیکه حتی کفش و بالاپوش مناسب نداشتند و در تهران هم کسی ب فکر آنها نبود.

مملکت در آستانه سقوط قرار داشت و میرپنج (سرتیپ) رضاخان که در تب عشق باین آب و خاک میسوخت شب و روز فکر میکرد، بالاخره تصمیم گرفت که با قوای تحت فرمان خود بطرف تهران حرکت کند و خواسته‌های خود را از نزدیک بگوش زمامداران تهران برساند و در صورت لزوم برای احقاق حق سربازان خود و نجات کشور متوسل بزور گردد.

بدین ترتیب قوای قزاق بفرماندهی میرپنج رضاخان در اواخر بهمن ماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) از قزوین بسوی تهران حرکت نمود. خبر نزدیک شدن آتریاد (تیپ مختلط) همدان به تهران، هیأت دولت و مسئولین امور را سخت متوحش کرد و سردار همایون رئیس جدید دیویزیون (لشکر) قزاق مأموریت یافت که با میرپنج (سرتیپ) رضاخان وارد مذاکره شود و او را از ورود به تهران





رضاخان بهلوی اندکی پیش از کودتا

منصرف کند و به قزوین بازگرداند.

سردار همایون در خارج تهران با میرپنج رضاخان وارد مذاکره شد ولی در برابر عزم راسخ و خلل ناپذیر رضاخان که برای نجات کشور قیام کرده بود توفیق بدست نیاورد و به تهران مراجعت نمود.

هیئت دولت پس از گفتگو و تبادل نظر و مشاوره طولانی چنین صلاح دیدند که برای جلوگیری از خونریزی، کارهای دیویزیون (لشکر) قزاق تهران به میرپنج رضاخان سپرده شود و نامبرده بعنوان تصدی مقام جدید وارد تهران گردد.

بدنبال این تصمیم در بعد از ظهر روز دوم اسفند ماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی سردار همایون به کاخ فرح آباد به نزد احمدشاه احضار گردید و پس از مذاکره طولانی مقرر شد که نامبرده از فرماندهی دیویزیون (لشکر) قزاق استعفا بدهد. سردار همایون در امثال امر شاه همان روز مستعفی شد و مراتب در حکم قشونی شماره ۱۷ بشرح زیر بفرود افسران و افراد قزاقخانه ابلاغ گردید:

حکم شماره ۱۷ بتاریخ دوم حوت ۱۲۹۹ (۲۴۷۹ شاهنشاهی)

از طرف ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه اینجانب بقصر فرح آباد احضار و پس از تشریف بخاکپای مبارک و ابراز مراحم ملوکانه و اظهار رضایت از خدمات مرجوعه چنین امر و مقرر فرمودند:

نظر با وضاع حاضره خود را از خدمت دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایون معاف بدانند لذا برحسب امر مذکور و حکم شماره ۷۹۶۴ وزارت جلیله جنگ انفصال خود را بعموم صاحب منصبان محترم و افراد صدیق و خدمتگذار دیویزیون قزاق اعلام داشته و عظمت و شوکت و اقتدار ایشان را در حفظ مملکت و خدمت پیدادشاه محبوب از خداوند متعال مسئلت مینمایم.

سردار همایون قاسم

بدنبال حکم فوق و انفصال سردار همایون، رضاخان میرپنج (سرتیپ) از همان تاریخ بفرماندهی دیویزیون (لشکر) قزاق تهران منصوب گردیده و بلافاصله حکم شماره ۱۸ بشرح زبیر از طرف رضاخان به دیویزیون (لشکر) قزاق ابلاغ شد:

حکم قشونی شماره ۱۸ دوم حوت ۱۲۹۹ (۲۴۷۹ شاهنشاهی)

اینجانب از طرف قرین الشرف اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری بریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایون ارواحنا فداه برقرار گردید.

بموجب این حکم خود را بتمام قسمتها و حضرات صاحبمنصبان و افراد دیویزیون معرفی نموده و اعلام میدارد که از دوم حوت احکام اینجانب را بر خود فرض شمرده و بموقع اجراء بگذارند.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی - رضا

هیأت دولت و مسئولین حکومت مرکزی امیدوار بودند که با ابلاغ مقام جدید، رضاخان بدون قوای تحت فرمان خود وارد تهران خواهد شد و با این ترتیب کودتای مورد نظر او صورت عمل بخود نمیگیرد. ولی برعکس مشاهده شد که رضاخان بهیچوجه از مقصود و منظور مقدس خود منصرف نگردد و برای نجات کشور تصمیم گرفت که با قوای تحت فرمان خود وارد تهران گردد و قبل از حرکت نطق کوتاهی بشح زیر برای افراد تحت امر خود ایراد نمود:

بمقتضای این عزیز: همه شما تا آنجا میگردید که برادران و اقارب
 و خرد و خرد نداشتند که در این راه. همه ما جسم در جنگها و با تلامه که گمان با سکر در سینه
 پوشش پاره پاره زیر بارانها سیر اسب سینه خود را کج گلوله بالشتی و متجا نریختیم
 و سربازان باید استراحت کرد. با این فداکارها میماند مثنی از خائنین مرکز را حفظ کردیم و در
 برابر این همه جانفشانی حال بی نظیر است که ما را در پیجه جیبات افسران رو می بینند
 حاضر نشدند با ما هم آهنگ کنند.

اینها با اسیر جانان و طبع فریاد است نازد. این حال بحسب همان صورت است
 هستند در خیزش ملت را همچو کینه میباید بکشند و در سربازان وطن پرست میباید
 اینست ما میرویم حقیق حق نموده استقام نمودند و از این غرض فاسد و کفر گریزیم و
 برای اینکه هنگام ورود بیست و دست خالی بنده و پیش طغیان خود شرمند نباشند
 دستور دادم فوراً بر درجه داران سی توپ و بر فرآهنا بیست توپ نامه داده شد.



رهبر کودتا در میان افراد تحت فرماندهی خود «تیب مختلط همدان» و زبیل از کودتا.

بدین ترتیب، در شب سوم اسفندسال ۲۴۷۹ شاهشاهی نیم ساعت پس از نیمه شب، هنگامیکه سکوت محض بر تهران مستولی بود، رضاخان میرپنج (سرتیب) با قوای تحت فرمان خود بتهران وارد شد و با اینکه سپه‌دار اعظم پیش از وقت معاون خود را برای جلوگیری از ورود قزاقها بتهران، با واحدهای بریگاد (تیپ) مرکزی بجلو فرستاده و دستور داده بود خندقهای میان دروازه گمرک و دروازه قزوین را تا حدود باغشاه بوسیله سوارنظام و توپخانه بگیرند، چون هیچک از افسران و افراد دل‌خوشی از اوضاع آن روز نداشتند و نگران آینده نبودند، هنگام ورود قزاقها نه تنها عکس - العملی از خود نشان ندادند بلکه با نیت ایشان موافق و همراه شدند و بدنبال آنان براه افتادند.

باقیمانده رژیمان (هنگ) اول یوسف‌آباد و رژیمان (هنگ) دوم باغشاه در این موقع در سربازخانه‌های خود بودند و ظاهراً از ورود قوای جدید بشهر اطلاع پیدا نکردند. تنها نیروی شهربانی بریاست سرتیب «وستد» اهل سوئد در مقام مقاومت و ممانعت از دخول قزاق برآمد و پس از زد و خوردی مختصر و دادن چند کشته و مجروح خود را کنار کشید و در نتیجه عمارت شهربانی و کمیساریهای (کلانتریهای) ده‌گانه تهران یکی پس از دیگری بتصرف نیروی قزاق درآمد و کودتائی آرام و بی‌خونریزی و بی‌ارزش صورت یافت و رضاخان میرپنج (سرتیب) از فردا امور قزاقخانه را رسماً بعهده گرفت و شروع بکار نمود.

پایان ضعف و آغاز قدرت

اولین اعلامیه رهبر کودتا:

حکم میکنم مواد مصرحه ذیل را مردم تهران نصب‌العین قرار داده و فرداً فرد تشریک مساعی نمایند و در صورت تخلف شدیداً عقوبت خواهند دید:

- ۱ - تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع اوامر نظامی باشند.
- ۲ - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت ۸ بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و مأمورین انتظامی شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.
- ۳ - کسانیکه از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون بمخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.
- ۴ - تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت بکلی موقوف و بر حسب حکم و اجازتهای که بعداً داده خواهد شد باید منتشر شود.
- ۵ - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از ۳ نفر گردهم باشند با قوه قهریه متفرق و جلب خواهند شد.

۶ - تا دستور ثانوی تمام مغازه‌های مشروب‌فروشی و تئاترها و قمارخانه‌ها و کلویها تعطیل است و هر کس مست دیده بشود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

۷ - تا زمانیکه دولت تشکیل نشده است ادارات و دوایر دولتی بآستانای اداره ارزاق تعطیل خواهند بود، پستخانه و تلگرافخانه و تلفونخانه هم مطیع این حکم خواهد بود.

۸ - کسانی که از اطاعت مواد فوق سرپیچی نمایند به محکمه نظامی جلب و بسخت‌ترین مجازات خواهند رسید.

۹ - کاظم‌خان بست کماندانی شهر انتخاب و معین میشود و مأمور اجرای مواد فوق است.

چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۳۹

رئیس دیویزیون قزاق و فرمانده کل قوا - رضا

جنگل فداکاران
بر بزرگداشت
دولت مرکزی

سردار نامدار ایران، پس از کودتای سوم اسفند سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) برای آغاز اصلاحات در کشور، نخست استقرار نظم و امنیت را لازم دید، بنابراین برای ایجاد قدرت مرکزی و مبارزه با ملوک الطوائفی، جدالی میان خود را با یاغیان و گردنکشان آغاز نمود.

افسران، درجه‌داران و سربازان دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی که فرماندهای لایق و رهبری مقتدر یافته بودند، جان بر کف بفرمان سپهسالار خود، بر صف یاغیان و بیگانگان پرستان تاختند و مزدوران اجنبی را یکی پس از دیگری از آشیانه‌های فساد و از آغوش بیگانگان بیرون کشیده و در زیر چکمه‌های خود نابود ساختند.

گرچه جدالها بسیار و فداکاریها بی شمار است و در هر گوشه‌ای از خاک این کشور، خون‌شهدی گلگون کفن، برای حفظ میراث گرانبهای این سرزمین کهنسال و رفاه و امنیت ملت شریف آن برخاک ریخته، که شرح تمام آنها از فرصت موجود متجاوز است ولی ما خوانندگان ارجمند را با اهم عملیات انجام شده ذیلاً آشنا مینمائیم:

غائله کیلان یا شورش جنگل

- ۱ - منطقه عمل: استان کیلان و بویژه شهر رشت و جنگلهای اطراف آن.
- ۲ - منظور شورشیان: در آغاز مبارزه با سپاهیان روس در جنگ اول جهانی و جلوگیری از هتک نوامیس و غارت اموال مردم، که سپس با ورود بلشویکها منظور عوض

شد و به تشکیل جمهوری دموکراتیک گیلان و جدا کردن مناطق ساحلی دریای خزر از ایران انجا مید.

۳ - علت بوجود آمدن شورش: تجاوز سپاهیان روسیه تزاری در جنگ اول جهانی به اموال و بخصوص نوامیس مردم منطقه وضع دولت مرکزی در اعاده نظم و امنیت کشور، همراه با فقر همگانی و تحریکات خارجی.

۴ - کشور پشتیبان: نخست امپراطوریهای آلمان و عثمانی و سپس روسیه شوروی سوسیالیستی.

۵ - استعداد و ترکیبات شورشیان: حدود - / . . . نفر تفنگچی و مسلسلچی سوار و پیاده.

۶ - جنگ افزار شورشیان: تفنگ، مسلسل دستی روسی و ماوزر آلمانی.

۷ - مشخصات رهبر شورش جنگل:

میرزا کوچک خان مردی بود چهارشانه، قد بلند، خوش سیما، با موهائی بور و و چشمانی زاغ، اهل قریه زیدخ از توابع فومنات رشت. میرزا کوچک خان نخست از طلاب علوم دینی بود و سپس بعنوان یک روشنفکر مذهبی در جنگ جهانی اول در سال ۲۴۷۳ شاهنشاهی (۱۲۹۳ خورشیدی) تعدادی را بدور خود جمع کرد و کم کم

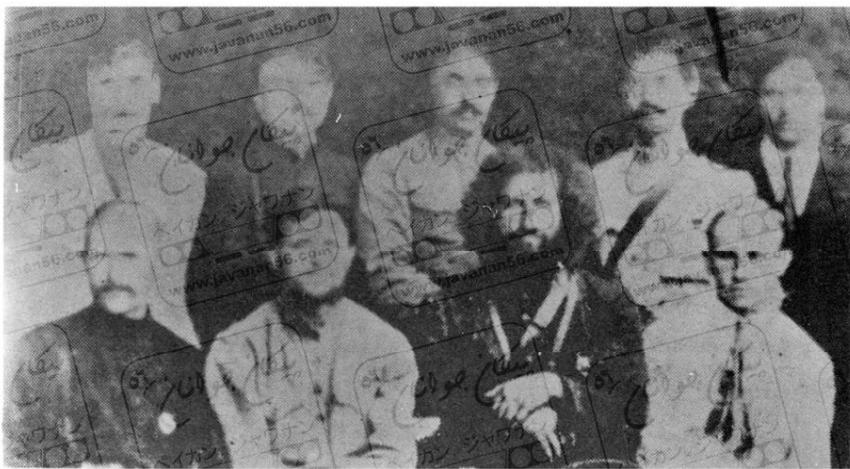


میرزا کوچک خان جنگلی « رهبر شورش جنگل »

دارای طرفداران بیشتری شد و بهمین علت توجه کشورهای خارجی بسوی او جلب گردید و در صدد برآمدند که از شخصیت و حس وطن پرستی او برای پیشبرد مقاصد سیاسی و نظامی خود در ایران استفاده نمایند. بعلم فوق نخست عواملی از امپراطوری آلمان و عثمانی او را بسوی خود جلب کردند و سپس تحت فشار بلشویکها تابع سیاست روسیه شوروی گردید و امکاناتش را در راه نیل به هدفهای دولت شوروی-سوسیالیستی بناچار بکار گرفت.

۸- شرح چگونگی شورش:

در سال ۲۴۷۷ شاهنشاهی (۱۲۹۷ خورشیدی) دولت کمونیستی روسیه شوروی پس از کشمکشهای بسیار موفق شد موقتاً بر اوضاع داخلی خود مسلط گردیده و توجه مرزهای روسیه و دنبال کردن طرح گسترش انقلاب کمونیسم و جهانگشائی در ایران و خلیج فارس شود. برای وصول به هدف فوق دولت روسیه نخست عمال حزب کمونیست و عناصر اطلاعاتی ورزیده خود را بدو استان گیلان و آذربایجان اعزام نمود و دنبال آن تعدادی از ترکهای قفقاز و ارمنه تبعه شوروی را با نامهای مستعار بگیلان و آذربایجان نفوذ داد و در پوشش فعالیتهای بازرگانی و بنام کالاهای تجارتنی، سیل سلاح و مهمات را باین منطقه سرازیر نمود و در ضمن باشاعه و آموزش عقاید کمونیسم بین مردم ساده دل و بیسواد منطقه پرداخت و با توزیع سلاح بین آنها بر هر چه موجود در منطقه افزود. میرزا کوچک خان که خود را بدون پشتیبانی یک کشور خارجی در تأمین هدفهایش ناتوان میدید، تلاش میکرد تا پشتیبانی یک دولت مقتدر خارجی را جلب نماید. لذا پس از



میرزا کوچک خان با باران خود «نفر اول نشسته از راست با کراوات بکنفر آلمانی است»

شکست امپراطوری آلمان و عثمانی در جنگ اول جهانی متوجه دولت نوظهور و ناشناخته جدید روسیه شوروی سوسیالیستی شد و در سال ۱۹۱۷ شاهنشاهی (۱۳۹۹ خورشیدی) بدامن کمونیزم شوروی افتاد و با استفاده از پشتیبانیهای بیدریغ روسیه شوروی، حکومت گیلان را مبتنی بر تغییر رژیم سلطنت اعلام و با نیروی تحت امر خود در جنگلهای اطراف رشت متمرکز گردید. بعثت ناتوانی نیروهای دولتی در محل وعدم توجه دولت مرکزی، نیروهای جنگلی کم کم در شهرها و بویژه شهر رشت نفوذ کرده و مأمورین دولتی را بازداشت و روانه تهران کردند و خود کنترل کامل شهر رشت را در دست گرفتند و اقدام به تهیه پرچم و تمپر حکومت گیلان نمودند که در آنها آثار و علائم شاهنشاهی ایران بیچشم نمیخورد و خطوط اصلی علائم بر مظاهر کمونیسم استوار بود.

۹ - اولین واکنش دولت مرکزی:

دولت مرکزی پس از آگاهی از وضعیت اسفبار گیلان و تعدیات بلشویکها و شورشیان مردم منطقه، درصدد اعزام نیرو به گیلان برآمد و اولین ستون اعزامی مرکب از دوگردان قزاق و یک گروهان مسلسل سنگین به استعداد تقریبی ۱۵۰۰ نفر بفرماندهی یاور نصراله خان خلعتبری به گیلان اعزام گردید. ستون اعزامی بشهر رشت نزدیک شد ولی میرزا کوچک خان با مشورت کشور پشتیبان خود، در صدد مقابله با نیروی اعزامی برنیامد و تصمیم گرفت که این نیروی اندک را بداخل شهر کشانیده و سپس با تطمع فرمانده آنها، نیرو را بقوای خود ملحق سازد و یا در داخل شهر آنها را محاصره و خلع سلاح نماید. بنا بر این ستون اعزامی بدون برخورد بکوچکترین مانعی وارد شهر رشت شد و در پادگان نظامی شهر استقرار یافت، ولی شهر رشت همچنان در تحت سلطه بلشویکها و نیروی جنگلی قرار داشت.

پس از استقرار نیروی اعزامی در سربازخانه رشت، میرزا کوچک خان با میدپیوستن نیروی قزاق بقوای جنگلی با یاور نصراله خان وارد مذاکره شد و بنا بر موده بسیار داد ولی یاور نصراله خان که افسری شریف، رشید و باهوش بود، پیشنهادات و مواعید میرزا کوچک خان را نپذیرفت و تصمیم گرفت در مقابل نیروی جنگلی تا آخرین نفس مقاومت نماید. میرزا کوچک خان از پیوستن ستون اعزامی به نیروی خود ناامید گردید ولی رابطه خود را در ظاهر با فرمانده ستون حفظ کرد و در یک فرصت مناسب از نامبرده دعوت نمود تا با کلیه نیروهای قزاق و افسران مربوطه در سبزه میدان رشت حضور یافته و در گردهم آئی بزرگی که شخص او در آن سخنرانی خواهد کرد شرکت نمایند.

فرمانده دلیر و شرافتمند و باهوش قزاق فوراً خطر را احساس کرد و بمنظور

جلوگیری از غافلگیر شدن دستور داد که فقط ثلث نیرو در سبزه میدان متمرکز شده و دوثلث بقیه در سربازخانه باقی بمانند و برای مقابله با تهدید احتمالی نیروی جنگلی حالت پدافندی اتخاذ کنند.

برابر تدبیر یاور نصراله خان ثلث قوای قزاق بسرپرستی شخص او در سبزه میدان استقرار یافتند. آرایش میدان باین ترتیب بود که دریک ضلع نیروهای جنگلی بفرماندهی میرزا کوچک خان و در ضلع روبروی آن نیروی قزاق بفرماندهی یاور نصراله خان خلعتبری و دو ضلع دیگر میدان مردم رشت و حومه در صفوف فشرده قرار گرفته بودند.

میرزا کوچک خان نطق خود را با انتقاد از سلطنت و دولت مرکزی آغاز نمود و سپس با اعلام استقلال کابل جمهوری گیلان بسرخنان خود پایان داد و در آخر تسلیم بلاشرط نیروی قزاق را در همان میدان از فرمانده آن خواستار گردید.

در این لحظه بحرانی و خطرناک، برخلاف انتظار میرزا کوچک خان و جمعیت حاضر در میدان، ناگهان یاور نصراله خان فرمانده قزاق بوسط میدان رفت و با کمال شهامت نخست با صدائی رسا به افراد خود فرمان پیش‌فنگ داد و سپس شمشیر بر کف فریاد برآورد:

«گیلان جزئی از خاک ایران است. ما استقلال گیلان و جمهوری قلابی آنرا برسمیت نمی‌شناسیم. ما تسلیم اشرار نمیشویم. زنده باد شاهنشاه ایران، پانینه باد ایران»

... سپس به نیروی قزاق که هنوز در حال پیش‌فنگ بودند، فرمان هورا داد. قزاقها بسلامتی شاه هورا کشیدند و مردم میهن‌پرست رشت نیز که از اینهمه رشادت بهیجان آمده بودند در کشیدن هورا با قزاقان هم‌آهنگ شدند.

صدای کف زدن و ابراز احساسات جمعیت، همراه با صدای غرش هوای قزاقان در سایه برق شمشیر و اراده آهنین فرمانده ستون قزاق، وضعیت را سریعاً برفع نیروی قزاق در میدان تغییر داد. میرزا کوچک خان که کاملاً غافلگیر و مسحور گردیده بود، قدرت اتخاذ تصمیم نداشت و از آن میترسید که اگر دستور نک بقوای قزاق را صادر نماید، مردم حاضر در میدان بر علیه نیروی او شورش کنند و با کمک نیروی قزاق شهر را متصرف گردند.

یاور نصراله خان از احساسات مردم و تردید میرزا کوچک خان بلافاصله استفاده نمود و قوای خود را با قدسهای محکم از جلوی جمعیت حاضر در میدان رژه برد و بسربازخانه مراجعت نمود. نیروی قزاق بلافاصله پس از مراجعت بسربازخانه مشغول مستحکم نمودن مواضع خود گردید و با قراردادن کیسه‌های شن در نقاط مناسب و مسلسل روی بامها، خود را برای مقابله با عکس‌العمل نیروی جنگلی آماده نمود.

نیروی جنگلی شبانه سربازخانه رشت را محاصره نمود و زدوخورد بین طرفین با شدت هرچه بیشتر از نیمه شب آغاز گردید. قزاقان شجاع توانستند ۴ ساعت در مقابل شورشیان ایستادگی کرده تلفات سنگینی بآنها وارد نمایند، ولی کم کم مهملات و خواربار موجود در سربازخانه روبکاهاش نهاد و نیروی قزاق با توجه بقطع امید از کمکهای دولت مرکزی فقط دو راه در پیش داشت، یا تسلیم بدون قید و شرط به نیروهای جنگل و یا شکستن خط محاصره و فرار بجنگلهای اطراف رشت. یاور نصراله خان راه کار اخیر را انتخاب نمود و دستور داد که در زیر آتش شدید مسلسلها شبانه دیوار مشرف بخارج شهر شکافته شود و نیروی قزاق با جنگ و گریز دسته دسته و نفر به نفر از آن شکاف خارج و قبل از پایان تاریکی شب در جنگلهای اطراف رشت پنهان گردند. مراتب عیناً اجرا شد و قوای قزاق با دادن تلفات از سربازخانه خارج و در گردنه «نقله بر» حالت پدافندی اتخاذ نمود و مراتب را بمرکز گزارش و تقاضای کمک کرد.

۱۰- تصرف بندر پهلوی بوئیله دولت شوروی

۱۰- در نتیجه شکست قوای قزاق و استقرار کامل حکومت میرزا کوچک خان در رشت، دولت روسیه شوروی فرصت را مناسب یافت و با چند کشتی حامل نیرو از بندر بادکوبه حرکت و بندر انزلی (پهلوی) را در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ هجری شاهی یعنی ۱۰ ماه قبل از کودتا اشغال نمود.

در تهران دولت مرکزی با تمام تلاش میکوشید تا نیروئی را تجهیز کرده و برای دفع غائله گیلان اعزام دارد ولی متأسفانه خزانه دولت تهی بود. در این موقع دولت بناچار از ملت کمک طلبید و مردم با وجودی که خود در منتهای تنگدستی بسر میبردند برای نجات قسمتی از خاک میهن و برای تجهیز قوا هرچه داشتند پرداختند و حتی آنهاییکه توانائی مالی کافی نداشتند با دادن جوراب پشمی و یا زیرپیراهن و غیره دولت را در راه وصول به هدف که عبارت از الحاق مجدد گیلان به میهن بود یاری نمودند.

۱۱- استعداد و ترکیبات دومی ستون اعزامی به گیلان:

در نتیجه تلاش دولت و تمام مردم وطن پرست ایران نیروئی با استعداد ۱۰۰۰۰ نفر شامل عناصر مشروحه زیر آماده اجرای مأموریت گردید:

الف- دو آتریاد (تیپ مختلط) قزاق.

ب- یک هنگ مختلط سرباز شامل، یک گردان پیاده - یک گردان سوار - یک آتشبار توپخانه کوهستانی شنیدر.

پ- یک رژیمان (هنگ) مختلط ژاندارم.

۱۲- ستون اعزامی بفرماندهی ژنرال روسی تبعه ایران استار و سلسکی و معاونت

سرتیپ رضاخان پهلوی (فرمانده تیپ مختلط قزاق همدان) و ریاست ستادی کلنل حبیب‌اله‌خان شیبانی عازم گیلان شد.

۱۲ - شرح عملیات مرحله دوم:

الف - ستون اعزامی از تهران بطرف رشت حرکت کرد و از منجیل گذشت، انگلیسها که موقعیت را خطرناک دیدند، از ترس و وصول قوای شوروی به تهران و در خطر افتادن هندوستان بلافاصله نیروئی از پلیس جنوب بطرف شمال اعزام و در ارتفاعات منجیل مستقر نمودند، تادر صورت شکست نیروهای ایران راه وصول نیروی جنگلی را بطرف جنوب سدود سازند و در ضمن کمکهایی نیز از نظر پوشاک، خواربار، جنگ افزار و مهمات بقوای اعزامی نمودند، که دو دستگاه زره پوش و دوفروند هواپیمای شکاری نیز جزو این کمکها بود.

ب - میرزا کوچک خان برای مقابله با نیروی اعزامی از شهر رشت خارج شد و در جنگلهای جنوبی آن مواضع پدافندی اشغال نمود. در این موقع قوای شوروی نیز برای پشتیبانی نیروی جنگلی از بندر انزلی خارج شده شهر رشت را تصرف نمود و رده عقب نیروی جنگلی را تشکیل داد.

پ - نیروی اعزامی در حدود گردنه «تقله بر» یا قوای جنگلی تماس حاصل نمود و پس از ۱۵ شبانه روز زد و خورد خونین، نخست نیروی جنگلی منهدم و بسوی جنگلهای اطراف متواری گردید و سپس نیروی شوروی را وادار به ترک شهر رشت نمود و ضمن تصرف شهر رشت مقادیر قابل توجهی توپ، تفنگ، مسلسل، آذوقه و مهمات به غنیمت گرفته شد.

ت - نیروهای شوروی که غافلگیر شده و بسرعت شهر رشت را تخلیه نموده بودند، بطور محرمانه با ژنرال استار و سلسکی تماس برقرار نموده و اورا تطمیع نمودند که موقتاً به بهانه‌ای شهر رشت را تخلیه نماید تا روسها بتوانند خواربار، سلاح و مهمات خود را با خود به عقب ببرند.

ث - بدنبال این توافق خائنه ژنرال استار و سلسکی فرمانی صادر کرد که چون شهر رشت از هر طرف وسیله نیروهای شوروی و نیروهای جنگلی در محاصره قرار گرفته و احتمال می‌رود نیروی قزاق غافلگیر و منهدم شود، لذا سریعاً باید شهر رشت تخلیه گردد. نیروی قزاق بناچار در اجرای فرمان فرمانده خود شهر رشت را تخلیه نمود و بلافاصله شهر وسیله نیروهای شوروی اشغال گردید و ضمن جمع آوری و حمل تمام آذوقه و سلاح و مهمات به بندر انزلی خسارات زیادی نیز به شهر وارد نمودند و ضمن چپاول مردم بازار را هم به آتش کشیدند.

ج - پس از خاتمه عمل فوق روسها دوباره شهر را برابر قرار قبلی تخلیه نمودند و به بندر انزلی رفتند و مجدداً ژنرال «استاروسلسکی» فرمان تصرف شهر رشت را صادر نمود.

چ - در اینموقع اولین کسی که بغیانت ژنرال «استاروسلسکی» و افسران روسی نیروی قزاق پی برد سرتیپ رضاخان پهلوی معاون ستون اعزامی بود. سرتیپ رضاخان شبانه افسران خود را جمع کرد و ضمن تشریح چگونگی خیانت ژنرال «استاروسلسکی» دستور داد که شبانه کلیه افسران روسی ستون اعزامی دستگیر و زندانی شوند و مراتب را به احمدشاه تلگرافی گزارش نمود.

ح - احمدشاه تلگرافی دستور داد که افسران روسی تحت الحفظ به تهران اعزام گردیده و رضاخان پهلوی تا دستور ثانوی فرماندهی ستون اعزامی را عهده دار شود.

خ - افسران روسی به تهران اعزام گردیدند و سپس از طریق بغداد از ایران خارج شدند.

د - سرتیپ رضاخان پهلوی پس از احراز مقام فرماندهی ستون به تجهیز نیروهای خود پرداخت و با اجرای زدوخوردهای پراکنده نیروهای جنگلی را کاملاً منهدم و عده‌ای از سران آنها از جمله خالوقربان و دکتر حشمت را وادار به تسلیم نمود و میرزا کوچک‌خان نیز با عده بسیار کمی از یاران خود مجبور به فرار طولانی گردید و آنقدر عقب نشست و فرار کرد تا بالاخره در نقطه دور افتاده‌ای از جنگل (گدوک یا بند طالش) میان برف و سرما و طوفان جان سپرد (ربیع الثانی ۱۳۴ هجری قمری آذر ماه ۲۴۸۰ شاهنشاهی) سر او را یک نفر از افراد طالش بنام «رضاسکستانی» از تن جدا کرد و بامید دریافت جایزه تحویل قوای دولتی داد و بدین او همانجا دفن شد.

خالوقربان دوست و هم‌سنگر میرزا کوچک‌خان سر را به تهران آورد و مورد خشم سردار سپه واقع شد و دستور او سر در گورستان حسن آباد (محل آتش-نشانی کنونی) به خاک سپرده شد. باری پس از وقایع شهریور سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) عده‌ای از پیروان نهضت جنگل موفق گردیدند سر و تن میرزا کوچک‌خان را یافته و برابر وصیت قبلی نامبرده آنها را در سلیمان داراب به خاک سپارند.

ذ - سرتیپ رضاخان پس از پایان کار میرزا کوچک‌خان برای درهم کوبیدن نیروهای شوروی بطرف بندر انزلی (پهلوی) حرکت نمود ولی روسها که خطر جنسی را احساس کرده بودند قبل از وصول رضاخان به انزلی سوار کشتیهای خود گردیده بطرف بندر بادکوبه حرکت نمودند و در نتیجه خطه

زرخیز گیلان به همت مردانه سرتیپ رضاخان و با شجاعت سربازان ایرانی مجدداً پادمان میهن بازگشت.

شورشهای پراکنده گیلان و مازندران با دنباله شورش جنگل:

۱ - پس از مرگ میرزا کوچکخان در ۱۱ آذرماه سال ۱۳۰۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰ خورشیدی) احساناله خان وعدهای از یاران او به پادکویه فرار کردند و حیدرخان عمواوغلی نیز بدنبال دکتر حشمت و خالو قربان به نیروهای دولتی تسلیم گردید، ولی عدهای دیگر چون امیر مؤید سواد کوهی و سید جلال چمنی در گیلان و مازندران شروع بادامه کار میرزا کوچکخان نموده علم مخالفت با دولت مرکزی را برافراشتند.

۲ - در سال ۱۳۰۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰) امیر مؤید سواد کوهی و فرزندان و یارانش در مازندران قدرت گرفته بودند که بفرمان رضاخان سردار سپه نیروی کافی با پشتیبانی کامل برای سرکوبی نامبردگان اعزام گردید و در سایه تلاش و فداکاری سربازان نیروی زمینی شاهنشاهی امیر مؤید سواد کوهی بسختی شکست خورد و به سمتان گریخت و از اقدامات خود اظهار پشیمانی نمود و از طرف سردار سپه بنامبرده تأمین داده شد و نامبرده پس از گرفتن تأمین به نیروهای دولتی تسلیم گردید.

۳ - همزمان با فعالیت ضد دولتی امیر مؤید سواد کوهی، یکی دیگر از اتباع سابق میرزا کوچکخان بنام سید جلال چمنی با عدهای از یاران خود در جنگل تجمع نموده شورش جنگل را دنبال نموده بخش بزرگی از مناطق جنگل و بخصوص سوادکوه را زیر نفوذ کامل خود قرار داد.

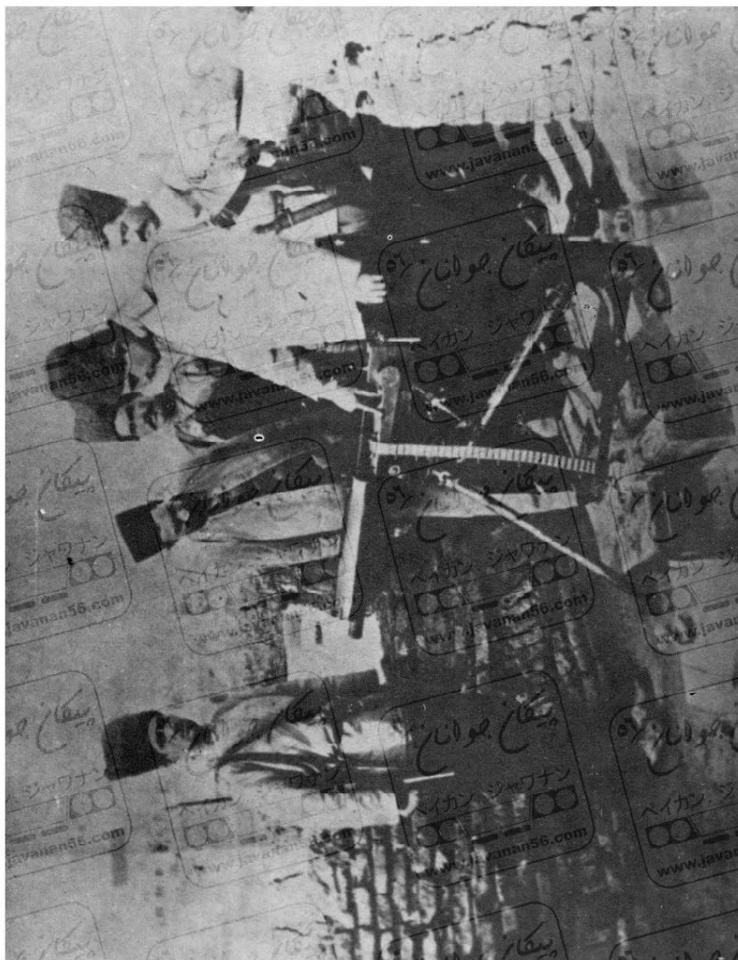
پس از خاتمه کار امیر مؤید سواد کوهی، سردار سپه رضاخان به نیروهای نظامی فرمان داد تا کار سید جلال چمنی را نیز یکسره نموده آتش ملوک الطوائفی را برای همیشه در گیلان خاموش نمایند. عناصری از نیروی زمینی شاهنشاهی در سال ۱۳۰۱ (۱۳۰۱) به پیروی از فرمان فرمانده خود **رضاخان پهلوی** به نیروهای سید جلال چمنی در جنگل، حمله بردند و پس از نبردهای خونین در دل جنگل، سید جلال شکست خورد و برادرزانش اسیر گردید و خود نامبرده نیز ضمن فرار بدست یکی از عمال خود به قتل رسید و با این عمل نعمه ملوک - الطوائفی برای همیشه از خطه زرخیز گیلان و مازندران رخت بر بست.

«سردار رشید» و سید «طه» در رأس ایلات پیرانوند - زلفی - سنجایی و کااوند - منطقه لرستان و کردستان و شهرهای بروجرد - گلپایگان - نهاوند - تویسرکان - ملایر - صحنه سقز - بانه - سنندج و گروس را بخاک و خون کشیده بودند و هیچ قدرتی یاری ورود بمنطقه شرارت آنها را نداشت.

در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲) قسمتی از نیروی زمینی شاهنشاهی بفرمان رضاخان پهلوی سردار سپه و فرمانده کل قوا به اشراک کردستان و لرستان حمله کرد و پس از زدوخوردهای طولانی و جانبازیها و فداکاریهای بیدریغ قهرمانان نیروی زمینی شاهنشاهی، بالاخره بساط ملوک الطوائفی در غرب کشور بدست سربازان جانباز میهن درهم پیچیده شد و اشراک کشته یا متواری گردیدند و امنیت و آرامش بمنطقه بازگردانیده شد.



سردار سپه فرمانده کل قوا پس از تصرف شهر رشت به ناامنی کیلان و فتنه های میرزا کوچک خان پایان داد.



• رضاخان پهلوی هنگام فرماندهی در کرمانشاه در سال ۱۳۰۳ از آنجا آموزش مسلسل به پرسنل تحت فرماندهی خود.

- ۱ - منطقه شورش: بخش باختری دریاچه رضائیه شامل شهرهای سلماس - رضائیه - مها باد - سلدوز.
- ۲ - منظور شورشیان: ایجاد بی نظمی، غارت اموال مردم و قتل آنها و تلاش برای ایجاد حکومت ملوک الطوائفی.
- ۳ - استعداد شورشیان حدود ۴۰۰۰ نفر.
- ۴ - چگونگی آغاز شورش:

در سال ۲۴۷۷ شاهنشاهی (۱۲۹۷ خورشیدی) که دولت مرکزی در منتهای درجه ناتوانی بود، سمیتقو کم کم قدرت یافت و وعده‌ای از خوانین رضائیه نیز با در نظر گرفتن آینده خود، نزدیکی به نامبرده را بصلاح خود دیدند و بطرق مختلف حتی با برقراری روابط خانوادگی سعی نمودند که مانع تجاوزات نامبرده به املاک خود گردند و همین باعث تشجیع بیشتر سمیتقو شد و «سردار فاتح» فرماندار رضائیه نیز چون از مرکز پشتیبانی نمیگرددید مجبور بود که با نامبرده مدارا نماید. در نتیجه سمیتقو قدرت یافت و کم کم در تمام منطقه مطلق العنان گردید.

۵ - اولین اقدام حکومت مرکزی

در سال ۲۴۷۷ شاهنشاهی (۱۲۹۷) در زمان صدارت وثوق الدوله نیروئی مرکب از تعدادی قزاق و تعدادی از سواران ماسش، بفرماندهی فیلیپوف و سردار انتصار مظفر اعلم «بعداً وزیر خارجه» بر رضائیه وارد و در زمستان همان سال جهت دفع غائله سمیتقو به چهریق حرکت نمودند. وضعیت سمیتقو بخطر افتاد تا حدی که نامبرده تصمیم بمذاکره و شاید تسلیم داشت ولی در همین موقع ارتباط ستون اعزامی با مرکز قطع گردید و پیرو آن کابینه وثوق الدوله سقوط کرد و مستوفی الممالک نخست وزیر جدید دستور خاتمه عملیات را صادر کرد و ستون اعزامی بدستور او بدون اخذ نتیجه بناچار به تهران مراجعت نمود و این خود موجب تشدید شرایطهای سمیتقو گردید.

۶ - دومین اقدام حکومت مرکزی

در سال ۲۴۷۸ شاهنشاهی (۱۲۹۸ خورشیدی) محمدولی سپهسالار به استانداری آذربایجان تعیین گردید. نامبرد مضیاء الدوله البرزرا بسمت فرماندار رضائیه منصوب و او را با ۲۰۰ نفر سرباز بمحل مأموریت اعزام نمود.

سمیتقو با ۶۰۰ نفر از افراد خود سعی نمود که فرماندار جدید را دستگیر نماید ولی ضیاء الدوله با همان عده کم و با کمک اهالی رضائیه با شجاعت حمله اشرا را دفع نمود و آنها مجبور به تخلیه رضائیه گردیدند.

فردای آن روز بدستور سمیتقو حدود ۴۰۰۰ نفر از افراد بشهر رضائیه حمله بردند و چون مردم با کمک سربازان حکومتی از شهر دفاع نمودند، اشرا شهر را در

محاصره گرفتند و این محاصره بیش از یکماه بطول انجامید.

شهر رضائیه کم کم با کمبود آب و خواربار و علوفه مواجه گردید و مردم که از وضع موجود به تنگ آمده بودند بمنزل مولر آمریکائی که او را مسبب تقویت اکراد میدانستند حمله بردند و تعدادی از مسیحیان را که در خانه او جمع بودند به قتل رسانیدند ولی خود مولر توانست از دست مردم فرار کرده و بمنزل فرماندار پناهنده شود. چند روز پس از حادثه فوق یک نفر انگلیسی از طرف سمیتقو وارد رضائیه گردید و به ضیاءالدوله و مردم رضائیه قول داد در صورتی که اجازه داده شود مسولر و بقیه مسیحیان از رضائیه به تبریز منتقل گردند، محاصره شهر پس از ع روز پایان خواهد یافت. ضیاءالدوله اجازه داد تا مسیحیان شهر با مولر از شهر خارج و به تبریز عزیمت نمایند و درست چهار روز پس از این ماجرا از طرف استانداری آذربایجان سردار فاتح بسمت فرمانداری رضائیه منصوب و ضیاءالدوله البرز فرماندار پیشین با سرپازان تحت امر خود از رضائیه خارج گردید. بعدها معلوم شد که تعویض فرماندار رضائیه بموجب تقاضای اسمعیل آقا سمیتقو بوده است.

فرماندار جدید رضائیه سردار فاتح، با سمیتقو ملاقات و مذاکره نمود و در نتیجه کردها از اطراف شهر رضائیه پراکنده شدند و محاصره شهر شکست. وضعیت شهر رضائیه حدود دو ماه آرام بود ولی مجدداً کردها شرارت را آغاز نمودند. در این موقع از طرف فرد ناشناسی یک بمب بعنوان امانت پستی برای سمیتقو ارسال گردید که گشودن جعبه آن باعث قتل برادر سمیتقو شد و در نتیجه نامبرده بیش از پیش بر شدت عملیات خود علیه جان و مال و ناموس اهالی ساحل غربی دریاچه رضائیه افزود.

۷ - اقدامات دولت مرکزی علیه سمیتقو در طول سال ۱۲۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹) در اوائل سال ۱۲۷۹ شاهنشاهی مخبر السلطنه بجای سپهسالار به سمت استانداری آذربایجان منصوب شد، نامبرده تعداد ۲۰۰ نفر ژاندارم بفرماندهی اسدخان برضائیه اعزام و آنها را مأمور برقراری نظم در رضائیه نمود. در این موقع سمیتقو بعنوان واکنش فرماندار رضائیه را شخصاً تعویض و فرماندهی کردهای داخل شهر رضائیه را از سوی خود به عمر شکاک واکذار کرد تا نامبرده اقدامات تأییدی اسدخان را خنثی نماید. درگیری بین اسدخان و عمر شکاک در شهر موجب زد و خورد شدید خیابانی گردید که در نتیجه تعدادی از ژاندارمها کشته شدند و چهل نفر آنها نیز اسیر گردیدند و بقیه ژاندارمها با خود اسدخان بطرف تبریز متواری شدند و شهر رضائیه مجدداً میدان تاخت و تاز و شرارت‌های سمیتقو گردید.

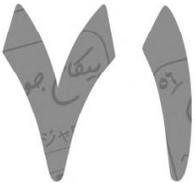
در اینموقع عمرشکاک بدستور سمیتقو در شهر اعلام مینماید که هر کس بهر عنوان به فرماندار سابق رضائیه پول داده است در تکیه ای اجتماع نماید تا پول خود را عیناً از فرماندار دریافت دارد. با این دست آوین عمده ای از متمولین رضائیه در محل تعیین شده اجتماع نمودند ولی عمرشکاک تمام حاضرین را بازداشت و زندانی نمود و اعلام داشت که بازداشت شدگان پس از پرداخت ۹۰۰۰ لیر طلا و ۴۰۰۰ قیضه تفنگ و دو کروز فشنک آزاد خواهند شد و در غیر اینصورت هر روز شکنجه میشوند.

مردم شهر و بستگان بازداشت شدگان از گریه و التماس به عمرشکاک نتیجه ای نگرفته و بناچار بحضور خود سمیتقو میروند و نامبرده موافقت مینماید که فقط ۹۰۰۰ لیر طلا وسیله مردم رضائیه و بستگان بازداشت شدگان جمع آوری و پرداخت شود و تفنگ و فشنک دیگر لازم نیست.

مردم بی پناه رضائیه برای نجات جان بستگان خود با هر زحمتی که بود ۹۰۰۰ لیره طلا را جمع آوری و به سمیتقو تحویل نمودند و در مقابل زندانیان آزاد شدند در حالی که اغلب آنها در اثر شکنجه دست و پا شکسته بوده و تعدادی نیز در زیر شکنجه مأمورین عمرشکاک جان سپرده بودند. بدنبال موفقیت فوق سمیتقو برای تمام شهرها، بخشها و حتی آبادیهای منطقه باختری دریاچه رضائیه یک فرماندار کرد معین کرد و او مأموریت داشت با شکنجه و آزار مردم منطقه مالیات تعیین شده از طرف سمیتقو را از مردم جمع آوری کند و بطور مرتب ارسال دارد. در اینموقع بدستور حکومت مرکزی سرتیپ مقدم با عده قلیلی از طریق شرفخانه به سمیتقو تک نمود ولی توفیقی حاصل نشد و بناچار دوباره به شرفخانه مراجعت کرد.

پس از عدم موفقیت فوق میرزا ربیع انصاری مراغه ای فرماندار مهاباد به کردها حمله کرد، که او نیز سخت از سمیتقو شکست خورد و سلدوز به تصرف سمیتقو درآمد.

دولت مرکزی پس از اطلاع از تصرف سلدوز بوسیله سمیتقو، سرگرد ملک زاده را در معیت سروان اسدخان وعده ای ژاندارم بطرف مهاباد اعزام نمود. نیروی اعزامی در حوالی مهاباد با قوای اشرار در گیر و جنگ سختی بملت سه شبانه روز بین دو طرف آغاز شد ولی متأسفانه نیروهای دولتی بعلت عدم پشتیبانی کافی از مرکز و نداشتن سازمان صحیح از اشرار شکست خوردند و در این عملیات سروان اسدخان وعده ای ژاندارم شهید و سرگرد ملک زاده دستگیر گردید و شهر مهاباد بتصرف سمیتقو درآمد و نامبرده فرمانداری آن شهر را به سید «طه» تفویض نمود و خود رضائیه مراجعت کرد. پس از سقوط مهاباد دولت مرکزی یک عده از قوای گیلان را تحت ریاست خالوقربان که از افسران تسلیم شده قوای میرزا کوچک خان



بود، برای حفاظت پل جغتو در میان دو آب و جلوگیری از نفوذ کردها بطرف مراغه اعزام نمود و پس از تأمین پل جغتو، امیر ارشد قراجه‌داغی از طرف مخبر السلطنه مأمور دفع سمیتقو از طریق میان دو آب گردید. امیر ارشد با عده‌ای سوار قراجه‌داغی و هشت‌رودی به سمیتقو حمله کرد ولی در حین عملیات از طرف نیروی خودش هدف گلوله قرار گرفت و بقتل رسید و در نتیجه قوای او بدون فرمانده متفرق گردید و سمیتقو پس از شکست کامل آنها فاتحانه به چهریق مراجعت نمود.

در اواخر سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی و مقارن کودتای رضاخان پهلوی، در تبریز بین نیروهای قزاق و ژاندارم به تحریک بیگانگان اختلاف رخ داد و منجر بزدور خورد گردید، و دنباله زدو خورد به خیابانها و بازار تبریز کشیده شد و در اثر آن قسمت اعظم بازار تبریز غارت شد، در نتیجه این زدو خورد قزاقها پیروز شدند و ژاندارمها از شهر فرار کردند و مخبر السلطنه نیز به روسیه گریخت و این اغتشاش و برادر کشی در تبریز باعث تضعیف بیشتر استانداری آذربایجان گردید و بر تشجیح تمام اشرار منطقه و بخصوص سمیتقو افزود.

۸ - شرح عملیات علیه سمیتقو پس از کودتای سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹) اسمعیل آقا سمیتقو پس از موفقیت‌های بی‌دری، بی‌خبر از تحولات بعد از کودتا و اقدامات رضاخان پهلوی در بهار سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی تصمیم به تصرف مراغه گرفت و باین منظور به سید «طه» مأموریت داد که پل جغتو را که هنوز بوسیله خالوقربان حفاظت میشد تصرف نماید. در نتیجه زدو خورد نیروهای خالو-قربان با کردها خالوقربان کشته شد ولی سردار ناصر مراغه‌ای بجای او فرماندهی نیروهای موجود را عهده‌دار و از تصرف پل وسیله اشرار ممانعت کرد و در نتیجه سمیتقو از فکر تصرف مراغه موقتاً منصرف گردید. در شهریور ۲۴۸۰ شاهنشاهی سردار سپه رضا خان پهلوی به سرتیپ امان‌اله‌خان جهانبانی مأموریت دفع اشرار منطقه کردستان را واگذار نمود، سرتیپ امان‌اله‌خان نیروهای موجود در آذربایجان را با کمک سرتیپ مقدم جمع‌آوری و ناگهان از سه سمت عملیات را علیه سمیتقو آغاز و تلاش اصلی از سوی شرفخانه اجراء گردید.

نیروهای اشرار با تلاش زیاد مدت سه روز در مقابل قوای نظامی مقاومت نمودند ولی آتش توپخانه سرلشگر محمود امین (سرلشگر شهید) و تک‌بداوم سوار نظام قزاق آنها را وادار به ترک موضع نمود و اشرار از طریق کوهستان به سارپاداش



رضاخان پهلوی «سردار سپه و فرمانده کل قوا در شهریور ۱۳۰۸ شاهنشاهی
دستور دفع اشراق منطقه آذربایجان را به سرتیپ امین‌الله جهانبانی صادر فرمودند.

پناهنده شدند. پس از موفقیت فوق، نیروهای دولتی بفرمان سردار سپه رضاخان امان بدشمن ندادند و بطور شبانه روزی در کوه و صحرا آنها را دنبال کردند و فشار آقدر ادامه پیدا کرد که سمیتقو بناچار پس از دادن تلفات زیاد به خاک ترکیه گریخت.

پس از فرار سمیتقو دولت مرکزی برای کردهائی که سلاح بزمین گذاشته و اظهار پشتیبانی نمودند عفو عمومی صادر و آرامش را در تمام منطقه کردستان و آذربایجان غربی برقرار کرد.

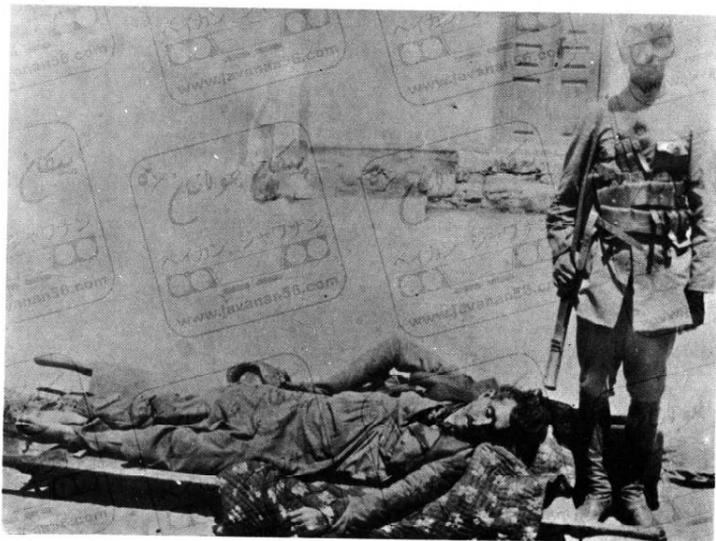
۹ - پس از گذشت پنج سال از تاریخ شکست سمیتقو و اقامت او در ترکیه ناگهان در سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵) نامبرده تصمیم به مراجعت به ایران گرفت و با قوای خود وارد خاک ایران شد و شهر سلماس را که فقط بوسیله یک گروهان حفاظت میشد محاصره نمود.

زدو خورد بین گروهان مدافع شهر سلماس و اشرار که چند برابر نیروی دولتی بودند با شلنت ادامه پیدا کرد ولی سربازان رشید نیروی زمینی شاهنشاهی آنچنان قهرمانانه جنگیدند که اشرار مجبور به عقب نشینی شده و در تاریکی شب حتی



سپید امان‌اله جهانبانی

مرده‌های خود را بجای گذاشته و به ترکیه مراجعت کردند. خبر رشادت گروهان مأمور سلماس به تهران رسید و فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر، سرلشکر، احمد آقاخان فرمانده لشکر شمالغرب شخصاً در سلماس حاضر شده و فرد فرد باقی مانده افراد گروهان سلماس را مورد تشویق و تقدیر کافی قرار داد و باین ترتیب برای همیشه اشرار فهمیدند که در سایه قدرت و ایمان سربازان دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی حتی قدرت مقابله با یک گروهان پیاده را نخواهند داشت و ناچار از این فکر برای همیشه منصرف گردیدند. خود اسمعیل آقا سمیتقو با تفاق تعداد کمی از یارانش در کوهستانهای اطراف آنقدر بوسیله نیروی نظامی تعقیب گردید تا سرانجام در سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی (۱۳۰۸ خورشیدی) در یک زدوخورد کوهستانی کشته شد و غائله او برای ابد پایان پذیرفت.



جسد اسمعیل آقاسمیتقو در سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی (۱۳۰۸ خورشیدی)

میردم تا آخرین نغمه‌های ملوک الطوائفی
را از میان بردارم، یاد میان خرابه‌های
شوش مدفون گردم.

از فرمایشات اعلیحضرت رضاشاه کبیر
«هنگام عزیمت به خوزستان»



سوز خزل در خوزستان

۱- وضعیت عمومی

الف - منطقه عمل: خوزستان و قسمتی از سواحل خلیج فارس.
ب - منظور شورشیان: تشکیل حکومت مستقل در خوزستان و جدا کردن مناطق نفت خیز از کشور شاهنشاهی ایران.
پ - کشور پشتیبان: امپراطوری انگلستان.
ت - استعداد شورشیان: حدود ۳۵۰۰۰ نفر سوار و پیاده مسلح به آخرین جنگ - افزارهای ساخت انگلستان.
ث - علت بوجود آمدن شورش: ضعف دولت مرکزی و عدم توانایی دولت در استقرار نظم و امنیت در منطقه، بیسوادی و فقر عمومی، تحریکات خارجی و پشتیبانی مداوم انگلستان از شورشیان.

۲ - شناسنامه سیاسی و نظامی شیخ خزل

الف - یکی از سنتهای دیرینه اعراب زندگی بصورت قبیله‌ای بوده و قبائل شبه عرب جنوب باختری ایران نیز در اثر همسایگی با اعراب با این سنت آشنا گردیده و با پیروی از این سنت، شخصی بنام خزل عهده‌دار کلیه وظایف و مسئولیتهای قبیله خود بود.

بدیهی است شیخ‌های قبائل به نسبت جمعیت و ثروت و موقعیت قبیله خود دارای مقامهای متفاوت بوده و معمولاً شیخ‌های کوچکتر تابع شیخ بزرگتری بودند.

پس از کشف نفت در جنوب ایران و توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلیس در منطقه، دولت مذکور برای حفاظت مناطق نفت خیز و تأسیسات گران قیمت آن و همچنین برای تضمین سلامت اتباع خود در منطقه لازم دید که با شیخ‌های جنوبی ایران روابط حسنه برقرار کند و باین وسیله نه تنها از خطر خود آنها در امان باشد، بلکه از قدرت و نفوذ آنها برای پیشبرد مقاصد خویش نیز استفاده نماید.

به پیروی از سیاست فوق دولت انگلستان و عمال آموزش دیده آن با پخش سلاح و پول و هدیه موفق گردیده، شیخ‌های شبه عرب جنوب ایران را یکی پس از دیگری بسوی خود جلب نموده و در پیشبرد هدفهای خود با دقت و مهارت مورد استفاده کامل قرار دهد، تا جائیکه قبائل عرب نه تنها درصد آزار و اذیت کارکنان انگلستان در مناطق نفت خیز برنمیآیند بلکه

کشتیهای تجارتي و نفتکش انگلستان را در اروندرود و کناره‌های خلیج فارس پاسداری کرده و از تأسیسات نفتی حفاظت و مراقبت مینمودند.

ب- در سال ۲۴۶۶ شاهنشاهی (۱۹۰۷ میلادی) دولتین روسیه تزاری و انگلستان ضمن قراردادی کشور ایران را بسه منطقه تقسیم کردند:

(۱) شمال ایران منطقه نفوذ روسیه تزاری.

(۲) قسمت مرکزی ایران منطقه بیطرف.

(۳) جنوب ایران منطقه نفوذ انگلستان

پ- دولت انگلستان پس از این توافق درصدد برآمد که بوضع مناطق جنوبي ایران سروسامان بخشد، قبیله‌ها را درهم ادغام کند و یک قدرت مرکزی دست‌نشانده بوجود بیاورد.

در بین شیخهای منطقه، شیخ محمدره (خرمشهر) دارای نفوذ و قدرت و ثروت بیشتری بود، بنابراین بهترین فرد برای اجرای مقاصد انگلستان تشخیص داده شد و دولت انگلیس هر روز باو نزدیک و نزدیکتر گردید و به تقویت و تربیت او پرداخت.

ت- پس از انقلاب ۱۹۱۷ (۲۴۷۶ شاهنشاهی) در روسیه، دولت جدید انقلابی بعلت درگیری شدید داخلی موقتاً از مطامع ارضی خود در کشورهای همجوار چشم پوشید و این مسئله دولت انگلیس را در وصول بهدفعهای خود در ایران تشجیع نمود و طرح قرارداد ۱۹۱۹ (۲۴۷۸ شاهنشاهی) تهیه گردید و چون دولت ایران بعلت مخالفت مردم و خودکشی دونفر افسر رشید ایرانی از قبول قرارداد ۱۹۱۹ خودداری کرد، دولت انگلستان تصمیم گرفت که به آتش ناامنی و نابسامانی در شمال و جنوب ایران دامن زده و راه را برای رسیدن بهدفعهای سیاسی و اقتصادی خود هموار سازد.



شیخ محمدره (شیخ خزعل) که خوزستان را عربستان و خود را سلطان عربستان مینامید و از پشتیبانی کامل انگلستان برخوردار بود.

ث - در اینموقع که کشور ایران در آتش ناامنی میسوخت، خداوند بزرگ فرزند دلیری را مأمور نجات ایران کرد و این قهرمان بسرعت امنیت را در مناطق شمالی و مرکزی کشور برقرار نمود.

ج - دولت انگلیس که از قدرت سردار سپه در مرکز و شمال کشور بیمناک گردیده بود، تصمیم گرفت با تمام تلاش از خزعبل پشתיبانی نموده و حداقل مناطق نفت خیز جنوبی را بوسیله او از ایران جدا سازد. بنابراین بطور مداوم و مستمر به پشתיبانی او پرداخت و در تهران نیز بطور پنهانی شروع به فعالیت علیه سردار سپه نمود و عمال خائن خود را علیه سردار نامدار ایرانی بسیج کرد.

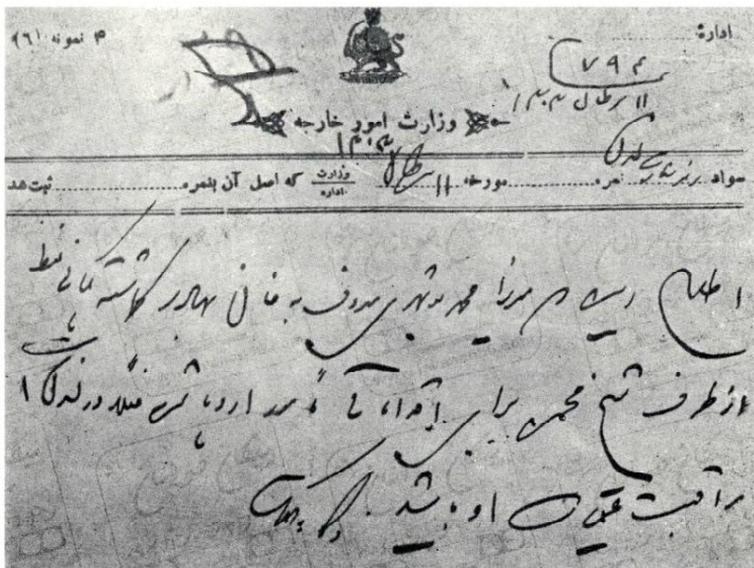
شیخ خزعل با استفاده از پشתיبانیهای انگلستان و کمک عمال دست نشانده انگلیس در مرکز و سراسر کشور و جلب موافقت لرها و بختیاریها بسرعت قدرت یافت و حدود ۳۰۰۰۰ مرد جنگی فراهم کرد و کمیته سعادت را در خوزستان تشکیل و نوعی استقلال برای خوزستان اعلام گردید.

سیس شیخ بتحریک و توصیه دولت انگلستان نماینده ای نزد احمدشاه پاریس فرستاد و ضمن جلب نظر شاه بقیام خائنانه خود رنگ شاه دوستی داد و باین طریق عدّه بیشتری از مردم ساده و در عین حال طماع را بدور خود جمع کرد.

۳ - اقدامات سردار سپه و شرح عملیات

الف - سردار سپه نخست تصمیم گرفت عشایر لرستان را مطیع و راه را برای اعزام نیرو بخوزستان هموار سازد که پس از کشمکشهای زیاد لرها و والی پشتکوه تسلیم و منطقه لرستان از وجود یاغیان و گردنکشان پاک گردید و قدرت حکومت مرکزی در آن منطقه توسعه یافت ولی برای اعزام نیرو در هم کوبیدن خزعبل دومانع دیگر موجود بود، یکی اقدامات سیاسی نمایندگان انگلیس و عناصر دست نشانده آنها و دیگر افراد مسلح عشایر بختیاری که چون نگهبان بر دروازه شمال خاوری خوزستان پاسداری میکردند.

در اینموقع سرتیپ فضل اله خان زاهدی که با قوای موجود موفق گردیده بود بختیاریها را شکست دهد، بوسیله نیروهای شیخ خزعل از جنوب و باختر و باقیمانده قوای بختیاری از شمال و خاور در محاصره قرار گرفته بود و آشوبگران سعی داشتند با تصرف بهبهان حلقه محاصره را بهم متصل کرده و نیروهای دولتی را در زیدون منهدم نمایند. بنابراین سردار سپه علیرغم مخالفتها و تذکرات نمایندگان انگلیس شخصاً تصمیم باعزاز عملیات علیه خزعل گرفت و بهمین منظور نخست بطرف اصفهان حرکت و ظاهراً اعلام نمود که بمنظور تغییر آب و هوا باصفهان میرود.



فتوکی پیش نویس تلگراف مربوط به پشتیبانی انگلستان از شیخ خزعل.

عمال انگلیس و خائنین دست‌نشانده که از همه جا ناامید شده بودند، فوراً شایع نمودند که سردار سپه قصد استعفا دارد و بهمین منظور نیز باصفهان حرکت کرده است. سردار سپه برای حفظ روحیه میهن‌پرستان ایرانی مجبور گردید علناً قصد خود را از حرکت بسمت جنوب بهمه مردم اعلام نماید و باین طریق انگلستان و شیخ خزعل، خود را برای مقابله با سردار نامدار ایران آماده نمودند و وسیل سلاح و مهمات و آذوقه با کشتی از کویت و بصره بسوی خوزستان سرازیر شد و حتی تعدادی تفنگچی عرب



رضا خان پهلوی سردار سپه و رئیس الوزراء «نخستوزیر»
قبل از عزیمت به خوزستان.

نیز باهواز وارد گردیدند و منطقه خوزستان حالت حکومت نظامی پیدا کرد و تمام حرکات، صحبتها و اجتماعات از طرف عمال شیخ خزعل و دولت انگلستان مورد کنترل دقیق قرار گرفت.

پ - در این هنگام فرمان سردار سپه نیروهای فارس بفرماندهی سرتیپ فضل اله خان از طریق خلیج زیدون خود را بقلعه بهرام رسانیده ضمن نبردی سخت با اشرار که بملت ۱۳ ساعت و در طول تاریکی شب انجام گردید، در ساعت ۵ صبح قلعه شاه بهرام را گشود و تلفات سنگینی باشرار وارد آورد. مقارن این احوال سفیر انگلستان از تهران بطور تلگرافی و کنسول انگلیس در اصفهان، در محل بطور حضوری با سردار سپه تماس برقرار نموده و تقاضا نمودند که شخص سردار سپه از اصفهان و قوای جنوب از قلعه شاه بهرام بخوزستان نزدیکتر نشوند و در مقابل انگلستان قول میدهد که خزعل را وادار باطاعت نماید. ولی سردار سپه قوای خود را از چهارمحال بختیاری بسوی شیراز حرکت داد، و در موقع ورود بشیراز با استقبال کم



سرتیپ فضل الله خان زاهلی فرمانده نیروی جنوب

نظیر مردم روبرو شد و در آرک کریم خان زند مستقر گردید و به نیروی جنوب نیز تلگرافی دستور ادامه عملیات بسمت خوزستان صادر نمود. نیروی سرتیپ فضل‌اله‌خان بدستور سردار سپه هندیان را تصرف کرد و خود را بچشمه شیخ لنگری رسانید و مقارن ورود نیروی سردار سپه بشیراز گزارش مربوط به فتح هندیان به عرض ایشان رسید.

در این موقع سردار سپه از یک گردان نقلیه (گردان ترابری) که مأموریت حمل ستون را از شیراز به خوزستان داشت بازدید نمود و در ضمن بگردان مهندسی دستور داد که از بلها و راههای شیراز، خوزستان بازدید نموده و آنها را از هر نظر مرمت و ضمن تأمین کافی آماده عبور ستون عملیاتی نموده و دقیقاً نگهداری نماید.

هنگامی که دولت انگلیس و شیخ خزعل خطر را از هر سمت نزدیک دیدند و تصمیم راسخ سردار نامدار ایران را در وصول بخوزستان خلل ناپذیر یافتند، شیخ بنسابتور انگلستان تلگرافی به شیراز ارسال و ضمن اظهار تأسف و ندامت از کارهای گذشته طلب عفو و بخشش نمود و آمادگی خود را جهت تشریف و اقیاد اعلام داشت. سردار سپه ضمن تلگراف کوتاهی بخزعل جواب داد که ندامت و تأسف را می‌پذیرم بشرط تسلیم قطعی و بلاشرط.

دولت انگلیس و شخص شیخ خزعل انتظار چنین جوابی را از طرف سردار سپه نداشتند و تصور میکردند که سردار سپه با شیخ خزعل از در صلح و دوستی درخواهد آمد و انگلستان میتواند در این موقع نقش میانجی را بازی نموده و امتیازاتی بنفع شیخ دایر باستقلال نواحی نفت‌خیز بدست آورد، از دریافت جواب تسلیم بلاشرط سخت آشفته و نگران شدند و در صدد چاره برآمدند.

سه روز بعد ژنرال کنسول انگلیس در شیراز تقاضای شرفیابی فوری بحضور سردار سپه را نمود. سردار سپه او را پذیرفت. در این موقع ژنرال کنسول بدون پرده و تشریفات سیاسی شروع بصحبت نمود و ضمن آن بسردار سپه اطلاع داد که شیخ خزعل تبعه انگلیس گردیده و دولت انگلستان با تمام قوا از اتباع خود حمایت خواهد کرد. ضمناً دولت انگلستان وظیفه دارد از منافع خود در نواحی خوزستان بطور جلی دفاع کند و اجازه نخواهد داد هیچ نیرویی بخطر خوزستان وارد شده و هیچ جنگی در آن منطقه صورت گیرد، بعبارت دیگر به نخست‌وزیر ایران توصیه نمود که از شیراز قدمی فراتر نگذارد و هر چه زودتر به تهران مراجعت کند.

بیان آمرانه وی پروای کنسول انگلیس گرچه برای تمام اتباع انگلستان مسئله‌ای عادی و طبیعی بود و اغلب مسئولین ایرانی را بهمین طریق مورد

الشیاه والشیخ خزعل خان
 سمنا انخرا ان الشیخ خزعل یفاوض
 الشاه بنیة ارجاعه وقد ارسل الیه
 انخرا مبلغا عظیما من المال یمکنه من
 تدبیر الخیل لانجاح قصده.
 کاتبکم

(ترجمه از روزنامه العراق بغداد شماره ۱۳۰۴ مورخه ۱۴ صفر ۱۳۴۳)

(شاه و شیخ خزعل خان)
 شنیدیم در این روزنامه شیخ خزعل خان را طرف مدانه که قصد بدو را جمع بهر و با بدتر مسیح گزاف
 بجز این و ستم کرده از بهر شرفت بقصد خود در سینه از زنده را نسیم کردیم -
 ص ۶۸۶ لویه
 " مجله "

فتوکلی قسمتی از روزنامه العراق چاپ بغداد.



تصویر یکی از عشایر مسلح خوزستانی



تاریخ ۱۴ برج حوزا ۱۳۰۲
ضمیمه روزنامه المیزان شماره ۱۳۰۲

کارگذاری مهم خارجه خوزستان

نمونه ۲۱۴

تمام منبع وزارت عدلیه امر خارج

بطوریکه در روزنامه المیزان شماره ۱۳۰۲ در تاریخ ۱۴ برج حوزا
مورد ذکر است منبع شماره ۱۳۰۲ در تاریخ ۱۴ برج حوزا
اعلام در روزنامه المیزان شماره ۱۳۰۲ در تاریخ ۱۴ برج حوزا
در باب اعلام عنوان سلطان عربستان در روزنامه المیزان
شماره ۱۳۰۲ در تاریخ ۱۴ برج حوزا

تاریخ
۱۳۰۲

اداره
مستور
۱۳۰۲

شماره ۱۳۰۲
۱۳۰۲

فتوکی گزارش کارگذاری مهم خارجه خوزستان در مورد عنوان شیخ خزعل که خوزستان را عربستان و خود را سلطان عربستان مینامیده.



جنرل گورنمنٹ کے دفتر، دہلی، انڈیا

نمبر

۵۵۵

تاریخ

۱۳۰۲

۹۵۸

مقام مسیحی وزارت تبلیغہ اور صحابہ

چھ ماہہ دروز قبہ کا عدی با رضای شیخ خرقہ و کا عدی با رضای تقریباً سنی نمبر ۱۲۱ شیخ

بلا تعلق رسیدہ نمبر ۱۲۱ میرزا احمدی آریہ البرصیہ خراسانی و لا شیخ ہر اولہ صاحب

تقریباً باہین ضمنی کہ ہما نظر کہ میر خرم سرور آریہ البرصیہ خراسانی قول ولیم دریم

میانے شرطیت و بقای سلطنت لہ تمام و کشش تا نیم تا کنون لہ تمام کردہ و با تمام

خواہیم کرد اخیراً بعضی در طهران حرکاتے بر ضد شرطیت و شاہ کردہ بنیال

در ہم سلطنت آفادہ لند لازم بہت آلیان بطران بنویسند در خیال عہدت

از سر بیرون و این مطلب را عرف و نزد بر بنویسید بنا مرا صحبت فرمایند

اصغر شرطیت رفتار نمایند و اللہ شیخ و عثمانی و ولیم بنیالی و باہم فکر

و ہم قول مستند لہ امات لہ ضرر را خواہیم کرد۔

[Handwritten signature]

مستند لہ امات لہ ضرر را خواہیم کرد۔
مستند لہ امات لہ ضرر را خواہیم کرد۔
مستند لہ امات لہ ضرر را خواہیم کرد۔



قونصلو لکری دولت علیه ایران در تبریز

تاریخ
روز
ماه
سال
۱۳۰۰

ص ۲

مقرون بصحت بند مسلم نمود آنرا تا منتهی بهم با خاندان فخرین
 همگراست و گویا هزاره نصرته الدوله و آقایی حاجی میرزا یحیی
 اشتهاد در این دمیسه زحمت دارند چاکر راجع باین قضیه
 شیخ ابراهیم مراد فاضلی را کولدار آغا ملا خطه خرد فرستاد
 نوشته است و لا خیر است از طرف اول دولت چیزی در آن
 بشی را رقم بود چون با آقاخان عماد و در رابطه دارد مقولند
 نقشه منرضین را با طلب بزد چون بدم بود مقولند

مصدق
محمد علی

تذکره کاتبین
 شماره ۱۲
 شماره ۲۶۵۴۸

فوکلی گزارش قونصلوگری دولت ایران در بغداد

خطاب قرار میدادند ولی چنین سخنانی گستاخانه با طبع سربازی سردار ناسدار ایران سازگار نبود. رضاخان نمیتوانست باین طرز از کسی دستور دریافت کند، بویژه اینکه این شخص یک کارمند ساده سفارتخانه یک کشور اجنبی باشد. بهمین دلیل بجای جواب ناگهان صدای انفجار در اطاق شنیده شد. رضاخان آنچنان آشفته فریاد میزد و ناسزا میگفت که شیشه‌های اطاق وحی درب و پنجره‌های ساختمان می‌لرزید. هیچکس نمیدانست در آن اطاق چه میگذرد و هیچ جنبه‌ای نیز جسارت نزدیک شدن باطاق را نداشت. کنسول از روی صندلی بلند شده و در انتهای اطاق دست به سینه و در حالت تواضع بدیوار چسبیده بود، آنقدر ترسیده بود که حتی نمیتوانست صحبت کند. فقط سعی میکرد آب دهانش را بزحمت فرو دهد، پشت سرهم تعظیم میکرد، زیر لب جمله من مأموری بیش نیستم را تکرار مینمود.

سردار سپه مدتی چون شیر غرید و سپس شروع به واکنش جلی نموده و افسران ستاد خود را احضار کرد و در حضور همان کنسول بیچاره که از ترس مشرف به موت بود فرمان حرکت هرچه زودتر قوا را بخوزستان صادر کرد و دستور داد ظرف حداکثر سه روز باید بسمت خوزستان حرکت نمایند. در همان مجلس و با حضور همان کنسول انگلیس دستورات و تلگرافاتی به نیروهای مستقر در منطقه مخابره و فرمان فشار همه‌جانبه به خزل و نیروهای انگلیس را در صورت دخالت صادر نمود و سپس کنسول را مرخص کرد و ضمن روانه کردن کنسول باو گفت که حتی از یک وجب از خاک ایران نخواهد گذشت و بهیچکس، تحت سرپرستی هیچ کشوری اجازه یاغیگری نمیدهد، و در خاتمه قول داد، در صورتی که انگلستان او را وادار نکند سعی خواهد کرد به لوله‌ها و تأسیسات نفتی خوزستان آسیبی وارد نیاید. بدین ترتیب قوای اعزامی بفرماندهی شخص سردار سپه از شیراز خارج شد و پس از یک راهپیمائی طولانی بکازرون وارد گردید.

سردار سپه پس از توقف کوتاهی در کازرون بسمت بوشهر حرکت کرد و مردم بوشهر با شور و حرارت و احساساتی بی نظیر مقدم سردار سپه و قوای تحت امر او را گرامی داشتند.

در بوشهر نماینده سیاسی شرقی انگلستان «مسترهاوارد» با توافق کنسول انگلیس در بوشهر تقاضای شرفیابی نمودند. رضاخان با توجه به برخورد سخت او با ژنرال کنسول شیراز، آنها را پذیرفت و خود را برای یک برخورد سخت‌تر آماده نمود. ولی بعکس نمایندگان انگلستان با کمال ادب و احترام شرفیاب شده بدون آنکه صحبتی از مسئله شیراز و رفتار سردار سپه بسا

کنسول شیراز بمیان آورند، با شیرین زبانی و چاپلوسی بعرض سردار سپه رسانیدند که وزیر مختار انگلستان که هم اکنون در بغداد است اشتیاق دارد با شما ملاقات و مذاکره نماید. سردار سپه با توجه بموقعیت حساس جواب داد که ضمن خوشوقتی از زیارت وزیر مختار انگلیس میل دارد بجای بوشهر در محرمه یا زیدون با جناب وزیر ملاقات نماید و بدین وسیله بنامبرندگان فهمناید که مذاکره با وزیر مختار نیز مانع حرکت سردار بخوزستان نخواهد بود.

در اینموقع تلگرافی از نیروهای باختر رسید که آن نیرو با تمام وسائل و تجهیزات خود را بشلاقهای لرستان رسانیده. سردار سپه این تلگراف را برای نمایندگان انگلستان قرائت کرد و در حضور ایشان تلگرافی به نیروهای باختر ابلاغ نمود که هرچه زودتر بسوی دزفول حرکت نمایند و علیرغم تمام تلاش انگلستان سردار سپه تصمیم گرفت با کشتی کهنه مظفری از بوشهر بسمت خوزستان حرکت نماید. دولت انگلستان که خطر را قطعی دید بوسیله دو یادداشت رسمی و بسیار شدید از دولت ایران و شخص سردار سپه قویاً خواست تا از ورود به خوزستان خودداری گردد و رسماً تهدید نمود که کشور پادشاهی انگلستان بطور جدی ومؤثر از شیخ خزعل که هم اکنون تبعه انگلستان است و دولت عربستان (خوزستان) که بفرمانفرمائی شیخ خزعل در آن تشکیل گردیده است دفاع خواهد نمود. ولی تمام این فشارها مانع حرکت سردار نگردید و گویا ترس در دل این فرزند رشید ایران جائی برای خود نداشت.

سردار سپه با کشتی مظفری از بوشهر به بندر دیلم وارد گردید و مقارن ورود به دیلم تلگرافی مبنی بر عذرخواهی مجدد از طرف شیخ خزعل بحضور سردار سپه تقدیم شد.

سردار سپه به نیروی مستقر در اصفهان دستور داد که برای قطع کمک بختیارها بخزعل، بلافاصله بطرف بهبهان حرکت کرده و عشایر بختیاری را منهدم و از پیوستن آنها بقوای خزعل جلوگیری نماید. این قوا توانست با شجاعت کم نظیر وسرعت زیاد بختیارها را درهم کوبیده و خود را به بهبهان برسانند.

تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۰۲

سید



وزارت امور خارجه دولت علیه ایران

در امور بیجا و افکار

باد کوبه

مقام شایسته وزارت جلیله امور خارجه
 درج بر سر ادبت اخیره و استوار دینت در کلیه اصفت اردن
 جریه کونیت و کونیت در امر بیجا و افکار ۱۹۲
 درج و ضمن نامهات مرات علیه را سر رتبت ترار دله و
 شرح در صحت نسبت رجسب در امر بیجا و افکار و غیره
 و کتب عین مقاله را بر سر کتضا و مبرک بودن را سر رتبت
 لغیرت زوال و بولار

شماره ۲۲۵

تکلیف

کلیف

تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۰۲

وزارت امور خارجه
 شماره ۱۴۶۵۵
 تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۰۲

الله



وزارت آموزش عالی

اداره: _____

دائرة: _____

شماره: _____
 تاریخ: _____
 ترجمه روزنامه کمونیست ترکی باد کوبه در مورد رضاخان پهلوی «نخستوزیر»
 ۱۹۴۴

مقامات وزارت آموزش عالی افغانستان را به اطلاع می‌رساند که در روز ۱۹۴۴ در ترکیه
 تشریفات عوامی و معنی و یکدیگر را به هم رسانید و این تشریفات در
 در بین راه از طرف دولت ترکیه و دولت افغانستان در صحنه‌های
 با وجود دانسته رسم الزامات (رضایان) در شهر استانبول برگزار گردید
 و تعدادی سخن در باره طرف ترکیه و انگلیس و بعضی مسائل را در
 سرک با کمال شوق و اشتیاق در میان مردم و دانشمندان و طلاب
 و غیره منعقد گردید از طرف حاکم دولت ترکیه که در سخن (در باره
 وضع ترکیه در (ایرانیها) از جانب عبدالحمید در روزنامه اخبار
 کماله ۱۸ آذر ارضی و سخن در کماله ۱۰ آذر ارضی در باره
 نظر کرده که به بدین ترتیب در آن روز در آن کشور که در آن
 در آن واحا و آب یکبار بر وضع و آرزو، فارسی سخن گفتند و
 ترجمه همه کلمه‌ها در روز بعد از آن در آن روز

فتوکی ترجمه روزنامه کمونیست ترکی باد کوبه در مورد رضاخان پهلوی «نخستوزیر»

در اینموقع شخص سردار سپه خود را به زیدون رسانید و در پاسگاه فرماندهی در میان نیروهای خود مستقر گردید، در حالی که لشکر اعزامی اصفهان خود را به بهبهان رسانیده منتظر دستور بود و نیروهای اعزامی از آذربایجان نیز در سه ستون خود را به کرمانشاهان رسانیده بودند، لشکر غرب نیز تلاشی میکرد تا خود را از میان لرستان عبور داده و از خرم آباد به خوزستان وارد شود. عمده قوای اعزامی فرماندهی سردار سپه رضاخان در هشتم آذرماه سال ۲۴۸۳ شاهنشاهی (۱۳۰۳) به لنگیر وارد شد و پس از یک تجدید سازمان کوتاه با جلال هرچه بیشتر بطرف خوزستان حرکت کرد.

از زیدون تا کرانه اروندرود، زیر فرمان عبدالله پدرزن شیخ خزعل قرار داشت که مقر فرماندهی او قلعه حسن خان علیا بود. از بهبهان تا رامهرمز زیر فرمان سالار ارفع بختیاری قرار داشت. نیروهای اعزامی از هر سمت با شرار فشار میآوردند و اشرار را مرتباً مجبور به عقب نشینی مینمودند. تلفات اشرار روبه ازدیاد بود و آثار ضعف و عدم تمرکز و ترس در حرکات آنها مشهود. با اینکه مرتباً تلگرافات پوزش و عذرخواهی و انقیاد از طرف شیخ خزعل بسردار سپه میرسید، عمال شیخ مرتباً و با جسارت در مقابل نیروی اعزامی مقاومت میکردند و اظهار پشیمانیهایی مکرر شیخ از حدود حرف و تلگراف و نامه تجاوز نمیکرد و عملاً قدمی در راه انقیاد برنمیداشت. در این هنگام سردار سپه به هندیجان رسید و طبق دستور او خودروها با کشتی از بوشهر به هندیجان حمل شده و آماده بردن سردار و نیروی او از ده ملا باهواز گردیدند.

در این روز فرزند شیخ خزعل بنام عبدالکریم در لباس سرلشگری که جوانی با هوش، نیرومند و تیزبین بود به ده ملا آمد و بحضور سردار سپه شرفیاب شد و ضمن عذر تقصیر پدر و وساطت نامبرده نامه‌ای نیز از شیخ تقدیم داشت که در آن شیخ بعلت کسالت از شرفیابی معذرت خواسته و از سردار برای ورود بمحرمه (خرمشهر) دعوت و طلب عفو کرده بود. سردار سپه ضمن نامه کوتاهی قول داد که از ده ملا به ناصری (اهواز) رفته و در آنجا منتظر ملاقات شیخ خواهد بود.

فرزند شیخ ضمن صحبت نهایت سعی داشت که سردار را از حرکت بسوی اهواز و دزفول باز دارد و او را مستقیم بطرف محرمه (خرمشهر) بکشاند. چون اهالی اهواز و دزفول تصمیم داشتند شکایات زیادی از جو رو ستم شیخ خزعل و کارگزاران او بحضور سردار سپه تقدیم دارند، رضاخان با توجه باین نکته باریک بفرزند شیخ تذکر داد که حتماً باید از ناصری (اهواز)

و دزفول بازدید نماید، خصوصاً اینکه لشکر غرب فرماندهی احمدخان نیز توانسته است خود را به دزفول برساند و بازدید از این نیرو لازم است. سردار سپه برابر تصمیم قبلی باستون اعزامی بوسیله اتومبیل بطرف اهواز حرکت نمود و تا ساحل رودخانه جراحی یعنی ۲۳ کیلومتری اهواز بدون برخورد با مانعی پیشرفت.

در ساحل رودخانه جراحی ناگهان از سمت اهواز گردوخاک زیادی پدیدار شد و بدنبال آن یک اتومبیل سیاه رنگ از راه رسید که سرکنسول روسیه در اهواز را به همراه داشت. سرکنسول روس با فرمانده لشکر جنوب و سرلشکر امیر اقتدار دونفر از امراء ستون اعزامی شروع بمذاکره نمود و سپس دوامیر حضور سردار سپه رسیده و از قول کنسول روس چنین اظهار نمودند:

«شیخ خزعل عده زیادی نیروی مسلح در اهواز و اطراف آن فراهم آورده و قصد دارد نیروی دولتی را نخست محاصره و سپس منهدم نماید و کنسول روس بهیچوجه صلاح نمیداند که سردار سپه با چنین نیروی اندکی وارد اهواز گردد.»

دو نفر سرلشکران فوق ضمن تأیید گفته‌های کنسول روس از سردار سپه استدعا کردند که بی جهت جان خود و سایرین را در این راه بخطر نیانداخته و فعلاً از ورود باهواز صرفنظر نماید.

در اینموقع سردار سپه ضمن تأیید خطرات ورود باهواز، ب فکر فرو رفت. سردار با خود اندیشید که آیا میتوان بخاطر جان از استقلال میهن گذشت؟ آیا میتوان برای آرزوئی بلند و بزرگ اصولاً جان را بحساب آورد؟ آیا میتوان از نیمه راه سرفقت بازگشت؟ آیا میتوان امید تمام ایرانیان وطن پرست را که امروز بسوی اوست ناامید کرد؟

سردار سپه اندیشید که فقط دو راه در پیش است یا مرگ یا پیروزی و افتخار. بهمین دلائل ناگهان سر برداشت، به چشمان سرلشکران خود نگرست لبخندی تلخ بلب آورد. کمی عقب رفت و ناگهان فریاد کشید. زندگی در راه استقلال میهن چه ارزشی دارد؟ من برای ایران همه چیز خود را فدا میکنم، و سپس شروع به خواندن شعری از فردوسی کرد:

جهانجوی راجان بجنگ اندرست و گرنه سرش زیر سنگ اندر است
سردار این بگفت و بطرف اتومبیل خود رفت. در جلوی درب اتومبیل لحظه‌ای ایستاد، سپس خطاب بافسران خود گفت. من حالا با سرعت بیشتری بطرف اهواز و بسوی خطر میروم و در هیچ جا توقف نخواهم کرد و اگر لازم باشد تنها بشهر وارد میشوم.

سردار وارد اتومبیل شد. اتومبیل او بسرعت بسوی ناصری (اهواز) حرکت کرد و بدنبال او نیروی اعزامی بسرعت ب حرکت درآمد. گوئی روح سلحشوری و شجاعت در آن عده اندک بوسیله سردار دلیر ناگهان دمیدمشد. دیگر هیچکس را خوف جان نبود. مثل اینکه هیچکس دیگر ترس و مرگ را بیخاطر نمیآورد و هرکس سعی میکرد قبل از دیگری خطر را استقبال کند. موکب سردار سپه با قوای اعزامی در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۱۳ قوس (آذر) باهواز وارد شد. در این فاصله آنها که قصد جان سردار را داشتند از ترس گریختند و آنها که مخدوم بودند و وطن پرست، خود را برای استقبال از سردار آماده نمودند. در دروازه شهر سردار اجل فرزند دیگر شیخ خزعل با اتفاق ۱۸ تن از رؤسای عشایر عرب وابسته به شیخ برای استقبال صف کشیده بودند ولی خود شیخ به بهانه بیماری در محل حاضر نبود.

سردار پس از تعارف با مستقبلین وارد شهر گردید و مشاهده کرد که شهر با پرچمهای ایران تزئین گردیده و عده زیادی به استقبال آمدهاند ولی مردان مسلح زیادی در روی باسهای شهر دیده میشوند. سردار بدون ترس با لبخند از میان صفوف مردم گذشت و بکاخ خزعل وارد شد و مشغول استراحت گردید و بدنبال او نیروی اعزامی وارد شهر شد و اداره امور شهر را در دست گرفت. بامداد روز ۱۴ آذر شیخ اجازه شرفیابی خواست و سردار سپه در ساعت ۱۰ صبح با اجازه شرفیابی داد.

شیخ خزعل که زمانی خود را نه تنها فرمانروا بلکه سلطان خوزستان میدانست برای ورود بکاخ خود مجبور گردید کسب اجازه نماید. شیخ خزعل وارد کاخ شد در حالی که بیش از ۶۰ سال سن داشت و صورت او را خالهای زیادی پوشانیده بود. چشمانش بزرگی متمایل بود و آثار فرسودگی بسیار از وجناتش پیدا بود.!!

شیخ وارد تالار کاخ شد و پس از یک تعظیم بلند خود را روی پاهای سردار نامدار ایران انداخت و بسرعت مشغول بوسیدن چکمه های سردار و عذرخواهی گردید.

سردار سپه او را از زمین بلند کرد. صورت او را بوسید و او را که از شدت ترس نزدیک بود قالب تهی کند در کنار خود نشانید.

شیخ خیلی صحبت کرد بسیار عذرخواست ولی مطالب او همان صحبت هائی بود که قبلا در تلگرافات و نامه هایش نوشته بود. یعنی گذاشتن تقصیر بگردن مفسدین و بداندیشان.

در هر حال سردار سپه او را بخشید و خطاب باو چنین فرمود:

«من نه طمع بمال و ثروت تو دارم و نه قصد جان یک پیر مرد را میکنم
ترا خواهم بخشید فقط بیک شرط که خود را قلباً و واقعاً یک ایرانی بدانی
و برای این آب و خاک یک فرد مفید باشی. هر کس که در این آب و خاک
زندگی میکند و از نعمات این سرزمین برخوردار است حق ندارد به بیگانه
خدمت کند و طوق نوکری بیگانه را برگردن داشته باشد....»

روز بعد مرتضی قلیخان بختیاری با وساطت شیخ خزعل اجازه شرفیابی
بمحضور سردار سپه را پیدا کرد. مرتضی قلیخان در حضور سردار سپه قسم
خورد که او اصولاً جزء حزب سعادت نبوده و از تمام دسائس علیه سردار
سپه بی اطلاع بوده است. سردار نگاهی در چشمان پیرمرد کرد و بر او ثابت
گردید که راست میگوید، بنابراین او را بخشید و مرخص نمود. شیخ خزعل
تلگراف مشروحه بمجلس شورایی در تهران معایره نمود و ضمن اظهار
ندامت از کارهای گذشته و اظهار عبودیت نسبت بسردار سپه افتیاد خود را
برای همیشه بدولت مرکزی اعلام و از اینکه مورد عفو و عنایت مخصوص
سردار سپه قرار گرفته است اظهار تشکر نمود.

وصول تلگراف شیخ خزعل در مجلس شورایی مثل توپ صدا کرد.
مزدوران اجنبی مرعوب و میهن پرستان واقعی شادمان و آنان که در حال
تردید بودند از دودلی خارج و به صف میهن پرستان گرویدند.
موج پیروزی غیر قابل تصور سردار سپه در خوزستان و شکست کامل نغمه‌ها
و نیروهای ملوک الطوائفی در خوزستان، لرستان و بختیاری یکی پس از
دیگری از منطقه عملیات بمجلس و از مجلس بجراید و مساجد و تکایا و بردم
سراسر کشور منتقل گردید.

سرور و شرف بی پایان، همراه با غرور و پیروزی یکبار دیگر مردم ستم دیده
و رنج کشیده ایران که بیش از صدوسی سال در زیر فشار بیگانگان و
بیگانه پرستان، چون فانوس تا شده بودند، قابل توصیف و تشریح نیست
شهرها چراغانی گردید، پرچمها بر بالای بامها و بر در دکانها بهتر از
درآمد، جشنها آغاز شد، شعرها و ترانه‌های زیبایی سروده شد، در تمام
مسجدها و تکیه‌ها و حسینیه‌ها، دستهای دعا بدرگاه خداوند بزرگ بلند شد و
از چشمان حق شناس تمام ایرانیان اشک شوق و ستایش فرو چکید.

در روز دوم ورود سردار سپه با هوا از سرکنسول روسیه شرفیاب شد و از پیروزی
نیروی ایران نهایت اظهار خوشوقتی کرد. روسها واقعاً خوشحال بودند،
زیرا پیروزی ارتش ایران را بر عمال انگلستان و شکست دیپلماسی انگلستان
را در ایران و بخصوص در مناطق نفت خیز جنوب، دلیل نزدیکی ایران
بر روسیه می پنداشتند، در صورتی که سردار سپه عقبه داشت و ثابت کرد که
بیگانه، بیگانه است، برای ایران و ایرانی روس و انگلیس، خاور و باختر،

شمال و جنوب تفاوتی ندارد. ایرانی فقط ایران را می‌شناسد و این مرزبوم شش هزار سال است که فقط بوسیله ایرانی اداره شده، و هر وقت بیگانه‌ای خواسته است در آن نفوذ کند بوسیله تمام ایرانیان حتی با چنگال و ناخن نابود گردیده است.

در این موقع کارمندان دولت و دوستان و طرفداران سردار سپه موفق گردیدند مدارک، رمزها، موافقتنامه‌ها، یادداشتها و تلگرافات زیاد و محرمانه‌ای بدست آورند که متن مجموع آنها گویای فعالیت شدید و تلاش فوق العاده دولت انگلستان در مسلح و متحد کردن طرفداران شیخ خزعل بالرها و بختیارها بود و دولت انگلستان با گرفتن تعهد خدمت و حتی تعهد سرسپردگی برای حکومت بریتانیا، سلاح و سازوبرگ و پول و وسیله کافی در اختیار آنها گذاشته است و اساس اتحاد آنها را نیز تسهیل نموده، تا خوزستان و قسمتی از فارس و لرستان را برای همیشه از دامن خاک وطن جدا ساخته و یک حکومت پوشالی دست‌نشانده انگلیس بنام عربستان (خوزستان) برهبری و حتی سلطنت شیخ خزعل در آن ایجاد نماید. وقتی این مدارک بعرض سردار سپه رسید، متعجب نشد و اظهار داشت تمام اینها را دقیقاً میدانم ولی خوشحالم که شما این مدارک را بصورت زنده بدست آورده‌اید. سپس دستور داد که این مدارک را برای کویلدن بدهان باقیمانده نوکران اجانب در مجلس شورای ملی، مستقیماً به تهران بفرستند و حتی آنها را وسیله جراید با اطلاع عموم مردم برسانند.

ع- علل عدم مداخله مستقیم نظامی انگلستان در عملیات خوزستان

الف - دولت انگلستان تصور مینمود که با تهدید و ارباب ویا تطمیع و تحبیب قادر است سردار سپه را از عزیمت بخوزستان بازدارد و او را فقط بفرماندهی و رهبری قسمت مرکزی و شمالی ایران قانع سازد.

ب - در آن موقع دولت انگلستان با توجه بسوابق تاریخی . . . ساله اخیر ایران و رجال و معارف و افسران ایرانی حتی تصور چنین شجاعت و جسارت سرپیچی از فرمان دولت انگلیس را نیز بیخاطر خود راه نمیداد و هر لحظه منتظر بود که سردار سپه از نیمه راه باز گردد.

پ - دولت انگلستان امیدوار بود تا بوسیله عمال دست‌نشانده و خائنین شناخته شده و سرسپرده انگلستان در مقامات سیاسی و مملکتی ایران بتوانند با ایجاد محیط مشتنج و نشر دروغ در مجلس و روزنامه‌های خریداری شده، سردار نامدار ایران را از شوق نجات قطعاً بزرگی از خاک ایران منصرف ویا حداقل دلسرد سازد.



سردار سپه رئيس الوزراء «نخستوزير» (بهنگام دفع غائله خزعل)

ت - دولت انگلیس امیدوار بود که سردار سپه با قوای اندک و تجهیزات ناقص خود نتواند از سد عشایر لرستان و پشتکوه و بختیاری گذشته و خود را به خوزستان برساند.

ث - دولت انگلستان مطمئن بود که قوای اندک ایران در صورت ابراز هر قدر لیاقت و شجاعت اگر از دروازه‌های لرستان بختیاری بگذرد، دیگر نیروئی نیست که دفع و انهدام آن مشکلی برای شیخ خزعل باشد.

ج - دولت انگلیس امیدوار بود که در نزدیک دروازه‌های خوزستان، سردار ایران باندکی سپاه خود و فزونی نیروی شیخ پی برده و با یک برآورد نظامی حساب شده از شروع به جنگ با چنین نیروئی منصرف شده و از راه صلح و سازش درآید.

چ - دولت انگلستان مطمئن بود که سردار سپه در صورت بخطر انداختن خود و ورود خصمانه بخوزستان، قوای ۳۰ هزار نفری و رزیده و تجهیز شده شیخ خزعل با کمک نیروهای بختیاری و الوار از عقب و با استفاده از پشتیبانی انگلستان از راه دریا، و کمک تفنگچیان اضافی که از کشورهای عرب نشین اطراف اجیر شده و در خرمشهر و اهواز اجتماع کرده بودند، براحتی خواهد توانست قوای ایران را درهم بکوبد و آرزوی آزادی و یکپارچگی ایران را در قلب فرزند رشید آن برای همیشه خاموش سازد.

ح - دولت انگلستان از همه چیز آگاه بود و نیروهای لازم را در منطقه حتی بیش از ده برابر احتیاج تجهیز و آماده کرده بود و هیچ قربندهای را برای موفقیت سردار ایران سراغ نداشت. دولت انگلیس و عمال او و تمام بیگانگان و بیگانه پرستان، فقط از توجه بیک نکته غافل بودند و آنهم عشق ایرانی بایران و قدرت فرزند رشید و قهرمان ایران بود.

خ - تاریخ ایران بارها تکرار شده است، وقتی پای استقلال کشور در میان باشد، وقتی شرافت ایرانی در معرض خطر باشد، وقتی بیگانه‌ای پای در خانه او گذارد، موقعی که کشور در آستانه سقوط قرار گیرد، ناگهان خدای ایران، خداوندی که . . . سال این کشور و استقلال آنرا حفظ کرده است، یکی از فرزندان این آب و خاک را مأمور نجات میهن میکند، این سردار درفش میهن را بدست میگیرد و ناگهان سیل خروشان فرزندان رشید این آب و خاک، سر بر کف و گوش بفرمان بدنبال او می‌خورشند و استقلال کشور شاهنشاهی را حفظ میکنند.

وقتی انگلستان باین حقیقت واقف گردید که خیلی دیر شده بود و قوای سردار سپه خوزستان را زیر سلطه داشت و جنگ مستقیم با او به قیمت انفجار و نابودی تمام صنایع نفت تمام میشد.



سردار سپه رئيس الوزراء نخستوزیر و فرمانده کل قوا پس از بازگشت از سفر خوزستان



«آناژنگک و خستگی سفر در چهره سردار سپه بخوبی مشاهده میشود.»

شورش الوار و شورشیان لرستان و بختیار

- ۱ - منطقه عمل: لرستان و بختیاری.
- ۲ - منظور شورشیان: تأمین معاش از طریق راهزنی و قتل و غارت و اخلاف در نظم بدستور بیگانگان.
- ۳ - علت بوجود آمدن شورش: ضعف دولت مرکزی و تحریکات خارجی.
- ۴ - عملیات علیه الوار و بختیارها بفرماندهی وزیر جنگ و فرمانده کل قوا **رضاخان پهلوی** بشرح زیر انجام گردید:
وزیر جنگ و فرمانده کل قوا، اطلاع کامل داشت که سران طوایف لر و بختیاری در تهران و در دستگاههای دولتی جاسوسان و مزدورانی دارند که در مقابل دریافت مستمری ناچیزی، هر نوع حرکت واحدهای نظامی را بطرف منطقه آنها با ذکر تاریخ، نوع سلاح، تعداد، ساعت حرکت و نقاط ضعف ستون بانها گزارش مینمایند و بهمین علت ستونهای اعزامی در راه لرستان غافلگیر و نابود میگرددند.
دلیل فوق و بمنظور غافلگیری عمال اشرار و بیگانگان و جاسوسان آنها، سردار سپه دست به یک اقدام وتدبیر بزرگ زد، بدین طریق که نیروهای خود را نخست بطرف آذربایجان گسیل داشت و سپس نیروها را بفرماندهی خود از آذربایجان از طریق کردستان و کرمانشاهان به لرستان کشانید که این راه - پیمائی طولانی بدون وجود جادههای مناسب و با وسائل آنروزیک عمل قهرمانی بود. الوار وقتی از وجود نیروهای دولتی در منطقه آگاه شدند که زمان برای واکنش کوتاه بود و سردار سپه توانست در چندین مرحله زد و خورد، نیروهای اشرار را درهم کوبیده و پشتکوه را تصرف و فرماندار پشتکوه را دستگیر نماید.
همزمان با تأمین پشتکوه نیروهای باختری بفرماندهی سرتیپ محمدخان شاه بختی موفق گردید شهر خرم آباد را تصرف و با تأسیس پاسگاههایی بین خرم آباد بروجرد ارتباط بین این دو شهر را برقرار سازد.
در اینموقع که تصور میرفت حس سرکشی از شورشیان سلب گردیده است ناگهان دستجات پراکنده و شکست خورده لر و بختیاری گرد هم جمع آمده و پاسگاههای بین بروجرد و خرم آباد را متصرف و شهر خرم آباد را سخت در محاصره گرفتند و عمال خائن و دست نشانندگان بیگانه در تهران و در مجلس شورایی شروع به نفی اعمال سردار سپه نموده و با شایعه پراکنی و نشر اکاذیب سعی نمودند سردار سپه را نگران پایتخت نموده و او را از تعقیب اشرار منصرف سازند. ولی سردار نامدار تاریخ ایران بدون کوچکترین

توجه و اعتنائی به سمپاشی‌های بیگانگان در تهران، اقدامات نظامی را علیه اشراک
 بشدت ادامه داد و برای اولین بار در تاریخ نظامی ایران عملیات مشترک زمینی
 و هوایی را در این عملیات طرح‌ریزی و اجراء نمود و باین طریق سر تپ شاه‌بختی از
 محاصره نجات یافت و شهرهای خرم‌آباد و بروجرد یکی پس از دیگری تأمین و منطقه
 لرستان و بختیاری از وجود اشراک و عمال بیگانه پاک گردید و سردار با قوای اعزامی
 فاتحانه بمرکز مراجعت نمود. این موفقیت‌های درخشان وی در پی، خود بدون احتیاج
 با اقدام مجددی، عمال بیگانه را در مقابل دید ملت ایران برای همیشه رسوا نمود و
 بیگانه و بیگانه‌پرست فهمید که دیگر در این منطقه زرخیز و این کشور کهنسال جایی
 برای جاسوسی و نیرنگ و عوام‌فریبی و مفت‌خواری نیست و هر کس در مقابل اراده ملت
 ایران و ارتش دلیر آن که امروز فرماندهی لایق در راس آن قرار دارد ایستادگی
 کند، در زیر چکمه‌های سربازان دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی لگد کوب خواهد شد.



تصویر یکی از عشاير بختيار چهارمگل

عملیات علیه شورش جنوب

از ۲۴۸۷ تا ۲۴۸۹ شاهنشاهی «۱۳۰۷-۱۳۰۹ هجری قمری»

- ۱ - منطقه شورش: از جنوب اصفهان تا ساحل خلیج فارس و از باختر کرمان تا مرز خوزستان.
- ۲ - علت بوجود آمدن شورش: تحریکات خارجی و اتحاد پنهانی عشایر قشقایی، بویراحمدی، ممسنی و بختیاری.
- ۳ - منظور شورشیان: تضعیف حکومت مرکزی و در دست گرفتن زمام امور مناطق جنوب باختری ایران با کمک عوامل بیگانه
- ۴ - رهبران آشکار و پنهانی شورش: سردار اسعد بختیاری، صولت الدوله قشقایی، امام قلیخان رستم، حسنخان دره شوری.
- ۵ - آغاز شورش: ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) و پایان آن شهریور ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی)
- ۶ - مقدمه:

نظر باینکه اقدامات اصلاحی سریع و همه‌جانبه اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از جلوس به تخت سلطنت، کاملاً مغایر نظرات دول خارجی و بخصوص دولت انگلستان بود، و میرفت که منافع دولت انگلیس برای همیشه در خطر تهدید جدی قرارگیرد، عمال آموزش یافته دولت انگلستان در پوشش جهانگرد، شکارچی، کارشناس و غیره، مرتباً وارد ایران گردیده و در نقاط و مناطق عشایری ایران و بخصوص عشایر مناطق جنوب و جنوب باختری ایران مشغول رفت و آمد و ملاقات با سران عشایر گردیدند و ضمناً سفیر و کنسول انگلستان در ایران نیز اغلب در حال شکار در نقاط جنوبی ایران بودند، و با سران عشایر ملاقاتهای مکرری انجام و کم‌کم آنها را فریب داده و تطمع نمودند، تا آنجا که عشایر جنوب کشاورزی و دامپروری را رها کرده و تفنگ بدست گرفتند و شورش جنوب را بوجود آوردند تا شاید سردار نامدار ایران را از عشق باین مملکت و از تلاش شبانه‌روزی برای پیشرفت دائمی آن باز دارند.

۷- شرح عملیات

اولین اقدام مسلحانه علیه حکومت مرکزی در سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) در ارتفاعات فارس وسیله امام قلیخان رستم صورت گرفت و بدنبال شرات و راهزنی و یاغیگری نامبرده، سرتیپ پورزند فرمانده تیپ شیراز از ستاد ارتش دستورسر کوی

اشرار را دریافت نمود.

افسر نامبرده با ستونی که از یگانهای عمله وزیده تپ فارس تشکیل گردیده بود به تعقیب امامقلیخان پرداخت ولی عشایر ضمن تظاهر به ضعف در مقابل ستون اعزامی شروع به عملیات تأخیری نمودند و قوای نظامی را ضمن جنگ وگریز بمناطق صعب العبور کوهستانی کشانیدند تا توپخانه نتواند عملیات را پشتیبانی نموده و ارتباط نظری نیز بین یگانها قطع گردد.

نیروهای اشرار پس از آنکه ستون نظامی را خسته و کوفته بمنطقه مورد نظر کشانیدند ناگهان حمله مقابل آغاز کردند و نیروهای دولتی را که کاملاً در زمین کوهستانی ناشناخته محاصره کرده بودند زیر باران گلوله گرفتند.

نبرد سهمگینی بین دوطرف ادامه یافت تا آنجا که مهمات ستون اعزامی تمام شد و چون راه ارتباطی آنها با شیراز قطع گردیده بود باقیمانده ستون بناچار تسلیم اشرار گردید و فقط شخص سرتیپ پورزند باتفاق سرباز امر بر خود موفق بفرار گردید.

خبر شکست ستون اعزامی برق آسا به تهران رسید و بفرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر سرتیپ شاهبختی فرماندهی تپ فارس منصوب و مامور انهدام شورشیان شد، سرتیپ شاهبختی عملیات را بصورت همهجانبه و با رعایت تأمین، آنچنان بسرعت هدایت نمود که اشرار تقریباً غافلگیر شده و از همه سمت تحت فشار قرار گرفتند و چون پیش‌بینی چنین واکنش شدید و سریعی را نکرده بودند شروع به عقب‌نشینی در مقابل نیروهای دولتی کردند و امامقلیخان ضمن اینکه باتفاق خانواده خود به کوهستان پناه برد وسیله «امیرجنگ» یکی از سران بختیاری به نیروی اعزامی پیام فرستاد و ضمن عذرخواهی تقاضای عفو و تأمین نمود.

مراتب از طرف فرمانده ستون به تهران مخابره گردید و شاهنشاه بدو شرط عفو و تأمین امامقلیخان را پذیرفتند، اول آنکه عشایر کلیه سلاح خود را به نیروی دولتی تسلیم نمایند و دوم آنکه امامقلیخان فرزند ارشد خود حسینقلیخان رستم را بعنوان گروگان به تهران اعزام نماید. هر دو شرط فوق را اشرار پذیرفتند و شروع به تحویل سلاح خود نمودند ولی به اشاره خان و دولت خارجی پشتیبان تمام سلاح خود را تحویل ندادند و قسمت اعظم آنها پنهان نمودند و باین ترتیب مرحله اول عملیات جنوب در سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) پایان پذیرفت.

عمال خارجی و عناصر دست‌نشانده آنها در پایتخت از شکست امامقلیخان ناامید نشدند و تلاش بیشتری آغاز شد، تا تمام ایلات و عشایر جنوب باختری ایران مسلح و متحد شوند و عملیات گسترده و همهجانبه‌ای علیه حکومت مرکزی آغاز گردد. این تلاش در آغاز سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی (۱۳۰۸) به نتیجه رسید و

تقریباً تمام عشایر عمده قشقائی، محسنی و بویراحمدی همزمان و هماهنگ شراوت، راهزنی و قتل و غارت را در منطقه آغاز نمودند و دروازه‌های شیراز مورد تهدید جدی قرار گرفت.

بدنبال تقاضای کمک فرمانده تیپ فارس، به امر اعلیحضرت رضاشاه کبیر ستونی مرکب از یک گردان پیاده، یک گردان سوار، دو عراده توپ کوهستانی و عناصر پشتیبانی لازم بفرماندهی سرتیپ محمدحسین فیروز بطرف فارس اعزام گردید. ستون اعزامی پس از یک سلسله درگیری در ارتفاعات مجاور آباده بنا تفنگچیان «ملا قباد» و «ملا اسفندیار» توانست حملات اشرا را دفع نموده و پس از ورود به شیراز به نیروهای اعزامی قبلی موجود در منطقه ملحق گردد. در این موقع پادگان کازرون بفرماندهی سرهنگ قاسم خان در محاصره شدید تفنگچیان قشقائی و همچنین یک گردان سوار بفرماندهی سرهنگ غلامحسین خان در منطقه کوادر محاصره اشرا قرار گرفت.

برای کمک بدو یگان محصور، سروان علوی مقدم مأموریت داده شد که در رأس ستونی مرکب از یک گردان تانک و ۵ نفر ژاندارم، سریعاً بسمت کازرون حرکت نماید. اولین برخورد نیروی اعزامی باشورشیان کشکولی در قره آقاج و سینه سفید، روی داد و در نتیجه شورشیان بطرف ارتفاعات کتل دختر عقب نشینی نمودند. در اثر فشار آتش زره پوشهای ستون نظامی، مقاومت اشرا در ارتفاعات کتل دختر درهم کوبیده شد و نیروی اعزامی وارد دشت ازژن گردید. شورشیان که فشار نیروی نظامی را غیر قابل مقاومت دیدند در کوهستانهای اطراف پراکنده شدند.

سروان علوی مقدم برای بیرون کشیدن اشرا از پناهگاههای خود دستور داد که چند زره پوش با چادر و سایر وسائل استتار و بصورت یک کاروان کامیون تجارته تغییر شکل داده شود و با این آرایش بطرف کازرون حرکت نماید. اشرا فریب خوردند و بطمع چپاول کاروان بازرگانی از مواضع خود خارج شدند و راه را بر کامیونها بستند، ولی ناگهان آتش مسلسلها از داخل زره پوشها بطرف آنها باز گردید و متجاسرین با دادن تلفات قابل ملاحظه مجبور بفرار گردیدند و ستون توانست راه خود را بطرف کازرون باز نماید و محصورین را از محاصره نجات داده و اشرا را وادار بفرار کند.

در این موقع بعلت وسعت دامنه عملیات جنوب سرلشکر شبیانی بفرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر، از تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۸ شاهنشاهی (۱۳۰۸) با اختیارات تام بفرماندهی نیروهای فارس منصوب و با دریافت دستورهای ویژه و اوئنه منطقه عملیات گردید.

سرلشکر شبیانی یک گردان پیاده و دو عراده توپ از اصفهان با خود برداشته

و بطرف شیراز حرکت نمود. از سوی دیگر سرتیپ شاه‌بختی نیز بسروان علوی
 مقدم که از کار عملیات کازرون فارغ گردیده بود، مأموریت داد تا بطرف
 اصفهان حرکت نموده و راه را تا پل خان برای سرلشکر شیبانی تأمین نماید.
 با توجه باقدمات فوق سرلشکر شیبانی از سوی اصفهان و سروان علوی، مقدم
 از سوی شیراز هر دو به پل خان نزدیک گردیدند درحالی‌که اشرار از قصد
 طرفین آگاه بوده و در پل خان آماده غافلگیری و انهدام هر دو ستون بودند.
 ستون سرلشکر شیبانی قبل از سروان علوی مقدم به پل رسید و در مجاورت
 آن بشدت با اشرار درگیر شد و در اثر شجاعت نیروهای نظامی و جسارت و تدبیر
 شخص سرلشکر شیبانی اشرار بسوی ارتفاعات عقب‌نشینی نمودند و درهمین حال
 ستون سروان علوی، مقدم نیز به پل خان رسید و الحاق بین دو ستون انجام پذیرفت.
 دو ستون پس از باقی گذاشتن یک‌کسته برای تأمین پل خان بطرف شیراز



فرمان‌دهنده حضرت رضاشاه کبیر سرلشکر حبیب‌الله شیبانی از تاریخ ۱۲
 اردیبهشت‌ماه سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی «۱۳۰۸ خورشیدی» با اختیارات
 تام فرماندهی نیروهای فارس منصوب گردید.

حرکت کردند و بدون حادثه مهمی وارد شیراز شدند. ولی متأسفانه یک گروهان پیاده با سرهنگ چالپرسی و سروان عباس آریا و ستوان یکم وزیری که در نقش عقب‌دار ستون سرلشگر شیبانی بودند در مجاورت پل خان پس از الحاق با دسته تأمین پل بوسیله شورشیان کشکولی شبانه غافلگیر شدند که منجر بشهادت عده قابل توجهی از افسران و درجه‌داران و افراد نیروهای دولتی گردید و فقط سرهنگ چالپرسی و سروان آریا موفق شدند از طریق کوهستان خود را بشیراز برسانند. پس از اطلاع سرلشگر شیبانی از واقعه پل خان، بلافاصله سروان علوی مقدم، در رأس یک ستون به پل خان اعزام شد و ضمن سرکوبی اشرار و تأمین پل، اجساد شهداء راه میهن را در مجاورت پل بخاک سپرد.

سرلشگر شیبانی پس از وصول بشیراز دست به تحقیقات دامنه‌داری زد و ضمن آن متوجه گردید که توطئه وسیعی علیه **خاندان پهلوی** از طرف بازماندگان خاندان قاجار در شرف تکوین است و صارم‌الدوله والی وقت فارس و سردار اسعد بختیاری در تهران توطئه را با پشتیبانی کامل دولت انگلیس رهبری مینمایند. مراتب از طریق سرلشگر شیبانی بشرف‌عرض شاهنشاه رسید و در نتیجه والی فارس از کار برکنار و سردار اسعد بختیاری در تهران تحت نظر قرار گرفت و پیر و آن خلع سلاح عشایر فارس وسیله سه ستون آغاز شد و منطقه کم‌کم رویارامش گذارد، ولی ناگهان طوایف هفت‌لنگ بختیاری که از فریدن اصفهان تا حدود چهارمجال و شهر کرد سکونت دارند، شورش را در اطراف اصفهان آغاز کردند.



سرتیپ محمدخان شاه‌بختی فرمانده کل نیروهای منطقه بختیاری



مراتب بشر فرغش شاهنشاه رسید و اعلی حضرت رضاشاه کبیر او امری که در دفع شورش ایلات بختیاری بستاد ارتش صادر فرمودند. در نتیجه سه ستون بشر زیر بطرف بختیاری اعزام و سرتیپ شاه بختی فرمانده تیب فارس فرماندهی کل نیروهای منطقه بختیاری منصوب و از شیراز وارد اصفهان شد:

الف - ستون اول فرماندهی سرهنگ ابراهیم ضرابی در محور تنگ علمدار.

ب - ستون دوم فرماندهی سرهنگ محتشمی در محور تنگ دزدان.

پ - ستون سوم فرماندهی سرهنگ اسعد در محور تنگ بیدکان.

در این موقع سرهنگ میمند که قبلا جهت دفع اشرار اعزام گردیده بود در قلعه سفیددشت، بشدت در محاصره اشرار قرار گرفت و تقاضای کمک نمود.

سرتیپ شاه بختی با نیروهای موجود بطرف تنگ بیدکان حرکت کرد و با یک حرکت دورانی همراه با یک تک جبهه‌ای توانست قلعه سفیددشت را تأمین نموده و نیروهای محصور را از محاصره نجات بخشد. فعالیت مؤثر سرتیپ شاه بختی در منطقه بختیاری آرامش را برقرار نمود و در حالی که خلع سلاح عشایر قشقایی در فارس بوسیله سرلشگر شیبانی ادامه داشت عشایر بویراحمد، باتکاء بوضع کوهستانی منطقه حاضر به تسلیم در مقابل قوای دولتی نشدند و با یغیگری را با شدت علیه نیروهای دولتی ادامه دادند و این خود سایر عشایر منطقه را نیز در مخالفت با حکومت مرکزی تشجیع نمود.

سرلشگر شیبانی فرماندهی کل نیروهای جنوب تصمیم گرفت که از راه مذاکره، سران عشایر منطقه و بخصوص سران عشایر بویراحمد را وادار به تسلیم کند و با این عمل تا آنجا که امکان دارد از برادرکشی جلوگیری شود. بدین - لحاظ ضمن مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم با سران عشایر گزارش محرمانه‌ای به تهران تقدیم و از پیشگاه اعلی حضرت رضاشاه کبیر استدعا نمود تا صولت الدوله که در تهران تحت نظر بود بشیراز اعزام گردد، تا از وجود و نفوذ او در عشایر منطقه استفاده شود.

شاهنشاه با استدعای سرلشگر شیبانی موافقت فرمودند و صولت الدوله به شیراز اعزام گردید، ولی باز هم عشایر بویراحمد حاضر به تسلیم و خلع سلاح نشدند، بنابراین درهم کوبیدن مقاومت اشرار بویراحمد تنها راه برقراری آرامش در صفحات جنوب بود.

برای حمله بعشایر بویر احمد، سرلشگر شیبانی کلیه نیروهای عمده موجود در منطقه را بشرح زیر در اردوگاهی در حوالی اردکان گرد آورد:

الف - هنگ پیاده پهلوی از لشکر ۱ مرکز فرماندهی سرهنگ ابراهیم زند، تقویت شده با یک گروهان مسلسل سنگین.

ب - هنگ پیاده رضاپور از لشکر ۱ مرکز فرماندهی سرهنگ طهماسبی تقویت شده با یک گروهان مسلسل سنگین.

پ - هنگ پیاده نادری از لشکر ۲ مرکز فرماندهی سرهنگ معینی تقویت شده با یک گروهان مسلسل

ت - یک گردان سوار از هنگ سوار فاتح مرکز فرماندهی سرگرد حسین فاتح.

ث - هنگ توپخانه کوهستانی از لشکر ۱ مرکز شامل چهار آتشبار جمعاً ۱۶ عراده توپ.

ج - یک گردان چریک از افراد دولتخواه قشقایی.

چ - یک گروهان مهندس.

ح - دو دستگاه زره پوش.

خ - چهار فرزند هواپیما برای بمباران، تخلیه مجروحین، حمل مهمات و تدارکات.

نیروهای فوق بتدریج در تیرماه ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی) در حوالی اردکان منطقه تجمع مناسبی را اشغال نموده و منتظر دریافت و اجرای مأموریت بعدی گردیدند. در این موقع شخص سرلشگر شیبانی با ستاد خود وارد اردکان شد و فرماندهی را از نزدیک عهده دار گردید.

سرلشگر شیبانی امیدوار بود که با تجمع چنین نیروئی در حوالی اردکان و با تلاشی که شخصاً در راه مذاکره با سران عشایر انجام میداد، نیروهای اشترار حاضر باطاعت شده و خونریزی ویرانگری لازم نشود، و بهمین دلیل عجله‌ای در اجرای حمله به عشایر بخرج نداد و در اردوگاه مشغول طرح نقشه گردید.

اطراف اردوگاه ارتفاعاتی وجود داشت که عناصر تأمین در آنها مستقر شده و تأمین اردوگاه و عمده قوا را برقرار نموده بودند.

سران عشایر بویراحمد پس از شناسائی کامل و جمع آوری اطلاعات دقیق از موقعیت منطقه تجمع ستون و نحوه تأمین آن، تصمیم گرفتند با اجرای یک حمله شبانه نخست شخص سرلشگر شیبانی و افسران عمده ستون را بقتل رسانیده و سپس ضمن وارد کردن تلفات قابل توجه به ستون، روحیه آنها را پائین آورده و قدرت جنگیدن را از سربازان سلب نمایند. بدنبال این تصمیم ناگهان مقارن نیمه شب پاسگاههای تأمین اعلام نمودند که اشباحی را در سیاهی شب در حال حرکت مشاهده میکنند که معلوم نیست انسان هستند یا گوسفند و چند دقیقه پس از آن صدای تیراندازی از تمام اطراف اردوگاه شنیده شد و سربازان نیز شروع به پاسخگویی بان نمودند، ولی اشترار با استفاده از اختفاء ناشی از تاریکی آنقدر بار دوگاه نزدیک شده بودند که چند لحظه پس از تیراندازی، با سربازان مواضع تأمین دست بگیران شدند و جنگ تن به تن با خنجر و برنیزه آغاز شد و خوشبختانه سربازان نیز مردانه مقاومت نمودند.

بدنبال درگیری و رزم تن به تن در ارتفاعات اطراف اردوگاه، یک دسته ورزیده و زده اشرا موفقی شد از خط عناصر تأمینی گذشته و مستقیماً بطرف پاسگاه فرماندهی ستون که از پیش دقیقاً شناسائی و علامت‌گذاری کرده بودند حمله نماید. حمله اشرا بوسیله دسته‌ای بفرماندهی سروان سپانلو دفع گردید، نامبرده بحالت شمشیرکش در پیشاپیش سربازان به اشرا حمله نمود و خود شجاعانه شربت شهادت نوشید و ضمن مرگ با وجود خوردن دو گلوله و یک زخم خنجر، فریاد زنده باد شاه و پاینده ایران میکشید و سربازان را به نبرد تشویق میکرد. در اثر شجاعت بی نظیر و قهرمانانه سروان شهید سپانلو، حمله اشرا بسوی پاسگاه فرماندهی بی نتیجه ماند و اشرا فقط توانستند گماشته سرلشگر شیبانی را بقتل رسانیده و با دادن تلفات سنگین عقب‌نشینی کنند. از سوی دیگر در بین سربازان تعدادی سرباز پرور خراسانی بود که بعادت محلی همیشه خنجر همراه داشتند، این عده با مهارت و چابکی خاص خود در جنگ تن به تن با خنجر، در مقابل اشرا قدم علم کردند و اشرا که انتظار چنین چابکی و تسلطی را در جنگ تن به تن از سربازان نداشتند، نخست متعجب بعد غافلگیر و سپس مجبور بفرار گردیدند. حمله شبانه اشرا بالاخره عقیم ماند و متجاسرین با دادن تلفات، قبل از روشن شدن کامل هوا به کوهستان گریختند.

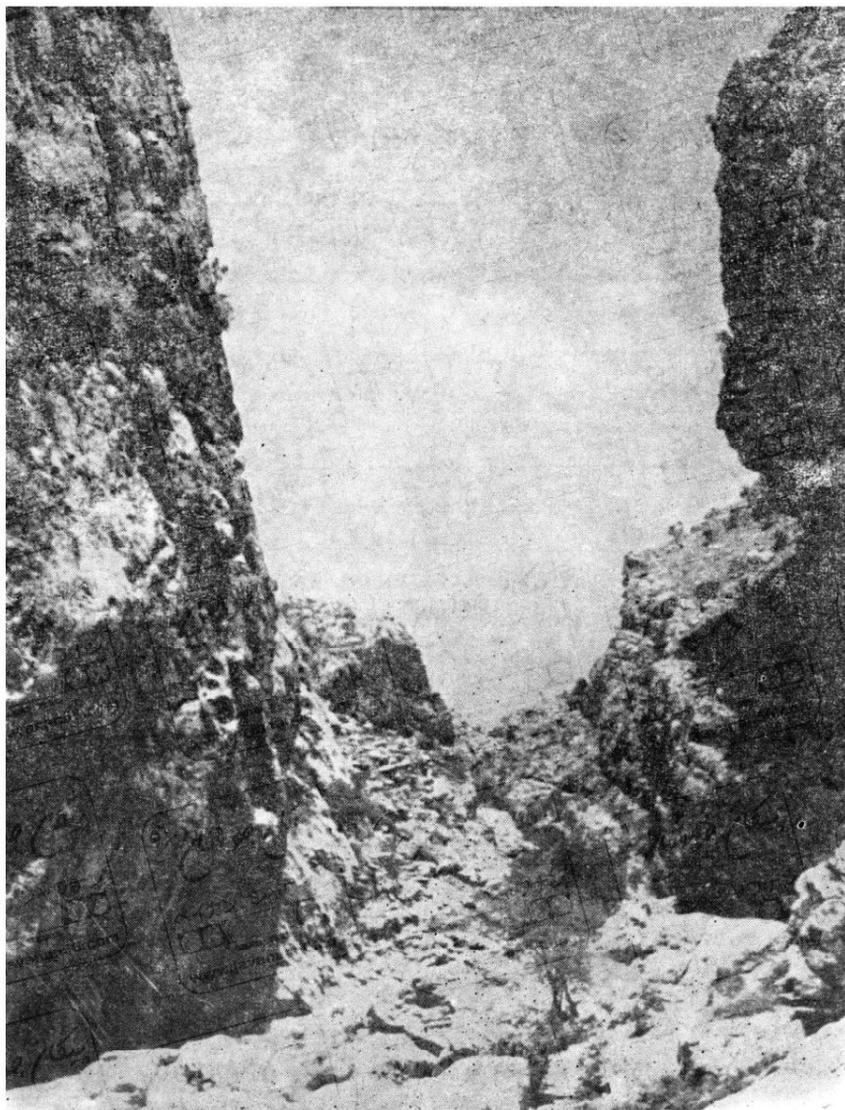
پس از حادثه فوق و تجدید سازمان نیروها، سرلشگر شیبانی تصمیم گرفت که بافسانه غیر قابل عبور بودن تنگ تا مرادی پایان دهد و مستقیماً عشایر بویراحمد را تعقیب و منهدم نماید. بنابراین ستون با آرایش رزمی زیر وارد دشت ریم شده و راه تنگ تامرادی را در پیش گرفت:

الف - گردان اول هنگ رضاپور مأمور اشغال ارتفاعات شرقی تنگ و تأمین جناح راست.
 ب - گردان اول هنگ پهلوی مأمور اشغال ارتفاعات غربی تنگ و تأمین جناح چپ.
 پ - هنگ نادری بفرماندهی سرهنگ احمد معینی مأمور حفظ عقبه عمده قوا.
 ت - یک گروهان سرباز و ۸ تفنگچی قشقایی بفرماندهی سروان نظام‌الدین خان دیبا مأمور حفاظت تدارکات وینه ستون.

ستون اعزامی در ساعت چهار بامداد یعنی سپیده دم با صورت بندی فوق وارد تنگ تامرادی گردید.

نیروهای اشرا با آشنائی کامل بمنطقه و قتلگاه تامرادی تمام ارتفاعات را کاملاً در دست گرفته و مدخل و مخرج تنگ را نیز در دست داشتند و فقط آنقدر تأمل نمودند تا تمام ستون وارد تنگ شود و سپس از پشت هر سنگی یک تفنگچی بویراحمد بیرون آمد و باران گلوله بر ستون باریدن گرفت و حدود ساعت ۱۲ تمام ستون در داخل تنگ زیر آتش بی امان اشرا قرار داشت.

نبردی سهمگین آغاز گردید درحالی که تمام ارتفاعات و عوارض حساس و



تنگ تاسرادی با موقعیت ویژه خود برای نیروهای اعزامی بصورت قتل‌گاهی درآمده بود.

زمینهای سرکوب در دست اشرا بود و نیروهای نظامی زیر دید وتیر مستقیم
عشایر بویراحمد قرار داشتند وتلاش برای دستیابی بارتفاعات با تلفات سنگین
همراه بود. در تمام طول روز تا تاریکی شب نبرد ادامه داشت وتلفات نیروی
دولتی روبه تزیاید بود. اشرا موفق گردیدند به هنگ نادری که مأمور حفاظت
عقبه ستون بود نیز حمله نمایند وضمن وارد آوردن تلفات، فرمانده هنگ نیز از
ناحیه گوش تیر خورد ویک سروان و دو ستوان شهید شدند.

در طول تاریکی شب عناصر تأمینی ستون سعی نمودند بارتفاعات دست یافته
و تأمین ستون را از جناحین برقرار سازند ولی اشرا که براههای کوهستانی
آشنائی بیشتری داشتند توانستند شبانه پهلودارها را در محاصره کامل قرار دهند
و در این گیرودار سرگرد محمد افشار فرمانده گردان اول هنگ رضایپور از ناحیه
شکم تیر خورد. صبح روز بعد سرهنگ ابراهیم زند با یک گردان جهت کمک
بشکستن محاصره گردان یکم هنگ پهلوی اقدام نمود ولی خود در محاصره
اشرا قرار گرفت. نبرد در تمام طول مدت روز دوم ادامه یافت وتلفات هر لحظه
بیشتر شد. صدای صغیر گلوله‌ها همراه با ناله زخمیها لحظه‌ای قطع نمیشد وتنگ
از خون گلگون شهیدان راه میهن سرخ گردیده بود. در طول شب اشرا آب داخل
تنگ را از سرچشمه منحرف نمودند و صبح روز بعد نیروهای دولتی در زیر باران
گلوله دشمن، تشنه و بی آب ماندند وتلاش رزم کوهستانی همراه با تشنگی
و بی آبی مرتباً بر تعداد تلفات میافزود. خصوصاً اینکه گرمای مردامه وآفتاب
کوهستان نیز بر این تشنگی و عطش دامن زده بود. در طول این روز
تقریباً گردانهای محاصره شده جناحین بحالت اضمحلال درآمد و متجاسرین
پهلوه‌های عمده قوا را مورد تهدید قرار دادند و ضمن آن به نیروی سروان دیا
نیز حمله شد وینه وتدارکات ستون نیز در خطر جدی قرار گرفت.

فشاز جدی و خطر تهدید کننده اشرا بوسیله لهراسب قائدگیوی رئیس
طایفه قائدگیوی به نیروهای دولتی وارد میآمد و نامبرده با حدود ۱۰۰ نفر
تفنگچی تهدید اصلی تنگ تامرادی را تشکیل میداد.

در تمام طول ملت عملیات ارتباط ستون با تهران و شیراز بوسیله دو دستگاه
بی سیم برقرار بود، یکی با ستاد نیروهای جنوب در شیراز و دیگری مستقیماً با کاخ
سلطنتی در تهران. گزارشها هر ساعت یکبار به کاخ سلطنتی معابره میشد ودر
تمام طول ملت عملیات اعلیحضرت رضاشاه کبیر شخصاً بیدار ونگران بودند. حتی
در شبی که ارتباط بعلت تیر خوردن تلگرافچی و نقص دستگاه بی سیم قطع شد
شخص اعلیحضرت تا صبح راه رفتند وسیگار کشیدند و صبح روز بعد قصد حرکت
بمنطقه عملیات را داشتند که دوباره بی سیم تعمیر وارتباط برقرار گردید.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر تلگرافاً مقرر فرمودند که ستون باید از یک راه

ثالث حلقه محاصره اشرار را شکسته و خود را از مهلکه نجات دهد. برای رسیدن باین منظور شبانه تعدادی از سربازان بسیار ورزیده توانستند خود را با دو قبضه مسلسل سنگین بارتفاع کشیده و درست مقابل تفنگچیان لهراسب قانداگیوی قرار گیرند و در سپیده دم روز بعد آتش سنگین و مداوم مسلسلها را روی نیروی اشرار باز نمایند. در اثر این تلاش افتخارآمیز به اشرار تلفات ناگهانی و سنگینی وارد آمد و لهراسب با بقیه افراد خود عقب نشینی کرد و یکی از گردانها از محاصره خارج گردید.

سپس ستون با استفاده از تاریکی شب با نمد پیچی به پای اسبها و قاطرها در حالیکه مدخل و مخرج تنگ و تمام ارتفاعات سرکوب آن در دست اشرار بود از معبر فرعی و بسیار خطرناک سنگ منگ گنشت و وارد دشت فهلیان گردید و صبح روز بعد ناگهان در کمال تعجب اشرار متوجه شدند که شکار از قفس سنگی گریخته است و این مسئله بقدری اشرار را ناراحت کرد که هرجا سرباز زخمی بازمانده ای از نیروی دولتی مشاهده میکردند، بجای کمک باو با سنگ و یا قنداق تفنگ مغز مجروح را متلاشی مینمودند.

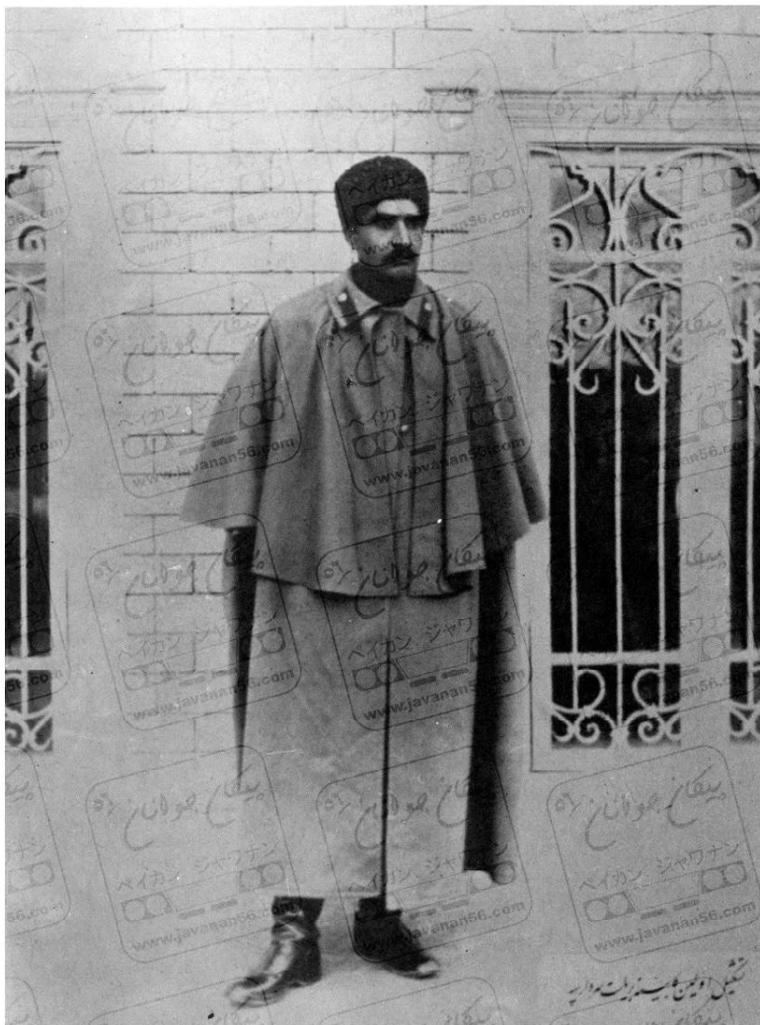
ستون اعزامی به فهلیان رسید و اردو زد، در فهلیان وسیله یگان مهندس بسرپرستی ستوان یکم غلامرضا موثقی فرودگاه موقتی ساخته شد که چهار هواپیمای موجود ستون، از شیراز خواروبار و دارو و بچل حمل کرده و در مراجعت بیماران و زخمی شدگان خطرناک را بشیراز تخلیه مینمودند. نیروی دولتی پس از چند روز استراحت و رفع خستگی و تجدید سازمان روز دهم امردادماه سال ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹) از فهلیان بطرف بهبهان حرکت نمود و سرلشگر شیبانی تصمیم گرفت با استفاده از گردانهای کمکی که از تهران اعزام گردیده بود از طریق باشت و یاوی و گردنه چرام عملیات جدید و وسیعی را بطرف قلب منطقه بویر احمد آغاز نماید.

باین منظور ستون نظامی با آرایش جنگی و رعایت تأمین کامل به منطقه باشت نزدیک شد و آماده گردید تا با عشایر مسلح باشت و یاوی وایل شجاع جلیل درگیر شود. ولی خوشبختانه خان باشتی دریافت که پایداری در مقابل نیروی دولتی مقدور نیست، بنابراین خود باعده ای سوار غیر مسلح با استقبال ستون آمد و پس از رسیدن به نیروی دولتی از اسب پیاده و رکاب سرلشگر شیبانی را که بررسی سفید سوار بود بوسید و ابراز انقباض کرد.

سرلشگر شیبانی پس از توقف کوتاه در منطقه، دستورات لازم در مورد خلع سلاح عشایر باشت و یاوی و جلیل صادر نمود و خود راه بویر احمد را در پیش گرفت.

پس از تسلیم و خلع سلاح عشایر باشت و باوی و جلیسل بین سران عشایر بویراحمد بر سر مقاومت یا تسلیم به نیروی دولتی اختلاف نظر پیش آمد، بدین معنی که شکراله خان ضرغام پور و امام قلیخان و حسینقلیخان و ملاقیاد طرفدار سازش و خلع سلاح بودند و در مقابل سرتیپ خان و لهراسب خان وعده‌ای دیگر تصمیم بمقاومت و ادامه جنگ داشتند. در این موقع سردار اسعد بختیاری میانجی گردید و شکراله خان ضرغام پور و امام قلیخان مسمنی و ملاقیاد را با خود به تهران آورده تسلیم نمود و بالطبع افراد طوایف خوانین فوق به پیروی از سران خود سلاح بزمین گذاشتند.

همزمان با اقدامات فوق، سرلشگر شیبانی با آرایش جدید دوباره وارد تنگ تامرادی گردید و پس از تأمین کامل تنگ، اجساد شهدار را جمع‌آوری کرد و طی مراسم رسمی بخاک سپرد و سپس راه مرکز بویراحمد را درپیش گرفت. عملیات علیه اشترار بویر احمد با کشته شدن لهراسب خان قائدگیوی بدست گروهان میرزا آقا در شهریورماه سال ۱۲۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹) پایان یافت و منطقه فارس و بختیاری برای همیشه آرام گردید و اشترار و خائنین و اربابان آنها فهمیدند که هرکس در هر جا و هر لباس و با هر سلاح و تجهیزاتی بخواهد امنیت و استقلال این کشور کهنسال را بمخاطره اندازد، بفرمان شاهنشاه ایران در زیر چکمه‌های سربازان دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی لگدکوب خواهد شد. لازم بتوضیح است که در عملیات فوق ۱۲۰۰ نفر افسر و درجه‌دار و سرباز دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی شربت شهادت نوشیدند و بیش از ۸۰۰ نفر نیز بسختی مجروح گردیدند.



سردار سپه رضاخان بهلوی در سال ۱۲۸۰ ع. شاهنشاهی «بنیان‌گذار ارتش نوین ایران»

سکونت همسان سردار ارتش نوین ایران

۱ - اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از کودتای سوم اسفند ماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹) همزمان با مبارزه علیه ملوک الطوائفی و تلاش برای امنیت و یکپارچگی کشور، شروع با اقدام جهت تشکیل قشون همسان نمود و اساس ارتش نوین ایران را بنیاد نهاد. نیروهای مسلح موجود در کشور بشرح زیر هسته مرکزی ارتش نوین ایران را تشکیل دادند:

الف - دیویزیون (لشگر) قزاق	در حدود	۱۷۰۰	نفر
ب - بریگاد (تیپ) مرکز	=	۱۸۰۰	=
پ - ژاندارمری	=	۱۲۰۰۰	=
ت - واحدها و ادارات تابع وزارت جنگ	-	۲۰۰۰	=

۲ - نخستین اقدام سردار سپه در تشکیل قشون همسان الحاق بریگاد (تیپ) مرکز به دیویزیون (لشگر) قزاق بود و سپس الحاق ژاندارمری به ارتش، که در اجرای آن در تاریخ ۱۵ آذرماه ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰) سرهنگ گروپ سوئدی از فرماندهی ژاندارمری خلع و سرهنگ عزیزاله خان ضرغامی بفرماندهی ژاندارمری منصوب و اتحاد دنیروی قزاق و ژاندارم اعلام گردید.

۳ - سردار سپه بدنبال اتحاد دنیروی قزاق و ژاندارم، برای آنکه اصلاً واژه‌های قزاق و ژاندارم و تفاوت آنها را که در سابق اختلافاتی نیز همراه داشت یکسان نماید در تاریخ ۱۴ دیماه سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰) طی حکم قشونی که متن آن از نظر اهمیت عیناً درج میگردد واژه قشون را جانشین کلمات فوق نمود و اساس اولین قشون همسان را بدینوسیله بنیان نهاد.

ماده ۱ حکم قشونی نمره ۱

اجرای موارد ذیل را امر میدهم و باید فوراً بموقع اجراء گذارده شود.
در تعقیب عقاید و نظریات سابقه خود از این تاریخ کلمه ژاندارم و قزاق مطلقاً ملغی و متروک خواهد بود و برای افراد دولت علیه ایران بلااستنا عنوان قشون را انتخاب و تصویب نموده، امر میدهم که عنوان مزبور برسمیت شناخته و مارک نوشتجات و مراسلات دوائر قشونی را بعنوان فوق تبدیل نمایند.

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون - رضا

۴ - وزیر جنگ و فرمانده کل قوا بدنبال اقدامات فوق طی ماده (ه) حکم قشونی شماره (۱) واژه‌های خارجی را در ارتش موقوف و بجای آنها واژه‌ها نظامی ایرانی را

جانشین نمود که از نظر اهمیت عیناً درج میگردد :

بند ۵ ماده ۱ حکم قشونی نمره ۱

تبدیل اسامی و لغات ذیل را، بموجب این حکم متحد المال (بخشنامه) بتمام
دوایر قشونی امر میدهم و باید فوراً مورد تلفظ و اطلاق قرار گیرد:

اسم عمومی	قشون
اسم سرباز	نظامی
بجای دیویزیون	لشکر
بجای بریگاد	تیپ
بجای رژیمان	فوج
بجای باطالیون	گردان
بجای باطری	آتشبار
بجای اسکادران	بهادران
بجای مترالیوز	مسلل

۵- بدنبال اقدامات فوق سردار سپه شالوده ارکان حرب کل قشون (ستاد ارتش) را

طرح ریزی و شاهزاده امان‌الهمیرزا سرتیپ را بریاست ستاد منصوب نمود.

۶- سردار سپه پس از تشکیل ارکان حرب کل قشون (ستاد ارتش) بسردار مقتدر

مأموریت داد که ۱۱ نفر افسران مشروح‌الذکر را بنام شورای قشونی دعوت و وضع

مملکت را بررسی و پیشنهادهای لازم در مورد تشکیل قوای همسان و استعداد و

گسترش آن به ستاد ارتش تقدیم دارد :

الف - رحمت‌اله مالک سردار

ب - حاجی میرزا محمدخان (رزم‌آراء)

پ - معاون نظام

ت - شاهزاده ناصرالدوله (فیروز)

ث - محمدتقی خان امیرپنجه (سرتیپ)

ج - سرهنگ حصن‌الدوله (شقاقتی)

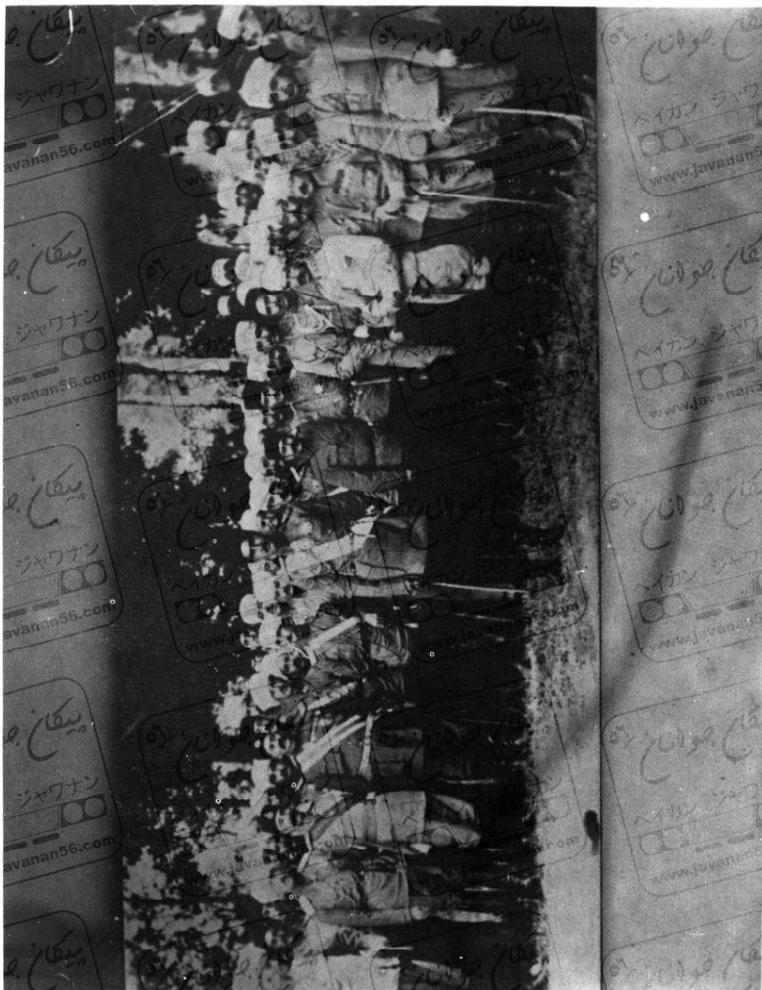
چ - شاهزاده محمدحسین میرزا (فیروز)

ح - سرهنگ عزیزاله خان (ضرغامی)

خ - سرهنگ ولی خان

د - سرهنگ سالار نظام

ذ - نایب سرهنگ علی خان ریاضی



نخستین روز اتحاد شکل ارتش نون ایران

۷ - شورای قشونی در اجرای اوامر وزیر جنگ تشکیل و پس از بررسی دقیق وضع مملکت و چگونگی تأمین آن و توجه به مرزها و امنیت داخلی و توانائی مالی و انسانی کشور پیشنهادهای لازم را از طریق ارکان حزب کل قشون (ستاد ارتش) بعرض سردار سپه رسانید و در نتیجه آن، وزیر جنگ و فرمانده کل قوا تصمیم گرفت کشور را از نظر تأمین نظامی به پنج ناحیه تقسیم نموده و جهت تأمین داخلی و خارجی هر ناحیه یک لشکر تخصیص داده شود.

۸ - در اجرای اوامر وزیر جنگ لشگرهای پنجگانه (که نمای سازمان آن در صفحات بعدی بچاپ رسیده است) تشکیل گردید و سربازان آنها برابر با اصول سربازگیری بنیچه (که در صفحات قبل به تفصیل در باره آنها توضیح داده شد) استخدام و شروع بکار نمودند. در آغاز افسران و درجه داران لشگرها از نیروهای قزاق و ژاندارم بود و سپس با تشکیل مدارس نظام در عمارت مسعودیه بریاست سرهنگ عزیزاله خان تلاش برای تربیت کادر و وزیده نظامی همزمان با سایر فعالیتهای ادامه یافت.

۹ - برای آشنایی بیشتر خوانندگان ارجمند با لشگرهای پنجگانه نو بنیاد ذیلا در مورد هر یک از آنها توضیح بسیار مختصری داده میشود:

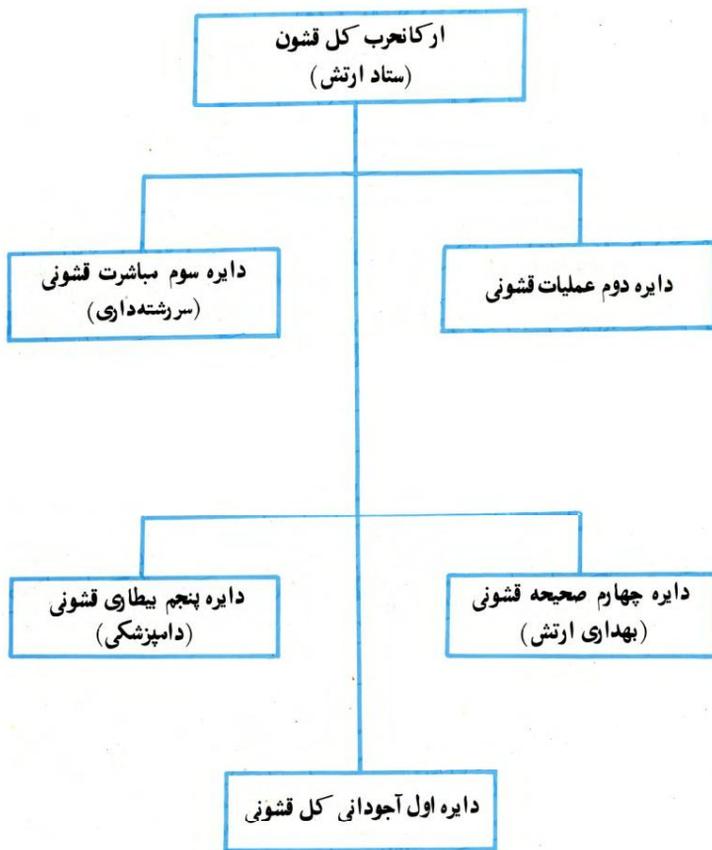
الف - لشکر مرکز فرماندهی شخص سردار سپه و ریاست ستادی سرهنگ اسمعیل - خان شقاقی بود که مرکز آن در تهران قرار داشت و منطقه استحقاقی آن عبارت بود از شهرهای تهران - قزوین - گیلان - قم - مازندران - سمنان و دامغان.

ب - لشکر شمال غرب فرماندهی سرتیپ اسمعیل آقا (فضلی) و ریاست ستادی سرهنگ محمد حسین میرزا فیروز که مرکز آن در تبریز قرار داشت و منطقه استحقاقی آن عبارت بود از آذربایجان شرقی و غربی تا حدود زنجان.

پ - لشکر شرق فرماندهی سرتیپ حسین آقا خزاعی و ریاست ستادی نایب سرهنگ محمد حسین میرزا جهانبانی که مرکز آن در شهر مقدس مشهد قرار داشت و منطقه استحقاقی آن عبارت بود از استان خراسان، استرآباد (گرگان)، قائنات، بجنورد، قوچان، شاهرود، بسطام و قسمتی از سیستان.

ت - لشکر جنوب فرماندهی سرتیپ محمود خان و ریاست ستادی سرهنگ حیدرقلی - خان پسپان که مرکز آن در اصفهان قرار داشت و منطقه استحقاقی آن عبارت بود از شهرهای اصفهان، شیراز، کرمان، بلوچستان، کاشان، وینادر جنوب.

ث - لشکر غرب فرماندهی سرتیپ احمد آقا خان امیراحمدی و ریاست ستادی سرهنگ عبدالرضا افخمی که مرکز آن در شهر همدان قرار داشت و منطقه استحقاقی آن عبارت بود از قسمت جنوب کردستان، کرمانشاهان، همدان،



نمای سازمان ارکان حرب کل قشون
(ستاد ارتش)

اراک، ولایات ثلاث (کلیپایگان و خوانسار و خمین)، بروجرد و لرستان.

۱۰ - همانطور که درنمای سازمان لشکرهاى پنجگانه (که در صفحات بعدى بچاپ رسیده است) ملاحظه میشود، لشکرها دارای سازمان یکنواخت نبوده و هر لشکر با توجه بوسعت منطقه مسئولیت و مخاطرات احتمالی و نوع منطقه و آب و هوا سازمان مخصوص بخود داشت ولی حداقل سازمان جدید در هر لشکر عبارت بود از دو تیپ پیاده و یک تیپ سوار و همچنین توپخانه لشگری. ضمناً هر تیپ از ۲ تا ۴ هنگ و هر هنگ از ۲ تا ۴ گردان و هر گردان از ۲ تا ۴ گروهان و هر گروهان از ۲ تا ۴ رسد و هر رسد از ۲ جوخه تشکیل میشود. کوچکترین قسمت یگانهای نظامی بند نامیده میشود و ارشد آن تا بین اول (سرباز یکم) بود.

۱۱ - برای هر یک از لشکرهاى پنجگانه یک ارکانحرب (ستاد) در نظر گرفته شده بود که این ستاد دارای یک رئیس - یک منشی - یک پایگان و شش دائره بشرح زیر بود:

الف - دائره آجودانى که وظایف آن عبارت بود از رسیدگی بامور کارکنان و امور محاکماتى و انضباطى.

ب - دائره عملیات که وظایف آن عبارت بود از رسیدگی بامور اطلاعاتى و رمز و ارتباطات و نقشه بردارى و تربیت نظامى کارکنان.

پ - دائره مباحثرت که وظایف آن عبارت بود از رسیدگی بامور تدارکات و حمل و نقل و خدمات و حرکات و ذخیره و دامپزشکى.

ت - دائره سربازگیرى که بامور اخذ نفرات جدید و ترخیص آنها رسیدگی مینمود. ث - دائره صحیه که امور بهداشت کارکنان را بعهده داشت.

ج - دائره مالیه نظامى که بامور مواجب و امتیاع و بازرسى مى پرداخت.

۱۲ - در تاریخ ۱۸ دیماه سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱) بفرمان سردار سپه یک تیپ مستقل بفرماندهى سرتیپ محمدحسین خان آیرم در شمال تشکیل و مسئولیت استحقاقى منطقه گیلان و مازندران باین تیپ محول شد و این تیپ با سازمان یک هنگ پیاده، یک هنگ سوار ۲ گروهان مسلسل و یک آتشبار توپخانه به پنج لشکر پیشین اضافه شد.

۱۳ - در تاریخ ۱۶ خرداد ماه سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴) قانون خدمات نظام اجبارى (نظام وظیفه) به تصویب مجلس شورایملى رسید و در اجرای آن تحول عظیمى در وضع نیروهای مسلح ایجاد شد.



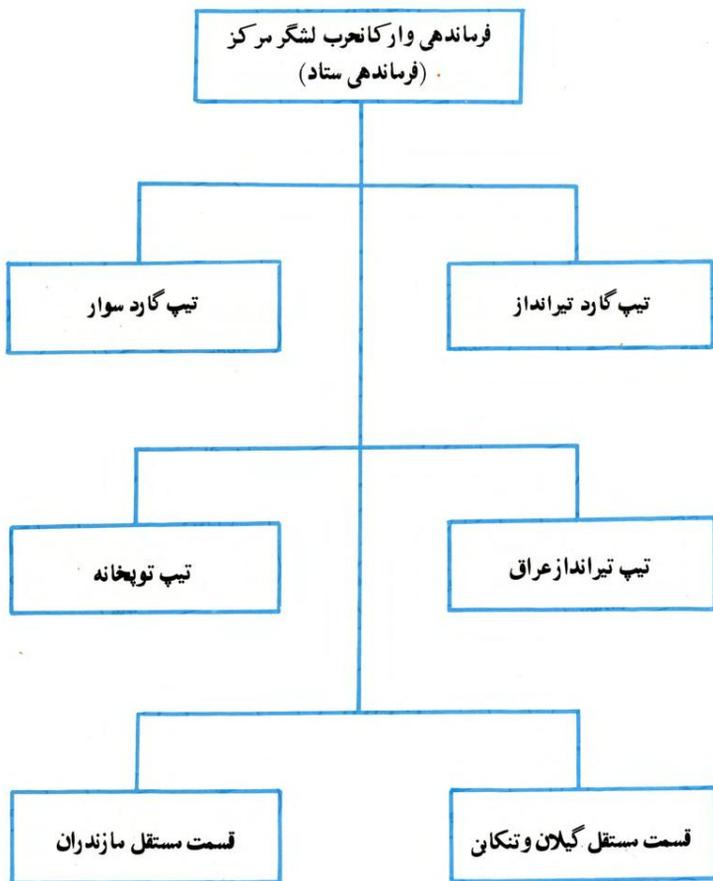
(سردار سپه و فرمانده کل قوا و رئیس الوزرا و سردار فرماندهان لشکر) از راست به چپ: امیر لشکر محمد حسین آیروم -

امیر لشکر خزان - امیر لشکر محمود خان آیروم .

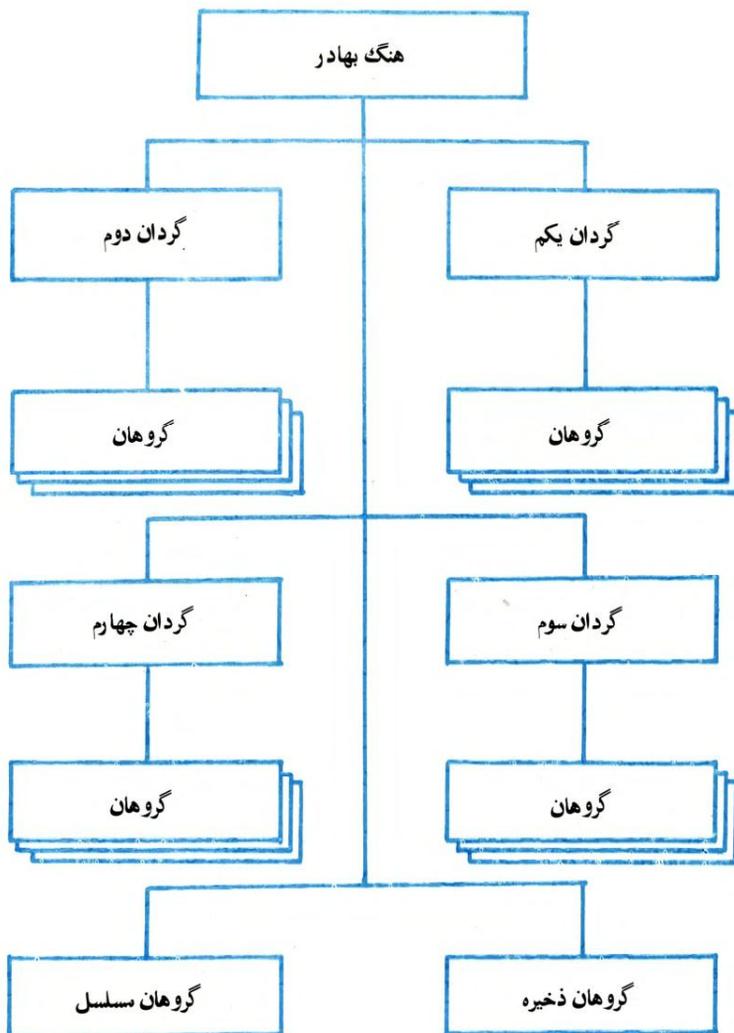
از چپ به راست: مرتضی خان یزدان پناه - امیر لشکر امیر القدار - امیر لشکر عبدالله خان امیر طهاسی



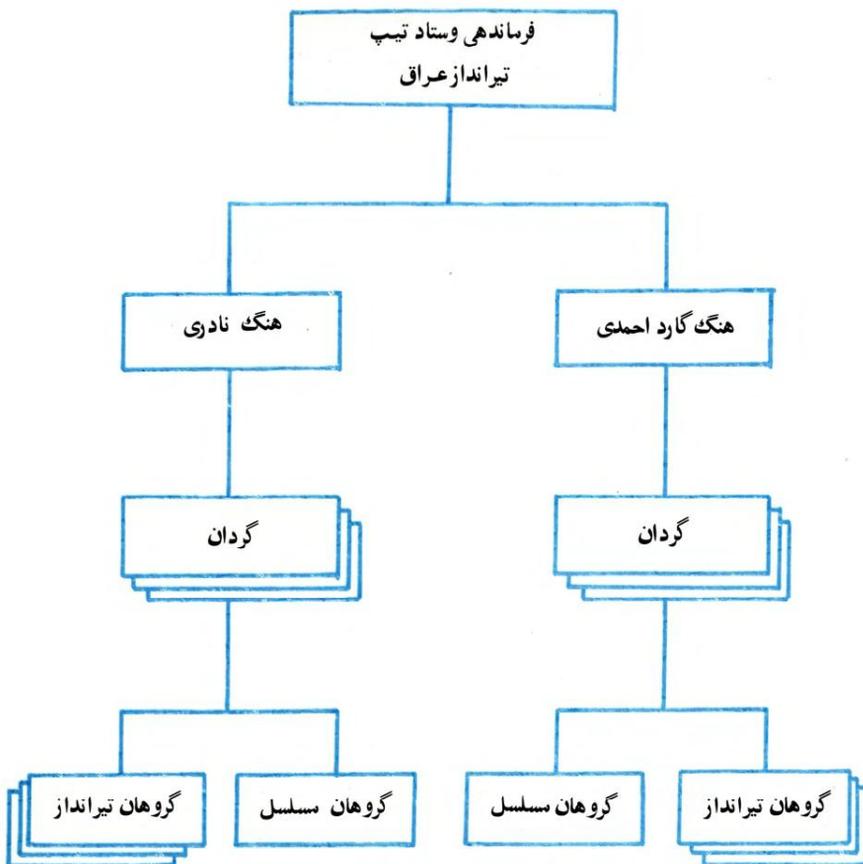
مناطق پنجگانه لشکرها در سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی «۱۳۰۰ خورشیدی»



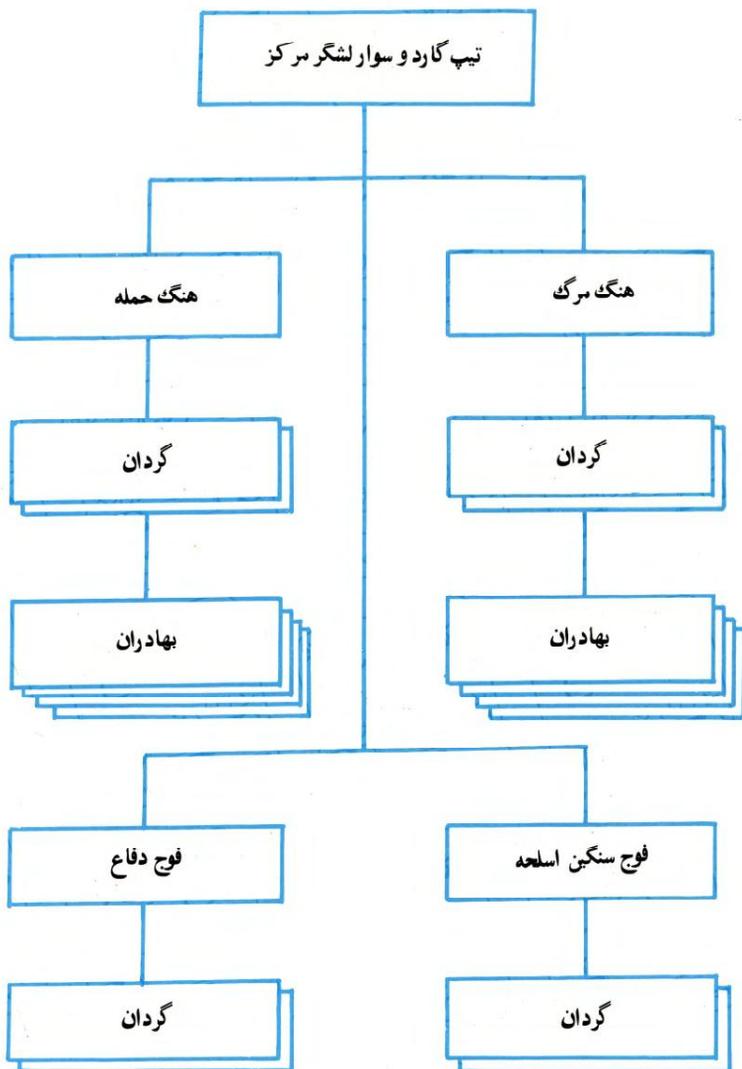
نمای سازمان لشکر مرکز باستناد حکم قشونی شماره ۷ مورخ ۲۶ دی ماه سال ۲۴۸۰
شاهنشاهی (۱۳۰۰ هـ ش)



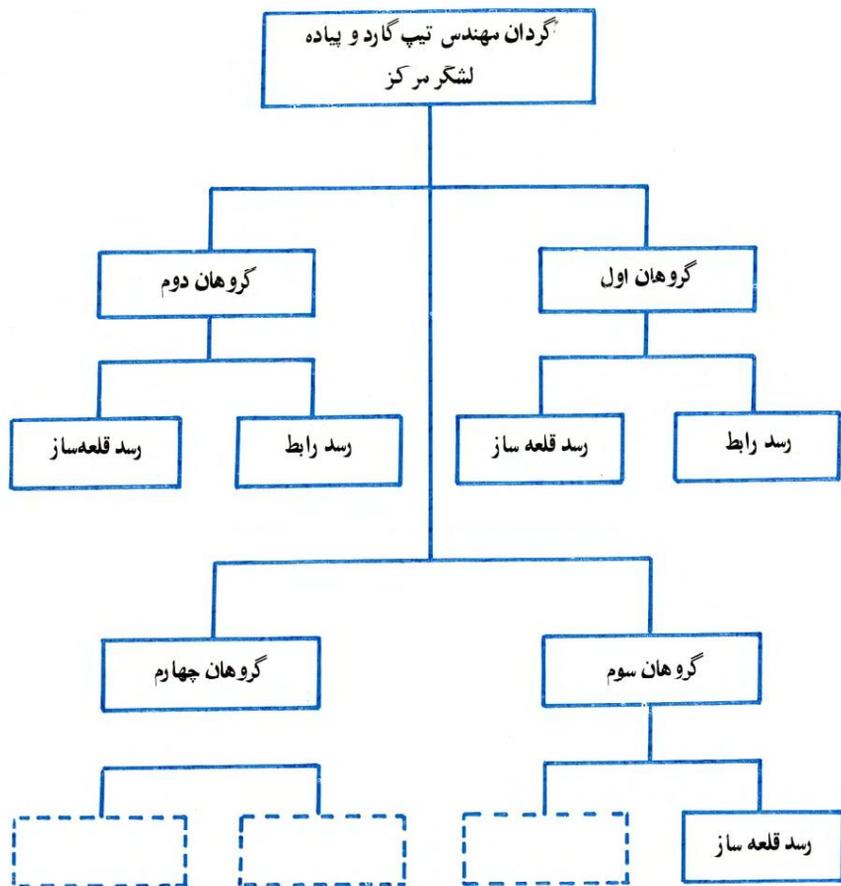
نمای سازمان هنگ بهادر، تمپ گارد تیرانداز لشکر مرکز باسناد حکم قشونی عمومی
 شماره ۹ مورخ ۱۵ آبان ماه سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ هـ ش)



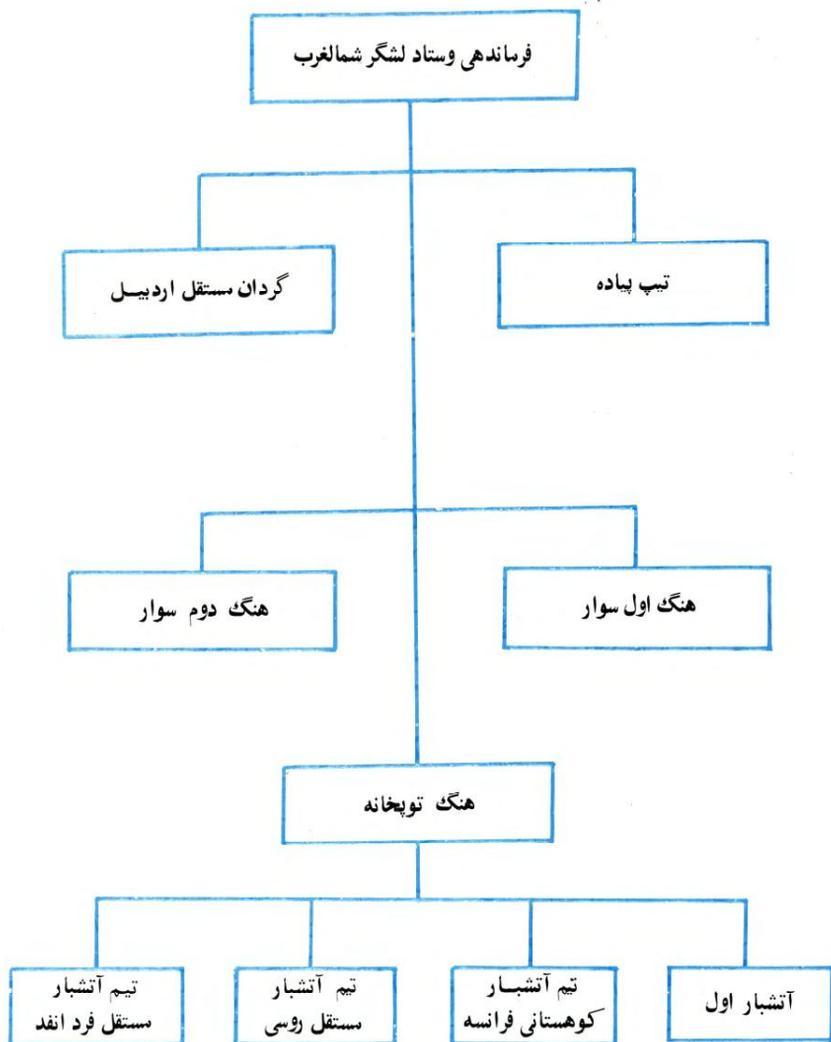
نمای سازمان تیپ تیرانداز عراق لشکر مرکز باستاناد حکم قشونی ۱۲ سوخ ۱۵
اسفندماه ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ هـ ش)



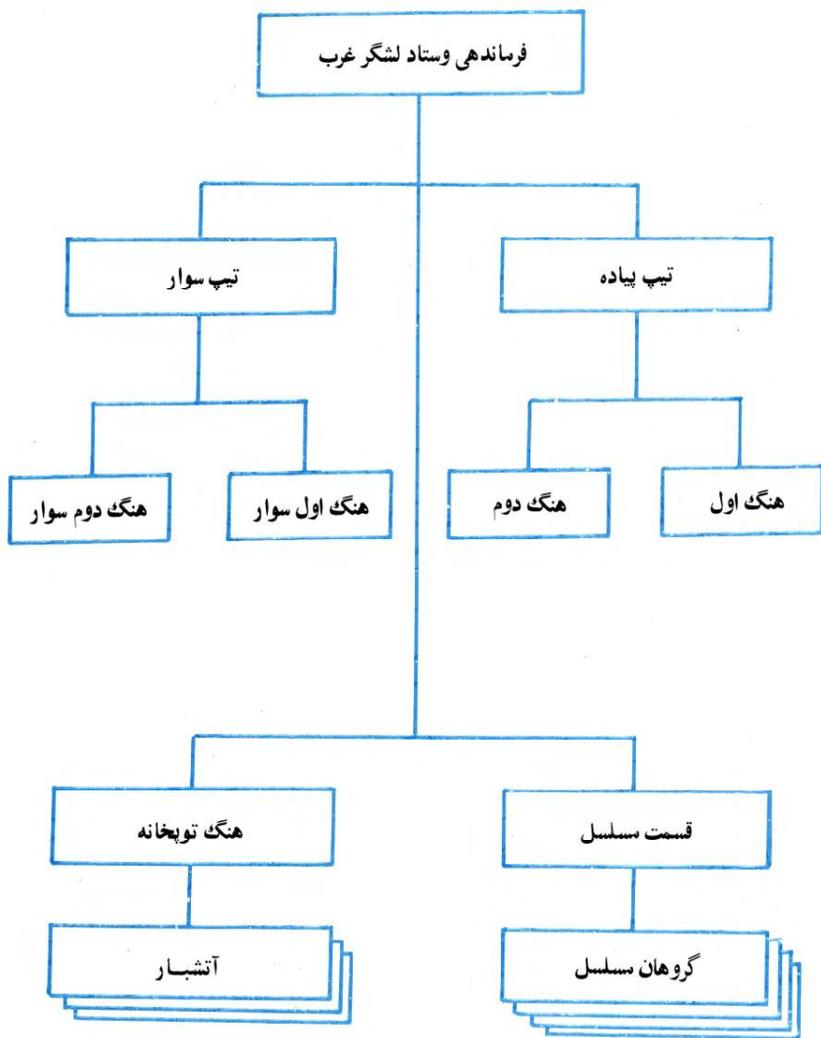
نمای سازمان تیپ گارد و سوار لشکر مرکز باستناد حکم عمومی قشونی شماره ۱۲۴
مورخ ۱۹ اسفندماه ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ هـ ش)



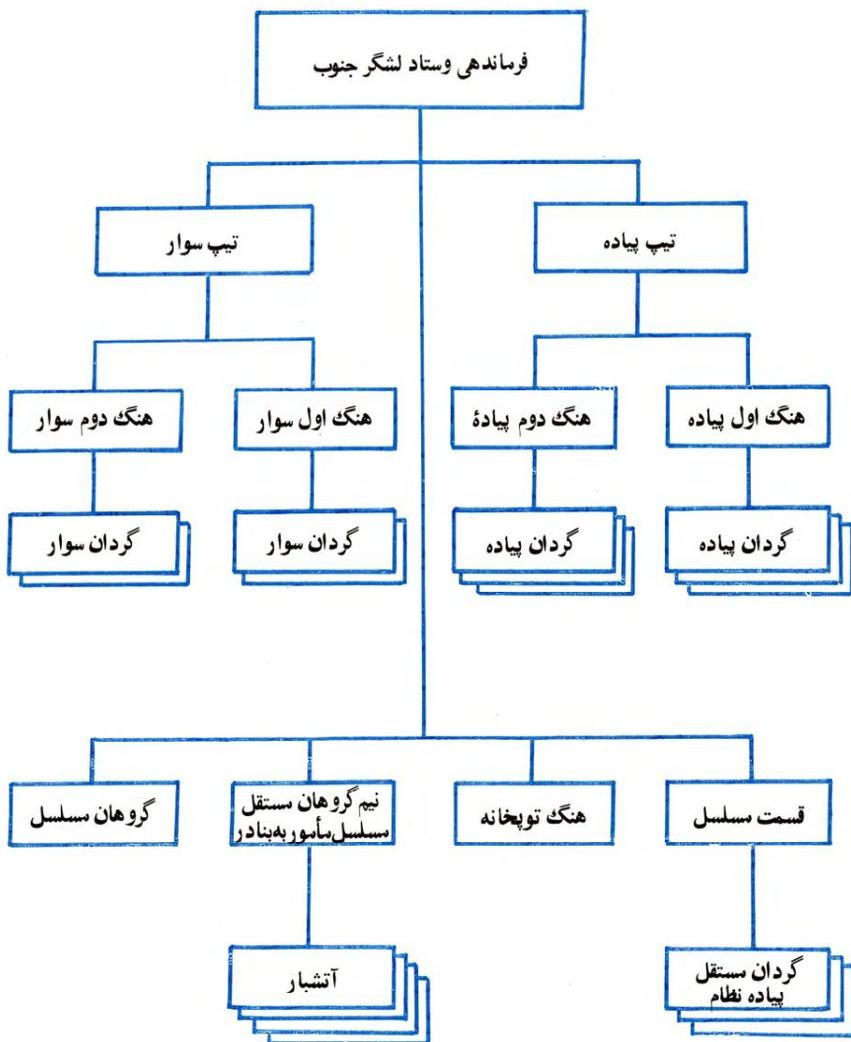
- ۱ - فرماندهی و ستاد گردان مهندسی شامل فرمانده گردان ، آجودان و معاون گردان محاسب و مباشر گردان . صنعتگر اول و صنعتگر دوم بوده است .
 - ۲ - برای گروهان چهارم در آن تاریخ فقط فرمانده گروهان تعیین و در سالهای بعد تکمیل شده است .
 - ۳ - گروهان سوم فقط دارای رسد قلعہ ساز بوده است .
- نمای سازمان گردان مهندسی تیپ گارد پیاده لشکر مرکز استناد حکم عمومی قشونی شماره ۱۴۰ مورخ ۱۵ خردادماه ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ ه.ش)



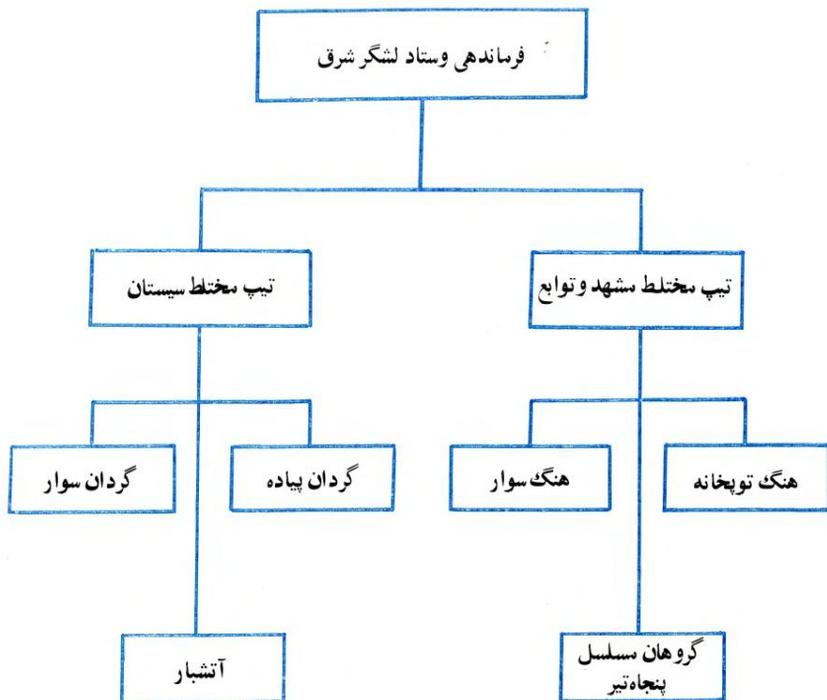
نمای سازمان لشکر شمالغرب باستناد حکم عمومی قشونی شماره ۱۰۰ مورخ اول دی ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ ه ش)



نمای سازمان فرماندهی وستاد لشکر غرب باستناد حکم عمومی قشونی شماره ۵۷ مورخ
 ۲۸ خرداد ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ هـ ش)



نمای سازمان لشکر جنوب باستناد حکم عمومی قشونی شماره ۹۹ مورخ اول فروردین ماه سال
 ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ هـ ش)



توضیح اینکه هر فوج پیاده دارای ۲ گردان پیاده و یک گروهان مسلسل پنجاه تیر بوده است.

نمای سازمان لشکر شرق باستناد حکم عمومی قشونی شماره ۱۰۴ مورخ ۱۱ دی ماه ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ ه ش)

نیز در نهمین شماره دوران شانزدهم علیحضرت رضاشاه کمبر

دوران آرامش و سازندگی

ضعف نفس و عدم علاقه احمدشاه قاجار بوضع کشور و ملت ایران و بی تفاوتی نامبرده در مقابل سرنوشت مملکت که در روزهای سخت و بحرانی بیشتر در خارج از کشور به گردش و تفریح مشغول بود، رفته رفته ملت ایران را از خاندان قاجار نخست آزرده خاطر و سپس متفرق ساخت و مردم در هر گوشه از مملکت بنوعی به تظاهر پرداخته و خلع خاندان قاجار را از سلطنت خواستار گردیدند.

عدم رضایت مردم کم کم به روزنامه‌ها و سپس بمجلس شورایی کشیده شد و نمایندگان به پیروی از منویات ملت ایران عدم رضایت خود را از ادامه سلطنت احمدشاه قاجار در جلسات علنی مجلس اظهار نمودند.

سراجم لحظه تاریخی تغییر مسیر تاریخ کشور ایران فرا رسید و ۸۵ نفر نمایندگان مجلس شورایی در جلسه علنی روز نهم آبانماه سال ۱۳۰۴ شاهنشاهی (۱۳ شهریور) پس از بحث و مذاکرات مشروح، ماده واحده‌ای را با اکثریت ۸۰ رأی موافق تصویب نمودند که بموجب آن انقراض سلطنت سلسله قاجار اعلام و حکومت موقتی ایران تا تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین وضع قطعی سلطنت به رضاخان پهلوی سپرده شد.

در ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز عده‌ای از نمایندگان مجلس شورایی برای تقدیم فرمان حکومت موقت بحضور **والاحضرت رضاخان پهلوی** شرفیاب گردیدند و متعاقب آن اعلامیه‌ای بشرح زیر از طرف **والاحضرت رضا پهلوی** رئیس حکومت موقتی ایران صادر شد:

چنانچه حامی ملت بنده وازند، از چپ تا راست در تمام اطراف وکناف مملکت
الهی متفرد و از انجا از سلطنت قاجاریه و الغ بران، نهضت عموم را بپروا هستی روز
شاید ترشد و طوری غیاب یافت در در مرکز نیز بجهت موفقیت الهی بپوشید
آمالی بر روز کرد و دنباله آن بکار گرفته که اگر مورد توجه مجلس واقع نشد قطعاً باقی

عظیم و عوارف و ضم موقی میگشت .

دست باس احترام آرا و نیکار عمر لسانت بی در تمام ایندت با بره روی بیطیر فریاد تنه زنده
که مجلس شورای ملی هر طریقی را در موقی صلاح ملت و مملکت میداند اختیار نماید مجلس شورای ملی بنا بر ایند این نیکار
متوجه خدمت شما و اولاد و نوجوانان مملکت شد و پس از چند مصلحت اندا که در جلسه ششم بان ما
انقضای سلطنت قاجاریه را اعلان نمود و ریاست حکومت موقی را با نجیب الله اراکانه تا اینکه مجلس مؤسسه
فدریت تکلیف قطع حکومت آئیه مملکت را تعیین نماید . اینست در تعقیب رای مجلس شورای ملی انقضای سلطنت
از آل قاجار و بدست گرفتن حکومت موقی را با بوسیدنی از علمایه سما اعلام میگیم . امیدوارم که تمام عهد مندان
سعادت مملکت در حفظ مصالح عمر ما من مملکت نمایند .

رئیس حکومت موقی مملکت و رئیس عالی کوا - رضا



والاحضرت بهلوی رئیس حکومت موقی

در تاریخ ۱۵ آذرماه سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ خورشیدی) مجلس مؤسسان با نطق افتتاحیه والاحضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی مبنی بر لزوم اقدام سریع در مورد تعیین تکلیف مملکت تشکیل، و پس از چند روز مذاکره و تبادل نظر و بررسی در مورد اصل ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - متمم قانون اساسی سرانجام عصر روز شنبه ۲۱ آذرماه سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ خورشیدی) از ۲۶ نفر عده حاضر در مجلس مؤسسان، ۲۵ نفر تفویض سلطنت به اعلیحضرت رضاشاه پهلوی را تصویب و بدینسان نخستین برگ زرین تاریخ را در دفتر جدید زندگی ملت ایران قرار دادند و از آن پس دوران شکوفائی و سازندگی ایران آغاز گردید.

با اتمام کار مجلس مؤسسان و مشخص شدن وضع حکومت ایران، اعلیحضرت رضاشاه کبیر بر اساس ماده ۳۹ متمم قانون اساسی طی مراسم رسمی و تشریفات ویژه ای در ساعت ۲ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۴ آذرماه سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ خورشیدی) بمجلس شورایی ملی در بهارستان تشریف فرمابشد، مراسم سوگند را بجا آوردند و آنگاه روز چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴) اعلیحضرت رضاشاه کبیر در تخت مرمر جلوس فرموده خطابه شاهانه را باین شرح ایراد فرمودند:

جلوس اعلیحضرت پهلوی بر تخت مرمر

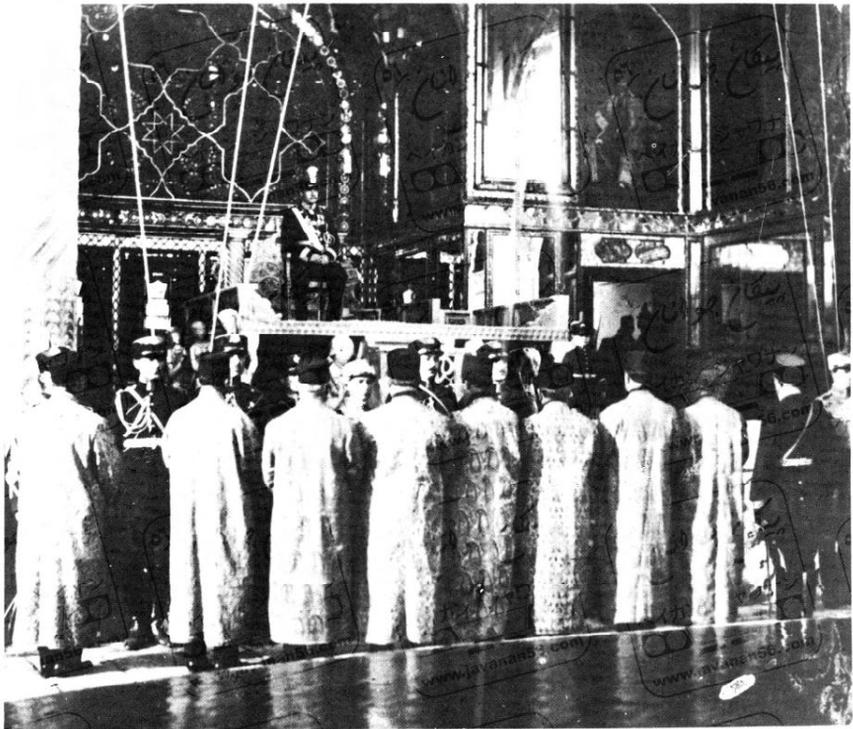
در این موقع در محول و قوه التبر تحت سلطنت ایران که از طرف ملت تبرئه و فیض بخش است
 جلوس مکنم، لازم میدانم که در این محفل با همه مردم نمایم که بدین تم مجاریت کوشش من در آید شکرند
 معظون سیر و راه طبریز بطرف تبریز و آن خلد بی نظیر امیدوارم که شاهان در این تیرت من را در تبریز بارند.

آغاز سلطنت سکونند

بنابراین مجلس مؤسسان در تاریخ بیست و یکم آذرماه سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ خورشیدی) طبق اصل سی و پنجم قانون اساسی که میگوید «سلطنت و دیعه ایست که از طرف ملت به شخص شاه تفویض میشود»، و دیعه ملت ایران به اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض گردید و در تاریخ بیست و چهارم آذرماه شاهنشاهی پهلوی طبق برنامۀ رسمی به مجلس شورایی ملی نزول اجلال فرموده و مراسم سوگند را بعمل آوردند.



اعلیحضرت رضاشاه کبیر در آغاز سلطنت.



بیست و چهارم آذرماه ۲۴۸۴ شاهنشاهی «۱۳۰۴ خورشیدی» آغاز سلطنت شکوهمند پهلوی.

پس از انجام مراسم سوگند در مجلس شورای ملی و جلوس اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بر تخت مرمر رئیس دولت و نمایندگان طبقات و سران ارتش و سفرا هر یک مقام سلطنت را بشاهنشاه تبریک گفتند.

مراسم ابلاغ فرمان همايونی « فرمان ولايتعهدی »

ساعت دويتم روز هشتم بهمن ماه مدعوين كه عبارت بودند از علماء ، و كلالی مجلس امرای ارتش و رؤسای ادارات در تالار موزه كاخ گلستان به ترتيب ايستادند.

دراين هنگام هيئت وزيران و وزير دربار كه حامل فرمان ولايتعهد بودند به تالار موزه وارد شدند و موزيک آهنگ سلام نواخت .

والاحضرت ولايتعهد تا مدخل، فرمان همايوني را استقبال و پس از بوسيدن فرمان به کنار تخت بازگشتند.

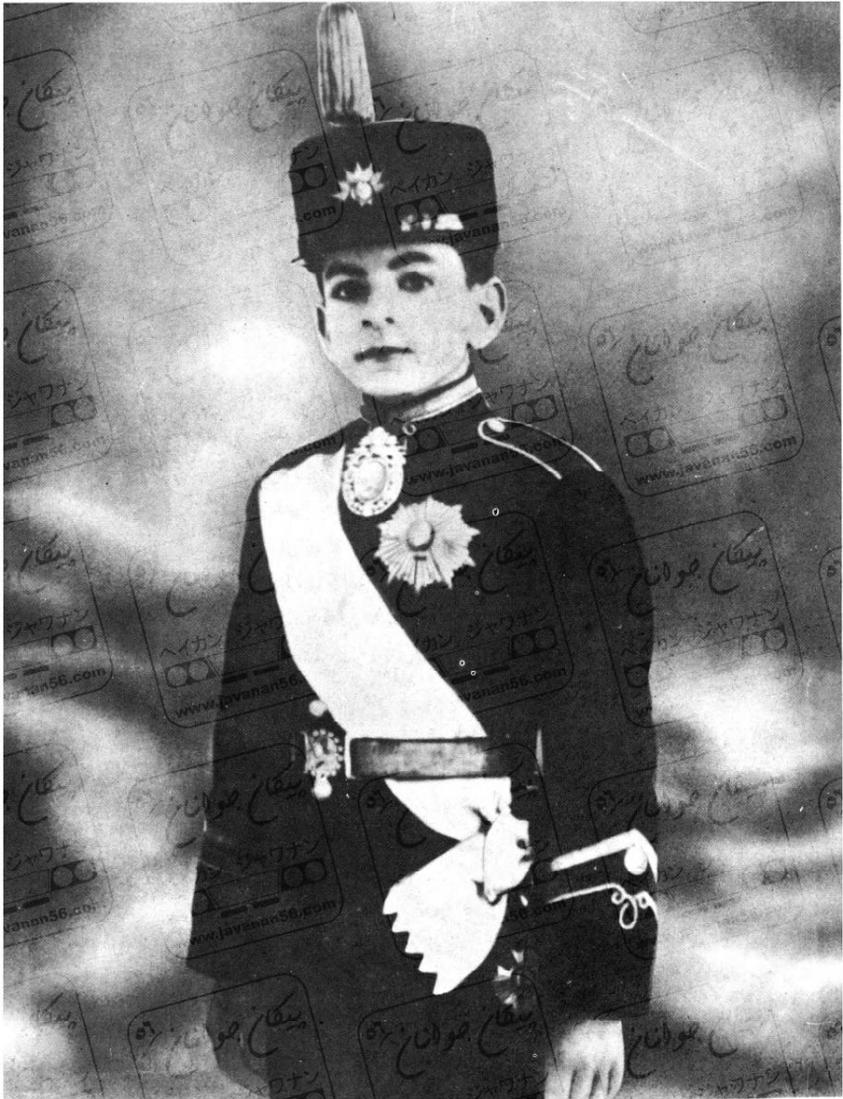
سپس وزير دربار پهلوی فرمان همايوني را قرائت و به رئيس دولت تسليم داشت و در همين هنگام هفت تير توپ شليک شد.

پس از انجام مراسم و صرف شيريني در تالار سردر موزه به تالار عاج بازگشتند و از طرف هيئت دولت مراسم پذيرائي و عرض تبريک بعمل آمد.

ساعت دوازده والاحضرت از تالار عاج به تالار برليان عزيمت نموده و بحضور اعليحضرت رضاشاه کبير تشرف حاصل کردند.

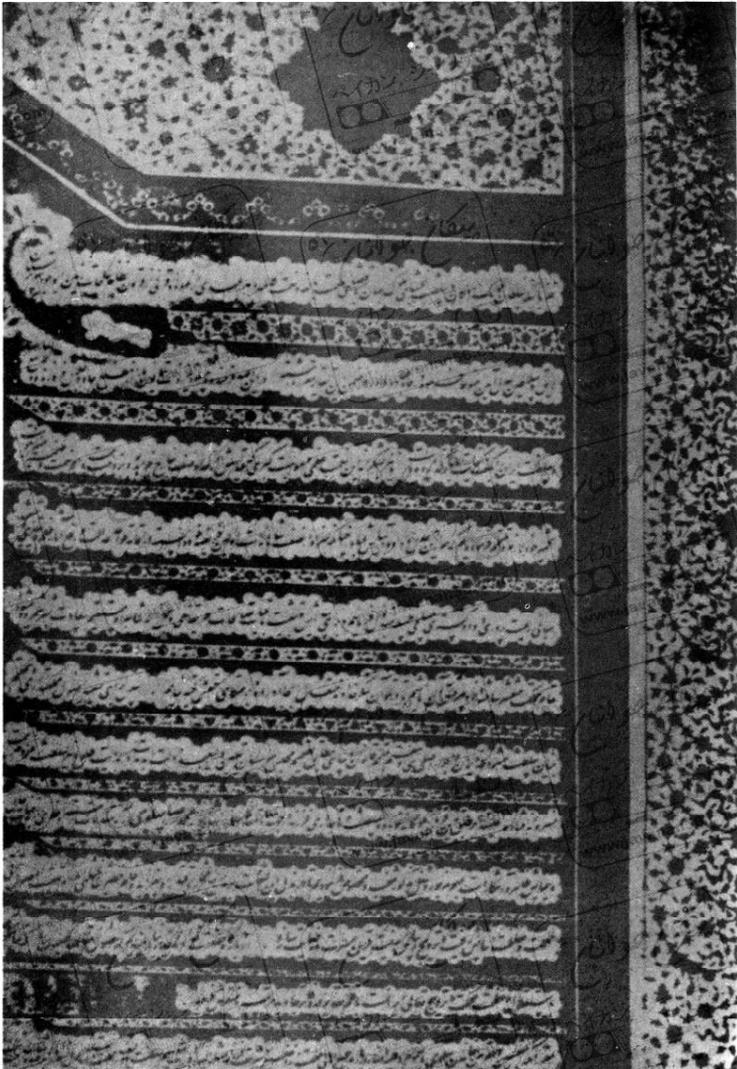
فرمان ولايتعهدی والاحضرت همايونی شاهپور محمد رضا پهلوی « شاهشاه آريا مهر »

طبق اصل سي و هفتم متمم قانون اساسی فرمان ولايتعهدی ايران از طرف سردودمان سلسله پهلوی اعليحضرت رضاشاه کبير در تاريخ هشتم بهمن ماه سال ۱۳۰۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴) بنام والاحضرت شاهپور محمد رضا پهلوی صادر و طی تشريفات خاص ابلاغ گردید.



والاحضرت همايون شاهپور محمدرضا پهلوی، ولایتعهد ایران

فہرست علی حضرت رضا کبیر لبر و لایعہ ہدیہ



مراسم تجدد از علیحضرت رضا کبیر

چهارم اردیبهشت ماه سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵ خورشیدی)
مراسم تاجگذاری سردار بزرگ تاریخ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر باشکوه
مخصوصی در کاخ گلستان بعمل آمد که برنامه مخصوص آن بطور خلاصه ذیلا
شرح داده میشود:

شرکت کنندگان در مراسم، علماء و نمایندگان مجلس، مؤسسان و مجلس شورایی
و سفراء با بانوانشان و هیئت قضات و افسران ارشد ارتش و اعیان و نمایندگان استانها و
شهرستانها و رؤسای ادارات و وزارتخانهها از رتبه ۸ بیلا و نمایندگان بازرگانان و
اصناف و نمایندگان مطبوعات و عدهای دیگر که همه بالباس تمام رسمی در ساعت
۳ بعد از ظهر در باغ گلستان حاضر شده بودند و ساعتی که در کارتهای دعوت معین
شده بود از باغ به تالار تاجگذاری (تالار موزه) رفته و همگی در جاهای خود قرار
گرفتند.

پرچمهای هنگها را نیز در جاهائی که تعیین شده بود برپا ساختند. در باغ
گلستان یکدسته موزیک صف کشیده بود و نگهبانی داخلی عمارت را، دانشجویان
مدرسه نظام بر عهده داشتند.

پس از آنکه مدعوین در جاهای خود ایستادند، والا حضرت اقدس شاهپور
محمد رضا پهلوی (ولیعهد ایران) و هیئت حاملین تاجها و اثاثیه سلطنتی به ترتیب زیر
به تالار موزه وارد شدند و در محل مخصوص خود توقف نمودند:

ابتدا شش آجودان در دو صف سه نفری که در پشت صف اول دولتشاهی
رئیس تشریفات داخلی و در پشت صف دوم غفاری، رئیس تشریفات خارجی قرار گرفته
بودند وارد تالار موزه شدند. سپس سرلشگر خدایارخان با پرچم سلطنتی، پیشاپیش
والاحضرت ولیعهد و بعد از آن موکب والا حضرت ولیعهد (اعلیحضرت همايون
شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران) وارد تالار گردیدند.

بعد از آن در دو صف، هر صف یازده نفر وزیران و سران لشکر و رؤسای دربار
به ترتیب زیر به تالار موزه قدم نهادند:

در صف سمت راست ابتدا فروغی نخست وزیر با در دست داشتن تاج کیانی و
بعد به ترتیب سرلشگر امیر طهماسب وزیر جنگ حامل شمشیر جهانگشای نادری،
فاطمی وزیر دادگستری حامل عصای مرصع سلطنتی، دادگر وزیر کشور حامل
قیماق (دستانه آهنی) سلطنتی، سرلشگر امیر احمدی رئیس ژاندارمری حامل گرز سلطنتی،
سرلشگر جلایر حامل سپر سلطنتی، سرلشگر انصاری حامل قداره مرصع، سرلشگر اسمعیل-



اعلیحضرت رضاشاه کبیر با لباس و شنل مخصوص و تاج بهلوی بهالت نشسته روی تخت مرمر در روز تاجگذاری.

خان حامل زره شاه اسمعیل صفوی، سرلشکر قاسم خان والی حامل تیروترکش مرصع، چراغعلی خان پهلوی پیشکار والاحضرت اقدس وجم معاون نخست وزیر قرار داشتند.

در صف سمت چپ ابتدا تیمورتاش وزیر دربار حامل تاج پهلوی، بعد اسعد وزیرپست و تلگراف حامل تاج بروارید، داور وزیرفوائد عامه (وزارت صنعت و کشاورزی و راه) حامل دریای نور، بیات وزیر دارائی حامل تمثال مبارک اعلیحضرت رضاشاه کبیر، سرلشکر نصراله آیرم حامل شمشیر شاه اسمعیل صفوی، سرلشکر صفوی، سرلشکر خزائی حامل تبرزین سلطنتی، سرلشکر اسان اله جهانبانی حامل کمان نادری، مفتاح کفیل وزیر خارجه، سمعی استاندار تهران، میرزا یوسف خان مشار کفیل وزارت فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه جای گرفته بودند.

بعد از ورود اشخاص فوق الذکر، ابتدا والاحضرت اقدس ولایتعهد در سمت راست تخت نادری قرار گرفتند و سپس پرچم سلطنتی در پشت سر این تخت نگاه داشته شد و شش نفر از آجودانهای همایونی بین تخت نادری و تخت طاووس ایستادند. دو نفر رؤسای تشریفات داخلی و خارجی دربار، دوباره مراجعت کرده و در کنار در تالار ایستادند و بمحض ورود اعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی با صدای بلند ورود موبک همایونی را اعلام داشتند.

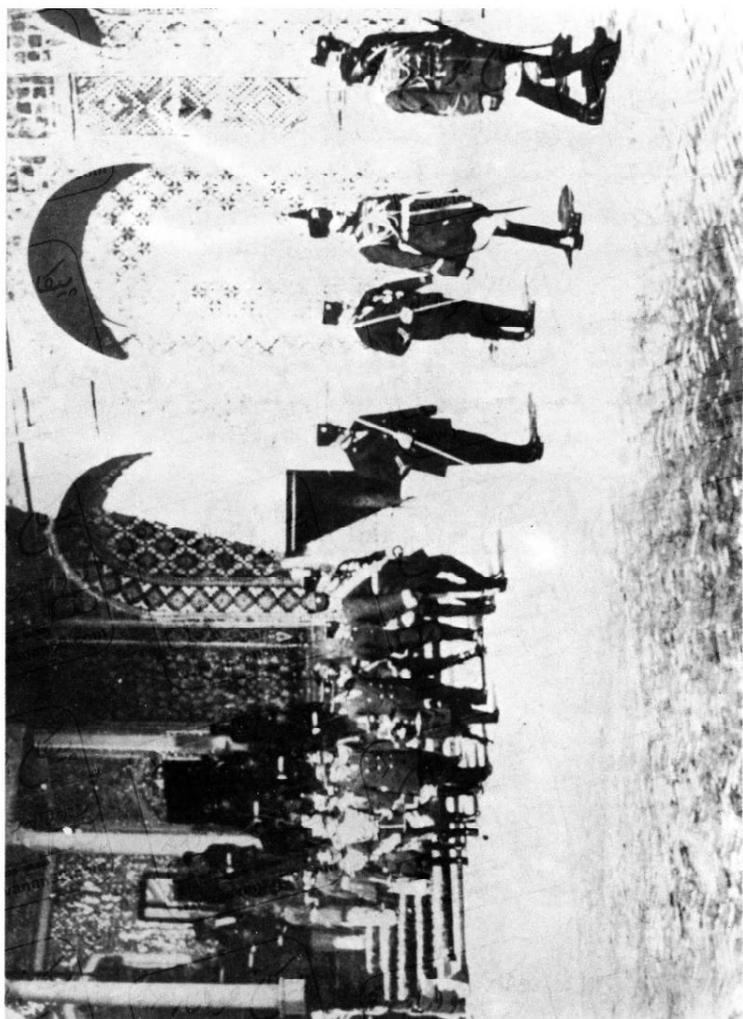
نکته ای که از قلم افتاد این بود که حاملین اثاثیه سلطنتی در فاصله معینی از تخت نادری در دو صف یازده نفری روبروی هم ایستادند و منتظر تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی شدند.

ترتیب ورود اعلیحضرت همایون رضاشاه کبیر به تالار تاجگذاری:

ابتداء شش آجودان در دو صف سه نفری، که در پشت صف اول رئیس تشریفات داخله و در پشت صف دوم رئیس تشریفات خارجه قرار داشتند وارد جلسه گردیدند و بعد از آن اعلیحضرت همایون رضاشاه کبیر در حالی که جیقه نادری به سر و یک شنل مروارید دوزی سلطنتی بر دوش خود داشتند قدم به تالار گذاردند و در پشت سر ایشان سرتیب مرتضی خان یزدان پناه فرماند لشکر مرکز و ژنرال آجودان اعلیحضرت و در دنبال ایشان بهرامی رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و رؤسای درجه اول دربار به تالار تاجگذاری وارد شدند.

هنگام ورود اعلیحضرت رضاشاه کبیر به تالار، سلام خاص بوسیله دسته موزیک نواخته شد و سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاه از میان دو صف پرچمهای هنگها (که بحال سلام درآمدند) و حاملین اثاثیه سلطنتی عبور و براریکه تخت نادری جلوس فرمودند و سرتیب یزدان پناه در طرف چپ تخت پهلوی و در قسمت پایه عقب تخت ایستاد و آجودانهای شاهنشاه در پشت تخت قرار گرفتند.

حاملین اثاثیه سلطنتی که نام آنها یکایک ذکر گردید، در فاصله کمی از تخت بشکل نیمدایره ایستاده بودند.



تصویر بالا سروپہہ هنگامی است کہ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاہ کبیر در روز کاخ گلستان پایان رسید و معظم لہ با تقایر والا حضرت ولائیمہ شاہشاہ آریامہر و عدہای از صہراہان از سملہ تہورتاش و زید و باریا وقت و سرتیب بزادان پناہ (نقر چہارہ اوصف ست چہ عکس) ادرمال خروج از کاخ گلستان ہستند و الا حضرت ولائیمہ با دست جلوب سلام نظامی بہدند.

سایر اعضای هیئت دولت و ملتزمین موکب همایونی که حامل اثاثیه سلطنتی نبودند در وسط و در پشت سر نخست‌وزیر جای گرفتند.

پس از جلوس اعلیحضرت رضاشاه کبیر بر تخت، ابتدا امام جمعه تهران خطبه مخصوص تاجگذاری را قرائت کرد و پس از آن تیمورتاش وزیر دربار وقت تاج پهلوی را نزدیک تخت برد.

بعداً رئیس تشریفات جیقه نادری را گرفته و در بالای تاج پهلوی قرار داد و رئیس دیگر تشریفات شمشیر و کمر اعلیحضرت همایونی را گرفت و در جای شمشیر جهانگشای نادری گذاشت و آنوقت اعلیحضرت همایون رضاشاه کبیر تاج را با دست مبارک بر تارک خویش نهادند و شمشیر جهانگشای نادری را که بوسیله امیر-طهماسب وزیر جنگ تقدیم گردید، بر کمر خود بستند و در این هنگام ۲۱ تیر توپ شلیک شد.

پس از گذاشتن تاج بر سر ویستن شمشیر جهانگشای نادری، اعلیحضرت رضاشاه کبیر نطقی ایراد فرمودند و پس از آن نخست‌وزیر که تاج کیانی را در دست گرفته بود آنرا به جم معاون خود داد و در مقابل تخت سلطنتی خطابه‌ای بعرض رسانید و پس از آن دوباره تاج کیانی را از معاون خویش گرفت و در سر جای خود ایستاد.

آنگاه نمایندگان استانها و شهرستانها بعرض تبریک و تهنیت مشغول گردیدند و بعد از انجام این مراسم، اعلیحضرت رضاشاه کبیر با تاج پهلوی که در سر داشتند از تخت پائین آمده و بانفاق والا حضرت ولیعهد و حاملین اثاثیه سلطنتی و سایر ملتزمین به تالار برلیان مراجعت فرمودند. در موقع پائین آمدن اعلیحضرت رضاشاه کبیر از تخت، حاملین اثاثیه سلطنتی (به ترتیب پیش از ورود موکب همایونی به تالار) به جاهای خود برگشته و ایستادند.

حرکت اعلیحضرت رضاشاه کبیر از تالار موزه به تالار برلیان باین ترتیب بود که ابتدا، شش آجودان در دو صف سه نفری روی جلو، بطوریکه رئیس تشریفات داخله دربار در پشت صف راست و رئیس تشریفات خارجه دربار در پشت صف سمت چپ قرار گرفته بودند بحرکت درآمدند و پس از آن اعلیحضرت رضاشاه کبیر و بدنبال ایشان والا حضرت ولیعهد رضاپهلوی و در عقب در قسمت سمت راست، حاملین پرچمهای سلطنتی و در سمت چپ ژنرال آجودان اعلیحضرت یعنی سرتیپ یزدان‌پناه، حرکت کردند و بعد نخست‌وزیر و وزیر دربار و سایر حاملین اثاثیه سلطنتی به ترتیبی که قبلاً از آن یاد کردیم و بعد از آنها علماء و نمایندگان مجلسین مؤسسان و شورا و روسای دربار از تالار موزه بطرف تالار برلیان حرکت کردند.

مراسم فوق در حدود یکساعت و نیم طول کشید و پس از آن در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر همانروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر با تشریفات رسمی از کاخ گلستان بطرف قصر سعدآباد عزیمت فرمودند.



اعلیحضرت رضاشاه کبیر در لباس رسمی و با درجه سرهنگی که برای سنت مخصوص بزرگان ارتش تاران بوده است.

ترتیب حرکت بدین قرار بود که ابتدا بیست نفر پلیس سوار و بیست نفر ژاندارم سوار و بعد ۳۰ سوار عشایر شهرستانها از پیشاپیش حرکت نمودند، و بعد بهادران گارد مخصوص سلطنتی و سپس محمد ولیخان آصف دولورئیس فراشخانه سواره و در طرفین او فراشها در حال پیاده بحرکت افتادند.

بعد از آن در سمت راست مسیر حرکت همایونی، رئیس تشریفات داخله در حال سوار و در سمت چپ مسیر، رئیس تشریفات خارجه در حال سوار و پس از آن بساؤل ها و بعد به ترتیب امیر سلیمانی رئیس اصطبل خانه که سوار براسب مخصوص بود و دارائی رئیس کالسکه خانه شاهنشاهی سواره، سرتیپ یزدان پناه نزدیک چرخ راست در جوار کالسکه سلطنتی سواره، سرتیپ حبیب اله خان شیبانی رئیس زرادخانه سواره، نزدیک چرخ چپ جلوی کالسکه حرکت میکردند و کالسکه اعلیحضرت همایون رضانشاه کبیر را احاطه کرده بودند، در حالیکه شاطرها نیز در دو سمت مسیر موازی با کالسکه همایونی در حرکت بودند.

بدنبال کالسکه سلطنتی به ترتیب :

سرلشگر خدایارخان حامل پرچم سلطنتی، سرلشگر امیراحمدی رئیس ژاندارمری، سرتیپ کریم آقاخان بوذرجمهری کفیل شهرداری تهران در سمت راست پرچم حرکت مینمودند.

سمیعی استاندار تهران و سرهنگ محمدخان درگاهی رئیس شهربانی در سمت چپ پرچم قرار گرفته بودند، بدنبال آنها در دو صف سه نفره شش آجودان سواره و بعد چراغعلی خان پهلوی پیشکار و الاحضرت اقدس همایونی و بعد سرلشگر حسین آقاخان خزاغی سواره در جلوی کالسکه و الاحضرت اقدس و ولایتعهد حرکت میکردند، در حالی که چهار آجودان در دو صف دوفره کالسکه و الاحضرت و ولایتعهد را دنبال مینمودند، در پشت سر این کالسکه، ابتدا کالسکه نخست وزیر، بعد کالسکه وزیر جنگ و وزیر پست و تلگراف، بعد کالسکه وزیر دادگستری، بعد کالسکه وزیر کشور و دارائی حرکت میکردند.

بدنبال آنها کالسکه کفیل وزارت خارجه و رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و در پشت سر آنها کالسکه وزیر فرهنگ و دکتر امیرخان اعلم، پزشک مخصوص همایونی و در آخر، بهادران گارد مخصوص با لباسهای زیبا بحرکت درآمدند. هنگامیکه شاهنشاه رضانشاه کبیر میخواستند سوار کالسکه شده وعازم سعدآباد شوند پس از ترنم موزیک یک تیر توپ شلیک گردید.

همانطوریکه از مراتب فوق یخویی آشکار میگردد تاجگذاری اعلیحضرت رضانشاه کبیر با تشریفات خاص و در نهایت نظم، در طی پنج روز از چهارم تا نهم اردیبهشت ماه سال ۱۲۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵ خورشیدی) انجام گرفت.

در بخش‌های گذشته خوانندگان محترم را با اوضاع واحوال کلی کشور و تحولات و پیشرفتهای نیروی زمینی شاهنشاهی در سالهای بعد از کودتای سوم اسفند ماه سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) آشنا نمودیم. اینک که دوران فرخنده شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر یعنی دوران آرامش و سازندگی کشور آغاز میگردد، نیروی زمینی شاهنشاهی را در جهت پیشرفت و تکامل مورد بررسی قرار میدهم

۱- سازمان و درگونیهای آن

تا سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۵) سازمان قشون از لحاظ یگانهای رزمی براساس همان سازمان پنج لشگری بود که در شهرهای تبریز - اصفهان - مشهد - همدان و تهران استقرار و هر لشگر دارای یک منطقه استحقاقی بود که اغلب شهرهای اطراف آنرا هم شامل میشد. در سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۵) پس از یک سلسله بررسیها و مطالعات در زمینه‌های گوناگون، باین نتیجه رسیدند که تجدید نظر در سازمان کلی قشون و همچنین لشگرهای آن زمان ضروری است. بهمین سبب در سازمان قرارگاهها و ادارات نظامی تغییراتی داده شد که بطور مختصر ارائه میگردد:

الف - اداره دادرسی و کل دعاوی (دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی).

ب - اداره نظام اجباری (وظیفه عمومی).

پ - اداره مالیه و مباشرت (دارائی ارتش).

ت - اداره نقلیه (ترابری)

ث - اداره هواپیمائی (مبنای اولیه تشکیل نیروی هوایی شاهنشاهی)

ج - اداره قورخانه (سازمان صنایع نظامی)

چ - اداره تلگراف بیسیم (اداره مخابرات)

ح - اداره صحیه کل قشون (اداره بهداشتی)

خ - اداره امور دواب (دامپزشکی)

ارکان حرب (ستاد ارتش شاهنشاهی) مشتمل بر ۴ رکن و یک دفتر کل و امور اداری که وظایف هر رکن تقریباً مشابه وظایف امروزی ارکان بود. بموازات تغییراتی که در سازمانهای ادارات و ارکان ستاد ارتش بوجود آمد لشگرها نیز بمناسبت وضع و موقع خود دچار تحولات و تغییراتی شدند که بطور خلاصه ذکر میشود:

الف - لشگر شمالغرب (تبریز)

این لشگر از دو تیپ در تبریز و ارومیه (رضائیه کنونی) تشکیل و قسمتهای مستقلی نیز از این لشگر در اردبیل، سلماس و ماکو مستقر گردیدند.

ب- لشکر غرب (همدان)

این لشکر از دو تیپ مختلط مستقل در لرستان و کردستان تشکیل می‌شد که تیپ اول آن مرکب بود از یک هنگ مختلط در خرم‌آباد باضافه یک گردان سوار و یک گردان مختلط در بروجرد و تیپ دوم آن شامل یک هنگ مختلط در سنندج و دو گردان مختلط در سقز و دزفول و یک هنگ مختلط نیز در کرمانشاه. در سال ۲۴۸۶ شاهنشاهی (۱۳۰۶ خورشیدی) در سازمان لشکرهای مرکز، شرق و جنوب و شمال نیز تجدید نظر بعمل آمد که نتایج آن بشرح زیر بود:

الف - سازمان لشکر مرکز در این سال منحل شد و هریک از تیپهای تابع آن بترتیب زیر بصورت تیپ مستقل درآمد:

(۱) تیپ ۱ گارد سوار و یگانهای آموزشی گروهبانی واسکورت ارامنه.

(۲) تیپ گارد پیاده و یگانهای مهندس و زره‌پوش و یکسسته تانک.

(۳) تیپ ۲ گارد پیاده و یک آموزشگاه گروهبانی پیاده.

(۴) تیپ توپخانه و یک آموزشگاه گروهبانی توپخانه.

ب- لشکر شرق:

(۱) تیپ مختلط مشهد شامل سه هنگ پیاده، سوار و توپخانه.

(۲) هنگ مختلط سیستان شامل یک گردان پیاده، یک گردان جماز سوار و

یک آتشبار توپخانه.

پ- لشکر جنوب:

(۱) یک تیپ مختلط در فارس.

(۲) هنگ مختلط در خوزستان (که در همانسال به تیپ مختلط خوزستان

تبدیل شد).

(۳) یک هنگ مختلط در کرمان (که در همانسال به تیپ مختلط کرمان

تبدیل شد).

(۴) پنج گردان مختلط به ترتیب در اصفهان - یزد - بهبهان - بوشهر و بندرعباس

که گردانهای اصفهان و یزد اند، بی‌بعد ادغام و هنگ مختلط اصفهان را تشکیل دادند.

ت - پیش از سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی از لشکر مرکز یگانهای در گیلان و

تنکابن و مازندران استقرار داشتند. در سال ۲۴۸۶ شاهنشاهی (۱۳۰۶) تجدید نظر در

سازمان یگانهای شمال بوجود آمد که نتیجه آن بشرح زیر بود:

(۱) یک هنگ مختلط در گیلان.

(۲) یک هنگ مختلط در پهلوی دژ.

(۳) یک هنگ مختلط در گرگان.

هرسه هنگ مزبور جمعاً تیبی را تشکیل دادند بنام تیپ مختلط مستقل شمال.

ث - همزمان با تشکیل تیپ مستقل شمال، هنگهای مستقر در کرمان و خوزستان



اعلیحضرت رضاشاه کبیر و تعدادی از فرماندهان یگانهای عمده

نیز هریک به تیپ مستقل تبدیل شد، نظر باینکه وسائل ارتباطی جهت اداره یگانها در آن زمان توسعه و تکامل نیافته و اشکالاتی را در زمینه نظارت و هدایت یگانها بوجود آورده بود، ناگزیر در مردادماه سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) لشکر جنوب منحل شد و یگانهای تابع آن هر کدام بشرح زیر استقلال یافته و مستقیماً با مرکز مربوط شدند:

(۱) تیپ مختلط مستقل فارس.

(۲) تیپ مختلط مستقل کرمان.

(۳) تیپ مختلط مستقل خوزستان.

(۴) هنگ مختلط مستقل اصفهان.

ج - بموازات این تجدید سازمان که بر اساس حذف قرارگاه لشکر و صرفه جوئی در پرسنل و تسهیل نظارت یگانها بوسیله ستاد ارتش صورت گرفت، در تیپهای مستقل مرکز نیز تغییراتی بشرح زیر داده شد:

(۱) تیپ مستقل سوار مرکز مرکب از سه هنگ فاتح، حمله، پهلوی.

(۲) تیپ مستقل توپخانه مرکب از سه هنگ سوار، کوهستانی، پیاده.

(۳) تیپ یکم گارد پیاده مرکب از سه هنگ پهلوی، آهنین، بهادر و یک گردان مهندس که بعدها توسعه یافته و به هنگ مهندس تبدیل گردید.

(۴) تیپ ۲ گارد پیاده مرکب از هنگ نادری، رضاپور، هنگ ۷ و هنگ ۲۱ و یک گردان مستقل پیاده در ساری.

(۵) تیپ مختلط مستقل گرگان که از ادغام دو هنگ مستقر در گرگان و پهلوی دژ تشکیل یافت.

ج - لشکر شمالغرب:

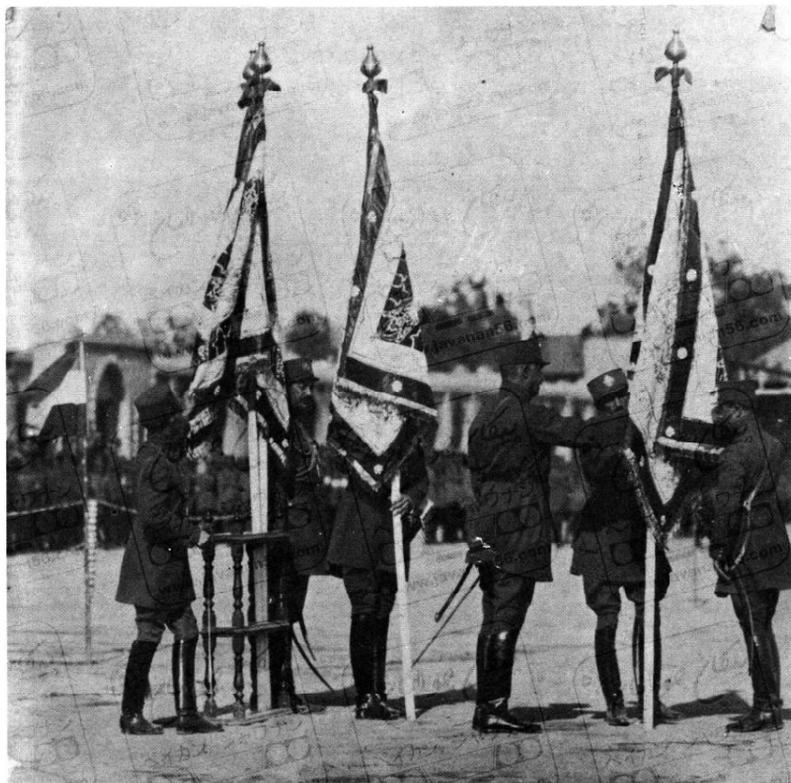
در سال ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹) تجدیدنظر مختصری در سازمان لشکر شمالغرب بوجود آمد و این لشکر توسعه یافت و مجموعاً دارای سه تیپ گردید بنام تیپ ۱ - تیپ ۲ - تیپ ۳ که ترکیبات و محل استقرار عناصر آن بشرح زیر تعیین شد:

(۱) تیپ ۱ شامل یک هنگ پیاده (سپهبدان) و یک هنگ سوار (نصرت) در تبریز.

(۲) تیپ ۲ شامل یک هنگ پیاده (اخگر) و یک هنگ پیاده (باوندپور) و یک هنگ سوار (آذر) و دو گردان مختلط بنام گردان مستقل آتشین و گردان مختلط ما کو و رضائیه.

(۳) تیپ ۳ شامل یک هنگ پیاده (قهرمان) یک هنگ سوار و دو گردان مختلط و یک دسته توپخانه در اردبیل.

ح - هنگ مختلط سیستان که جزء ترکیبات لشکر شرق بود نیز در سال ۲۴۸۹



اعلیحضرت رضاشاه کبیر در مراسم اعطای پرچم به فرماندهان یگانها «یک روز بعد از تاجگذاری»

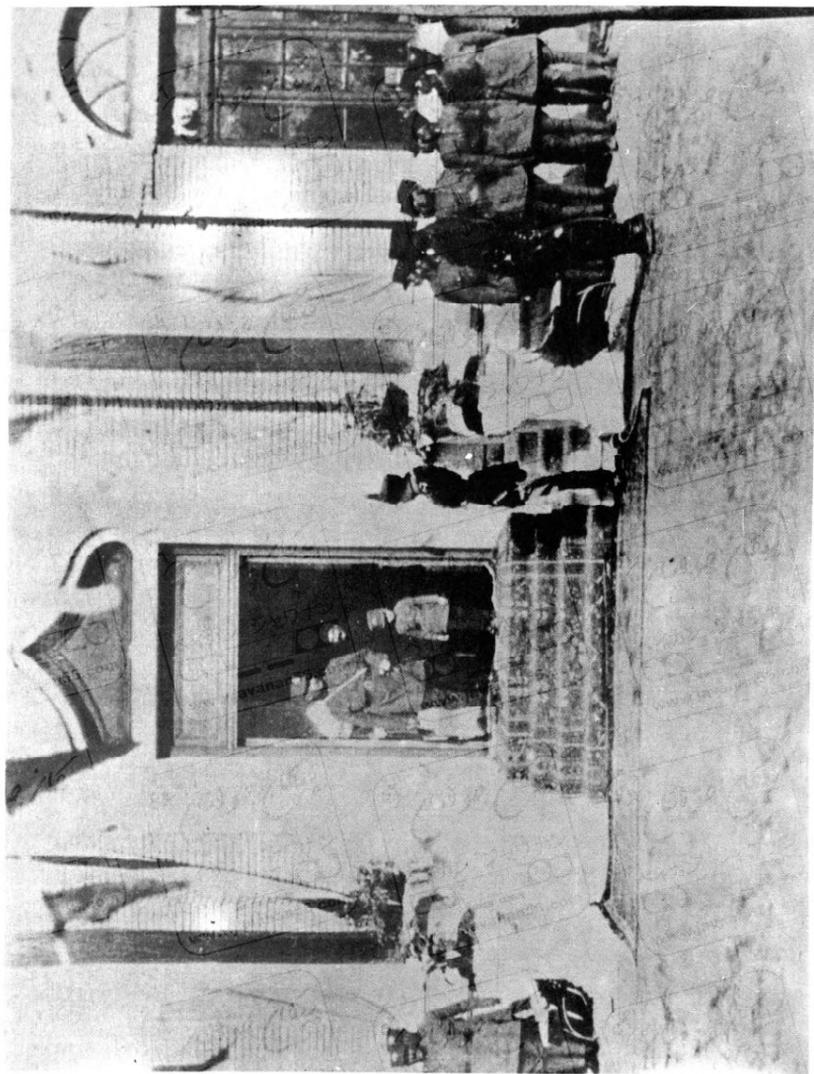
شاهنشاهی (۱۳۰۹) از لشکر مزبور مجزا و بنام تیپ مختلط مستقل سیستان سازمان یافت و در همین سال یگانهای غرب و جنوب غربی از ترکیبات نیروهای عمده آن مناطق مجزا و بطور مستقل بشرح زیر سازمان داده شدند:

- (۱) هنگ مختلط منصور در کرمانشاه.
- (۲) تیپ مختلط کردستان (هنگ مختلط مظفر، گردان مستقل سقز).
- (۳) تیپ مختلط لرستان (هنگ مختلط گارد سپه - گردان مستقل بروجرد و گردان مستقل دزفول).

(۴) تیپ مختلط خوزستان (هنگ مختلط ناصری - گردان مستقل بهبهان)

خ - تا سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱) تغییرات مهمی در سازمان نیروی زمینی شاهنشاهی بوجود نیامد و بطور کلی سازمان و محل استقرار یگانهای این نیرو در این سال بشرح زیر بود:

- (۱) دو تیپ پیاده، دو تیپ توپخانه، چهار هنگ سوار در مرکز
 - (۲) دولشگر در آذربایجان.
 - (۳) یک لشگر در خراسان.
 - (۴) یک تیپ مختلط در لرستان که مرکز آن در خرم آباد بود.
 - (۵) یک تیپ مختلط در شیراز.
 - (۶) یک تیپ مختلط در کرمان.
 - (۷) یک تیپ مختلط در بلوچستان که مرکز آن در خاش بود.
 - (۸) یک تیپ مختلط در خوزستان که مرکز آن در اهواز بود.
 - (۹) تیپ مختلط گرگان به هنگ مختلط مستقل گرگان تبدیل شد.
 - (۱۰) یک هنگ مختلط در اصفهان.
 - (۱۱) یک هنگ مختلط در بندرعباس.
 - (۱۲) در سال ۲۴۹۲ شاهنشاهی (۱۳۱۲) دو تیپ پیاده مستقر در تهران بدو لشگر تبدیل و بنام لشگر ۱ و لشگر ۲ مرکز نامیده شدند.
- د - در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳) تغییرات عمده ای در سازمان ارتش شاهنشاهی بوجود آمد بشرح زیر:
- (۱) وزارت جنگ شامل:
 - (الف) کابینه وزارت شامل آجودان وزارت، دفتر وزارت، دایره پرسنل، اعضاء وزارت و تقاعد بازنشستگی) و مستمری قشونی.
 - (ب) مالیه کل قشون (دارائی ارتش)
 - (پ) خزانه داری کل قشون.
 - (ت) مباشرت کل قشون (سررشته داری ارتش)



اعلیٰ حضرت رضاشاہ کبیر در بازدید از مدرسه نظامی تلگراف می‌سم. اسیر اکرم عموی و بیستکار و الاحضرت ولایتی مهد نیز حضور دارند.

(ث) نقلیه کل قشون (ترابری).

(ج) پارک قورخانه.

(چ) دایره مهندسی ومخابرات.

(ح) صحیه کل قشون (بهداری ارتش).

(خ) بیطاری (دامپزشکی)

(د) محاکمات کل قشون (دادرسی ارتش)

(ذ) دایره ایلخی وتهیه دواب (اداره امور دواب)

(ر) کارخانه ها و ذخایر قشونی.

(ز) نظام وظیفه.

(۲) ارکان حرب کل قشون (ستاد ارتش) شامل:

(الف) رکن یکم.

(ب) رکن دوم.

(پ) رکن سوم.

(ث) رکن چهارم.

(ث) دایره نقشه برداری جغرافیائی.

(ج) دایره موزیک.

(چ) دفتر کل.

(ح) دفتر بحریه وهواپیمایی (نیروی دریائی وهوائی).

(۳) تفتیش کل نظامی (بازرسی ارتش)

این قسمت شامل دفتر تفتیش ودو دایره وینچ کمیسیون شرح زیر بود:

(الف) دفتر تفتیش وآجودانی.

(ب) دایره مطالعات نظامی ومانورها

(پ) دایره تعلیمات ورزشی وترتیب بدنی.

(ت) کمیسیون تفتیش پیاده نظام.

(ث) کمیسیون تفتیش سوار نظام.

(ج) کمیسیون تفتیش توپخانه.

(چ) کمیسیون تفتیش هواپیمائی.

(۴) تفتیش مالی ومباشرتی کل قشون (بازرسی مالی وسررشته داری)

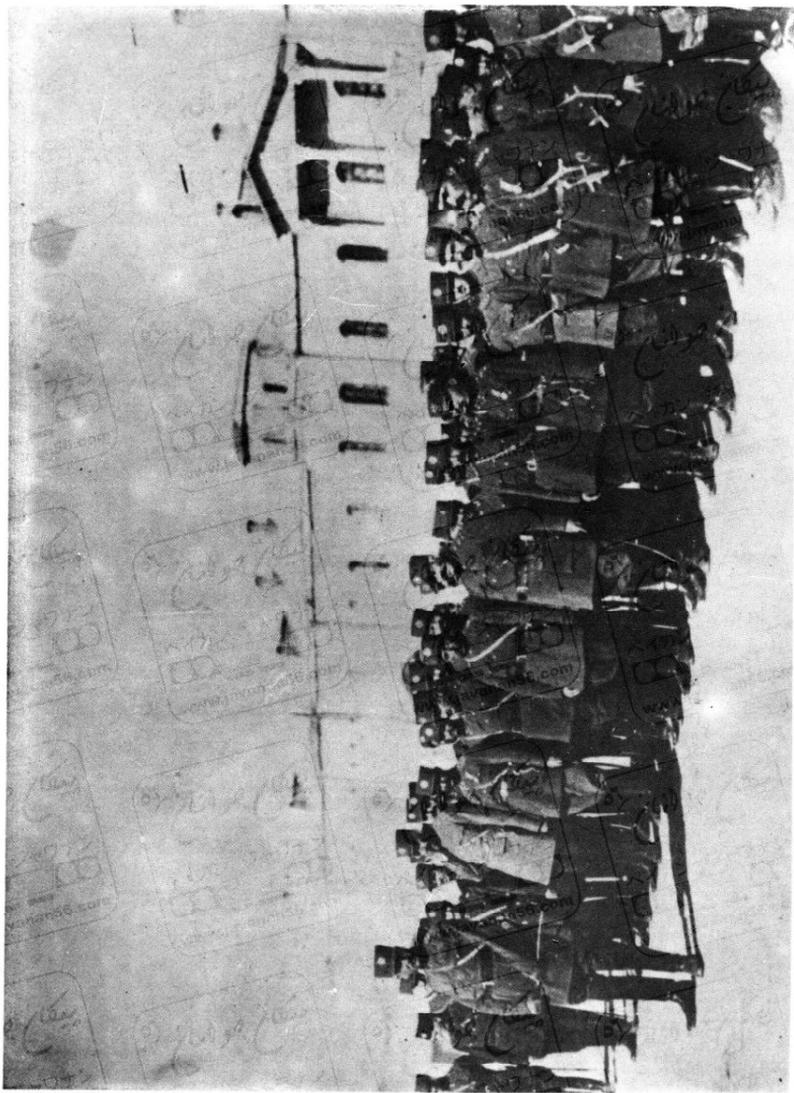
این قسمت که بامور مالی وسررشته داری کل قشون رسیدگی میگرد، شامل یک دفتر

کل ودو دایره بازرسی امور مالی ویک دایره بازرسی امور سررشته داری بود.

ذ - نیروی زمینی شاهنشاهی به تناسب نیازمندیهای منطقه ای و اوضاع واحوال

روز توجه باصل هدایت ونظارت بر یگانها و همچنین وسایل و تجهیزات

جدیدی که بتدریج وارد ارتش شاهنشاهی میگردد، در سال ۲۴۹۴



اعلیحضرت و طماننا کبیر در میدان شفق تهران در حال تماشای رژه یگانهای ارتش سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی «۱۳۰۵ خورشیدی»

شاهنشاهی (۱۳۱۴) بموجب حکم عمومی قشونی شماره ۲۱۲۰ مورخه فروردین ماه همانسال، یک تجدید سازمان کلی نموده و بشرح زیر تا سال ۲۴۹۹ شاهنشاهی (۱۳۱۹) در نقاط مختلف کشور استقرار یافت که تغییرات بعدی آن بلحاظ مصادف شدن با وقایع شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) و تجاوز نیروهای بیگانه بایران در بخش بعدی این کتاب مشروحاً مورد بررسی قرار گرفته است.

- | | |
|--------|----------------------|
| نمره ۱ | (۱) لشکر ۱ مرکز |
| نمره ۲ | (۲) لشکر ۲ مرکز |
| نمره ۳ | (۳) لشکر اول شمالغرب |
| نمره ۴ | (۴) لشکر دوم شمالغرب |
| نمره ۵ | (۵) لشکر ۵ کردستان |
| نمره ۶ | (۶) لشکر خوزستان |
| نمره ۷ | (۷) لشکر فارس |
| نمره ۸ | (۸) لشکر مکران |
| نمره ۹ | (۹) لشکر شرق |

(۱۰) تیپ مختلط و مستقل اصفهان.

(۱۱) تیپ مختلط و مستقل کرمانشاه

(۱۲) تیپ مختلط و مستقل گرگان

(۱۳) تیپ مختلط و مستقل گیلان.

(۱۴) توپخانه ۱۰۰ بلندتایع ارکانحرب کل قشون (ستاد ارتش)

(۱۵) توپخانه ضد هوایی تابع ارکانحرب کل قشون (ستاد ارتش)

نخستین گامی که سردار سپه در جهت اصلاح قشون آشفته آن زمان برداشت، تأسیس سازمانهای آموزشی مناسب با نیاز عصر خود بود زیرا توجه باین اصل که شرط اساسی تکامل و پیشرفت یک ارتش، آگاهی پرسنل آن از آخرین اطلاعات و دانشهای نظامی است، همواره در ذهن دورانندیش پایه گذار ایران نو وجود داشت و در تحقق بخشیدن بهمین آرمان بزرگ بود که تحولات بزرگی در آموزش قشون آن زمان بوجود آورد که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم میگذرد:

الف- مدارس نظام موجود همزمان با کودتای سوم اسفند سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی)

مقارن با کودتای سوم اسفند سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی چهار مدرسه نظام در ارتش ایران وجود داشت:

(۱) مدرسه دیویزیون (لشکر) قزاق که ریاست آنرا سرتیپ غلامحسین نقلی بعهده داشت ویاروش مدرسه کادسکی کربوس روسیه اداره میشد و دارای دو قسمت متمایز بود:

(الف) قسمت اشراف زادگان.

(ب) قسمت تربیت یافتگان مدرسه دیویزیون (لشکر)

(۲) مدرسه نظام مشیرالدوله.

در سال ۲۴۷۰ شاهنشاهی (۱۲۹۰) که مشیرالدوله فارغ التحصیل مدرسه نظام روسیه بوزارت جنگ منصوب گردید، بر هزینه مخایره تلگرامها یک شاهی افزود و از این راه مخارج مدرسه نظام مشیرالدوله تأمین گردید. ریاست این مدرسه را سردار مقتدر غفاری و معاونت آنرا سرتیپ ابوالحسن گرانیمایه که هر دو تحصیل کرده آلمان بودند بعهده داشتند. ارتشبد عبدالله هدایت و سپهد حاجعلی رزم آرا، فارغ التحصیل این مدرسه بودند و دوره این مدرسه دو سال بود.

(۳) مدرسه صاحبمنصبان ژاندارمری (افسران ژاندارم).

(۴) مدرسه دامپزشکی ژاندارمری.

پس از تشکیل قشون متحدالشکل و انحلال ژاندارمری و قزاقخانه،

طبعاً فکر تشکیل یک مؤسسه آموزشی در سطح ارتش آنروز نیز ایجاد شد که با فرمان زیر در حقیقت شالوده دانشکده افسری پی ریزی گردید.

استخراج از ماده (۸) حکم عمومی قشونی فرجه!

سرینگ عزیزانده خان برباست کل مدارس قشون منسوب بعبوریت

کجه مدارس نظامی را متحد اشکل و در عارت مسعودیه برقرار داشته نظریات خود را

راج بکشیکلات جدید مدرس را پراپرت خله بندنوفه .

تهران روز شنبه ۳۳ هجری ۳۳۰

وزیر سبک و فرمائید کل قشون رضا سردار سپر

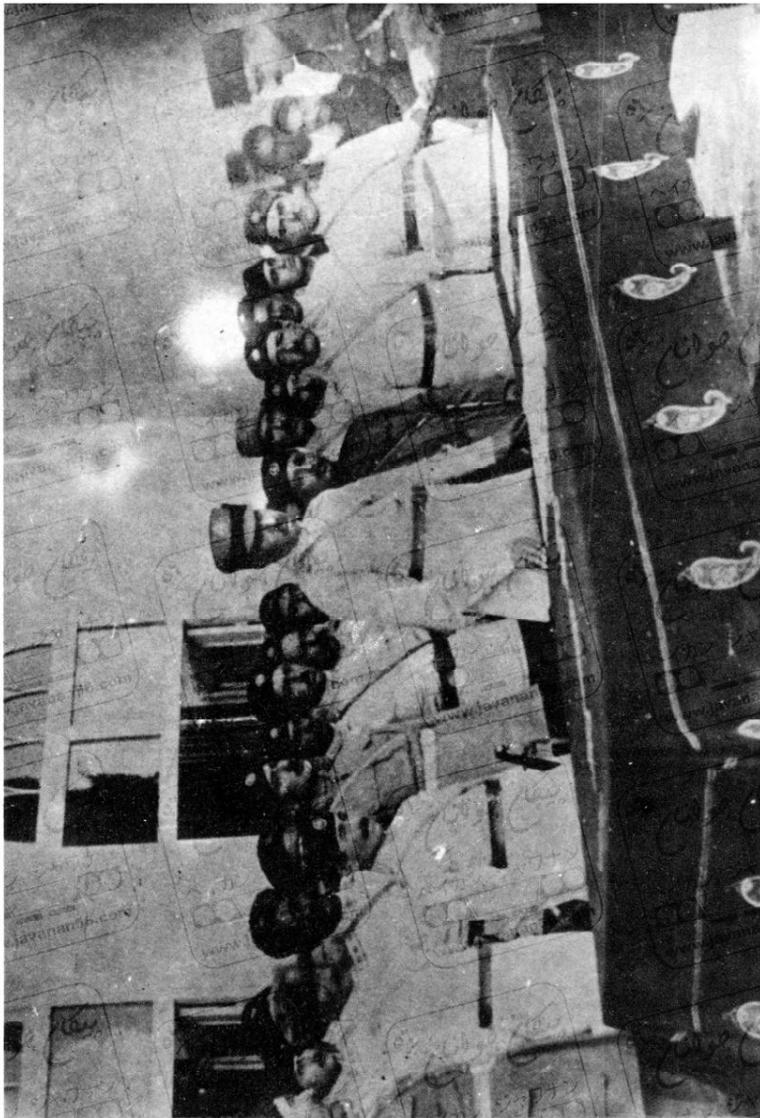
پس از انحلال مدرسه دیویزیون (لشکر) قزاق و مدرسه نظام مشیرالدوله و مدرسه صاحبمنصبان ژاندارمری و مدرسه دامپزشکی ژاندارمری، همانطور که در حکم عمومی قشونی آمده است، یک سازمان آموزشی بنام مدارس کل قشون در عمارت مسعودیه (محل کنونی وزارت آموزش و پرورش) برباست عزیزالخان ضرغامی و معاونت سرگرد رضاقلی کریم قوانلو تأسیس گردید، که در پائیز سال ۱۳۰۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ خورشیدی) به ساختمان کامران میرزا که همین محل کنونی دانشکده افسری است تغییر مکان داده شد.

با انتصاب سرتیپ ضرغامی بعضویت شورای عالی قشون، سرتیپ جهانبانی با حفظ سمت ریاست ارکان حرب کل قشون (رئیس ستاد ارتش) بامور این مدرسه نیز رسیدگی میکرد تا اینکه ریاست مدارس نظام - بسرلشکر حبیباله شیبانی محول شد. اما سرلشکر شیبانی نیز پس از دو ماه بماموریت ویژه‌ای اعزام شد و ریاست مدارس کل قشون به سرتیپ نخجوان (امیر موثق) محول گشت که تا ده سال در همین سمت باقی ماند.

در این دوران مدارس نظام کل قشون از چهار قسمت تشکیل میشد:

- (۱) قسمت ابتدایی برباست سروان علی اصغرخان رفعت‌جاه .
- (۲) قسمت متوسطه برباست سرهنگ غلامحسین خان نقدی .
- (۳) مدرسه صاحبمنصبی برباست سرهنگ حاج میرزا محمدخان رزم‌آور (امیر

تومان سابق):



تشریف‌رسانی اعلیحضرت و شاه‌کبیر به مدارس کل نظام مرتبہ محمد ظہوران رئیس مدارس کل نظام گزارش سال تحصیل را عرض می‌نماید.

(۴) مدرسه دامپزشکی بریاست سرهنگ مشیراعلم شیخ وپس از او سرهنگ اسداله خان امیرفتحی.

برنامه آموزشی مدرسه ابتدائی، منطبق با برنامه مصوب وزارت فرهنگ آن زمان بود ولی در مدرسه متوسطه نظام گذشته از برنامه وزارت فرهنگ، موضوعهای نظامی نیز تدریس میشد و شاگردان پس از گذراندن دوره چهارساله آن بدوره عالی نظام میرفتند.

از مهرماه سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی (۱۳۰۸ خورشیدی) برنامه مدرسه متوسطه نظام با مدارس متوسطه غیرنظامی تطبیق داده شد و مدت آموزش از چهار سال به شش سال افزایش یافت و دوره دوساله عالی هم بنام مدرسه صاحبمنصبی (افسری) خوانده شد که چگونگی تحولات آن ذیلا شرح داده میشود.

ب - مدرسه صاحبمنصبی (افسری)

مدرسه صاحبمنصبی تا سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) شامل رشته‌های پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه و مهندسی بود و از سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) دوره مالی و در سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۱۳۱۸) دوره هواپیمائی بدان افزوده شد.

بمنظور پیشبرد سطح دانش نظامی، در سال ۲۴۹۲ شاهنشاهی (۱۳۱۲) عده‌ای از افسران ارتش فرانسه بعنوان مربی و معلم استخدام شدند تا در مدرسه افسری با آموزش دانشجویان، بپردازند. این هیأت در بدو امر بشرح زیر مرکب از چهار نفر بود:

(۱) سرهنگ کالدرو (Calderoau) افسر سوار، رئیس هیأت و معلم سوارنظام.

(۲) سرگرد دولاکور (Delacourt) افسر پیاده، معلم پیاده نظام و تاکتیک

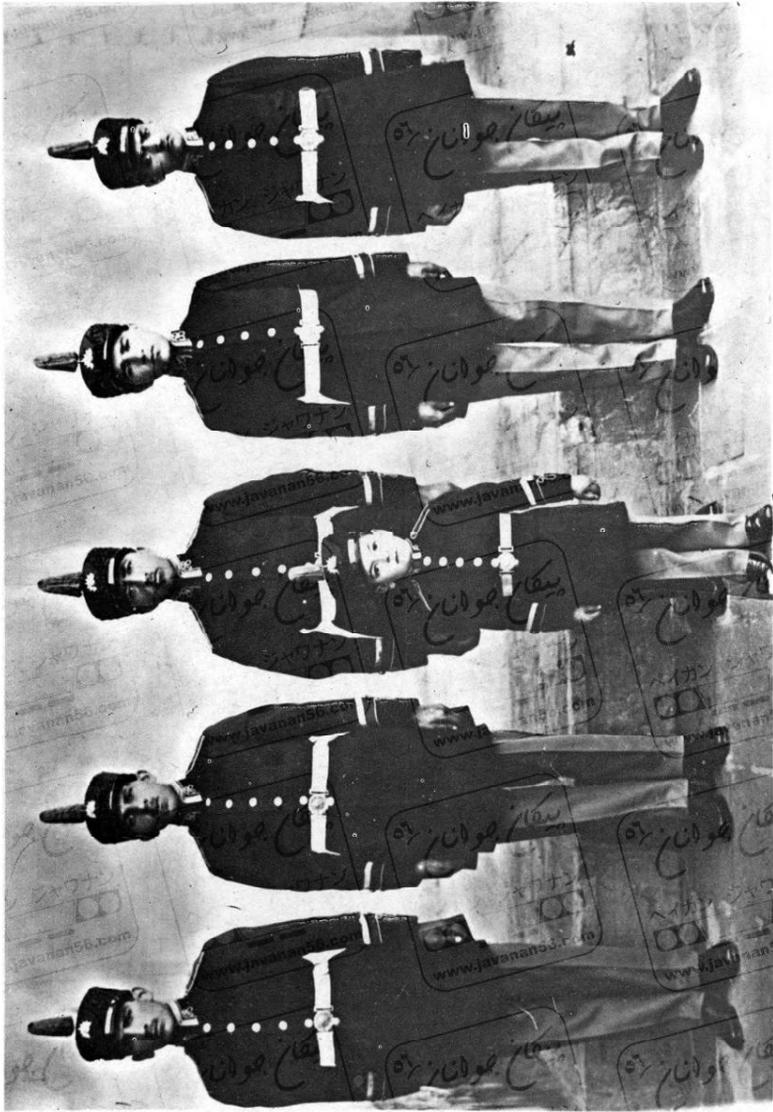
(۳) سرگرد رنوار (Renoir) افسر توپخانه، معلم توپخانه.

(۴) سرگرد بودینا (Baudina) معلم نقشه برداری.

از این میان سرگرد رنوار پس از انقضای مدت دوساله قراردادش درسال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) بفرانسه بازگشت و چون در نظر بود دانشگاه جنگ هم تأسیس گردد، عده‌ای دیگر درسال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) بشرح زیر استخدام شدند:

(۱) ژنرال ژاندر (Gendre) که برای فرماندهی دانشگاه جنگ و ریاست هیأت تعیین شده بود.

(۲) سرهنگ روائیر (Royer) افسر پیاده



والاحصرت همايون ولايتهم در مدرسه نظامي

- (۳) سرهنگ پشو (Tschau) افسر مهندس
 (۴) سرهنگ کنستانت (Constante) افسر توپخانه
 (۵) سرهنگ بوسک (Bosc) افسر مالی
 (۶) سرگرد شووان یارد (Choignard) افسر پیاده
 (۷) سرگرد سیمون (Simon) افسر مخابرات

و سه تن دیگر یعنی سرهنگ کالدور و سرگرد بودینا و سرگرد دولا کورو نیز از دسته اولی باقیمانده بودند تا سال (۱۳۱۸ هجری قمری) ۲۴۹۸ شاهنشاهی در ایران بودند و چون جنگ جهانی دوم آغاز شد بکشور خود باز گشتند.

از طرفی نام مدارس سه گانه نظام از سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ هجری قمری) به ترتیب به دبستان نظام و دبیرستان نظام و دانشکده افسری تغییر یافت و فارغ التحصیلان دبیرستان نظام بعد از گذراندن دوره دو ساله دانشکده افسری با درجه ستوان دومی وارد خدمت رسمی ارتش میشدند. چون تعداد دیپلمه های فارغ التحصیل دبیرستان نظام برای تکمیل کادر افسری قشون آنروز کافی نبود، بفرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر مقرر گردید از بین داوطلبان دارنده گواهینامه سوم متوسطه، همه ساله تعدادی شاگرد برای مدرسه نیابت (ستوانی) پذیرفته شوند که این امر باعث تشکیل آموزشگاه ستوانی ارتش گردید.

پ- آموزشگاه ستوانی ارتش

آموزشگاه ستوانی ارتش در سال ۲۴۸۳ شاهنشاهی (۱۳۰۳) در مدرسه افسری تأسیس شد.

دوره آن یکسال بود و تا مهرماه سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵) ادامه داشت و دو دوره شاگرد از آموزشگاه نامبرده فارغ التحصیل شدند. در مهرماه سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵) تعطیل گردید و دوباره در مهرماه سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) تشکیل شد. دوره تحصیلی آن تا سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) دو سال بود و پس از آن مقرر گردید که رسته های امور مالی و توپخانه هم به آموزشگاه مزبور اضافه شود. دوره دو ساله آموزشگاه برای این منظور بسه سال تبدیل شد و این عمل تا مهرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) ادامه داشت. دانش آموزان این آموزشگاه پس از پایان دوره تحصیلی با درجه ستوان سومی بقسمتهای ارتش وارد میشدند.

ت- برنامه های آموزش مدارس نظام:

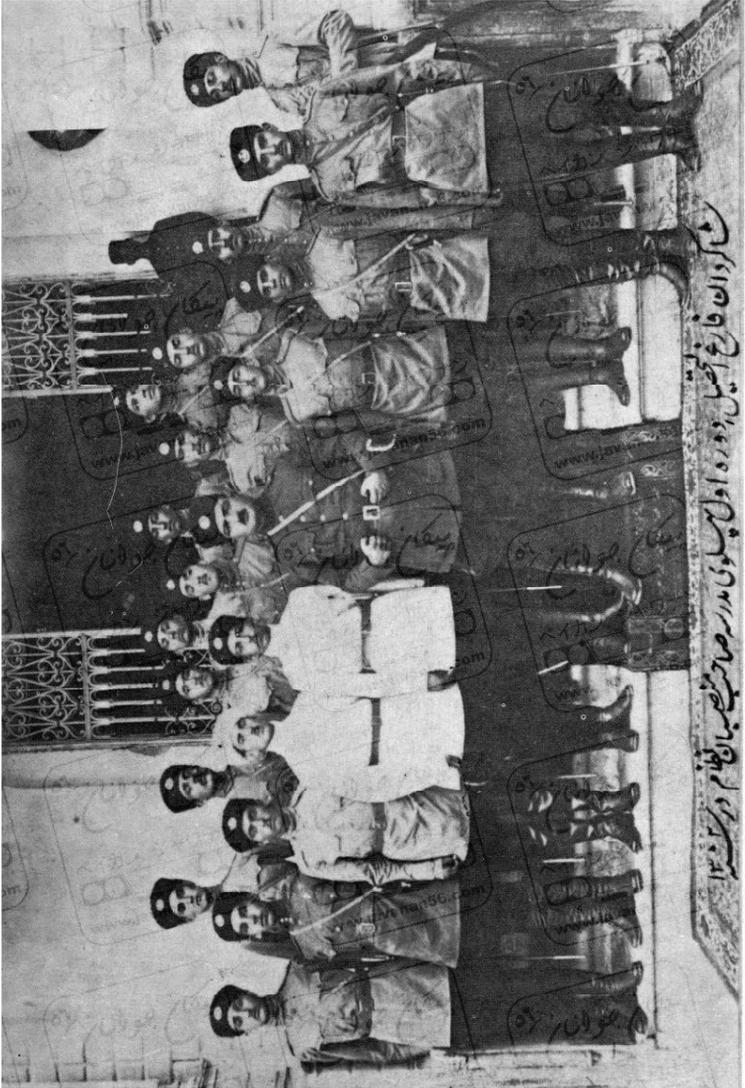
در آغاز تشکیل مدارس کل نظام، مواد عمده آموزش عبارت بود از:



دوره یکم مدارس نظام بنام دوره پهلوی نامیده شد که تصویر پرچم ویژه دوره‌سزبور بشکل بالا تهیه شد - پرچم اصلی هم اکنون در موزه دانشکده افسری موجود است.
 «دوره پهلوی سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی ۱۳۰۲ خورشیدی»



اولین دوره دانشکده افسری بنام شاهعباس نامیده شد «سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی» «۱۳۱۴ خورشیدی»



شکرتوان فارغ التحصیل دوره اول سپهبدی مدرسه تخصصی بانک نظام در سال ۱۳۲۴

(۱) تاکتیک و خدمات صحرائی

(۲) مشقهای نظامی.

(۳) ریاضیات.

(۴) زبان خارجی (فرانسه و انگلیسی).

این برنامه براساس نیازمندی و همچنین تجارب حاصل از دوره‌های مختلف، بتناوب مورد تجدیدنظر قرار میگرفت و مواد تازه‌ای بآن اضافه میشد و حجم مطالب هر درس افزایش می‌یافت و از برنامه مدرسه نظامی فرانسه (سن سیر) اقتباس میگردد. سرانجام در سال ۱۳۴۲ شاهنشاهی (۱۳۱۲ خورشیدی) پس از یک سلسله بررسیهای مداوم و با توجه به نتیجه کاربرد موضوعهای مختلف در عملیات نظامی، برنامه‌های آموزشی مدرسه مورد تجدیدنظر قرار گرفت و مطالب آموزشی بشرح زیر شامل دو قسمت عمومی و تخصصی برای دانشجویان تعیین گردید:

(۱) موضوعهای عمومی:

(الف) اصول کلی عملیات نظامی.

(ب) قوای روحی.

(پ) مهندسی.

(ت) تشکیلات و قوانین.

(ث) نقشه برداری و ترسیم نظامی.

(ج) زبان خارجی.

(چ) جغرافیای نظامی.

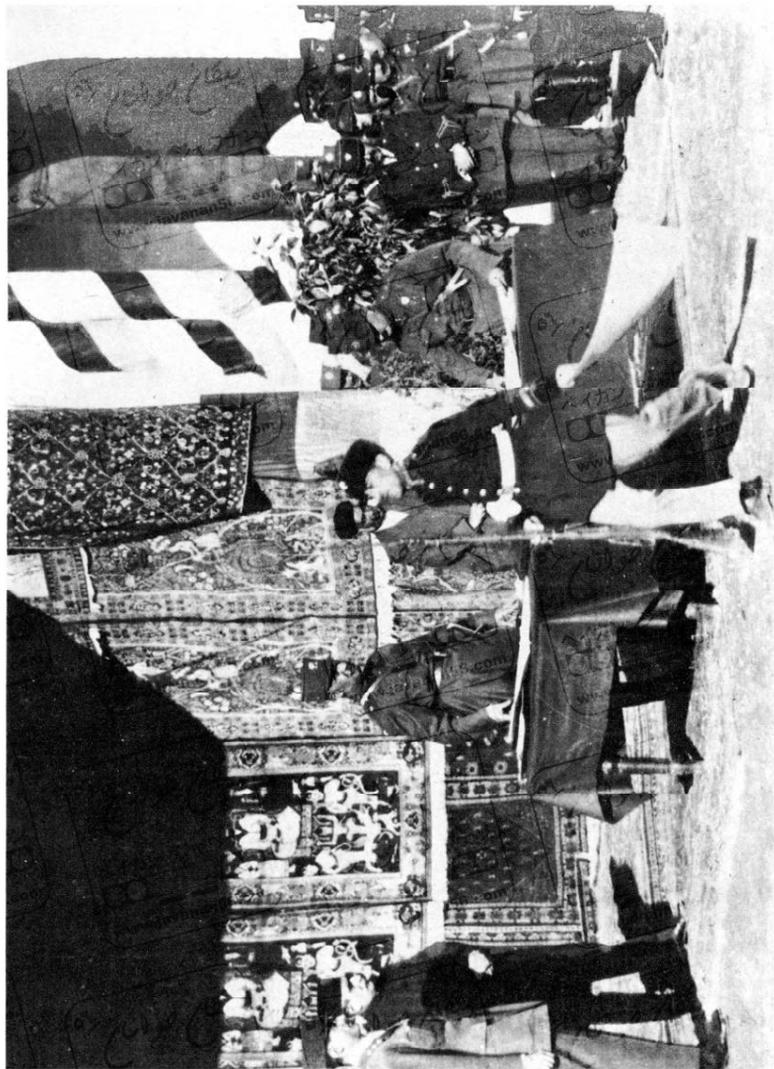
(ح) تاریخ نظامی.

(خ) حفظ الصحه نظامی (بهداشت نظامی).

(۲) موضوعهای تخصصی که برای هر رشته متفاوت بود و در دو مرحله علمی و

عملی ارائه میگردد.

تحولات بعدی مدرسه افسری که بنام دانشکده افسری نامیده شد و همچنین پیشرفتهای حاصل در این سازمان فرهنگی در بخش مربوط به دوران شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران بطور مفصل تشریح خواهد شد.



اجرای مراسم پایان تحصیلی دانشجویان دانشکده افسری - در سال ۲۴۸۷ به هشتادمین (۱۳۰۷ خورشیدی)،

حکم عمومی ارتشی نمره ۲۲۴۵

بامر جهاننطاق مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه
ابلاغ میدارد:

ماده ۱

از اول اسردادماه ۱۳۱۴ دانشگاهی بنام دانشگاه جنگ تشکیل میگردد.

ماده ۲

از اول مرداد ۱۳۱۴ لشکر بد امان‌اله جهانبانی منتصب بستادارتش، بدانشگاه
جنگ منتقل و فرماندهی دانشگاه مزبور منصوب میگردد.

از آنجائیکه نقش حساس ارتش شاهنشاهی در تأمین امنیت ملی و حفظ
صبانت و یکپارچگی میهن، هر روز بیشتر احساس میشود، لزوم پیشرفت و تکامل
این سازمان مهم، چه از لحاظ علمی و فنی و چه از نظر تجهیزات و جنگ افزاری
هر روز بیش از پیش مورد توجه قرار میگرفت و برای آشنا ساختن با اصول
و روشهای تاکتیکی و اقدامات ستادی، دانشگاه جنگ تأسیس گردید و بدینسان
گام پر ارج دیگری در جهت سازندگی ارتش شاهنشاهی ایران برداشته شد.

دانشگاه جنگ که بعنوان یک کانون آموزش عالی مأموریت پرورش نیروی
فکری افسران ارتش شاهنشاهی را در مسائل مهم نظامی یافته بود، توانست با
پیروی از یک خطمشی و اصول صحیح، قدرت مدیریت، کیفیت رهبری،
روشهای اداره و هدایت یگانهای بزرگ نظامی و بالاخره طرح‌ریزی دقیق
ستادی را به افسران نیروی زمینی شاهنشاهی آموزش داده و وظیفه خود را در
راه وصول بیکی از آرمانها یا سرفرازی انجام دهد

با انتصاب سرلشکر امان‌اله جهانبانی بفرماندهی دانشگاه جنگ، در اجرای
فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر، شش تن افسر فرانسوی زیر بعنوان استاد
باستخدام ارتش ایران درآمدند:

(۱) سپهبد ژاندار (Gendre) مدیر دروس دانشگاه جنگ.

(۲) سرهنگ هانره (Hanre) استاد توپخانه.

(۳) سرگرد فاور (Faver) استاد تاکتیک عمومی.

(۴) سرگرد بشو (Becho) استاد مهندس.

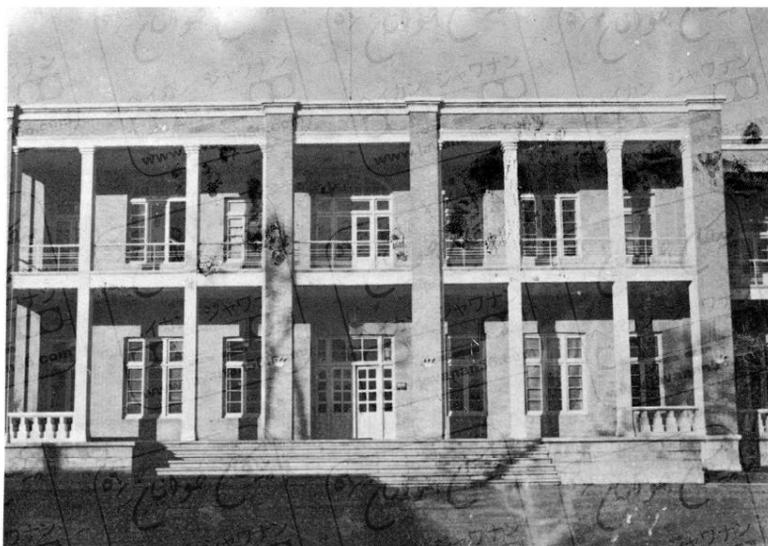
(۵) سروان رابینو (Rabino) استاد پیاده نظام.

(۶) سروان دولاشوله (Delachoule) استاد سوارنظام و زره‌پوش.

افسران فرانسوی مزبور مدت یکسال در مورد سازمان و برنامه‌ها و طول
مدت دوره و وسایل و لوازم مورد نیاز بررسی کردند و به پیشنهاد آنها

سرانجام در مهرماه سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) دوره‌ای بنام دوره فرماندهی در دانشگاه جنگ گشایش یافت که تا مهرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) شش دوره و مجموعاً ۹۶ نفر فارغ التحصیل داشت. مستشاران فرانسوی با همکاری افسران ایرانی همچنین دوره‌ای بنام دوره ستاد بملت دوسال در دانشگاه جنگ طرح ریزی نموده بودند که نخستین دوره آن در مهرماه سال ۲۴۹۵ شاهنشاهی (۱۳۱۵) گشایش یافت و تا مهرماه سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲) جمعاً ۱۶۱ نفر از آن فارغ - التحصیل شدند.

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۱۳۱۸ خورشیدی) و تجاوز نیروهای بیگانه به کشور ایران در شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) کار این مرکز فرهنگی بزرگ ارتش شاهنشاهی نیز موقتاً مختل شد و سرانجام در سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲) دانشگاه جنگ بحالت تعطیل درآمد، اما باردیگر از سال ۲۵۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶) بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتستاران با سازمانی نوین فعالیت خود را از سرگرفت که تحولات بعدی آن در بخش مربوط به پیشرفتهای دوران بعد از شهریور - ماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) در این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



نمای خارجی ساختمان دانشگاه جنگ که در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنا گردید.

همزمان با پی‌ریزی ارتش نوین ایران و اقداماتی که در جهت بسط و توسعه این سازمان مهم صورت میگرفت، مسئله تامین احتیاج افراد و چگونگی احضار و خدمت و وظیفه مورد توجه ویژه اعلیحضرت رضاشاه کبیر قرار داشت و بهین سبب نخست در تیرماه سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱) مقرراتی برای سرباز-گیری وضع شد که اساس آن بر افراد بنیچه و داوطلب گذاشته شد. سپس در ۱۶ خرداد سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴) قانون خدمت نظام اجباری به تصویب مجلس شورایی رسید، ولی از آنجائی که مقدمات کار فراهم نبود اجرای قانون مزبور تا سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵) به تعویق افتاد و در این سال با تغییر نام خدمت نظام اجباری به نظام وظیفه، یک اداره مرکزی شامل ۴ شعبه و ۶ ناحیه که هر ناحیه دارای چند حوزه اصلی و فرعی بود تأسیس گردید. قوانین نظام وظیفه در سالهای ۲۴۹۰ و ۲۴۹۷ و شاهنشاهی (۱۳۱۰ و ۱۳۱۷) بار دیگر مورد تجدیدنظر قرار گرفت و بطور کلی آن عده از مشمولانی که دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند بمدت یکسال و دارندگان دیپلم متوسطه بمدت یکسال و نیم و افرادی که تحصیلات آنها پائین‌تر از دیپلم بود، سرباز عادی شناخته شده و بمدت دوسال در ارتش شاهنشاهی خدمت وظیفه خود را انجام میدادند. در ارتش نوین ایران برای آن تعداد از مشمولانی که دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی بودند، از لحاظ آموزش نظامی دوره‌های ویژه‌ای ترتیب داده شد که آنرا دوره احتیاط افسری نامیدند و اولین دوره آن در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱) بمدت یکسال تشکیل شد، لیکن از فروردین ماه سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی تا سال ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷) دوره آن به شش ماه کاهش یافت، سپس بار دیگر دوره آن از شش ماه به یکسال افزایش داده شد و تا سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰) ادامه یافت. افسران وظیفه پس از اتمام دوره مزبور، برحسب رسته به یگانهای مختلف نیروی زمینی شاهنشاهی اختصاص داده میشدند و از وجود آنان در رده‌های دسته و گروهان استفاده خدمتی بعمل می‌آمد.

ج - دوره‌های تکمیلی رسته‌ای:

نظر باینکه افزایش معلومات نظامی افسران نیروی زمینی شاهنشاهی به تناسب پیشرفتهای علمی و فنی روز مورد توجه قرار داشت، از آذرماه سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ خورشیدی) در دانشکده افسری دوره‌هایی نیز بنام دوره تکمیلی که در حقیقت میتوان آنرا هم‌مطراز دوره عالی امروز تلقی نمود، تشکیل گردید. دوره‌های مزبور برای افسران رسته‌های پیاده، سوار، توپخانه، مهندس، مخابرات و مالی تا سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) ادامه داشت



املیحضرت رضاشاه کبیر بنیان گذار ارتش نوین ایران

و آخرین معلومات نظامی آن رسته را در اختیار دانشجویان قرار میداد.

(۱) آموزشگاه دامپزشکی:

آموزشگاه دامپزشکی پیش از سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰) وجود داشت و تا سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی (۱۳۰۰ خورشید) دو دوره شاگرد از این آموزشگاه فارغ التحصیل شدند ولی از این سال بعد، سومی دوره آن در مدرسه افسری به مدت سه سال تشکیل یافت و شاگردان آن در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ خورشیدی) با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شدند و عده شاگردان آن ۲۱ تن بود و دوره دوم نیز در سال ۲۴۸۳ شاهنشاهی (۱۳۰۳ خورشیدی) تشکیل شد ولی پس از گذشت یازده ماه از عمر این آموزشگاه در اواخر سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ خورشیدی) منحل گردید و در سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵ خورشیدی) دوره‌ای بنام تکمیلی زیر نظر اداره دامپزشکی تشکیل شد و تا سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۱۳۱۸ خورشیدی) ادامه داشت. گذشته از این، از دانشکده دامپزشکی تهران نیز شاگردانی پس از خاتمه آن دانشکده، داوطلب خدمت در ارتش شده و پس از فارغ التحصیل شدن با درجه ستوان دومی بعنوان داوطلب داخل خدمت ارتش گردیدند، دوره دانشکده دامپزشکی تهران که زیر نظر وزارت کشاورزی اداره میشد ۴ سال بود و دانشجویان در موقع گذراندن سال یکم و دوم بخرج وزارت کشاورزی تحصیل نموده و در خاتمه سال دوم در صورتیکه داوطلب خدمت در ارتش میشدند با رتبه همردیف استوار دومی بخدمت وارد میشدند و در سال چهارم با درجه همردیف استوار یکمی و با استفاده از مزایای حقوق و جیره ارتش و پس از خاتمه تحصیل با درجه ستوان دومی داخل خدمت در ارتش میگردیدند.

(۲) آموزشگاه پزشکی و معین پزشکی (پزشکیاری)

در سال ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی) بدستور ستاد ارتش آموزشگاهی بنام آموزشگاه معین پزشکی در بیمارستان پهلوی تشکیل گردید که مقررات ورود بآموزشگاه مزبور عبارت بود از :

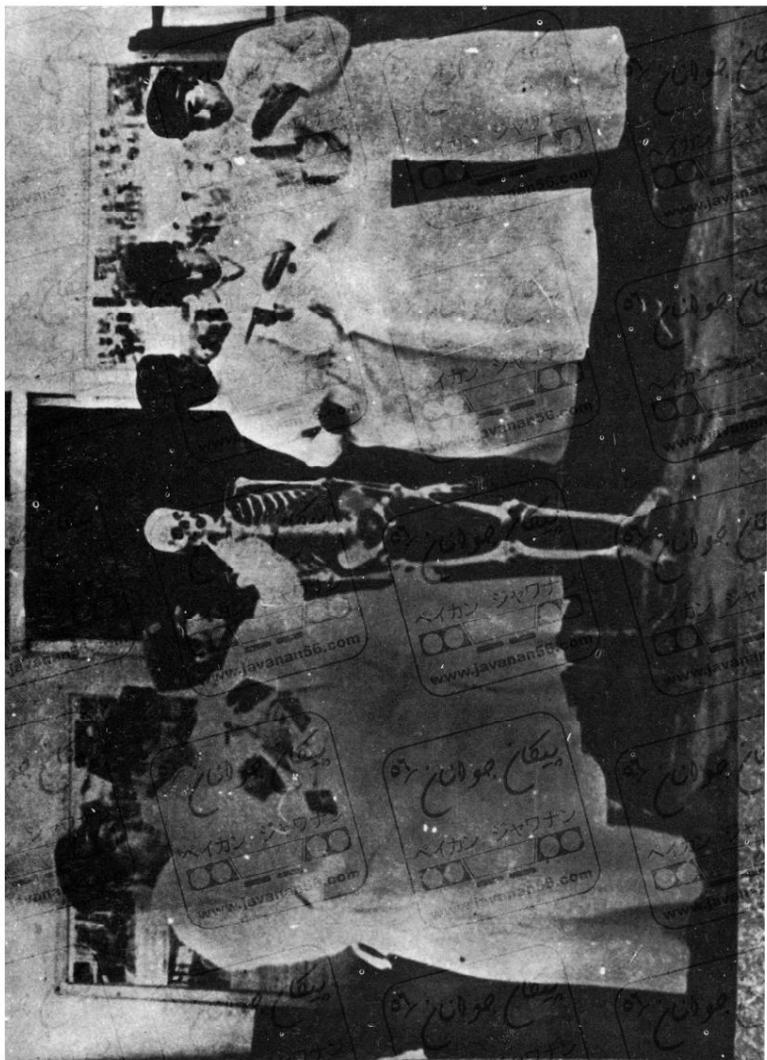
(الف) دانش آموزان میبایست از افراد با سواد باشند.

(ب) حقوق ماهیانه ۱۲۰ ریال و مخارج شام و ناهار و لباس بآموزشگاه بود.

(پ) در حین تحصیل اگر دانش آموزی لیاقت نشان میداد تا درجه گروهانی ارتقاء مییافت.

(ت) تمام دوره تحصیل هشت ماه بود.

(ث) پس از خاتمه تحصیل با درجه استوار سومی داخل خدمت میشدند.



تصویری از یک صحنه آموزش پزشکی در لایق تقدیم صحیح (کلاس آموزش بهداشتی) تهیه گردیده تهران (سال ۲۰۸۲ شانهشاهی ۱۳۰۲ خورشیدی)

(ج) حداکثر درجه استواریکم بود واز استوار سومی تا استوار یکمی مطابق قانون ترفیعات ارتقاء مییافتند.

(چ) درهر لشکرچنین آموزشگاهی تأسیس شد تا استوار سوم تربیت کرده و به یکانها بفرستند. این رویه تا سال ۲۴۹۹ شاهنشاهی (۱۳۱۹ خورشیدی) ادامه داشت و در اثر تجربه ده ساله معلوم شد که بعلت ناقص بودن برنامه، نتیجه مطلوب از آن حاصل نمیگردد و در نتیجه پس از آن، آموزشگاه معین پزشکی با برنامه کامل و صحیح و با سازمانی جداگانه واحد مستقلی تشکیل داد و دوره آنرا یکسال قرار دادند و کسانی میتوانستند باین آموزشگاه وارد شوند که گذشته از داشتن گواهینامه ۶ ساله ابتدائی، از عهدۀ آزمایش ورودی برآمده باشند، تا بعد از خاتمۀ تحصیل بدرجۀ استوار دومی مفتخر گردند.

عدۀ دانش آموزان فارغ التحصیل این دورهها بطور متوسط ۷۰ تا ۸۰ نفر بوده است.

گذشته از این آموزشگاه در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱ - خورشیدی) آموزشگاه دیگری بنام آموزشگاه معین پزشکی زنانه که محل آن در بیمارستان شماره ۲ ارتش بود با همان برنامه آموزشگاه معین پزشکی مردانه تأسیس شد و زیر نظر معلمان و پرستاران سوئدی اداره گردید.

شرایط ورود باین آموزشگاه عبارت بود از:

- دانش آموزان میبایست از دختران با سواد باشند.

- حقوق آنها ۱۰۰ ریال بود.

- پس از خاتمۀ دوره مدرسه، ۲۰۰ ریال حقوق دریافت نموده و در هر

۲ سال ۵۰ ریال بآن اضافه میگردد، بطوریکه در سال سوم خدمت ۳۰۰

ریال حقوق دریافت میداشتند.

- دوره مدرسه هشت ماه بود.

این آموزشگاه در هر سال از ۲۰ تا ۵۰ فارغ التحصیل داشت و علاوه بر

آنها پزشکان نیز در بهداری ارتش خدمت مینمودند و نیروی

زمینی شاهنشاهی احتیاجات کادر پزشکی خود را بشرح زیر تأمین مینمود.

پزشکان قدیمی:

این پزشکان یا داوطلبانه وارد خدمت میشدند و یا پزشکان مجازی بودند

که زیر دست پزشکان روسی کار کرده و اطلاعاتی بدست آورده و داوطلب

خدمت بودند. ضمناً یکدسته از پزشکان تحصیل کرده نیز مطابق قانون

ترفیعات مصوب اسفندماه ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ خورشیدی) استخدام

شده بودند.



تصویری از یک عملیات بهداشتی و جراحی صحرایی در اردو کشتی رزمی «سرحد و زنده» سال ۲۴۸۸ شاهنشاهی ۱۳۰۸ خورشیدی.»

- پزشکان داوطلب:

پزشکان داوطلب آنهایی بودند که جزو هیأت‌های اعزامی پنجساله ارتش بااروپا رفته و بخرج دولت تحصیل کرده و در اداره بهداشت ارتش مشغول کار شده بودند.

- پزشکان وظیفه:

پزشکان وظیفه نخست ۶ ماه با درجه سربازی و ۶ ماه دیگر با درجه ستوان سومی خدمت میکردند و سپس بموجب قانون ترفیعات اسفندماه سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ خورشیدی) یکسال با درجه افسری خدمت میکردند، سپس از آن بموجب قانون نظام وظیفه مصوب خردادماه سال ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۷ خورشیدی) مجموع مدت خدمت آنها بدو سال تبدیل گردید و تا شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) بهمین متوال ادامه داشت.

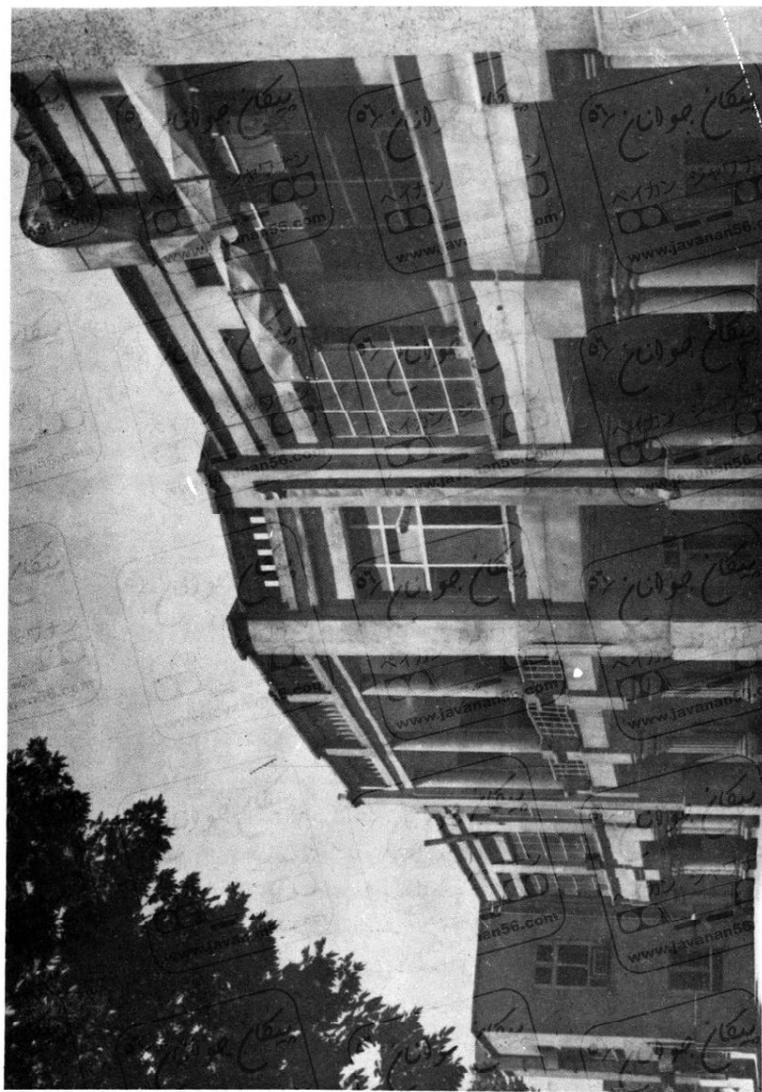
(۳) آموزشگاه موسیقی نظام

در سال ۲۴۲۹ شاهنشاهی (۱۲۴۹ خورشیدی) کلاس موزیک در مدرسه دارالفنون تشکیل شد و چند نفر موسیقیدان خارجی از قبیل کلوت (Clorette) و لمر (Lemaire) سرپرستی این کلاس را بهعهده داشتند و چند شاگرد تربیت کردند که از جمله سرتیپ غلامرضاخان و سرتیپ سلیمانخان و سرتیپ حسنخان بوده‌اند و ریاست موزیکهای سلطنتی و ارتش بهعهده آنها واگذار شد.

پس از چندی، در سال ۲۴۷۷ شاهنشاهی (۱۲۹۷ خورشیدی) رسماً مدرسه‌ای بنام مدرسه موزیک از بودجه وزارت فرهنگ در شمال عمارت دارالفنون بریاست سرتیپ غلامرضاخان سالار معز (مین‌باشیان) تأسیس شد. دوره این مدرسه ۶ سال بود و افراد غیر نظامی و نظامی در آن تحصیل میکردند.

برنامه این مدرسه طوری تنظیم شده بود که فارغ‌التحصیلها میتوانند رئیس دسته‌های موزیک نظام بشوند و با درجه افسری وارد خدمت نظام گردند. این مدرسه در سه دوره جمعاً ۱۱ نفر فارغ‌التحصیل داشت که بکنفر غیر نظامی و ده نفر نظامی بوده‌اند و فارغ‌التحصیلهای نظامی تا مدتها با درجات مختلف افسری تا سرهنگ دومی در قسمتهای مختلف موزیک ارتش مشغول خدمت بودند.

در سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷ خورشیدی) مدرسه موزیک به مدرسه موسیقی دولتی تبدیل شد و علی‌نقی وزیری ریاست آنرا بهعهده گرفت. دوره مدرسه موسیقی دولتی پنجسال بود و در سال ۲۴۹۲ شاهنشاهی (۱۳۱۲)



نمای خارجی ساختمان بهداری ارتش که در زمان سلطنت امپراطوریت روسیه بنا گردید

خورشیدی) این آموزشگاه تبدیل بمدرسه عالی موسیقی شد و در همان سال بهرستان موسیقی تبدیل گردید. در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ خورشیدی) برنامه هنرستان تغییر یافت و در سال ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۷ خورشیدی) عده‌ای از شاگردان نظامی نیز مجدداً در هنرستان موسیقی مشغول تحصیل شدند و برای آنها برنامه مخصوصی تنظیم گردید و دیگر شاگردان برنامه جداگانه داشتند و پس از شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) مجدداً علی‌نقی وزیری رئیس هنرستان موسیقی شد و برنامه دوره عالی آن از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشت و موسیقی ایرانی که مدت‌ها از برنامه حذف شده بود جزء برنامه هنرستان شد و هنرستان دارای سه سال ابتدائی و یک دوره متوسطه و یک دوره عالی گردید.

ضمناً به فارغ‌التحصیلان این هنرستان شهادت‌نامه‌هایی داده‌میشد و برای گرفتن گواهی‌نامه متوسطه در رشته ساز سه شهادت‌نامه و در رشته موسیقی علمی چهار شهادت‌نامه ضرورت داشت. در دوره عالی شعبه مخصوصی برای موسیقی نظام بود و فارغ‌التحصیلان این دوره با درجه ستوان دومی بخدمت ارتش شاهنشاهی وارد میشدند و عده آنها ۱۲ تن بود.

خ- مدارک و برنامه‌های آموزشی:

تألیف و ترجمه کتابهای درسی و آئین‌نامه‌های نظامی یکی دیگر از مسائلی بود که همزمان با تحولات جدید در ارتش شاهنشاهی ایران مورد توجه کامل قرار گرفت و گروههای مختلفی از افسران تحصیلکرده و با تجربه و همچنین استادان غیرنظامی با همکاری عده‌ای از دانشمندان و نویسندگان آن زمان مأموریت یافتند که برای روشن ساختن افکار و افزودن اطلاعات عمومی و نظامی افسران، مبادرت به تألیف یا ترجمه مدارک آموزشی و آئین‌نامه‌های مختلف بنمایند و باین ترتیب برابر سوابق موجود تا سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) مجموعاً ۳۶۹ جلد کتاب و آئین‌نامه تهیه و بیچاپ رسید. از لحاظ برنامه‌های آموزشی و تمرینات صحرائی، نظر باینکه وسایل و وسائط آن روز نیروی زمینی شاهنشاهی محدود و از طرفی تا میزان ۴۹ درصد سربازان یگانها بیسواد بودند و از درجه‌داران نیز فقط در حدود ۳۵٪ سواد خواندن و نوشتن داشتند، الزاماً اجرای برنامه‌های وسیع آموزشی و طرح‌ریزی تمرینات صحرائی و مانورها امکان‌پذیر نبود و بهمین علت تلاش اصلی در امر آموزش بیشتر در آموزشهای رزم انفرادی یا گروه و دسته و همچنین تیراندازیها متمرکز بود.

طرحهای عملیاتی غالباً بر مبنای حالات پدافند (دفاعی) پی ریزی میگردد و محدودیت تحرک در یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی اجباراً جایجا کردن یگانها را از محل استقرار آنها دشوار میساخت و باعث میشد که سالهای متمادی یگانها در همان سربازخانههای مربوطه و زمینهای اطراف آن با آموزشهای محدود خود بپردازند و بطور کلی نارسائیهای زیر در نیروی زمینی شاهنشاهی وجود داشت:

(۱) یگانهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی در سطحی که بتوانند وظایف و مأموریتهای مربوطه را انجام دهند توسعه نیافته و یگانهای رزمی بعلت درگیریهای لجستیکی نمیتوانستند حداکثر بهره برداری را از عوامل موجود، در بالا بردن قابلیت رزمی خود بعمل آورند.

(۲) بعلت کمبود امکانات نیروی هوایی و عدم آگاهی پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی از نحوه همکاری با آن رسته، تمرینات رزمی اغلب بدون شرکت مؤثر آن نیرو انجام میشد.

(۳) همکاری تانک و پیاده بعلت محدودیت یگانهای زرهی انجام نمیشد و در بعضی از سربازخانهها هر چند شیوه این همکاری بطور نظری و با استفاده از ماکتها تدریس میگردد، ولی ممکن بود اصولاً سربازان در طول دو سال خدمت سربازی خود عملاً تانک رانندیده و از نزدیک با آن روبرو نشده باشند.

(۴) آموزشهای اردوئی و عادت دادن پرسنل بزندگی در شرایط دشوار بعلت کمبود وسایل اردوئی بندرت انجام میشد.

پیش از کودتای سوم اسفند سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) قشون متحدالشکل و همچنین سازمانها و عناصر آموزش یافته‌ای برای اجرای فعالیت‌های پشتیبانی اداری و مالی بنحوی که استنباط امروزی ما از آنست وجود نداشت.

وقتی ناصرالدین میرزا به پادشاهی رسید و میرزاتقی‌خان امیرکبیر را بصدارت برگزید، فکر تشکیل یک ارتش منظم و نیرومند که حافظ واقعی مصالح و منافع کشور باشد احساس و مقدمات آن براساس بنچه فراهم گردید. برابر این روش هریک از آبادیها، عشایر، ایلات و حتی قبائل چادرنشین موظف بودند برابر صورتیکه در وزارت لشکر آنزمان (که بعدها تبدیل بوزارتجنگ شد) تنظیم میشد، تعدادی افراد پیاده و سوار برای تشکیل افواج (هنگها) ناحیه مربوطه در اختیار بگذارند. امیرکبیر با پیروی از این روش، افواج پیاده و سوار را بوجود آورد. از نظر اداری و تدارکاتی، هریک از این افواج یک نفر نام مشرف یعنی ناظر خرج فوج و چهارمشتی داشتند.

امیرکبیر همچنین تأسیساتی مانند کارخانه‌های باروت‌سازی، توپ‌سازی، اسلحه‌سازی و تهیه سازوبرگ را در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، و اصفهان دایر نمود.

در زمان سلطنت مظفردالدینشاه یعنی سالهای ۲۴۵۵ تا ۲۴۶۵ شاهنشاهی (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵ خورشیدی) قشون ایران نه تنها در جهت اسلحه و سازوبرگ پیشرفتی نکرد، بلکه باقیمانده افواج دوران گذشته نیز بتدریج روبانحطاط رفت و کارکنان قشون از لحاظ خوراک، پوشاک و حقوق وضع بسیار نامناسبی داشته و بجز افراد جمعی ببریگاد قزاق (تیپ قزاق) که حافظ منافع روسهای تزاری در ایران بودند، بقیه کارکنان ارتش جیره، لباس و حقوق خود را هیچگاه بطور مرتب دریافت نمیکردند.

در زمان سلطنت محمدعلی‌شاه یعنی در سالهای ۲۴۶۵ تا ۲۴۶۸ شاهنشاهی (۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ خورشیدی) ارتش ایران همچنان راه اضحلال را پیمود و در این

دوره نیز بجز بریگاد قزاق که حقوق و مزایا و مخارج کارکنان آن از محل درآمد گمرکات شمال تأمین میگردد و بانک روس مرتباً مخارج آنرا بحساب دولت ایران پرداخت مینمود، بقیه کارکنان نظامی وضع واقعاً نأسف‌انگیزی داشتند. در طول مدت

سلطنت احمدشاه تا آغاز کودتا یعنی سالهای ۲۴۶۹ تا ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ خورشیدی) وضع ارتش ایران بمراتب از هم گسیخته‌تر و اسفناک‌تر شد ولی با

توسعه نفوذ روسها تشکیلات قزاقخانه در خارج از پایتخت گسترش یافت تا جائی که

و آتریاد (تیپ مختلط) در سراسر کشور استقرار پیدا کرد و بریگاد قزاق به دیویزیون (تیپ به لشکر) تبدیل شد. هزینه دیویزیون (لشکر) قزاق سالیانه حدود ۱۹ میلیون

ریال بود که همانطور که در بالا اشاره شد، بانک روس مرتباً بحساب بدهکار دولت

مرکزی ایران پرداخت میکرد. امور مالی لشکر قزاق بوسیله هیئتی بسرپرستی یک نفر



امانت رادو بیجان
تجدید امور ممالک در ایران

۱۳۹۸

بدرغوان
دو یکبارک در رخ آوازه
صفت با بر علی طری نمود
نواز را مو لایم ادارت
درین غیری که نیست
مسلک و قرآن در جوده
توقتی کار آن در هر
ترقیت داری نمود
در این کفر زان در هر
خود و جسم و خاطر

نوکی شکوایه اسرار و تویجیان طایفه اردبیل بعثت اینکه حقوق ماهیانه آنان مدت ۳ سال به تأخیر افتاده است - مربوط به پیش از کودتای ۱۳۹۹ خورشیدی -



۱ - تفنگ پنج تیر روسی با سر نیزه ساخت روسیه - کالیبر ۷۲



۲ - تفنگ پنج تیر ماوزر ساخت آلمان مدل ۹۸ کالیبر ۷۲



۳ - تفنگ ده تیر انگلیسی ساخت انگلستان

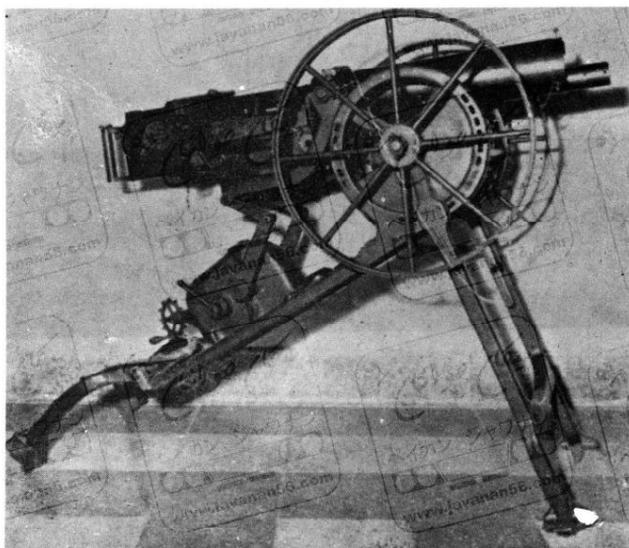
انواع تفنگهای موجود در ارتش شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۰۷ ق. شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی)



در سایه تلاش و کوشش مداوم اعلیحضرت رضاشاه کبیر ارتش شاهنشاهی ایران جدیدترین جنگ -
الزرها و تجهیزات نظامی آن روز را در اختیار گرفت.

رئیس بنام خازن لشگر و تحت نظر مستشاران روسی اداره میشد. اسناد هزینه و دفاتر محاسباتی آنها بزبان روسی و گاهی مخلوطی از فارسی و روسی تنظیم میگردد. عناصر دیگر ارتش را در این زمان ژاندارمها تشکیل میدادند که تحت فرماندهی کلنل (سرهنگ) کروپ سوئدی بانهایت مشقت و تنگدستی خدمت میکردند و پرداخت حقوق ماهانه آنان اغلب ماهها بتأخیر میافتاد و بیشتر اوقات بجای جیره و مواجب ماهانه آجر یا آهک (که بعنوان مالیات از کوره‌ها گرفته میشد) به آنان میدادند، و اغلب افراد قشون زندگی خود را با همزمشکنی، ذغال‌فروشی و عملگی اداره میکردند.

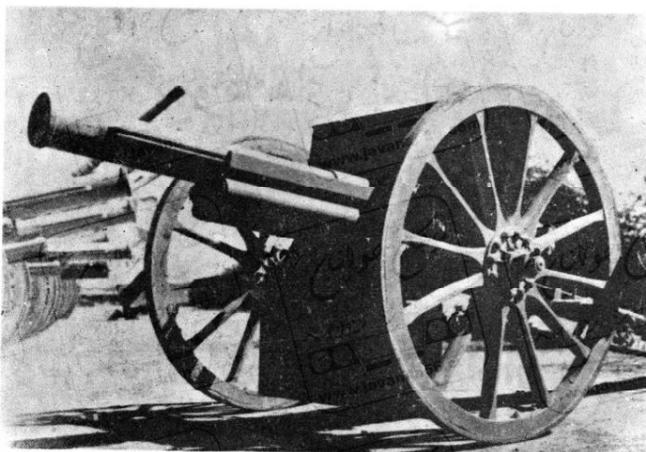
از لحاظ جنگ افزار و مهمات در دیویزیون (لشگر) قزاق تفنگها عموماً از نوع روسی، مسلسل‌ها از انواع مختلف، توپخانه کوهستانی و صحرائی ساخت روسیه و فرانسه و مهمات محدودی نیز در اختیار آنان بود.



تصویر مسلسل سنگین ماکزیم کالیبر ۷٫۶۲ مریوط به سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی)



سلسل سیستم لوئیس نمونه ۱۹۱۶ انگلیسی مربوط به سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی)



توپ شیندر فرانسوی مربوط به سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی)

لباس افراد قزاق مطابق لباس قزاق روسی بود و برای لباس هرتن در سال ۲۲ تومان منظور میگردد. برای حمل جنگ افزارهای توپخانه از اسبهای دولتی استفاده میشد ولی افراد سوار هر یک شخصاً اسب برای خود تهیه میکردند. میزان حقوق افسران روسی و ایرانی با درجه مساوی تفاوت فاحش داشت و حقوق افسر ایرانی هیچگاه از $\frac{1}{5}$ حقوق افسر همدرجه روسی تجاوز نمیکرد و درجات پائین تر این نسبت حتی بیک پانزدهم هم میرسید. برای تشریح گوشه کوچکی از وضع نابسامان و نارسائی های امور لجستیکی و مالی در آلمان بقسمتی از کتاب «ماموریت برای وطن» نوشته اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران اشاره میکنیم :

«..... در هنگامیکه پدرم در بریگاد قزاق سمت افسری داشت یکبار با هنگ تحت فرماندهی خود از تهران به همدان آمده بود.

این هنگ تنها یک اسب بیشتر نداشت آراهم برای حمل بیماران اختصاص داده بودند. راههای آنروز بقدری صعب العبور بود که حتی راه پیمائی پیاده هم بدشواری صورت میگرفت، وقتی پدرم که از افسران کار کشته و سختی کشیده بود و دشواریها را باسانی تحمل میکرد به مقصد میرسید، از شدت جراحت وارده و کوفتگی پاها ناچار بستری میشد»

بطوریکه ملاحظه میشود، رضاخان میرپنج، فرزند رشید ایران، روزی بمقام سردار سپهی رسید که نظام قشون از هم پاشیده و آنچه که بنام سپاهی وجود داشت جز تعدادی دسته های چریک چیز دیگری نبودند. از نظر سازمان، ملبوس و تجهیزات و آموزش وضع یکنواخت و متحدالشکلی بچشم نمیخورد و از فعالیتهای اولیه خدمات لجستیکی شامل تغذیه منظم پرسنل، تأمین پوشاک و لباس، ساز و برگ و جنگ افزار آنها خبری نبود. پس از ادغام دیویزیون (لشکر) قزاق و بریگاد (تیپ) مرکزی و ژاندارمری و دیگر یگانها، نخستین گام برای متحدالشکل نمودن و همچنین پی ریزی یک ارتش نوین برداشته شد که در اینجا به تشریح قسمتهای لجستیکی آن میپردازیم :

در بخش مربوط بسازمان گفته شد که در جریان اولین تجدیدنظر در سازمان ارتش نوین ایران، پنج لشکر در مرکز، شمال غرب، غرب، شرق و جنوب ایران سازمان داده شد. همگام با این امر مهم، دوایری نیز برای انجام پشتیبانیهای اداری، تدارکاتی و بهداشتی بوجود آمد که بنام دایره مباشرت، دایره صحیه و دایره بیطاری، هر یک مأموریهائی بعهمله داشتند. از لحاظ اهمیت تاریخی موضوع، لازم میدانیم بطور اختصار بوظایف این سازمانها اشاره کنیم :

الف - دایره مباشرت :

دایره مباشرت از شعب تدارکات، نقلیه، خدمات فنی، حرکات، دواب و بیطاری، کارخانجات نظامی و محاسبات نقدی و جنسی تشکیل یافته بود و سردار منتخب



تصویری که نمونه از خودروهای شنی دار که فرمان اعلیحضرت شاهنشاهی کبیر در سالهای اولیه سلطنت معظم له برای یکانهای نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری گردید.

بسمت رئیس نخستین دایره مباشرت کل قشون تعیین و منصوب گردیده بود.

(۱) شعبه تدارکات موظف بود احتیاجات قشونی را از حیث تجهیزات، ملبوس، چادر و اسلحه و مهمات و ارزاق و علوفه و سوخت و روشنائی فراهم نماید. این شعبه دارای دونوع انبار بود، انبارهای ذخیره و انبار لوازم. انبارهای ذخیره هم دو دسته بودند، در انبارهای دسته اول مهمات، سلاح، باروت و فشنگ و دیگر اقلام مهمات نگهداری میشد و در انبارهای دسته دوم ملبوس و تجهیزات و ملزومات اردوئی مانند چادر، زین و یرک، کوله بار، کیف قطار، بیل و کلنگ و اقلام مشابه.

انبار لوازم محتوی اجناسی بود که روزانه بمصرف میرسید مانند جیره و علیق و اقلام سوخت و روشنائی و لوازم نظیف و غیره.

(۲) شعبه نقلیه (ترابری) موظف بود که باتوجه به منطقه و نیازمندیهای هر لشکر، در هر یک از نواحی لشکرها عمده ای دواب و وسایل نقلیه از قبیل گاری، دوچرخه و اتومبیل جهت حمل و نقل ملزومات و مهمات و دیگر محموله های نظامی پیش - بینی کند و در اختیار شعبه مباشرت لشکرها قرار دهد.

(۳) شعبه خدمات فنی و حرکات بریاست یک صاحب منصب (افسر) ارشد مهندس و چند نفر صاحب منصب و تعدادی معمار سازمان یافته بود. وظایف این شعبه عبارت بود از تهیه نقشه جات ابنیه جدید نظامی و نظارت در انجام ساختمانها و تعمیرات ساختمانهای هر ناحیه و نظارت بر خدمات تلفنچی، علامتچی و تلگرافچی و سایر خدمات مربوط به مخابرات قشون، حمل و نقل وجوه، چاپاری نظامی و انتقال بیماران به مریضخانه های ثابت و ارسال مهمات و تجهیزات قشونی بقسمتهای مختلف و تأمین وسیله حرکت قسمتها از نقطه ای به نقطه دیگر.

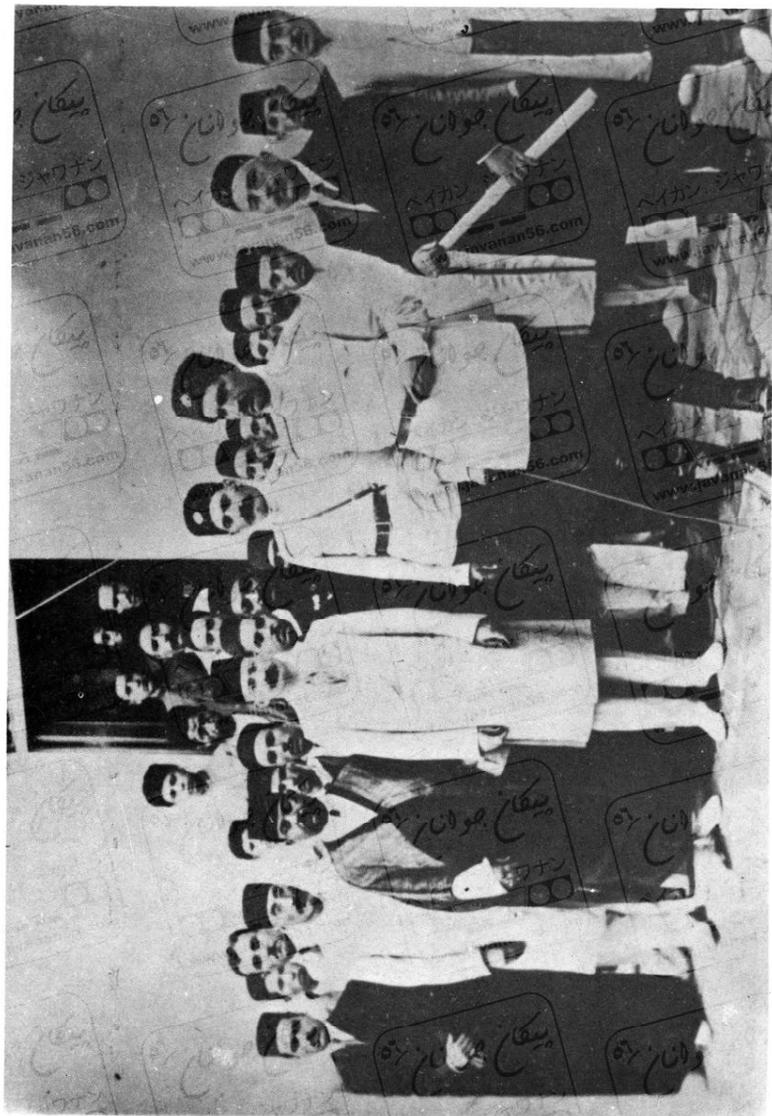
(۴) شعبه دواب و بیطاری (دامپزشکی) بریاست یک صاحب منصب ارشد بیطار تشکیل میشد. وظایف این شعبه عبارت بود از تفتیش، معاینه و خرید دواب، مواظبت از مراتع و قرقهای قشونی، اداره ایلیخیهای دولتی و مراقبت در اصلاح و تزئید نژاد اسب و قاطر در مملکت برای خدمات مختلف قشون.

(۵) شعبه کارخانجات نظامی وظایف نگاهداری و اداره امور کارخانه های نظامی از قبیل قورخانه، باروت سازی، اسلحه سازی و همچنین کلیه تعمیرات و تهیه مهمات را عهده دار بود.

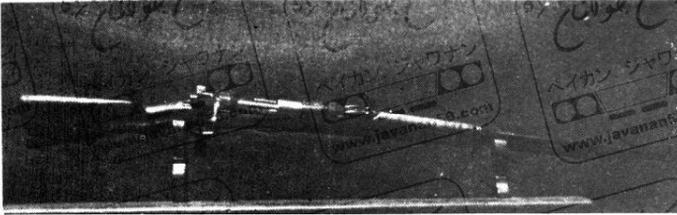
هریک از این کارخانجات دارای یک انبار مواد خام بود که مصرف از آن تحت نظارت رئیس کل مباشرت قرار داشت.

(۶) شعبه محاسبات نقلی و جنسی از دو قسمت محاسبات نقلی و جنسی تشکیل میشد که وظایف آن عبارت بود از نگاهداری محاسبات نقلی و همچنین محاسبات

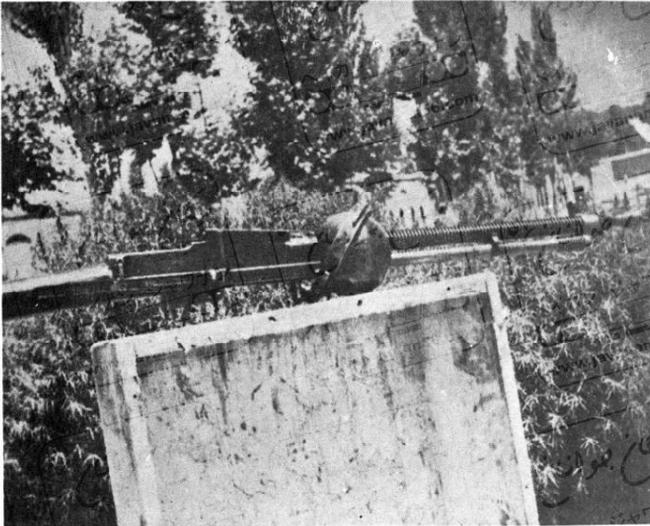
جنسی.



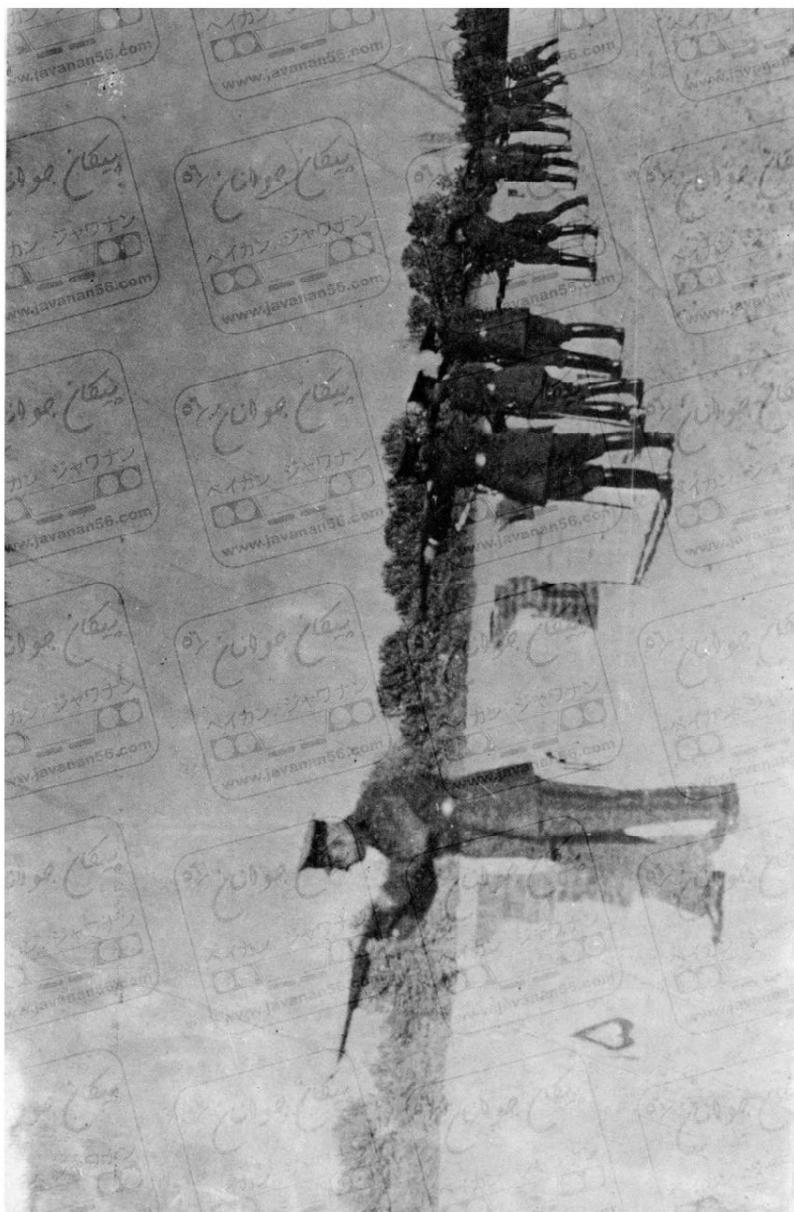
سردار سپه رضاخان بهادری در بیان کارسندان مالیه قشون (دارائی ارتش) در نیمه دوم سال ۲۴۸۰ شاهنشاهی ۱۳۰۰ خورشیدی، مالیه قشون (دارائی ارتش) تشکیل شد و برای تأمین بودجه ارتش مالیاتهای غیر مستقیم و درآمد خالصجات دولتی تحت نظارت مستقیم قرار گرفت.



تفنگ برنوساخت ایران نمونه ۲۴۸۹ شاهشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی)



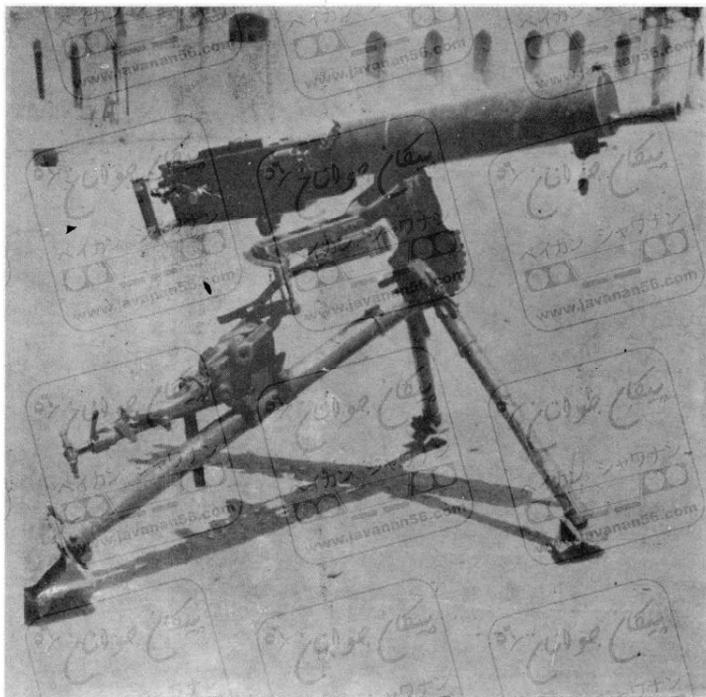
مسلسل سبک‌کوی دارا راه ساخت کارخانه برنو نمونه ۲۴۸۹ شاهشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی)



اعلیهضرت رضاشاه کبیر قفقاز ساخت ایران را آذرباییش میگردمانند ۲۴۹۳ شاهنشاهی



سلسل سبک کالبر ۷٫۹ نمونه ۲۴۸۹ شاهنشاهی (۱۳۰۹ خورشیدی)



سلسل سنگن کالبر ۷٫۹ نمونه ۲۴۹۰ شاهنشاهی (۱۳۱۰ خورشیدی)

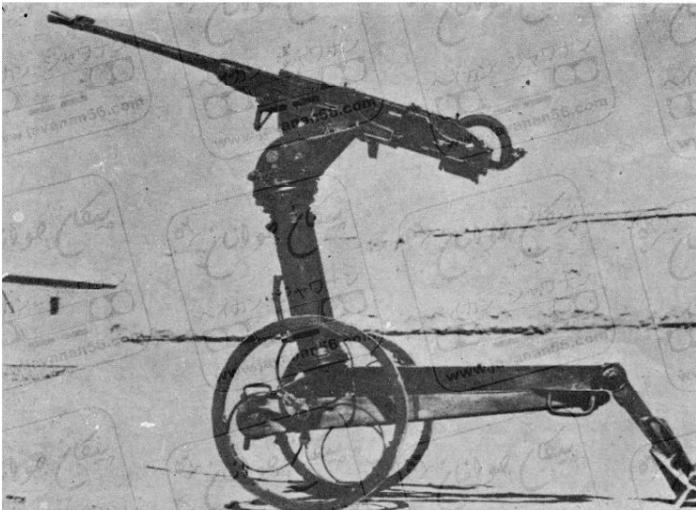
ب - روش عمل یا سیستم اجرایی آمادها:

(۱) آمادها (تدارکات)

بزرگترین آرقام مصوبه در بودجه کل قشون، انبارهای مرکزی لوازم و جیره نفقات و علقی دواب هرناحیه را عیناً از انبارهای مالیه، برحسب حواله دولت دریافت میداشتند. در صورت پیدا نشدن بعضی اقلام و اجناس در محل، این اجناس از نقاط دیگر خریداری و حمل میشد. در نقاطی غیر از مراکز ناحیه که قوای قشونی پادگان داشتند، انبار مخزنی با پرستلی مرکب از یکنفر انباردار، یکنفر نویسنده و یکنفر قیاندان تشکیل میشد و جمع پرستل انبار مرکزی لوازم که در مرکز هر ناحیه تشکیل میشد ۱۷ نفر بود.

در نواحی شرق و جنوب که وسعت ایالات زیاد بود علاوه بر انبارهای تدارکات مرکزی، در بعضی از شهرستانها نیز انبارهای دیگری جهت نگهداری مهمات و لوازم تأسیس شده بود.

رئیس مباشرت کل، اشیاء و اجناس مورد لزوم را پس از تعیین قیمت و نمونه، از طریق کمیسیون اتباع (خرید) که زیر نظر رئیس مالیه نظام تشکیل میشد، خریداری و با اطلاع کمیسیون اتباع، این اقلام را بانبار تدارکات تحویل مینمود و از این انبارها نیازمندی یگانها تأمین میگردد.



تصویر مسلسل ضد هوایی ۱۵ میلیمتری چک
بفرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری گردید

۲) برآورد نیازمندیها:

لشکرها موظف بودند در روز ۳۰ هرماه صورت برآورد حقوق پرسنل حوزه لشکر مربوطه را (اعم از حاضر یا مامور) به تفکیک تهیه و تنظیم نموده و همراه با فهرست مخارج ضروری ماه بعد با اداره مالیه کل قشون تلگراف نمایند.

رؤسای اردوها نیز بهمین ترتیب برآورد حقوق ماه جاری (به تفکیک عناصر سازمانی و مامور) و فهرست مخارج ضروری برج بعد را با اداره مالیه کل قشون ارسال میداشتند.

امیر هرلشگر و رئیس هر اردو و قسمت دریافتهای خود را از ادارات مالی دولتی و منابع دیگر (اعم از نقدی و یا جنسی) بلافاصله به اداره مالی کل قشون تلگراف مینمودند.

فرمانده هر لشکر و رئیس هر اردو، اقلام دریافتی و یا وجوه نقدی دریافتی از اداره مالیه دولتی و غیره را مبیایستی بلافاصله بمالیه کل قشون تلگراف نمایند.

اداره مالیه کل قشون صورتهای دریافتی را تجزیه و تحلیل و دریافتی هرلشگر و هر واحد را بخرج و حساب همان لشکر یا واحد میگذاشت.

رئیس هر اردو موظف بود در آخر هر برج هزینه های اردو کشی و همچنین مخارج ماموریت عناصر شرکت کننده در اردو را به تفکیک لشکر و بطور جداگانه تهیه و با اداره مالی کل قشون ارسال دارد.

اداره مالیه کل قشون، فوق العاده اردو کشی را بحساب اردو کشی بخرج منظور و مخارج ثابت مامورین هرلشگر را بدو برای تفتیش و رسیدگی (ممیزی و کنترل) به لشکر مربوطه ارسال میداشت.

پ- روشهای حمل و نقل (ترابری):

بیشتر عملیات حمل و نقل تدارکات بتوسط چاروادار و بیست دولتی انجام میگرفت در هر ناحیه فقط قسمتی مرکب از ۱۰۰ رأس قاطر با عده ای چاروادار جهت نگهداری دواب، برای تأمین احتیاجات آنی زیر نظر یک صاحب منصب (افسر) تشکیل و بطور دائم نگهداری میشد. در بعضی از نواحی بنا بوضعیت منطقه، بجای قاطر شتر نگهداری میگردد.

در کلیه ولایات، شعب مباشرت موظف بودند، کلیه دواب محلی را داشته باشند، تا در صورت ضرورت مورد استفاده قرار دهند. این روش امروزه مورد استفاده بیشتر ارتشهای جهان قرار میگردد و برای بسیج همگانی، مقدمات ترابری را در زمان صلح برآورد و برای استفاده در وضعیتهای اضطراری طرح ریزی مینماید.

بمنظور حمل ملزومات فوری وانجام بازرسیها وحمل ونقل بیماران بمرکز نواحی، مباشرت کل، وسائط حمل ونقل کافی به تناسب وضعیت منطقه ونیازمندی هرلشگر در اختیار مباشرت لشگرها قرار میداد. وسائل حمل ونقل متداول عبارت بود از گاری، درشکه، کالسکه، اتومبیلهای باری یا سفری، پالکی، کجاوه وتخت روان. بطوریکه ملاحظه میشود، دایره مباشرت کل سازمانی مشابیه سازمان فرماندهی لجستیکی امروز داشته است.



تصویر خمپاره انداز ۸۱ میلیتری (برانت فرانسوی)
 از جنگ افزارهای مؤثری بود که در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر خریداری و در اختیار
 یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت

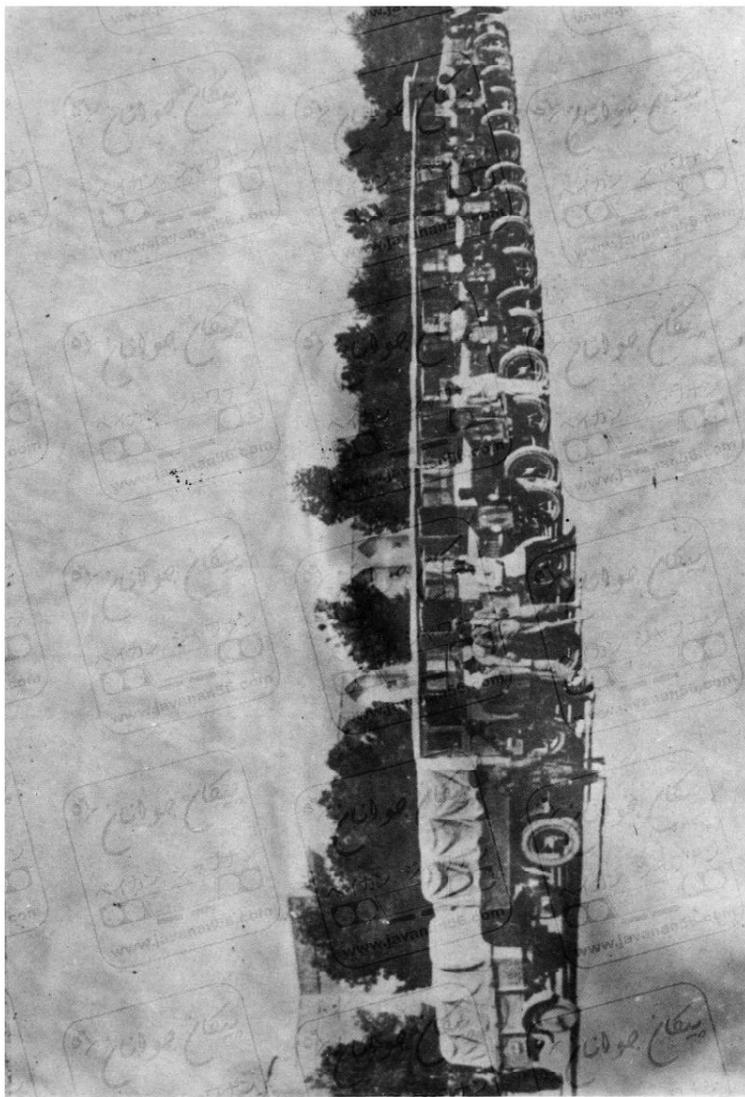
ت- تعمیرات و نگهداری:

با توجه به محدودیت وسایل ترابری موتوری، بیشتر حرکات و حمل و نقل وسایل با نفرات پیاده و یا با استفاده از دواب صورت میگرفت و در نتیجه مسئله نگهداری مشکلی را برای سازمانهای ارتشی بشکل پیچیده و بفرنج امروزی فراهم نمیکرد و اصولاً قبل از کودتای سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) و مقارن آن استفاده از وسایل موتوری در ارتش متداول نبود.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر همزمان با ابداع عقاید و افکار تازه، برای اینکه ارتش جوان ایران بتواند همگام با سازمانهای مشابه در کشورهای پیشرفته پیش رود، اوامری در مورد نوسازی ارتش و تهیه وسایل و تجهیزات نوین آن زمان و وسایط موتوری صادر فرمودند. از جمله در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ خورشیدی) ۳۲ دستگاه اتومبیل باری هانز الوید خریداری گردید. با افزایش خودرو در ارتش و توسعه عملیات حمل و نقل، شعبه نقلیه از مباشرت کل منتزع و تحت عنوان اداره نقلیه کل قشون سازمان یافت.



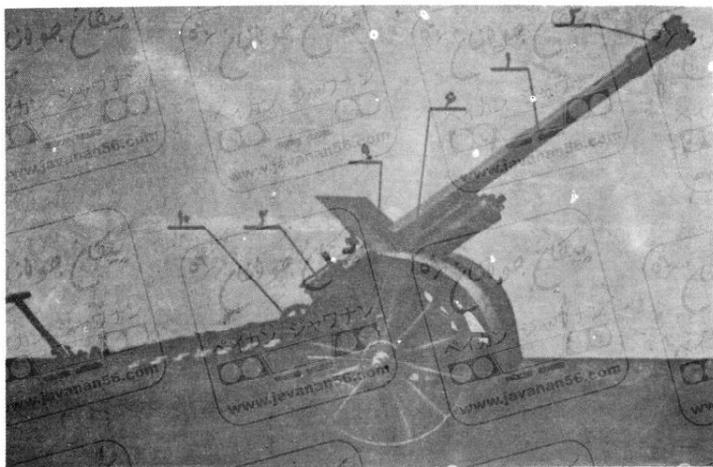
تصویر توپ ۷۵ کوهستانی بوئروس که فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری شد.



نمونه‌ای از خودروهای نیروی زمینی شاهنشاهی در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر

گرچه دواب همچنان عنصر اصلی ترابری سازمان جدید را تشکیل میداد، معهدا یک گروه اتومبیل نیز در این سازمان تشکیل شد. در این گروه مکانیسین و کمک مکانیسین و کارگر عیب رفع کن پیش بینی شده بود، که تعمیرات و نگهداری خودروها را انجام میدادند. بمنظور تعمیر و نگهداری سایر اقلام جدیدی که وارد ارتش شده بود، از جمله دستگاههای تلگراف بیسیم برای تهران و واحی لشگرها و بادگانههای عمده مانند تبریز، کرمانشاه، مشهد، شیراز، کرمان و خرمشهر برای هر دستگاه رادیو، یک مکانیسین پیش بینی شده بود که تعمیرات و نگهداری را انجام میدادند.

تعمیرات و نگهداری اساسی جنگ افزارها، در شعبه کارخانجات نظامی که کارگاههای مختلفی مانند فشنک سازی، نقاشی، سوهانکاری، تعمیرات توپ، چرخکاری، ریخته گری، آهنگری، نجاری، قنذاق سازی، تعمیر مسلسل، سراجی، آتش بازی و باروت - کوبی داشتند انجام میشد.



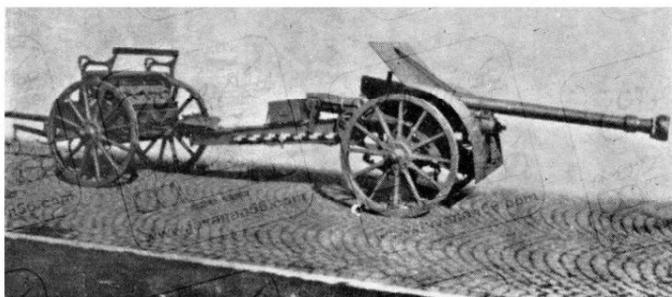
تصویر توپ ۱۰۰ کوتاه کششی بوسیله اسب که از جنگ افزارهای قوی و مؤثر نیروی زمینی شاهنشاهی محسوب میشد. ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۷ خورشیدی)

در سازمان ارکان یگانها مانند ارکان توپخانه لشکر و یا تیپهای مستقل یک قسمت بنام کارخانه فنی پیش بینی شده بود، که در آن آهنگر و نجار سازمانی منظور شده بود و تعمیرات جزئی را در محل انجام میدادند.

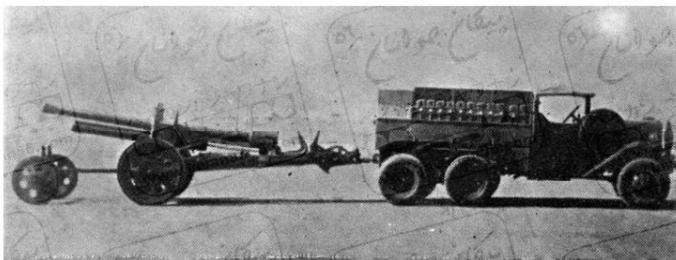
در ارکان افواج و گردانهای پیاده، اسلحه ساز و کمک اسلحه ساز بود که علاوه بر شغل سازمانی اسلحه داری، تعمیرات جزئی سلاح را نیز انجام میدادند.

برای تعمیرات و نگهداری سازمانی گروه زره پوش که در سال ۱۳۰۵ شاهنشاهی (۱۳۰۵ خورشیدی) تشکیل شد، در جدول سازمان یک کارخانه فنی با پرسنلی مرکب از مکانیک، لحیم گر، الکتریسیں، آهنگر، نجار، نقاش و رنگرز و سراج پیش بینی شده بود که تعمیرات و نگهداری لازم را انجام میدادند. در عین حال برای انجام وظایف تعمیرات و نگهداری وسایل و تجهیزات مختلف در رده گروهان، خیاط، کفاش، سراج و لحیم گر و نعلبند در ارکان گروهانها پیش بینی شده بود.

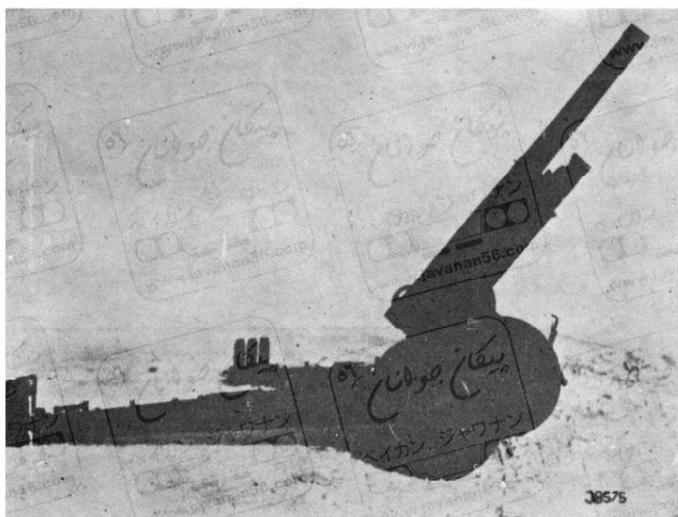
ث - دایره صحیحه کل قشون یا دایره بهداری که معاون این دایره، ریاست مخازن کل صحبه قشونی را نیز برعهده داشت. در این دایره یکنفر محاسب و یکنفر مدیر داروخانه نظامی و همچنین دو اساز پیش بینی شده بود.



توپ ۱۰۵ کوتاه اشکورا



توپ ۱۰۰ بنسندبوفورس (سوئد)



توپ ۱۰۰ کوتاه صحرائی (چک)

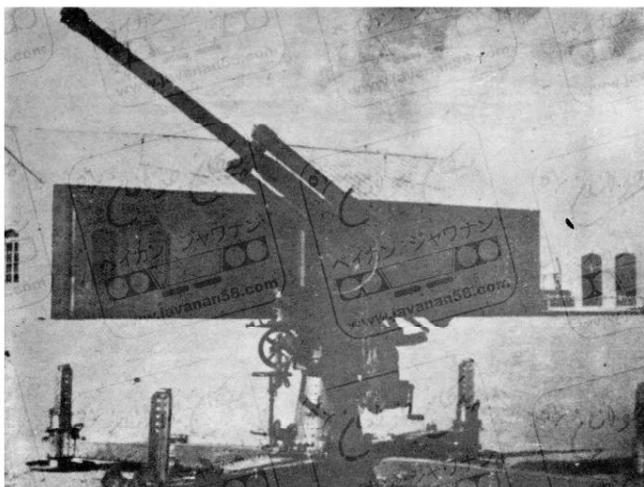
دو نمونه از جنگ افزارهای سنگین که فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای بگانه‌های نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری گردید.



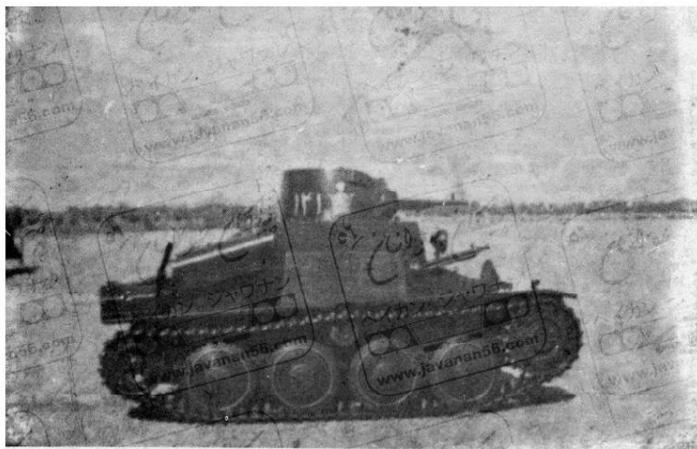
اعلیحضرت رفیقا شاه کبیر سوار بر اسب در مراسم سان و رزه یگانهای نمونه ارتش شاهنشاهی (در سال ۱۳۴۹ شاهنشاهی - ۱۳۱۹ خورشیدی)



فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر تاسرحد امکان، جنگ افزارهای مؤثر و قوی ارتشهای پیشرفته جهان
برای تقویت یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری گردید.



تصویر توپ ۷۵ ضد هوایی (کشش یا کاسیون) مربوط به سال ۱۹۹۷ شاهنشاهی ۱۳۱۷ خورشیدی)

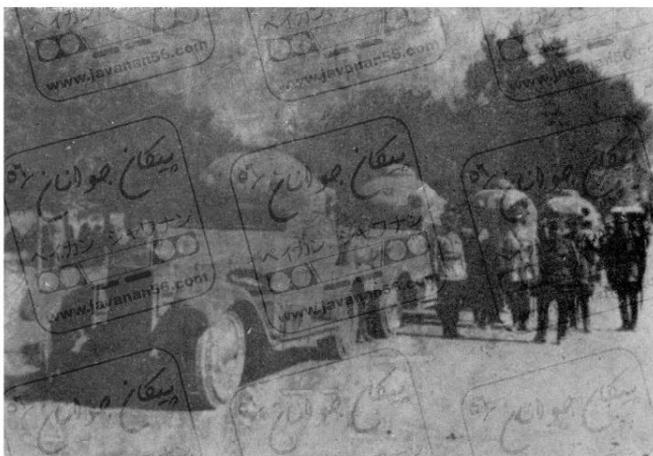


- تصویر ارابه روسی سبک (از بهلو)

اعلیحضرت رضاشاه کبیر با همت والای خود ارتش نوین ایران را بنیان‌گذاری کردند و روز بروز با خرید تجهیزات و جنگ افزارهای جدید به قدرت و نیروی رزمی آن افزودند.



(تصویر اراپه بتوسط از جلو) (۲۴۹۸ شاهنشاهی - ۱۳۱۸ خورشیدی)



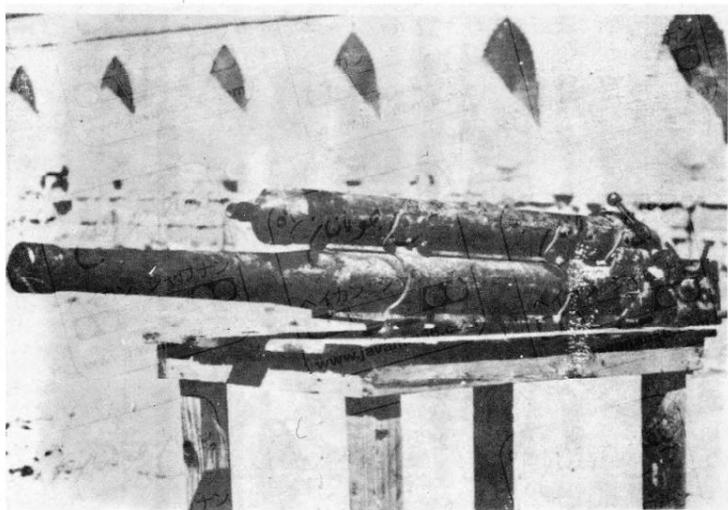
زدهوش رولزویس (۲۴۹۸ شاهنشاهی - ۱۳۱۸ خورشیدی)



صحنه‌ای از تیرکت یگانها در اردوگاههای نظامی (۴۴۸۷) شاهنشاهی ۱۳۰۷ خورشیدی)



تصویری از زره‌پوش مارسون هرینگتن که در زمان سلطنت اکتلیحضرت رضاشاه کبیر به‌خدمت نیروی زمینی شاهنشاهی ایران درآمد.



توپ زره‌پوش مارسون هرینگتن



بنیان‌گذار ارتش نوین ایران (۲۴۹۸ شاهنشاهی ۱۳۱۸ خورشیدی)

رئیس صحنه لشکر مرکز، سمت مفتش کل صحنه قشونی را نیز بر عهده داشت و بیمارستان‌های یوسف‌آباد و احمدیه، مستقیماً زیر نظارت این دایره به کار ادامه میدادند.

بیمارستان یوسف‌آباد دارای یک آزمایشگاه، پزشک جراح، پزشک بیماریهای داخلی، پزشک امراض مسری و پزشک مخصوص معاینه و معالجه خانواده افسران و درجه‌داران قشون بود و بیمارستان احمدیه نیز سازمانی مشابه سازمان بیمارستان یوسف‌آباد داشت.

در سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۳۰۱ خورشیدی) شورای طبی قشونی تشکیل شد که اعضاء ثابت آن عبارت بود از رئیس صحنه لشکر مرکز و پنج نفر اطباء مجرب نظامی (به پیشنهاد رئیس صحنه کل) و اعضاء مشاور از پزشکان نظامی یا غیر نظامی (حداکثر ۴ نفر) و مقرر شد در صورت لزوم برای کسب اطلاعات راجع بامور صحنه و بهداشتی سرحدات و غیره، مامورین کشوری هم بشورا دعوت شوند. وظایف عمده شورا عبارت بود از جلوگیری از امراض واگیر و تعیین تکلیف حفظ‌الصحه افراد قشون و مطالعات مربوط بامور صحنه قشون و بهبود آن.

(۱) بهداری در نواحی لشگرها و یگانها:

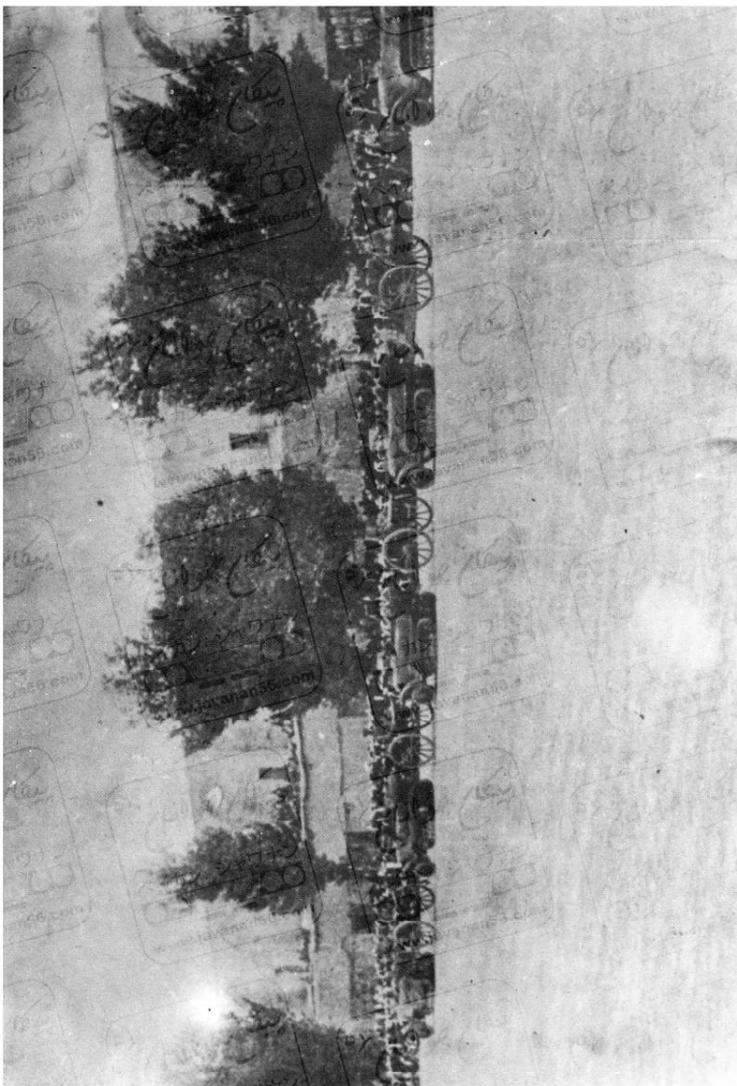
در هر یک از نواحی لشگرهای مقیم خارج از مرکز یک شعبه بهداری مرکب از یک رئیس با درجه سرهنگ پزشک و کارمند اداری لازم و همچنین شعبه‌های جراحی و داخلی تشکیل گردید.

در سازمان تپها نیز به تناسب نیازمندی آنها یک یا دو پزشک پیش‌بینی شد. عناصر بهداری فوجها (هنگها) عبارت بودند از یک رئیس بهداری با حداکثر درجه سرهنگ دومی، یک دکتر داروساز با درجه سروانی و سه تا پنج درجه‌دار بنام پرستار. در سازمان گروهان، بهادران (اسواران) و آتشیبار یک وکیل راست بعنوان مامور بهداری منظور شده بود. این درجه‌دار مقداری داروهای ضروری را در یک کیسه با خود حمل و کمک‌های ضروری و اولیه را برای کارکنان یگان فراهم مینمود.

(۲) تهیه و تامین دارو: اعلیحضرت رضاشاه کبیر، همواره در جهت رفاه و سلامت کارکنان ارتش توجه ویژه‌ای میدول و در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ خورشیدی) مقرر فرمود نخستین داروخانه کل قشونی تأسیس و نسبت به تهیه و تأمین داروهای مورد نیاز قشون اقدام و ضمن همکاری با سازمان داروئی کشوری و خرید مستقیم از خارج، احتیاجات داروئی قشون را تأمین کند و داروهای مورد نیاز نواحی لشگرها را در زمانهای مقرر (سه ماهه و شش ماهه) به شهرستانها ارسال دارد.

ج - تشکیلات مالیه کل قشون (دارائی ارتش)

نخستین تشکیلات مالیه کل قشون با سازمان زیر شروع بکار نمود:

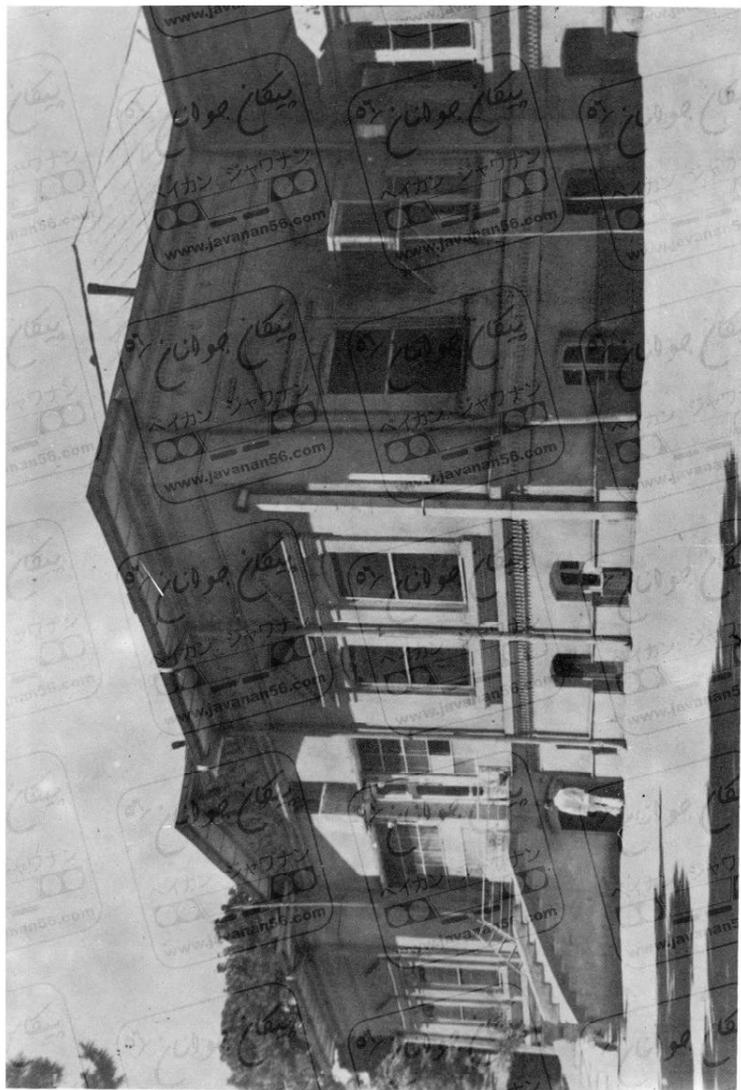


قسمتی از اتوبیسیهای شنی دارحامل توپهای صحرایی که به همت اعلیحضرت رضاشاه، کبیر برای یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی خریداری گردید.
(سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی «۱۳۰۵ خورشیدی» در میدان نقش جهان اصفهان)

رئیس کل - دارالانشاء (دبیرخانه) - دایره تفتیش (بازرسی) - شعبه دفترداری
- دایره محاسبات مرکب از دو شعبه رسیدگی به محاسبات و شعبه صدور اسناد -
کمیسیون محاسبات معوقه - دایره خزانه‌داری کل، مرکب از دو شعبه دفترداری
و تحویل‌داری.

تشکیلات مالیه (دارائی) کل قشون در سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴ -
خورشیدی) مختصر تغییری پیدا نمود و در سازمان جدید دایره دفترداری کل با دفاتر
نقدی و جنسی جایگزین شعبه دفترداری شد و شعبه صدور اسناد مستقل شد و دایره
رسیدگی محاسبات بر مبنای منطقه‌ای و یگانی با شعب لازم تشکیل گردید و دایره
خزانه‌داری کل با شعبه‌های دفترداری - ضبط اسناد و تحویل‌خانه نیز تجدیدسازمان
یافت.

با توجه به آنچه در مورد امور آمادی از نظر گرامی خوانندگان ارجمند گذشت
ملاحظه میشود که امور آمادی در سالهای قبل از جنگ دوم جهانی در ارتش ایران
بر پایه اصول بسیار ساده استوار بوده است و علت عدم جایائی مداوم یگانها و همچنین تأمین
نیازمندیهای آمادی در همان منطقه احتیاجی به گسترش سازمانهای لجستیکی و
تغییرات عمده در سیستمهای آمادی نبود، لیکن پس از جنگ جهانی دوم و تماس بیشتر
ارتش شاهنشاهی با ارتشهای متریقی جهان و آگاهی از تحولات وسیع تکاملی آن
ارتشها در امور لجستیکی، الزاماً تغییرات وسیعی در روشهای آمادی و لجستیکی داده
شد که این روشها و سازمانها در بخش مربوط به تحولات بعد از شهریور سال ۲۰۰۰
شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تشریح خواهد شد.



نمای خارجی ساختمان بیمارستان شما ۲ ارتش که در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنا گردید. و از تجهیزات بهداشتی جدید آن روز برخوردار بود. هم اکنون نیز یکی از بیمارستانهای بسیار مجهز ارتش نا همتا می باشد.



بخش سوم

نوزدهمین شماره در وقایع شهریورماه ۲۵۰۰ شایسته‌ی

« شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی »

نیز در تاریخ شب است بر وقایع شهریور ما ۲۵۰۰ شاهنشاهی

با اینکه فن ریبنتروپ « VON.Ribbentrop » وزیر خارجه آلمان نازی در مردادماه سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۱۳۱۸ خورشیدی) یعنی پیش از آغاز آغاز جنگ دوم جهانی به مسکو رفته بود و در روز یکم شهریور ماه سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی قراردادی مبنی بر عدم تجاوز با اتحاد جماهیر شوروی امضاء کرده بود. و با اینکه از آغاز جنگ دوم جهانی و شروع موفقیت‌های ارتش نازی، استالین شخصاً تمام پیروزی‌های آلمان را بر ضد متفقین به هیتلر تبریک گفته بود. با اینکه شوروی از آغاز جنگ جهانی دوم مرتباً به آلمان خواربار ارسال داشته بود. با اینکه رادیوهای شوروی بر ضد متفقین تبلیغ میکردند و عمال کمونیست در کارخانه‌های انگلستان اختلال مینمودند. با اینکه در روز ۲۱ آبان ماه سال ۲۴۹۹ شاهنشاهی، (۱۳۱۹ خورشیدی) مولوتف وزیر امور خارجه شوروی به برلن رفت و با فن ریبنتروپ وزیر امور خارجه آلمان هیتلری در باب انعقاد پیمان اتحاد بین اعضاء محور (آلمان - ایتالیا - ژاپن) و جماهیر شوروی و تقسیم دنیا به چهار منطقه نفوذ مذاکره نمود. برخلاف انتظار همه مردم جهان و در میان حیرت تمام آگاهان و سیاستمداران در شب یکم تیرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) ارتش آلمان نازی با پیام هیتلر پیشوای آلمان نازی دایر بر اینکه ۱۶ لشکر روسی در مرزهای آلمان متمرکز گردیده و پیکار با روسیه الزامی است به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد و با این عمل نه تنها روسیه شوروی بلکه سراسر جهان را غافلگیر نمود.

نیروهای آلمان نازی با پیش‌بینی و آمادگی قبلی، برق‌آسا در خاک روسیه شوروی شروع به پیشروی نمودند، و بزودی سواحل اوکراین و قسمتی از روسیه اصلی به تصرف نیروهای آلمان درآمد و تلفات و خسارات نیروهای شوروی بحد غیر قابل جبران رسید. نیروهای نازی با استفاده از پیروزی‌های حاصله خود را بسواحل دریای سیاه و بندر عدسه رسانید و بشمال قفقاز نزدیک گردید.

حمله برق‌آسا و همه جانبه آلمان به روسیه، باعث پیوستن روسیه شوروی به متفقین گردید و فشار همه جانبه نیروهای آلمان به شوروی، لزوم کمک فوری به روسیه را تأیید نمود. در تاریخ هشتم تیرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) هیئتی از کارشناسان نظامی انگلیس برای بررسی و تعیین نوع و طریق ارسال کمک به شوروی وارد مسکو گردید و دولت آمریکا نیز که در آن تاریخ هنوز وارد جنگ نشده بود، ضمن کمک به نیروهای انگلستان، کمک به روسیه شوروی را نیز از طریق ارسال جنگ افزار، خواربار، مهمات و تجهیزات تقبل کرد.

نزدیک شدن نیروهای آلمان بشمال قفقاز دولت انگلستان را سخت نگران ساخت، زیرا دولت انگلیس میترسید که کارکنان سفارت آلمان در ایران و بخصوص کارشناسان آلمانی در خوزستان، دستگاههای استخراج و تصفیه نفت ایران را معدوم ساخته و موقعیت انگلستان را در هندوستان به خطر اندازد.

حادثه‌ای که این ترس دولت انگلستان را تقویت کرده بود، وقایع عراق در فروردین ماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) بود که به دستیاری عمال سفارت آلمان و ایتالیا در بغداد و دخالت عمده‌ای از امراء ارتش عراق و مفتی فلسطین یک حکومت ضد انگلیسی برپاست رشید عالی بر سر کارآمده و باعث فرار عبدالاله نایب السلطنه عراق از بغداد شده بود.

در آن موقع ظاهراً چنین قرار بوده است که، نیروی هوایی آلمان با کمک رشید عالی به موصل وارد گردیده و باعث قطع جریان نفت از لوله‌های کرکوک بمدیترانه شود، ولی انگلیسها پیش دستی کردند و در ۲۹ فروردین ماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) بصره را اشغال نمودند و در روز ۱۲ اردیبهشت همان سال طی زدوخوردی که بین سربازان عراقی و نیروهای انگلیسی در پایگاه حبانیه (۵۰ کیلومتری مغرب بغداد) روی داد، سنجر به شکست نیروهای عراق شد و هواپیما - های آلمانی که در روز ۲۳ اردیبهشت بموصل رسیدند نتوانستند کاری از پیش برند و در نهم خردادماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) نیروهای انگلیسی وارد بغداد گردید و رشید عالی و سفیران آلمان و ایتالیا و جمعی از همدستان آنها یخاک ایران پناه آوردند و روز بعد با امضاء قرارداد آتش بس نایب السلطنه عراق به بغداد بازگشت و مشغول کار گردید.

بنابردلایل مشروحه بالا دو دولت انگلیس و روسیه شوروی، در تاریخ ۲۸ تیرماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) با دادن تذکریه‌هایی از دولت ایران خواستار اخراج آلمانها از ایران شدند. دولت ایران در روز هفتم مردادماه به یادداشتهای روس و انگلیس جواب و اطمینان داد که، در ایران رفتار اتباع بیگانه دقیقاً تحت مراقبت بوده و از عمده محدود کارشناسان آلمانی، برای متفقین خطری متصور نیست.

لازم به یادآوری است که در آن تاریخ، جمع کل کارشناسان خارجی که از ملل مختلف در ایران مشغول کار بودند کمتر از ۴۵۰ نفر بشمار میرسد:

- | | |
|-------------------------|---------|
| ۱ - اتباع دولت انگلستان | ۲۵۹ نفر |
| ۲ - اتباع دولت آلمان | ۶۹ نفر |
| ۳ - اتباع دولت روس | ۴۹ نفر |
| ۴ - اتباع دولت ایتالیا | ۳۱ نفر |
| ۵ - اتباع دولت چکسلواکی | ۱۸ نفر |

۶- اتباع دولت یوگسلاوی

۱۴۰ نفر

۷- اتباع دولت سویس

۷۰ نفر

جمع

- / ۴۴۷ نفر

بنابراین جمع کل اتباع دولت آلمان در خاک ایران ۶۹۰ نفر بود که این رقم فقط پانزده درصد کل اتباع خارجی را در ایران تشکیل میدهد و این عده قلیل به آسانی قابل کنترل بوده و قادر نبودند موجب اختلال نظم کشور و باعث از بین رفتن بیطرفی ایران گردند.

پیشرفت سریع و برق‌آسای نیروهای آلمان‌نازی در خاک روسیه شوروی و ضرورت کمک فوری بروسیه و احتیاج روزافزون ارتش روسیه بجنک‌افزار، خواروبار، مهمات و وسایل موتوری، دولتین روس و انگلیس را هر روز بیش از پیش متوجه ایران ساخت، زیرا راهی نزدیکتر و مطمئن‌تر و آسانتر از راه ایران بمیدان جنگ آلمان و روسیه وجود نداشت.

در شمال روسیه بندر آرخان جلسک در دریای سفید، بواسطه مراقبت شدید زیردربانیهای آلمان در اقیانوس اطلس، در معرض خطر بود و نیمی از سال هم یخبندان اقیانوس منجمد شمالی بندر مذکور را بی‌فایده میساخت. بندرهای دریای سیاه هم بواسطه اشغال سواحل شمالی و غربی آن از طرف نیروهای آلمان همواره مورد تهدید بود. در مشرق روسیه بندر ولادیوستک در اقیانوس آرام، بواسطه اتحاد ژاپن با آلمان و داشتن هشت هزار کیلومتر فاصله با میدان جنگ قابل استفاده نبود. بنابراین دولتهای روس و انگلیس در ۲۰ مردادماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) مجدداً از دولت ایران اخراج اتباع آلمان را طی یادداشت‌هایی خواستار شدند. روز بعد در ساعت ۱۰۰۰ رادیو دهلی بزبان فارسی نیروهای ایران را بانبروهای انگلستان مقایسه کرد و سپس گفت صلاح ایران حفظ بیطرفی و مدارا کردن با همسایگان است و مطالب خود را با بیت زیر به پایان رسانید:

«من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم تو خواه از سختم پندگیر و خواه ملال»
در ساعت هفت و نیم بامداد روز ۲۷ مردادماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) رادیو لندن بزبان انگلیسی اعلام نمود که «بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر آلمانی در ایران موجب برهم زدن امنیت کشور ایران و تهدید همسایگان این کشور گردیده‌اند و در اوضاع و احوال کنونی ایران مرکز عمده جنگ در آسیاست و دولت ایران متوجه خطری که او را تهدید میکند نیست و به نیت دولتهای روس و انگلیس پی نمیرد و متوجه خطر و تهدید آلمان نیست»

پنج روز بعد دولت ایران پس از پنج روز بررسی به دولتهای روس و انگلیس جواب داد که تا تاریخ ۳۰ مرداد سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی عده‌ای از کارشناسان



آلمانی را از راه ترکیه روانه آلمان خواهد ساخت و نسبت به بقیه هم که دارای مشاغل حساس فنی هستند، بتدریج اقدام خواهد شد و در هر حال با کمال دقت مراقب اتباع بیگانه در ایران بوده و کوچکترین خطری متوجه منافع کشورهای همجوار نخواهد بود. ولی چون نیت اصلی کشورهای روسیه و انگلستان چیز دیگری بود از اوایل مردادماه، نیروهای روس در جلفا و مرزهای شمالی خراسان و قوای انگلیس در خاقین و مجاورت چاههای نفت شاه، شروع به تمرکز نمود و در بندر بصره نیز نیروهای انگلیسی خود را آماده تجاوز بایران نمودند.

نیازمندی فوق العاده روسیه به مهمات و خواروبار و ضرورت کمک فوری و حیاتی به آن کشور که در زیر چکمه‌های سربازان آلمانی هر لحظه عقب مینشست و منحصر بفرد بودن کمک بروسیه از راه ایران، برای نجات روسیه از ورطه هلاکت حتمی، خستگی فوق العاده اعلیحضرت رضاشاه کبیر از شدت کار شبانه‌روزی بستم، تصمیم قاطع دولت ایران، بحفظ بیطرفی و درک نکردن منظور واقعی روس و انگلیس و موقعیت دقیق بین‌المللی، و عدم توجه دولت ایران به واکنش سرد و زبرامور خارجه آمریکا در مقابل استمداد دولت ایران دائر به حفظ بیطرفی، باعث تجاوز دولتهای روس و انگلیس ب خاک ایران گردید. در ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور ماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) سفیران دو دولت روس و انگلیس بخانه علی منصور (منصور الملک) رفتند و هر یک یادداشتی تسلیم نخست‌وزیر ایران کردند که متن آن حاکی از ورود نیروهای کشور متبوع خود بایران و آغاز تجاوز بود.

سازمان، استعداده و لشکرهای شاهنشاهی ایران

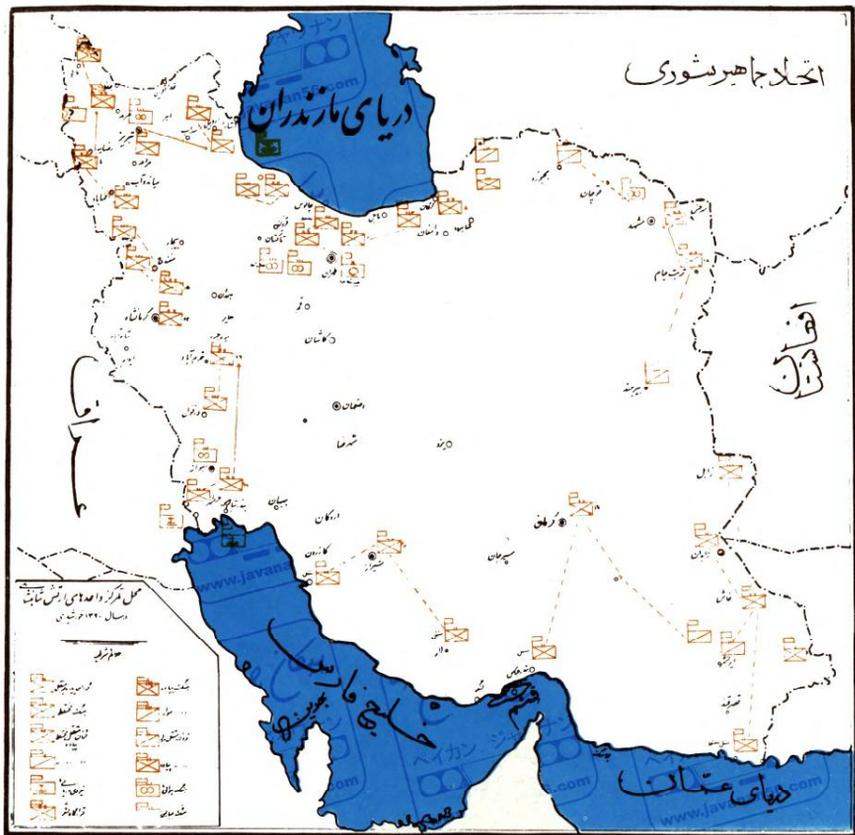
در شهر یورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی)

نیروی زمینی شاهنشاهی مقارن شهر یورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی دارای هیجده لشکر و یک تیپ مستقل، بشرح زیر بود:

تهران	۱ - لشکر یکم
تهران	۲ - لشکر دوم
تبریز	۳ - لشکر سوم
رضائیه	۴ - لشکر چهارم
کردستان	۵ - لشکر پنجم
خوزستان	۶ - لشکر ششم
فارس	۷ - لشکر هفتم
کرمان	۸ - لشکر هشتم
خراسان	۹ - لشکر نهم
گرگان	۱۰ - لشکر دهم
گیلان	۱۱ - لشکر یازدهم
کرمانشاه	۱۲ - لشکر دوازدهم
اصفهان	۱۳ - لشکر سیزدهم
مکران	۱۴ - لشکر چهاردهم
اردبیل	۱۵ - لشکر پانزدهم
لرستان	۱۶ - لشکر شانزدهم
خوی	۱۷ - لشکر هفدهم
تربت جام	۱۸ - لشکر هیجدهم
تهران	۱۹ - یک تیپ مستقل مکانیزه در

سازمان لشکرها متفاوت و ناقص بود و بطور کلی هر لشکر از یک عنصر فرماندهی و دو تا چهار هنگ پیاده، یک یا دو هنگ سوار و یک هنگ یا یک گردان توپخانه تشکیل میگردد، و بعضی از لشکرها اصولاً فاقد توپخانه و یگان مهندس رزمی بودند و جمع وسائل موتوری در مجموع یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی ۵۵۲ دستگاه بود.

نخست باید یادآور شد که متفقین و بخصوص دولت انگلستان که نقش اصلی را در تجاوز بخاک ایران بر عهده داشت، از حمله بدون مطالعه بخاک ایران بشت



نقشه گسترش یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی در شهر بورماه... شاهنشاهی «۱۳۲۰ خورشیدی»

وحشت داشتند، چون در صورت عدم موفقیت و یا تأخیر در موفقیت امکان داشت که منابع و تأسیسات نفت بوسیله نیروهای ایران منهدم و جان اتباع انگلیس در ایران در مخاطره قرار گیرد.

برای توجه به درجه اهمیت مسئله بالا، ذیلاً قسمتی از نظرات نخست‌وزیر

انگلیس عیناً نقل میشود:

«من قانع نبودم که برنامه عملیات جنگی در ایران با نقشه‌های هم‌آهنگی که تأمین موفقیت را میسر سازد همراه بوده‌است، لذا در ۳۱ ژوئیه در شب قبل از مسافرت خودم به «پلاستنا» دستور دادم که کمیسیون مخصوصی تحت ریاست رئیس مجلس لردها برای رسیدگی بآن موضوع تشکیل گردد.

من نمیتوانستم احساس نمایم که این عملیات علیه ایران، که در صورت عدم تمکین بجنبگ منجر شود با توجه کاملی که لازم داشت تحت مطالعه قرار گرفته باشد. در صورتیکه با لزوم این عملیات موافقت داشتیم، می‌اندیشیدم که مبادرت باینکار مستلزم مطالعه دقیق و تشریک‌مساعی کامل بین وزارت جنگ و وزارت خارجه از یک طرف و بین فرماندهی خاورمیانه و دولت هندوستان از طرف دیگر میباشد.

ما نباید یک چنین اقدام خطرناکی بنمائیم بدون آنکه، نقشه‌های روشن برای اتفاقات احتمالی، از قبیل دستگیری کلیه مستخدمین شرکت نفت ایران و انگلیس بوسیله ارتش ایران، که در حوالی مناطق نفت‌خیز «اهواز» وجود داشتند بعنوان گروگان قبلاً طرح کرده‌باشیم، مثلاً اگر ارتش ایران واقع در حوالی مناطق نفت‌خیز «اهواز» کلیه کارمندان شرکت نفت انگلیس و ایران را دستگیر و بعنوان گروگان نگاهداری نماید چه اقدامی باید بشود؟ بختیارها و ساکنین محل چه روشی اتخاذ خواهند کرد؟ انگلیس‌های مقیم تهران چه خواهند شد؟ آیا خطر تخریب چاههای نفت قبل از آنکه بدست ما بیفتد وجود دارد یا نه؟ ما باید خیلی محتاط باشیم و با بمباران تهران مرتکب بیرحمی نشویم.

آیا قوای ما باندازه کافی نیرومند هست که مناطق نفت‌خیز ایران را در صورت مقاومت مأموران ایرانی و اهالی اشغال نماید؟ تا چه اندازه ما میخواهیم بسمت شمال پیشروی نمائیم؟ چه فرودگاه‌هایی در اختیار خواهیم داشت؟ در صورت امتناع ایرانیها از کمک بما از راه آهن بچه ترتیب باید استفاده کرد؟

در اطراف این سئوالات و بسیاری پرسشهای دیگر باید اندیشید. چه خوبست که رئیس مجلس لردها، وزیران خارجه، جنگ و هندوستان تمامی موضوع را تحت مطالعه قرار داده‌ودر اوایل هفته آئینه به کابینه جنگ گزارش دهند. ضمناً کلیه اقدامات مقدماتی باید انجام شود، من این سیاست را تأیید مینمایم ولی موضوع مهم

است و نباید تمهیدی کرده شود تا نتیجه ممکن و وضع متقابل را با کمال دقت بررسی کرده و نقشه‌های دقیق و مشروح طرح و تصویب شود.

باین ترتیب ملاحظه می‌گردد که دولتهای روس و انگلیس برای اجتناب از هر نوع عدم موفقیت و برای تسریع در تأمین هدفهای خود، پیش‌بینی‌های لازم را معمول و با طرح‌ریزی دقیق و تمرکز نیروهای کافی و با برخورداری از پشتیبانی نیروی دریائی و هوائی، تک هم‌آهنگ شده‌ای را در ساعت چهار بامداد روز شوم سوم شهریورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) از شمال و جنوب و باختر و شمال خاوری با حداکثر سرعت و قدرت و غافلگیری علیه نیروهای کشور شاهنشاهی ایران آغاز نمودند و نیروهای کشور شاهنشاهی با وجود نهایت فداکاری و جانبازی در مقام مقایسه نه از نظر کمیت و نه از نظر کیفیت قابل قیاس با نیروهای دشمن نبود، ضمن اینکه عدم وجود وسائل ترابری در ارتش شاهنشاهی، تحرک یگانها را محدود و برتری هوائی مطلق نیروهای دشمن، هرگونه مانور و تغییر مکان یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی را غیر مقدور ساخته بود، بنابراین تلاش و فداکاری افسران، درجه‌داران و سربازان جانباز نیروی زمینی شاهنشاهی، در برابر چنین سیل خروشان از دشمن، بی‌اثر و در مقابل دید ملت ایران که چشم امید ارتش خود دوخته بود، بعلت عدم اطلاع کافی عامه مردم از مقدمات و نیروهای طرفین بدون اجر و پاداش ماند.

شرح عملیات:

در ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور ماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) نیروهای روسیه شوروی و انگلستان از شمال و جنوب و باختر بطور همزمان آفند ناگهانی و دامنه‌داری را علیه کشور شاهنشاهی آغاز نمودند و کشور عزیز ما را که با اتکاء به روابط حسن همجواری و با توجه با اعلام بیطرفی بطور کابل غافلگیر شده بود، مورد تجاوز ناجوانمردانه قراز دادند. سمت‌های تک نیروهای متجاوز در نقشه پیوست ارائه می‌گردد و ضمناً یادآور میشود که عناصر ستون پنجم و عمال خائن و دست‌نشانده دشمن نیز با نهایت تلاش سعی داشتند کنترل و فرماندهی نیروهای کشور شاهنشاهی را مختل و موجبات پیروزی سریع دشمن را هرچه زودتر فراهم سازند. ارتش شاهنشاهی ضمن صدور دستور مقاومت به نیروهای خود اعلامیه شماره ۱ خود را بشرح زیر صادر نمود:

- ۱ - از ساعت ۴ روز ۳ شهریور ماه ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار داده‌اند.
- ۲ - شهرهای تبریز، اردبیل، رضائیه، خوی، اهر، میاند آب، ماکو، مهاباد، بناب، رشت، حسن کیاده، میانه، اهواز، بندرپهلوی مورد بمباران هوائی واقع و تلفات وارده نسبت به مردم غیر نظامی زیاد و نسبت به نظامیان با وجودیکه سربازخانه‌ها را

بمباران میکنند معذالک تلفات نسبتاً کم بوده است، یک هواپیمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیراندازی توپخانه ضدهوایی سرنگون شده است.

۳ - نیروی موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا - مرند و پل دشت - ماکو قره‌ضیاء - الدین و نیروی موتوریزه و مکانیزه ارتش انگلستان در محور خاتقین قصرشیرین و نفت‌خانه - گیلان غرب - آبادان - بندر شاهپور و قصرشیرخ به تعرض دست زده‌اند.

۴ - نیروی دریائی شوروی در کرانه‌های دریای خزر و نیروی دریائی انگلیس در بندر شاهپور و خرمشهر تعرض نموده‌اند.

۵ - واحدهای ارتش شاهنشاهی که غافلگیر شده‌اند، در حدود امکان با آنها تماس برقرار نموده و در نقاط مختلف به دفاع پرداختند و دو ارايه زره‌پوش دشمن در منطقه باختر مورد اصابت، واز کار افتاده و پیشروی دشمنان را متوقف ساخته‌اند.

۶ - در کلیه مناطق شمالی و باختری روحیه اهالی بسیار خوب و عموماً تقاضای خدمت در صفوف ارتش و حرکت به جبهه را برای دفاع از میهن مینمایند.

پس از صدور اعلامیه شماره ۱ ستاد ارتش بشرح فوق، یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی با وجود نداشتن وسایل ترابری کافی، در زیر فشار نیروی هوائی دشمن تلاش و فداکاری را آغاز نمودند. در این موقع ستاد جنگ به ریاست سرلشکر عزیزاله ضرغامی در باشگاه افسران مرکز (خیابان سوم اسفند) تشکیل و اعلامیه شماره ۲ ستاد ارتش بشرح زیر منتشر شد:

۱ - نیروهای مهاجم دشمن با وجود برتری عددی و وسائل زرهي زیاد که با غافلگیری به تهاجم پرداخته بودند در همه جا بمقاومت سخت واحدهای ارتش شاهنشاهی برخورد نموده و تلفاتی بآنها وارد آمده است.

۲ - مناطق تهاجم زمینی:

الف - در منطقه گرگان و خراسان، مقدمات شروع حمله از طرف ارتش شوروی

آغاز و از راه باجیگران نیروی موتوریزه آنها بطرف قوچان پیشروی مینماید
ب - در منطقه شمال باختری، شهرهای اردبیل، مرند، ماکو، خوی، شاهپور پس از یک سلسله زدو خوردهای اولیه تخلیه و رزم در ناحیه صوفیان و جنوب شاهپور ادامه دارد. سه ارايه جنگی دشمن نابود گردید.

پ - در منطقه باختری، قصرشیرین تخلیه گردیده و تاکنون چهار ارايه جنگی دشمن از کار افتاده است.

۳ - هواپیماهای جنگی شوروی، شهرهای بی‌حفاظ و بی‌دفاع شمال و شمال‌غرب گرگان، شاه‌رود، مشهد، رشت، بندر پهلوی، غازیان، تبریز، زنجان، رضائیه و قزوین را با دسته‌های ۱۰ و ۲ هواپیمائی، در نهایت شدت و مکرر مورد حمله هوائی قرار داده و خساراتی به اهالی غیر نظامی وارد آورده‌اند.

بمباران ادامه دارد و اهواز مورد بمباران واقع شده است، یک هواپیمای دشمن در ناحیه رشت سقوط کرده و یک هواپیمای انگلیسی هم در منطقه جنوب باختری بر اثر تیراندازی مسلسل سنگین سرنگون گشته و سرنشینانش تلف شده اند.

۴ - نیروی دریائی شوروی کرانه های دریای مازندران را بمباران نموده اند.
رئیس ستاد جنگ - سرلشگر ضرغامی



سرلشگر عزیزاله ضرغامی
رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی ایران در وقایع شهریورماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی
« ۱۳۲۰ خورشیدی »

بطور کلی تجاوز نیروهای بیگانه به کشور شاهنشاهی ایران در سه جبهه عمده صورت گرفت، که عبارتند از جبهه شمالی و شمال باختری - جبهه باختری و جبهه جنوب باختری.

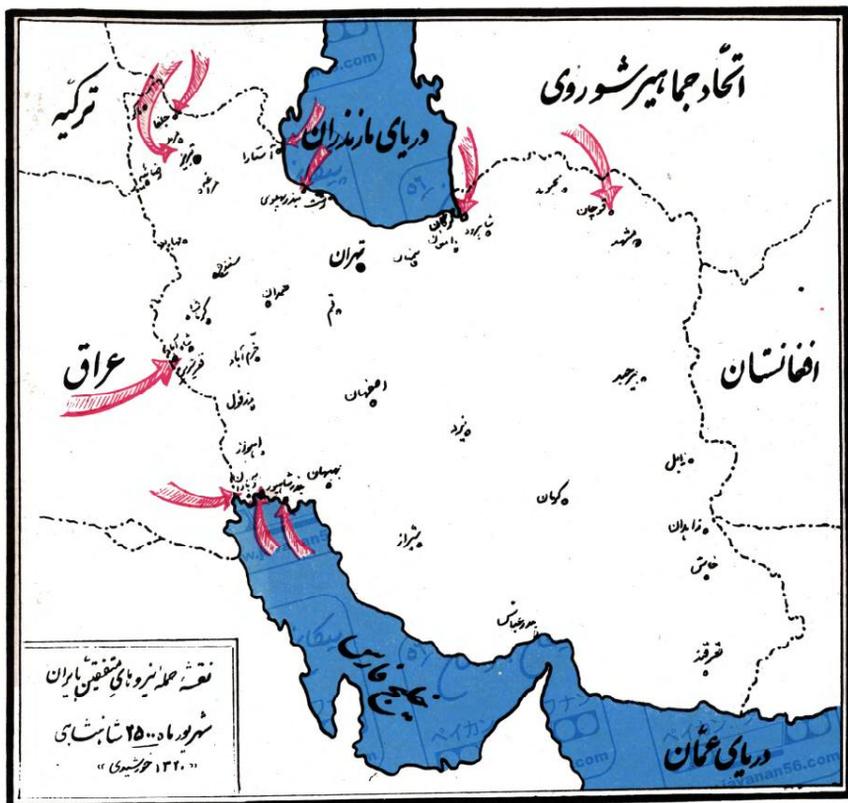
در جبهه شمال و شمال باختری تلاش اصلی نیروهای شوروی در منطقه آذربایجان و ویژه محور جلفا - مرند - تبریز بود و در سایر قسمت‌های شمالی ایران مانند خراسان و کرانه‌های دریای مازندران یک سلسله عملیات آفندی برای تصرف نقاط حساس و مراکز عمده جمعیت انجام شد. استعداد و ترکیبات نیروهای روسی در مناطق شمالی و شمال باختری ایران برابر اسناد و مدارکی، که از این عملیات بدست آمده جمعاً در حدود ۱۳۵ هزار نفر شامل، یگان‌های تفنگدار موتوریزه، تانک، توپخانه و یگان پشتیبانی هوائی بود.

لشکر ۳ شمال باختری که در تبریز مستقر و آموریت پدافند از معابر وصولی آن منطقه را عهده‌دار بود، در شرائطی که بعلمت غافلگیری شدید، امکانات بسیار محدودی برای حرکت تاکتیکی و تغییر مکان آن وجود داشت، توانست یک اسواران سوار و یک آتشبار ۷۵ میلیمتری همراه با عناصری از یگان مهندسی را بمنظور انجام عملیات تأخیری و تخریب در جلفا - دره‌دیز - مرند بطرف جلفا اعزام دارد.

همزمان با اعزام یگان مزبور به جلفا، یک گردان پیاده نیز به ارتفاعات اطراف مرند فرستاده که با استفاد از عوارض طبیعی و مناسب بودن زمین برای پدافند، توانست پس از رسیدن نیروهای شوروی بآن محل، از پیشروی متجاوزین به تبریز ممانعت کند.

نیروهای شوروی که از لحاظ قدرت آتش، تحرک و ویژه پشتیبانی هوائی برتری فاحشی نسبت به نیروهای ایران داشتند، بسرعت از رودخانه مرزی ارس عبور نموده و با انجام یک حرکت دورانی، ارتفاعات دره‌دیز و حتی مواضع مرند و صوفیان را از طریق حاشیه خاوری دریاچه رضائیه دور زده و تا سپیده‌دم روز چهارم شهریور ماه خود را به مناطق اطراف تبریز رساندند. در همین حال بعلمت برخورداری از پشتیبانی هوائی، نیروهای ارتش ایران را در منطقه مرند، صوفیان و تبریز چه در مواضع و چه در سرباخانه‌ها بشدت بمباران و از این طریق نه تنها تلفاتی بارتش وارد شد، بلکه تعداد زیادی از مردم غیر نظامی ساکن این مناطق نیز کشته یا زخمی شدند و باین ترتیب در ساعت ۱۳ روز چهارم شهریور ماه، شهر تبریز سقوط نمود. یگان‌های لشکر ۳ شمال باختری که قبلاً از محاصره خود آگاه شده بودند توانستند بموضع قارقا بازار واقع در محور تبریز، بناب عقب نشینی نمایند.

نیروهای مکانیزه و زرهی ارتش شوروی با پشتیبانی نیروی هوائی آن کشور



پس از تصرف شهر تبریز به پیشروی خود در محور تبریز - آذرشهر - عجبشیر - بناب میاندوباد ادامه داده و در سردرود، آذرشهر و عجبشیر با یگانهای لشکر ۳ درگیر شده و طرفین متحمل تلفاتی شدند. یگانهای لشکر مزبور هر چند بعلت نقص وسائل وعدم رهبری صحیح و نابسامانی ناشی از هرج و مرج اوضاع داخلی کشور، دچار بلا تکلیفی و طبعاً ضعف روحیه شده بودند، ولی همچنان بعملیات تأخیری در مسیر میاندوباد ادامه دادند. روز ششم شهریورماه یعنی در حدود ۷۲ ساعت پس از تجاوز نیروهای متفقین بایران، بنابر مقتضیات سیاسی و نظامی و رعایت اوضاع و احوال جهان آنروز، فرمان ترک مقاومت به یگانهای ارتش ایران صادر و ابلاغ گردید و با وصول این فرمان یگانهای شمال باختری ایران دست از پیکار کشیده به سربازخانه‌های خود مراجعت نمودند.

از طرف عناصر لشکر کرمانشاه از خسروی تا گرد نه پطاق، بعلت غافلگیری شدید، ایستادگی قابل توجهی صورت نگرفت، در نتیجه نیروهای ارتش انگلیس بدون برخورد با مانع عمده‌ای، بصورتبندی ستون به پیشروی خود ادامه دادند و هنگامیکه به اوایل گردنه پطاق رسیدند بر اثر ایستادگی سرسختانه نیروهای مستقر در آن موضع، ناچار شدند که بوسیله قسمتی از نیروهای خود مواضع را از طریق گیلان غرب، قلاجه دورزد، شاه‌آباد غرب را تصرف و پیشروی را بسوی کرمانشاه ادامه دهند.

نیروهای موضع پطاق که با عناصر جلودار ستون انگلیس تحت فرماندهی ژنرال اسلیم شدیداً برخورد داشتند، پس از یک سلسله تیراندازیهای مداوم، هنگامیکه از دور زدن موضع خود آگاه شدند، بمنظور اجتناب از محاصره و نابودی قبل از رسیدن نیروهای انگلیسی به شاه‌آباد، موضع خود را ترک و قصد داشتند در موضع بعدی به عملیات تأخیری مبادرت ورزند ولی در همان موقع فرمان ترک مقاومت صادر و عملیات نظامی به پایان رسید.

تلفات انگلیسها در منطقه باختری ۲۲ کشته و ۴ زخمی بوده است ولی از میزان تلفات نیروهای ایران در این منطقه آماز صحیحی در دست نیست.

در منطقه خوزستان نیز همزمان با نیروهای انگلیسی در قسمت کرمانشاه، یک تیپ پیاده که با ناوچه از بصره حمل شده بود، ابتدا به آبادان آفند نموده و پس از نبردهای سخت خیابانی و ایستادگی دلیرانه عناصر ارتش و پلیس، شهر آبادان به تصرف نیروهای هندی ارتش انگلیس درآمد. در سواحل اروندرود واسکله‌های آن منطقه نیز مقاومت‌های پراکنده‌ای صورت گرفت و نیروی دریائی ایران بشدت از طرف نیروی دریائی انگلیس مورد آفند قرار گرفت و اغلب ناوهای جنگی ایران غرق و یا آسیب دید و دریادار بایندر وعده‌ای از افسران و افراد نیروی دریائی شاهنشاهی در عرشه ناوها یا در پایگاههای دریائی به شهادت رسیدند.

بقیه یگانهای لشکر هشتم انگلیس پس از تصرف خرمشهر، پیشروی خود را بسمت اهواز ادامه دادند ولی قبل از اینکه به اهواز برسند، با ایستادگی یگانهای لشکر ۶ خوزستان روبرو شدند ولی فرمان ترک مقاومت و عناصر لشکر اهواز به سربازخانه‌های خود مراجعت نمودند. باین ترتیب کلیه مناطق نفت خیز جنوب کشور بتصرف نیروهای انگلیسی درآمد و همین‌ما نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان با مصیبت‌های ناشی از جنگ که فقر و بیماری و بیکاری و نابسامانی نشانه‌های آنست روبرو گردید.

در اینجا لازم میدانیم قسمتی از فرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریابهر بزرگ ارتشتاران را در پنجم شهریورماه سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی (۱۳۴۳ هـ - ش)

هنگام برگزاری جشن فارغ التحصیلی افسران دانشگاه جنگ که نمایشگر روشن بینی و ژرف نگری رهبر خردمند ملت ایران است عیناً بعنوان خطمشی و دستورالعمل کلی از پدافند میهن نقل نمائیم:

«ما فکر میکردیم وقتی که اعلان بیطرفی داده‌ایم، بیطرفی ما را محترم میشمارند ولی بار دیگر تجربه ثابت کرد زمثل جنگ بین المللی اول، دیگران در مقابل منافع خود بیطرفی ایران و تمامیت ایران و استقلال ایران را بحسب نمی‌آورند. فکر میکنم اگر ما خوش باوری را کنار گذاشته بودیم و در نظر میگرفتیم هر زمان در جهان جنگی پدید آید، دیگر موازین و قوانین بین المللی چندان مورد توجه قرار نیکیرد، شاید سیبایستی فی السل تمام پالایشگاه نفت ایران، جاده‌های ایران، پلهای ایران و تونلهای ایران همه سین گذاری میشد و نیز در بنادر ایران و بطور کلی در هر جا که ممکن بود یک روزی مورد استفاده دیگران قرار گیرد و آائل تخریب پیش بینی میشد.

آیا اگر ما این پیش بینی‌ها را قبلاً کرده بودیم مملکت دچار تهاجم میشد؟
باحتمال قوری خیر.

این درس بما می‌آموزد که انسان البته باید متکی به قوانین بین المللی باشد، باید بقوانین احترام بگذارد، ولی برای مزید اطمینان خاطر در همانحال باید فکر کند چه بسا قوانین بین المللی که هنوز در جهان ضمانت اجرای کافی ندارد اگر روزی مورد احترام دیگری واقع نشد، از پیش برای روپوشدن با چنین روزی آماده باشد. از این جهت است که با اینکه ما امروز بهودی نمایانی در اوضاع بین المللی حس میکنیم و با اینکه تیرگیهائی که در سابق در افق جهان دیده میشد روبه زائل شدن گذاشته است و امید ما آنست که در پایان این راه بر بشریت روشنائی واقعی بتابد و همه ملل دنیا بتوانند در صلح و آرامش خاطر زندگی کنند و بی هیچگونه بیبی در راه ترقی و پیشرفت تمدن گام بردارند و با همه اتکائی که به تعهدات متفقین خود داریم باز فکر میکنیم اولین وظیفه ما اینست، تا جائیکه به حیات اجتماعی و اقتصادی ملی ما لطمه‌ای نخورد، آئی از تقویت نیروی دفاعی کشور غفلت نکنیم، تا سادا بعدها بار دیگر بشیمان شویم و باز بگوئیم اگر زودتر جنبیده بودیم و پیش بینی کرده بودیم دچار بشیمانی نمیشدیم»

مسائل سیاسی داخلی کشور که منجر به صدور فرمان ترک محاصره گردید:

همانطوریکه قبلا اشاره شد در ساعت چهار بامداد روز دوشنبه سوم شهریورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) مطابق با ۲۵ اوت سال ۱۹۴۱ میلادی سر ریدربولار « Sir. Readerbull Ard » سفیر انگلیس و آندری اسمیرنوف - Smirinof - سفیر شوروی، بمنزل علی منصور نخست وزیر واقع در خیابان شاهرضا نبش خیابان بهار رفتند و هر یک طی یادداشتی اطلاع دادند که قوای نظامی آنها وارد خاک ایران شده اند.

علی منصور نخست وزیر بلافاصله به کاخ سعدآباد رفت و مراتب را به شرفرض ذات مبارک شاهنشاه رسانید و سپس در جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی که بهمین مناسبت تشکیل گردیده بود شرکت نموده و مراتب را طی نطق بسیار کوتاهی باطلاع مجلس رسانید.

از سوم تا پنجم شهریور دولت علی منصور که معتقد به رعایت بیطرفی بود، نتوانست بیشتر در مقابل فشار سیاست خارجی و تشنجات داخلی ایستادگی کند و ناچار به استعفا گردید. در اینموقع نصراله انتظام رئیس کل تشریفات سلطنتی به دستور رضاشاه کبیر ذکاءالملک فروغی را که از رجال خوشنام و مورد اعتماد مردم بود تلفنی به کاخ سعدآباد احضار و نامبرده از طرف شاهنشاه مأمور تشکیل کابینه گردید. ذکاءالملک فروغی با وجود بیماری در حساسترین موقع تاریخ امراشاهشاه را در مورد تشکیل دولت اطاعت نمود.

در بعد از روز پنجم و بامداد روز ششم فروغی با سفیر روس و انگلیس ملاقات و مذاکره نمود و مراتب را بعرض شاهنشاه رسانید و در نتیجه در ساعت هشت و پانزده دقیقه بامداد روز ششم شهریور وقتی کابینه خود را به مجلس معرفی میکرد اعلام داشت که برای جلوگیری از کشتار و خرابی بیشتر کشور شاهنشاهی ایران، دولت فرمان ترک محاصره را به نیروهای نظامی صادر خواهد کرد و مراتب بی درنگ پس از خاتمه مجلس وسیله دولت به ستاد جنگ و از ستاد جنگ به نیروهای نظامی ابلاغ گردید.

علی سهیلی وزیر امور خارجه، پس از خروج از مجلس به دستور فروغی نخست وزیر با اسمیرنوف سفیر شوروی و سرریدر یلارد سفیر انگلیس به گفتگو و تبادل نظر پرداخت و این گفتگو و تبادل یادداشت مدت یازده روز ادامه یافت. در این مدت از یکطرف ستون پنجم نیروهای دشمن در داخل کشور اواز طرف دیگر رادیوهای بیگانه مساعی خود را در تولید ترس و نگرانی و برآشفتن مردم و انتشار اخبار دروغ و ترسناک مانند بمباران سعدآباد توسط هواپیماهای روسی و عزیمت رضاشاه باصفهان و حرکت سپاهیان روس از قزوین بسمت تهران و تغییر پایتخت بکار بردند و باعث فرار مردم

شهرها بسته شدن دکانها و حرص عده‌ای به جمع‌آوری خواروبار شدند. از طرف فروشگاههای نفت باشاره شرکت نفت جنوب از فروش بنزین به مردم خودداری نمود و باین ترتیب ارسال خواروبار به تهران دچار اشکال شد و کمبود مواد غذایی مردم را سخت هراسان ساخت، در اینموقع دولت طی اعلامیه‌ای از مردم خواست که متانت و خونسردی خود را حفظ کنند و باخبار مفسده‌انگیز و اراجیف بیگانگان ترتیب اثر ندهند و مطمئن باشند که دولت بوظایف خود عمل میکند و موجبات آسایش عموم مردم فراهم خواهد شد.

در پیرو اعلامیه بالا روز شنبه هشتم شهریورماه از سوی دولت حکومت نظامی در تهران اعلام و سپهبد امیراحمدی فرماندار نظامی پایتخت گردید. بدستور سپهبد امیراحمدی، عبور و مرور در تهران از ساعت ۲۱.۰۰ ممنوع گردید و سوارنظام در شهر برای حفظ نظم بحرکت و گشت‌زنی پرداخت و موجب افزایش روحیه مردم که از ترس چپاول دکانها را بسته و یخانه‌ها پناه برده بودند گردید و کم‌کم ظرف سه‌الی چهارروز دکانها باز شد و اوضاع پایتخت آرامش گرائید.

ذکاءالملک فروغی که در اثر میهن‌پرستی، علیرغم کسالت قلبی در سختترین روزهای تاریخ مملکت، ریاست دولت را پذیرفته بود در شب دوشنبه دهم شهریورماه



سپهبد امیر احمدی

فرماندار نظامی تهران در شهریورماه ۲۰۰۰ شاهنشاهی

از شدت کبار بیمار و بدستور پزشکان در خانه بستری شد. بامداد دوشنبه وقتی این خبر بعرض رضاشاه کبیر رسید، شاهنشاه برای اولین بار شخصاً و بدون خبر در ساعت ۱۶۰۰ بمنزل فروغی برای عیادت تشریف بردند و ویدیوسیله سبب دلگرمی بیشتری فروغی و تمام میهن پرستان واقعی گردیدند.

پس از یازده روز گفتگو و تبادل نظر و مبادله یادداشت، بین وزیر خارجه ایران و نمایندگان روس و انگلیس که تماماً از طریق نخست وزیر بعرض شاهنشاه میرسید، به تقاضای دولت جلسه فوق العاده مجلس شورایی در ساعت دهنیم بامداد روز ۱۸ شهریورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی تشکیل و تقاضاهای روس و انگلیس بشرح زیر وسیله علی سهیلی وزیر امور خارجه در مجلس خوانده شد:

۱ - دولت ایران باید امر صادر نماید که ارتش ایران بدون ایستادگی بیشتری از شمال و خاور، خطی که از خاتقین و کرمانشاه و خرم آباد و مسجد سلیمان و هفت گل و گچساران و از آنجا به بندر دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب - نشینی نماید.

در شمال هم ارتش ایران باید از اشنویه و حیدرآباد و میاندوب و زنجان و قزوین و خرم آباد و بایل و زیرآب و سمنان و شاهرود و علی آباد عقب نشینی کنند و موقتاً این نقاط در جنوب بوسیله ارتش انگلیس و در شمال بوسیله ارتش شوروی اشغال گردند.

۲ - دولت ایران باید طرف یکطرفه کلیه اتباع آلمان را با استثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در بنگاههای مخبراتی و نظامی نباشند از ایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانیهای مزبور را برای نمایندگان انگلیس و روس در تهران تسلیم نماید و دولت باید تعهد کند که اتباع آلمانی دیگر بخاک ایران وارد نشوند.

۳ - دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه ترابری لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد بود و از مرکز خاک ایران، بین نیروهای شوروی و انگلیس بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نماید وسایل تسهیل ترابری این لوازم را که بوسیله راه آهن و یا بوسیله هوا ترابری میشود فراهم سازد. در مقابل انگلیس و شوروی موافقت مینمایند که:

الف - حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کمافی السابقی بپردازند.

ب - وسایل تسهیل و لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم سازند.

ج - پیشروی زیادتر نیروهای خود را باز داشته و محض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد، ارتش خود را از خاک ایران خارج نمایند.

د - علاوه بر این دولت ایران تعهد نماید که بیطرفی خود را ادامه داده و هیچگونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس و شوروی باشد در این مبارزه که بر اثر



اعلیحضرت همايون شاهنشاه آريامهر بزرگ ارتشتاران لحظه‌ای قبل از اداي سوگند در مجلس شوراي ملی «مرحوم ذکاءالملک فروغی نخست‌وزیر وقت افتخار حضور دارد» ۴ شهر يورماه . . ۴ شاهنشاهی

تجاوز آلمان بر آنها هموار گردیده است ننماید.

دولت ایران با رعایت اوضاع بین المللی و توجه به منافع ملت ایران، تقریباً تمام تقاضاهای دولتین انگلیس و شوروی را پذیرفته و تعهد نمود که تسهیلات کار متفقین را تا پیروزی نهائی بر قوای آلمان فراهم سازد، اما دولتین انگلیس و شوروی به بهانه‌های دیگر همچنان حرکت نیروهای خود را بسوی تهران ادامه و مخصوصاً نیروهای شوروی که در قزوین استقرار داشت، سریعاً بسوی پایتخت پیشروی خود را آغاز نمود.

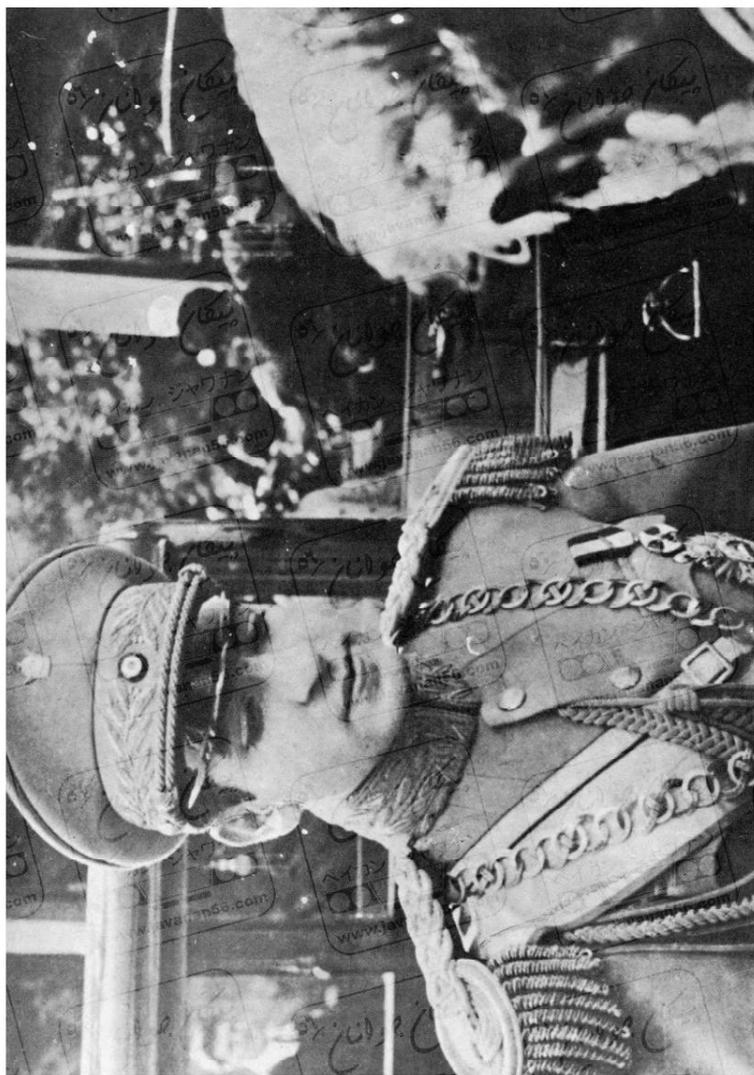
اعلیحضرت رضاشاه کبیر که تحت شرایط نامساعد آنروز اجباراً تقاضای بیگانگان را پذیرفته بودند، چون احساس کردند تمام این بهانه‌ها و حیث و مذاکرات که اوقات دولت ایران را بخود مشغول داشته بود فقط باین علت بوده است که آنها باطناً با سلطنت معظم‌اله مخالف میباشند بدین جهت بخاطر حفظ منافع وطن خود و برای جلوگیری از خرابی بیشتر کشور و گسترش دامنه هرج و مرج و ناامنی و ایجاد آشوب و بلوا و قتل و غارت تصمیم گرفتند که از سلطنت کناره‌گیری فرمایند. لذا قبل از ظهر روز بیست و نهم شهریور ماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ هـ - ش) برابر با ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۴۱ میلادی نخست‌وزیر ایران، متن استعفا نامه اعلیحضرت رضاشاه کبیر را از سلطنت بشرح زیر در مجلس شورایی خواند:

«نظر باینکه همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام، حس میکنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه و بنیه جواتری بکار کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد، بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض و از کار کناره‌گیری نمودم. از امروز که روز بیست و نهم شهریور ۱۳۲۰ است، عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید بسلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظور دارند.» کاخ مرمر تهران بیست و نهم شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه.

و در پایان اضافه کرد:

«ضمناً اعلیحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورایی برسانم که در امر ملک و مملکت داری کاملاً یک پادشاه قانونی هستم و تصمیم قطعی ایشان براینست که قانون اساسی و مصالح عالییه دولت و مملکت و ملت ایران را کاملاً رعایت کرده و محفوظ بدارند. امیدوارم این سلطنت نو، بر ملت ایران مبارک باشد و تقاضا میکنم فردا باز مجلس شورایی تشکیل شود که اعلیحضرت همایون تشریف آورده به وظایف قانونی خودشان عمل کنند»

روز بیست و هشتم شهریور ماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی، پادشاه جدید در جلسه علنی مجلس



اعلیحضرت هما یون شاهنشاه آریامهر بزرگ (تختنازان منگام تشریفورسانی به مجلس شورای ملی برای ادای سوگند ۲۲ شهریورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی

شورایملی حاضر گشتند و سوگند نامه‌ای را که متن آن به قرار پائین است خوانده و امضاء فرمودند:

بسمه تعالی

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام اله مجید و به آنچه نزد خدا، محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده، حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت را نگهبان و بر طبق آن وقوانین مقررہ سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه را حاضر و ناظر دانسته، منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می طلبم و از ارواح طیبه اولیاء اسلام استمداد میکنم.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از کنارهگیری روز سه شنبه ۲۵ شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) بی درنگ با اتومبیل عازم اصفهان شدند و از راه یزد و کرمان به بندرعباس تشریف فرما گردیدند. و روز پنجم مهر ماه در حالیکه مستی از خاک وطن را با خود به همراه داشتند با کشتی انگلیسی چهار هزار تنی بندرا (Burma) رهسپار بمبئی شدند. علاوه بر یازده نفر از اعضاء خاندان جلیل سلطنت، هشت نفر دیگر نیز در التزام رکاب اعلیحضرت رضاشاه کبیر بودند. اعلیحضرت شخصاً مایل بودند که چندی در هندوستان به استراحت بپردازند و سپس به یکی از ممالک آمریکای جنوبی چون آرژانتین که آب و هوایش شبیه ایران است تشریف ببرند و در آنجا اقامت گزینند.

از طرفی دولت انگلیس و مخصوصاً نایب السلطنه هندوستان از ورود اعلیحضرت رضاشاه کبیر به هندوستان بسیار نگران بود و میترسید که مسلمانان و پارسیان هند در نقاط مختلف شبه قاره بویژه بمبئی و کلکته شورش کنند و به حمایت از شاهنشاه مستعفی ایران برخیزند. از این رو به کشتی «بندرا» اجازه ورود به بندر بمبئی ندادند و آنرا در وسط اقیانوس هند و در ده کیلومتری ساحل نگاهداشتند و به هیچیک از کسانی که در کشتی بودند، حتی ناخدا، اجازه ندادند در ساحل پیاده شوند و اصولاً ورود کشتی را پنهان نگاهداشتند و توسط نشریات و رادیو شایع کردند که شاهنشاه سابق ایران از راه خشکی و از طریق زاهدان و بلوچستان رهسپار هند شده اند.

در روز ۱۴ مهرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) اعلیحضرت رضاشاه کبیر برخلاف میل خود و همراهان از کشتی «بندرا» به کشتی برمه (Burma)



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در مجلس شورایی
هنگام ایراد خطابه «۲۶ شهریور... ۲۵۰۰ شاهنشاهی»

که یازده هزارتن ظرفیت داشت نقل مکان فرمودند و کشتی بطرف جزیره موریس واقع در ۶۰۰ کیلومتری مشرق ماداگاسکار که با بمبئی بیش از ۳۷۰۰ کیلومتر فاصله دارد، حرکت کرد و یک کشتی جنگی انگلیسی هم از دور مأمور محافظت و مراقبت بود.

در این سفر کلرمنت اسکرین «Clarmontskrijne» که مدت‌ها مأمور عالی‌رتبه هند در جنوب ایران بود وفارسی را خوب میدانست از طرف نایب السلطنه هندوستان مهماندار رضاشاه کبیر بود.

کشتی «برمه» که روزی نزدیک به ۳۷۰ کیلومتر راه می‌پیمود در تاریخ ۲۴ مهر سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) در بندر لوئیس Portlouis حاکم نشین جزیره موریس لنگر انداخت.

در ساحل سربید کلیفرد Sir. Bedclifford فرماندار جزیره با لباس تمام رسمی با تشریفات کامل و گارد احترام از رضاشاه کبیر استقبال کرد و کاخ مخصوصی که آماده کرده بود در اختیار گذاشت.

جزیره موریس با ۱۸۵۰ کیلومتر مربع مساحت در آن تاریخ قریب ۳۸۰ هزار نفر جمعیت داشت که سه چهارم آنها هندی و بقیه چینی و سفیدپوست بودند.

در بهار سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۲۱ خورشیدی) اعلیحضرت رضاشاه کبیر از جزیره موریس به شهر بزرگ ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی که آب‌وهوای میانه مانند ایران دارد نقل مکان داده شدند.

بدینسان، مردی که در بحرانی‌ترین ایام تاریخ وطن ما، با همتی مردانه و پذیرش مخاطرات فراوان، ایران و ایرانی را از نابودی حتمی نجات داد و آنرا در پرتو اراده‌ای خلل ناپذیر در شاهراه پیشرفت و ترقی سوق داد، اینک گرفتار در امواج سهمگین طوفانهای بین‌المللی در آغاز راهی قرار گرفته بود که پایان آن نامعلوم و هر لحظه آن کوهی از رنجها و مرارت‌های روحی، بخاطر آزرده و ملول او سرازیر میساخت.

او از ملت و کشورش جدا شده بود و این جدائی را به زور بایشان تحمیل کرده بودند، اما برای مردی که در طفولیت با کودکان مازندران در کوهها و جنگلهای کرانه زیبای خزر بازی کرده، و در جوانی با قلبی سرشار از علائق‌میهن - پرستی به آئین سربازی درآمده، و همراه با دوستان سرباز خود در گوشه و کنار مملکت، در سربازخانه‌ها، در سنگرها، در قهوه‌خانه‌های بین راه بالای کوهها، در ژرف دره‌ها، کنار رودخانه‌ها، در کوچه‌باغهای روستاها، و بالأخره در خیابانهای شهرها روزگار گذرانده، و هر لحظه در آرزوی پایان دوران سیاه و آغاز پیشرفت و سعادت کشورش ب فکر فرو رفته، و در ورای اندیشه‌های خود روزهای امیدبخش ایران عزیز را شکل میداده، و در پایان هم به پیروزی رسیده، و سپس سالهای سال همراه با هم‌رزانش در راه پیشبرد ایران و ایرانی زحمت کشیده، آیا این جدائی و تحمل اینهمه ناملازمات آسان



سردار بزرگ تاریخ ایران در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۲۰۰۰ شاهنشاهی خاک وطن را ترک فرمودند

بوده؟ مسلماً خیر. و شاید عدم امکان تحمل بود که وجود او را هر روز بیش از پیش ضعیف و ناتوان میساخت.

هنوز آفتاب بامداد روز چهارشنبه چهارم مردادماه سال ۲۰۰۳ شاهنشاهی (۱۳۲۳ خورشیدی) ژوهانسبورگ را با انوار خود روشن نکرده بود که مصیبتی عظیم روی داد و مردی که نزدیک سه سال سینه‌اش مالمال از اندوه دوری از وطن و نگرانی از آینده کشورش بود، بدنبال یکدوره بیماری دیده از جهان فرو بست.

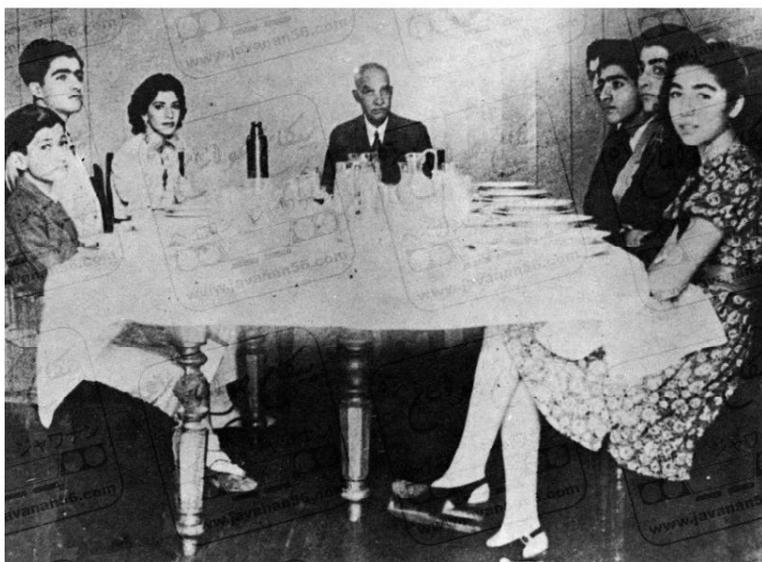
با سرگ این شاهنشاه بزرگ و فداکار، کشورما یکی از لایق‌ترین و گرامی‌ترین فرزندان خود را از دست داد. ولی خاطرات او و خدمات ارزنده‌اش به این آب و خاک در تاریخ این سرزمین و بر قلب مردم میهن پرست و شاهدوست ثبت است، و همواره با احترام عمیق مردم حقشناس و وطنش یاد خواهد شد.

درود فراوان به روان او باد



نمونه‌ای از احساسات شدید وطن پرستی اعلیحضرت رضاشاه کبیر
«همراه داشتن سستی از خاک میهن، تاحلی زنج‌دوری از وطن راتسکن میداد»

هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه کبیر گام از مرز و پوش برین گذارد و پامی برشی نهاد، بار دیگر
یک صفحه از تاریخ جهان تکرار شد و جزیره مورس مقام حبنیره سنت حلن را پیدا کرد.



اعلیحضرت رضاشاه کبیر و الاحضرتها در جزیره مورس

بازگشت به تهران

پس از پایان سالهای سیاه جنگ در شهری، واقع در جنوب تهران آرامگاه با شکوهی برای سردار نامدار تاریخ ایران ساخته شد و جنازه اعلیحضرت رضاشاه کبیر با هواپیمای مخصوص از قاهره به اهواز و از اهواز بوسیله قطار با تشریفات خاصی در روز ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۲۵۰۹ شاهنشاهی (۱۳۲۹ خورشیدی) به تهران حمل شد. اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در حالی که دریائی از اندوه در سیمای مبارکشان دیده میشد، در پیشاپیش قاطبه ملت حق شناس ایران به استقبال جنازه پدر رفتند و در برایش سر فرود آوردند و بر پیکر بی جاننش بوسه زدند و ادای احترام فرمودند. آنگاه جنازه در حالی که وسیله امرای ارتش حمل میشد و اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران شخصاً آنرا بدرقه می فرمودند در میان اشک و زاری قاطبه ملت ایران از ایستگاه راه آهن به حضرت عبدالعظیم علیه السلام حمل و در میان اندوه عمیق ملت ایران در آرامگاه ابدیش به خاک سپرده شد و امروز زیارتگاه شجاعان و میهن پرستان ایرانی است.



جنازه اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام انتقال با ایران



علیهضرت هما یون شاهنشاه آریابهر بزرگ ارتشداران در مراسم تشییع جنازه سردار ملی ایران علیهضرت رضاشاه کبیر



امرای ارتش شاهنشاهی با اندوه فراوان در تشییع جنازه فرمانده و رهبر عالیقدر خود اعلیحضرت رضاشاه کبیر شرکت نمودند و مسافت زیادی جنازه را بر دوش کشیدند «تهران ۲۵۰۹ شاهنشاهی»



اعلیحضرت هما یون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بر سر جنازه پوشیده از گل پدر نامدارشان.



یکی از یگانهای پیاده نیروی زمینی شاهنشاهی که در مراسم تشییع جنازه
اعلیحضرت رضاشاه کبیر شرکت نموده است



«آرامگاه سردار بزرگ تاریخ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر»



«بیکرة اعلیحضرت رضاشاه کبیر در میدان سپه تهران»

ملت نجیب ایران با برها داشتن بیکره‌های زیادی از اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نو، در میدانهای مختلف شهرهای بزرگ ایران، مراتب سپاس و حق شناسی خود را از خدمات ارزندمردار ملی ایران ابراز داشته است.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در جشن سالروز سوم اسفندماه سال ۱۳۱۹ خورشیدی) یعنی دقیقاً شش ماه قبل از واقعه شوم سوم شهریورماه سال ۱۳۰۹ شاهنشاهی و اشغال ناجوانمردانه ایران که سرانجام به قیمت جان سردار نامدار ایران تمام شد. تظنی خطاب به ملت ایران ایراد فرمودند که لزوم تجهیز و تقویت هرچه بیشتر نیروهای نظامی برای پدافند از میراث گرانبهای کشوری آن تأکید شد. شاید بزرگ شاهنشاه دوران پیش ایران خطر را قبل از همه احساس فرموده بودند!!
از نظر اهمیت و بخصوص اهمیت نظامی این سخنرانی عیناً درج میشود:

فرمایشات تاریخی علیحضرت رضاشاه کبیر

« در شب جشن سوم اسفندماه ۱۳۱۹ شاهنشاهی »

... دینی است، برای هر کوششی اهمیت ارزش لاینفک و بی‌بازگشتی بوسایل عصر جدید اسلحاراست، بدون چنین نیروی پیچ‌تومی قادر بحفظ نام و حیثیت و پاس آبرو و شرافت خود نتواند بود. هر قدر ارزش نیرومند و دارای تعالییم مؤثر و اسلحه کامل باشد بقای کشور بیشتر تأمین میگردد و متعاضد برین او از دستبرد حوادث تهمتمصون خواهد ماند.

سرباز ایرانی علاوه بر امتحانات تاریخی که طی روزگانی طولانی و با شرافت کشور داده است، در حال حاضر نیز واجب‌ترین صفت لشکری است. من در همه مراحل مستقیماً نظریات فراوانش بوده و شاید بهتر از هر کس بتوانم گواهی بدهم که سرباز ایرانی بی‌نظیر است.
دوره بیست ساله که با مشبک پایان میرسد زمان قابل توجهی است و برای حکومتی که توانست باشد بطور اکل از وقایع آن استفاده کند میدانی پهناور بشمارد.

ما فرست را تا مرشد امکان برای سودگور بجار برده ایم و اگرانقدر که ارزو می‌بودیم متوقف شویم و بی‌شک نامهای سوابقی است که کسی پیشیده نیست. اما بزرگترین حاصل که از این کوشش بیست ساله بدست آمده که ارزش آن را تا بی‌شکین تواند کرد اما گوی کشور است.

امروزه زمین گرامی را بجای آن رسید است که میتوان با سرعت بیشتر و مدت کمتر کارهای بزرگ انجام داد ، پیشرفت کارهای گذشته تهنه منقذات
 رفع موانع نموده و راه راههای نین بقصد گشوده است و خد شکرانان حقیقی از امروز باید شعاع خود را افزایش بدهت قراردادده تا و پسین دم از
 ابراز متهای جدیت فرو گذار نکنند ، زیرا که ادامه ترقی و تعالی بسته بکوشش دائم است بویژه در مورد کوشی که بر اثر غفلت پیشین
 حاجت بر صرف نیرودا کشته و خواهد داشت .

افسران من ، پیشرفت های حقیقی که حاصل ایمان و خلوص عقیدتی باشد طبعاً عشق کار و شوق کوشش را افزایش میدهد ، و علاقه مند از از
 منظره امید بخش سعادت مجذوب میازد ، از این روان انتظار دارم و نایمید میکنم که همیشه شاهد اصل سعی فداکاری پیش قدم بردارید تا این
 زمین بهمانند نتیجه مساعی بیت سله استعدادهای وزیند و قوی آرموده شما کشور را از ترقتا تکمیکه همسوز برای او میسر شده است کلیاب سازد .





زنده جاوید

که چو از بجزیر پر دیده گریان دارم
 خانه از نور خورش خالی خاموش بود
 سایه سپهر پر نیست لکر بر سر من
 شادانم که بود جانشین باغ بهشت
 پدرم جهان گرامی برده میهن داد
 او اگر رفت شد سبب افزایی ما
 بود سر ساز و براه وطن و جان باخت
 او بود زنده که جاوید بماند نامش
 سایه لطف شنشاه بود بر سر ما
 آری ما مهر ما به ز پدر میباید شد
 غم از دل بود و خانم آباد شود
 که بسر سایه آن خسرو خوبان دارم

و غم او گهر است بد آن دارم
 در دل ز دوری او آتش سوزانم
 خاطر از محنت ایام پریشان دارم
 چون شیدایت با منشش ایان دارم
 یاد او زنده کنم تا که تن جان دارم
 که ز نامش همچان عزت عنوان دارم
 من ز جانبازش این قهر فزوان دارم
 فخر بسیار بدین نام درخشان دارم
 در پناهِش چه غم از محنت فزوان دارم
 مادری نیز خوشبختانوی ایران دارم
 که بسر سایه آن خسرو خوبان دارم

شهر یاری که بود شهسود در آفاق جهان
 که تقایش طلب زور که زودان دارم



شادروان
سرگرد دامپزشک
مصطفی گلسرخی

شادروان سرگرد گلسرخی در وقایع روز پنجم شهریورماه ۱۳۲۰ در حین
بمباران رضائیه شربت شهادت نوشیده است.



شادروان
سروان سوار
محمود ثنائی فرد

شادروان محمود ثنائی فرد که از افسران لایق و فداکار بوده در وقایع شهریورماه
۱۳۲۰ در رضائیه بافتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سروان پیاده
علی اصغر مالک

شادروان علی اصغر مالک در وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ در حین راه پیمائی
شبانہ بین سراب و میانج در اثر اصابت چند گلوله مسلسل شهید گردیده است.



شادروان
سروان پیاده
صدرالدین خوشنویسان

شادروان سروان صدرالدین خوشنویسان در تاریخ ششم شهریورماه ۱۳۲۰
در کرج در حین انجام مأموریت بشهادت رسیده است.



شادروان
سروان توپخانه
احمد نهضتی

شادروان سروان احمد نهضتی در وقایع شهریورماه . ۱۳۲۰ در حین انجام وظیفه در لشکر شمالغرب بدرجه شهادت نائل گردیده است.



شادروان
ستوانسوم پیاده
محمدعلی سمیعی

شادروان ستوانسوم محمدعلی سمیعی در وقایع شهریورماه . ۱۳۲۰ در قریه بارانکار از مجال کاغذکنان خلخال با افتخار شهادت نائل گردیده است.

بخش چهارم

یروز و زینروز ساهشت مہر

از شہر بورما سال ۲۵۰۰ شایہی تا عصر حاضر
« از شہر بورما ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۵ خورشیدی »

دو باستان در ایران

یادی از رویدادهای تاریخی

چنانکه در بخش مربوط به وقایع شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تشریح گردید، با شروع جنگ جهانی دوم و تجاوزهای بیگانه به کشور بیطرف ایران، کلیه طرحهای عمرانی کشور دچار اختلال شد و فعالیتهای اجتماعی به حالت رکود درآمد.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر از سلطنت مستعفی و اوضاع آشفته‌ای پس از یک دوران آرامش و سازندگی در کشور پدید آمد.

وضع آشفته‌ی کشوری که به اشغال بیگانگان درآمده بود، و همچنین پزیشانی خاطر و نگرانی مردم از آینده ایجاب میکرد که مردی مصمم و با اراده، مدبر و واقع بین، هوشیار و با درایت، مبین پرست و ملت دوست، جوان و پیر تحرک، زمام امور کشور را در دست گیرد. خوشبختانه مجموعه این صفات در شخص شاهنشاه جوان به حد کمال وجود داشت، شاهنشاهی که در تمام امور شجاعت را با حزم و احتیاط، وطن پرستی را با واقع بینی، تصمیم را با اندیشه و تفکر توأم مینمود و به مبانی و اصول مذهبی، ایمانی راسخ داشت و بویسته در انجام کارها از خداوند بزرگ استمداد می‌طلبد.

شاهنشاه جوان از امور مملکت آگاه بود زیرا از سال ۲۴۹۶ شاهنشاهی (۱۳۱۶ خورشیدی) در مسائل مهم سیاسی و اجتماعی با پدر تاجدار همکاری نزدیک داشت و از دردهای اجتماع ایران و مشکلاتی که در راه پیشرفت و ترقی این کشور بوجود آمده بود آگاه، و معتقد بودند که تنها راه پیروزی برای این گرفتاریها تعمیم و گسترش روحیه مبین پرستی و ایجاد محیطی امن برای رشد سیاسی و اقتصادی مردم است.

در ساعات ۱۶ و ۴ دقیقه روز چهارشنبه ۲۶ شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی

(۱۳۲۰ خورشیدی) اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران با تشریفات رسمی به جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی تشریف فرما شدند، و بر ابراصل ۲۹ متمم قانون اساسی متن سوگندنامه را قرائت و امضاء نمودند و آنگاه در نخستین نطق رسمی و تاریخی خود که با ایمانی قاطع ادامه شد چنین فرمودند:

«..... اکنون که مقتضیات داخلی کشور ایجاب نموده است که من وظایف خطیر سلطنت را عهده دار شوم و در چنین موقعی سنگین مهم امور کشور را مطابق قانون اساسی تحمل نمایم، لازم میدانم با توجه وافر به اصول مشروطیت و تفکیک قوا، لزوم همکاری دائم و کامل را بین دولت و مجلس شورای ملی خاطر نشان نموده، برای تأسیس مصالح عالی کشور متذکر شوم که هم من و هم مجلس شورای ملی و عموم افراد ملت هر یک باید مراقبت تمام نسبت به انجام وظایف خود داشته باشیم و هیچگاه و هیچ وجه از رعایت کامل قوانین فروگذار نکنیم»

در نطق تاریخی شاهنشاه به سه نکته مهم اشاره شده بود.

اول - لزوم همکاری و هم آهنگی کامل میان دستگاههای دولت و قوای مقننه و قضائیه کشور به منظور اجرای دقیق قوانین و مقررات مملکت و تأمین رفاه عمومی.

دوم - تجدید نظر در قوانین مملکت و تطبیق آنها با مقتضیات و احتیاجات عصر و تهیه برنامه جامعی که شامل اصلاح امور اجتماعی و اقتصادی و مالی، و هدف آن تأمین قضائی در کشور باشد.

سوم - لزوم همکاری نزدیک دولت ایران با دولتهائی که منافع آنان با مصالح و منافع ایران ارتباط خاص داشته باشد. مشروط بر آنکه در این همکاری مصلحت کشور و ملت ایران کاملاً رعایت شود.

شاهنشاه جوان با کوهی از مشکلات مواجه بودند، فشار سیاسی متفقین، گرانی سرسام آور قیمت‌ها، فقر عمومی، کمی آذوقه، از هم گسیختگی سازمانهای دولتی، سوءاستفاده عده‌ای از رجال شناخته شده و هزاران هزار گرفتاری دیگر که به علت جنگ گریبانگیر این کشور اشغال شده و ملت نجیب آن شده بود.

شاهنشاه جوان که شب و روز در تب عشق میهن میسوختند و از گرسنگی و تنگسستی ملت خویش رنج میکشیدند، نخست کلیه املاک خود را به ملت بخشیدند و سپس آنچه خود داشتند به سازمانهای خیریه دادند و آنگاه پنج اصل معروف خود را در عنوان جوانی عنوان فرمودند:

«نان برای همه - مسکن برای همه - بهداشت برای همه - فرهنگ برای همه - کار برای همه»

اولین پیروزی سیاسی

در آذرماه سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) سران متفقین، روزولت، چرچیل و استالین برای شرکت در کنفرانس تاریخی تهران وارد ایران شدند. شاهنشاه ایران با وجود آنکه در آن کنفرانس شرکت نداشتند، بطور جداگانه با سران سه کشور بزرگ ملاقات و مذاکره فرمودند و در نتیجه تدبیر کم نظیر شاهنشاه جوان و جوان بخت ایران، سه کشور انگلیس و شوروی و آمریکا طی اعلامیه‌ای، تمامیت ارضی و استقلال و حق حاکمیت ایران را تأیید کردند و این نخستین و بزرگترین پیروزی سیاسی شاهنشاه جوان ایران بود.

پایان جنگ دوم جهانی

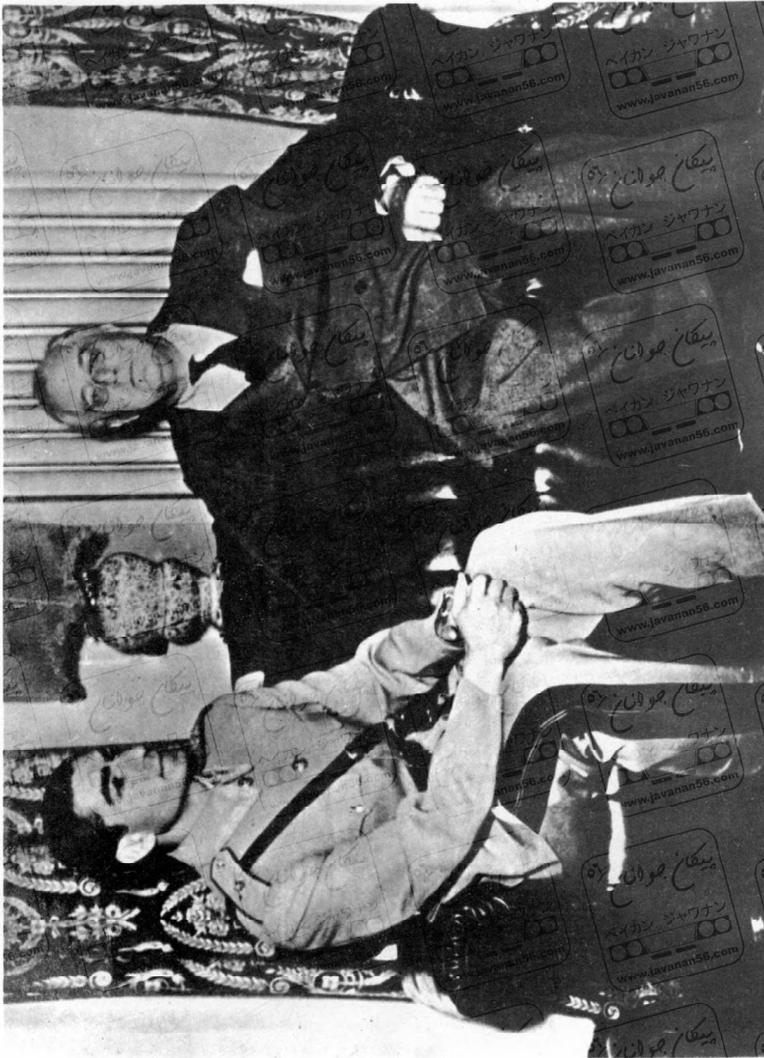
جنگ خانمانسوز دوم جهانی سرانجام در اردیبهشت‌ماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۲۴ خورشیدی) پایان پذیرفت و شاهنشاه ایران طی پیامی خاتمه جنگ را از راديو به ملت خود تبریک گفتند.

نیروهای آمریکا و انگلیس برابر قرارداد قبلی پس از پایان جنگ شروع به

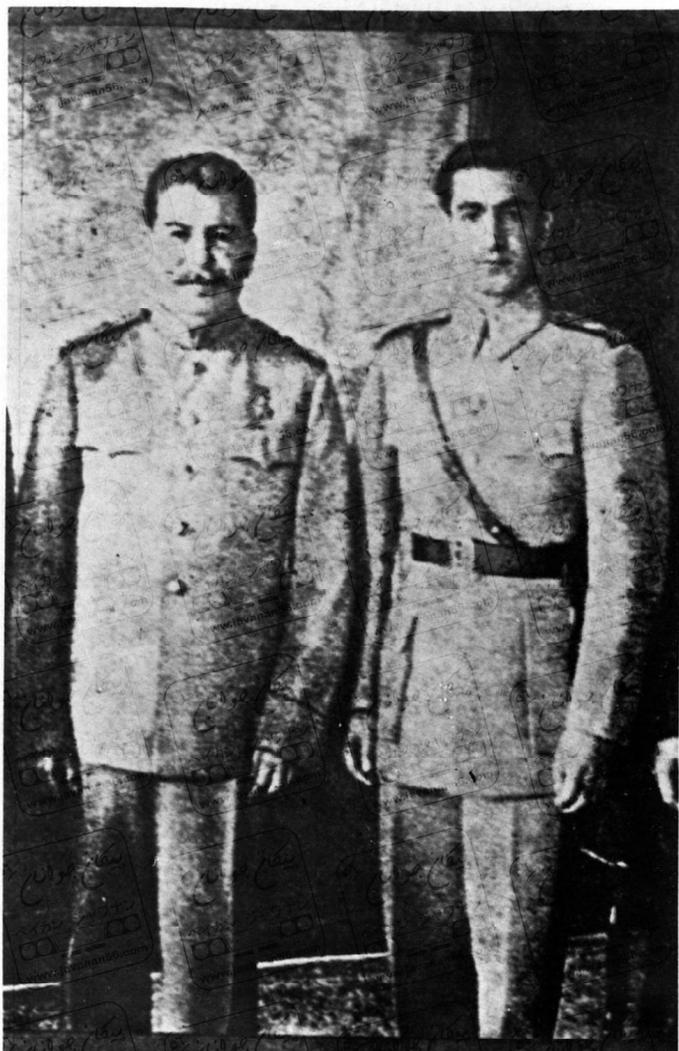
تخلیه خاک ایران کردند، ولی نیروهای شوروی از آذربایجان خارج نشد و پس از آنکه در زیر فشارهای سیاسی مجبور به خروج از ایران گردید، عناصر خائن و دست - نشاندہ‌ای را در آذربایجان و کردستان جانشین ارتش سرخ کرد که شاید آذربایجان عزیز را از ایران جدا کند، ولی در اثر فداکاری، پای‌مردی، شجاعت و حسن تدبیر، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، سربازان دلیر ایران در سال ۲۰۰۵ شاهنشاهی (خورشیدی) آشیانه خائنین را در آذربایجان و کردستان درهم کوبیدند که شرح دقیق عملیات آذربایجان و کردستان در صفحات بعد از نظر گرامی خوانندگان خواهد گذشت.



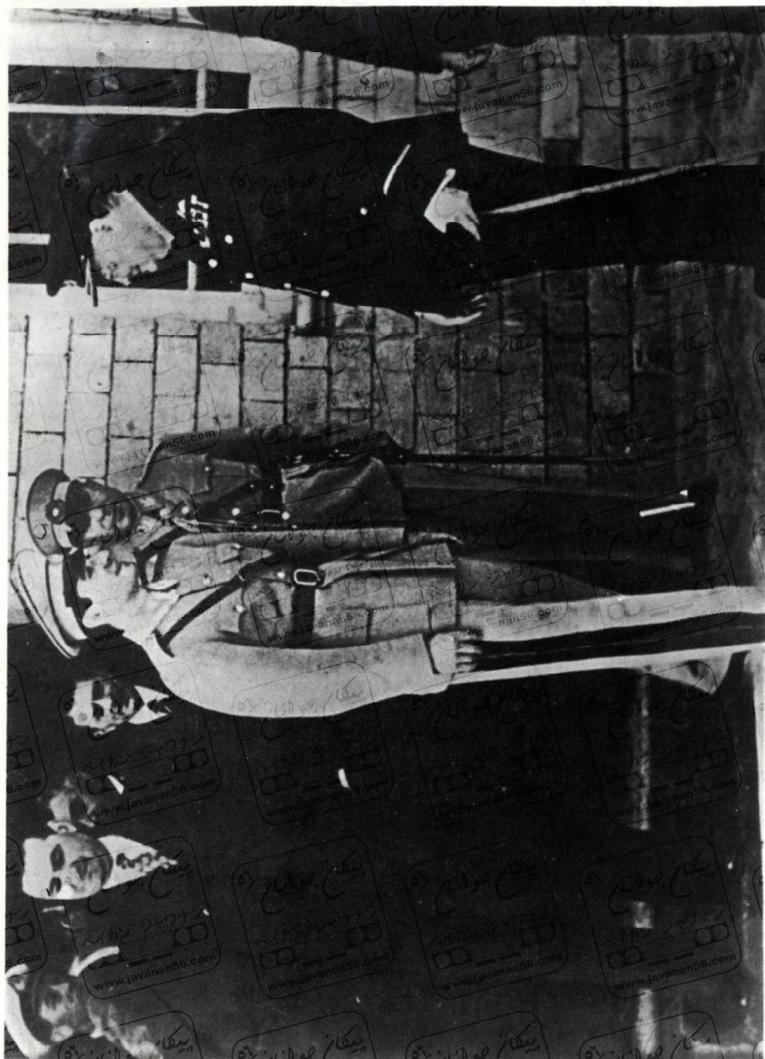
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در سال ۲۰۰۲ شاهنشاهی



اعلیحضرت هما یون شا هشتاد و نهم بزرگوار زینتاران هنگام مذاکره با ژنرال رئیس جمهوری وقت
ایالات متحده آمریکا در کنگراس تهرانبانامسال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی»



ژوزف استالین نخست‌وزیر وقت شوروی هنگام شرفیابی به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر
در کنفرانس تهران - آبان‌ماه سال ۱۳۵۲. شاهنشاهی «۱۳۲۲ خورشیدی»



وینستون چرچیل نخستوزیر وقت انگلستان هنگام تشریفاتی به پیشکامباز کبکسلر کانه در کیتوانس تیروان - آبانماه سال ۲۰۰۲ شاهنشاهی

سوء قصد به نجات مبارک شانه

پانزدهم بهمن ماه سال ۲۰۰۷ شاهنشاهی

عناصر خائن، فاسد، مرتجع و عمال بیگانه که شاه را چون خاری در چشم خود می‌دیدند و وجود نازنین او را سدی در مقابل مطامع خود مشاهده می‌کردند، تصمیم به نابودی شاه گرفتند تا شاید ملت ستم کشیده ایران از داشتن پدری مهربان، دلسوز و فداکار محروم شود. بهمین منظور در روز ۱۵ بهمن ماه سال ۲۰۰۷ شاهنشاهی (۱۳۲۷ خورشیدی) در موقعیکه شاهنشاه به محوطه دانشگاه تهران قدم نهادند تا دانشجویان و استادان دانشگاه را مورد مرحمت قرار دهند، دست خائنی بنام ناصر فخرآرایی از آستین خیانت بدرآمد و با اسلحه‌ای که در نقش عکاس در دوربین خود قرار داده بود، از فاصله چندمتری پنج تیر بسوی شاهنشاه شلیک کرد.

خداوند بزرگ، ایران و شاهنشاه ایران و ملت رنج کشیده ایران را که تمام امیدشان به شاه بود، از خطر حتمی نجات داد و نقشه خائنه بیگانه پرستان را نقش بر آب کرد. شاهنشاه بزرگ ایران از این سوء قصد ناجوانمردانه، معجزه آسا جان سالم بدر بردند و در راه خدمت به مردم ایران بیش از پیش استوارتر و مصمم‌تر گردیدند. شاهنشاه فقط چند ساعت پس از عمل جراحی از روی تخت خواب بیمارستان پیامی به ملت خود فرستادند که خود شاهد شجاعتی است در خور اعجاب:

«... اینگونه حوادث خللی به استحکام عقیده و ثبات من در راه خدمت به وطن نمی‌رساند، بلکه برای خدمت به کشور، حفظ مملکت و تأمین رفاه و آسایش مردم ثابت تر شده و از ایثار خون خود نیز دریغ نخواهم کرد...»



اعلی‌مقررت هادیون شاهنشاهی آریامهر بزرگ ارتشتاران چند ساعت پس از سقوط صمد بیاسی برای ملت ایران فرستادند.

از ملی شدن صنعت نفت تا قیام ۲۸ مرداد ماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی

در روز تاریخی ۲۹ اسفندماه سال ۲۵۰۹ شاهنشاهی (۱۳۲۹ خورشیدی) به فرمان شاهنشاه، مجلس شورای ملی صنعت نفت را در سراسر کشور ملی اعلام و از شرکت سابق نفت خلع بدیعل آمد و جریان نفت قطع گردید. ملی شدن صنعت نفت و قطع جریان آن موجب اقدامات شدید دولت انگلستان گردید، که شاهنشاه مردانه در مقابل تمام تهدیدهای خارجی ایستادگی فرمودند و حتی لنگر انداختن رزمناوهای انگلیسی در مقابل جزیره آبادان نیز نتوانست در اراده آهنین شاهنشاه در مورد احقاق حقوق حق ملت ایران خللی وارد آورد.

مذاکرات ایران با کشورهای انگلیس و آمریکا برای حل مسئله نفت ادامه داشت، ولی کشور در آتش هرج و مرج، اعتصاب، ناامنی و تحریکات خارجی و داخلی میسوخت و حزب منحل توده پس از روی کار آمدن دولت دکتر محمد مصدق دوباره به قدرت رسیده بود و فعالیتهای خانمان برانداز خود را با نامهای ظاهر فریب دیگری ادامه میداد.

وضع مالی کشور به علت قطع درآمد نفت و متوقف شدن چرخهای اقتصادی مملکت سخت آشفته بود و بیکاری و تحریک خارجی بر عوامل عدم ثبات و عوام فریبی می افزود.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران که بیش از دو سال نخست وزیر را برای حل مشکل نفت در اقدامات سیاسی آزاد گذارده بودند، مشاهده فرمودند که نخست وزیری دکتر مصدق بیش از این به صلاح کشور نیست و ادامه این روش ممکن است به سقوط کشور بیانجامد، در روز ۲۲ مردادماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی (۱۳۳۲ خورشیدی) نامبرده را از نخست وزیری خلع و سرلشگر زاهدی را بجای او مأمور تشکیل کابینه فرمودند، ولی مصدق باین فرمان که برابر قانون اساسی بود گردن نهاد و شاهنشاه نیز برای آنکه نیت حقیقی مصدق و هوادارانش بر افکار عمومی آشکار شود از کشور خارج شدند.

به دنبال خروج شاهنشاه از ایران، نقاب از چهره عوامل خارجی کنار رفت و دستجات مختلف میهن فروش، میدان را جهت خوش رقصی برای اربابان شناخته شده خود خالی دیدند.

ملت شاه دوست و حق شناس ایران حتی برای مدتی کوتاه هم دوری شاهنشاه را نتوانست تحمل کند و یکباره توده مردم ایران بهم پیوست و در هم آمیخت و فریاد زنان و زنده باد شاه گویان به خیابان ریخت و وزن و مرد بدون سلاح پیکر خود را جلوی گلوله و زیر تانک انداخت و سرانجام در غروب روز تاریخی ۲۸ مردادماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی (۱۳۳۲ خورشیدی) انقلابی بزرگ که از قلب فرد فرد مردم شاه دوست و میهن پرست

ایران سرچشمه گرفته بود، پیروز شد و حکومت دکتر مصدق سقوط کرد و زاهدی نخست‌وزیر شد و شاهنشاه بزرگ ایران در روز ۳۱ مردادماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی (۱۳۳۲ خورشیدی) در میان اشک شوق و استقبال کم نظیر صدها هزار ایرانی میهن - پرست به کشور بازگشتند و تلاش بی‌گهر و خستگی ناپذیری را برای ترمیم خرابیها و جبران عقب ماندگیهای چند ساله آغاز فرمودند:

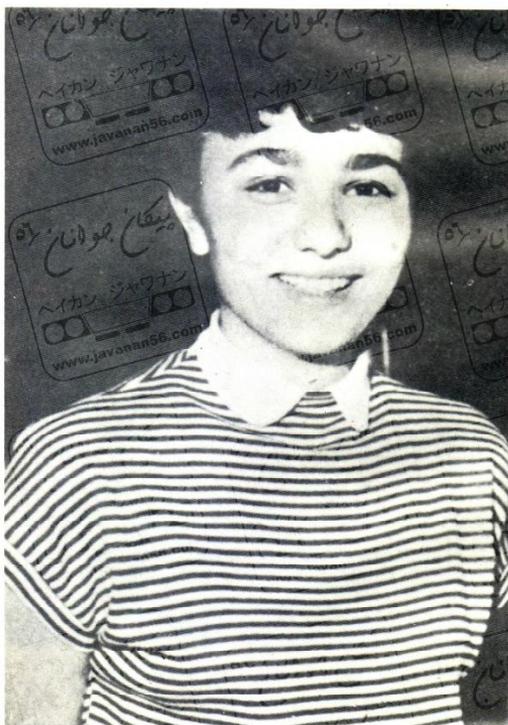


تصویری از یک صحنه پراحساس قیام ملت ایران در روز ۲۸ مرداد ماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی
«۱۳۳۲ خورشیدی»

انتخاب ملکه ایران وتولد والاحضرت وليعهد

وقتی تلاشهای شاهانه به ثمر رسید وثبات وامنیت همراه با رفاه نسبی اجتماعی به ایران بازگشت و وضع اقتصادی کشور سامان گرفت، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران تصمیم گرفتند با انتخاب یک دوشیزه اصیل ایرانی به افتخار همسری خود، به آرزوی دیرینه ملت ایران جامه عمل به پوشانند وچشم ایرانیان اصیل وشاهدوست را با تولد نورچشم ملت ایران روشن سازند.

در اجرای این تصمیم بزرگ پس از مدتها مطالعه ودقت، شاهین خوشبختی وسعدت بر سر درخانه دوشیزه فرح دیبا نشست واین دوشیزه اصیل وپاک نهاد ایرانی که قلبی به مهربانی قلب او کمتر یافت میشود، افتخار همسری شاهنشاه ایران را پیدا کردند.



دوشیزه فرح دیبا هنگام تحصیل در مدرسه ژاندارک تهران



علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی محبوب ایران همسری شایسته و فداکار برای شاهنشاه آرپامهر



علیا حضرت شهبانو: مادری بهرمان

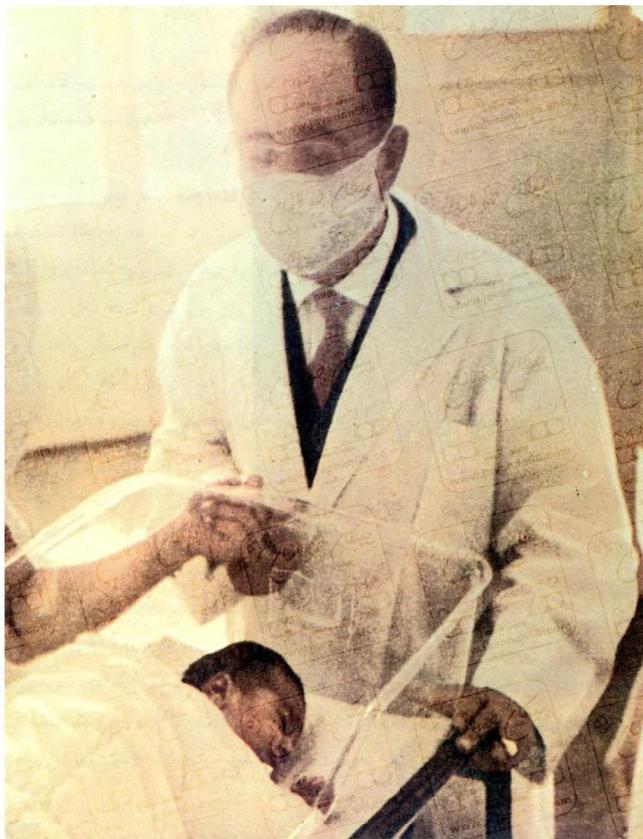
خبر مسرت بخش این انتخاب فرخنده در اوائل آبانماه سال ۲۰۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) در مطبوعات ایران و جهان موجی از سرور همگانی را برانگیخت و سرانجام مراسم نامزدی شاهنشاه با دوشیزه فرح دیا در روز اول آذرماه سال ۲۰۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) انجام شده و ۲۹ روز بعد یعنی در روز بیست و نهم آذرماه سال ۲۰۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) مراسم فرخنده عقد و ازدواج شاهنشاه با دوشیزه فرح دیا انجام، و این دوشیزه مهربان و خوشبخت شهبانو و ملکه محبوب ایران گردید.



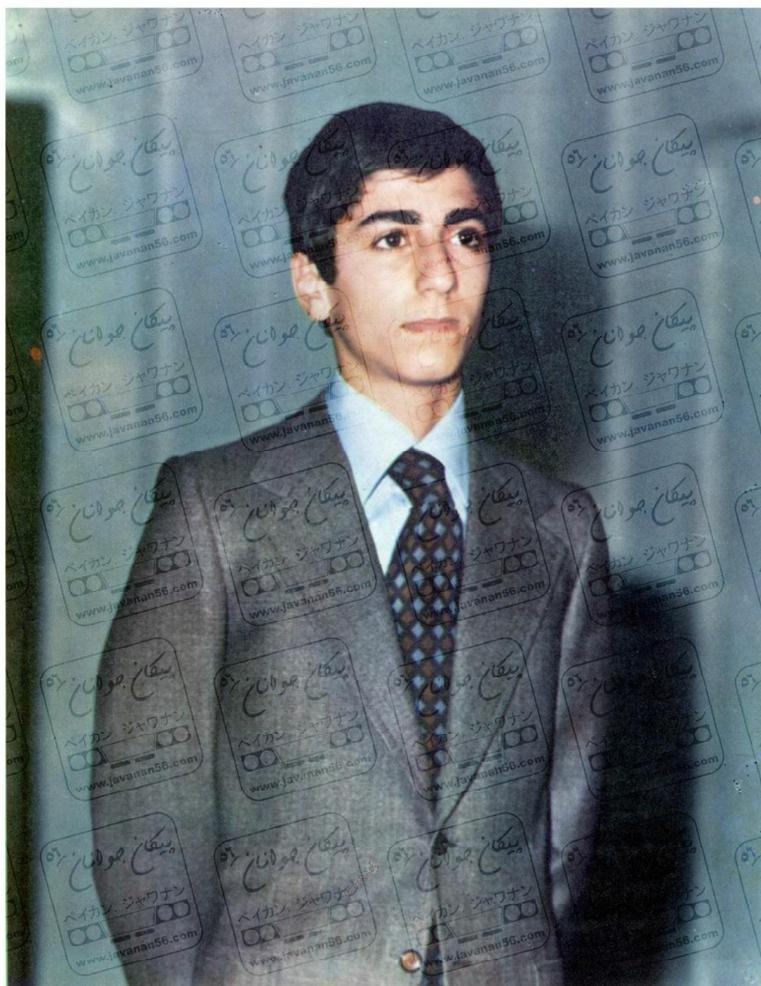
علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

حال چشم تمام ایرانیان به ملکه دوخته شده همه در انتظارند تا او آرزوی دیرینه ملت ایران را برآورد و ولیعهدی شایسته تقدیم شاهنشاه و ملت شاهدوست ایران نماید. این آرزوی بزرگ برآورده شد و در ساعت ۱۱/۵ صبح روز نهم آبانماه سال ۲۵۱۹ شاهنشاهی (۱۳۳۹ خورشیدی) علیاحضرت فرج شهبانوی ایران در بیمارستان حمایت مادران پسری بدنیا آوردند و ایران صاحب ولیعهد شد. تولد ولیعهد با شلیک ۴ تیر توپ به ملت اعلام شد و بلافاصله جشن و شادمانی در سراسر کشور آغاز گردید.

روز دهم آبان یعنی روز بعد از تولد ولیعهد تعطیل عمومی اعلام شد و ۱۹ نفر زندانی مورد عفو قرار گرفتند. در روز ۴ آبان نوزاد سلطنتی رسماً والاحضرت همایون رضا پهلوی نامیده شد و در روز ۱۴ آبان فرمان ولایتمهدی از طرف شاهنشاه بنام والاحضرت صادر گردید.



«ولادت با سعادت والاحضرت همایون ولایتمهد»



والاحضرت همایون ولایتعهد ایران درسال ۲۰۳۰ شاهنشاهی»

پس از قیام تاریخی ۲۸ مردادماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی (۱۳۳۲ - خورشیدی) شاهنشاه شخصاً کلیه طرحهای عمرانی و اقتصادی کشور را زیر نظر گرفتند، وضع مالی کشور روبه بهبود نهاد، ترمیم خرابیهای چندین ساله به سرعت آغاز شد، فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی رونق گرفت، صد‌ها کارخانه جدید تأسیس شد، چندین سد بزرگ بنا گردید، جاده‌ها آسفالت‌ه شده، خطوط جدید راه‌آهن احداث گردید، بهداشت عمومی بهبود یافت، برای سوادآموزی تلاش شد، در تمام جهات قدمهای بزرگ اصلاحی برداشته شد، ولی شاهنشاه بزرگ ایران هنوز این اقدامات را کافی نمی‌دانستند و همین دلیل برای از میان بردن فاصله موجود بین کشور ایران و کشور- های پیشرفته جهان، انقلابی همه جانبه را طرح‌ریزی و ابداع فرمودند که انقلاب شاه و ملت نام گرفت.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، بزرگ رهبر انقلاب
اجتماعی ایران، در روز تاریخی نوزدهم دیماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) در کنگره بزرگ روستائیان ایران منشور تاریخی انقلاب شاه و ملت را به مردم پیشنهاد فرمودند که ناگهان ۳ میلیون ایرانی یکدل و یک صدا به ندای رهبر عالیقدر خود در روز ششم بهمن‌ماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی جواب مثبت دادند و با اکثریتی شکننده منشور انقلاب را تصویب کردند.



تصویری از اجتماع روستائیان ایران در روز تاریخی نوزدهم دیماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بزرگ رهبر انقلاب اجتماعی ایران

اعلام منشور انقلاب مقدس شاه وملت، اساس جامعه ایرانی را به کلی دگرگون ساخت و آنرا بصورت اجتماعی پیشرفته و متری در سطح جهانی درآورد.
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، بزرگ رهبر عالیقدر انقلاب، درباره هدفهای انقلاب شاه وملت چنین می فرماید:

«..... تمام آنچه ما در حال حاضر انجام میدهیم و تمام آن برنامه هائیکه برای آینده کشور خویش طرح کرده ایم بر اصولی متکی است که هدف آن اصلاحات وسیع اجتماعی، سازندگی اقتصادی همراه با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفت های فرهنگی و احترام به باوری های معنوی و آزادیهای فردی و اجتماعی است...»

سوء قصد به شاهنشاه

« ۲۱ فروردین ماه سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی »

اقدامات انقلابی شاهنشاه به همان اندازه که مورد قبول و تصویب و پشتیبانی ملت نجیب و حق شناس ایران بود، به هیچوجه مورد رضایت مزدوران بیگانه و عوامل ارتجاع سرخ و سیاه نبود و شاهنشاه هنگام اعلام منشور انقلاب از این مشکل اطلاع کامل داشتند و خود را از پیش برای مقابله با عکس العملهای ناجوانمردانه خائنین و عمال بیگانه آماده فرموده بودند.

«..... عوامل ارتجاع سیاه که بغاظر حفظ منافع خود مایلند ملت ایران در غرقاب مذلت و فقر و بیعدالتی بماند و قوای مغرب سرخ که هدف آنها نابودی مملکت است، در تخریب این برنامه خواهند کوشید...»

پیش بینی شاهنشاه صورت تحقق یافت و عمال ارتجاع نخست غائله جنوب را به وجود آوردند و چون این غائله به وسیله نیروهای نظامی درهم کوبیده شد، همان عوامل تلاش کردند تا در خردادماه سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) با بر پا کردن بلوایی در تهران خللی در ارکان انقلاب شاه وملت و فاصله ای بین شاه و مردم بوجود آورند و چون از این راه نیز نتیجه ای عاید نگردید و دهان بیگانه پرستان در هم شکسته شد، ناجوانمردانه قصد جان شاه را کردند، قصد جان شاهنشاهی که حیات ملت و استقلال مملکت بسته به برکات وجود اوست.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در روز ۲۱ فروردین ماه سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی (۱۳۴۳ خورشیدی) در کاخ مرمر، به وسیله یک سرباز فریب خورده گارد شاهنشاهی هدف رگبار مسلسل از فاصله نزدیک قرار گرفتند که این اقدام نیز بی ثمر ماند و دست توانای خداوند بزرگ جان شاهنشاه ایران را از گزند تیر دشمنان حفظ فرمود و در راه حفظ سلامت شاهانه دو درجه دار شجاع شربت شهادت نوشیدند و برای خانواده خود افتخاری ابدی کسب کردند. و اهریمنان و بداندیشان نفرین ابدی ملت ایران را برای همیشه همراه خود نمودند.



استوار لشگری



استوار بابایان

دو نفر از درجه داران گارد شاهنشاهی که با نهایت شهامت در راه حفظ جان شاهنشاه آریامهر شربت شهادت نوشیدند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، پس از اطمینان کامل از ثبات و امنیت کشور و رفاه کامل ملت ایران در تاریخ چهارم آبان ماه سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) در کاخ گلستان رسماً طی تشریفات با شکوهی تاجگذاری فرمودند که مختصری از برنامه تاجگذاری ذیلاً تشریح میشود:

۱ - موکب مبارک اعلیحضرتین در ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه بامداد روز تاریخی چهارم آبانماه سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) در میان شور و احساسات کم نظیر مردمی که از ساعتها قبل در انتظار دیدار و زیارت رهبر عالیقدر خود بودند، با ترتیب زیر از کاخ مرمر حرکت کردند و به کاخ گلستان نزول اجلال فرمودند:

الف - یک گردان پیاده از گارد شاهنشاهی با دسته موزیک و پرچم در جلو.

ب - یک اسواران نیزه دار از گارد شاهنشاهی.

پ - کالسکه اعلیحضرتین.

ت - آجودان مخصوص اعلیحضرت سواره بحال شمشیر کش.

ث - درفش شاهنشاهی با اسکورت.

ج - کالسکه والا حضرت همایون ولایتعهد.

چ - آجودانهای مخصوص والا حضرت بحال شمشیر کش.

ح - یک اسواران نیزه دار از گارد شاهنشاهی.

۲ - موکب مبارک اعلیحضرتین، والا حضرت ولایتعهد و پس از توقف کوتاهی در تالار برلیان، به ترتیب شکوهمند زیر از تالار برلیان به تالار موزه که برای اجرای مراسم تاجگذاری آماده شده بود تشریف فرما گردیدند:

الف - نخست درفش شاهنشاهی در حالیکه ژنرال آجودان شاهنشاه در پیشاپیش آن و دو آجودان مخصوص بحال شمشیردوش در طرفین آن قرار داشتند، به تالار موزه وارد شد و در پشت تخت سلطنتی قرار گرفت.

ب - پس از استقرار درفش شاهنشاهی در محل مربوطه والا حضرت همایون ولایتعهد با تشریفات زیر وارد تالار موزه شدند و در سمت چپ تخت روی صندلی مخصوص جلوس فرمودند:

(۱) - رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی.

(۲) - فرمانده گارد شاهنشاهی بحال سلام با شمشیر.

(۳) - دو آجودان مخصوص بحال سلام با شمشیر در جلو.

(۴) - موکب والا حضرت همایون ولایتعهد.

(۵) - دو آجودان مخصوص بحال سلام با شمشیر در عقب.

(۶) - دونفر از رؤسای تشریفات شاهنشاهی.

(۷) - دو نفر از آجودانهای کشوری والا حضرت.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، پس از اطمینان کامل

از ثبات و امنیت کشور و رفاه کامل ملت ایران در تاریخ چهارم آبان ماه سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) در کاخ گلستان رسماً طی تشریفات با شکوهی تاجگذاری فرمودند که مختصری از برنامه تاجگذاری ذیلاً تشریح میشود:

۱ - موکب مبارک اعلیحضرتین در ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه بامداد روز تاریخی چهارم آبانماه سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) در میان شور و احساسات کم نظیر مردمی که از ساعتها قبل در انتظار دیدار و زیارت رهبر عالیقدر خود بودند، با ترتیب زیر از کاخ مرمر حرکت کردند و به کاخ گلستان نزول اجلال فرمودند:

الف - یک گردان پیاده از گارد شاهنشاهی با دسته موزیک و پرچم در جلو.

ب - یک اسواران نیزه‌دار از گارد شاهنشاهی.

پ - کالسکه اعلیحضرتین.

ت - آجودان مخصوص اعلیحضرت سواره بحال شمشیر کش.

ث - درفش شاهنشاهی با اسکورت.

ج - کالسکه والا حضرت همایون ولایتعهد.

چ - آجودانهای مخصوص والا حضرت بحال شمشیر کش.

ح - یک اسواران نیزه‌دار از گارد شاهنشاهی.

۲ - موکب مبارک اعلیحضرتین، والا حضرت ولایتعهد و پس از توقف کوتاهی در

تالار برلیان، به ترتیب شکوهمند زیر از تالار برلیان به تالار موزه که برای اجرای

مراسم تاجگذاری آماده شده بود تشریف فرما گردیدند:

الف - نخست درفش شاهنشاهی در حالیکه ژنرال آجودان شاهنشاه در پیشاپیش

آن و دو آجودان مخصوص بحال شمشیردوش در طرفین آن قرار داشتند،

به تالار موزه وارد شد و در پشت تخت سلطنتی قرار گرفت.

ب - پس از استقرار درفش شاهنشاهی در محل مربوطه والا حضرت همایون

ولایتعهد با تشریفات زیر وارد تالار موزه شدند و در سمت چپ تخت

روی صندلی مخصوص جلوس فرمودند:

(۱) - رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی.

(۲) - فرمانده گارد شاهنشاهی بحال سلام با شمشیر.

(۳) - دو آجودان مخصوص بحال سلام با شمشیر در جلو.

(۴) - موکب والا حضرت همایون ولایتعهد.

(۵) - دو آجودان مخصوص بحال سلام با شمشیر در عقب

(۶) - دو نفر از رؤسای تشریفات شاهنشاهی.

(۷) - دو نفر از آجودانهای کشوری والا حضرت.

پ - سه دقیقه پس از خاتمه استقرار والاحضرت ولایتعهد، علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران با تشریفات زیر وارد تالار شدند و در سمت راست تخت سلطنتی روی صندلی مخصوص جلوس فرمودند:

(۱) - پیشکار علیا حضرت شهبانو با عصای مرصع .

(۲) - جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتش تاران بحال سلام شمشیر .



اعلیحضرتین و والاحضرت همایون ولایتعهد پس از اجرای مراسم تاجگذاری در کاخ گلستان

(۳) - دواجودان مخصوص علیاحضرت بحال سلام شمشیر در جلو .

(۴) - علیاحضرت شهبانوی ایران .

(۵) - چهار ندیمه علیاحضرت شهبانو .

(۶) - دونفر از رؤسای تشریفات شاهنشاهی .

ت - سه دقیقه پس از خاتمه استقرار علیاحضرت شهبانو در محل مربوطه،

موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران با تشریفات زیر به تالار موزه وارد شدند و بر تخت سلطنتی نزول اجلال فرمودند:

(۱) - رئیس کل تشریفات شاهنشاهی با عصای مرصع، پنج قدم جلو

(۲) - رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران بحال سلام با شمشیر در جلو .

(۳) فرماندهان نیروهای زمینی - هوایی - دریائی - ژاندارمری و رؤسای شهربانی وسازمان امنیت به حال سلام شمشیر در دو صف .

(۴) - موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

(۵) - ده نفر آجودان مخصوص از نیروهای سه گانه بحال سلام باشمشیر .

(۶) - وزیر دربار شاهنشاهی - رئیس شورای عالی تاجگذاری - رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی .

(۷) - معاونین دربار شاهنشاهی .

(۸) - چهار نفر از رؤسای تشریفات .

(۹) - چهار نفر از آجودانهای کشوری شاهنشاه .

۳ - مراسم فرخنده و باشکوه تاجگذاری، در نهایت نظم در تالار موزه کاخ گلستان بشرح زیر انجام شد:

الف - آغاز مراسم بوسیله شیپور از حیاط کاخ اعلام گردید .

ب - حضرت آیت اله امام جمعه تهران با تفاق حاملان ائانه سلطنتی از جای خود حرکت کردند و در جلوی تخت سلطنتی در یک صف ایستادند .

پ - حضرت آیت اله امام جمعه تهران یک قدم بجلو رفت و خطبه تاجگذاری و آیه ای از قرآن مجید را قرائت کرد .

ت - اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، نخست کلام اله مجید را بوسیدند و بعد کمربند، شمشیر، شنل و بالاخره تاج سلطنتی را زیب تارک فرمودند و عصای سلطنتی را به دست مبارک گرفتند .

شد در این هنگام ۱۰۱ تیر توپ شلیک و از تمام گلنسته های مساجد، بانک اذان بلند شد و آهنگ مخصوص باستانی بوسیله تقاروچی ها



یکی از خصوصیات کاملاً استثنائی و انحصاری، مراسم تاجگذاری چهارم آبانماه ۲۵۲۶ شاهنشاهی، تاجگذاری علیاحضرت شهبانوی ایران بود، زیرا این افتخار در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران برای اولین بار به علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران تخصیص یافته است.

نواخته شد و دسته موزیک سلام شاهنشاهی را نواخت و هواپیماها در آسمان به پرواز درآمد.

ج - سپس حاملان تاج و شنل علیاحضرت شهبانو به جلو رفتند.
چ - علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران در جلوی شاهنشاه آریامهر زانو زدند و شاهنشاه بسمت مبارک تاج بر تارک علیاحضرت شهبانو قرار دادند و ندیمه‌ها شنل بر شانه شهبانو گذاردند.

ح - در این موقع علیاحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران خطاب به ملت ایران فرمایشاتی ایراد فرمودند و پس از تبریک و تهنیت خاندان جلیل سلطنت و نخست‌وزیر، علیاحضرتین با همان تشریفات از کاخ گلستان به کاخ مرمر مراجعت فرمودند در حالیکه رقص و شادی و پای کوبی ملت ایران تازه آغاز شده بود.

آئین باشکوه دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران

در مهرماه ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) پس از آنکه کشور ایران از برکات نهمساله انقلاب خلاق و سازنده شاه‌وملت گامهای بلندی در راه ترقی برداشت و فاصله خود را با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان کمتر و کوتاه‌تر نمود، بفرمان جهان مطاع مبارک علیاحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، بمنظور سپاس از کوروش بزرگ بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران و شناساندن ایران به جهانیان آئین بزرگ و جشن کم‌نظیر ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در پاسارگاد و تخت جمشید برگذار شد.

در این آئین باشکوه تخت جمشید پیوند ۲۵۰۰ ساله خویش را با جهان تجدید کرد، زیرا پادشاهان، رؤسای جمهور، سفیران و سیاستمداران ۶۸ کشور جهان از پنج قاره برای شرکت در بزرگداشت قدیمی‌ترین شاهنشاهی کبره‌زمین در تخت جمشید گرد آمده بودند.

در آئین گشایش جشن در پاسارگاد آرامگاه کوروش بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران، در مراسمی کم‌نظیر و شکوهمند خیره‌کننده علیاحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران خطابه‌ای بشرح زیر ایراد فرمودند:

«... کوروش، شاه بزرگ، شاه هخامنشی، شاه شاهان، از جانب من و ملت من بر تو درود باد. در این لحظه پرشکوه تاریخ ایران، من و همه ایرانیان، همه فرزندان این شاهنشاهی کهن که ۲۵۰۰ سال پیش بسمت تو بنیاد نهاده شد، در برابر آرامگاه تو سر ستایش فرود می‌آوریم و خاطره فراموش‌نشدنی تو را پاس میداریم. همه ما در این هنگام که ایران نو، با افتخارات کهن پیمان تازه می‌بندد، تو را بنام قهرمان جاویدان تاریخ ایران، بنام بنیان‌گذار کهنسال‌ترین شاهنشاهی جهان، بنام آزادی‌بخش بزرگ تاریخ، بنام فرزند شایسته بشریت، درود می‌فرستیم.»

کوروش ما امروز در برابر آرامگاه ابدی تو گرد آمده‌ایم ، تا بتو بگوئیم
آسوده بخواب زیرا که ما بیداریم و برای نجبانی میراث پر افتخار تو همواره بیدار
خواهیم بود .

سوگند یاد میکنیم که آن پرچمی را که تو دوهزاروپانصد سال پیش برافراشتی
همچنان برافراشته و باهتزاز نگهداریم . سوگند یاد می‌کنیم که بزرگی و سربلندی
این سرزمین را بعنوان ودیعه‌ای مقدس که گذشتگان ما بما سپرده‌اند ، با اراده‌ای
پولادین حفظ خواهیم کرد و این کشور را سربلندتر و پیروزتر از همیشه به آیندگان
خویش خواهیم سپرد .

سوگند یاد می‌کنیم که سنت بشر دوستی و نیک اندیشی را که تو اساس
شاهنشاهی ایران قراردادی همواره پاس خواهیم داشت و همچنان برای مردم جهان
پیام دوستی و حقیقت خواهیم بود . در این بیست و پنج قرن ، کشور تو و کشور من ،
شاهدسهمکین ترین حوادثی شد که در تاریخ جهان برای ملتی روی داده است .
و با اینهمه هرگز این ملت در برابر دشواریهای گران سر تسلیم فرود نیاورد .

در طول دوهزار و پانصد سال هر وجب از خاک این سرزمین ، با خون دلیران
و جانبازان ایران زمین آبیاری شد ، تا ایران همچنان زنده و سربلند بماند . بسیار کسان
بدین سرزمین روی آوردند تا آنرا از پای در آورند ، اما همه آنان رفتند و ایران برجای
ماند و در همه این ملت علیرغم تیرگیها ، این سرزمین فروغ جاویدان همچنان تجلی‌گاه



اعلیحضرت هما یون شاهنشاه آرماسهر بزرگ ارتشتاران فرمانشات مهم و تاریخی خویش را در پاسا رگاد بیان میفرمایند.

اخلاق و کانون ابدی اندیشه باقی ماند

اکنون ، ما در اینجا آمده ایم تا با سربلندی بتو بگوئیم که پس از گذشت ۲۵ قرن امروز نیز مانند دوران پرافتخار تو پرچم تو پرچم شاهنشاهی ایران ، پیروزمندانه در اهتزاز است . امروز نیز مانند روزگار تو نام ایران در سراسر گیتی با احترام و ستایش بسیار درآمیخته است . امروز نیز همانند عصر تو ایران در صحنه پراشوب جهان پیام آور آزادی و بشردوستی و پاسداری و بالاترین آرمانهای انسانی است . مشعلی که تو بر افروختی ، در طول ۲۵۰۰ سال هرگز در برابر تندبادهای حوادث خاموش نشد ، امروز نیز فروزانتر و تابناکتر از همیشه در این سرزمین نورافشان است و فروغ آن چون دوران تو از مرزهای ایران زمین بسیار فراتر رفته است .

کرووش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، آزادمرد ، آزاد مردان و قهرمان تاریخ جهان ، آسوده بخواب ، زیرا که ، ما بیداریم و همواره بیدار خواهیم بود»
پس از گذشایش جشن در پاسارگاد ، مراسم رژه باشکوه افواج مختلف ادوار ارتش شاهنشاهی ایران در تخت جمشید در ساعت ۴ بعد از ظهر روز جمعه ۲۳ مهرماه و سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) باشکوهی کم نظیر و نظم خیره کننده در پیشگاه مبارک اعلیحضرتین و میهمانان عالیقدر اجرا شد و این مراسم بوسیله رادیو تلویزیون در سراسر جهان از طریق اقمار مصنوعی پخش شد و جهان را به شگفتی واداشت .

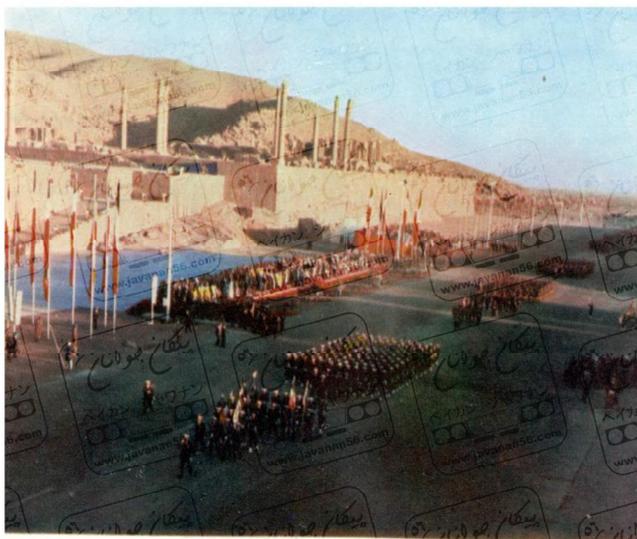


رژه یگانهای نمونه دوره های مختلف شاهنشاهی ایران «در جشن بنیان گذاری شاهنشاهی ایران»

دراین مراسم نمونه‌ای از ارتشهای هخامنشیان - اشکانیان - ساسانیان - صفاریان - دیلمیان - صفویان - افشاریان - زندیان - قاجاریه و دوران شکوهمند سلطنت غرورآفرین دوران پهلوی رژه رفتند .

مراسم شکوهمند جشن در پاسارگاد و تخت جمشید بملت سه روز و سپس در تهران ادامه یافت و مردم سراسر جهان را در مقابل عظمت شاهنشاهی بزرگ ایران زمین در حیرت و اندیشه باقی گذاشت . آنها که ایران را نمی‌شناختند آنها باز شناختند و آنها که ایران را می‌شناختند تازه فهمیدند که از عظمت این شاهنشاهی کههنسال اندک میدانسته‌اند و این همه قدست و قدرت را باید عمیق‌تر و شایسته‌تر شناخت .

حال که فرازونشیب‌های ۳۰ ساله کشور در دوران شکوهمند سلطنت غرور - آفرین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، فهرست‌وار تشریح گردید ، دوباره به عقب برمیگردیم و در گونیه‌ها و پیشرفتهای نیروی زمینی شاهنشاهی را از شهریورماه سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تا امروز از گرامی نظر خوانندگان ارجمند میگذرانیم .



رژه پگانه‌های نمونه دوره‌های مختلف شاهنشاهی ایران «در جشن بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران»

پیشرفت و درگونی :

تحولات در سازمان نیروی زمینی شاهنشاهی

نظر باینکه هرگونه اقدام اصلاحی مستلزم وجود تشکیلات منظم و صحیحی است که بتواند تحولات جاری را پذیرا باشد، به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همايون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در آبانماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ - خورشیدی) مقرر گردید که ستاد ارتش طرحهای جامعی درباره امور استخدامی و انتقالات و ترفیعات و آموزش و حمل و نقل و تدارکات و بالاخره بسیج همگانی تهیه و براساس آن تجدید نظر کلی در سازمان ارتش شاهنشاهی بوجود آید.

در اجرای فرمان مبارک شاهانه از تاریخ ۲۸ دیماه سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۲۱ خورشیدی) برابر فرمان عمومی ارتشی شماره ۵۴۴۵ تغییرات زیر در سازمان نیروی زمینی شاهنشاهی داده شد:

- ۱- لشکر ۵ جنوب باختر منحل شد.
- ۲- یک تیپ در بهمان تشکیل شد و از مجموع این تیپ و تیپ ۱۴ اهواز لشکر ۱۰ خوزستان بوجود آمد.
- ۳- تیپ مختلط مستقل ۱۲ کرمانشاه و تیپ مختلط ۱۳ لرستان مجموعاً لشکر ۵ لرستان را تشکیل داد و مرکز آن در خرم آباد تعیین شد.
- در سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) یار دیگر بنا بر نیازمندی و انطباق سازمان با تحولات آنروز جمعاً ۱۰ لشکر و دو تیپ به شرح زیر در نیروی زمینی شاهنشاهی سازمان یافت که براساس مسئولیت‌های منطقه‌ای دارای مأموریت‌های پدافندی در سطح کشور شدند:
- ۱- لشکرهای ۱ و ۲ در تهران.
- ۲- لشکر ۳ در آذربایجان خاوری (مرکز لشکر در تبریز).
- ۳- لشکر ۴ باختر (مرکز لشکر در سنندج).
- ۴- لشکر ۵ جنوب باختری (مرکز لشکر در خرم آباد).
- ۵- لشکر ۶ جنوب (مرکز لشکر در شیراز).
- ۶- لشکر ۷ جنوب خاوری (مرکز لشکر در کرمان).
- ۷- لشکر ۸ خاور (مرکز لشکر در مشهد).
- ۸- لشکر ۹ اصفهان.
- ۹- لشکر ۱۰ خوزستان (مرکز لشکر در اهواز).
- ۱۰- دو تیپ مستقل سوار مکانیزه در تهران.

تا سال ۲۰۰۴ شاهنشاهی (خوشیدی) سازمان مزبور همچنان بای
 برجا بود و تغییرات عمده‌ای در آن حاصل نشد، لیکن در این سال تیپ مستقل سوار
 مرکز به لشکر سوار تبدیل شد و متعاقب آن در سال ۲۰۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶
 خوشیدی) لشکر ۴ سنج و تیپ مستقل کردستان جانشین آن شد و لشکر سوار
 مرکز نیز در خردادماه همان سال منحل، و عناصر آن تعدادی به لشکر ۲ مرکز و
 تعدادی به گارد شاهنشاهی اختصاص داده شد و سرانجام لشکر ۱ مرکز نیز در سال
 ۲۰۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ خوشیدی) به لشکر ۱ گارد شاهنشاهی تغییر نام یافت.
 نظر باینکه هدایت و ادارهٔ یگانهای مستقر در مناطق مختلف کشور ایجاب
 میکرد که فرارگاههای عمده‌ای بمنظور هم‌آهنگ کردن لشکرها در نواحی بوجود
 آید، مملکت از لحاظ نظامی به ۵ ناحیه بشرح زیر تقسیم شد:

۱ - ناحیه ۱ مرکز.

۲ - ناحیه ۲ آذربایجان.

۳ - ناحیه ۳ باختر.

۴ - ناحیه ۴ جنوب.

۵ - ناحیه ۵ خاور.

در سال ۲۰۱۳ شاهنشاهی (۱۳۳۳ خوشیدی) نواحی پنجگانه بالا به این

شرح تغییر وضعیت یافتند:

۱ - ناحیه ۱ مرکز بنام سپاه ۱ مرکز.

۲ - ناحیه ۲ آذربایجان بنام سپاه ۲ آذربایجان.

۳ - ناحیه ۳ باختر بنام سپاه ۳ باختر.

۴ - ناحیه ۴ جنوب بنام سپاه ۴ جنوب.

۵ - ناحیه ۵ خاور بنام سپاه ۵ شمال خاور.

۶ - لشکر اهواز و لشکر لرستان از تابعیت سپاه ۵ جنوب خارج وزیر امر مستقیم

نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفتند، تا سپاه ۴ را تشکیل دهند.

به علت پیشرفت روزافزون تکنولوژی و پایداری کارآمدن جنگ‌افزارها و وسائل

مدرن و توسعهٔ مداوم نیروهای مسلح شاهنشاهی در عصر خجستهٔ سلطنت پراتخار

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، لزوم تفکیک نیروهای سه‌گانه

از یکدیگر احساس شد و به همین مناسبت در تاریخ یکم شهریورماه سال ۲۰۱۴

شاهنشاهی (۱۳۲۴ خوشیدی) به فرمان مطاع مبارک شاهانه یک تجدیدنظر کلی

در سازمان نیروهای مسلح شاهنشاهی به عمل آمد و طی آن نیروهای هوایی و دریائی

از تابعیت ستاد ارتش خارج و هر یک از نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریائی، ستاد

جدگانه‌ای تشکیل، و از نظر هماهنگی تابع ستاد کل گردیدند، تا از طریق ستاد

کل گزارشات خود را به پیشگاه مبارک شاهانه تقدیم، و از همان طریق فرامین لازم را جهت اجرای مأموریت‌های محوله دریافت دارند.

در دیماه سال ۲۵۱۵ شاهنشاهی (خورشیدی) عنوان ستاد کل به ستاد بزرگ ارتشتاران تبدیل شد و نیروهای سه گانه در اجرای مأموریت‌های محوله آزادی عمل بیشتری پیدا کردند.

بدنبال تفکیک ستادهای نیروهای سه گانه در تاریخ ۲۲ بهمن ماه سال ۲۵۱۶ شاهنشاهی (۱۳۳۶ خورشیدی) بپست فرماندهی نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ایجاد شد و هر نیرو در اجرای مأموریت خود صاحب یک فرماندهی مستقل گردید.

در سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) قرارگاه‌های سپاه‌های تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی منحل و دو قرارگاه ارتش بوجود آمد، که مرکز ارتش یکم در تربت حیدریه و مرکز ارتش دوم در کرمانشاه مستقر شد.

در سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) یک قرارگاه هم‌مطراز ارتش بمنظور هدایت یگان‌های آموزشی و فرهنگی در شیراز تشکیل شد، که این قرارگاه بعدها به قرارگاه ارتش سوم تغییر نام داد.

در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) قرارگاه‌های ارتش منحل و قرارگاه‌های سپاه جانشین آنها گردید و این قرارگاه‌ها نیز در سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی منحل و لشکرها و تیپ‌های مستقل زیر نظر فرماندهی و ستاد نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت.

آموزش نیروی زمینی شاهنشاهی

دگرگونی‌های آموزشی

در بخش دوم به چگونگی تشکیل مدارس نظام و تحولات آموزشی که در استحکام زیربنای ارتش ایران تأثیر فراوانی داشت، اشاره شد. در این بخش پیشرفتهای حاصله در امر آموزش را در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم مورد بررسی قرار داده، خوانندگان این کتاب را با کیفیت آموزش و سازمان‌هایی که در پیشبرد این هدف مؤثر بوده‌اند آشنا میسازیم.

تا سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۲۴ خورشیدی) برنامه آموزشی منظم و مدونی که اساس کار یگان‌های نیروی زمینی شاهنشاهی در آموزش پرسنل قرار گیرد، بآن مفهوم که متداول امروز است وجود نداشت، و هر فرمانده یگان با توجه به آئین - نامه‌های محدود و مختصر آن زمان و سوابقی که از سال‌های قبل در آن سازمان وجود

داشت برنامه‌ای تنظیم میکرد و آنرا به مورد اجرا میگذاشت.

در سال ۲۵۰۵ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی) پس از یک سلسله تحقیقات و بررسی‌های عمیق، نخستین برنامه آموزشی یکساله که شامل دو مرحله مقدماتی و تکمیلی بود، تنظیم و جهت اجرا به یگانهای نیرو و ابلاغ شد، که به علت بیسواد بودن قسمت اعظم پرسنل وظیفه، و کافی نبودن تعداد افسران کارآزموده و مطلع در امر آموزش، نتیجه مطلوب حاصل نشد. اما زمینه را برای تحولات بعدی آماده کرد.

در سال ۲۵۱۳ شاهنشاهی (۱۳۳۳ خورشیدی) برنامه‌های آموزشی بر حسب نیازمندی و با توجه به تجارب گذشته تغییر کرد و مدار آموزش بر اساس مراحل ۱۳ هفته‌ای تنظیم گردید، که سه دوره در هر سال اجرا میشد. عامل اصلی ایجاد تغییرات در برنامه‌های آموزشی، با سواد شدن سریع افراد وظیفه و اعزام فارغ التحصیلان دیپلمه به سرپازخانه‌ها و بالا رفتن سطح دانش و اطلاعات عمومی پرسنل بود که بتدریج، طول مدت آموزشهای انفرادی را کاهش داد و تلاش اصلی را در جهت آموزشهای یگانی (دسته‌ای، گروهانی و گردانی) متمرکز ساخت و سرانجام با ایجاد مراکز آموزش وظیفه و مراکز فرهنگی تخصصی به موازات تجربیاتی که از این روشها بدست آمده بود، در سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) برنامه‌های سالانه آموزشی در یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی تنظیم شد، که هم اکنون نیز همین رویه در جریان است و در پایان هر مرحله آموزش، برابر نمونه ویژه‌ای از یگانها برای تعیین ارزش رزمی و پیشرفت آموزش آنها آزمایشاتی بعمل میآید.

علاوه بر تحولات و دگرگونیهایی که در امر برنامه‌های آموزشی در جهت بالا بردن سطح دانش نظامی انفرادی و یگانی بوجود آمد، یکی از مهمترین اقداماتی که در افزایش قدرت رزمی این نیرو در سالهای بعد از شهریور سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) به عمل آمد، تمرینات پاسگاه فرماندهی و تمرینات صحرائی است که در اصطلاح کلی بنام مانور از آن نام برده میشود. یعنی تمرین جنگی در مقیاس بزرگ (تیپ و لشکر).

وجه تمایز تمرینات صحرائی گذشته را با آنچه که در سالهای بعد از شهریور سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تا عصر حاضر صورت میگیرد میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱ - طرح ریزی مانورها بر اساس مدارک بسیار محدود و نارسای موجود آن زمان و همچنین سطح دانش نظامی افسران وقت انجام میگرفت و در نتیجه به صورتی ناقص ارائه میشد.

۲ - اکثر طرحها متکی به مسائل پدافندی بود و به روحیه تعرضی که برای پرورش فکری و جسمی پرسنل نظامی و ایجاد رشادت، شهامت و جسارت افراد در عملیات ضرورت قاطع دارد، توجه کافی معمول نمیشد.

۳ - به سبب کمبود وسائل وعدم تجربه و مهارت افسران در هدایت و رهبری یگانهای بزرگ، تمرینات صحرائی در رده‌های کوچک و در مناطق محدود انجام، و در نتیجه ارزیابی میزان قدرت رزمی به ویژه انعطاف و تحرک در یگانهای نیرو بر اساس قواره و روش منظم و صحیح مقدور نبود.

۴ - مسائل لجستیکی که از مهمترین عوامل شکست ویا پیروزی یگانهای نظامی است، به سبب عدم گسترش عملیات صحرائی در مقیاس وسیع در معرض آزمایش و ارزیابی قرار نماند و فعال نمودن سیستم‌های آمادی به طریقی که امروز مورد نظر است اساساً مطرح نبود.

۵ - جایگاهی یگانهای رزمی جز در چند کیلومتری مناطق مربوطه، آنهم در کارهای کوچک عملی نمیشد و باین ترتیب آشنائی پرسنل نظامی با مناطق مختلف کشور و آگاهی به شرایط اقلیمی و جوی متفاوت، از مسائلی بود که چندان مورد توجه قرار نداشت و طبعاً در کاهش قدرت رزمی یگانها تأثیر فراوان میکرد.

۶ - همکاری رشته‌های مختلف در اجرای یک مأموریت تاکتیکی بر پایه اصول صحیحی نبود.

۷ - بطور کلی تمرینات صحرائی بدون اجرای تیراندازی انجام میشد و اگر در بعضی موارد مبادرت به تیراندازی میشد مهمات آن مشقی یا مانوری بود و از مهمات جنگی به ندرت استفاده میگردد.

۸ - همکاری نیروی زمینی و هوائی به علت محدودیت پشتیبانی هوائی و عدم مهارت پرسنل در کاربرد این روش انجام نمیشد و یگانهای اجراء کننده مانور اغلب همان یگانهای پیاده عادی و سوار نظام اسی بودند، که با یک تغییر مکان کوتاه از سربازخانه به مناطق مانور بدون رعایت اصول و قواره‌های تاکتیکی و پیروی از روش‌های صحیح لجستیکی، چند روزی را در صحرا میگذرانیدند و فقط از لحاظ جسمی و وزیدگی پیدا میکردند.

بعد از سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) که به همت والای اعلیحضرت همايون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشاران بار دیگر ثبات و امنیت در کشور به وجود آمد و کانونهای فساد و بیگانه پرستی درهم ریخته شد، نقش ارتش شاهنشاهی در تأمین امنیت و حفظ استقلال و یکپارچگی کشور به عنوان یک پشتوانه عظیم تجلی نمود و توجه باین سازمان بزرگ چه از لحاظ حیثیت و اعتبار آن در جامعه و چه از نظر افزایش قدرت آن در جهت حفظ منافع ملی در برنامه‌های اساسی دولتها مورد نظر قرار گرفت و بهمین سبب ترتیبی داده شد که نیروی زمینی شاهنشاهی با اعزام افسران جوان به کشورهای پیشرفته، تصویر روشنی از رویدادهای مهم در ارتشهای مترقی بدست آورد، وزیربنای محکمتری در راه وصول به پیشرفتهای بیشتر بی‌ریزی نماید. در تعقیب این هدف، نخست شالوده سازمان منظمی که بتواند این تحولات را

پذیرا باشد ریخته شد و سپس به همان نحو که در فصل مربوط به سازمان تشریح گردید، انعطاف‌پذیری یگانهای نیرو در کاربرد تاکتیکی و تجهیز این یگانها با آخرین پدیده‌های تکنولوژی در امور نظامی بعنوان منشاء اصلی فعالیتها اختیار شد.

پس از اینکه کار سازمان‌دهی یگانهای نیرو در مسیر منطقی و منظمی قرار گرفت و برنامه‌های آموزشی تدوین شد، به تدریج موضوع استفاده از تجارب و اطلاعات مستشاران خارجی به میان آمد و با ایجاد ارتباط مستقیم بین مراکز پژوهشی نیروی زمینی شاهنشاهی و ارتشهای پیشرفته جهان، آخرین دگرگونیها در زمینه‌های تکنولوژی نظامی، کاربرد تاکتیکی یگانها، مسائل لجستیکی و طرح‌ریزی‌های ستادی به نحوی که با شرایط ویژه این سرزمین و آداب و رسوم و سنن ملی و خصوصیات روحی مردم کشور ما هماهنگی داشته باشد، مورد بررسی قرار گرفت و برای پیاده کردن این طرحها، سازمانهایی بوجود آمد که بنام مراکز آموزشی و مراکز فرهنگی نیرو فعالیت خود را شروع کردند. نظر به اینکه سازمانهای مزبور از پدیده‌هایی هستند که در پیشبرد آموزش پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی تأثیر فراوانی داشته‌اند، مختصری پیرامون هر یک از این مراکز فرهنگی در صفحات بعد توضیح داده میشود.

دبیرستان نظام

دبیرستان نظام که به همت والای سردار بزرگ تاریخ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیان‌گذاری شد، یکی از مؤسسات فرهنگی و قدیمی ارتش شاهنشاهی است، که سالیان دراز در نهایت نظم و ترتیب مدارج تکامل را پیموده و همواره پشتمان‌ای در جهت تأمین دانشجوی واجد شرایط برای دانشکده افسری بوده است. دبیرستان نظام که تا چندی قبل از نظر سازمان تابع دانشکده افسری بود و از آغاز سال ۲۰۳۰ شاهنشاهی بصورت یک سازمان مستقل وزیر امر نیروی زمینی شاهنشاهی درآمد، از لحاظ دروسهای کلاسیک از برنامه‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش پیروی میکند.

دبیرستان نظام در سالهای اخیر توسعه و تکامل زیادی پیدا کرده و توجه مخصوصی به آن معطوف میشود. هم‌اکنون در یادگان اقدسیه (شمال تهران) ساختمان جدید و مدرن دبیرستان نظام نمونه در دست اقدام است.

دانشکده افسری

دانشکده افسری که به تاریخچه بنیاد و گسترش آن قبلاً اشاره شد اولین سازمان سازنده افسر در نیروی زمینی شاهنشاهی، و دروازه ورودی جوانان شایسته کشور به خدمت مقدس سربازی است.

این مؤسسه عالی فرهنگی و نظامی که امروز با پیشرفته‌ترین دانشکده‌های کشور از نظر نحوه آموزش، و با مدرن‌ترین دانشکده‌های افسری بزرگترین کشورهای



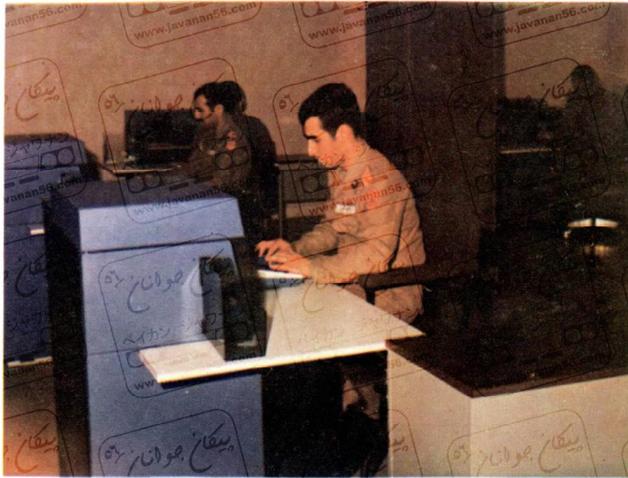
اعلیحضرت همايون شاهنشاه آريامهر بزرگ ارتشداران هنگام تحصیل در ديستان نظام

جهان از نظر علمی و نظامی رقابت مینماید، همه ساله از بین جوانان دیپلمه داوطلب واجد شرایط کشور، پس از انجام آزمایشات کامل علمی و جسمانی تعداد دانشجوی مورد نیاز خود را از سالمترین، با هوشترین و شایستهترین داوطلبان انتخاب، و لباس مقدس سرپازی را زیب پیکر برارزنده آنان مینماید.

اساس برنامه آموزش امروز دانشکده افسری بر علوم پایه گذاری شده و فقط بخش اندکی از آنرا آموزشهای نظامی دربر میگیرد. دانشجویان در طول مدت سه سال تحصیل باید ۱۲۰ واحد آموزشی علمی را درشش نیمسال تحصیلی فراگیرند و آموزش نظامی تخصصی را بلافاصله پس از پایان دوره دانشکده افسری، در دیگر مراکز فرهنگی بنام دوره مقدماتی دنبال نمایند، آموزش علمی بوسیله مجربترین استادان ارائه شده و در مدرنترین آزمایشگاهها، با جدیدترین متدهای آموزشی و با استفاده از پیشرفتهترین تکنولوژی از نظر کمک آموزشی دنبال میگردد. مانند: آزمایشگاه اتم - آزمایشگاه الکترونیک - آزمایشگاه ترمودینامیک - آزمایشگاه الکتروتکنیک - آزمایشگاه زبانهای خارجی - مرکز کامپیوتر - تلویزیون مدار بسته - تلویزیون کاست و دیگر وسائل کمک آموزشی مشابه.



تصویری از آزمایشگاه مجهز و مدرن ترمودینامیک در دانشکده افسری



تصویری از کلاس آموزش عمل کامپیوتر در دانشکده افسری



تصویری از کلاس آموزش مهندسی در دانشکده افسری

به همین دلیل گواهینامه پایان دوره تحصیلی دانشکده افسری از طرف وزارت علوم و آموزش عالی معادل لیسانس علوم شناخته و ارزیابی گردیده است. بدیهی است دروس نظامی و برنامه های اردوئی علاوه بر مطالب علمی قسمت دیگری از آموزشهای دانشجویان دانشکده افسری را تشکیل داده، و همچنین ورزش بطور گسترده در تمام رشته ها و با استفاده از کلیه امکانات مدرن و کامل، پاره ای جدانشدنی از برنامه روزانه دانشجویان ورزیده دانشکده افسری است و پرورش جسم همپای پرورش روان از یک جوان نورسیده، پس از سه سال مردی کامل، تحصیل کرده، نیرومند، سالم و کارآزموده میسازد.

دوره دانشکده افسری سه سال است و دانشجویان در تمام طول مدت تحصیل شبانه روزی هستند و تمام امکانات زیست و تغذیه و لباس و دیگر نیازمندی های آنان از طرف ارتش شاهنشاهی تأمین میشود. ضمناً به دانشجویان در طول مدت سه ساله تحصیل ماهیانه مبلغ قابل توجهی به عنوان حقوق ویا کمک هزینه تحصیلی پرداخت میشود، که در صورت صرفه جوئی و پس انداز میتواند اندوخته قابل توجهی را برای شروع زندگی اجتماعی فردای او تشکیل دهد.



تصویری از کلاس آموزش زبان در دانشکده افسری که مجهز به جدیدترین وسائل کمک آموزشی سمعی و بصری است



۲۹۵

دانشجویان دانشکده افسری همه ساله دوباره در اردوگاههای مختلف، آموزش صحرائی را عملاً تمرین نموده و سپس در شهریورماه یکماه تعطیل میباشند.

دانشکده افسری در سوم مهرماه هر سال جشن سردوشی و جشن فارغ التحصیلی خود را توأم در خجسته پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ - ارتشداران برگزار و دانشجویان و کادر دانشکده افسری به دیدار فرمانده تاجدار خود مفتخر و سرافراز میگردند.

فارغ التحصیلان دانشکده افسری به درجه ستواندومی از نظر نظامی، و به دریافت لیسانس از نظر علمی مفتخر، و با توجه به ذوق، استعداد و نیازهای نیروی زمینی شاهنشاهی به رشته های مختلف تقسیم، و جهت طی دوره مقدماتی رشته ای که باید آنرا دوره فوق لیسانس نامید، به مراکز آموزشی مختلف نیروی زمینی شاهنشاهی فرستاده میشوند.



نمونه ای از آسایشگاههای مدرن دانشجویان دانشکده افسری



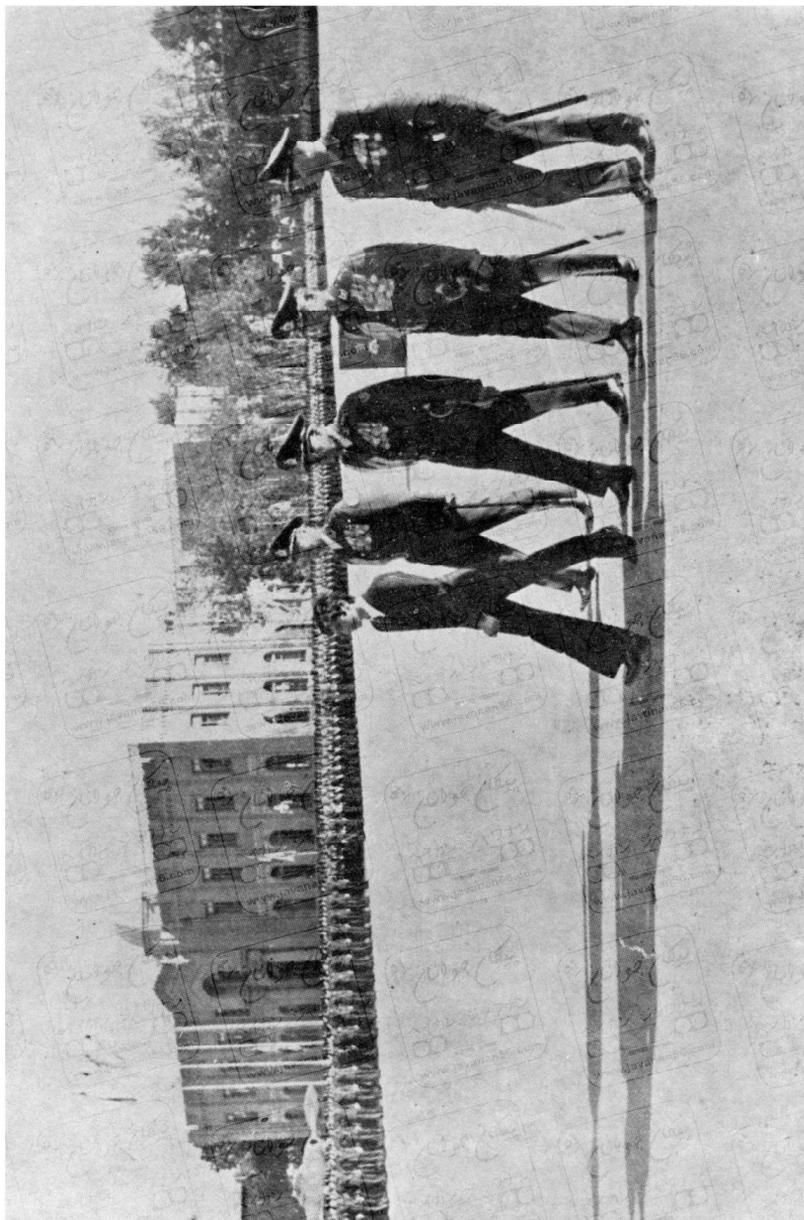
تشریف‌رمانی اعلیحضرت همايون شاهنشاه آريامهر بزرگ ارتشاران به دانشكده الفري « مراسم بايان تحصيلي درسال ۲۰۳۴ شاهنشاهی



تشریف‌رسانی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران به دانشکده افسری
«مراسم پایان تحصیلی ۲۵۳۵ شاهنشاهی»



سالن مجهر ومدرن غذاخوری دانشجویان دانشکده افسری



اجرای مراسم سان در حضور و الاحضرت همايون ولايتعهد در دانشگاه اسرى «مراسم بايان تحصيل ۲۰۳۳ شاهنشاهی»

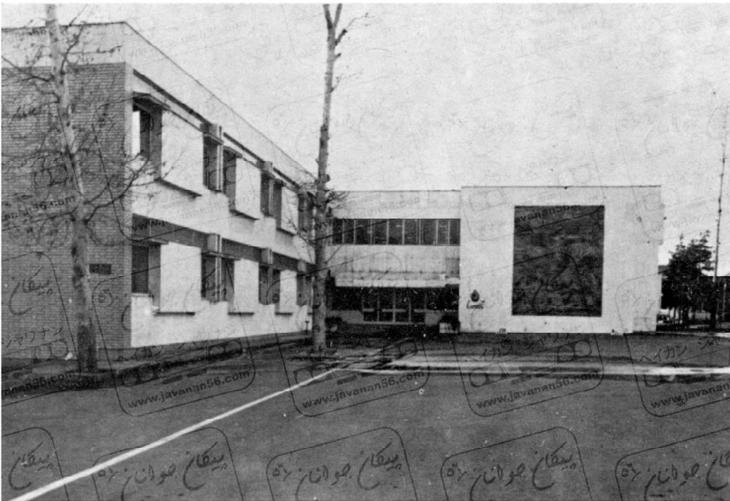
دانشکده فرماندهی و ستاد

بمنظور تربیت فرماندهان لایق و برجسته برای یگانهای بزرگ نیروی زمینی شاهنشاهی، دانشگاه جنگ در اول مردادماه سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ خورشیدی) به فرمان مبارک اعلیحضرت رضاشاه کبیر، به فرماندهی سرلشگر امان‌اله جهانبانی تأسیس شد.

بعلت عدم وجود استاد واجد شرایط ایرانی برای تدریس در این دانشکده بزرگ، سرلشگر جهانبانی شش نفر از افسران واجد شرایط استادی بشرح زیر از ارتش فرانسه بخدمت دعوت کرد:

- | | |
|-------------------|--------------------------|
| ۱- سپهبد ژاندار | مدیر دروس دانشگاه جنگ |
| ۲- سرهنگ هانره | استاد توپخانه |
| ۳- سرگرد فارو | استاد تاکتیک عمومی |
| ۴- سرگرد پیشو | استاد مهندسی |
| ۵- سروان رایینو | استاد پیاده نظام |
| ۶- سروان دولاشومه | استاد سوارنظام و زره‌پوش |

دانشگاه جنگ با کمک استادان فرانسوی بنیاد گرفت. دوره این دانشکده نخست شش ماه بود و سپس با توجه به حجم مواد آموزشی دوره آن به دو سال تبدیل شد.



نمای خارجی ساختمان جدید دانشکده فرماندهی و ستاد (تالار سورنا)



تشریف‌فرمائی اعلیٰحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بدانسکده فرماندهی وستاد
مهرماه سال ۲۵۳۲ شاهنشاهی

افسران برجسته فارغ التحصیل دانشگاه جنگ کم کم جای افسران و استادان خارجی این مؤسسه عالی آموزشی را اشغال کردند و دانشگاه جنگ با داشتن استادان لایق و واجد شرایط ایرانی تا شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) به مأموریت خود ادامه داد.

در شهریورماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی بعلت اشغال ناجوانمردانه ایران تمام چرخهای فعال کشور واز جمله پیشرفت کار دانشگاه جنگ مواجهه با اشکال گردید و این دانشگاه الزاماً درسال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) تعطیل شد.

پس از پایان جنگ دوم جهانی و مشکلات و مصائب ناشی از جنگ، چون غائله آذربایجان و فتنه کردستان، دانشگاه جنگ درسال ۲۵۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶

خورشیدی) به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همايون شاهنشاه آريامهر بزرگ ارتشتاران دوباره بنياد گرفت و دورهٔ تحصيلی آن يكسال مقرر گردید.

بمنظور تأمین فرماندهان و افسران ستاد شایسته برای یگانهای بزرگ ارتش شاهنشاهی، در دیماه سال ۲۰۲۰ شاهنشاهی (۱۳۴۰ خورشیدی) در اجرای فرمان همايوني دانشگاه جنگ دارای دودانشکده شد:

۱ - دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد.

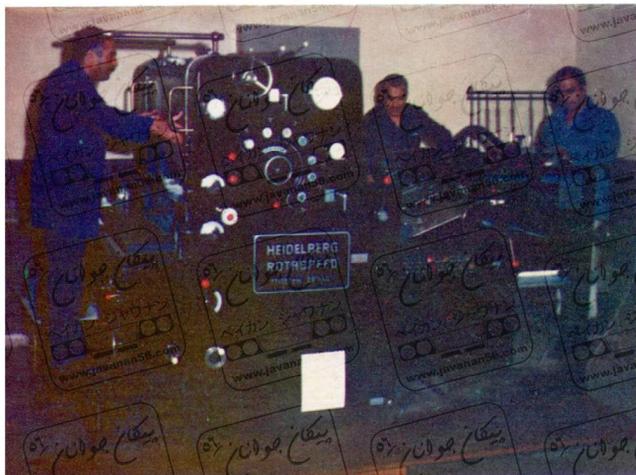
۲ - دانشکدهٔ فرماندهی عالی و ستاد مشترك.

در اسفند ماه سال ۲۰۲۴ شاهنشاهی (۱۳۴۴ خورشیدی) دانشگاه جنگ تقسیم گردید و دودانشکدهٔ مجزا و مستقل را تشکیل داد:

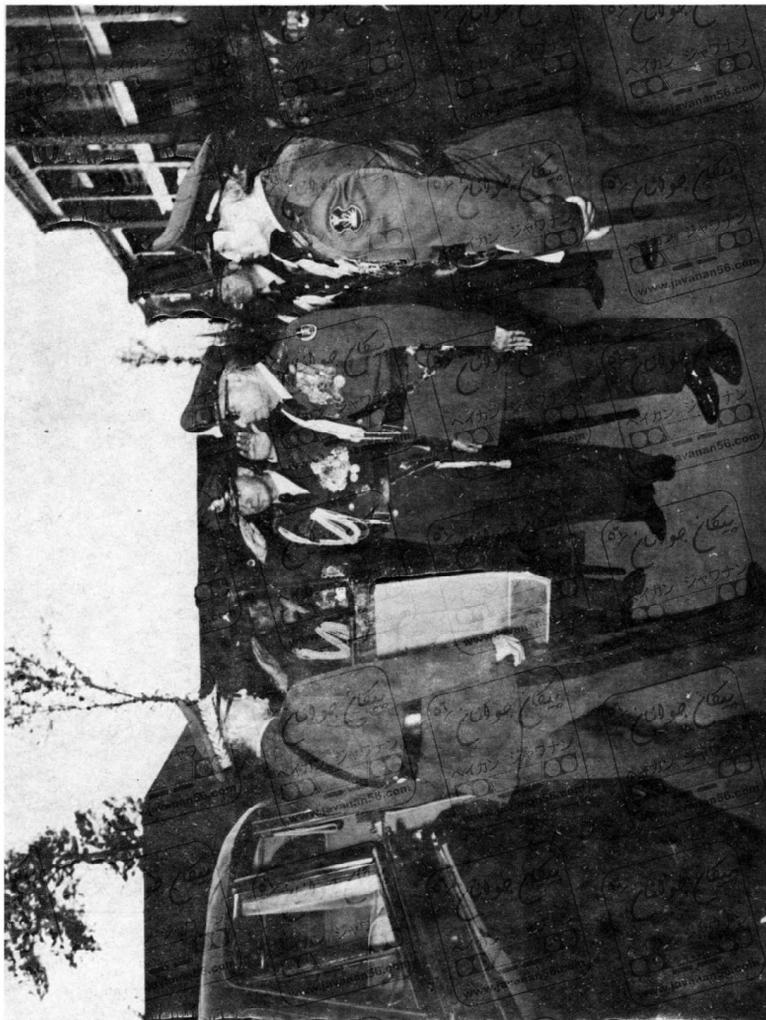
۱ - دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد در محل سابق دانشگاه جنگ تحت کنترل نیروی زمینی شاهنشاهی.

۲ - دانشکدهٔ فرماندهی عالی و ستاد مشترك که امروز بنام دانشگاه پدافند نامیده میشود تحت کنترل ستاد بزرگ ارتشتاران.

دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد همه ساله دانشجویان خود را با اجرای آزمایش مشروح ورودی از بین لایق‌ترین و شایسته‌ترین افسران نیروی زمینی شاهنشاهی که حداقل دوسال از خاتمه دوره عالی رسته‌ای آنها گذشته باشد انتخاب و بمنظور تأمین کادر فرماندهی و تربیت افسران ستاد شایسته برای یگانهای بزرگ نیروی زمینی شاهنشاهی به آنها بملت یکسال آموزش میدهند.



تصویر قسمتی از چاپخانهٔ مجهز دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد



تشریف‌آوردانی اعلی‌حضرت همايون شاهنشاه آرياسهر بزرگ آريشاران بدانشكده فرمادهي وستاد
«۲۰۳۰ شاهنشاهی»

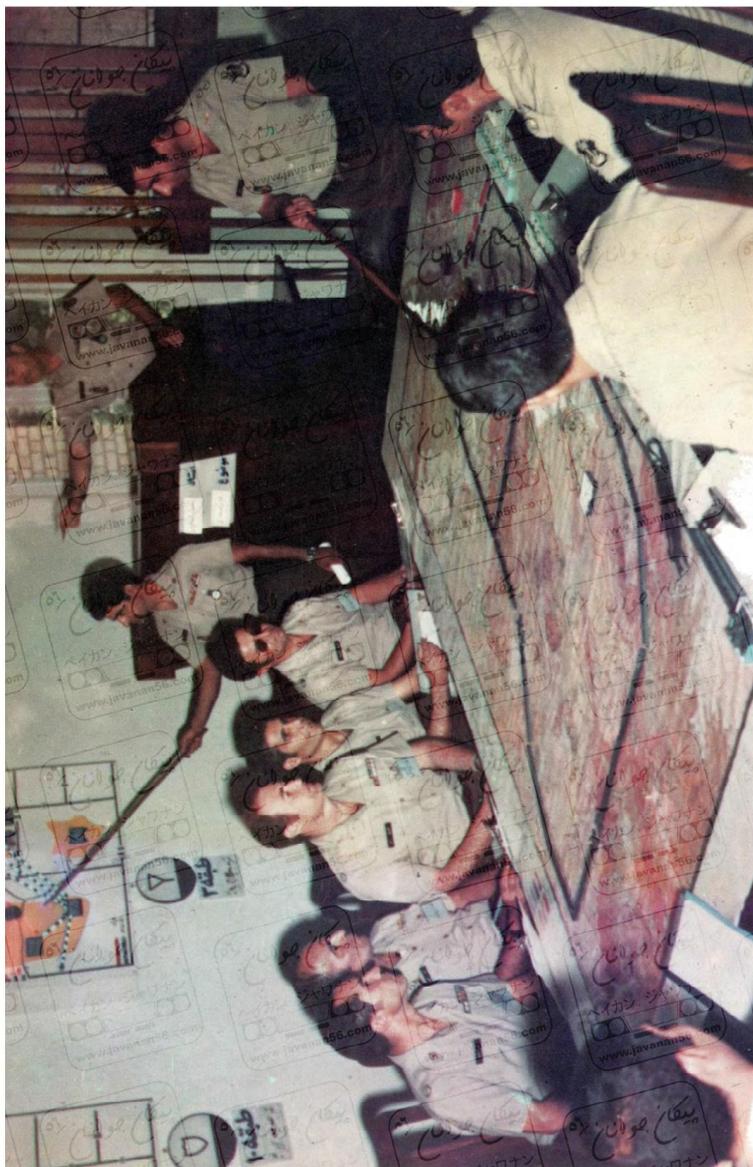
دانشکده فرماندهی و ستاد عالیترین کانون فرهنگی نیروی زمینی شاهنشاهی است که فارغ التحصیلان آن آمادگی کامل فرماندهی بر یگانهای بزرگ ارتش شاهنشاهی را دارند.

این مرکز عالی علمی و نظامی، با برخورداری از برجسته‌ترین و دانشمندترین استادان ایرانی و با استفاده از پیشرفته‌ترین متدهای آموزشی و وسائل مدرن کمک آموزشی، یکی از برجسته‌ترین و خوش‌نام‌ترین دانشکده‌های فرماندهی و ستاد در سطح جهانی است و به همین دلیل همه ساله تعدادی دانشجویان از کشورهای دوست نیز دوره مربوطه را همراه با دانشجویان ایرانی در آن طی مینمایند.

دانشکده فرماندهی و ستاد، اولین دانشکده ایرانی است که سیستم تفکر و پرورش قدرت استدلال را جای‌گزین سیستم قدیمی آموزش کرده و آموزش بصورت بحث گروهی ارائه میشود و استاد در این سیستم آموزش فقط هدایت کننده بحث گروهی است و این دانشجویانند که در کلاسهای سیستم سندیکت (Syndcate) با هم بحث نموده و خود جواب مسئله را پیدا مینمایند.

با اجرای سیستم نوین آموزش در دانشکده فرماندهی و ستاد، فارغ التحصیلان این مرکز عالی علمی و فرهنگی از راه تفکر قادرند، مشکلترین و پیچیده‌ترین مسائل نظامی را در بحرانی‌ترین شرایط رزم بسرعت پیدا کرده و یگانهای بزرگ نیروی زمینی شاهنشاهی را در نیل به هدفهای عالی رهبری و هدایت نمایند.

جشن فارغ التحصیلی دانشکده فرماندهی و ستاد، همه ساله در پایان شهریورماه در نخسته پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران برگزار میشود و بزرگ رهبر انقلاب اجتماعی ایران شخصاً دانشجویان و استادان برجسته این مرکز بزرگ علمی و نظامی را مورد مرحمت مخصوص قرار میدهند.



تصویری از یکی از کلاسهای دانشکده زمامدنی وستاد پرورش سند کیت
«بخت گروهی»

مرکز آموزش پیاده شیراز

به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگارتشتاران دانشکده پیاده در سال ۲۵۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ خورشیدی) در تهران تأسیس شد و این دانشکده تحت کنترل دانشگاه نظامی در پادگان عباس آباد تهران تلاش آموزشی خود را آغاز کرد. به سبب گسترش وسائل و وسائط پیاده نظام و وارد شدن جنگ - افزارهای مدرن در خدمت رسته پیاده، لزوم گسترش این سازمان مورد تأیید قرار گرفت، و به همین منظور در سال ۲۵۱۹ شاهنشاهی (۱۳۳۹ خورشیدی) دانشکده پیاده از دانشگاه نظامی تهران جدا شد و یک واحد مستقل فرهنگی بنام مرکز پیاده را در شیراز بوجود آورد.

در مرکز پیاده شیراز علاوه بر دوره‌های مقدماتی و عالی پیاده و دژبان، دوره‌های تخصصی آموزشی دیگری نیز وجود دارد که طی آن افسران و درجداران کادر و وظیفه نیروی زمینی شاهنشاهی با آموزشهای ویژه‌ای آشنا میشوند مانند: دوره جنگهای ش-م-ر - دوره تکاور- دوره هوابرد، دوره اسکی و رزم در کوهستان .



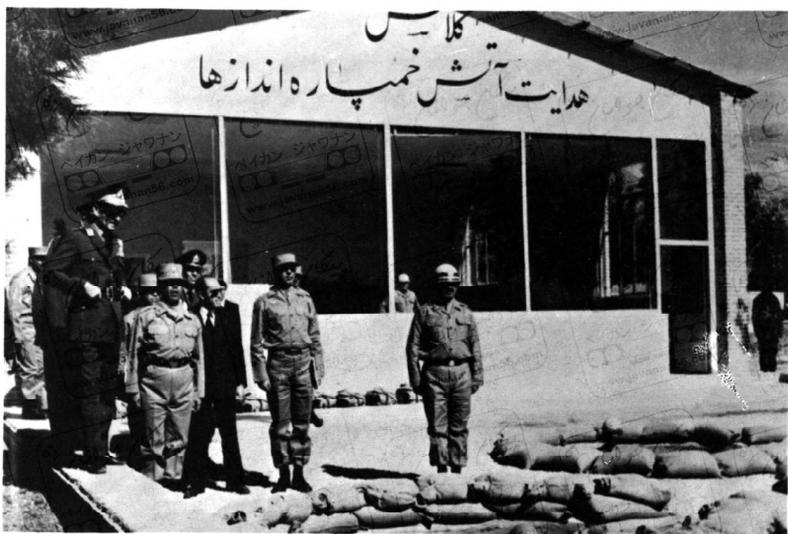
بازدید اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگارتشتاران از یکی از کلاسهای آموزشی مرکز پیاده شیراز

مرکز پیاده شیراز یکی از مراکز مهم آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی است که آخرین اطلاعات را از تاکتیک و تکنیک و فن بکار بردن یگانهای پیاده نظام و وسائل و جنگ افزارهای مدرن آنها جمع آوری، و هم آهنگ با پیشرفته ترین مراکز آموزشی بزرگترین کشورهای جهان، آنها را به پرسنل کادر و وظیفه پیاده نظام نیروی زمینی شاهنشاهی آموزش میدهد.

مرکز پیاده شیراز از مدرن ترین وسائل کمک آموزشی برخوردار بوده و نحوه ارائه آموزش در کلاسهای مختلف علمی و عملی و صحرائی آن بصورتی است که دانشجویان با استفاده از حواس پنجگانه میتوانند در کوتاهترین مدت مشکل ترین مسائل و طرز کار وسائل را آموخته و آماده ارائه آموزش دریافتی به عنوان یک معلم برای دیگر پرسنل پیاده نظام نیروی زمینی شاهنشاهی در یگانهای رزمی گردند. در مرکز پیاده شیراز سالیانه متجاوز از یکهزار نفر افسر و دو هزار نفر درجه دار کادر و بیش از یکهزار نفر پرسنل وظیفه به آموزش می پردازند. و تلاش برای توسعه و تکامل این مرکز فرهنگی ادامه دارد.



تصویری از کلاس آموزش محابرات و روش برقراری ارتباط بین یگانها در مرکز پیاده شیراز



تشریف‌فرمائی شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران به مرکز پیاده شیراز و بازدید معلم‌له از کلاسی آموزش خمپاره اندازها

مرکز آموزش زرهی شیراز

بمنظور رفع نیازهای آموزش رسته‌نویسیاد مرکز زرهی در نیروی زمینی شاهنشاهی، به فرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، دانشکده زرهی در سال ۲۰۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ - خورشیدی) بعنوان یکی از دانشکده‌های تابعه دانشگاه نظامی تهران در پادگان سلطنت‌آباد تأسیس و آغاز به کار کرد. به سبب افزایش روزافزون اهمیت وسایل زرهی و توسعه یگانهای زرهی در نیروی زمینی شاهنشاهی، دانشکده زرهی از دانشگاه نظامی جدا شد و مرکز زرهی و سواران نخست در پادگان جی واقع در جنوب‌باختری تهران و سپس مرکز زرهی رادر شهر شیراز بوجود آورد.

مرکز آموزش زرهی شیراز با برخورداری از عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین وسائل مدرن مکانیکی و الکترونیکی و کمک آموزشی و با استفاده از مجرب‌ترین استادان متخصص زرهی، امروز در ردیف یکی از بزرگترین و مدرن‌ترین مراکز آموزشی زرهی جهانی قرار دارد.



بازدید اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشناوان از یکی از کلاسهای آموزشی مرکز زرهی شیراز

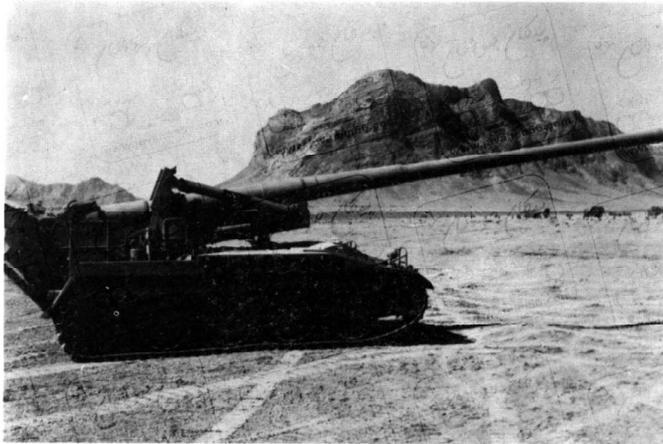
افسران و درجه داران رسته زرهی با استفاده از امکانات وسیع آموزشی این مرکز،
معلومات مورد نیاز را طوری فرا می گیرند که به آسانی قادر به فرماندهی بریگانهای
بزرگ و کوچک زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی بوده و بتوانند بموقع و بطور مؤثر از این
قدرت قاطع و کوبنده زرهی که نقش بزرگ و اساسی در جنگهای مدرن امروزی پیدا
کرده است، به بهترین وجه و در هر لحظه استفاده کنند.



نمونه ای از یک تانک نیروی زمینی شاهنشاهی

مرکز توپخانه و موشکها

آموزش افسران رسته توپخانه نیروی زمینی شاهنشاهی اعم از کادر یا وظیفه تا سال ۲۵۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ خورشیدی) در دانشکده افسری انجام میشد. با ازدیاد انواع جنگ افزارهای توپخانه ارتش شاهنشاهی و احتیاج مبرم بوجود پرسنل متخصص و کارآزموده، تشکیل یک سازمان فرهنگی معتبر که بتواند نیازمندیهای آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی را برطرف کند، آشکار شد. لذا از سال ۲۵۱۰ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) دانشکده توپخانه در سازمان دانشگاه نظامی منظور شد و با تشکیل دوره‌های تخصصی مقدماتی و عالی، کار خود را رسماً آغاز کرد. از آنجائیکه ظرفیت محدود و نارسائیهای مواد آموزشی دانشکده توپخانه جوابگوی احتیاجات روزافزون نیروی زمینی شاهنشاهی نبود، از سال ۲۵۱۷ شاهنشاهی (۱۳۳۷ خورشیدی) دانشکده توپخانه از دانشگاه نظامی جدا شد، و در پادگان جی هسته اولیه مرکز توپخانه را تشکیل داد و سرانجام در سال ۲۵۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) با سازمان نوینی در اصفهان استقرار یافت.



نمونه‌ای از یک توپ خود کششی که در مرکز توپخانه و موشکها به افسران و درجه داران کادر و وظیفه آموزش داده میشود



دو نمونه از ساختمان‌های مدرن مرکز تویپخانه و موشکها که با بهترین تأسیسات با گازی ارشدهای پیشرفته جهان برآبی میکنند.



در مرکز توپخانه و پوشکها انواع توپها و پوشکهای مدرن سازمانی نیروی زمینی شاهنشاهی به
بهترین و عالیترین روش آموزش داده میشود

از ابتدای تشکیل ارتش نوین ایران تا قبل از مهرماه سال ۲۰۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) آموزش رشته مهندسی در دانشکده افسری انجام میشد. از این تاریخ تا پایان سال ۲۰۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ خورشیدی) آموزش رشته مهندسی به شکل مجزا از سایر رشته‌ها بصورت دوره یکساله در دانشکده افسری دنبال شد. در اسفند ماه سال ۲۰۰۸ شاهنشاهی (۱۳۲۸ خورشیدی) دانشکده تکمیلی استحکامات تأسیس و در پادگان قصر تهران مستقر گردید. این دانشکده از نظر آموزش مستقل بود ولی از نظر اداری و پادگانی تابع لشکر ۲ مرکز، و از نظر فنی تحت نظارت اداره مهندسی قرار داشت. تابعیت دانشکده از دو سازمان رزمی و فنی (لشکر ۲ مرکز و اداره مهندسی) مشکلات اداری مختلفی را بوجود آورد که سرانجام به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در مرداد سال ۲۰۰۹ شاهنشاهی (۱۳۲۹ خورشیدی) دانشکده تکمیلی استحکامات از هر نظر به تابعیت اداره مهندسی ارتش درآمد.



تشریف‌رمانی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران و بازدید از کلاس آموزش نقشه‌برداری دانشکده مهندسی

در سال ۲۰۱۰ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) دانشکده تکمیلی استحکامات به «دانشکده مهندسی» تغییر نام داد و با تأسیس دانشگاه نظامی از جمله دانشکده‌های آن محسوب و در پادگان عباس‌آباد تهران مستقر شد.

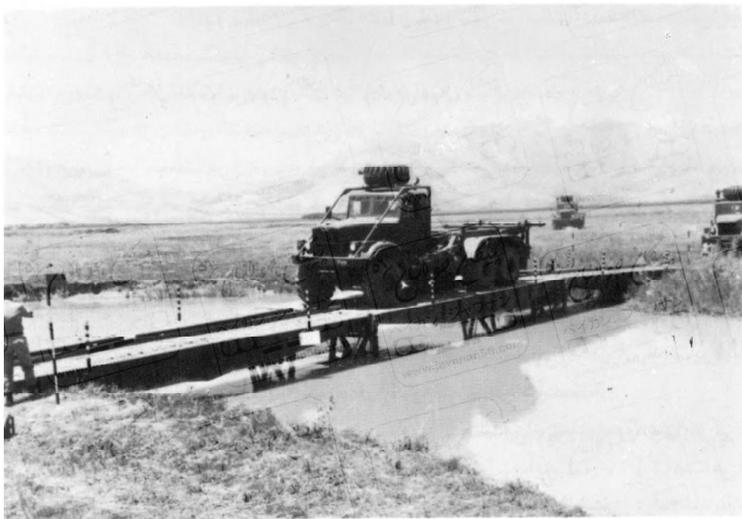
دانشکده مهندسی در سالهای ۲۰۱۳ شاهنشاهی (۱۳۳۳ خورشیدی) و ۲۰۱۷ شاهنشاهی (۱۳۳۷ خورشیدی) دوبار تجدید سازمان کرد و در مردادماه سال ۲۰۲۴ شاهنشاهی (۱۳۴۴ خورشیدی) به پادگان لشکرک تهران تغییر مکان داد و در سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) با نام «مرکز آموزش مهندس» در سازمان «مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی» قرار گرفت.

در سال ۲۰۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) مرکز آموزش مهندس به هنگام انتقال مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی از تهران به تبریز از آن یگان جدا شد، و مجدداً به تابعیت اداره مهندسی ارتش درآمد.

در شهریورماه سال ۲۰۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) مرکز آموزش مهندس ابتدا به پادگان جی تهران و سپس در آذرماه ۲۰۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) به شهرستان بروجرد نقل مکان نمود و پس از استقرار در بروجرد، از شهریور- ماه ۲۰۳۱ شاهنشاهی (۱۳۵۱ خورشیدی) مستقیماً زیر نظر نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت.



تصویری از کلاس آموزش عملی نقشه‌کشی در مرکز آموزش مهندسی



در مرکز آموزش مهندسی جدیدترین و مدرنترین تجهیزات مهندسی آموزش داده میشود.



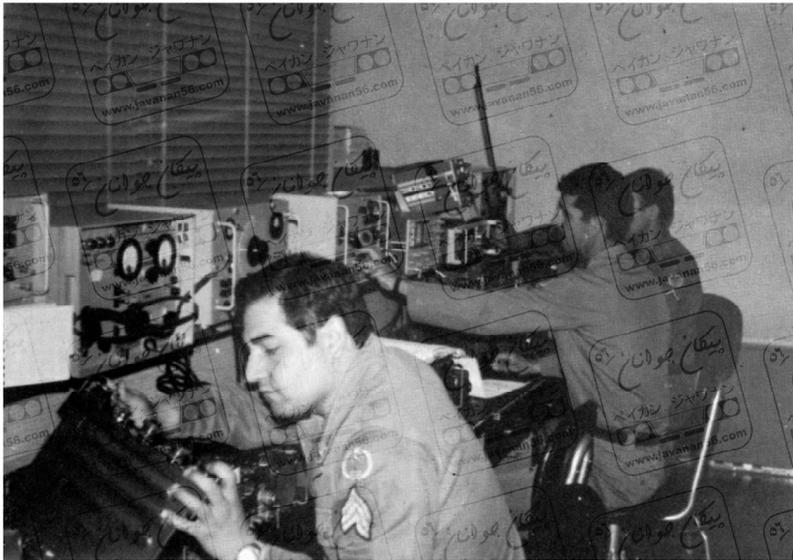
کلاس آموزش عملی تصفیه آب در مرکز آموزش مهندسی

مرکز آموزش مخابرات

در سال ۲۴۹۰ شاهنشاهی (۱۳۱۰ خورشیدی) دانشکده احتیاط رسته مخابرات در محل دانشکده افسری تشکیل و از سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ خورشیدی) آموزش مخابرات نیز در دروس دانشکده افسری منظور شد و متعاقب آن در مهرماه سال ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۷ خورشیدی) دانشکده تکمیلی رسته مخابرات تأسیس شد.

در تاریخ یکم آبانماه سال ۲۵۱۰ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) با تأسیس دانشگاه نظامی، دانشکده تخصصی مخابرات نیز بوجود آمد و به عنوان یک مرکز آموزش رسته‌ای، هسته مرکزی مرکز مخابرات را تشکیل داد.

در خردادماه سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) دانشکده مخابرات از تابعیت دانشگاه نظامی خارج شد و بنام مرکز آموزش مخابرات تابع «مرکز آموزشهای پشتیبانی» شد. در سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) با انتقال «مرکز آموزشهای پشتیبانی» از تهران به تبریز، مرکز آموزش مخابرات زیر نظر فرماندهی مخابرات نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت و سرانجام در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) در ردیف یکی از مراکز فرهنگی مستقل نیروی زمینی شاهنشاهی درآمد.



تصویری از کلاس آموزش مخابرات و الکترونیک در مرکز آموزش مخابرات

مأموریت اصلی مرکز آموزش مخابرات تهیه و اجرای آموزشهای تخصصی، موضوعات عمومی برای افسران، درجه‌داران و کارمندان رشته مخابرات نیروی زمینی شاهنشاهی است به نحویکه بتوانند وظایف خود را در شغل سازمانی مربوط بطور مؤثر انجام و از وسائل مدرن و دقیق مخابراتی موجود در نیروی زمینی شاهنشاهی به بهترین صورت استفاده نمایند.



مرکز آموزش دارائی

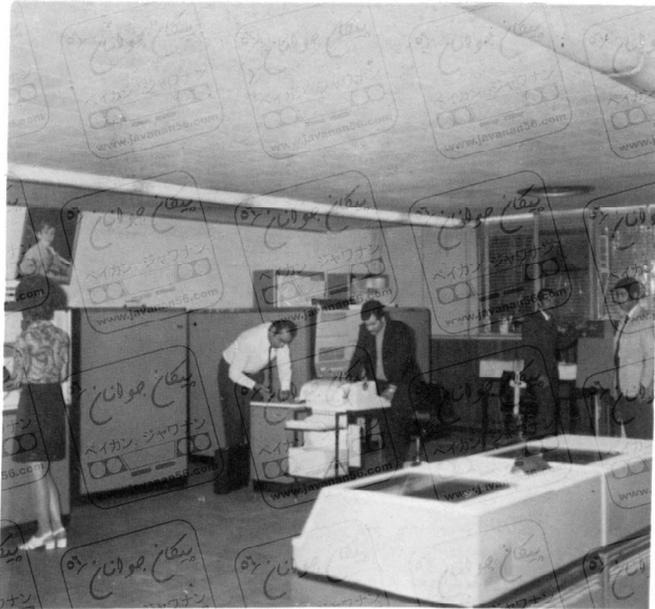
در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ خورشیدی) به فرمان سردار سپه رضاخان پهلوی اداره مالیه کل قشون جهت انجام امور محاسباتی و مالی ارتش ایران تأسیس شد.

اداره مالیه کل قشون ابتدا حقوق و سایر هزینه‌های ارتش شاهنشاهی را توسط خزانه‌داری مرکزی، خزانه‌داری کل قشون و خزانه‌داریهای تابعه لشکرها از طریق بانک شاهنشاهی پرداخت، و سپس کلیه اسناد و صورتحسابهای مربوط به درآمد و هزینه ماهانه را به تصویب رئیس مالیه کل قشون، وزیر جنگ و فرماندهی کل قوا (سردار سپه) میرساند.

در آذرماه سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷ خورشیدی) اولین دوره آموزشی رسته دارائی تشکیل شد و پس از آن در سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ خورشیدی) آموزش رسته مالی و دوره‌های تخصصی دارائی و سررشته‌داری در دانشکده افسری آغاز شد.

فعالیت‌های آموزشی دارائی ارتش از سال ۲۵۱۰ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) با تأسیس «دانشگاه نظامی» و تفکیک دانشکده‌های دارائی و سررشته‌داری و تشکیل دوره مقدماتی رسته دارائی در مسیر تازه‌ای قرار گرفت و با تنظیم برنامه‌های مختلف آموزشی برای افسران، درجه‌داران و کارمندان این رسته، تغییرات اساسی و مهمی در سازمان و روش‌های رسته مزبور بوجود آمد.

در سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) دانشگاه نظامی منحل شد و دانشکده دارائی نیز همراه با تعدادی دانشکده دیگر به تبریز انتقال یافت ولی در سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی (۱۳۵۳ خورشیدی) بخاطر بهره‌برداری از استادان و مربیان تحصیل کرده و استفاده بیشتر از امکانات آموزشی کامپیوتر موجود در پایتخت، از مرکز آموزش‌های پشتیبانی جدا و در تهران مستقر شد و بنام دانشکده دارائی به فعالیت‌های آموزشی خود ادامه داد.



آموزش و کار با دستگاه‌های کامپیوتر در نیروی زمینی شاهنشاهی

مراکز آموزشی پشتیبانی

به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در سال ۲۵۱۰ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) «دانشگاه نظامی» تأسیس شد. این دانشگاه در بدو تشکیل شامل ۹ دانشکده زرهی، پیاده، توپخانه، مهندس معیارات، ترابری، دژبان، سوار و خدمات فنی بود که هر دانشکده آموزش رسته مربوطه را بعهده داشت.

در سال ۲۵۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) به تدریج تعدادی از دانشکده‌ها از دانشگاه نظامی جدا و بصورت مستقل در محلهای دیگری استقرار یافتند. در سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) دانشگاه نظامی نیز براساس تفکیک مأموریت و وظایف خود به دو مرکز عمده فرهنگی بشرح زیر تقسیم گردید:

۱- مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی.

۲- مراکز پشتیبانی اداری.

در سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) به فرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، مراکز آموزش پشتیبانی شامل مراکز اردنانس، ترابری، آجودانی، موزیک، دژبان و سررشته‌داری به تبریز نقل مکان کرد و با نام مرکز آموزشهای پشتیبانی، تلاشهای آموزشی خود را با امکانات و شرایط تازه‌ای آغاز کرد و تنها تغییراتی که در سازمان این مرکز فرهنگی به وجود آمد، جداسدن مرکز دژبان و دارائی از آن سازمان بود.



تصویری از کتابخانه مدرن مراکز آموزشهای پشتیبانی تبریز



تشریف‌رسانی اعلیحضرت هما یون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بزرگ آموزشهای پشتیبانی تجریز « ناواخانه مرکز آموزش سرشته‌داری »

تأسیسات و تسهیلات عمده آموزشی این مرکز فرهنگی از قبیل کلاسهای آموزشی، سالنهای نمایش و مرکز فیلم، کارگاههای تعمیرات رده ۳ و ۴ جنگ افزارها، کارگاههای تعمیرات رده ۳ و ۴ خودروهایی شنی دار و چرخدار، کارگاههای جوشکاری و تراشکاری، میدانهای آموزش رانندگی، کارگاههای نانوائی و آشپزی با آخرین پدیدههای تکنولوژی و وسایل پرارزش کمک آموزشی و فنی، در پیشبرد آموزش پرستل فنی نیروی زمینی شاهنشاهی نقش بسیار مؤثری دارد.



کلاس آموزش عملی بارگیری کامیونهای سنگین در مرکز آموزش ترابری

مرکز خدمات کامپیوتر

مشکلات ناشی از عدم هماهنگی روشهای درخواست و تحویل مبادلات خارجی نیروی زمینی شاهنشاهی، ضرورت دگرگونیهای عمدهای را در سازمان تدارکاتی نیروی زمینی شاهنشاهی ایجاد مینمود. به همین منظور با استفاده از بررسیها و مطالعات مراکز تحقیقاتی بعضی از ارتشهای متری جهان، سازمانی تحت عنوان مرکز کنترل موجودی، جهت فراهم نمودن مقدمات مکانیزه شدن سیستم تدارکاتی نیروی زمینی شاهنشاهی تشکیل شد. در سال ۲۰۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) به انگیزه گسترش فعالیتهای کامپیوتری نیروی زمینی شاهنشاهی، مرکز کنترل موجودی با

سازمانی نوین بنام مرکز پرورش معلومات مستقیماً زیر نظر ستاد نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت و سرانجام در آذرماه سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) مرکز پرورش معلومات بدون تغییرات سازمانی به مرکز خدمات کامپیوتر تغییر نام داد. مأموریت مرکز خدمات کامپیوتر، طرح ریزی، هماهنگ کردن و اجرای وظایف مربوط به تهیه مقدمات استفاده از ماشینهای حسابگر الکترونیکی و بسط و توسعه آنها در نیروی زمینی شاهنشاهی است.

به سبب اهمیت ویژه مرکز خدمات کامپیوتری، فعالیتهای آموزشی این مرکز فرهنگی به صورت گسترده ای انجام و سالانه بطور متوسط ۱۵۰ نفر در دوره های آموزشی برنامه نویسی و کاربرد آخرین انواع کامپیوترهای (هانی ول) و (آی. بی. ام) را فرا میگیرند و آنگاه از وجود آنان در تعمیر و گسترش کامپیوتریزه کردن فعالیتهای لجستیکی و پرسنلی بهره برداری میشود.

مرکز آموزش ۰۱ کادر

برای آموزش مقدماتی انفرادی دانش آموزان کادر ثابت و افراد وظیفه، نخست در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۲۵۱۶ شاهنشاهی (۱۳۳۶ - خورشیدی) مرکز آموزش شماره ۱ ارتش در سربازخانه باغشاه تهران تشکیل، و سپس نام آن به مرکز آموزش ۵۰۱ ارتش و مرکز آموزش تهران و مرکز آموزش ۲۰۲ تهران و مرکز آموزش ۳۰۱ کادر و بالاخره مرکز آموزش ۰۱ کادر تغییر کرد و از یادگان باغشاه



تصویری از مرکز آموزش ۰۱ کادر یادگان فرح آباد

به سربازخانه‌های عشرت‌آباد - قصر - مهرآباد - جی تغییر محل داد و امروز دریادگان فرج‌آباد واقع در خاور تهران و یادگان لشکرک واقع در شمال خاوری تهران استقرار دارد.

مرکز آموزش ۱. کادر امروز از کلیه امکانات کمک آموزشی و بهترین وسائل زیست، بهداشت، ورزش و تغذیه برخوردار بوده و در یگانهای مختلف آموزشی آن همه ساله دوره‌های افسری و وظیفه - آموزشگاه افسری جزء درجه‌داری کادر ثابت - درجه‌داری و وظیفه و دوره‌های مختلف سپاهیان انقلاب تشکیل و آموزش در کلیه دوره‌ها با استفاده از حداکثر امکانات کمک آموزشی و تلاش پی‌گیر افسران و مربیان این مرکز بطور مداوم ادامه دارد.



مراسم اعطاء سردوشی به دانشجویان مرکز آموزش ۱. کادر بوسیله فرماندهی نیروی زمینی شاهنشاهی

در مرکز آموزش ۱. کادر امکانات و تسهیلات فراوانی برای زیست و آموزش جوانان تحصیل کرده کشور فراهم است و هر سال تعداد قابل ملاحظه‌ای از دیپلمه‌ها، لیسانسیه‌ها و دکترای کشور، آموزشهای اولیه نظامی خود را در این مرکز آموزش فرا میگیرند.

مراکز آموزشی وظیفه

بمنظور اجرای آموزش انفرادی مقدماتی سربازان وظیفه و آماده کردن جوانان کشور برای آغاز خدمت زیرپرچم در یگانهای رزمی نیروی زمینی شاهنشاهی، چهار مرکز بشرح زیر در نیروی زمینی شاهنشاهی وجود دارد که دارای مسئولیت و مأموریت آموزشی مشابه میباشند:

۱- مرکز آموزش ۰۲ چهلدختر

این مرکز آموزشی نخست در سال ۲۰۱۳ شاهنشاهی (۱۳۳۳ خورشیدی) با نام هنگ تعلیماتی در خرمآباد لرستان تشکیل و سپس در سال ۲۰۱۹ شاهنشاهی عنوان آن به مرکز آموزش جایگزین ۱۰۱ تغییر کرد و بعد در سال ۲۰۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) بنام مرکز آموزش ۳۰۲ خرمآباد و بالاخره در سال ۲۰۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ خورشیدی) بنام مرکز آموزش ۰۲ تغییر نام داد و به سربازخانه چهلدختر شاهرود منتقل شد و با ظرفیت شش هزار نفر سرباز به مأموریت آموزشی خود ادامه میدهد.



تصویری از یک کلاس آموزش نارتچک دستی در مرکز آموزش ۰۲ چهلدختر

۲- مرکز آموزش ۳. عجبشیر

این مرکز آموزشی نخست در سال ۲۵۱۳ شاهنشاهی (۱۳۳۳ خورشیدی) با ظرفیت ۴۰۰ نفر بنام هنگ تعلیماتی در سربازخانه‌های پسوه و جلدیان (باختر رضاییه) تشکیل و سپس در سال ۲۵۱۹ شاهنشاهی نام آن به مرکز آموزش جای‌گزین تبدیل شد و در سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) با ظرفیت ۶۰۰ سرباز جدید مرکز آموزش ۳. عجبشیر را بوجود آورد که امروز نیز به مأموریت آموزشی مربوطه مشغول است.



تصویری از ساختمانهای جدید مرکز آموزش ۳. عجبشیر «آسایشگاه افراد»

۳- مرکز آموزش ۴. بیرجند

این مرکز آموزش نیز در سال ۲۵۱۴ شاهنشاهی (۱۳۳۴ خورشیدی) تأسیس و با دگرگونیهای مشابه مراکز آموزشی بالا امروز با ظرفیت ۶۰۰ سرباز در سربازخانه بیرجند به تلاشهای آموزشی خود ادامه میدهد.

۴- مرکز آموزش ۵. کرمان

این مرکز آموزشی در سال ۲۵۲۴ شاهنشاهی (۱۳۴۴ خورشیدی) بنام مرکز آموزش ۳۰۱ تأسیس شد و سپس نام آن به مرکز آموزش ۳۰۵ تغییر کرد و بالاخره در سال ۲۵۲۸ شاهنشاهی (۱۳۴۸ خورشیدی) بنام مرکز آموزش ۵. کرمان تلاش آموزش خود را آغاز کرد.



تشریف رومانی اعلیٰحضرت هما یون شا هشتاد و نهمه بزگیا ارتش ازان بمر کر آموزش . کرمان (سال ۲۰۳۴ شا هشتاد و ۱۳۵۵ خورشیدی)

در جریان درگرونیهای که در امر آموزش یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی بوجود آمد، موضوع استفاده از وسایل کمک آموزشی به منظور بکارگرفتن حواس پنجگانه شاگردان مورد توجه قرار گرفت. و برای بالا بردن سطح فراگیری پرسنل، سازمانی بوجود آمد که وظیفه آن تهیه وسایل کمک آموزشی یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی بود.

هر چند قبل از سال ۲۵۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) نیز بطور پراکنده و در مقیاس کوچک وسائلی به عنوان کمک آموزشی در یگانها تهیه میشد، لیکن در آذرماه آن سال طبق موافقتنامه‌ای که بین ارتش شاهنشاهی ایران و یکی از کشورهای پیشرفته بامضاء رسید، مقرر شد که از سرمایه حاصل از فروش اشیاء نظامی فرسوده، سازمانی بنام مرکز کمک آموزشی ارتش بوجود آید که پس از تکمیل پرسنل و وسایل نسبت به تهیه و تأمین نمونه‌های مختلف وسایل کمک آموزشی اقدام نماید. در تعقیب این توافق، سازمان مجهزی به همین نام در تهران تشکیل و فعالیت خود را عملاً از فروردین ماه سال ۲۵۱۹ شاهنشاهی (۱۳۳۹ خورشیدی) آغاز کرد.



تصویری از کلاس آموزش ستوری در مرکز آموزش ترابری تبریز

مرکز کمک آموزشی با مأموریت طرح ریزی ، تهیه و توزیع وسائل کمک آموزشی از همان ابتدای تأسیس ، اقدامات وسیعی در جهت تأمین نیازمندی یگانها معمول ، و در مدتی کمتر از ۹ سال وسائل پرارزشی در اختیار یگانها قرار داد که در پیشبرد آموزش اثرات چشم گیری داشت . اما نظر به اینکه میزان وسائل فرسوده بتدریج رو به کاهش میگذاشت ، از سال ۲۰۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) اعتبارات کمک آموزشی نیز در بودجه سالانه یگانها منظور ، و برابر روشهای موجود به منظور تأمین نیازمندی یگانها در اختیار قرار گرفت . از محل اعتبارات کمک آموزشی تاکنون علاوه بر تهیه وسائلی که به یگانها تحویل شده است ، یک سلسله اقدامات کلی به شرح زیر انجام شده که نتایج آن در بالا بردن سطح دانش نظامی و علمی و فنی پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی بسیار مؤثر بوده است :

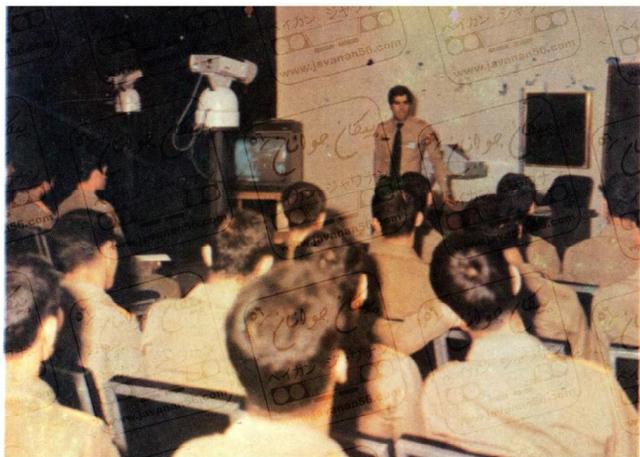
۱ - ایجاد سازمانهای فرعی کمک آموزشی در مناطق مختلف ، جهت تهیه وسائل مورد نیاز یگانهای مستقر در همان منطقه .

۲ - تأسیس چاپخانه بسیار مجهز در دانشکده فرماندهی و ستاد .

۳ - تهیه وسائل چاپ نقشه و کالک برای دانشکده فرماندهی و ستاد .

۴ - تهیه جدیدترین وسائل کمک آموزشی مورد نیاز هیئت علمی دانشکده

افسری .



تصویری از آموزش در دانشکده افسری بوسیله تلویزیون مدار بسته

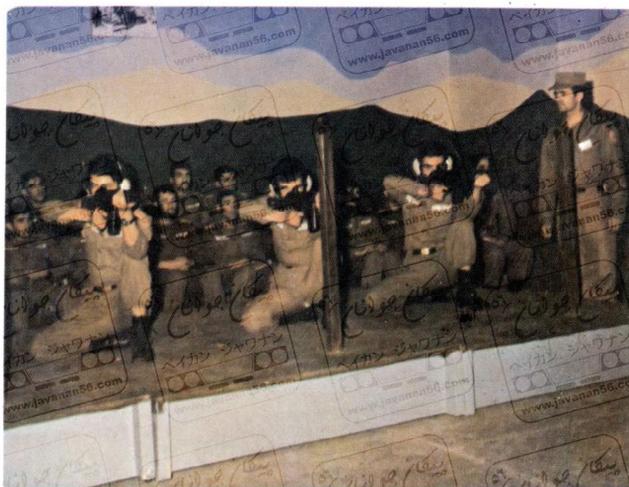
- ۵ - تأسیس چاپخانه بسیار مجهز در دانشکده افسری .
- ۶ - ایجاد سیستم تلویزیون مدار بسته در دانشکده افسری جهت ارائه آموزشهای علمی .
- ۷ - تأسیس چاپخانه با وسائل کافی در کلیه مراکز فرهنگی نیروی زمینی شاهنشاهی .
- ۸ - تهیه وسائل کمک آموزشی رانندگی (سیمولاتور رانندگی) .
- ۹ - تهیه وسائل کمک آموزشی تیراندازی تانک (سیمولاتور تیراندازی) .
- ۱۰ - تهیه هدفهای متحرک و وسائل جدید برای میدانهای تیراندازی .
- ۱۱ - تأسیس لابراتورهای بسیار مجهز برای آموزش زبان انگلیسی در مرکز زبان دانشکده افسری و سایر مراکز فرهنگی .



لابراتوار زبان در مرکز آموزش توپخانه و موشک ها مجهز بوسائل کمک آموزشی سمعی و بصری



کلاس آموزش زبان خارجه در مرکز آموزش مخابرات. برای آموزش زبان انگلیسی از استادان زبان انگلیسی و آمریکائی استفاده میشود.



برای آموزش تیراندازی و اجرای برنامه های مربوطه در بیشتر پادگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی از میدانهای تیر الکتریکی استفاده میشود



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران همواره باسوزش نطفای پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی توجه و ویژه‌ای مبنول میفرماید

از فرمایشات :

علیحضرت هاپون شایسته آریامهر بزرگ ارتشاران

« ... سال بسال نو هست خداوند توانست ایام دوستی لازم بهار دفاع از آب خاک خود همیشه
و بهتر در اختیار ارتشاران بگذاریم ، و این کار انقدر آردار خواهد داشت تا اینکه غیر از سلاحها و تانکها
که ما بدان اعتقاد نداریم و لیدر داریم که زود تر از صفحه دنیا را محو بشود ، سلاحها و تانکها
در اختیار تواریخ شایسته قرار بگیرد که ما را قافله کند با اراده ار که داریم و دانشی که داریم
بهترین جبر تا سرحد امکان و جابجایی از تمامیت و منافع محکمت و دفاع کنیم .
باز هم تکرار میکنم ، هر سال تقاضای توقع ما از شما فسرست و سلبا بین شما فرماندهان تانک
این ارتشاران است که اطلاعات و دانش نظام خود را بر سر حد اعتبار بیایند ، بلکه اینک هر سال
ما از شما امتحانات و مسابقات برگزار خواهیم کرد ... »

دوم بهر ماه ۲۵۳۰ شایسته
مراسم پانچین تحصیلی دانشکده فرماندهی و ستاد

ششمین نشست روستاهای آموزش در نیریز نهمین نشست

شاید در بین کلیه سازمانهای آموزشی کشور، نیروی زمینی شاهنشاهی نخستین سازمانی باشد که پیوسته در جهت بهبود آموزش پرسنل خود، روشهای مختلف را مورد بررسی قرار داده، و با استفاده از منابع و مدارک خارجی تربیتی داده است که در تفهیم مطالب از تمام امکانات بهره‌برداری شود. هر چند در سالهای درخشان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، فعالیتهای آموزشی وسیعی در زمینه بهبود امور ارتش شاهنشاهی صورت گرفته بود، ولی وجود عواملی از قبیل کمبود وسائل، محدودیت محیط ویسوادى افراد که ناشی از سالها بی‌خبری و غفلت در دوران حکومت قاجاریه بود، اثرات آموزشی را در سطحی محدود مهار کرده و جز به عنوان یک زیربنا نمیتوانست در برابر نیازهای آروز کشور پاسخگو باشد.

آنچه که در سالهای بعد از شهریور سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) در زمینه بهبود روشهای آموزش عاملی سازنده به حساب می‌آید، فرمایشات شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران هنگام گشایش مجدد دانشگاه جنگ در ۱۵ مهر ماه ۲۵۱۶ شاهنشاهی (۱۳۳۶ خورشیدی) است که در حقیقت الهام‌بخش سازمانهای مسئول در طرح‌ریزی و وصول به عالیترین مراحل پیشرفت آموزش میباشد، شاهنشاه خطاب به افسران چنین فرمودند:

«برای آنکه سربازان خوبی داشته باشیم، لازم است فرماندهان شایسته‌ای تربیت کنیم، افسران باید طوری تربیت شوند که هم در پشت میز و هم در صف، در هر دو مورد بتوانند وظایف محوله را به خوبی انجام دهند و در موقع لزوم در هر طبقه‌ای آماده باشند و به وظایف خود عمل نمایند»

پس از جنگ جهانی دوم، نیروی زمینی شاهنشاهی که با استفاده از امکانات و فرصتهای حاصله تدریجاً به جنگ افزارها و وسائل جدید مجهز میگردد، به این اصل توجه نمود که پیشرفت تکنولوژی، افزایش ویژه‌کاری (تخصص) و مهارتهای فنی را ایجاب مینماید. بنابراین با رعایت کلیه تجربه‌ها و اطلاعاتی که بوسیله ارتشهای مترقی جهان بدست آمده بود، روش مرحله‌بندی آموزش را در سازمانهای فرهنگی خود متداول کرد و بر اساس این روشها، نحوه آموزش و آماده کردن پرسنل، برای انجام مشاغل مختلف به شرح زیر پی‌ریزی شد:

آموزش افسران

۱ - طی دوره سه ساله دانشکده افسری که برنامه علمی آن به تصویب وزارت علوم و آموزش عالی رسیده و به عنوان لیسانس علوم شناخته میشود.

۲ - طی دوره مقدماتی رسته‌ای، به منظور فراگیری اطلاعات تخصصی رسته مربوطه که متناسب با درجات ستوانی برای خدمت افسر لازم است.

۳ - طی دوره عالی رسته‌ای، برای تکمیل اطلاعات تخصصی در رسته مربوطه و اداره یگانهای همسنگ گردان که در عین حال یک سلسله اطلاعات عمومی نظامی از قبیل مسائل تاکتیکی و کارهای ستادی نیز به دانشجویان آموزش داده میشود.

۴ - طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد که افسران را برای طرح ریزی های ستادی و هدایت یگانهای بزرگ آماده مینماید.

۵ - علاوه بر دوره‌های منظم بالا به منظور کسب آخرین اطلاعات در زمینه مسائل مختلف نظامی اعم از فنی یا تاکتیکی، دوره‌های کوتاه مدتی نیز زیر عنوان دوره‌های عرضی برای بالابردن سطح دانش نظامی افسران نیروی زمینی شاهنشاهی تشکیل میشود.

۶ - همپای آموزشهایی که در سازمانهای فرهنگی نیروی زمینی شاهنشاهی ارائه میشود، همه ساله تعداد قابل توجهی از افسران و درجه داران جهت طی دوره‌های مختلف تکنیکی و تاکتیکی به کشورهای پیشرفته جهان فرستاده شده و با آخرین دگرگونیها در زمینه‌های نظامی آشنا میشوند.

آموزش درجه داران و افراد

۱ - نیروی زمینی شاهنشاهی به پیروی از اصل تربیت متخصص و با توجه به افزایش و تنوع جنگ افزارها و وسایل و وسائط، روش کدبندی را در مشاغل مختلف نظامی برگزیده، و با تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی نسبت به آموزش پرسنل و آماده کردن آنها جهت انجام وظیفه در مشاغل مربوطه اقدام میکند. بر اساس این روش، هریک از مشاغل نظامی با شماره ویژه‌ای بنام کد مشخص و حداقل میزان اطلاعاتی که دارند آن شغل باید داشته باشد، در آئین نامه‌ای بنام کدهای تخصصی مشاغل نظامی تعیین گردیده و برنامه‌های آموزشی در مراکز فرهنگی نیز بر همین مبنا تنظیم و به مورد اجرا گذارده میشود.

۲ - بطور کلی نیازمندیهای پرسنلی در نیروی زمینی شاهنشاهی به دو روش تأمین میشود. استخدام داوطلبان خدمت در کادر ثابت و استفاده از پرسنل وظیفه.

۳ - با توجه به اینکه اقدامات اداری مربوط به فراخواندن و فرستادن مشمولان وظیفه از وظایف قانونی ژاندارمری کشور است، نیروی زمینی شاهنشاهی مشمولان بلا مانع و سربازان آماده خدمت را در مراکز آموزشی خود از ژاندارمری دریافت میکند، مراحل مختلف آموزشی پرسنل وظیفه در حال حاضر بشرح زیر است:

الف - مرحله آموزش مقدماتی در مراکز آموزش وظیفه نیروی زمینی شاهنشاهی که در طول آن اصول اولیه سپاهگیری و رزم انفرادی و همچنین شناخت مسائل ملی

و مبنی و آشنائی با افتخارات تاریخی گذشته به سرباز آموزش داده میشود .

ب - مرحله تکمیلی یا مرحله ای که سرباز دریگان مربوطه پس از دریافت سردوشی در مرکز آموزش وظیفه به تناسب شغلی که کسب مینماید ، آموذگی و شایستگی لازم در کاربرد تاکتیکی جنگ افزار و استفاده از وسیله ای که در اختیار او گذارده شده بدست میآورد . در این مرحله همچنین اصول کار دسته جمعی یا گروهی که زیربنای هرگونه عملیات نظامی است ، آموزش داده میشود .

پ - تا قبل از سال ۲۵۲ شاهنشاهی (۱۳۴ خورشیدی) مشمولان دیپلمه پس از طی دوره مقدماتی آموزش نظامی با درجه ستوان سومی ، بقیه خدمت زیر پرچم خود را در یگانها انجام میدادند . لیکن از این سال به سبب افزایش تعداد مشمولان دیپلمه ، و محدودیت مشاغل افسری ، مقرر گردید که مشمولان دیپلمه پس از خاتمه آموزش مقدماتی نظامی ، با درجه گروهبانی به انجام خدمت زیر پرچم بپردازند . که این امر سبب تماس بیشتر جوانان تحصیل کرده با سربازان روستائی که اغلب بیسواد بودند شد ، و تحولی در بالا بردن سطح فراگیری و مؤثر بودن آموزشهای نظامی بوجود آورد .

ت - از سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) تا امروز یعنی ۱۴ سال پس از اجرای مشور انقلاب و تأثیر انقلاب حیات بخش شاه و ملت در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور ، تعداد بیسوادان به سرعت رو به کاهش نهاد ، و تعداد مشمولان دیپلمه و فوق دیپلم از نیازمندی کادر درجه داری نیروهای مسلح شاهنشاهی افزون تر شد . بنابراین بر اساس قانون جدید وظیفه عمومی تعداد مازاد بر نیازمندی ارتش شاهنشاهی بر مبنای معدل تحصیلی آنان جهت انجام سربازی به مراکز آموزش وظیفه فرستاده شده و با درجه سربازی به خدمت زیر پرچم بپردازند و آنها نیکه معدل بیشتری دارند ، درجه دار یا سپاهی میشوند .

ث - همگام با افزایش تعداد دیپلمه ها ، از آنجائی که امکانات وسیعی برای جوانان کشور جهت ادامه تحصیلات و راه یافتن به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی فراهم شده ، نه تنها از وجود فارغ التحصیلان این سازمانها برای خدمت در یگانهای ارتش شاهنشاهی با درجه افسری استفاده میشود ، بلکه از جوانان مشمول خدمت وظیفه که دارای تخصص های ویژه ای هستند ، پس از گذراندن یک دوره کوتاه که در طی آن با اصول اولیه نظامی آشنا میشوند ، به سایر سازمانها فرستاده و از تخصص آنان در جهت رسیدن به سایر هدفهای ملی بهره برداری میشود .

ج - یکی دیگر از سازمانهای آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی آموزشگاه نوجوانان است که از مهرماه سال ۲۵۲۳ شاهنشاهی (۱۳۵۳ خورشیدی) فعالیت خود را آغاز و نوجوانان ۱۴ تا ۱۶ ساله را با داشتن معلومات دوره اول راهنمائی استخدام و مدت دو سال در زمینه های فنی تحت آموزش قرار میدهد . در این مؤسسه از

آخرین و بهترین وسائل کمک آموزشی و کارگاههای تعمیراتی جهت تأمین تخصص و مهارت نوجوانان استفاده شده، و در عین حال همه نوع تسهیلات زیست و تفریحات و سرگرمیهای سالم نیز در محیطی بسیار پانشاط و مطمئن در اختیار آنان قرار دارد.



آموزشگاه نوجوانان یکی از مؤسسات آموزشی نوین یاد نیروی زمینی شاهنشاهی است که بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران از مهرماه ۲۵۳۳ شاهنشاهی فعالیت خود را آغاز نموده است.

بُحْتِیک و سیرتِ اِن

از سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تا عصر حاضر

در دوران شکوهمند سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر به موازات اقدامات سودمند و شریکشی که در جهت تجهیز و آمادگی ارتش نوین ایران صورت گرفت، یک سلسله فعالیت‌های قابل توجهی نیز به منظور سروسامان دادن به امور لجستیکی و پشتیبانیهای آمادگی ارتش انجام شد که به نوبه خود در پیشبرد این سازمان اهمیت ویژه‌ای داشت.

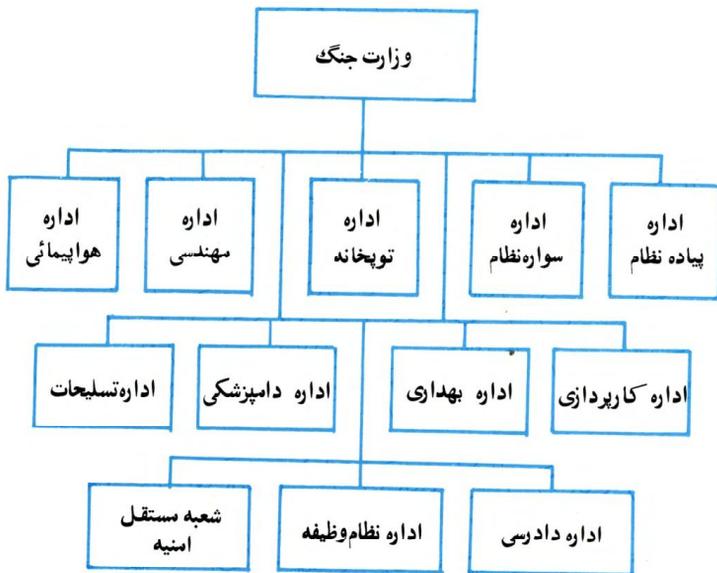
عمده‌ترین دگرگونی‌ها در امور لجستیکی را باید در تغییرات سازمانهای لجستیکی دنبال نمود. در مهرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) همگام با تجدید سازمان کلی ارتش شاهنشاهی، سازمانهای خدمات پشتیبانی لجستیکی نیز تغییر یافته، به جای اداره مباشرت، صحیه، بیطاری و شعبه ساختمان، سازمانهای جدیدی با مقدمات بیشتر و پرسنل ورزیده‌تر بنام‌های اداره کارپردازی، اداره بهداری، اداره دامپزشکی و اداره مهندسی تشکیل و مأموریت پشتیبانی یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی را به عهده گرفت.

سازمانهای مزبور همچنین در تابعیت وزارت جنگ باقی ماندند و در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) اداره دارائی ارتش به تابعیت وزارت جنگ درآمد. نمودارهای ۱ و ۲، سازمانهای تابعه وزارت جنگ را در سالهای ۲۵۰۰ و ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ خورشیدی) نشان میدهد.

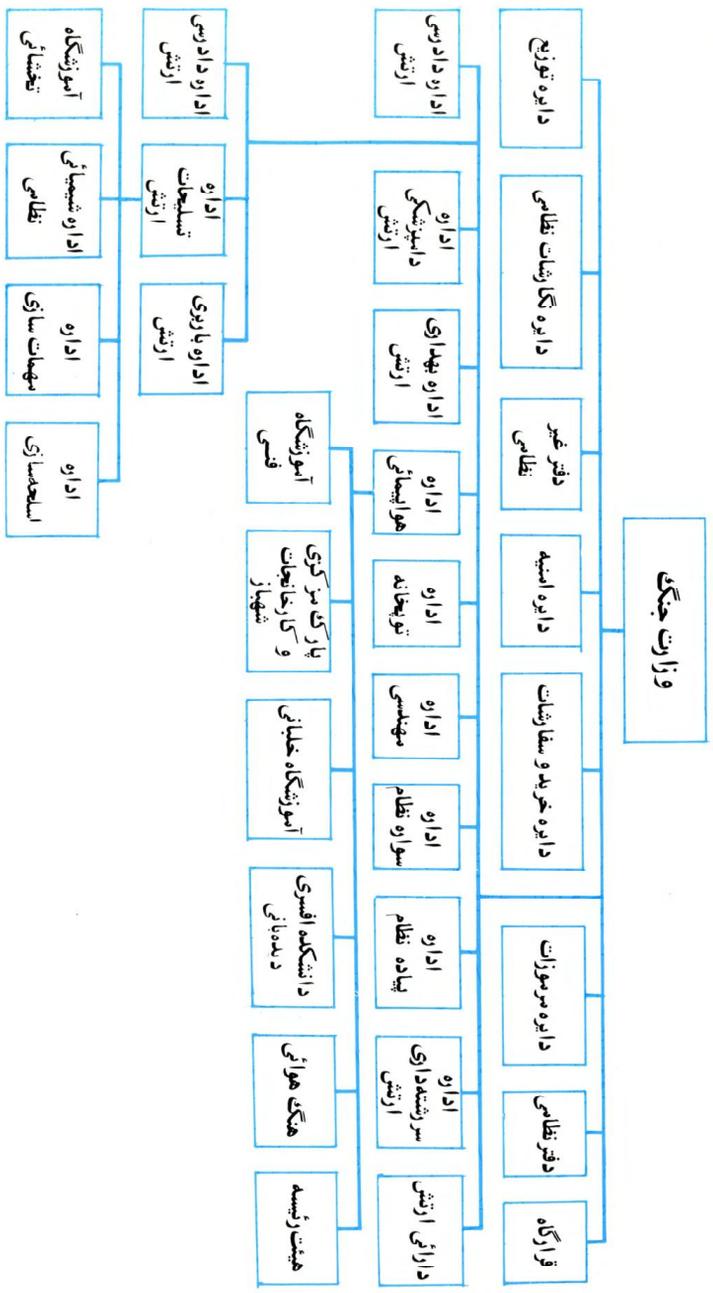
اداره کارگزینی در سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۲۱ خورشیدی) به اداره سرشته داری ارتش تغییر نام داد و با مأموریت برآورد، تهیه، خرید، انبار کردن و توزیع اقلام جیره، علق، پوشاک و ساز و برگ برای تمام یگانهای ارتش شاهنشاهی فعالیت خود را آغاز کرد.

در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر در امور آمادگی لشگرها، یک عنصر سرشته‌داری به شعب نقدی و جنسی و شعبه سبزی، و همچنین یک گروهان کارپردازی که در حقیقت عامل اجرایی پشتیبانیهای آمادگی بوده سازمان لشگرها اضافه، و به این ترتیب از وابستگی دائمی یگانهای رزمی به سازمانهای پشتیبانی مرکز کاسته شد. (نمودار ۳ شمای سازمان لشگرها را در آن تاریخ نشان میدهد).

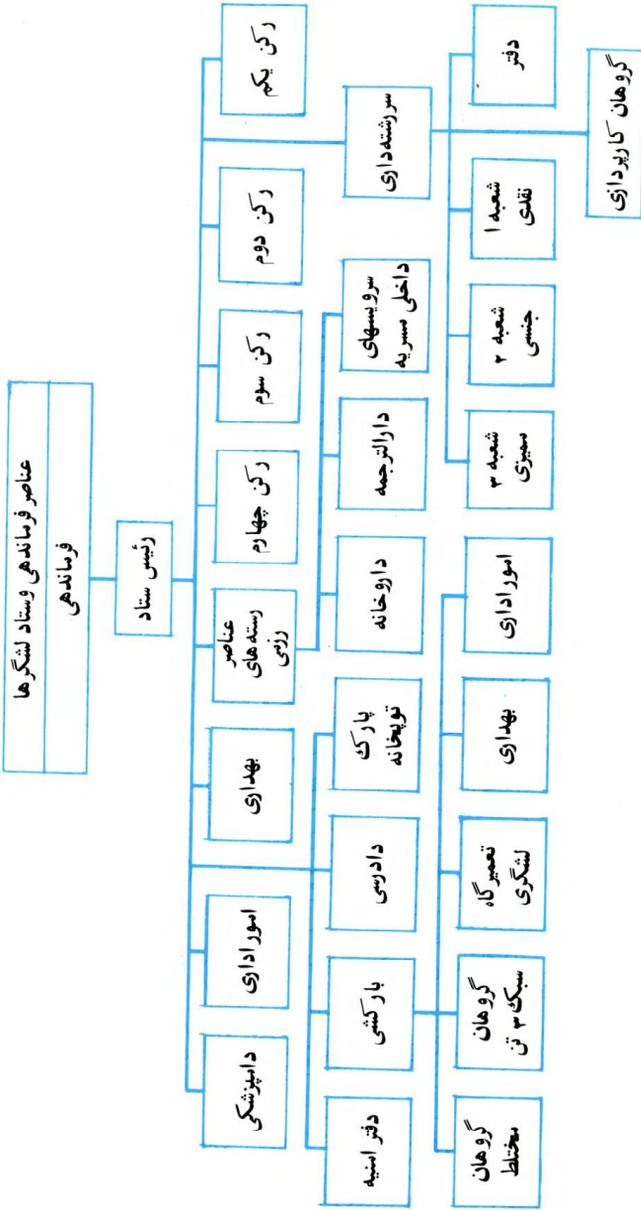
در سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) پس از یک سلسله بررسی و ارزیابی نتیجه حاصله کار سازمانهای آمادگی، مقرر شد که در منطقه هریک از



نمودار شماره ۱ - ادارات بازده‌گانه وزارت جنگ در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی «۱۳۲۰ خورشیدی»
 مستخرج از فرمان وزارت جنگ شماره (۸۳۳)



موزار شماره ۲- سازمان ارتش شاهنشاهی در سال ۲۰۰۱ شامشاهی ۱۳۲۱ خورشیدی (مستخرج از دفتر سازمان و زار جنگی)



نمودار شماره ۳ - نمای سازمان لشکرها در سال ۲۰۰۱ شاهنشاهی ۱۳۲۱ خورشیدی»

لشگرهای خارج از تهران یک آمادگاه (دپو) تأسیس شود، و در تهران نیز برای پشتیبانی کلیه یگانها و ادارات و سازمانهای مستقر در مرکز، آمادگاه جداگانه‌ای بوجود آید که آمادگاههای خارج از تهران از نظر فنی تابع اداره مربوطه در تهران، و از نظر اداری و انضباطی تحت امر فرمانده نظامی منطقه قرار داشته باشند.

آمادگاه تهران از تاریخ اول فروردین ماه سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) تأسیس و شروع بکار کرد ولی آمادگاههای خارج از مرکز به تدریج و به تناسب تأمین مقدمات کار تأسیس، و فعالیت‌های آمادی، خود را آغاز کردند، که در خرداد ماه سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۳۰ خورشیدی) عنوان این آمادگاه‌ها به خدمات ناحیه تبدیل شد.

در شهریور ماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۳۴ خورشیدی) به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، نیروهای هوایی و دریائی از تابعیت ستاد ارتش خارج و بطور مجزا هر یک نیروی مستقلی را تشکیل دادند، و سازمان ستاد کل تشکیل شد و ادارات سررشته‌داری، بهداشتی، مهندسی و موتوری جزو ترکیبات این ستاد درآمد، و روشهای پشتیبانی لجستیکی بر اساس همان شیوه‌های قبلی ادامه یافت.

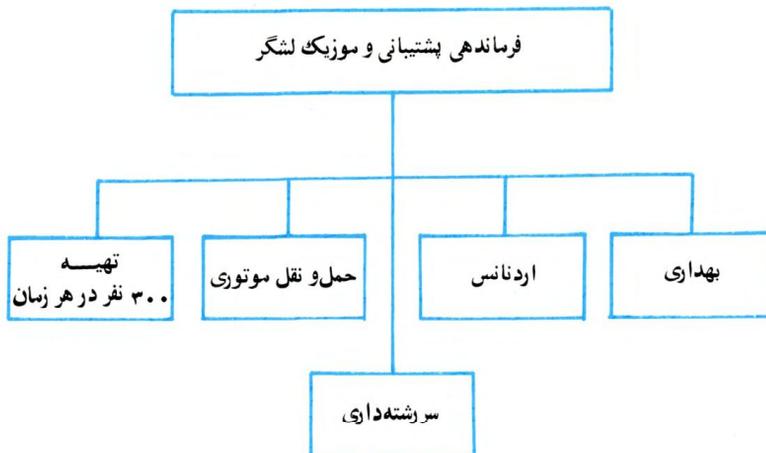
از تاریخ یکم دی‌ماه سال ۲۵۰۵ شاهنشاهی (۱۳۳۵ خورشیدی) به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، عنوان ستاد کل به ستاد بزرگ ارتشتاران تبدیل و وظائف نیروهای مسلح شاهنشاهی صریحاً روشن و مقرر شد که هر یک از نیروهای سه‌گانه طرح‌ریزی‌های لازم را به منظور انجام پشتیبانیهای لجستیکی یگانهای تابعه معمول و ترتیبی اتخاذ نمایند که وسائل و تجهیزات و سایر اقلام آمادی هر نیرو بوسیله عوامل پشتیبانی همان نیرو تأمین شود. بر اساس این تدبیر در سال ۲۵۰۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ خورشیدی) یک فرماندهی لجستیکی هم‌مطراز نیروها به منظور انجام هم‌آهنگی در امور لجستیکی تشکیل و با مأموریت، هدایت و هم‌آهنگی مسائل لجستیکی در رده نیروهای مسلح شاهنشاهی بکار مشغول شد.

از تاریخ یکم بهمن سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۴۴ خورشیدی) در تعقیب این هدف که هر نیرو بتواند در زمینه پشتیبانیهای لجستیکی کاملاً خود کافی شده و یگانهای تابعه را در اسرع وقت با سریعترین وسیله ممکن و خارج از درگیریهای واسطه‌ای پشتیبانی کند، فرماندهی لجستیکی متشکله در رده ستاد بزرگ ارتشتاران منحل و سازمان فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی شاهنشاهی بوجود آمد که دنیروی دیگر نیز هر کدام سازمان مشابهی برای پشتیبانیهای آمادی خود تأسیس کردند. با تشکیل فرماندهی لجستیکی در رده نیرو و همچنین بوجود آمدن سازمان فرماندهی پشتیبانی در رده لشگرها که از سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی)

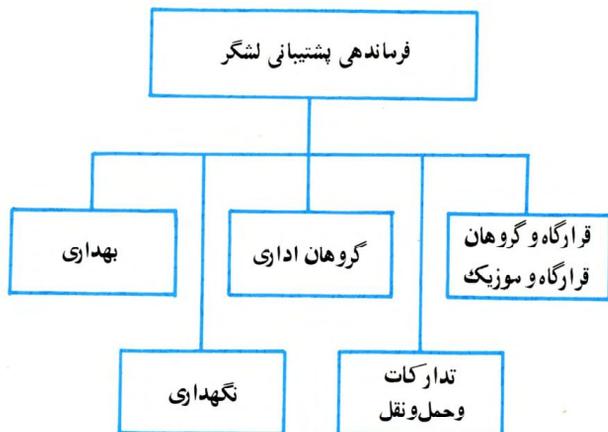
در جدول سازمان هر لشکر منظور (نمودار شماره ۴) و در سال ۲۰۲۳ شاهنشاهی (۱۳۴۳ خورشیدی) در سازمان آن تجدید نظر به عمل آمد ترتیبی داده شد که این سازمان بتواند یگانهای عملده رزمند را به نحو بهتری پشتیبانی کند . نمودار شماره ۵ سازمانهای درمانی امروز نیروی زمینی شاهنشاهی از دو قسمت بیمارستانهای ثابت منطقه‌ای و بیمارستانهای متحرک صحرائی تشکیل ، و با آخرین وسائل درمانی مجهز بوده و در حال حاضر حتی تخلیه بیماران را از راه هوا و با هلیکوپترهای هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی به شایسته‌ترین وجهی انجام میدهند .

از آنجائیکه هدف نهائی از کلیه اقدامات و فعالیتهای لجستیکی ، ایجاد تسهیلات کافی در امر پشتیبانیهای آمادی و امور درمانی و تخلیه بیماران است ، با الهام از فرمایشات شاهنشاه آریامهر مبنی بر اینکه « در موقع تغییر سیستم ها ، جهش بایستی درجهت نیل به آخرین سیستم‌های پیشرفته باشد نه سیستمهاییکه در کشورها ی مترقی کنار گذارده میشود » سازمانی بنام تحقیقات و ارزیابی رزمی بانام اختصاری (ساتار) بوجود آمد که تا شهریور سال ۲۰۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) بصورت یکی از ادارات تابعه ستاد بزرگ ارتشتاران به انجام وظائف خود مشغول بود ، و در تاریخ ۱۷ شهریورماه این سال به فرمان مبارک شاهانه به تابعیت نیروی زمینی شاهنشاهی درآمد و با مأموریت تحقیقات در مسیر بهبود روشها ، و مسائل ، تجهیزات ، جنگ‌افزار و وسائل به فعالیت ادامه داد ، و سپس در تاریخ اردیبهشت ماه سال ۲۰۲۸ شاهنشاهی (۱۳۴۸ خورشیدی) بنام مرکز تحقیقات و ارزیابی رزمی نیروی زمینی شاهنشاهی به عنوان یکی از ارکان ستاد این نیرو بکار مشغول شد . مرکز مزبور تاکنون توانسته است در زمینه‌های تحقیقاتی به نتایج مثبت و ارزنده‌ای برسد و آزمایشات مفیدی برای تعیین کارائی و مسائل و انطباق آنها با شرائط اقلیمی کشور ایران انجام دهد که در افزایش قابلیت رزمی یگانها به نحو قابل ملاحظه‌ای مؤثر بوده است .

تا سال ۲۰۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) روش‌های لجستیکی در نیروی زمینی شاهنشاهی بر سیستم رسته‌ای مبتنی بود ، بدینسان که بطور مثال تأمین و توزیع خاویبار ، سازویرگ انفرادی ، و مسائل آشپزخانه ، چادرها ، و مسائل دفتری و مواد نفتی و مشابه آن به عهده اداره سررشته‌داری و اقلام مهندسی با اداره مهندسی بود . ولی از آنجائیکه همه تلاش‌ها درجهت توسعه و تکامل و بهبود امور متمرکز است ، نارسائیهای این روش پس از یک سلسله بررسیهای عمیق و همه جانبه مشخص و سرانجام سازمان جدید فرماندهی لجستیکی که در حال حاضر به انجام پشتیبانیهای لجستیکی مشغول است ، به صورت مراکز اصلی تعمیرات و مراکز اصلی آماده‌ها بوجود آمد که از دویاره کاری و اتلاف نیروی انسانی پرهیز شود .



نمودار(۴) - سازمان فرماندهی پشتیبانی یک لشکر پیاده در سال ۲۵۰۱ شاهنشاهی
 « ۱۳۴۱ خورشیدی »



نمودار شماره ۵ سازمان فرماندهی پشتیبانی لشکر در سال ۲۰۲۳ شاهنشاهی «۱۳۴۳ خورشیدی»

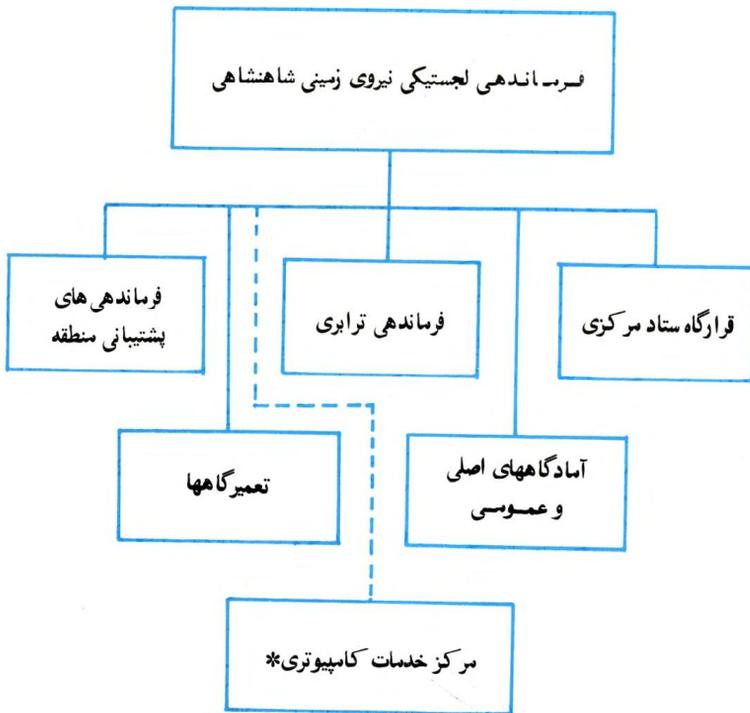
سازمان مزبور که درجهت تأمین نیازمندی‌های لجستیکی همگام با آخرین پدیده‌ها و روشهای جاری در ارتش‌های متمدنی جهان گام برمی‌دارد، با ایجاد مرکز خدمات کامپیوتر مشغول پیاده کردن طرحی است که درآینده نزدیک کلیه روشهای لجستیکی و امور آمادی را به صورت کامپیوتر یزه در آورده، و بهترین تسهیلات را در چهارچوب جدیدترین وسائل تکنیکی درجهت آمار یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی فراهم سازد (نمودار شماره ۶). اکنون که با تغییرات سازمانهای لجستیکی در نیروی زمینی شاهنشاهی آشنا شدیم و دریافتیم که به موازات تحولات و دگرگونیهای که در ارتشهای متمدنی جهان به منظور وصول به عالی‌ترین سیستم‌های لجستیکی صورت می‌گیرد، در ارتش شاهنشاهی نیز تحقیقات و بررسیهای مداوم در مسیر دست‌یابی به منظم‌ترین شیوه‌های آمادی و تأمین بهترین وسائل و جنگ افزارها بطور مستمر ادامه دارد، شایسته است مختصری نیز پیرامون کیفیت آمادها گفتگو شود تا خوانندگان محترم این کتاب در ارزیابی پیشرفت‌های ۵۰ ساله اخیر نیروی زمینی شاهنشاهی، زمینه مناسبی بدست آورند.

پیشرفت در کیفیت آمادها

در جریان تشریح اوضاع کشور در دوران قبل از کودتای سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ خورشیدی) گفته شد که نابسامانیهای اجتماع آنروز ایران



سالن غذاخوری یکی از یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی



* مرکز خدمات کامپیوتری نیروی زمینی شاهنشاهی در حال حاضر بعنوان یکی از قسمتهای ستاد تخصصی نیرو مستقل عمل می کند و همکاری نزدیک با فرماندهی لجستیکی و دیگر ارکان و عوامل اداری نیروی زمینی شاهنشاهی دارد

طوری بود که به سر باز جای حقوق ماهانه، آجر و سنگ و سایر مصالح ساختمانی میدادند . بدیهی است در چنین شرائطی مسئله جیره و غذای گرم و محاسبه کالری اساساً مطرح نبود و آنچه که در سالهای بعد از کودتای سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۳۹۹ خورشیدی) بدست توانای **اعلیحضرت رضاشاه کبیر** بنیانگذار ارتش نوین ایران صورت گرفت ، در حقیقت انقلابی بود که اساس جامعه آروز ایران را در گگون ساخت و در این رهگذر ارتش شاهنشاهی ایران نیز به تناسب امکانات و مقدرات زمان به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های آموزشی و لجستیکی نائل شد که شرح آن در بخش دوم به تفصیل گذشت .

پس از پایان جنگ جهانی دوم و استقرار ثبات و امنیت در کشور و به ویژه از سالهای بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد ماه سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی (۱۳۳۲ خورشیدی) دگرگونیهای عمیق و سازنده‌ای در جهت پیشرفت و تکامل نیروی زمینی شاهنشاهی بوجود آمد که از آن جمله باید تغییر در کیفیت آمادها را نام برد.

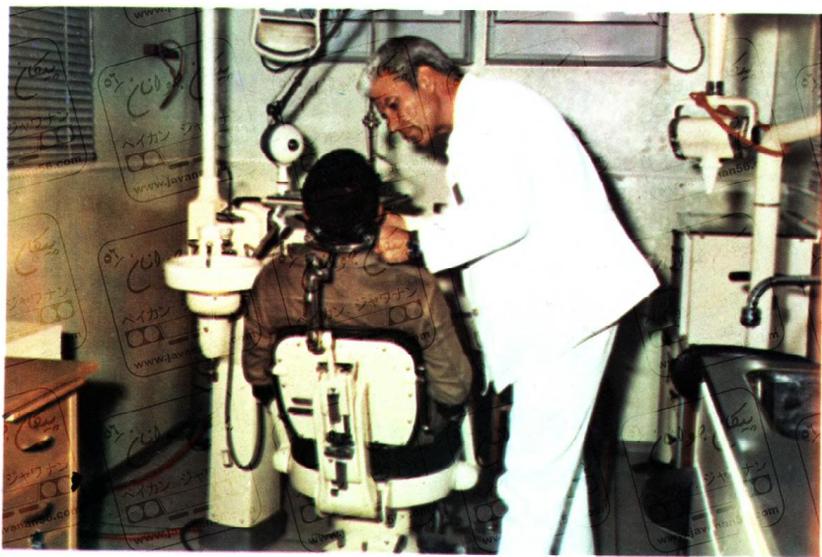


نمای خارجی بیمارستان متحرک صحرائی

امروزه در نیروی زمینی شاهنشاهی به امر تغذیه پرسنل توجهی ویژه مبذول میشود، به این ترتیب که برنامه‌های غذایی زیر نظارت یک کمیته عالی بهداشت با محاسبه کالری ویرمبنای امکانات هرفصل و رعایت شرائط اقلیمی هر منطقه از کشور تهیه و از مواد ئیدروکربور، چربیها، پروتئین‌ها و املاح معدنی ترکیب میگردد. غذای پرسنل در مجهزترین آشپزخانه‌ها با رعایت اصول بهداشت طبخ، و در سالن-های نهارخوری توزیع و در شرائط عملیات صحرائی از آشپزخانه‌های متحرک استفاده میشود.

افسران و درجه دارانی که در سازمانها و یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی بطور یکسره مشغول کارند از غذای گرم و آنهائیکه در اردوگاهها هستند، از جیره‌های مخصوص اردوئی استفاده میکنند و این امر در تأمین سلامت جسمانی پرسنل فوق العاده مؤثر است.

در حال حاضر علاوه بر جیره معمولی که در سربازخانه‌ها در شرایط عادی تهیه و توزیع میشود دو نوع جیره دیگر نیز بنام جیره اضطراری و جیره عملیاتی درسته بندیهای بسیار مناسب و بهداشتی آماده میباشد که بر حسب ضرورت به پرسنل نیروی زمینی



تسمت دندانپزشکی بیماستان متحرک صحرائی مربوط به یکی از یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی

شاهنشاهی تحویل میشود که برای نمونه اقلام آن بشرح زیر جهت آگاهی خوانندگان درج میگردد:

۱ - جیره اضطراری:

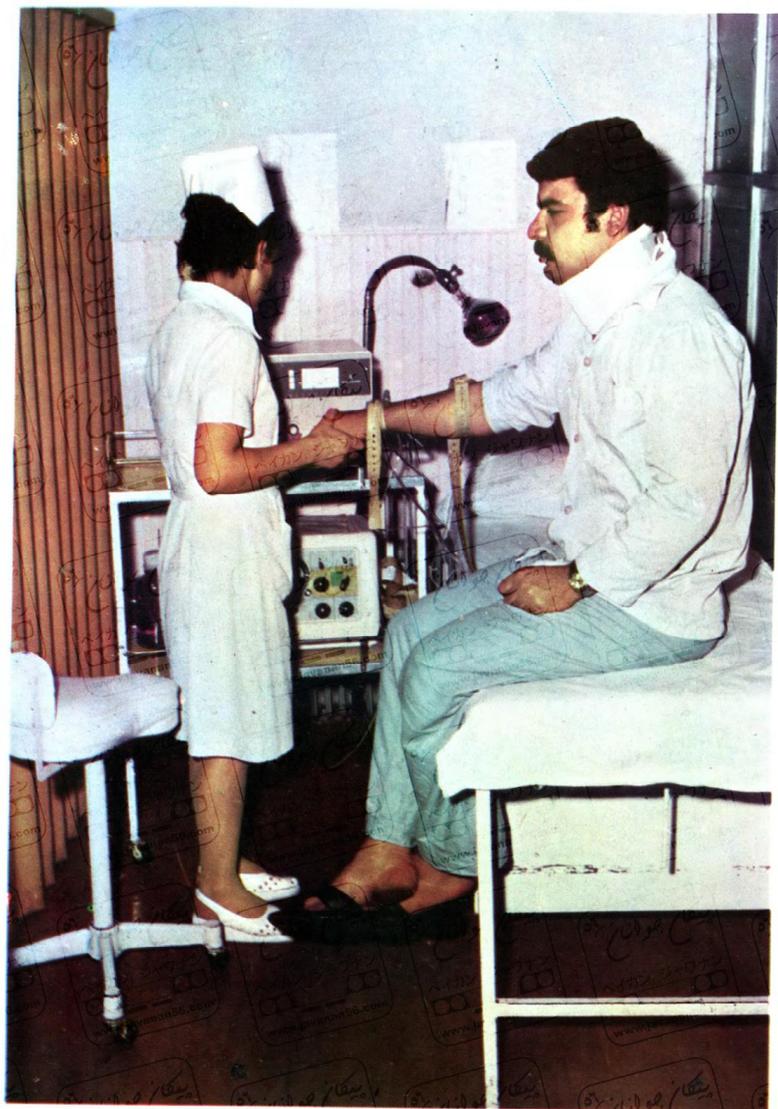
وزن ۴۰۰ گرم « ۸ قطعه شکلات »

۲ - جیره عملیاتی یکنفره:

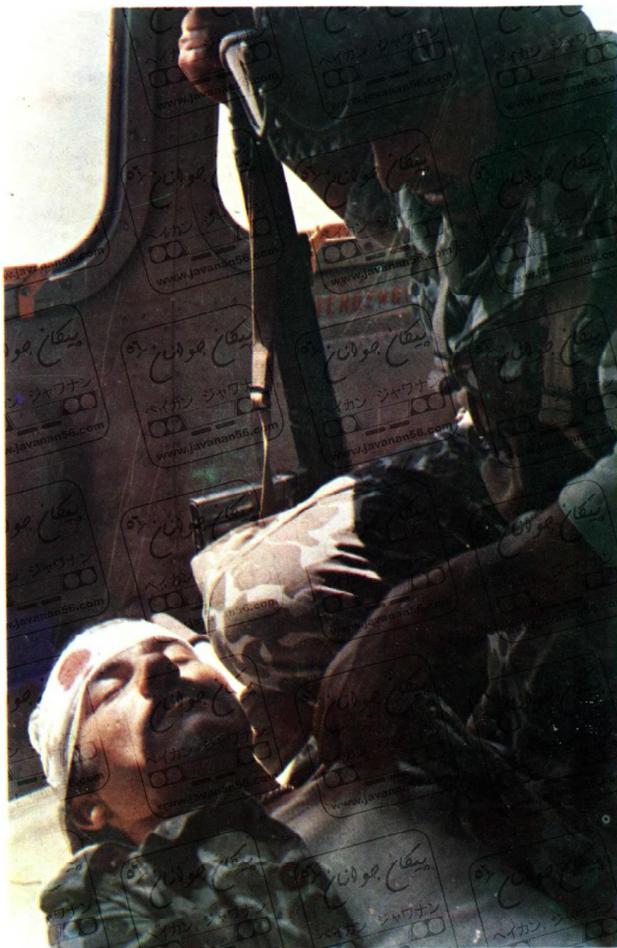
کسرو و غذای آماده دوقوطی برای ناهار و شام
اقلام صبحانه و سایر احتیاجات روز:



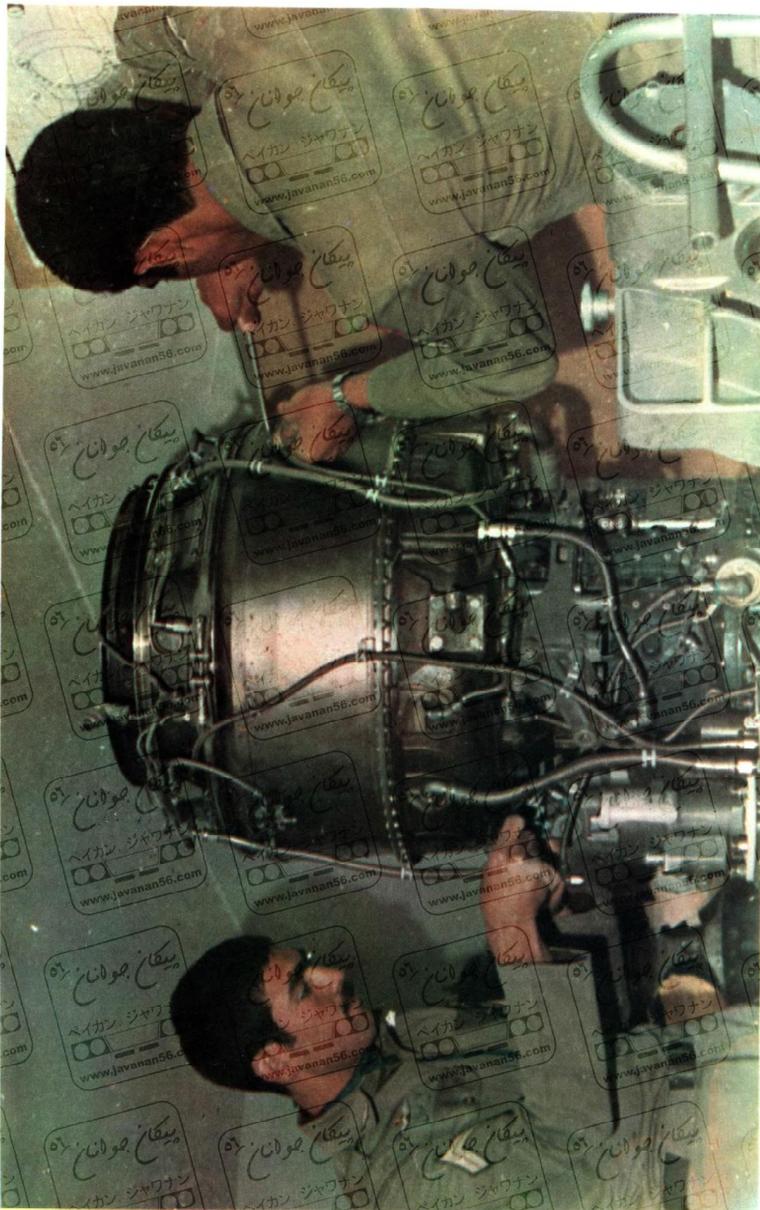
تصویری از بیمارستان ۵۰۲ نیروی زمینی شاهنشاهی



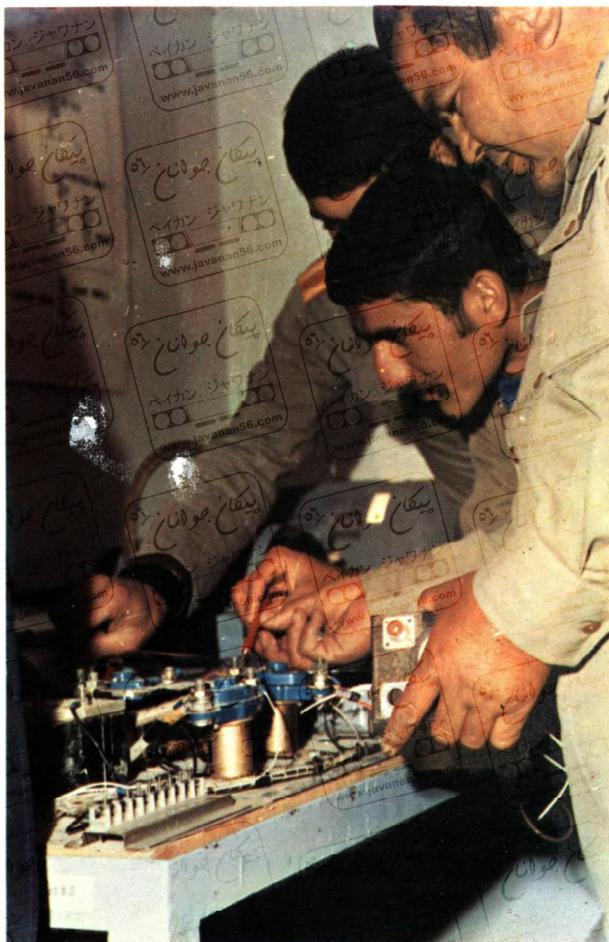
تصویری از بیمارستان شماره ۲۰۰ نیروی زمینی شاهنشاهی



حمل بیمار و مجروحین از دورافتاده‌ترین پادگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی به مراکز درمانی و بیمارستانها، با استفاده از هلیکوپترهای هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی



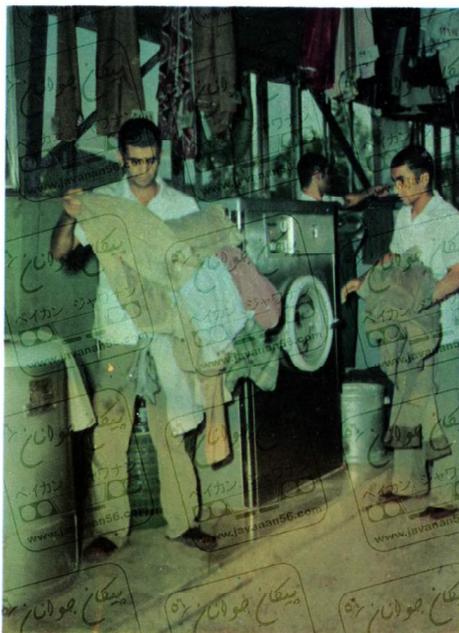
« تصویر از پرسنل فنی ینگان هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی در حال تعمیر موتور هلیکوپتر »



«تصویری از تعمیرگاه الکترونیک یکی از یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی»
وجود تعمیرگاههای مجهز و پرسنل متخصص در رشته‌های مختلف فنی، سطح تعمیر و نگهداری
را در یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی به سطحی بسیار عالی و ممتاز رسانیده است.

قند ۳۰ گرم
 چای ۳ گرم
 آب نبات ۲۰ گرم
 دستمال کاغذی ۳ برگ
 کاغذ نظافت ۴ برگ
 نمک ۴ گرم
 قرص مولتی ویتامین ۱ عدد
 قرص تصفیه آب ۳ عدد

نان جنگی بوزن ۰۰۵ گرم (شبهه بیسکویت بدون شیرینی)
 همزمان با دگرگونی در کیفیت مواد غذایی و وارد کردن آشپزخانه‌های
 صحرایی در خدمت یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی، برای افزایش تحرک و سرعت
 نانوآخانه‌های صحرایی، حمام و رختشویی متحرک با دوش و دستگاه‌های لباسشویی،
 تعمیرگاههای سیار مخصوص انواع خودروها، دستگاههای سوخت رسانی صحرایی،



نمونه‌ای از لباسشویی یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی

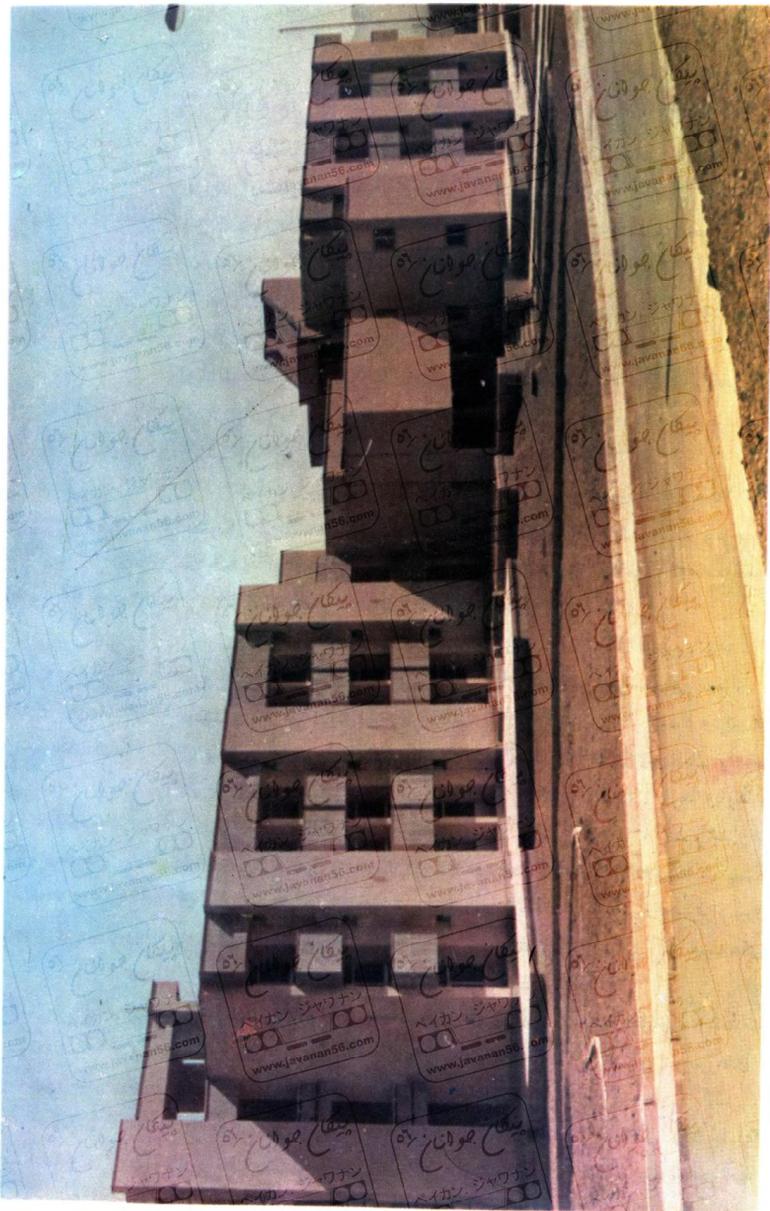
چادرهای جراحی سیار، ساختمانهای بسیار مجهز مخصوص زیست پرسنل و سرانجام عالیترین و پیشرفته‌ترین جنگ افزارها و وسایل در اختیار نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفت، به نحویکه امروز ارتش شاهنشاهی ایران نه تنها قادر به حفظ استقلال و پدافند از مرز و بوم کشور در برابر هر متجاوز خارجی است، بلکه به عنوان یک نیروی قابل توجه در تأمین امنیت منطقه در سطح بین المللی بحساب میآید.

دروود به روان پاك بنیان گذار این نیروی حافظ صلح، اعلیحضرت رضاشاه کبیر، جاوید و سرافراز باد فرماندهی عالی نیروهای مسلح شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریابهر بزرگ ارتشتاران.



آشپزخانه مدرن قرارگاه نیروی زمینی شاهنشاهی

غذای پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی در آشپزخانه‌های مدرن و مجهزی تهیه میشود و بوسیله بهترین ظروف و با عالیترین روش توزیع میگردد.



نمای خارجی یکی از ساختمانهای مدرن یادگان هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی دراصفهان.
در حال حاضر تمام یادگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی دارای ساختمانها وتاسیسات مدرنی هستند.

اسم عیانت نظر

اژشهریور ماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تا عصر حاضر

همانطوریکه در بخش قبل یادآور شدیم ، **اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر** بزرگ از **تشتاران** دریبحرانیترین و پیرآشوبترین روزهای تاریخ شاهنشاهی ایران بجای پدر ، سکان این کشتی طوفان زده را در دستهای جوان و توانای خود گرفتند .

تثبیت موقعیت ایران و حفظ استقلال کشور در طول جنگ دوم جهانی و جبران ویرانیها و خسارات ناشی از جنگ از یکطرف ، و جدال با عناصر دست نشانده دشمن و خائنین وطن فروش که تحت رهبری بیگانه هر یک خیال خام تجزیه قسمتی از ایران را در سر داشتند از طرف دیگر ، شاهنشاه جوان و فرماندهی خردمند و کارداران ایران را در زیر کوهی از ناملایمات قرار داد .

بیگانه و بیگانه پرست با تمام تلاش و خدعه و نیرنگ و با تمام عوام فریبی و صدف رنگی نتوانست در صف فشرده و پیمان ابدی و مقدس شاه و ملت رسوخ کند . ملت حق شناس ایران یک دل و یک زبان از شاهنشاهی پیروی نمود که جامع جمیع خصائل برجسته انسانی و مورد عنایات خاص خداوندی بوده و هست .

در طول روزهای تاریک و روشن و لحظه های تلخ و شیرین ۳۰ سال سلطنت غرور آفرین **اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران** ، برای رسیدن به امنیت و رفاه کم نظیری که امروز ملت ایران از آن برخوردار است ، و برای فراهم شدن اینهمه زمینه ترقی و پیشرفت روزافزون که چشم جهان و جهانیان را خیره ساخته است ، نیروی زمینی شاهنشاهی در طول این مدت ۳۰ سال بارها و بارها در عملیات مختلفی علیه بیگانه و عمال بیگانه درگیر شده ، و با توسل به لطف خداوند و با بر خورداری از تدبیر و جسارت کم نظیر فرمانده تاجدار خود همیشه در پیشگاه مبارک شاهنشاه و ملت شریف ایران از تمام صحنه های کارزار پیروز و سرفراز بیرون آمده ، و توانسته است نظم و امنیت را آنطور در کشور برقرار سازد که زمینه های سرمایه گذاری و پیشرفت هر روز از دیروز فراهم تر و آبادتر گردد .

عملیات آذربایجان ، عملیات کردستان ، عملیات بختیاری ، عملیات جنوب ، شرکت در قیام ملی ۲۸ ارداد ، پاسداری از حقوق کشور در مرزهای باختری ، سرکوبی گردنکشان و راهزنان در دور افتاده ترین نقاط کوهستانی کشور ، سرکوبی فتودالیسم و پشیمانی از اصلاحات ارضی ، گوشه هائی از تلاش و فداکاریهای نیروی زمینی شاهنشاهی در طول ۳۰ سال گذشته است ، که تشریح تمامی آنها از فرصت موجود خارج و نوشتن قسمتهائی از این تلاش احتیاج به گذشت زمان بیشتری دارد .

بنابراین در این بخش اهم عملیات به تفصیل از نظر گرامی خوانندگان ارجمند میگذرد .

عملیات آذربایجان

وضعیت عمومی :

- ۱ - منطقه عملیات : استانهای آذربایجان شرقی و غربی و فرمانداری زنجان .
- ۲ - منظور شورشیان : قیام علیه دولت مرکزی ، جدا کردن خطه زرخیز آذربایجان از ایران و تشکیل جمهوری دموکراتیک آذربایجان آزاد .
- ۳ - کشور پشتیبان : یکی از کشورهای همسایه .
- ۴ - استعداد شورشیان : حدود ۱۲۰۰۰ نفر .
- ۵ - جنگ افزار شورشیان : تفنگ برنو - آفتومات - مسلسل سنگین - مسلسل سبک - ۶ عرادۀ توپ ۷۵ م م بوفورس - ۶ دستگاه ارابه جنگی .

وضعیت خصوصی :

- ۱ - پس از اشغال ایران وسیله نیروهای متفقین در شهریور ۲۰۲۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) طبق قراردادی مقرر شد که نیروهای متفقین حداکثر تا ششماه پس از پایان جنگ دوم جهانی خاک ایران را تخلیه کنند . به این ترتیب ایران بصف متفقین پیوست و به آلمان اعلان جنگ داد .
- ۲ - جنگ دوم جهانی پایان پذیرفت و نیروهای آمریکا و انگلیس برابر قرارداد قبلی خاک ایران را بموقع تخلیه کردند و لی دولت روسیه شوروی به هیچوجه خیال تخلیه منطقه شمالی ایران را نداشت و تقاضاهای مکرر ایران را در این مورد نادیده میگرفت .
- ۳ - مراتب از طریق دولت ایران به مراجع بین المللی کشیده شد و بالاخره پس از مذاکرات بسیار و در اثر فشار شدید سیاسی کشورهای انگلستان و آمریکا دولت شوروی خود را مجبور به ترک ایران دید ، ولی قبل از تخلیه ، شروع به تجهیز و آموزش عناصر دست نشانده خود در ایران کرد و فرقه دموکرات را در آذربایجان و حزب کومله را در کردستان تأسیس و تقویت نمود .
- ۴ - با وجود فشارهای شدید سیاسی و قبول دولت شوروی به خارج کردن قوای خود از ایران ، نیروهای شوروی از استانهای خراسان - گرگان - گیلان و مازندران خارج شدند ولی نیروهای مستقر در آذربایجان برای خروج خود پیوسته وقت گذرانی می کردند و منتظر روی کار آمدن حکومت دست نشانده خود بودند .
- ۵ - اولین آشوب فرقه دموکرات در روز ۲ آبان ماه سال ۲۰۲۰ شاهنشاهی (۱۳۲۴ خورشیدی) در شهرستان میانه آغاز شد و طی آن گروه کثیری از زنان و

کودکان بی‌گناه بقتل رسیدند .

۶ - بدنبال حادثه فوق وتقاضای لشکر تبریز ، دولت مرکزی تصمیم به تقویت نیروهای آذربایجان گرفت وبهمن منظور نیروئی به استعداد ۲ گردان به فرماندهی سرهنگ ۳ امجدی از تهران بسوی آذربایجان اعزام شد .

۷ - نیروی اعزامی در ۲۶ آبان ماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۲۴ خورشیدی) از تهران حرکت کرد ولی در شریف‌آباد قزوین مواجه باتیراندازی نیروهای شوروی شد وپس از مذاکره بافرمانده نیروی شوروی ، باکمال تعجب فرمانده روسی اظهار داشت که حرکت نیروی ایران بطرف شمال تهدیدی علیه کشور شوروی است و نامبرده باستفاده از موقعیت خود از حرکت نیروهای ایران به آذربایجان جلوگیری کرد .

۸ - متوقف ساختن ستون تقویتی در قزوین علاوه بر اینکه اثرات نامطلوب در روحیه پرسنل پادگانهای آذربایجان بجا گذارد ، نیروهای شوشی را نیز به جسامت بیشتری وادار کرد و آنها با اطمینان ازعدم تقویت نیروهای موجود در آذربایجان ، شهرهای بی دفاع آذربایجان را به آتش وخون کشیدند وبا کشتار بیرحمانه در سراب ومشکین شهر ، لکه ننگ ابدی بر دامان آلوده خود نهادند .

۹ - در روز ۲۱ آذرماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی (۱۳۲۴ خورشیدی) مجلس قلابی جمهوری آذربایجان افتتاح وشبستری به ریاست مجلس ، وپیشه‌وری به ریاست دولت انتخاب ، ودرهمان روز شهر تبریز به تصرف متجاسرین درآمد وپادگان تبریز خلع سلاح شد .

۱۰ - دولت شاهنشاهی ایران مراتب دخالت مستقیم ارتش سرخ را در امور داخلی ایران به مراجع بین المللی کشانید وشورای امنیت سازمان ملل متحد رسماً رأی به حقانیت ایران داد .

۱۱ - نیروهای روسیه شوروی پس از اطمینان کامل از تأمین منطقه آذربایجان وسیله فرقه دموکرات وپس از تجهیز کامل ۱۲۰۰۰ نفر نیروهای وابسته بان ، شروع به ترك خاك ایران کردند . درحالیکه نیروهای دست‌نشانده آن دولت عیناً همان مأموریت نیروهای مسلح را بنفع شوروی بر عهده داشتند .

۱۲ - پس از خروج نیروهای شوروی ، دولت ایران سعی کرد ضمن انجام مذاکره با سران فرقه دموکرات بدون خونریزی بیشتر وبدون کشتار مردم بی‌گناه بتواند آنها را وادار به تسلیم نماید وبهمن منظور چندین دور مذاکره بین طرفین در تبریز انجام ، ولی متأسفانه نتیجه‌ای عاید نشد .

۱۳ - چون از مذاکره نتیجه‌ای گرفته نشد ، بناچار رأی مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بر این قرار گرفت که خطه آذربایجان با عملیات نظامی از وجود دشمن پاک شود وخود شاهنشاه شخصاً فرماندهی عملیات را

شرح عملیات آذربایجان

۱ - به فرمان مطاع مبارک شاهانه ، نیروهای مسلح شاهنشاهی به فرماندهی سرهنگ هاشمی در روز جمعه اول آذرماه ۲۵۰۵ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی) از قزوین بطرف زنجان حرکت کرد و این نیرو توانست خود را در ساعت ۷ صبح روز دوم آذر به قریه دیزج یعنی ۶ کیلومتری جنوب زنجان برساند .

۲ - زدو خورد بین نیروهای دولتی با متجاسرین که سخت غافلگیر شده بودند در ارتفاعات جنوبی زنجان از دوم تا سیزدهم آذرماه ادامه یافت و در نتیجه نیروهای دموکرات مهتدم و شهر زنجان به تصرف نیروهای دولتی درآمد و در روز ۱۵ آذرماه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران در میان شورواشتیاق مردم شاهدوست زنجان وارد آن شهر شدند . و اوامر کافی و دستورات لازم در مورد ادامه عملیات ابلاغ فرمودند .

۳ - پس از تأمین زنجان ، نیروهای خودی به فرماندهی سرهنگ هاشمی به منظور تأمین قافلانکوه و ادامه تک بست میانه و تبریز بشرح زیر سازمان یافت .

الف - جلودار ستون به فرماندهی سرهنگ ۲ فولاد وند شامل : ۲ گردان پیاده ، ۶ ارابه جنگی ، یک آتشبار ۷۰ میلیمتری ، یک آتشبار توپخانه صحرانی و یک گروهان مسلسل ضد هوایی به فرماندهی سروان ناظم .

ب - جناح راست ستون به فرماندهی سرهنگ سردادور شامل : دو گردان پیاده ، ۴ ارابه جنگی ، یک آتشبار ۷۰ میلیمتری .

پد - جناح چپ ستون به فرماندهی سرهنگ بایندر شامل : ۲ نفر بارتیزانهای ذوالفقاری ، هنگ سوارفوزیه ، یک اسواران از هنگ سوار پهلوی ، یک دسته خمپاره انداز .

تد - بقیه هنگ سوار پهلوی باضافه ۴ نفر تفنگچی و ۲ گروهان ژاندارم در ارتفاعات جناح راست ستون .

۴ - چگونگی تأمین ارتفاعات قافلانکوه :

الف - عملیات در سپیده دم روز ۱۰ آذر آغاز شد .

ب - ستون سرهنگ بایندر با اجرای یک حرکت احاطه ای در سمت غرب شروع به تهدید جناح راست نیروهای دشمن کرد .

پد - سرهنگ سردادور بانبروهای زیرامر خود تک را بسوی آبادی کلوجه ادامه داد .

تد - هنگ پهلوی و تفنگچیان محلی با کمک ۲ گروهان ژاندارم تک را در ارتفاعات شرقی بسوی آبادی کاغذکنان آغاز کردند .

شد - سرهنگ ۲ فولادوند جلودار ستون ، تحت پوشش ارابه ها ، یک مانور



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریاسهر بزرگ ارتشتاران با هواپیما روی مواضع دموکراتها در قافلانکوه پرواز نمودند و پس از بررسی مواضع آنها، در ستاد عملیات تشریف فرما شدند و اوامری در جهت هدایت عملیات صادر فرمودند.

جبهه‌های را بسوی قافلانکوه با جسارت تمام آغاز کرد .

ج - نیروهای دموکرات به استعداد . . . نفر که در ارتفاعات قافلانکوه

مستقر بودند ناگهان از چهار سمت مورد تک قرار گرفتند و به علت نداشتن

سلاح ضدارابه و ایمن و انضباط واقعی ، تنها پل مهم منطقه رزم را بنام

پل دختر تخریب و شروع به فرار کردند و نیروهای دولتی تا ساعت ۱۰

صبح ارتفاعات قافلانکوه را تصرف و تأمین نمودند .

۵ - پس از تأمین ارتفاعات قافلانکوه، مانع اصلی در راه رسیدن نیروهای خودی به

میانه و تبریز از میان برداشته شد و ستونهای فرستاده شده بسرعت میانه را تأمین و

شروع به پیشروی بطرف تبریز کردند .

۶ - نیروهای دشمن که خود را برای مقابله با عکس العمل جدی ارتش

شاهنشاهی آماده نکرده بودند . با بی نظمی کامل شروع به اجرای یک سلسله

مقاومتهای پراکنده نمودند که تمامی آنها در فاصله میانه و تبریز درهم کوبیده شد

و قوای فرستاده شده پیروز و سرافراز در میان شور و احساسات بی پایان مردم رنج کشیده

وغارت شده تبریز در غروب روز ۲۱ آذرماه سال ۲۵۰۵ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی)

وارد آن شهرستان شد و در همین روز به فرمان مطاع مبارک ملوکانه سرهنگ هاشمی فرمانده نیروهای فرستاده شده به درجه سرتیپی ارتقاء یافت .

۷ - به مجرد فرار پیشه‌وری و عناصر خائن هم‌پیمان او و تصرف شهر تبریز وسیله نیروهای دولتی ، در تمام شهرهای آذربایجان مردم شاهدوست و میهن پرست علیه نیروهای دموکرات قیام کردند و ضمن زدو خورد با آنها راه را برای رسیدن نیروهای دولتی هموار ، و در اجرای مأموریت نیروهای خودی تسهیلات لازم فراهم کردند .

۸ - ستونهای دیگری از نیروهای خودی در روزهای ۲۲ و ۲۳ آذرماه سال ۲۰۰۵ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی) شهرهای سراب و اردبیل را که مرکز عمده فعالیت متجاسرین بود، از نیروهای دشمن پاک کرد و سپس در روزهای ۲۴ و ۲۵ آذرماه به ترتیب شهرهای مراغه - ماکو - جلفا - شاهپور - خوی و رضائیه تأمین و تصرف شد ، و باین ترتیب خطه زرخیز آذربایجان پس از قریب یکسال که از آغوش مام میهن دور بود ، بنا بر اراده آهنین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران ، و فداکاری قهرمانان جانباز نیروی زمینی شاهنشاهی به آغوش پرمهر میهن بازگشت و یکبار دیگر ایران و ایرانی به جهان و جهانیان ثابت کرد که در صف فشرده و پیمان مقدس شاه و ملت امکان رخنه نیست و ایرانی ازهر وجب از خاک میهن به فرمان شاهنشاه خود حتی با چنگ و دندان هم دفاع میکند و تا خون در رگهای ایرانیان جریان دارد بیگانه و بیگانه‌پرستی را راهی و جائی در این مرز و بوم کهن نیست .



پس از اشغال تبریز « یکی از تانکهای نیروی زمینی شاهنشاهی در جلو کتابخانه شوروی »

عمیات علیه سورشیشان و سرار بازران

- ۱ - منطقه عملیات : کردستان و قسمتی از آذربایجان باختری .
 - ۲ - منظور سورشیشان : قیام علیه دولت ، جدا کردن کردستان از ایران و تشکیل جمهوری دموکراتیک کردستان آزاد .
 - ۳ - کشور پشتیبان : همسایه نیرومند شمالی .
 - ۴ - جنگ افزار سورشیشان : تفنگ برنو - مسلسل سبک و سنگین - آفتومات نارنجک دستی - سلاحهای کمری و شکاری .
 - ۵ - علت بوجود آمدن شورش و چگونگی آن :
- هم زمان با فتنه خائنانه پیشه‌وری ویاران او در آذربایجان ، شورش مشابهی در کردستان به رهبری قاضی محمد آغاز ، وبا برخورداری از پشتیبانی مستقیم و مداوم همسایه شمالی توسعه یافت . قاضی محمد شهر مهاباد و شهرها و آبادیهای اطراف را در کنترل کامل خود گرفت ، و خیال خام جدا کردن کردستان را از ایران ، و تشکیل جمهوری دموکراتیک کردستان آزاد را در سر داشت .
- یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی پس از تأمین شهر تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان به فرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران از طریق آذربایجان باختری راه خود را به سوی کردستان باز کردند و قاضی محمد که از سرنوشت شوم پیشه‌وری ویاران او درس عبرت گرفته و خود را در برابر نیروهای نظامی ناتوان احساس میکرد ، با اندک مقاومتی شهر مهاباد را تخلیه و خود در میانندوآب به نیروهای دولتی تسلیم شد . و باین ترتیب یگانهای نظامی در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۵ آذرماه سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی) در میان فریادهای زنده‌باد شاه مردم ستم کشیده کردستان وارد مهاباد شدند و فتنه قاضی محمد پایان یافت .
- ۶ - قاضی محمد قبل از تسلیم شدن به نیروهای دولتی قسمت اعظم جنگ افزار و مهمات موجود خود را باین عشایر و طوایف منطقه تقسیم کرد که از این بابت بزرگترین سهم نصیب بارزانیها بشرح زیر شد :
- الف - دو قبضه توپ ۷۵ میلیمتری بوفروس با . . . ۴ گلوله .
 - ب - ۱۰۰ قبضه آفتومات .
 - پ - ۲۰۰ صندوق فشنگ برنو .
 - ت - ۲۰۰ عدد نارنجک جنگی .
 - ث - تعدادی تفنگ برنو و مسلسل سبک .
- ۷ - نیروهای بارزانی به رهبری شیخ احمد برادر بزرگ ملامصطفی و خود

ملازمصطفی بارزانی با داشتن جنگ افزار وساز ویرگ قلی ودریافت جنگ افزار و مهمات فوق از مهاباد به نقهه واشنویه عقب نشینی کردند ، واماده درگیری بسا نیروهای دولتی شدند .

۸- گسترش نیروهای بارزانی در نقهه واشنویه بشرح زیر بود :

الف - ملازمصطفی با تمام افسران عراقی (اخراجی عراق) و . ۶۰ نفر از بهترین تفنگچیان بارزانی در نقهه جایگزین ، وخط مقدم پدافندی را تشکیل دادند، وکنترل محورهای مهاباد - نقهه ، ونقهه - اشنویه را در دست گرفتند .

ب - عمده قوای بارزانی باتفاق خانوادههای آنها به سرپرستی شیخ احمد برادر بزرگ ملازمصطفی وسایر برادران او در اشنویه و دهات اطراف آن مستقر وخط دوم پدافندی را تشکیل دادند .

۹ - نیروهای خودی به فرماندهی سرتیپ همایونی ومعاونت سرهنگ بیگلری مأموریت انهدام نیروهای بارزانی را دریافت ، وپس از تأمین کامل مهاباد ودهات اطراف آن ، عملیات آفندی را علیه نیروهای بارزانی آغاز کرد .

۱۰ - عملیات علیه بارزانیها در دو مرحله کاملاً جداگانه انجام شد :

الف - عملیات علیه عمده نیروهای بارزانی وانهدام آنها که منجر به فرار نیروهای بارزانی به عراق شد .

ب - عملیات علیه ملازمصطفی بارزانی که با عدهای قریب . . ۴ نفر دوباره به ایران نفوذ کرد وبالاخره منجر به فرار آنها به روسیه شوروی گردید .

مرحله یکم عملیات بارزانیها از ۲۷ آذرماه سال ۲۵۰۵ شاهنشاهی

تا ۳ فورودین ماه سال ۲۵۰۶ شاهنشاهی

۱ - نیروهای خودی در دو ستون به شرح زیر عملیات علیه بارزانیها را در

سپیده دم ۲۷ آذرماه آغاز کردند .

الف - ستون یکم به فرماندهی سرهنگ سوار انصاری شامل : گردان

سوار لرستان وعناصر پشتیبانی مربوطه در محور مهاباد ، کهریز

محملشاه ، نقهه .

ب - ستون دوم به فرماندهی سرهنگ ۲ غفاری مرکب از . . ۲۵ نفر

سوار عشایری در محور مهاباد - کوسه کهریز - عطاءاله - نقهه .

۲ - در عصر روز ۲۷ آذرماه بدون برخورد وگرفتن تماس با دشمن ، ستون

یکم به محملشاه وستون دوم به کوسه کهریز وارد شد .

۳ - در این موقع ملازمصطفی بارزانی به وسیله پاشا امیرفلاح که یکی از

خوانین منطقه بود در کهریز به سرهنگ ۲ غفاری پیغام داد که میل دارد در نقهه

با نامبرده ملاقات و مذاکره کند .

۴ - سرهنگ ۲ غفاری مراتب را به رده بالاتر گزارش ، سپس از کسب تکلیف از تهران ، اجازه ملاقات صادر شد .

۵ - سرهنگ ۲ غفاری به همراهی میرحاج افسر عراقی که از جانب ملامصطفی به کهریز آمده بود به نغمه عزیمت ، ومدت ۴ ساعت با شیخ احمد و ملامصطفی ملاقات و مذاکره کرد . و در نتیجه قرار شد که ملامصطفی با اتفاق سرهنگ ۲ غفاری برای ملاقات با فرمانده نیروهای فرستاده شده به مهاباد عزیمت کند .

۶ - صبح روز ۲۹ آذرماه ملامصطفی با اتفاق سرهنگ ۲ غفاری به مهاباد وارد شد ، و پس از مذاکره با فرمانده نیروهای فرستاده شده شرحی مبنی بر درخواست تسلیم نوشت ، و تقاضا کرد که برای انجام مذاکرات نهائی به تهران فرستاده شود .

۷ - ملامصطفی به همراهی سرهنگ ۲ غفاری به تهران فرستاده ، و در تهران با او با نهایت مهربانی رفتار شد .

۸ - در مقابل تقاضاهای ملامصطفی و شرایط او برای تسلیم از طرف ستاد ارتش ، سه پیشنهاد بشرح زیر به نامبرده ارائه شد :

الف - ماندن در ایران و خلع سلاح کامل و قبول تابعیت ایران برای خود و خانواده اش .

ب - باقی گذاردن تعدادی از پرسنل نیروی بارزانی که سابقه محکومیت در عراق دارند در ایران ، رفتن بقیه نیروهای بارزانی به عراق .

پ - ترك كامل خاك ايران با تمام طایفه و خانواده های مربوطه ، پس از تحویل جنگ افزارهایی که در ایران بست آورده اند و رفتن به عراق حداکثر تا اول اسفندماه سال ۱۳۰۵ شاهنشاهی (۱۳۲۵ خورشیدی) .

۹ - ملامصطفی قلباً هیچیک از پیشنهادات فوق را نپذیرفت ولی در جواب مسئولین دولتی اظهار داشت که اجازه داده شود تا نامبرده به میان طایفه خود بازگشت کند و پس از مذاکره با برادران خود جواب قطعی را به دولت بدهد .

۱۰ - ملامصطفی در نهایت احترام به میان طایفه خود فرستاده شد . ولی نامبرده پس از رسیدن به مقصد اعلام داشت که با پیشنهادات ارائه شده موافقت ندارد و حاضر به مصالحه با ارتش نیست .

۱۱ - دلایل عدم قبول پیشنهادات دولت وسیله بارزانیها بشرح زیر بود :

الف - به علت حوادث گوناگون گذشته رؤسای بارزانی نسبت به دولت بدبین بودند .

ب - در بین نیروهای بارزانی تعدادی افسران محکوم عراقی وجود



بازدید اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران از مانور یگانها « سال ۲۰۳ شاهنشاهی مانور لشکرک »

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران از آغاز سلطنت که با عوارض ناشی از جنگ دوم جهانی روبرو شدند، با قاطعیت و اراده آهنین، در جهت تجهیز و تقویت ارتش شاهنشاهی همت گماشتند و نیروهای مسلح شاهنشاهی را برای مقابله با هرگونه شورش و ناامنی که بوسیله بیگانگان بوجود میآید آماده ساختند.



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران با دقت و توجهات ویژه‌ای مراحل مختلف عملیات را دنبال و در جهت هدایت یگانها اوامر مقتضی صادر میفرمودند، فرمان معظم له سرتیب همایونی فرماندهی نیروهای مأمور سرکوبی متجاوزین منصوب گردید.

داشت که مایل به بازگشت به عراق نبودند.

پ - در بین نیروهای بارزانی تعدادی قاتل و محکوم به مرگ عراقی وجود داشت که از ترس کبفر به هیچوجه حاضر به تبعیت از هیچ قانونی نبودند .

ت - بین نیروهای بارزانی تعدادی عناصر مشکوک ارمنی و مهاجر وجود داشت که همیشه مشغول اغوا و فساد بودند و نمیکذاشتند نیروهای بارزانی اسلحه را زمین بگذارند .

ث - تعدادی افسران فراری ارتش ایران مثل تفرشیان و احسانی بین نیروهای بارزانی وجود داشت که مصالحه با ایران را در حکم سند محکومیت خود میدانستند .

ج - جاسوسان عراقی موجود بین نیروهای بارزانی مایل نبودند و اجازه نمیدادند که ایران بین کردها وجهه خوبی پیدا کند .

چ - جامطلبی ملامصطفی و شیخ احمد و عشق افراد بارزانی بداشتن سلاح و مسلح بودن .

۱۲ - چون از مذاکرات و ملاقاتهای مقامات دولتی با ملامصطفی به علل مشروحه بالا نتیجه‌ای عاید نشد ، به ناچار پس از حدود سه ماه تأخیر دراجرای مأموریت ، عملیات علیه بارزانی از ۲۳ اسفندماه مجدداً آغاز شد .

۱۳ - گسترش نیروهای خودی و مأموریت آنها :

الف - یک گردان پیاده از هنگ ۱۲ کرمانشاه باضافه دودستگاه ارابه و یک دسته توپخانه ۷۵ م م بفرماندهی سرگرد کبیری در تازه کند ، مأمور مراقبت از وزنه ، قره بلاغ لویونسلی .

ب - گردان ۲ هنگ ۳۳ کرمانشاه باضافه یک آتشبار ۱۰۰ م م کوتاه و ۵ دستگاه ارابه جنگی به فرماندهی سرهنگ زره پوش درنقده .

پ - گردان سوار هنگ ۵ لرستان به فرماندهی سرهنگ انصاری در قلعه جوق وهن هندسه .

ت - گردان پیاده همدان باضافه یک دسته توپ ۷۵ م م و یک قبضه خمپاره‌انداز ۸۱ م م به فرماندهی سرگرد کلاشی در صوفیان .

ث - ۳۰ نفر سوار از عشایر منگور به سرپرستی ستوان ۱ نوبهار در نالوس حسن آباد وده کرجی

ج - ۱۰۰ نفر سوار از عشایر قره‌پاپاق در تازه کند و کهریز .

۱۵ - گسترش نیروهای بارزانی .

الف - ۱۵۰ نفر تفنگچی زبده مسلح به تفنگ - آفتومات - نارنجک دستی - مسلسل سبک و سنگین در وزنه و قره بلاغ .

- ب - ۳۰۰ نفر تفنگچی در میرآباد - آلوگوز - قطعه تان .
- پ - ۱۰۰ نفر تفنگچی در ساحک و ده شمس بایک قبضه توپ ۷۵ م.م .
- ت - ۲۰۰ نفر تفنگچی به فرماندهی پسر شیخ احمد در پوش آباد سرکیس .
- ث - ۱۰۰ نفر تفنگچی به فرماندهی ملا مصطفی در سینگان .
- ج - بقیه افراد بارزانی با تفاق افسران عراقی و شیخ احمد در اشنویه و دهات اطراف آن .
- ۱۶ - طرح اولیه عملیات نیروی خودی :
- الف - تک در یک ستون به ارتفاعات قره بلاغ و خان طاوس و خارج کردن منطقه از دست بارزانیها و تأمین محور ارتباطی مهاباد - رضائیه .
- ب - تک در یک ستون در داخل دهلیز سلدوز و پاک کردن قراء موجود در دهلیز از وجود بارزانیها .
- پ - تک یک ستون به نالوس و جلوگیری از تقویت نیروهای بارزانی در سلدوز .
- ۱۷ - محاصره نالوس و شهادت سرگرد کلاشی .
- الف - ستون سرهنگ انصاری آبادیهای ارنه ، قلعه تان و قلعه چهاربیت را فتح کرد .
- ب - سواران منگور که جزء قسمتی از نیروهای سرهنگ انصاری بودند



تصویری از یک کرد بارزانی مسلح

از موقعیت استفاده کردند و بسرعت از ستون جلو افتادند و خود را به ۲۰۰ متری قلعهٔ سببگان رسانیدند، ولی ناگهان از جناحین مورد حملهٔ بارزانیها قرار گرفتند و با دادن تلفات قابل توجه مجبور به عقب نشینی شدند.

پ- نیروهای بارزانی پس از غافلگیری سواران متگور تشجیع شدند و به سمت نالوس شروع بتعرض کردند، و بایگان سرگرد کلاشی که مرکب از یک گردان پیاده و یک دسته توپ ۷۰ میلیمتری و یک قبضه خمپاره انداز ۸۱ میلیمتری بود برخورد کردند .

ت- یگان سرگرد کلاشی بوسیله نیروهای بارزانی محاصره شد و تقاضای کمک از نقله کرد و در نقله تنها نیروی احتیاط عبارت بود از یک گروهان پیاده که جهت حفاظت پاسگاه فرماندهی باقی مانده بود و این نیرو بهیچوجه کافی جهت تقویت یگان سرگرد کلاشی نبود. ناچار باین گروهان مأموریت داده شد که فوراً گردان سوار لرستان را در قلعه جوق تعویض کند و گردان سوار لرستان مأموریت تقویت یگان سرگرد کلاشی را در نالوس عهده دار شود.

ج- قبل از آنکه تعویض انجام شود، سرهنگ ۲ غفاری گردان سرگرد سادات را برای حفظ ارتفاعات چهار بت باقی گذارد و خود با باقیمانده نیرو برای تقویت یگان سرگرد کلاشی بطرف صوفیان حرکت و ساعت ۰ بعد از ظهر خود را به صوفیان رسانید ولی متأسفانه، کار سرگرد کلاشی و پرسنل او قبل از ساعت ۳ بعد از ظهر خاتمه یافته بود .

۱۸- در اثر حادثهٔ اسفبار نالوس روحیه پرسنل خودی و عشایر دولتخواه که روز ۲۴ اسفند تا در بندیش رفته بودند سخت متزلزل شد، بطوریکه در مقابل کوچکترین تظاهر بارزانیها مبادرت به عقب نشینی میکردند و در اثر آن تمام دهات غربی سلدوز بدست بارزانیها افتاد .

۱۹- درجهبه صوفیان نیز بارزانیها حالت تعرضی گرفته بودند و به علت بازندگی شدید و گل آلود بودن زمین و عدم تحرك ارايه ها و ترك موضع سروان توانگران، پهلوئی یگان سروان قره باغی بازماند و نامبرده با وجود ابراز شجاعت زیاد با اتفاق گروهی از پرسنل خود شهید شد .

۲۰- در شب اول فروردین ماه سال ۲۵۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶ خورشیدی) عده ای از بارزانیها بطرف گارنه حرکت کردند و در اثر خیانت سواران شهر ویرانی، بدون زدو خورد کوه کلات مارون و گارنه بدست اشراغ افتاد و راه ارتباطی صوفیان و شهر نقله یعنی پاسگاه فرماندهی ستون، سخت در تهدید قوای بارزانی قرار گرفت.

در این موقع گردان ۱ هنگ ۲۲ کرمانشاه وارد نته شد و با تقویت دو دستگاه ارا به و یک آتشبار توپخانه ۷۵ میلیمتری تحت فرماندهی سرهنگ غفاری قرار گرفت و صبح روز عید نوروز به قوای دشمن حمله کرد و پس از یک نبرد سهمگین که متضمن تلفات قابل توجهی برای طرفین بود، کوه کلاتمارون و مواضع گارنه را تصرف و بهمین دلیل سرهنگ بیگلری معاون نیرو به درجه سرتیپی ارتقاء یافت.

۲۱- در روز سوم فروردین ۲۵۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶ خورشیدی) دوگردان از مرکز تحت امر سرهنگ مجیدی برای تقویت نیروهای موجود با کامیون به نته وارد و باعث بالا رفتن روحیه پرسنل خودی شد.

با رسیدن نیروی کمکی یک تک هماهنگ شده در سپیده دم روز پنجم فروردین ماه سال ۲۵۰۶ شاهنشاهی (۱۳۲۶ خورشیدی) با استفاده از تمام امکانات موجود و پشتیبانی مؤثر آتش توپخانه و هوائی در دهلیز سلدوز انجام، و جنابین آن نیز با تظاهر گردان وزنه و گردان چهار بت پوشش شد و در نتیجه در ساعت ۱۵۰۰ قلعه تان و در ساعت ۱۷۰۰ ارتفاعات پیر ناصر وسیله گردان‌های سرگرد حمیدی و سرگرد لشگری تأمین گردید.

۲۲- پس از موفقیت فوق در روزهای ۶ و ۷ فروردین نیروها به تحکیم هدف و تجدید سازمان پرداختند و در سپیده دم روز هشتم فروردین ماه عملیات با تک ۲ گردان پیاده به فرماندهی سرهنگ مجیدی ادامه یافت که هدف از آن تأمین ارتفاعات پادار بود که این ارتفاع به تمام جلگه اشنویه و دشت بیل دارای تسلط کامل است و برای اغفال دشمن و پوشش جناح راست تلاش اصلی به سروان قهرمانی مأموریت داده شد که شبانه با کمک تعدادی سرباز ورزیده و عشایر داوطلب قلّه ارتفاعات پادار را تأمین کند.

سروان قهرمانی در طول تاریکی شب مأموریت محوله را بخوبی انجام داد ولی به علت تأخیر در رسیدن تلاش اصلی به هدف مورد نظر، تفنگچیان بارزانی سخت نیروی انک سروان قهرمانی را زیر فشار قرار دادند و با تلفات سنگین آنها را وادار به ترک موضع کردند. سپس با استفاده از جناح باز عمده قوارا مورد تهدید قرار داده و آنرا در روز ۸ فروردین در منطقه متوقف کردند.

صبح روز بعد یعنی نهم فروردین تک ادامه یافت و پس از زدو خورد شدید نیروی سرهنگ مجیدی موفق شد قلّه پادار را تأمین و مأموریت را انجام دهد.

۲۳- پس از تأمین ارتفاعات پادار به سرهنگ غفاری مأموریت داده شد که در رأس یک گردان پیاده و سواران منگور و با استفاده از پشتیبانی یک آتشبار ۷۵ میلیمتری و سه دستگاه ارا به به منظور تأمین ارتفاعات داوول و سینگان اقدام به تک نماید و نامبرده این مأموریت را با موفقیت به شرح زیر انجام داد.

الف- حرکت عمده قوا برای تأمین هدف در سه ستون.

۱) حرکت واحدهای پیاده از خاور وتأمین ارتفاعات مشرف به دره کافی رس .

۲) - اجرای یک مانور دورانی از سمت جنوب بوسیله سواران منگور وتأمین ارتفاعات جنوبی کافی رس .

۳) - تک جبهه‌ای یک گروهان با کمک اربابها در مرکز منطقه به سمت داول .

ب - نیروهای دشمن که در اثر فشار سه جانبه غافلگیر شده بودند وضماً زیر آتش شدید توپخانه وهوائی نیز قرار داشتند با دادن تلفات سنگین در سمت اشنویه - درگاه نخست شروع به عقب‌نشینی کردند وسپس در ارتفاعات منطقه متواری شدند .

ع ۲ - تصرف وتأمین اشنویه وفرار نیروهای بارزانی:

الف - پس از اشغال داول ، نالوس ودهات اطراف رودخانه قادر ، اشنویه بخرودی خود سقوط کرد وبوسیله یگانهای خودی و عشایر طرفدار دولت اشغال و تأمین شد .

ب - نیروهای خودی پس از تأمین هدف وتجدید سازمان در روز پانزدهم فروردین ماه عملیات را برای استفاده از موفقیت آغاز کردند واز تحرك اربابهاو سواران منگور نهایت استفاده به عمل آمد وکلیه دهات وارتفاعات اطراف اشنویه به تصرف نیروهای دولتی درآمد .

پ - هم زمان با تصرف وتأمین اشنویه وسیله نیروهای تحت امر سرهنگ غفاری ، ستون سرهنگ مجیدی نیز موفق شد تفنگچیان تحت امر احمدآقا مرگور را عقب زده وارتفاعات آغ بلاغ را تأمین کند .

ت - از روز ۱۸ فروردین عملیات تعاقب نیروهای بارزانی با استفاده از تحرك تمام یگانها آغاز و تا روز ۲۹ فروردین عملیات تعاقب به سمت باختر ادامه یافت .

ث - در روز ۳۰ فروردین نیروهای بارزانی موفق به قطع تماس شدند وسریعاً از رودخانه قادر عبور کردند ، ودر طول خطالرأس ارتفاعات دالامپر داغ وارد خاک عراق شدند وباین ترتیب مرحله یکم عملیات علیه نیروهای عمده بارزانی پس از چهارماه پایان یافت .

نتیجه مرحله یکم عملیات وچگونگی گسترش نیروها وانجام خلع سلاح

۱ - در طول مدت ۴ ماه عملیات تلفات نیروی خودی بشرح زیر بود :

الف - افسر شهید ۸ نفر

ب - درجه‌دار شهید ۸۰ نفر

پ - سرباز شهید ۱۲۰ نفر

۲ - مناطق کردستان برای خلع سلاح کامل عشایر در اختیار یگانهای

مشروحه زیر قرار گرفت :

- الف - سرهنگ غفاری با یک گردان تقویت شده به فرماندهی پادگان اشنویه منصوب و مأمور خلع سلاح ایلات قره‌پایان، سنگور و مامش شد.
- ب - سرهنگ مجیدی با دو گردان به فرماندهی پادگان زیوه منصوب و مأمور خلع سلاح عشایر منطقه مرگور شد.
- پ - سرهنگ نیساری با دو گردان مأموریت یافت که نخست در محال ثلاث تاگور و دشت مرگور اقدام به خلع سلاح کند و سپس از رودخانه شهر چای عبور و به خلع سلاح ایلات شکاک بپردازد.
- ت - سرهنگ پرتوی با یک هنگ سوار و یک گردان پیاده در پادگان شاهپور مستقر و مأمور خلع سلاح ایل قرنی شد.
- ث - سرهنگ مظفری با یک هنگ سوار و یک گردان پیاده در پادگان ماکو مستقر و مأموریت خلع سلاح عشایر اطراف ماکو را عهده‌دار شد.

وقایع بین دو مرحله عملیات علیه بارزانی و علل شروع عملیات مرحله دوم

- ۱ - قوای بارزانی پس از شکست از نیروهای دولتی در تاریخ ۳۰ فروردین ماه سال ۱۲۵۶ هجری قمری (۱۳۲۶ خورشیدی) وارد عراق شد.
- ۲ - مقامات عراقی با شیخ احمد برادر بزرگ ملامصطفی مذاکره کردند و مقرر شد که سران بارزانی بطرف بغداد حرکت و در آن شهر اقامت کنند.
- ۳ - سران بارزانی به همراهی عده‌ای از تفنگچیان ورزیده شروع به حرکت بطرف بغداد کردند ولی در طول راه ملامصطفی بارزانی که قلباً توافق و تسلیم برادر بزرگ خود را نپذیرفته بود، عده‌ای از جوانان و تفنگچیان بارزانی را با خود هم‌داستان کرد و سراز اطاعت برادر باز زد و متواری شد.
- ۴ - دولت عراق در صدد مذاکره و مصالحه با ملامصطفی برآمد ولی چون از مذاکرات نتیجه‌ای عاید نشد بمباران شدید نیروهای ملامصطفی را آغاز کرد.
- ۵ - ملامصطفی مدت ۴ روز زیر آتش هوائی مداوم ارتش عراق در منطقه حرکت کرد و به ناچار برای رهایی از بمباران مداوم پس از ۳۴ روز که از خروج نیروهای بارزانی از مرز ایران می‌گذشت دوباره وارد خاک ایران شد.
- ۶ - در طول این مدت رضائیه و آذربایجان غربی و منطقه کردستان خود را آماده پذیرائی از موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران میکرد که قرار بود پس از بازدید تبریز به آذربایجان غربی نزول اجلال فرموده و احتمالاً از منطقه کردستان نیز بازدید فرمایند.

مرحله دوم عملیات علیه نیروهای بارزانی

- ۱ - ملامصطفی برای ورود به ایران ملاحظه کرد که با وجود استقرار گردان در منطقه دالامبرداغ عبور از رودخانه قادر امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین دست به اقدام جسورانه‌ای زد و یخاک ترکیه تجاوز کرد و پس از خلع سلاح یک پاسگاه ترک، با راه پیمائی شبانه خود را به آبادی مرزی انبه رسانید و برای اغفال مأمورین ایرانی اظهار کرد که آمده است تا به قوای دولتی ایران تسلیم شود.
- ۲ - مراتب ورود و اطراف ملامصطفی با تفاق . . . نفر تفنگچی زبده و بدون زن و بچه که به تفنگ، مسلسل و نازنجک دستی مسلح بودند به فرماندهی نیروهای مستقر در منطقه گزارش شد.
- ۳ - به هنگ ۴ پیاده آذرباد تقویت شده وسیله یک آتشبار توپخانه و چهار ارابه جنگی، مأموریت داده شد هر چه زودتر بطرف مرز حرکت و در خط ارتفاعات موانا مستقر و یک سد پدافندی در مقابل نیروهای بارزانی تشکیل و از حرکت آنها به سمت شمال جلوگیری و در صورت توانائی آنها را قلع و قمع کند.
- وقتی ستون فوق توانست خود را به موانا برساند که نیروهای بارزانی شبانه منطقه را ترک کرده بودند، بنابراین به ستون دستور داده شد که در همان منطقه مستقر و منتظر دریافت و اجرای مأموریت‌های بعدی باشد.
- ۴ - در این موقع مراتب به شرف عرض خاکپای مبارک همایونی رسید، در حالیکه معظم له در حال بازدید از شهر تبریز بودند. اوامر مبارک شاهانه چنین شرفصدور یافت، که لشگرهای تبریز و رضائیه در دره رودخانه قطورچای مستقر و پیشروی نیروهای بارزانی را بسمت شمال مسدود کنند.
- ۵ - در اجرای اوامر جهان مطاع ملوکانه نیروهای مشروحه زیر در ساحل رودخانه قطورچای مستقر و حالت پدافندی اتخاذ نمودند.
- الف - یک گردان از هنگ آهن تبریز.
- ب - هنگ سوار فوزیه.
- پ - گردان ۴ پیاده هنگ آذرباد.
- ۶ - با وجود کوشش سرهنگ نیساری فرماندار نظامی رضائیه و تمام ستونهای اعزامی و نیروهای موجود در منطقه نیروی بارزانی از تاریخ ۷ الی ۱۳ خرداد بطور شبانه در امتداد خط الراس ارتفاعات بدون برخورد با نیروهای نظامی توانستند حدود ۱۰۰ کیلومتر بطرف شمال راه پیمائی کنند و تمام تلاش برای اخذ تماس با آنها بی نتیجه ماند.

در روز ۱۳ خرداد نیروهای بارزانی به آبادی راویان رسیدند و پس از یک بررسی متوجه شدند که موضع پدافندی قطور، یک موضع پوششی بیش نیست و یگانهای نظامی از ترس غافلگیر شدن در بالای ارتفاعات مستقر شده و به آسانی میتوان

از عدم ارتباط ستونها با هم استفاده کرد و شبانه از دره واقع بین مواضع یگانها عبور کرد.

۷ - پس از بررسی فوق قوای بارزانی در شب ۱۴ خردادماه در کمال سکوت و بدون برخورد با عناصر یگانهای خودی از دره واقع بین گردانهای هنگ آهن عبور کردند و راه پیمائی را بطرف شمال ادامه دادند و باین ترتیب تمام تلاش برای سازمان دادن موضع قطوری نتیجه ماند.

۸ - حال فقط موضع چهار ستون در مقابل نیروی بارزانی باقی است که هنگ سوار فزویه و یک گردان پیاده و یک آتشبار ۷۰ میلیتری از آن پدافند میکردند. دستورات اکید و اوامر ویژه‌ای برای مقابله با نیروی بارزانی بطور مشروح به نیروهای موضع چهار ستون صادر شد بطوریکه ملامصطفی تصمیم گرفت باین موضع نزدیک نشود.

ملامصطفی در این موقع اقدام بیک عمل جسورانه جدید کرد، باین ترتیب که وارد خاک ترکیه شد و از آبادی پاتیک عبور و پشت سر موضع چهار ستون، دوباره وارد ایران شد و با این عمل نه تنها مواضع چهار ستون از نظر پدافندی بی ارزش شد بلکه نیروهای مستقر در آن موضع به فرماندهی سرهنگ ضیاءالدین پرتوی از ترس محاصره شدن بطرف شاهپور عقب نشینی کردند.

۹ - پس از بی اثر شدن مواضع پدافندی قطور و چهار ستون فرمانده نیرو تصمیم گرفت سریعاً یک موضع تعجیلی در امتداد رودخانه زنگمار در ارتفاعات ماکو تشکیل دهد و بهمین منظور سرتیب زنگنه با ۴ گردان از بازرگان تا پل دشت روی معابر اجباری در عرض ۲۶ کیلومتری مستقر و منتظر برخورد با نیروهای بارزانی شد، در حالیکه ستون سرهنگ نیساری بصورت پیاده به سمت شمال در حرکت بود و ستون سرهنگ سردادور نیز توانسته بود خود را به ماکو نزدیک کند.

۱۰ - موضع پدافندی بازرگان شوت تا آخر روز ۱۶ خرداد آماده شد ولی عناصر بارزانی به راحتی متوجه شدند که این خط پدافندی در جنوب غربی ماکو ضعیف است، بنابراین ملامصطفی ناگهان تغییر مسیر داد و تقریباً محاس با مرز ترکیه شروع به راه پیمائی کرد و در محال چالداران دوباره مسیر خود را عوض کرد و بطرف پل دشت حرکت را ادامه داد.

در این حرکت نیروهای بارزانی، ستونهای سرهنگ نیساری، سرهنگ رالتاش و سروان یاسائی هر سه امکان تماس داشتند ولی موفق نشدند.

۱۱ - در ساعت ۳ صبح روز ۱۹ خرداد به سرهنگ سردادور اطلاع رسید که نیروهای بارزانی حتماً ظرف روز جاری به یلی دره خواهند رسید و بدیهی است که از شمال آبادی شوت که یک گره مواصلاتی است عبور خواهند کرد.

سرهنگ سردادور گردان سرگرد پیاده نصرت‌اله والی را فوراً بطرف شوت فرستاده

و خود با همراهی سرلشکر همایونی یکساعت بعد بطرف منطقه عملیات حرکت کرد.
۱۲ - سرگرد والی با عجله خود را به ارتفاعات مجاور آبادی شوت رسانیده و شروع به آماده کردن موضع نمود. ولی قبل از استقرار گردان روی ارتفاعات در ساعت ۹ صبح روز ۱۹ آتش نیروهای بارزانی روی گردان باز شد و گردان که هنوز زمین مناسبی برای پدافند انتخاب نکرده بود، تقریباً غافلگیر شد.

زدخورد بین گردان سرگرد والی و نیروهای بارزانی از ۹ صبح تا تاریکی شب ادامه یافت و در این فاصله سرهنگ سردادور موفق شد برای پشتیبانی از عملیات گردان، یک آتشبار توپخانه ۷۵ میلیمتری و دو قبضه خمپاره انداز ۸۱ میلیمتری را نیز به منطقه وارد کند. ولی به علت عدم استفاده صحیح گردان از زمین و سرکوب بودن مواضع نیروهای بارزانی، وسنگلاخ بودن منطقه و عدم امکان استفاده از اراجه تلاش بی نتیجه ماند و تلفات زیادی به نیروهای دولتی وارد شد.

۱۳ - در طول ملت درگیری روز ۱۹ فرمانده نیرو به سرهنگ غفاری دستور داد که با یک گردان پیاده و یک دستگاه اراجه جنگی و با استفاده از تمام امکانات ترابری موجود سریعاً خود را از ماکو به شوت رسانیده و نیروهای سرهنگ سردادور را تقویت کند.

سرهنگ غفاری ستون را با تلاش زیاد آماده کرد و بطرف شوت حرکت نمود ولی این ستون در تاریکی شب ۱۹ به ۲۰ خرداد، در جاده بین ماکو و شوت گرفتار کمین نیروهای بارزانی شد و با وجود ابراز لیاقت ضمن دادن تلفات قابل ملاحظه نتوانست کمکی به نیروهای سرهنگ سردادور نماید.

۱۴ - بالاخره تاریکی شب فرا رسید و نیروهای بارزانی موفق شدند با نیروهای سرهنگ سردادور در شوت، و نیروهای سرهنگ غفاری در بین راه شوت و ماکو قطع تماس کنند و حرکت خود را بسمت شمال ادامه دهند.

۱۵ - در طول روزهای ۲۰ الی ۲۵ خرداد تمام تلاش نیروهای موجود در منطقه برای اطلاع از وضع و محل نیروهای بارزانی و اخذ تماس مجدد با آنها بی نتیجه ماند.

۱۶ - در روز ۲۶ خرداد یکی از ستونهای فرستاده شده به فرماندهی سرتیپ بیگلری در ساحل رودخانه ارس به مقدار زیادی جنگ افزار و مهمات برخورد کرد که نشان میداد متعلق به نیروهای بارزانی است و پیدا شدن جنازه یک بارزانی که از فرط خستگی در مجاورت سلاح جان سپرده بود مسئله را تأیید و مشخص نمود که نیروهای بارزانی سلاح و تجهیزات اضافی خود را در ساحل رودخانه جا گذاشته و پس از عبور از رودخانه ارس داخل خاک شوروی شده اند.
و بدین ترتیب مرحله دوم عملیات علیه نیروهای ملامصطفی بارزانی پایان پذیرفت.

عملیات جنوب

« ۲۵۲۱ - ۲۵۲۲ شاهنشاهی »

۱ - منطقه عملیات: استانهای فارس و خوزستان، از جنوب بختیاری تا دشت خوزستان و ساحل خلیج فارس.

۲ - علت بوجود آمدن شورش:

اعلام منشور انقلاب حیات بخش شاه‌وملت در ششم بهمن‌ماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) ناگهان رژیم جابرانه و غیرانسانی ارباب‌ورعیتی را در کشور بهم ریخت و منافع سرشار عده‌ای مفتخوار را که از دست رنج دهقانان و خون زحمتکشان ایرانی زندگی پرجملی داشتند، سخت به خطر انداخت و فتوودالیسم را تهدید به نابودی کرد.

عمال سرخ و سیاه استعمار و مالکان بزرگ و فتوودالها همگی خود را در مقابل خطری جدی یافتند و آخرین تلاش برای حفظ موقعیت و برگرداندن وضع بشکل سابق را آغاز کردند و با پشتیبانی بیگانه و بیگانه‌پرست نخست عوام‌فریبی و سپس تروریسم و آدم‌ربائی و آنگاه جنگی خانگی آغاز شد، تا شاید در صف فشرده و اتحاد جاویدان و مقدس شاه‌وملت رخنه‌ای ایجاد شود، و ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان میدان جنگهای فرساینده و طولانی چریکی و عرصه‌ای برای زورآزمائی و آزمایش جنگ‌افزارهای مختلف شود. غافل از آنکه هیچ‌جا ایران نیست و ایرانی خاک ایران و شاهنشاه ایران را چون جان می‌پرستد، و برای حفظ استقلال این خطه زرخیز در اجرای اوامر شاهنشاه خود تا آخرین نفس میکوشد و مرگ را به بازی میگیرد.

۳ - استعداد شورشیان:

- الف - اشرار بویر احمد سفلی به سرپرستی عبدالله ضرغام‌پور ۱۵۰۰ نفر
- ب - اشرار بویر احمد علیا به رهبری ناصر طاهری ۸۰۰ نفر
- پ - اشرار کوه‌مره سرخی به سرپرستی حبیب شهبازی ۶۰۰ نفر
- ت - اشرار موصولو بسرپرستی خوردل موصولو که تعداد آنها مرتباً کم‌وزیاد میشد.
- ث - تعداد نامشخصی تیرانداز گورکانی.

۴ - جنگ‌افزار شورشیان: تفنگ برنو - تفنگ ام یک - پنج تیر کارابین آلمانی -

پنج تیر پرن انکلیسی - سلاحهای کمری و شکاری.

۵ - ویژه گیهای اشتران:

- بسیار دلبر
- بسیار خشن
- تیرانداز ممتاز
- کوهنورد برجسته
- سوار کار ماهر
- ورزیده در استتار و انتخاب زمین
- ورزیده در عملیات دستبرد و کمین
- ماهر در جاسوسی و کسب خبر و انتشار دروغ
- باهوش و قانع
- ۶ - استعداد و گسترش نیروهای خودی.

در نیمه دوم اسفندماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) سپهبد بهرام آریانا به فرمان جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران به فرماندهی نیروهای جنوب مفتخر، ویگانهای مشروحه زیر برای اجرای مأموریت و انهدام اشتران، زیر امر او قرار گرفت:

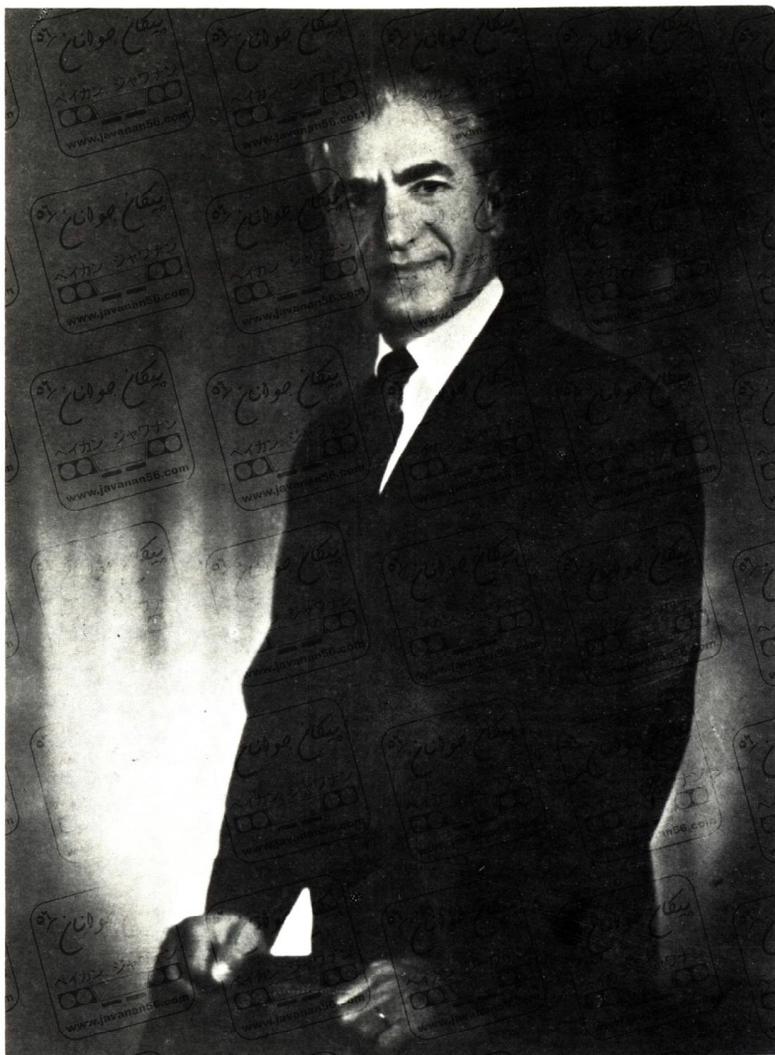
- لشکر سبک ۱۰ فارس و لشکر ۹ خوزستان
- مرکز پیاده شیراز
- هواپیمائی پشتیبانی از پایگاه وحدتی
- گردان عملیات مخصوص
- یگانهای ژاندارمری مستقر در منطقه فارس و خوزستان
- شهربانی و سازمان امنیت استانهای فارس و خوزستان
- ۷ - شرح مختصری در مورد زمین و منطقه عملیات.

رشته ارتفاعات زاگرس در منطقه فارس و بختیاری به منتهای درجه سختی خود میرسد و این ارتفاعات دارای شیبهای تند و دره‌های ژرف و بریدگی‌های عمودی و اغلب جنکلی و دارای گذرگاههای تنگ و اجباری است.

به علت عدم وجود جاده، حرکات نیروهای نظامی بسیار با اشکال مواجه است و در اغلب موارد وسائل و جنگ افزارهای اجتماعی قابل حمل در منطقه نیست و همین مزیت برای اشتران و هدایت کنندگان جنگهای نامنظم که مایحتاج خود را در محل تهیه کرده و پایداری امور منظم لجستیکی نیستند بزرگترین عامل پیروزی و امتیاز رزمی است.

۸ - وضعیت جوی.

برف و یاران مداوم و سرمای شدید اسفندماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) و بهار سال بعد نه تنها باعث کندی حرکت ستونهای نظامی شد، بلکه



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، بمنظور سرکوی سریع شورش جنوب، سپهبد بهرام آریانا را بفرماندهی نیروهای جنوب منصوب و در این مورد او امر مؤکدی نیز صادر فرمودند.

پشتیبانی و تدارک از راه هوا نیز دچار اختلال گردید و یگانهای رزمی در اغلب موارد از پشتیبانی تاکتیکی و لجستیکی هوایی محروم شدند.

۹ - مرحله یکم عملیات.

فرماندهی نیروهای جنوب تصمیم گرفت که در مرحله یکم عملیات در مقابل اشرا بویور احمدی، بمسنى وقتقائى اقدام به پوشش و مراقبت نموده و تلاش اصلی را علیه اشرا بویه سرخی وارد عمل کند. (کروکی شماره ۱)

در اجرای این تصمیم در مناطق یاسوج - قلعه نمی - نورآباد و فیروزآباد هر یک بوسیله حدود یک گردان پوشش بعمل آمد، تا از پیوستن اشرا بیکدیگر جلوگیری شود و تلاش اصلی حرکت خود را در سپیده دم روز ۲۱ اسفندماه ۲۰۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) بظرف منطقه کوه مره سرخی آغاز کرد.

تک علیه اشرا بویه مره سرخی از ۲۱ تا ۲۴ اسفند اجراء و یگانهای خودی بدون برخورد با نیروهای دشمن توانستند هدفهای تعیین شده را تأمین و در غروب روز ۲۴ اسفندماه سال ۲۰۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) آبادی مسقان مرکز کوه مره سرخی را اشغال کنند، در حالیکه نیروهای اشرا قبلا این مناطق را تخلیه و در کوهستانهای اطراف مستقر شده بودند.

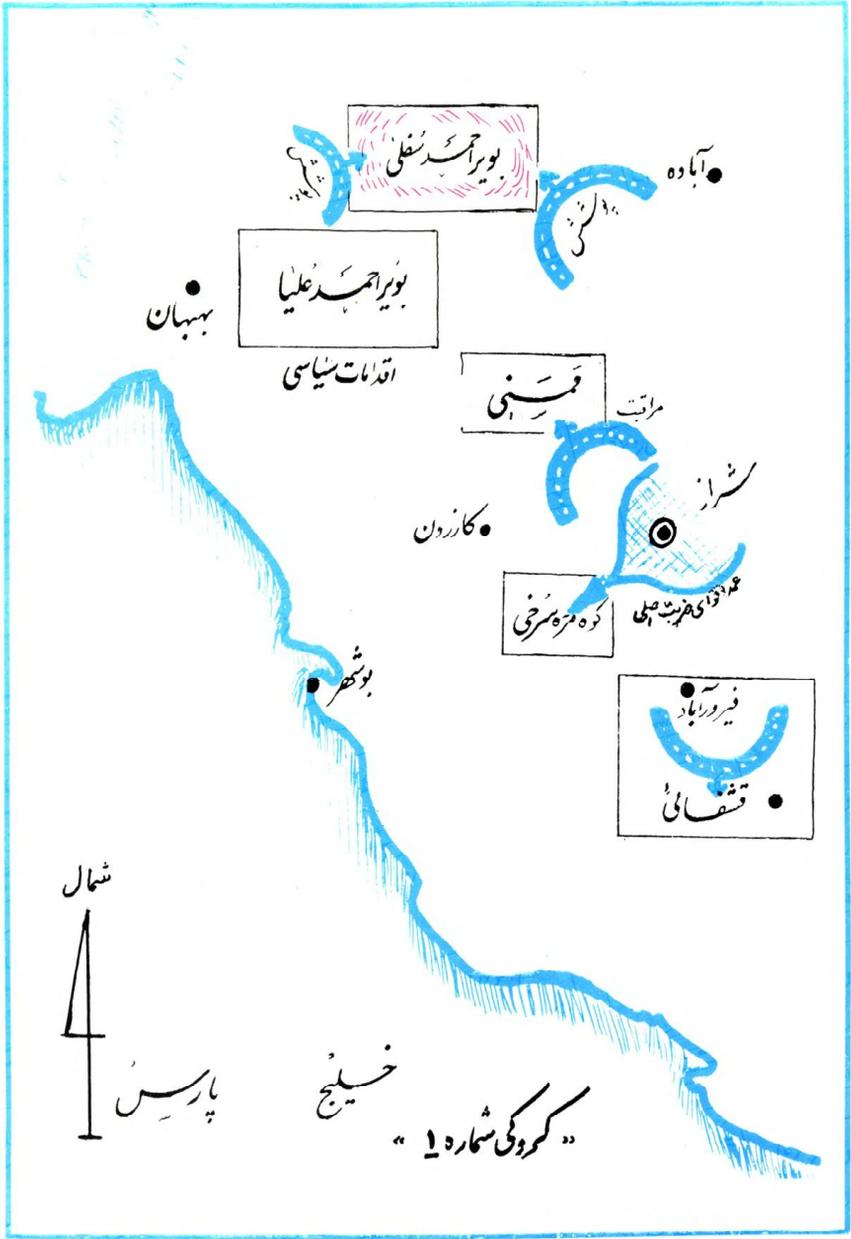
در نتیجه این پیروزی گرچه اشرا بویه مره سرخی از مناطق اصلی تدارکاتی خود جدا شدند ولی کوچکترین تلفاتی به دشمن وارد نیامد و از استعداد اشرا کاسته نشد.

پس از تأمین منطقه کوه مره سرخی سرهنگ ستاد اعظمی به فرماندهی منطقه کوه مره سرخی تعیین و نامبرده مأمور پاک کردن منطقه، از وجود اشرا و دستگیری حبیب شهبازی شد و ستاد خود را مسقان (قرکز کوه مره سرخی) برقرار کرد و بقیه نیروها برای اجرای مرحله دوم عملیات آغاز به تجمع کردند.

۱۰ - مرحله دوم عملیات.

اشرا بویور احمدی پس از خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری توتنده در آغاز شورش متوجه پاسگاه ژاندارمری مستحکم قلعه لوداب شدند و این قلعه در محاصره اشرا شجاعانه مقاومت کرد، در مرحله دوم عملیات تلاش اصلی نیروهای خودی متوجه بویور احمد سفلی گردید (کروکی شماره ۲) و نیروهای خودی در ۲ ستون حرکت خود را به سمت هدفهای تعیین شده در آخرین روزهای اسفندماه ۲۰۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) آغاز کردند.

ستون نیروهای مخصوص به فرماندهی سرهنگ ستاد ناظم و معاونت سرگرد منوچهر خسرو داد در قلب منطقه اشرا، با محدودیت امکانات پشتیبانی زمینی و هوایی در برف و باران شدید و مداوم، توانست دلیرانه خود را به قلعه لوداب رسانیده و ضمن نجات محاصره شدگان قلعه لوداب، راه را برای حرکت بقیه



بویر احمد نضلی

آباد

بویر احمد علیا

بهبان

اقدامات سیاسی

قسنی

مرات

کارون

شراز

کوره مزره مرنجی

عماد قوی حضرت علی

بوئخهر

فیروز آباد
قشقایی

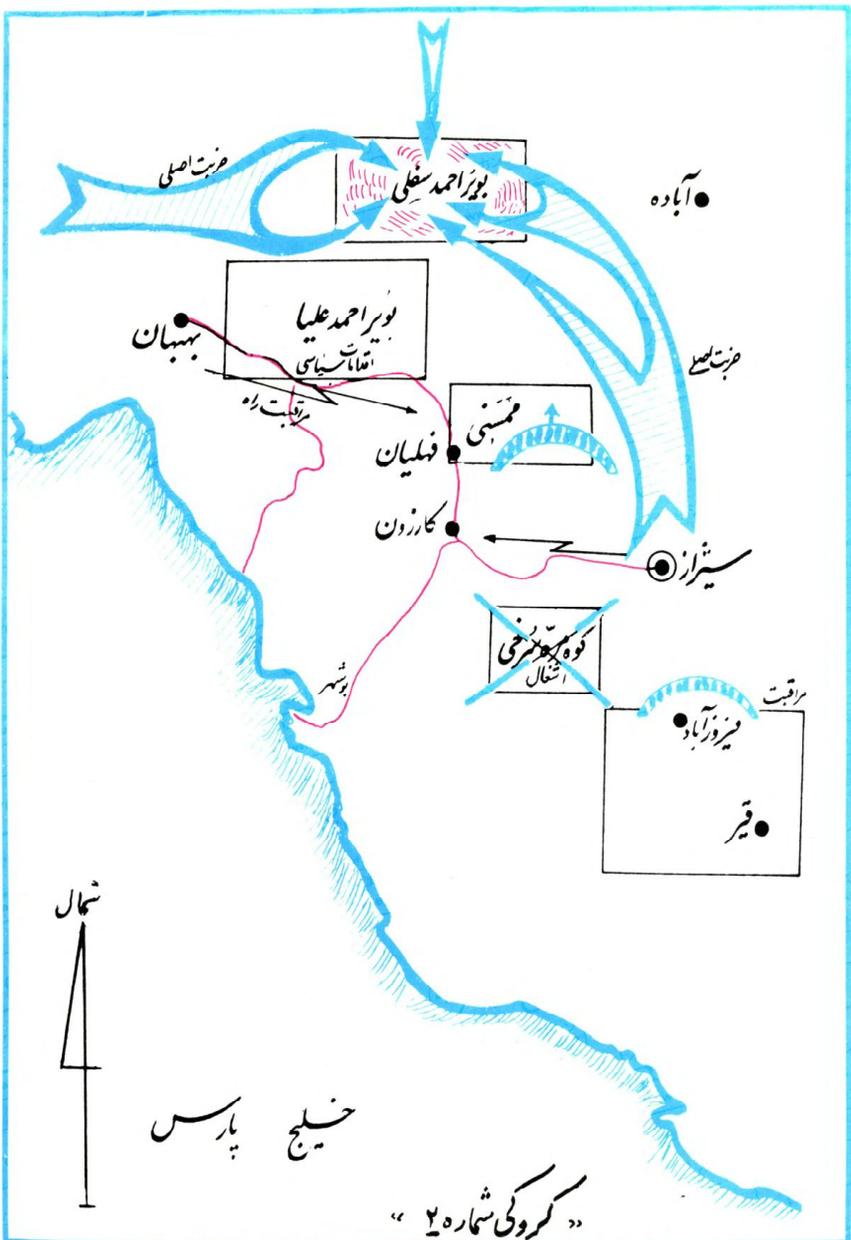
شمال



پارس

خلیج

« کمره کی شماره 1 »



«کروکی شماره ۲»

ستونهای نیروی خودی هموار، و اشترار را که علیه نیروهای لشکر خوزستان
مشغول نبرد بودند از عقب مورد تهدید قرار دهد.

در نتیجه فداکاری غرورآفرین ستون عملیات مخصوص و نجات دژ لوداب
در روز یازدهم فروردین ماه سال ۲۰۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی)
آرامش نسبی در منطقه بوی احمد سفلی برقرار شد و اشترار از مناطق اصلی
خود به کوهستانهای اطراف پناه برده، و از پشتیبانی مؤثر محلی محروم
شدند.

۱۱ - مرحله سوم عملیات.

در این مرحله تلاش اصلی متوجه منطقه بویراحمده علیا و انهدام نیروهای
اشترار به سرپرستی ناصر طاهری بود، و هنگام ۲. پیاده کرمانشاه بفرماندهی
سرهنگ ستاد ناجی نقش اصلی عملیات را عهده‌دار شد (کروکی شماره ۳)
ستون عملیاتی به فرماندهی سرهنگ ستاد ناجی در روز ۲۷ فروردین ماه
سال ۲۰۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) از شیراز به سمت نورآباد
حرکت، و در تاریخ ۲۹ فروردین ماه به ارتفاعات نوکک رسید و حالت
پدافندی اتخاذ کرد.

یک ستون فرعی از هنگ ۲. کرمانشاه شامل یک گردان منهای یک گروهان
که در تاریخ ۳۰ فروردین مشغول راه پیمائی بمنظور الحاق با هنگ مربوطه
بود، در تنگ گچستان بوسیله اشترار غافلگیر شد و طی نبردی سهمگین
فرمانده گردان سروان ریحانی فر و تعداد زیادی از افسران و درجه داران و
سربازان دلیر نیروی زمینی شاهنشاهی بخاطر حفظ استقلال و یکپارچگی
کشور و در هم کوبیدن اساس فتودالیسم در روی سنگهای داغ این تنگ
مردانه شربت شهادت نوشیدند که جمع تلفات بشرح زیر بود:

الف - شهداء: افسر ۰ نفر - درجه دار ۳ نفر - سرباز ۰۴ نفر.

ب - مجروحین: افسر ۳ نفر - درجه دار ۰ نفر - سرباز ۳۹ نفر.

واقعۀ تنگ گچستان و غافلگیری ستون سروان ریحانی فر وسیله اشترار باعث
تشجیع و گستاخی اشترار و پائین آمدن روحیه پرسنل خودی شد و بهمین
بهمین دلیل مرحله سوم عملیات متوقف، و یگانها هر یک موقتاً در ارتفاعات
مجاور منطقه مربوطه حالت پدافندی اتخاذ کردند.

در این موقع ستون کوچک نیروی مخصوص به فرماندهی سرهنگ ستاد ناظم
که با ابراز لیاقت و شجاعت توانسته بود تا جلیل بابکان در دل منطقه
کوهستانی پیش رود و راه را برای بقیۀ ستونها شناسائی و هموار کند و عقبه
دشمن را تهدید نماید، وسیله اشترار محاصره شد و نیروهای دشمن قصد داشت
که این نیروی اندک را که فقط شامل یک گروهان نیروی مخصوص و یک

آبادہ

~~بویر احمد سفلی~~
انتقال

بویر احمد علیا

بہبان

مسنی
مراقبت

خریت اصلی

کازرون

شیراز

~~بویر احمد سفلی~~
انتقال

بو شہر

فیروز آباد
قشانی (مراقبت)
قیز

شمال



پارس

خلیج

«کروکی شماره ۳»

دسته تکاور و چند نفر از عشایر دولتخواه بود، منهدم و خلع سلاح کند. فرمانده ستون فوراً نیروی اندک خود را بیک موضع پدافندی مناسب کوهستانی کشید و بدون دادن کوچکترین تلفاتی حالت پدافند دایره‌ای اتخاذ کرد و تکه‌های مکرر اشرار برای شکستن موضع پدافندی این ستون مواجه با ناکامی شد و اشرار بناچار به محاصره ستون ادامه دادند تا شاید نیروها را بسا ندانسن آب و آذوقه مجبور به تسلیم کنند.

نیروی اندک این ستون با برخورداری از تدارک و پشتیبانی محدود هوایی مردانه به پایداری ادامه داد و هر قدر فشار اشرار بر این نیرو بیشتر میشد پایداری ستون نیز فزونی میگرفت و این نیرو آنقدر به پایداری ادامه داد تا با استفاده از پشتیبانی نیروهای جنوب و فعالیت مداوم نیروی هوایی شاهنشاهی بالاخره موفق شد که حلقه محاصره را بشکافد و خود را از مهلکه نجات بخشد، در این عملیات به اشرار در اثر پایداری‌های دایره‌ای ستون و تکه‌های مکرر هوایی تلفات قابل توجهی وارد آمد و از ستون محاصره شده نیز شادروان ستونیکم عبدالهی و گروهان یکم سماعی در یک مأموریت شناسائی شهید ویرگ زرینی بر افتخارات نیروی زمینی شاهنشاهی افزودند.

فشار همه جانبه نیروهای جنوب به اشرار و بخصوص اشرار منطقه کوه مره سرخی که در مرحله یکم عملیات تارومار شده بودند، موجب شد که حبیب شهبازی و یاران او سلاح را زمین گذاشته و بدون قید و شرط به نیروهای دولتی تسلیم شوند. تسلیم بدون قید و شرط حبیب شهبازی موجب تضعیف روحیه اشرار و تقویت روحیه نیروهای دولتی شد و تلاش برای درهم کوبیدن آشیانه‌های اشرار در منطقه بویر احمد وسیله لشگرهای فارس و خوزستان ادامه یافت و برای کمک به نیروهای دولتی با اقدامات مؤثری، تیره‌های نگین تاجی و تیر تاجی از اشرار بویراحمندی جدا و بنفع نیروهای نظامی، مسلح و وارد عملیات شدند. در روز یازدهم اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) تفنگداران ایلات نگین تاجی و تیر تاجی با اشرار بویر احمد به سرپرستی ناصر طاهری درگیر شدند و طی یک زد و خورد کوهستانی طولانی، چهل نفر از اشرار کشته و ۲۷ قبضه تفنگ بدست نیروهای دولتی افتاد.

۱۲- مرحله چهارم عملیات

در این مرحله نخست ستونهای کوچک و متفرق نیروهای خودی در هم ادغام و یگانهای خود کافی و نیرومند، نقاط حساس و ارتفاعات سرکوب منطقه را اشغال و کنترل کردند، و سپس نیروی هوایی شاهنشاهی شروع به بمباران مواضع اشرار نمود و این عمل تا آنجا ادامه یافت که اشرار با دادن تلفات مجبور شدند به دستجات کوچک تقسیم، و در کوهستانهای منطقه متفرق گردند.

باموریت تعقیب وانهدام دستجات کوچک اشرار در قلب کوهستانهای صعب -
العبور منطقه با یگانهای کوچک و متحرک به سرهنگ ستاد ناظم محول شد و
افسر نامبرده، یگانهای کوچک و متعدد ضد چریک شامل یک افسر، چند
درجه دار، تعدادی سرباز برجسته وعدهای تفنگدار محلی تشکیل دادوبه تعقیب
اشرار در کوهستان پرداخت، در حالیکه مناطق اصلی بوسیله یگانهای عمده
نظامی هنوز نگهداری شده بود.

در نتیجه تلاش همهجانبه نیروهای جنوب اشرار بشدت در فشار قرار گرفتند وجز
تسلیم یا مرگ راهی در مقابل آنها نبود. بهمین علت در هفته اول خردادماه
سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) سیف‌اله فروزان وخورشید برومندبا
با تفنگچیان مربوطه سلاح را زمین گذاشتند وبه نیروهای دولتی تسلیم شدند و
بدنبال آنها در روز هفتم خرداد، شمشیر برومند - خدابخش مظفر - بهرام ماندنی -
اسماعیل مظفری با اشرار تحت امر خود تسلیم گردیدند.

در روز هیجدهم خردادماه عبدالله ضرغامپور بدست علی قانداگیوی کشته شد و
واشرار تحت امر او به سرپرستی شهباز ضرغامپور پس از ده روز مقاومت در روز
بیست و هشت خرداد به نیروهای دولتی تسلیم شدند.

حال دیگر اشرار دسته‌دسته روزانه تسلیم نیروهای دولتی میشدند و فقط ناصر
طاهری که به علت جنایات متعدد ازهر نوع عفو و بخششی ناامید بود، با عده
اندکی که در اختیار داشت در کوهستانهای صعب العبور متواری بود و مقاومت
میکرد. بالاخره تعقیب مداوم ناصر طاهری از طرف کلیه یگانهای موجود در
منطقه و بخصوص یگانهای ویژه تحت امر سرهنگ ناظم، این یاغی جنایت کار را
در اواخر خردادماه وادار به تسلیم نمود و با تسلیم ناصر طاهری در آبادی مارون
عملیات علیه شورش جنوب پایاں پذیرفت و بجای خون و آتش، نفاق و برادرکشی،
استعمار و خان‌خانی، گرسنگی و بی‌سوادی، ثبات و آرامش، همراه با بهداشت و فرهنگ
در سایه منشور انقلاب حیات بخش شاه‌وملت به این قسمت از خاک میهن و به
هم‌بیهنان دلیر و میهن پرست کوه‌نشین این سامان ارزانی شد.



ارزانیاتِ اعلیٰ حضرتِ عیونِ شامشادِ ابراهیمِ بزرگِ آتشان

« این خونما سیکه در لاله وطن ز جوشد

تمام کلمه از سر خورده در «مزرعه آرزو»

رسیده بر این تیرا بخندد

تعدادی از افسران شهید نیروی زمینی شاهنشاهی که در راه برقراری نظم و آرامش در داخل کشور جان باخته‌اند.

(از شهریورماه سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ شاهنشاهی)



شادروان سرلشگر - محمود امین

شادروان سرلشگر محمود امین در شب ۱۹ بهمن ۱۳۲۰ هنگام سرکوبی اشراز کردستان در ۳۰ متری شهرستان سقز با افتخار شهادت نائل گردیده است



شادروان
ستوانیکم پیاده
امامقلی ضیائی مهر

شادروان ستوانیکم ضیائی مهر در کمال شهامت و شجاعت در زدو خورد با
ماجراجویان فرقه دموکرات آذربایجان در تاریخ ۲۴ آذرماه ۲۵۰۴ شاهنشاهی
دستگیر و با وضع رقت‌آوری بافتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
ستوانسوم اداری
رضا جهانسوزی

شادروان ستوانسوم رضا جهانسوزی در ۲۷ آبانماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی
هنگام پیاده شدن از قطار در ایستگاه میانج بوسیله ماجراجویان فرقه دموکرات
آذربایجان دستگیر و بدست آنها مقتول و شربت شهادت را نوشیده است.



شادروان
سرهننگ دامپزشک
عباس معین آزاد

شادروان سرهننگ عباس معین آزاد در تاریخ ۱۱ آذرماه ۲۰۰۴ شاهنشاهی بعثت مقاومت در مقابل ماجراجویان فرقه دموکرات که پیادگان مراغه حمله کرده بودند در کمال شجاعت بقتل رسیده و با افتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
ستوانیکم پیاده
ابوالقاسم صدوقی

شادروان ستوانیکم صدوقی در ۱۷ آذر ۲۰۰۴ شاهنشاهی بدست ماجراجویان فرقه دموکرات آذربایجان بقتل رسیده و با افتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سرهنگ دوم
سوار علی ظهیرنیا

شادروان سرهنگ دوم علی ظهیرنیا در تاریخ پنجم آذرماه سال ۲۵۰۴ شاهنشاهی در حین انجام وظیفه بدست ساجراجویان فرقه دموکرات آذربایجان در آستارا با افتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سروان سوار
اسداله ادیب امینی

شادروان سروان اسداله ادیب امینی در تاریخ ۱۷ دیماه ۲۵۰۴ شاهنشاهی در زدو خورد با متجاسرین فرقه دموکرات آذربایجان با افتخار شهادت نائل گردیده است



شادروان
ستوانیکم پیاده
غیضعلی شعفی

شادروان ستوانیکم پیاده شعفی در تاریخ ۱۷ آذر ۲۵۰۴ شاهنشاهی در مشکین شهر بدست ماجراجویان فرقه دموکرات آذربایجان تیرباران و بافتخار شهادت نائل گردیده است



شادروان
سروان پیاده
مهلی ناصرآزاد

شادروان مهلی ناصرآزاد در تاریخ ۲۸ آذرماه ۲۵۰۴ شاهنشاهی همراه با نفرات تحت فرماندهی خود (متجاوز از ۱۲ نفر درجه دار و سرباز) بوسیله اشرازی که از طرف ماجراجویان فرقه دموکرات آذربایجان تقویت میشدند بافتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سرهنك پياده
حسنعلی شفاقی

شادروان سرهنك شفاقی در تاریخ ۱۷ تیرماه سال ۱۳۲۲ در واقعه سمیرم ضمن زدو خورد با اشرار بافتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سرهنك دوم پياده
حسین کلاشی

شادروان سرهنك دوم پياده کلاشی در تاریخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۲۵ در ارتفاعات جنوب خاوری نالس در زدو خورد با اشرار بارزانی پس از ابراز رشادت زیاد بافتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
سروان پیاده
نعمت‌اله خسروی

شادروان سروان خسروی در تاریخ ۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ هنگام زدو خورد با
اشرار کرد، در شهرستان سقز با افتخار شهادت نائل گردیده است.



شادروان
ستوانیکم پیاده
عبداله عباس پور

شادروان ستوانیکم عباس پور در تاریخ ۲۵ خرداد ماه سال ۱۳۲۵ در ارتفاعات غربی
شهرستان سقز با افتخار شهادت نائل گردیده است.

روحیہ ورفادنیروزیمنی شہتہر

امور پرسنل و روحیه و رفاه

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در مورد امور پرسنلی و روحیه و رفاه در ارتش شاهنشاهی اقدامات مفید و مؤثری بشرح زیر انجام دادند که آغاز جنگ خانمانسوز دوم جهانی آن را نیمه تمام گذاشت:

- ۱ - متحدالشکل کردن لباس پرسنل نظامی.
- ۲ - یک شکل کردن علائم و درجات نظامی.
- ۳ - تنظیم قوانین استخدامی.
- ۴ - تدوین قوانین و مقررات مربوط به ترفیعات و امتیازات و بازنشستگی پرسنل.
- ۵ - ایجاد شخصیت و اعتبار برای پرسنل ارتش شاهنشاهی در جامعه.
- ۶ - تعیین مقررات ویژه برای حقوق ماهیانه پرسنل و دیگر مزایای افسران، درجه داران و سربازان.
- ۷ - تدوین آئین نامه جهت بازنشستگی، معلولیت و مستمری خانواده پرسنل شهید و متوفی.

۸ - بهبود وضع سربازخانه‌ها و محل استراحت سربازان و وسائل تفریح و ورزش آنها. اقدامات اولیه و نیمه تمام اعلیحضرت رضاشاه کبیر در دوران غرورآفرین سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران دنبال شد. اهم اقدامات پرسنلی انجام شده ذیلا از نظر گرامی خوانندگان ارجمند میگذرد:

۱ - قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی

در اجرای خجسته فرمان همایونی قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی در دهم مردادماه سال ۲۵۱۶ شاهنشاهی (۱۳۳۶ خورشیدی) تهیه و تصویب شد که بموجب آن وضع کلیه پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی از بدو استخدام تا لحظه مرگ و وضع خانواده پرسنل متوفی پس از مرگ روشن بوده و کوچکترین نکته تاریکی در راه زندگی و تأمین آینده پرسنل وجود ندارد

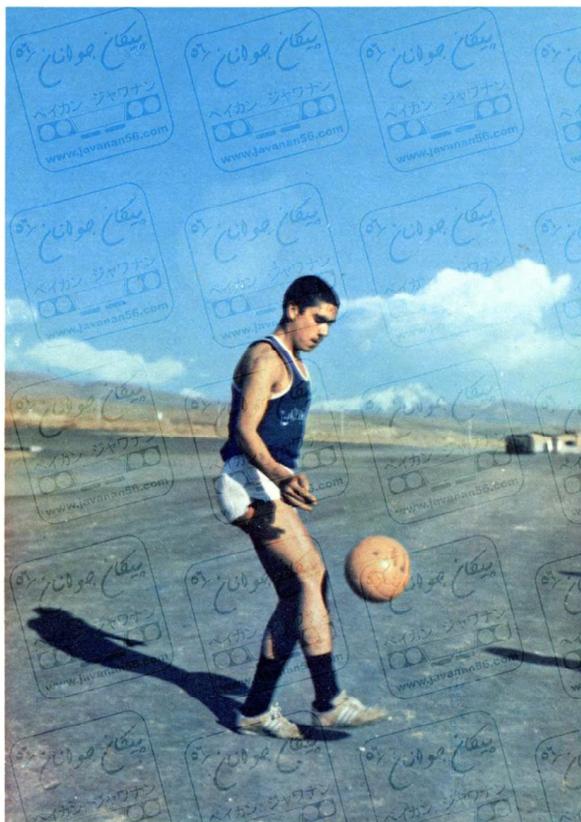
۲ - تسهیلات مسکن :

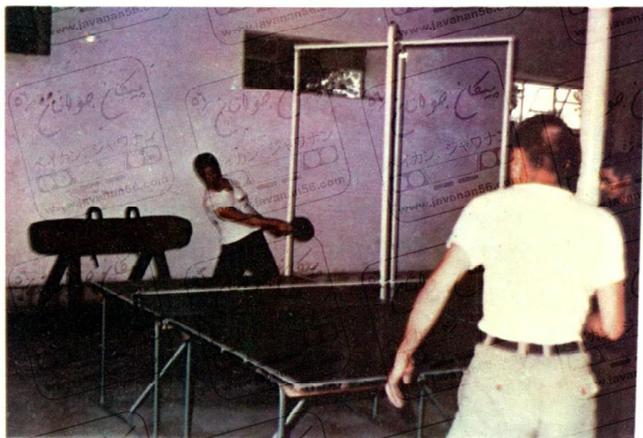
در مورد تسهیلات مسکن، علاوه بر آنکه برای اکثریت پرسنل کادر نیروی زمینی شاهنشاهی و خانواده آنها در کلیه یگانها و بخصوص یگانهای دور از مرکز خانه سازمانی موجود است، وام مسکن نیز وسیله بانگ سپه با تسهیلات ویژه و کمترین بهره ممکن پرداخت میشود و پرسنل کادر نیروی زمینی شاهنشاهی میتوانند با استفاده از این امکانات خانه ویا آپارتمان شخصی مورد نظر خود را تهیه کنند.



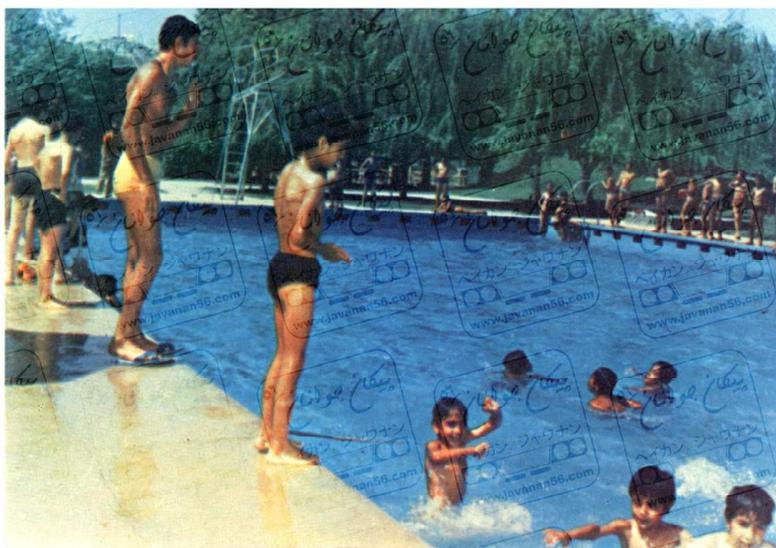
نمونه‌ای از خانه‌های سازمانی یکی از بادگانه‌های خارج مرکز

در کلیه پادگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی اعم از بزرگ و کوچک، باشگاه ورزشی مناسب و آبرومندی وجود دارد، که پرسنل کادر یا وظیفه و خانواده آنها میتوانند از تسهیلات ورزشی موجود استفاده کنند و ضمناً در تهران نیز باشگاههای ورزشی متعددی چون باشگاه ورزشی پهلوی برای افسران و باشگاه ورزشی درجه داران با استخرهای شنا، زمینهای والیبال، بسکتبال، تنیس و سالنهای مجهز ورزشی زمستانی برای استفاده افسران، درجه داران و خانواده‌های آنها وجود دارد. باشگاه ورزشی زمستانی گاجره برای آموزش اسکی روی برف و باشگاه قایقرانی و اسکی روی آب در چهل کیلومتری شمال شهرستان رشت نیز مکمل تسهیلات ورزشی است.





سالن ورزش سرپوشیده یکی از بادگانه‌های تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی



در استخرهای شنای باشگاه‌های ورزشی بادگانه‌های تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی تحت نظر بریاد و ژنبدلده یگان‌نواده اسراند و دیجه‌داران آموزش شنا داده می‌شود .

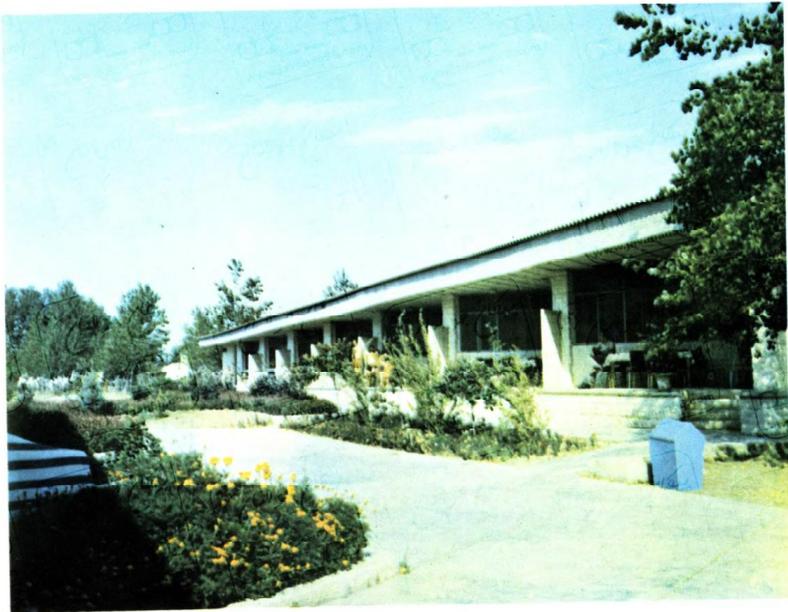


تصویری از آموزش اسکی در یکی از یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی

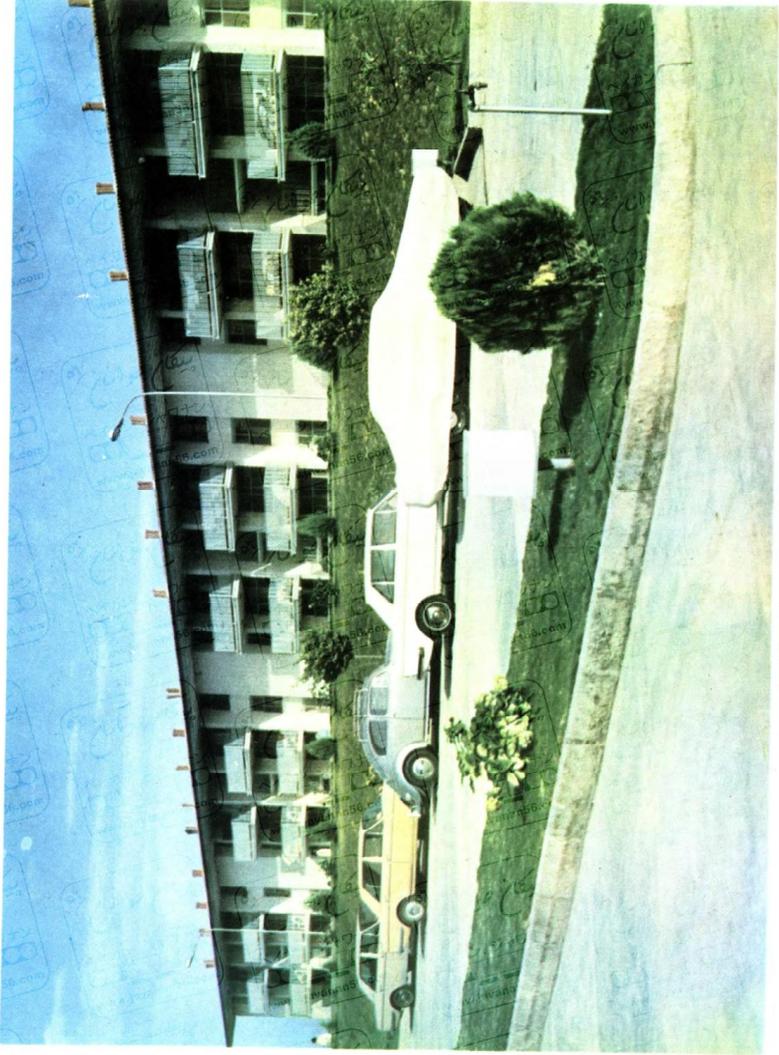
۴ - تأسیس اردوگاههای استراحت!

برای تفریح و استراحت پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی و خانواده آنها، اردوگا -
هائی بشرح زیر در نیروی زمینی شاهنشاهی تأسیس شده و تلاش برای توسعه آن
ادامه دارد:

الف - بلاژ فوج آباد واقع در ۳۷ کیلومتری شهرستان ساری که دارای تأسیسات
بزرگ غذاخوری، فروشگاههای مدرن، سالنهای کنسرت و سینما، استخرشنا،
بهداری، پارک کودک، سالنهای ورزشی و تفریحی، در هر ۱۰ روز متجاوز
از ۲۵۰۰ نفر از افسران و خانواده آنها را پذیرا بوده و به بهترین نحو از
مدعون پذیرائی میکند.



نمای خارجی ویلاهای یک طبقه اردوگاه استراحت فوج آباد ساری



(تصویری از ساختمانهای مدرن و مجهز بلاژ فرج آباد ساری)

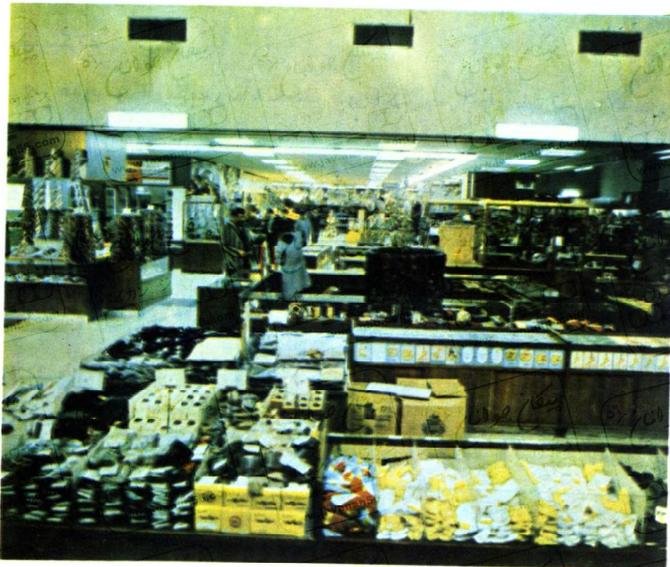
ب - در منطقه گهرباران فرج آباد ساری در ۱۰ کیلومتری محل پلاژ افسران، پلاژ مناسب و مجهزی برای استفاده درجه داران نیروی زمینی شاهنشاهی و خانواده آنها تأسیس گردید که دارای وسائل و تجهیزات و امکانات مشابه پلاژ افسران است.

پ - در بندرپهلوی نیز پلاژ کوچک و قابل استفاده‌ای تأسیس شد که پرسنل پادگانهای قزوین و منجیل، تحت نظر لشکر ۱۶ زرهی از آن استفاده میکنند. ت - در ساحل باختری دریاچه رضائیه و در نزدیکی شهرستان رضائیه نیز پلاژ کوچک و قابل استفاده‌ای تأسیس شده که پرسنل لشکر رضائیه و خانواده‌های آنها از آن استفاده می‌کنند.



تصویری از کابینت های بگان هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی «کنارسد شاه عباس کبیر»

به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران از خرداد ماه سال ۲۵۱۴ شاهنشاهی (۱۳۳۴ خورشیدی) به منظور رفاه حال افسران، درجه‌داران و کارمندان نیروهای مسلح شاهنشاهی و تأمین وسائل زندگی و تقلیل هزینه زیست آنها، مؤسسه‌ای بنام سازمان تعاون مصرف کادر نیروهای مسلح شاهنشاهی تأسیس و این سازمان هم‌اکنون کلیه خواروبار و بخصوص ۱. قلم اجناس مورد نیاز اولیه پرسنل و خانواده آنها را تهیه و با ارزاترین قیمت در اختیار آنها قرار میدهد. این سازمان در کلیه پادگانهای نظامی و با در مجاورت آنها شعبه ثابت دارد، و نیازمندیهای پرسنل یگانهای کوچک دور افتاده نیز وسیله فروشگاههای سیار این سازمان به موقع تأمین میشود. سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح شاهنشاهی در آینده نزدیک در کلیه شهرستانهای عمده، برای پرسنل نظامی سوپر مارکت‌های بسیار مجهزی ایجاد خواهد کرد، تا علاوه بر خواروبار، دیگر نیازمندیهای پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی و خانواده‌های آنها با ارزاترین قیمت در اختیار گذاشته شود.



تصویری از فروشگاه بزرگ سازمان اتکاء در تهران

گرچه امروز تمام مردم ایران در سایه عنایت وتوجهات ویژه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در زیر پوشش بیمه وخدمات درمانی رایگان قرار گرفته‌اند ، ولی نیروی زمینی شاهنشاهی از سالهای قبل ، از این موهبت برخوردار بوده است . بیمارستانهای ثابت نیروی زمینی شاهنشاهی در تهران ۱۳۰۰ تختخواب و در شهرستانها مجموعاً ۱۸۰۰ تختخواب دارد و این بیمارستانها مجهز به بهترین وسائل و آخرین پدیده‌های تکنولوژی پزشکی بوده و مشهورترین پزشکان متخصص در آنها خدمت میکنند . علاوه بر بیمارستانهای مجهز فوق نیروی زمینی شاهنشاهی در تهران و شهرستانها دارای درمانگاه‌ها و آزمایشگاههای بسیار مجهز است ، ضمناً کلیه خانواده‌های پرسنل کادر نیروی زمینی شاهنشاهی بیمه میباشند و با داشتن دفترچه بیمه میتوانند به پزشکان مورد نظر خود که با ارتش شاهنشاهی قرارداد دارند مراجعه ، و داری خود را از داروخانه‌های نزدیک منزل خود با پرداخت مبلغ ناچیزی دریافت دارند .



« تصویری از نمای خارجی بیمارستان لیلای بهلولی یکی از مراکز درمانی مجهز ارتش شاهنشاهی »

۷- باشگاه‌های افسران و درجه‌داران :

نیروی زمینی شاهنشاهی در کلیه پادگانهای بزرگ و کوچک خود، حتی در دور افتاده‌ترین نقاط کشور، باشگاه‌های مناسبی برای افسران، درجه‌داران، کارمندان و سربازان خود دارد، که پرسنل مربوطه و خانواده‌های آنها میتوانند از تسهیلات این باشگاهها استفاده کرده، وساعات فراغت خود را با صمیمیت گرد هم جمع شوند و پس از یک روز سخت خدمتی، شب شیرینی داشته باشند.



نمونه‌ای از تأسیسات مدرن نیروی زمینی شاهنشاهی



بیرونی وزیر ششم و سپهسالار انقلاب

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در تاریخ نوزدهم دیماه سال ۲۰۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) در کنگره بزرگ روستائیان خطاب به ملت فرمودند:

... من بحکم مسؤلیت پایش رو و وفاداری بسوگندی در حفظ حقوق و محاملت ملت ایران
یار کرده‌ام، من توانم نه‌برطرف در مبارزه قوای زودبانیر و ابریزش. زیرا مردم این مبارزه
خوب بود شکر کرده‌ام ...

و طبیعتاً میدانم بنام بر سر قوای سنگین مملکت بر اساس اصل امریت به‌قیمت دست‌نهاد بر اصل امریت و ششم
متمم قانون اساسی که اعلام میدارد قوای مملکت ناشی از ملت است مستقیماً به مردم ایران تعلق کند ...
من علامت‌مندیم اینم توانم که بنظور کفایت تحول عظیم تاریخی در ایران بوقوع اجرا نگردد
شده است مستقیماً مورد تصویب ملت ایران قرار گیرد.

اعلام اصول منشور انقلاب مقدس شاه و ملت در نوزدهم دیماه سال ۲۰۲۱
شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) بوسیله رهبر خردمند ملت ایران و یاسخ یکپارچه
ملت ایران به ندای شاهنشاه خود در ششم بهمن‌ماه سال ۲۰۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱
خورشیدی) ناگهان اساس فتودالسیسم و خان‌خانی را در ایران درهم کوبید، و بر
روی خرابه‌های آن، ایرانی تازه با خونی تازه و مردمی امیدوار و حاکم بر سرنوشت
خود بنا کرد.

اثرات حیات‌بخش و غرورآفرین انقلاب اخلاق و سازنده شاه و ملت در تمام شئون کشور آنقدر روشن و درخشان است و آنقدر درمورد آن گفته و نوشته شده است که مانند آفتاب و گرمای حیات‌بخش آن احتیاج به توضیح و تشریح ندارد. بنابراین ما فقط به اثرات انقلاب و به ویژه اثرات سپاهیان انقلاب در توسعه قدرت ملی و پدافند کلی کشور اشاره می‌کنیم.

تجربیات حاصله از دو جنگ جهانی گذشته و جنگ اخیر اعراب و اسرائیل ثابت کرد که در آتیۀ تنها بوسیله قوای مسلح نمیتوان مانند سابق در جنگ کسب موفقیت نمود، بلکه پیروزی نهائی در سایه شرکت مؤثر کلیه قدرتهای ملی که نیروهای مسلح نیز جزئی از آنست بدست میآید. پژوهندگان علم نظامی این نوع عملیات را جنگ کلی یا جنگ کامل نامیده‌اند. بنابراین در یک جنگ کلی که حفظ استقلال و حاکمیت و موجودیت ملی بستگی به آن دارد، باید عموم افراد ملت با بسیج تمام قوا و بکاربردن کلیه منابع مادی و معنوی و نیروهای انسانی شرکت کنند، و خود را برای تلاش و یپکاری طولانی آماده سازند.

آمادگی برای پدافند ملی فقط در سایه همبستگی نیروهای مسلح و ملت و همکاری همه جانبه کلیه مقامات و مسئولین نظامی و غیرنظامی میسر خواهد بود و پدافند کشور بستگی به قدرت ملی دارد که شعور ملی ضامن اصلی این قدرت است. بطور خلاصه قدرت ملی عامل اصلی بقای کشور و حافظ تمامیت و استقلال آن است و تنها با تکیه باین قدرت، استراتژی ملی بنحو مطلوب پیشرفت میکند، و هدفهای ملی قابل حصول میشود.

این قدرت از چهار رکن اساسی تشکیل شده که عبارتند از:

- ۱ - بنیه اجتماعی.
- ۲ - بنیه اقتصادی.
- ۳ - بنیه سیاسی.
- ۴ - بنیه نظامی.

این چهار قدرت به همبستگی و پیوستگی نیازی تام دارد و هیچ دولتی نمیتواند فقط با اتکاء یکی از قدرتهای اقتصادی یا نظامی یا سیاسی به هدفهای ملی خود نائل شود و استقلال و حاکمیت خود را حفظ کند.

ضعف و سستی هریک از این چهار عامل اصلی، موجب تزلزل ارکان حکومت و سقوط و انحطاط ملت، و زوال کشور خواهد شد. بطور مثال شکست دولت آلمان در جنگ جهانی اول بعلت ضعف قدرت سیاسی و اجتماعی آن و در جنگ دوم در اثر ضعف قدرت سیاسی و اقتصادی بوده است.

اهمیت و عظمت فکر ایجاد سپاهیان انقلاب که حاصل اندیشه تابناک و ابتکار و نبوغ اعجاب آفرین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران میباشد،



تصویری از یک سپاهی انقلاب سفید « دختر »

جوانان پسر و دختر کشور ما در پیروی از سنویات رهبر عالیقدر انقلاب اجتماعی ایران ابتدا در محیط سربازی آموزشهای لازم را فرا میگیرند و سپس برای انجام مأموریت ملی و میهنی به روستاهای دورافتاده کشور رهسپار میگردند .

در آنست که در پیشرفت هر یک از چهار قدرت یاد شده و در نتیجه افزایش و توسعه قدرت ملی ایران تأثیر بسزائی کرد و موجبات رفاه و آسایش عمومی و رشد فکری جامعه ایرانی و تقویت شعور ملی و بالنتیجه استحکام بنیان نظامی کشور فراهم شد.

حال به تشریح نقش سپاهیان انقلاب در توسعه و تقویت هر یک از قدرتهای چهارگانه بالا می‌پردازیم.

۱ - بنیه اجتماعی یا قدرت اجتماعی ملت، یعنی ایمان، همستگی، اتحاد و رشد ملی و میهن‌پرستی و از خود گذشتگی در راه حفظ استقلال میهن و مقدرات ملی که بمنزله زیربنا و ستون فقرات دفاع ملی است و سایر قدرتها بر آن تکیه دارد. به عبارت دیگر بدون داشتن احساسات عالیه میهن‌پرستی و ایمان واراده و همبستگی کلیه طبقات ملت، هر قدر هم اقتصاد و ثروت ملی پیشرفت کند ویا وسایل مدرن نظامی در دسترس نیروهای مسلح قرار گیرد، باز در میدان مقابله با حریف با ایمان و مصمم شکست حتمی است.

سپاهیان انقلاب بهترین عامل جلب تودهمردم، در سطح دهات و روستاهای دورافتاده کشورند، که با آموزش بیسوادان و فرزندانشان روستائیان و با آشنا ساختن آنان به اصول تمدن و زندگی مترقیانه عصر حاضر و با غمخواری و رفتار محبت‌آمیز خود در معالجه بیماران و کمک در ترویج کشاورزی و ازدیاد درآمد کشاورزان و همچنین با تبلیغ و تشریح آرمانهای مقدس ملی برای روستائیان، گامهای مفید و مؤثری برداشته‌اند، تا روستائیان بیش از پیش به زادبوم خود علاقمند شده و برای جانفشانی در راه حفظ میهن و مقدرات ملی آماده شوند. بدیهی است ملتی که اکثریت قریب با اتفاق آن دارای سواد نسبی بوده و از رفاه و آسایش و عدالت اجتماعی برخوردار باشد، بهیچوجه گول تبلیغات شوم بیگانگان و عمال اجنبی را نمی‌خورد و با اعتقاد و ایمان راسخ همیشه آماده پدافند از مرز بوم خود خواهد بود.

با نتیجه‌گیری از بحث بالا میتوان گفت که یکی از عوامل اساسی و مؤثر جهت مقابله با تبلیغات مضمره و پیشگیری از عملیات شورش و براندازی، تقویت روحیه ملت و برانگیختن حس میهن‌پرستی و غرور ملی است و بهترین عامل مطمئنی که میتواند چنین مأموریت خطیر و مقدسی را با شایستگی و موفقیت انجام دهد، سپاهیان انقلاب میباشد که در دهات دورافتاده و آبادیهای مرزی با روستائیان کشور در تماس دائمی هستند.

تقویت این سازمان و آماده کردن این جوانان پرشور برای وصول به هدفهای بزرگ ملی، از وظایف و مسئولیتهای حساس نیروی زمینی شاهنشاهی است.

۲- تأثیر سپاهیان انقلاب در تقویت قدرت اقتصادی

برای ساختن بنیان اقتصادی استوار یک کشور باید افراد ملت دارای سواد و معلومات کافی باشند و از سلامت و قدرت جسمی برخوردار. تأمین این منظور



بگام نمونہ سیاہیان انقلاب ہمہ سالہ مانند سایر روزان هموطن خویش در مراسم با شکوه سان و رژه ۲۱ آذر شرکت مینمایند



تصویری از یک سپاهی انقلاب « پسر »

با وظایف و مأموریت‌های سپاهیان انقلاب مطابقت کامل دارد.

جنبش مبارزه با بیسوادی که چرخ آنرا سپاهیان دانش میچرخانند، همچنین فعالیت بی‌سابقه سپاهیان بهداشت در امر حیاتی کمک به تأمین بهداشت و تندرستی افراد، بویژه در دهات و آبادیهای دور افتاده کشور، از هر حیث موفقیت‌آمیز، و امیدبخش بوده و دورنمای روشنی را در بهبود وضع جسمانی و اعاده روح پهلوانی و سلحشوری به توده ملت مجسم میسازد.

همچنین عملیات سپاهیان ترویج و آبادانی در سطح کشور، موجب توسعه کشاورزی، ازدیاد محصول و افزایش درآمد سرانه و بهبود وضع دهقانان کشور که اکثریت ملت را تشکیل میدهند گردیده، و در پی‌ریزی بنای اقتصادی سالم، تأثیری ژرف دارد.

۳ - تأثیر سپاهیان انقلاب در توسعه قدرت سیاسی:

باید قبالاً توجه داده شود که قدرت سیاسی در سایه تکامل و دودرت اجتماعی و اقتصادی بدست میآید، یعنی ملتی که دارای بنیه اجتماعی نیرومند و محکمی است و کلیه طبقات آن یکدل و یکزبان آماده مبارزه در راه حصول به هدفهای ملی هستند و از طرف دیگر بنیان اقتصادی آن استوار و درآمد سرانه افراد آن رو به افزایش است و میتواند ارتش مدرن و متناسب با تعداد نسبی جمعیت بسیج کند، خودبخود دارای قدرت سیاسی کافی است و از هر نظر قابلیت و شایستگی خودنمایی در صحنه سیاست جهانی را دارد. به همین دلیل است که با پیشرفت برنامه‌های مترقیانه سپاهیان انقلاب، تدریجاً ملت ایران در جامعه جهانی اعتبار و نفوذ از دست رفته را بازیافته و مقام شایسته و چشمگیری احراز کرده است.

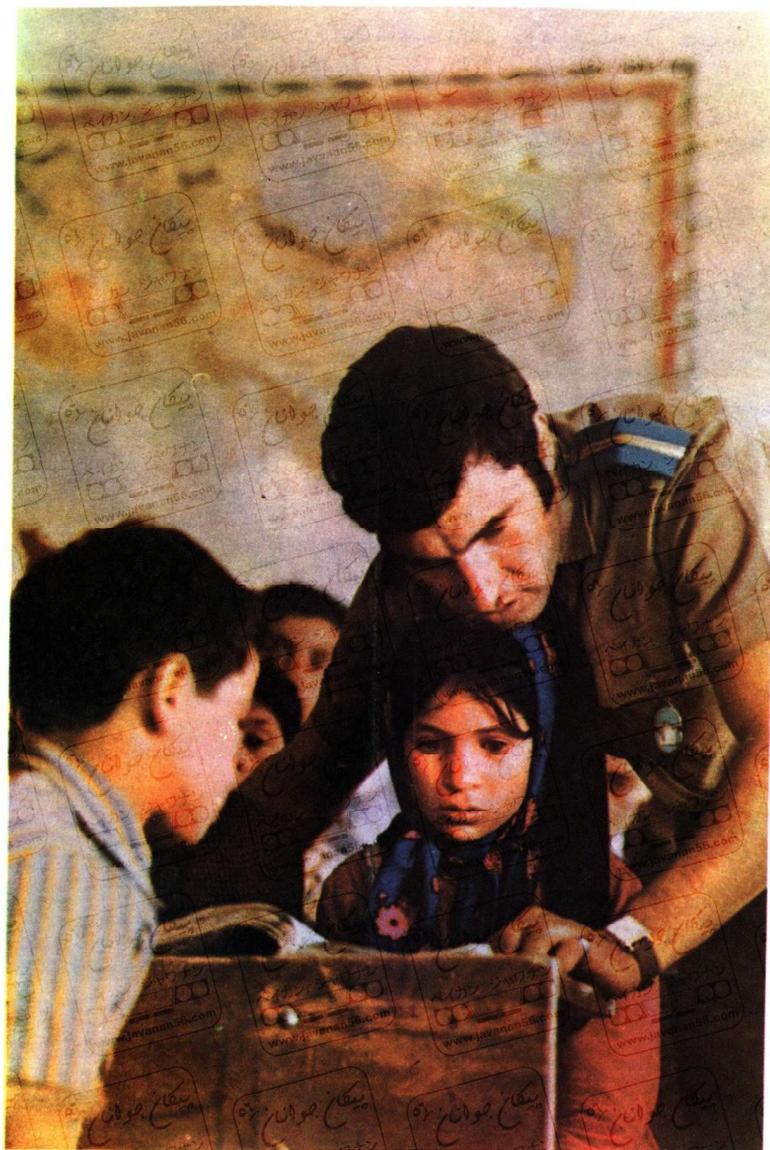
این موفقیت باعث تثبیت موقعیت سیاسی کشور شده و امروز ملت ایران وزنه قابل ملاحظه‌ای در کفه سیاست جهانی بحساب میآید، و با شایستگی کامل سیاست مستقل ملی خود را پی‌گیری میکند. در پناه قدرت سیاسی، وصول به هدفهای ملی در جامعه انسانی آسانتر و مشکلات و مداخلات دول خارجی کمتر است در نتیجه ملت متحد و یکپارچه با عزمی راسخ در مقابل سیاستهای تجاوز کارانه پایداری میکند، و بدین طریق کشورهای آزمون و تجاوز کار، مجال هیچگونه مداخله و بهانه‌جویی جهت تأمین منافع خاص خود ندارند.

ع - تأثیر سپاهیان انقلاب در تقویت قدرت نظامی کشور:

سپاهیان انقلاب پس از پایان دو سال خدمت زیر پرچم، مانند سایر همقطاران خود که در ارتش شاهنشاهی خدمت میکنند، جزو نیروهای احتیاط و ذخیره قرار گرفته و یا تعداد قابل ملاحظه‌ای که هر سال خدمت منقضی میگردند جزو نیروهای احتیاط قرار میگیرند و نقش بسیار مهمی را در موقع احضار احتیاط و بسیج ایفا خواهند کرد.



«سراسر اعطاء سردوشی به سپاهیان انقلاب با شرکت فرماندهی نیروی زمینی شاهنشاهی»
سپاهیان انقلاب پس از طی دوره اولیه آموزش و آشنائی کامل بمقررات و روشهای نظامی، باخذ
سردوشی نائل میگرددند.



سپاهی دانش در تلاش برای سازندگی نسل فردای ایران

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران در کتاب انقلاب سفید

در مورد سپاه دانش چنین میفرماید :

... صلح و آکنوسن مورد بحث ماست از پرفانی ترترین اصول انقلاب سفید است زیرا انقلاب با تحقق این اصل چهار اصل ترین رسالت تاخیر تمدن ایران یعنی رواج دانش و فرهنگ را به پیش گرفت . چهارم هدف محوری این اصل از انقلاب ایران بقدری بود که از مرزهای کشور ما فراتر رفت و یک نصفت بهر پیشگامی را در برداشت ... »

... صحت این اصل انقلاب ایران ، هند سایر اصول این انقلاب تنها از آنجست در جملات یک احتیاج است به شرح امروزه بلکه در عین حال اینهاست که بارها در تریون سفید نیز در اختیار ما مطبقت داشت ، زیرا اینها و غیر از اینهاست که تمدن ایران همواره با روح احتمالم و علاقهٔ بیشتر به فرهنگ و دانش آموخته شده است ... »

... امروز پس از گذشت چهار سال از اعلام اصول انقلاب وقتیکه نتایج آن در این اصل نصیب از نظر میگردیم ، نتنها با توجه به روح و طبیعت ساز و ایما و عشق متفکر جوانان در سپاهیان دانش ایران نام گرفته اند بلکه باید از سایر اصول انقلاب در راه دفاع از حقوق و منافع یک میلیون نفر محروم و محروم همان داشت است ، در خصوص نصیحت ظاهر و غرور مستر و شرح میگویم .

بی مورد نیست که برای آگاهی خوانندگان ارجمند کمی به عقب برگردیم و جامعهٔ ایرانی را کمی از دورتر تماشا کنیم تا نقش بزرگ کار سپاهیان دانش بهتر درک و لمس شود .

من که به تشکیل سپاه دانش فرمان داده‌ام، همه جا بعنوان پرچمدار این جهاد ملی
پیشاپیش شما خواهم بود.

«از فرمانات ملوکانه»



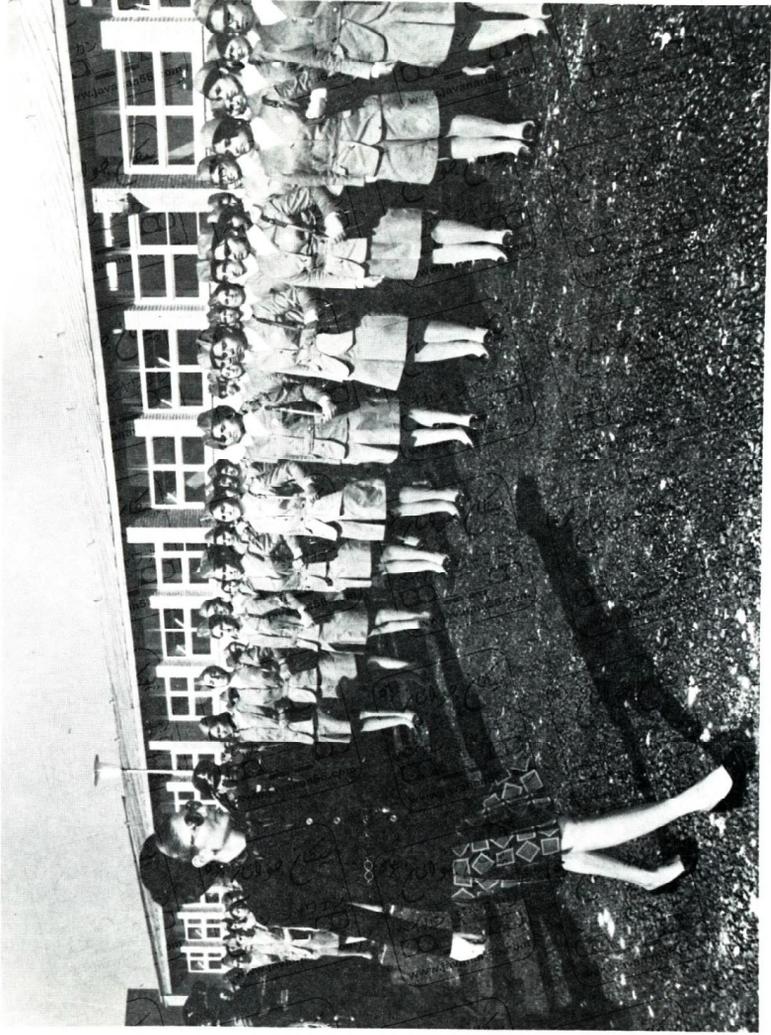
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران درجه سپاهیان انقلاب دوره اول را اعطاء
میفرماید.

در سال ۲۴۷۰ شاهنشاهی (۱۲۹۰ خورشیدی) قانونی بنام تعلیمات اجباری در مجلس شورای ملی به تصویب رسید، که بر طبق آن تعلیمات ابتدائی برای همه افراد مملکت اجباری شد، لکن به علل گوناگون این کار عملی نشد. در سال ۲۵۰۲ شاهنشاهی (۱۳۲۲ خورشیدی) قانون دیگری درباره تعلیمات عمومی به تصویب مجلس شورای ملی رسید، که به دولت یک مهلت ده‌ساله برای اجرای طرح تعلیمات اجباری و عمومی داده شده، آنچه مسلم است این قانون هم به جائی نرسید. قرار بود شهرستانهایی بعنوان نمونه وآزمایش برای اجرای تعلیمات عمومی انتخاب شود تا برای توسعه در سطح کشور مملکت عمل قرار گیرند. در این زمینه، بعنوان پیکار با بیسوادی نیز کارهایی شد، از جمله تشکیل کلاسهای شبانه برای بزرگسالان که بهرحال جوابگوی نیاز کشور و افزایش جمعیت نبود.

در زمانیکه جمعیت ایران ۲۵ میلیون نفر تخمین زده میشد و ۷۰ درصد این جمعیت را روستائینان تشکیل میدادند (بالغ بر ۱۸ میلیون نفر)، از این تعداد بطوریکه آمار آن زمان نشان میداد، از ۸۴ درصد کودکان روستائی که نیاز به تعلیم داشتند فقط ۲۴ درصد میتوانستند به دبستان بروند، برای بقیه وسایل وامکان تحصیل فراهم نبود، در همان زمان برای ۳۰ درصد بقیه جمعیت کشور یعنی شهرنشینان، ۷۰ درصد امکان تحصیل وجود داشت. بدین ترتیب $\frac{1}{4}$ معلمان در روستاها برای ۷۰ درصد جمعیت و $\frac{3}{4}$ بقیه در شهرها برای ۳۰ درصد از جمعیت مشغول خدمت بودند. وبالطبع وضع همچنان بود که بود. سرشماری سال ۲۵۱۵ شاهنشاهی (۱۳۳۵ خورشیدی) گویای این نکته بود که تنها ۱۴/۹ درصد جمعیت کشور در سنین دهسال بیلا، باسواد بودند وآمارهای سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) این نسبت را در مورد جمعیت شهرها ۴۹ درصد در مورد ساکنین روستاها ۱۶ درصد نشان میداد.

دگرگونیهای شگفت کشورهای آمریکا واروپا وترقیات شگرف ممالک مترقی جهان به ملت‌هایی که در حال رکود بسر می‌بردند حکم می‌کرد باگامی بلندتر وجنبشی عظیم‌تر بسوی پیشرفت وترقی گام بردارند ویا کوشش وفداکاری بی‌نظیر این عقب-افتادگی را از دامان ملیت وقومیت خود بزدايند ودر زمره ملل پیش‌افتاده جهان درآیند. بنابراین برای جبران توقع‌های ورفع عقب‌افتادگی‌های سابق، لازم بود ملت ایران دست بیک جنبش دامنه‌دار ملی بزند ویا یک انقلاب، انقلابی که به ارکان استقلال وآزادی مردم وتمايیت ارضی مملکت خللی وارد نیاورد، به دوران رکود پایان دهد وشاهراه سریع پیشرفت وترقی را درپیش گیرد.

بزرگ رهبر خردمند انقلاب اجتماعی ایران در سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) تشکیل سپاه دانش را عنوان فرمودند که ابتکار خلافت آن جهان را به شگفتی وا داشت.



سپاهیان دانش دختر در حضور علیاحضرت فتح پهلوی شهبانوی ایران در تاریخ ۲۱ آبانماه ۲۰۲۷ شاهنشاهی

اصالت انقلاب ایران از این جهت متجلی است که سنت کهن فرهنگ پروری تمدن ایران که به گواهی تاریخ از ایران باستان و دین اسلام الهام گرفته است، در سایه انقلاب شاه و ملت بدست جوانان اجتماع ایران یعنی سپاهیان انقلاب به نحو بسیار شکوهمندی صورت تحقیق یافته است.

نقش سپاهیان دانش و جهاد بزرگ آنها بایسواد، یکی از مفاخر تاریخ شاهنشاهی ایران و برگ زرینی است بر افتخارات جامعه انسانی.

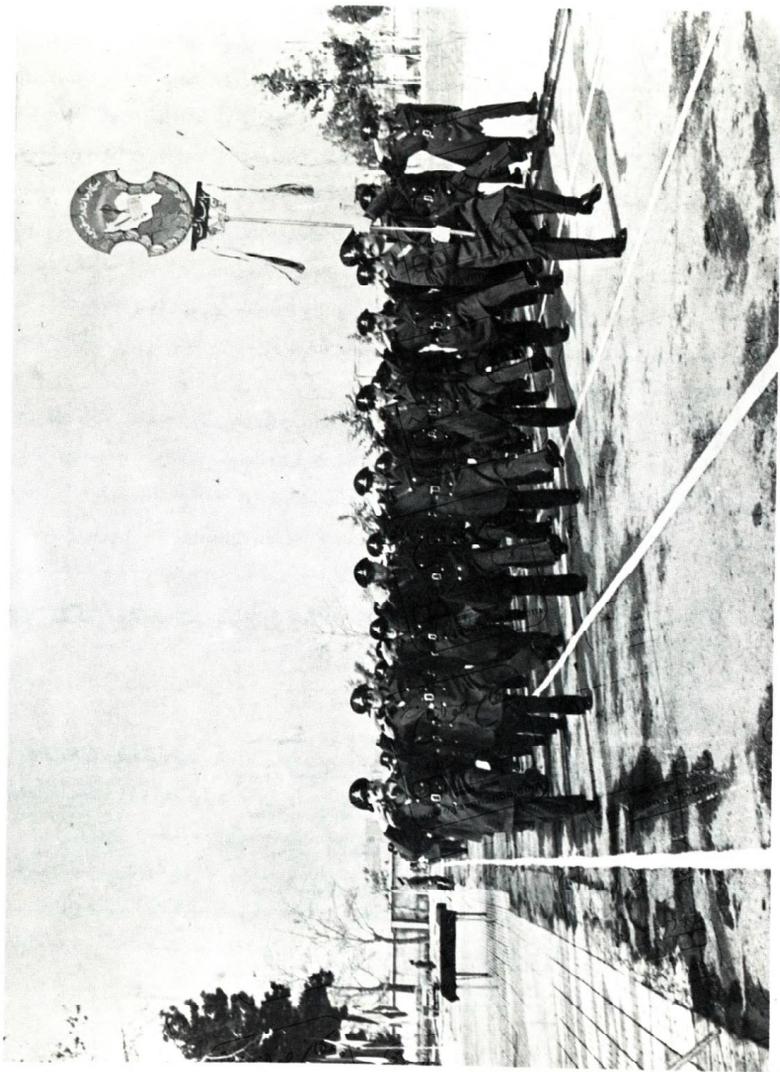
سپاه بهداشت و اثرات آن در جامعه ایرانی

فرمان حمایتی

بمنظور تأمین آسایش و مداوا و امر بآرامش و بهداشت عموم مقربان و میزبانان
از پزشکان فارغ التحصیل و لیسانس و دیتیمه با سپاه بهداشت تشکیل شود که
بطور گروه همواره بسیار، در دوائ و تقاضای سایر امور از امکانات بخدمت مشغول
باشد و نیز جهت امداد آنها مشرب و پاداش در تخمین سازد که در اجتماع مزبور ایران
توزیم موفقیت باشد.

اول بهمن ماه سال ۲۵۲۲ شنبه ۱۳۴۲ خورشیدی

شاید بیان این نکته ضروری باشد که وزارت بهداشتی با همه تلاشی که برای رساندن امکانات درمانی و بهداشتی به روستاها انجام میداد، نتوانسته بود پوشش نسبتاً وسیعی از لحاظ بهداشت و درمان در سطح گسترده روستاها داشته باشد. چرا که فرستادن پزشک به روستاها به سادگی عملی نبود و در این راه دشواریهای زیادی



جوانانیکه دوازه‌های سلامتی را بر هموطنان روستائی ما گشوده‌اند.

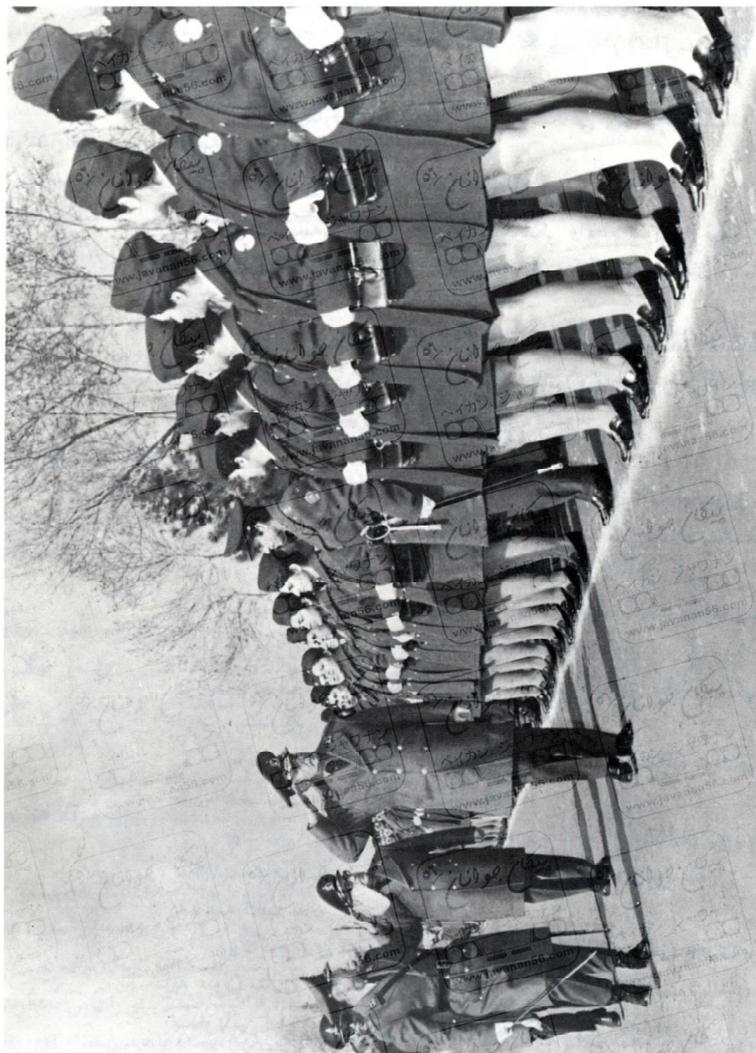
بشرح زیر وجود داشت که حل آنها از توان وزارت بهداشتی بیرون بود :

- ۱ - نبودن محل زیست مناسب برای پزشک در روستا .
 - ۲ - نبودن امکانات اجتماعی و تسهیلات لازم در روستا .
 - ۳ - عدم دسترسی به غذای کافی در محیط محدود در روستا .
 - ۴ - علاقه پزشک به خدمت در شهر به سبب وجود امکانات بیشتر و بهتر .
 - ۵ - عدم شناخت روستا وسیله پزشک و در نتیجه ترس از زندگی در محیط آن .
 - ۶ - نبودن جاده و وسائل ارتباطی بین شهر و روستا و اشکال رفت و آمد .
- از طرفی نا آشنائی به فرهنگ و خصوصیات افراد شهری نیز موجبی برای فرار روستائی از پزشک بود . روستائی سالها شهری ها را یا در قیافه مالک و مباشر دیده بود و یا در قیافه مأمورانی که غالباً برای جلبش به زندانها می آمدند . از این رو به شهری توجهی نداشت و از او گریزان بود و در حقیقت رابطه اش بر بنیای حسن تفاهم نبود .
- رکود فرهنگ جامعه روستائی و نفوذ خرافات و سنت های دست و پاگیر از یکسو و وحشت از دگرگونی و بی اعتبار شدن ارزشهای اجتماعی حاکم بر روستا از سوی دیگر، موجب دیگری برای ترس روستائی از شهری بود و طبیعی است که در چنان محیطی کار کردن بسیار دشوار بود .

اما فرمان تشکیل سپاه بهداشت به همه این نابسامانیها و ناباوریهها و عدم شناختها پایان داد و دروازه های سلامتی را بر بسیاری از مردم که توان اندیشیدن به این موهبت را از دست داده بودند ، گشود .

هدفهای تشکیل سپاه بهداشت بشرح زیر خلاصه میشود :

- ۱ - بالا بردن سطح بهداشت عمومی و پرورش افراد سالم .
- ۲ - مداوای بیماران .
- ۳ - پیشگیری از بیماریها .
- ۴ - واکسیناسیون عمومی علیه بیماریهای واگیر .
- ۵ - ایجاد محیط سالم و بهداشتی در روستا .
- ۶ - آموزش و راهنمایی بهداشتی به مردم روستاها برای ایجاد زندگی بهتر .
- ۷ - مراقبتهای بهداشتی از مادران و نوزادان بمنظور بوجود آوردن نسل های سالم .
- ۸ - آموزش روستائیان در بهبود وضع تغذیه .
- ۹ - افزایش میزان درآمد و بهبود وضع اقتصادی کشور، با بوجود آوردن افراد سالم .
- ۱۰ - گسترش و بالا بردن سطح فرهنگ از طریق تأمین سلامت و پرورش انسان سالم .



«مراسم سان فرانسسکو نیروی زمینی شاهنشاهی از سپاهیان انقلاب دختر در بیان دوره آموزش نظامی»

سپاهیان بهداشت برابر مقررات و براساس ضوابط ویژه‌ای از میان پزشکان داروسازان، دندانپزشکان، متخصصین و تکنسینهای آزمایشگاهی و تغذیه، لیسانسیه های علوم اجتماعی و دیپلمه‌های مشمول، برای انجام وظایف زیر برگزیده می‌شوند:

۱ - پزشکان و دندانپزشکان بمنظور تکمیل کادر درمانی و بهداشتی روستاها و اجرای برنامه‌های درمان و بهداشت.

۲ - داروسازان و متخصصین امور آزمایشگاهی برای تکمیل کادر دارویی و آزمایشگاهی در سطح روستا.

۳ - لیسانسیه‌ها جهت تکمیل کادر آموزش بهداشت در روستاها.

۴ - دیپلمه‌ها جهت کادر کمک پزشکی و انجام اموری از قبیل بانسمان، تزریقات، واکسیناسیون و توزیع دارو بین بیماران و کمک به فعالیتهای بهسازی محیط روستا.

سپاهیان بهداشت پس از انتخاب، به پادگان‌های نظامی فرستاده میشوند و طی ششماه خدمت در پادگان دوره آموزش نظامی و بهداشتی را می‌گذرانند. سپس جهت آغاز خدمت مقدس خود به روستا فرستاده میشوند.

ارزشیابی خدمات سپاهیان بهداشت

در سال ۲۰۲۹ شاهنشاهی (۱۳۴۹ خورشیدی) از تاثیر فعالیتهای گروههای سپاه بهداشت طی شش سال در روستاها یک ارزشیابی بعمل آمد، بدان منظور که معیارهایی بدست آید تا در برنامه‌ریزیهای آینده مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه این بررسی، جالب و چشمگیر بود که به چند نکته از آن اشاره می‌شود:

۱ - در روستاهای محل استقرار گروههای سپاه بهداشت، بر اثر توسعه بهداشت و درمان، میزان مرگ و میر به نسبت $۲۳/۹۰$ درصد کاهش یافته و به $۱۳/۸۰$ - در هزار رسیده بود.

۲ - در روستاهای محل استقرار سپاهیان بهداشت، میزان مرگ و میر اطفال تقریباً نصف شده و به ۷۰ در هزار رسیده بود.

۳ - این ارزشیابی نشان داد که $۶۹/۴۹$ درصد از روستائیان مورد مطالعه، از امکانات جلوگیری از حاملگی‌های ناخواسته آگاهی داشته و از این عده $۱/۴۶$ درصد با برنامه‌تنظیم خانواده موافق بوده‌اند.

۴ - توسعه واکسیناسیون از جمله خدمات ارزنده و چشمگیر سپاهیان بوده است. به عنوان مثال، میزان آلودگی سرخک در طول شش سال فعالیت سپاهیان بهداشت بسیار پائین آمده و این بیماری به نسبت ۹۰ درصد کاهش یافته بود.

۵ - احداث گرما به‌های بهداشتی و گسترش بهداشت فردی و بهسازی محیط به تقلیل بیماریهای مختلف کمک کرده بود. بطور مثال میزان آلودگی کچلی به

نسبت ۵۶ درصد در حوزه عملیاتی گروه‌های سپاه بهداشت کاهش یافته بود .
تجربه و کارائی سازمان سپاه بهداشت بویژه در زمینه توزیع عادلانه پزشکان
بعنوان یک ثروت پرارزش ملی ، و بهره‌گیری هرچه بیشتر و بهتر از وجود آنان در مسیر
گسترش ، سلامت و بهداشت در روستاها را به ثبوت رساند . از این نظر در سال ۲۰۳۳
شاهنشاهی (۱۳۵۳ خورشیدی) وزارت بهداری تصمیم گرفت ارائه کلیه خدمات
درمانی و بهداشتی به روستائیان را از طریق این سازمان مجهز انجام دهد . تا با
رعایت کامل سیاست دولت دائر بر عدم تمرکز امور در مرکز ، اختیارات تفویض
شده به مدیران کل بهداری استانها ، موجباتی فراهم آید که خدمات درمانی و
بهداشتی بنوعی ارائه گردد که از دوباره کاری و شتابزدگی و بی‌عدالتی اجتناب شود.
بهمین سبب « سازمان سپاه بهداشت » با تغییر نام خود به « سازمان سپاه بهداشت و
مراکز بهداشت روستائی » عهده‌دار وظائف سنگین تر و گسترده‌تری شد . زیرا هدایت
و نظارت مراکز بهداشت روستائی و درمانگاههای اجتماعی روستائیان نیز بعهده سپاه
بهداشت محول شد .

با تصویب قانون مترقی تشکیل سپاه خدمات اجتماعی زنان که یکی از نتایج
سودمند دگرگونی اجتماعی عظیم ایران محسوب میشود ، مرحله‌ای نوین در جهت
پیشرفت زنان در کلیه سطوح و شئون زندگی اجتماعی پدید آمد و از پرتو آن تلاش
و کوششی خستگی‌ناپذیر، در جهت اجرا و انجام این مهم صورت پذیرفت . این امر
از اعلام تساوی حقوق زنان در هشتم اسفندماه سال ۲۰۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲
خورشیدی) الهام گرفت و در تاریخ ۲۴ تیرماه سال ۲۰۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷
خورشیدی) قانون تشکیل سپاه خدمات اجتماعی زنان بمرحله اجراء گذارده شد .
نخستین گروه سپاهیان به خدمت فرستاده شدند و در راه وظائف انسانی و اخلاقی خویش
بسیج شدند .

سپاهیان خدمات زنان نیز مانند سایر سپاهیان انقلاب در کوتاه‌ترین
فرصت و زمان ممکن چهره اجتماعی ایران را دچار تحول و دگرگونی کردند و در راه
از بین بردن فاصله بین شهر و روستا گامهای مؤثری برداشتند .
نیروی زمینی شاهنشاهی افتخار دارد که در اجرای فرامین مترقیانه فرمانده
تاجدار خود در تشکیل ، تجهیز و تعلیم و تربیت سپاهیان انقلاب و وظائف ملی و انسانی
خود را ایفا میکند و با سایر سازمانهای مسئول، نهایت هماهنگی و همکاری را معمول
داشته و این تلاش تا سرحد توانائی ادامه خواهد یافت .

علیه حضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در کتاب انقلاب سفید

چنین میفرمایند :

«..... بارها بمناسبت‌های مختلف این نکته را متذکر شده‌ام که کارنوسازی کشور فقط وقتی واقعاً نتیجه بخش می‌تواند باشد که از کوچکترین واحدهای اجتماعی آغاز شود، براین اساس کار ترویج و آبادانی نیز میبایست نخست قراء و قصبات کشور را در برگیرد و این وظیفه ایست که برعهده سپاهیان ترویج و آبادانی نهاده شده است... کاری که امروز سپاهیان ترویج و آبادانی انجام میدهند کار پر ارزشی است»

دومین اصل پرارزش و پرافتخاری که به اصول ششگانه انقلاب شاه و ملت اضافه شد ، اصل تشکیل سپاه ترویج و آبادانی بود . همانطور که ماده اول قانون مربوط به تشکیل سپاه ترویج و آبادانی صراحت دارد ، سپاه ترویج و آبادانی به منظور بالا بردن سطح زندگی و تأمین رفاه روستائیان و آشنا ساختن آنان به اصول جدید کشاورزی و راههای ازدیاد تولیدات زراعی و دامی و ارشاد برای توسعه و ترویج و بهبود صنایع روستائی و راهنمائی در امور مربوط به آبادانی و نوسازی روستاها تشکیل گردیده است .

علیه حضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در روز اول مهرماه سال ۲۵۴۳ شاهنشاهی (۱۳۴۳ خورشیدی) در مراسم جشن دهقان ، تشکیل سپاه جدیدی بنام سپاه ترویج و آبادانی را مقرر فرمودند و قانون تشکیل آن در ۲۸ دیماه همان سال به تصویب مجلسین رسید .

سپاه ترویج و آبادانی از مشمولین نظام وظیفه دیپلمه و بالاتر که اضافه بر نیازمندیهای ارتش شاهنشاهی باشند و افرادی که برای خدمت در سپاههای دانش و بهداشت اختصاص داده میشوند تأمین ، وزیر آموزش قرار می‌گیرند .

دامپزشک‌ها و دیپلمه‌های کشاورزی از افرادی هستند که پس از تأمین نیازمندیهای ارتش ، منحصرأ در سپاه ترویج و آبادانی خدمت می‌کنند و اکثریت لیسانسیه‌های کشاورزی نیز برای خدمت در سپاه ترویج و آبادانی در اختیار وزارت کشاورزی و منابع طبیعی قرار داده میشوند .

به‌منظور آشنائی سپاهیان با مقررات انضباطی و نظامی و همچنین آماده کردن آنان برای خدمت در روستاها ، مدت شش ماه از ۲۴ ماه خدمت سپاهیان به دوره آموزش نظامی و فنی اختصاص داده شده و آموزشهای مزبور با همکاری نیروی زمینی شاهنشاهی و وزارتخانه‌های مربوطه تنظیم میشود . آموزش نظامی و فنی سپاهیان توأمأ و به تفکیک ساعات آموزش نظامی و فنی صورت می‌گیرد .

با توجه به وظایفی که به عهدهٔ هریک از سپاهیان ترویج و آبادانی برطبق قانون و آئین‌نامه‌های مربوطه محول شده، سپاهیان مزبور نقش فوق‌العاده مؤثری در دگرگونی وضع و تغییر سیمای روستاهای کشور دارند.



آموزش مایه کوی بر ضد نیوکاسل مرغ بوسیله سپاهی ترویج و آبادانی و مساورین دامپزشکی

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران با الهام از تعالیم عالیه اسلام و دستورات آسمانی قرآن مجید، همواره در این اندیشه بودند که تنها پیشرفت‌های مادی نمیتواند سعادت افراد جامعه را تضمین کند و در این باره روز یکشنبه پنجم مرداد ماه سال ۲۰۲۸ شاهنشاهی (۱۳۴۸ خورشیدی) هنگام شرفیابی ۴۰۰ نفر از مروجین مذهبی سراسر کشور در کاخ نوشهر چنین فرمودند:

«... همانطور که میدانید فلسفه و روح انقلاب ایران فقط بر اصول مادی قرار نگرفته، بلکه اصلاح ایران همیشه توأم با معنویات بوده است و اساس معنویات هر جامعه بر ارکان دینی استوار است.

از لحاظ مملکت‌داری معتقد هستیم که هیچ جامعه‌ای قوام و دوام ندارد مگر اینکه اساس آن بر ایمان و اعتقاد کامل مستحکم شده باشد...»

در اجرای فرمان جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، نیروی زمینی شاهنشاهی تعداد ۳۹ نفر از لیسانسیه‌های الهیات و حقوق را بعنوان اولین دوره سپاه دین در آذرماه سال ۲۰۳۱ شاهنشاهی (۱۳۵۱ خورشیدی) به سازمان اوقاف معرفی کرد، که بلافاصله به خدمت گمارده شدند. در سالهای بعد نیز تعدادی از جوانان مشمول کشور که در رشته‌های الهیات، حقوق، فلسفه و علوم انسانی لیسانس داشتند در پادگان فرح‌آباد پس از اخذ آموزشهای لازم نظامی به درجه ستوان دومی مفتح‌وبه سازمان اوقاف معرفی شدند که به شهرستانها اعزام و وظایف مربوطه را زیر نظارت و راهنمایی مروجین مذهبی سازمان اوقاف در روستاها بنحوشایسته‌ای انجام داده‌اند.

سپاه دادگستری

بمنظور تسهیل در امر دادرسی و استقرار عدل پهلوی و گسترش و تمجید عدالت و کمک به سازمان‌های قضائی کشور از نظر عوامل انسانی، بر حسب اراده سینه‌ذات مبارک ملوکانه با اضافه شدن یک تبصره بماده ۲ قانون سپاه دانش مصوب ۲۸ خرداد ماه سال ۲۰۲۷ شاهنشاهی (۱۳۴۷ خورشیدی) سپاه خدمات دادگستری تشکیل و از آبانماه همان سال آموزش اولین دوره سپاه خدمات دادگستری در پادگان عشرت‌آباد آغاز گردید.

برنامه دوره ششماهه آموزش این مشمولین با همکاری وزارتخانه‌های جنگ و آموزش و پرورش و دادگستری تنظیم و این سپاهیان پس از پایان دوره آموزش ششماهه در واحدهای قضائی وثبتی سراسر کشور مشغول انجام وظیفه میشوند.

از وجود سپاهیان خدمات دادگستری براساس آئین‌نامه مربوطه منحصرأ در

مشاغل زیر استفاده میشود :

- ۱ - منشی دادرها .
- ۲ - منشی دادگاههای بخش و شهرستان .
- ۳ - مأموریت ابلاغ .
- ۴ - مأموریت اجرا .

تا کنون ۱۳ دوره سپاهیان دادگستری با وزارت دادگستری همکاری صمیمانه و نزدیکی داشته‌اند و چون خدمت سپاهیان خدمات دادگستری، برای وزارت دادگستری بسیار ارزنده بود و کمک مؤثری در امر دادرسی توسط آنان صورت گرفته است . وزارت دادگستری تقاضای افزایش سهمیه خدمات دادگستری را از ليسانسيه‌های مشمول نموده و خواسته است که تعداد سپاهیان خدمات دادگستری تا دو برابر افزایش یابد . وزارت دادگستری توانسته است تا کنون نزدیک به دوهزار نفر از سپاهیان منقضي خدمت دوره‌های اول تا نهم را به استخدام خود در آورد و در دورترین نقاط کشور در سازمانهای قضائی وزارت دادگستری به خدمت بگمارد .



سپاهیان انقلاب پس از خاتمه دوره نظامی خود در نیروی زمینی شاهنشاهی با ایمانی راسخ برای خدمت به هموطنان روستائی خود بروستاها رهسپار میگردند

بخش پنجم

چهارم روز نهمین شاهنشاهی ایران

چهره‌آر امروز نیروی زمینی شاهنشاهی :

نیروی زمینی شاهنشاهی ایران در سایه رهبری ، توجهات ، تلاش و فداکاریهای پنج‌ساله شاهنشاهان پهلوی ، امروز از نظر آموزش ، انضباط ، روحیه ، وسایل و وسائط و قدرت رزمی در ردیف یکی از ارتش‌های پیشرفته جهان کنونی قرار گرفته است .

توسعه امکانات ملی ، افزایش جمعیت کشور ، در اختیار داشتن تجهیزات و جنگ افزارهای پیشرفته جهان امروز و مخصوصاً برخورداری از هدایت و رهبریهای خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران موجبات پیشرفت سریع نیروی زمینی شاهنشاهی را در جهت نیل به هدفها و آرمانهای بزرگ خود فراهم نموده است .

علاوه بر آن نیروی زمینی شاهنشاهی هم آهنگ با دیگر ترقیات و پیشرفتهای همه جانبه ایران ، راه ترقی و تکامل معنوی خود را طی نموده و با الهام از اندیشه‌های فرهنگ آفرین فرماندهی تاجدار خود به توسعه مراکز فرهنگی و آموزشی و گسیل تعداد زیادی از افسران و درجه داران برای کسب فنون نظامی و دانش اندوزی به کشورهای پیشرفته جهان پرداخته و این ترتیب هم آهنگ با پیشرفت دانش و تکنولوژی در جهان امروز به تجدید سازمان اقدام نموده و از هر جهت آمادگی یافته است که دوران تکامل و سازندگی و آمادگی رزمی خود را طی نماید ، و خوشبختانه امروز با برخورداری از همت بلند و اندیشه‌های خلاقانه فرماندهی تاجدار خود بصورت یک نیروی کاملاً پیشرفته درآمده ، که تحت رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر ، نقش بازدارنده آن در دفاع از کشور شاهنشاهی و برقراری امنیت و تأمین صلح در این منطقه حساس از جهان کاملاً مشهود و مورد ستایش جهانیان میباشد .

افسران ، درجه داران و سربازان و جوانان نیروی زمینی شاهنشاهی در خسته پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران و ملت شریف و حق شناس ایران ، سرفرازند که در دوران انقلاب حیات بخش شاه و ملت ، تأمین کامل را در سراسر کشور آنگونه برقرار ساخته‌اند ، که ملت ایران بتواند آرام و مطمئن و بدون هیچگونه نگرانی از فردائی ناپایدار ، تحت رهبریهای خردمندانه بزرگ رهبر عالیقدر انقلاب ، هر روز گام بلند و تازه‌ای در راه پیشرفت در تمام شئون مملکت بردارد و با آنچه توان سرعتی بسوی دروازه‌های تمدن بزرگ پیش‌رود که برق درخشش این همه پیشرفت معجزه‌آسا ، چشم جهان و جهانیان را خیره سازد .

گرچه سیاست کشور شاهنشاهی به پیروی از منویات رهبر تاجدار ایران سیاست مستقل ملی است و بر اساس آن ایران و ایرانی و ارتش آن هر قدر نیرومند باشد ، قصد تجاوز به هیچ دولت و کشوری را اعم از ضعیف و قوی) ندارد و حقوق و آزادی کامل تمام ملل را بر اساس منشور سازمان ملل متحد محترم بشمارد ، ولی همانطوریکه شاهنشاه آریامهر ، بارها و بارها در فرمایشات ملوکانه به آن اشاره فرموده‌اند ، تاروی که جهان از یک صلح پایدار و مطمئن برخوردار نباشد و خلع سلاح عمومی جامعه عمل نپوشد ، فضا ارتش نیرومند هر کشور ضامن صلح و ثبات آن کشور است و پس .

بنابر این نیروی زمینی شاهنشاهی ، هم گام و هم آهنگ با سرعت پیشرفت انقلابی در تمام شئون مملکت شبانه روز در تلاش است که از دانش ، تکنولوژی ، جنگ افزار ، وسایل و وسائط و تجهیزات برخوردار بوده و با قدرتی کافی و کامل ، قادر به جوابگویی بهر تجاویز در هر لحظه باشد ، و این تلاش تا سرحد توان دنبال شده و تا حد جانیازی ادامه خواهد داشت .

هم‌بیین ، آیا لحظه‌ای فکر کرده‌ای که چرا و چگونه در دنیائی که در هر گوشه آن شعله‌های جنگ و برادر کشی زبانه میکشد و هر مملکتی به نوعی درگیر جنگ

خارجی و یا کشمکشهای داخلی است ، کشور تو در ثبات و امنیت کامل بسر میبرد و تو آنقدر از تأمین برخورداری که اصولاً آنرا فراموش کرده‌ای و شاید قدر این نعمت بزرگ را چون سلامت خود نمیدانی ؟ آری ، این امنیت و ثبات دو دلیل واضح ، قاطع و روشن دارد :

نخست آنکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریاسهر بزرگ ارنشتران ، بزرگ رهبر عالیقدر انقلاب اجتماعی ایران ، پیش از همه و بیش از همه ، تمام دردها ، نیازها ، کمبودها و نارسائیهای ملت ایران را به فراستی درخور اعجاب درمی‌یابد و با صدور فرمانی بموقع وعادلانه و خلاق ، مرحم شفا بخش بیزخم میگذارد . بنابراین دردهای اجتماعی چون جهل ، فقر ، بیماری ، گرسنگی ، عدم وجود عدالت اجتماعی و امثال آن ، یکی پس از دیگری در اجتماع ایران نابود گردیده و کار برای همه ، عدالت برای همه ، سواد برای همه ، بهداشت برای همه ، ثروت عادلانه برای همه ، امکان ترقی تا آخرین و عالیترین مقامات برای همه ، اجتماع ایران را از کمبودها و نارسائیهائی که گریبانگیر اغلب کشورهای جهان است به دور ساخته است و تمام ملت هم گام وهم آهنگ ، در زیر یک پرچم و با پیروی از یک رژیم ، چون کوه پشت در پشت هم ایستاده‌اند و یک دل و یک صدا از شاهنشاهی پیروی میکنند که خود انقلاب میکند ، خود کهنه‌ها را در هم میکوبد ، خود فکرهای نو و انقلابی خلق میکند و با قاطعیت اجراء مینماید .

دوم آنکه ارتش دلیر ایران به پیروی از منویات فرمانده تاجدار خود ، هم آهنگ با سایر پیشرفتهای انقلابی کشور ، آنگونه خود را نیرومند ساخته است که وجود آن در مملکت ، فکر تجاوز را حتی در خاطر دشمنان احتمالی ، محو و نابود ساخته و آمادگی رزمی آن پشتوانه ثبات بیش از پیش کشور و ترقیات روزافزون ملت و مملکت است .

هم‌بیین ، برای آنکه با چهره امروز نیروی زمینی شاهنشاهی بیشتر آشنا شوی ، در این بخش بطور خیلی کوتاه و مختصر ، گوشه‌های کوچکی از قدرت رزمی این نیروی حافظ صلح و ثبات را از مقابل چشمان تیزبین تو میگذرانیم ، و همراه تو برای روزی دعا میکنیم که صلح و آرامش در جهان آنگونه برقرار و سایه گستر گردد که همه کشورهای بزرگ و کوچک اسلحه را زمین گذاشته و بدون سلاح از تأمین و ثبات کامل برخوردار باشند .

با وجود دگرگونیهای بسیار در سازمان، جنگ افزار، وسائل، وسائط، تاکتیک و تکنیک امروزی ویا اینکه جنگ افزارهای مدرن و سلاحهای انهدام دستجمعی و وسائل هولناکی در اختیار ارتشهای جهان قرار گرفته و پیشرفت بشر در تکنولوژی به جایی رسیده است که آغاز یک جنگ همگانی و جهانی ممکن است دنیا را به نابودی قطعی تهدید کند، بازهم پیاده نظام در جنگهای مدرن امروزی نقش قاطع و قطعی دارد و هنوز هم پیاده نظام عروس میدان رزم است.

یگانهای پیاده و پیاده مکانیزه نیروی زمینی شاهنشاهی با برخورداری از آخرین وسائل و جنگ افزارهای پیاده نظام و پیشرفته ترین دانش و تکنولوژی روز، قادراند در سخت ترین شرایط جنگهای مدرن امروزی همپای بهترین یگانهای پیاده نظام ارتشهای پیشرفته جهان خودنمایی کنند و تحت هرگونه شرایطی در صورت ضرورت مردانه از میراث گرانمای این ملت که هرسال در کوهها و دشتها پاسداری نمایند.

یگانهای پیاده و پیاده مکانیزه نیروی زمینی شاهنشاهی با برخورداری از تزحک کافی و با استفاده از امکانات آتش جنگ افزارهای مدرن سازمانی و پشتیبانی مؤثر توپخانه و هوائی میتوانند دلیرانه از وجب به وجب خاک این مرز و بوم پدافند کنند و حتی خیال تجاوز را در خاطر دشمنان احتمالی محو نابود سازند.

تجهیزات و وسائل یگانهای پیاده نظام نیروی زمینی شاهنشاهی آنقدر کافی و کامل است که یگانها قادراند برای مدتی طولانی تحت شرایط رزمی در صحرا و خارج از سرپنازخانه زندگی کنند و خود تمام امکانات خویش را فراهم آورند.

یگانهای پیاده نظام نیروی زمینی شاهنشاهی ضمن اجرای آموزش مربوطه در سرپنازخانه ها و اردوگاههای مختلف، آمادگی رزمی خویش را با اجرای تمرینات صحرائی و شرکت در مانورهای مختلف بالا برده و این تلاش تا سرحد فداکاری، شبانه روزی ادامه دارد.



تصویری از آموزش یک نوع خپبارانداز که از جنگ افراهای بدون موتور یگانهای پاده نیروی زمینی شاهنشاهی محسوب میشود.

یگانهای پیاده هوارد در نیروی زمینی شاهنشاهی

مردان شجاع و بی همانندی که مرگ را به بازی میگیرند، باعالیترین وسایل و بهترین وسائط ویژه نیروی هوارد تجهیز و تحت بهترین شرایط، آموزش یافته و یگانهای هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی را تشکیل میدهند.

این دلیران بی باک قادراند با جسارتی درخور اعجاب از اوج آسمانها خود را بر روی هدف رسانند و در ماوراء خطوط جبهه دشمن شجاعانه فرود آیند و هدفهای مناسب را تا لحظه الحاق دلیرانه تأمین و نگهداری کنند. یگانهای پیاده هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی شب و روز در سربازخانه و در سحرا آموزش خود را بمنظور آمادگی رزمی بیشتر دنبال میکنند که حتی تماشای تمرینهای آموزشی آنها که هر لحظه دریک قدمی مرگ اجراء میشود غرورآفرین و اعجاب انگیز است.



«تصویری از جانبازان یگانهای هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی»



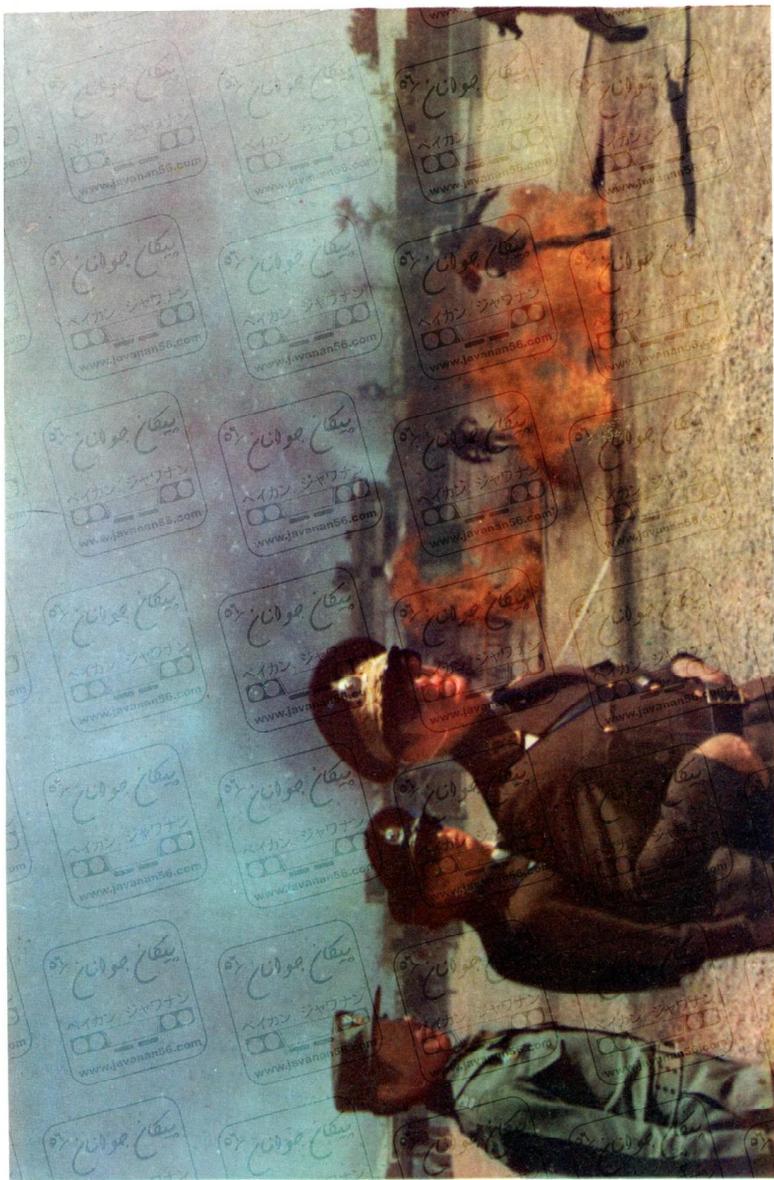
در تشریف‌رسانی اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه آریانه‌ها بزرگ ارتشداران به تب هوارد تبسب مزبور مورد تقد شاهانه قرار گرفتند. «آبان ماه سال ۲۰۳۳ شاهنشاهی»



تصویری از بسته‌بندی چتر سقوط آزاد در سان چتر یگان هوایرد



تصویری از نحوه بسته‌بندی یک دستگاه جیب حامل تفنگ ۱۰۶ میلیمتری برای پرتاب از هوا،
بوسیله پرسنل یگان هوایرد



تشریف‌رسانی اعلیحضرت هادیون شاهنشاهی آریه‌ایه مهر بزرگوارتقناتاران به یگان هواردردنوری زمینی شاهنشاهی وواژده مسلم له ازتصلیات بصیراتی یگان سربور
سال ۲۰۳۲ شاهنشاهی،

یگان نیروی ویژه هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی

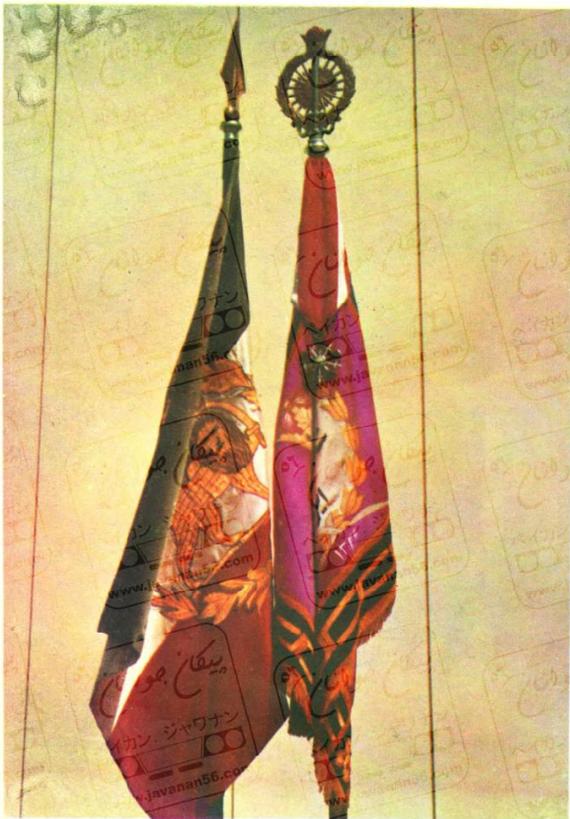
آیا شما سیمای مردانی را دیده‌اید که مرگ از آنها هراس دارد؟ اگر به تماشای چنین مردانی علاقه دارید از یگان نیروی ویژه هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی دیدن کنید، در آنجا مردانی را خواهید یافت که بازی بامرگ برایشان سرگرمی است و آرزوی جانبازی در راه سربلندی ایران برایشان هدف نهائی. پرسنل نیروی ویژه هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی با شجاعتی غرورآفرین و تمریناتی سخت و طاقت‌فرسا، قادرند از راه زمین، هوا یا دریا، در عمق جبهه دشمن نفوذ کنند و با سازمان دادن یگانهای چریک و تدارک و هدایت آنها یگانهای چریک را در عمق جبهه دشمن به نفع نیروهای خودی وارد کارزار سازند.



یگان نیروی ویژه هوارد نیروی زمینی شاهنشاهی همواره در مسابقات کشتی به آسیب‌دیدگان سوانح و بلیات موفق بوده است.



ام‌حضرت هما یون شاهنشاه ریانهر بزگارتشازان و ال‌حضرت هما یون و لایصهه عملیات خیره کتسه‌پوسل یگان یووه هواورد نیروی زمینی شاهنشاهی را مشا هله میله‌ما بنده «سد اسیر کبیر» ۲۰۲ شاهنشاهی



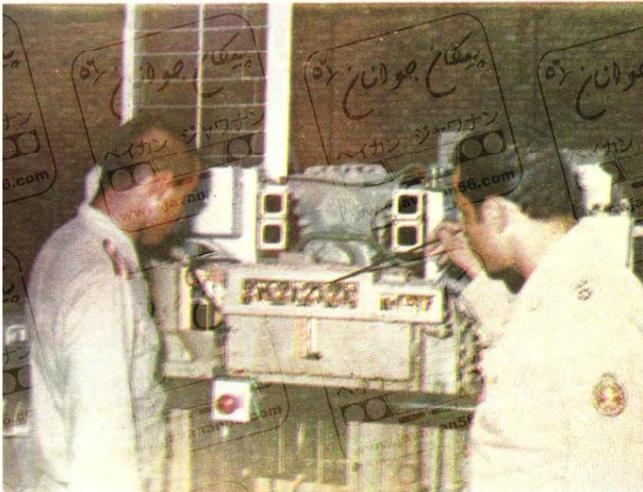
تصویری از پرچم‌های تیب ۲۳ نیروهای ویژه هوایرد و نشان درجه سه سپه اعطائی اعلیحضرت
همایون شاهشاه آریاسهر بزرگارتشتاران به تیب مزبور بعلت ابراز رشادت واز خودگذشتگی در
عملیات برونمرزی

قدرت زرهی در نیروی زمینی شاهنشاهی

نقش زره و قدرت زرهی در جنگهای مدرن امروزی برهیچکس پوشیده نیست و این نیروی قاطع و شکننده در لحظه حساس میتواند با استفاده از تحرك، حفاظت زرهی، قدرت آتش و نیروی ضربت خود سرنوشت رزم را تعیین و یا آنرا تغییر دهد.

یگانهای زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی با برخورداری از مدرنترین وسائل و جدیدترین ارابه‌ها و جنگ‌افزارها در سطح جهانی، و با استفاده از ورزیده‌ترین پرسنل قادر است، در هر لحظه که ضرورت ایجاد کند چون شاهین بر دشمن بتازد و هر متجاوزی را در زیر آتش ارابه‌های خود نابود سازد.

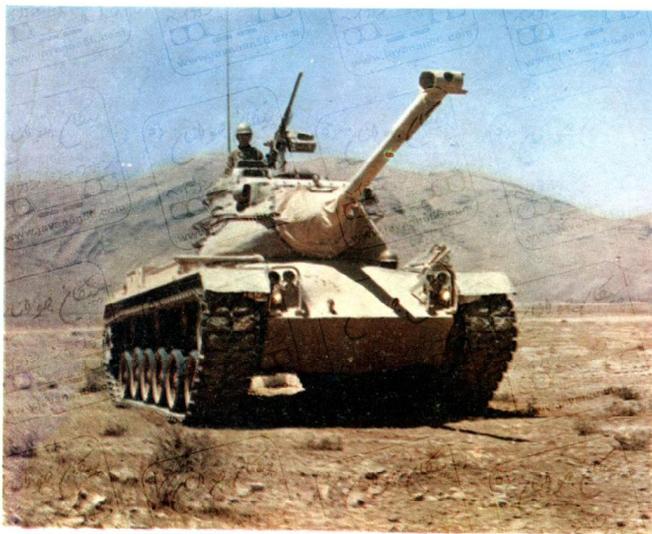
یگانهای مدرن و با ارزش زرهی و سوار زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی، شب و روز ضمن اجرای برنامه آموزشی مربوطه در صحرا و سربازخانه و اردوگاههای مختلف، آمادگی رزمی خویش را با اجرای تمرینات مکرر صحرائی و شرکت در مانسورهای مختلف بالا برده و این تلاش بطور مداوم ادامه دارد.



پرسنل یگانهای زرهی به نحو شایسته‌ای در امر کاربرد ادوات زرهی و وسائل الکترونیکی آن تخصص و تجربه کسب نموده‌اند.

تجهیزات ، وسائل ، ابزار ولوازم یگانهای زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی در حدی است که این یگانها با استفاده از پرسنل ورزیده خود وبدون احتیاج بهسربازخانه قادراند برای مدتی طولانی ، شرایط سخت رزمی را در صحرا تحمل کنند وکوچکترین احتیاجی به پشتیبانی خارجی نداشته باشند .

اجرای تمرینات صحرائی شبانه وروزانه زرهی باهمکاری تانک وپیاده وهم- آهنگی آن با آتش توپخانه در زمینهای مختلف واجرای تمرینات عبور از رودخانههای بزرگ چون کارون وکرخه در شرایط رزمی ودر زیر آتش هوائی وتوپخانه تسستی از تلاش پیگیر وفداکاری خستگی ناپذیر افسران ودرجه داران وسربازان دلیرنیروی زمینی شاهنشاهی در راه تأمین ورفاه روزافزون ملت ایران در دوران شکوهمند سلطنت غرورآفرین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران است .



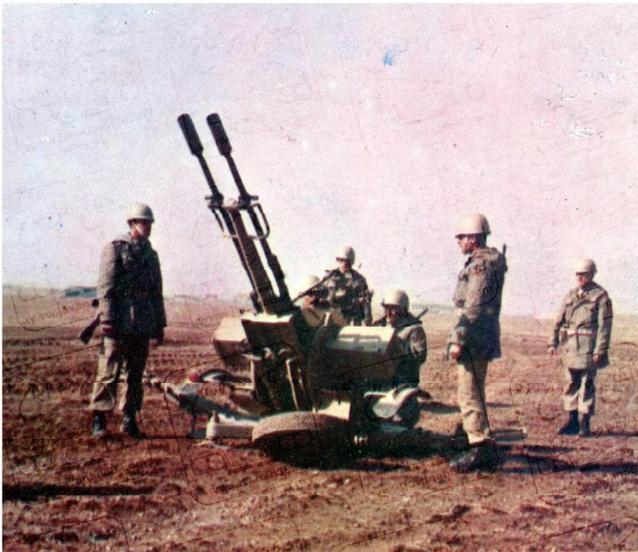
درسالیهای اخیر پیشرفت یگانهای زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی از لحاظ نوع وسائل و وسائلزرهی ، وهمچنین از نظر آموزش وتربیت پرسنل متخصص بسیار چشمگیر بوده است .

پشتیبانی آتش در نیروی زمینی شاهنشاهی

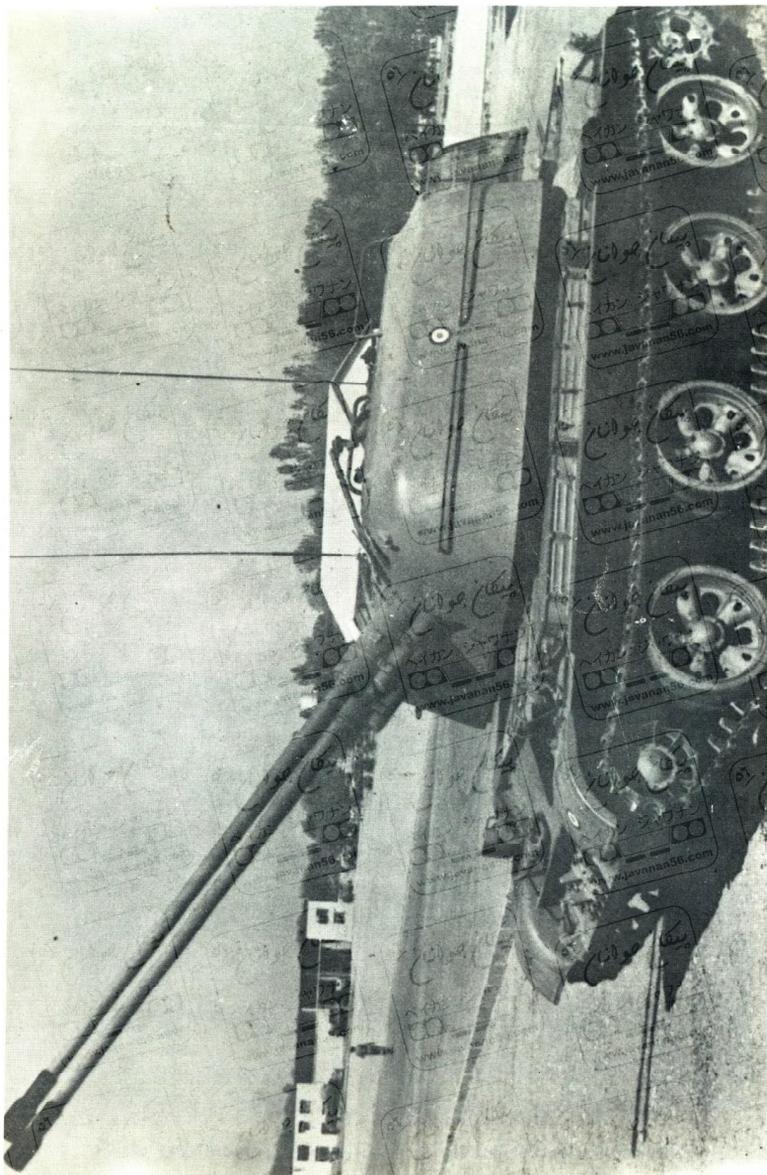
برای تسهیل حرکت و مانور یگانهای رزمی پیاده، پیاده مکانیزه، پیاده هوایرد، زرهی و سوار زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی در انواع عملیات تاکتیکی، یگانهای توپخانه مناسب برای پشتیبانی آنها به صورت کشتی یا خود کشتی سازمان داده شده و قسمتی از هلیکوپترهای جنگنده هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی و یگانهای توپخانه عمل کلی و موشکی، آتش پشتیبانی کافی را برای سهولت مانور یگانهای رزمی فراهم مینمایند.

وسائل، جنگ افزار و وسائط مدرن پشتیبانی آتش نیروی زمینی شاهنشاهی همپایه مرفقی ترین ارتشهای جهان است و افسران و درجه داران ورزیده و کار آزموده توپخانه، قدرت آتش یگانهای پشتیبانی کننده نیروی زمینی شاهنشاهی را با مدرن ترین وسائل، هدايت و هم آهنگ مینماید.

در کلیه مانورها و تمرینات صحرائی یگانهای توپخانه نیز بطور جدی و عملی شرکت مینمایند و همکاری و هم آهنگی کامل یگانهای مانور کننده و یگانهای پشتیبانی کننده در هر تمرین صحرائی مورد ارزیابی دقیق قرار می گیرد.



یگانهای توپخانه نیروی زمینی شاهنشاهی از جدیدترین توپهای ضد هوایی جهان در اختیار دارند.



« یک نوع از توپهای خود کششی بدون کده در اختیار نگانهای توپخانه نیروی زمینی شاهنشاهی قرار گرفته است »



بگانهای توپخانه نیروی زمینی شاهنشاهی از جدیدترین توپها و موشکهای جهانی در اختیار دارند



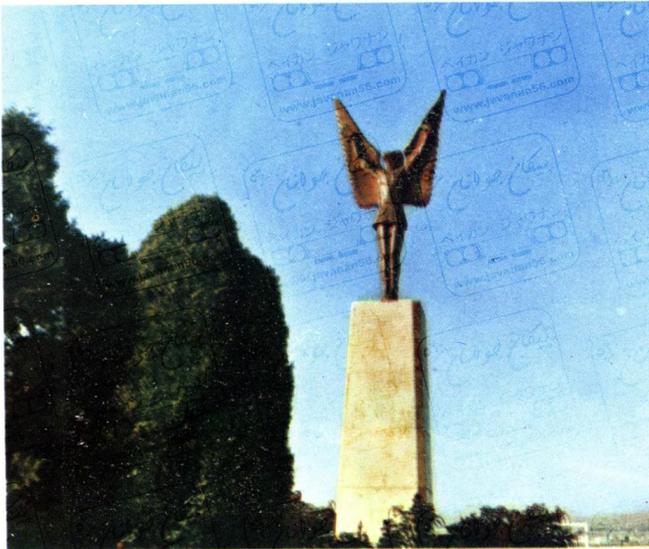
شیراز برای اعلیحضرت هابون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتستانان به منطقه مانور ((نادر)) بهمن ماه ۲۰۴۴ شاهنشاهی

هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی

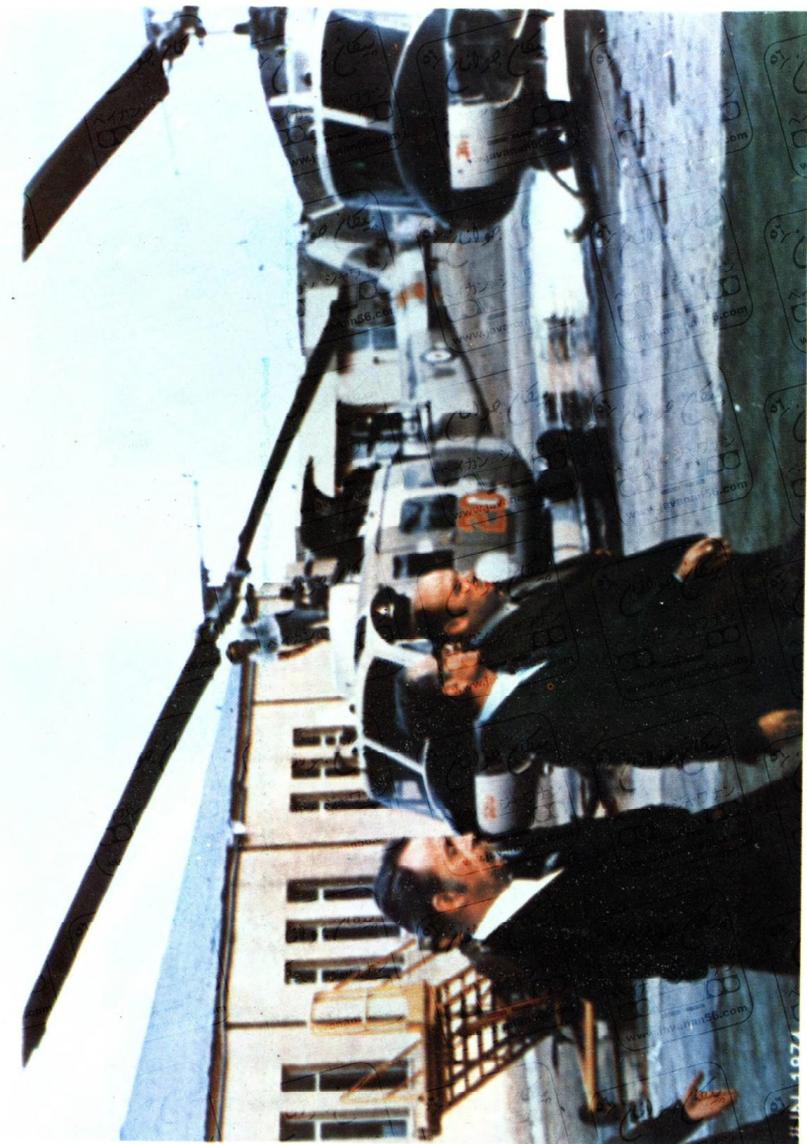
هم‌زمان با پیشرفتهای سریع نیروی زمینی شاهنشاهی نیاز به داشتن یگانی که بتواند احتیاجات این نیرو را از نظر سرعت و کنترل فرماندهی تأمین و تسهیل نماید احساس شد و برای وصول باین هدف در ۲۵ بهمن ماه سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی (۱۳۴۱ خورشیدی) سازمان هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی از تصویب پیشگاه مبارک شاهانه گذشت.

نخستین هلیکوپتر در مرداد ماه سال ۲۵۲۵ شاهنشاهی (۱۳۴۵ خورشیدی) وارد خدمت هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی شد و تعداد آن با توجه به احتیاجات سریعاً روبه افزایش نهاد.

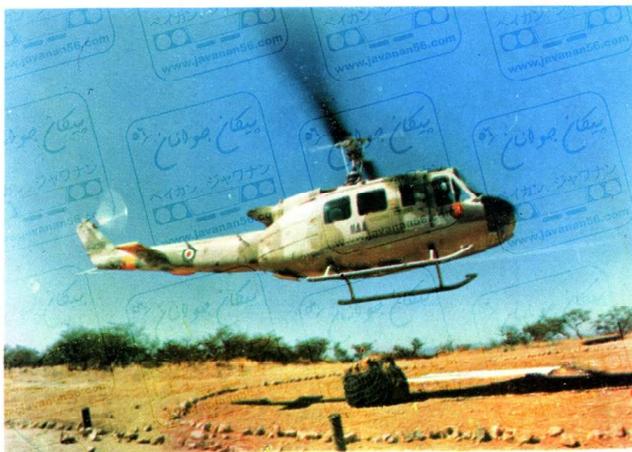
امروز با وجود آنکه مدت کوتاهی از تأسیس هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی میگذرد، این یگان ارزنده در اثر تلاش و فداکاری شبانه‌روزی افسران و درجه‌داران آن قادر است نه تنها تسهیلات لازم را از نظر سرعت و کنترل فرماندهی و تخلیه بیماران از راه هوا برای نیروی زمینی شاهنشاهی فراهم نماید بلکه میتواند یگانهای رزمی را با هلیکوپترهای جنگنده خود از نزدیک با آتش به طور مؤثر پشتیبانی کند.



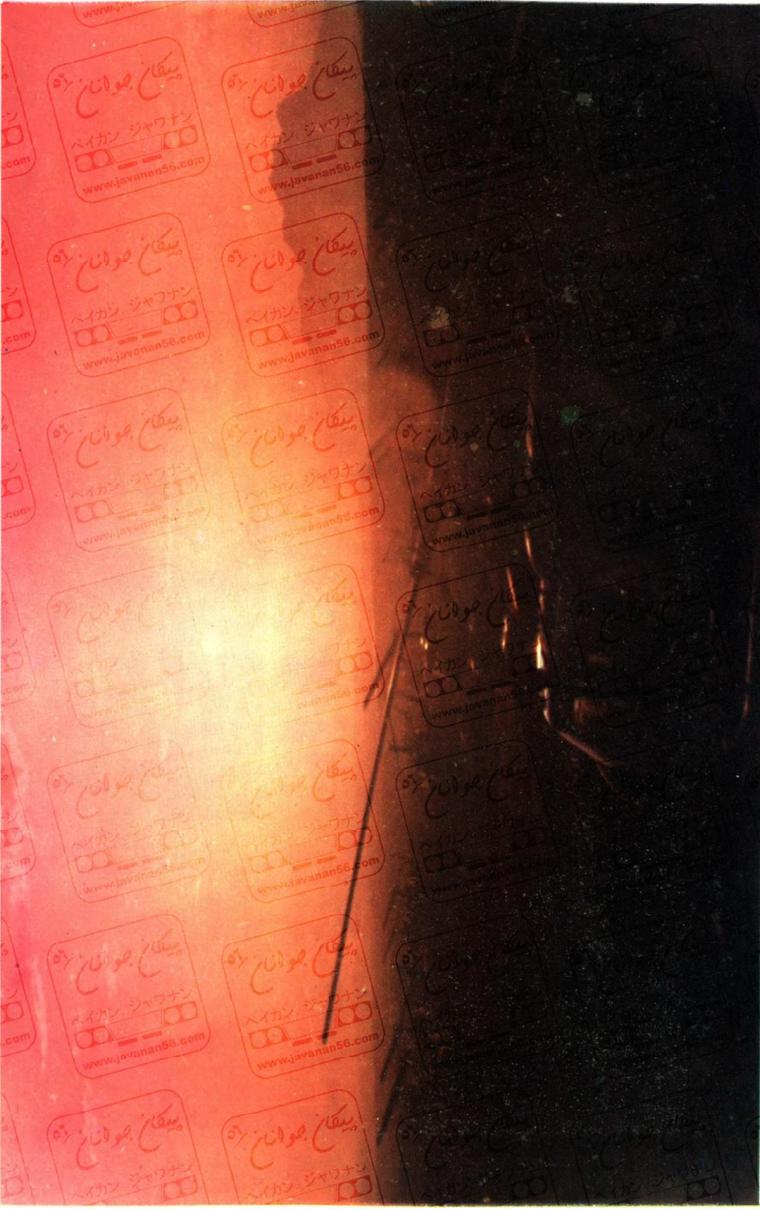
انهد پرواز، سیل هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی



«بازدید اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریسهر بزرگ ارتشداران از یگان هوایی نوری زمینی شاهنشاهی، ۲۰۳۲ شاهنشاهی»



هوابیسانی نیروی زمینی شاهنشاهی در کلیه عملیات بنحو مطلوبی یگانهای رزمنده را پشتیبانی می‌کند.



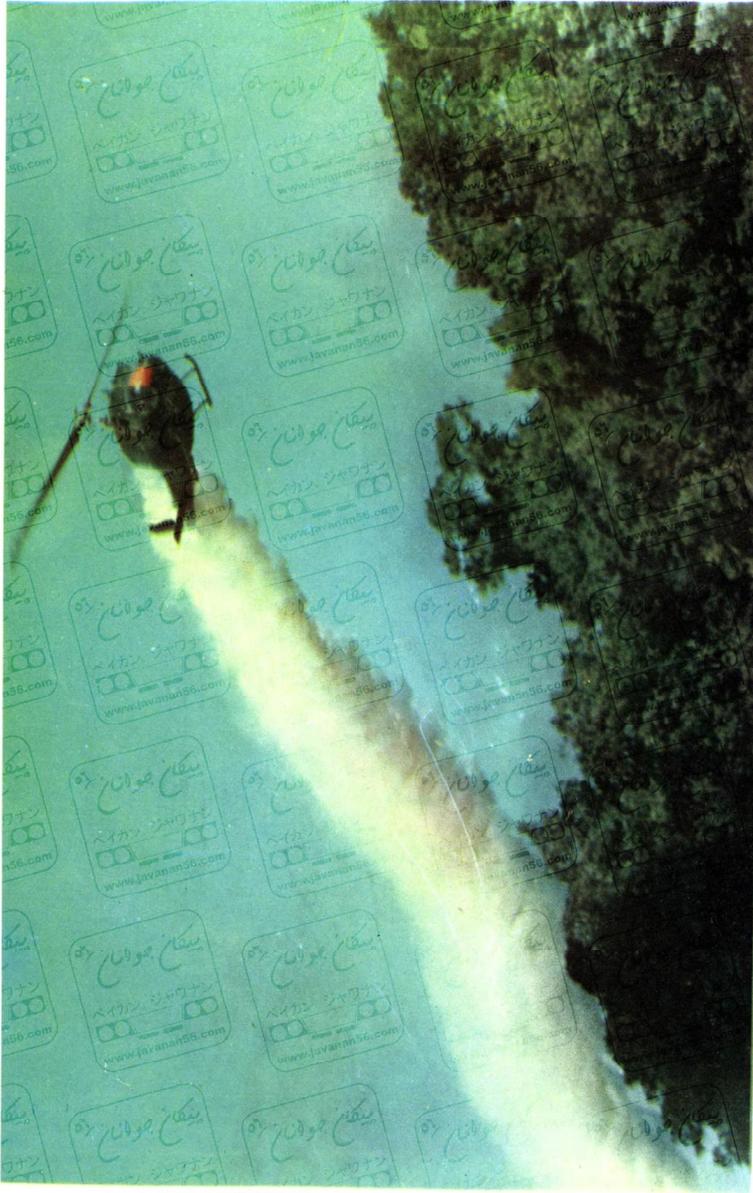
«پستگاه هوایان» اثر زینب شاهنشاهی در یک تمبر صحرایی»



«اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران یکی از مربیان آموزش هوایمائی را مورد تفقد قرار میدهند»



یکی از انواع هواپیماهای مدرنی که در خدمت هوایمائی نیروی زمینی شاهنشاهی قرار دارد

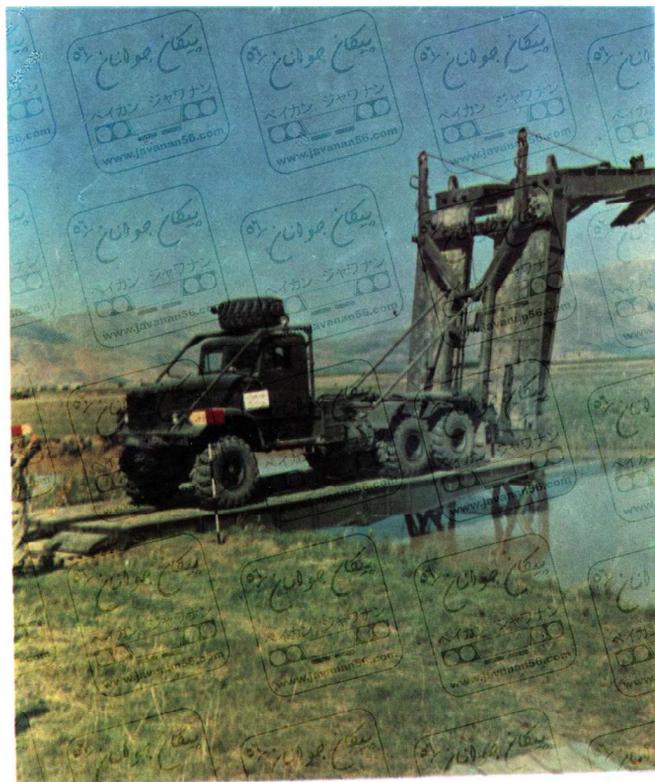


بگان هواپسائی نوری زمینی شاهنشاهی در عملیات مردم‌باری از قبیل کمک به آسیب‌دگان خشم طبیعت، مسئولین و مجروحین حادثه زلزله و بلاخره سپاسی زنده‌های زلزله و ایامات سیود و جنگلهای نیز شرکت می‌باشد.

یگانهای مهندسی رزمی در نیروی زمینی شاهنشاهی

یگانهای رزمی مهندس زمینی شاهنشاهی با داشتن وسائل و وسائل کافی ومدرن وبا برخورداری از تجربیات افسران ودرجه داران ورزیده وآموزش یافته خود قادرانده انواع عملیات ساختمان ، تخریب ، مین گذاری ، مین برداری وچاده سازی را در شرایط مختلف رزم ودر زیرآتش دشمن انجام داده ویگانهای مانورکننده را در اجرای مأموریت از نظر مهندسی پشتیبانی نمایند .

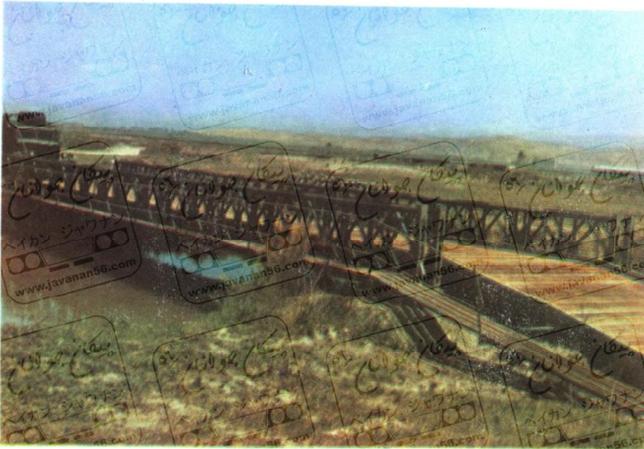
یگانهای مهندس با داشتن تخصص کافی ووسائل وتجهیزات مدرن میتوانند انواع پلهای مختلف شناور وغیر شناور را در مدت زمانی بسیار کوتاه در روی انواع رودخانه ها ساخته ویگانهای رزمی را در عبور از رودخانه های بزرگ وانجام سریع مأموریت پشتیبانی نمایند .



یگانهای تابعه نیروی زمینی شاهنشاهی مدرن ترین تجهیزات مهندسی را بعد کافی در اختیار دارند.



«دستگاه جدید تصفیه آب»



«یک نوع پل که بر روی رودخانه مستقر شده است»
 تجهیزات موجود در یگانهای مهندسی نیروی زمینی شاهنشاهی از جدیدترین تجهیزاتی است که
 ارتشهای پیشرفته جهانی در اختیار دارند.

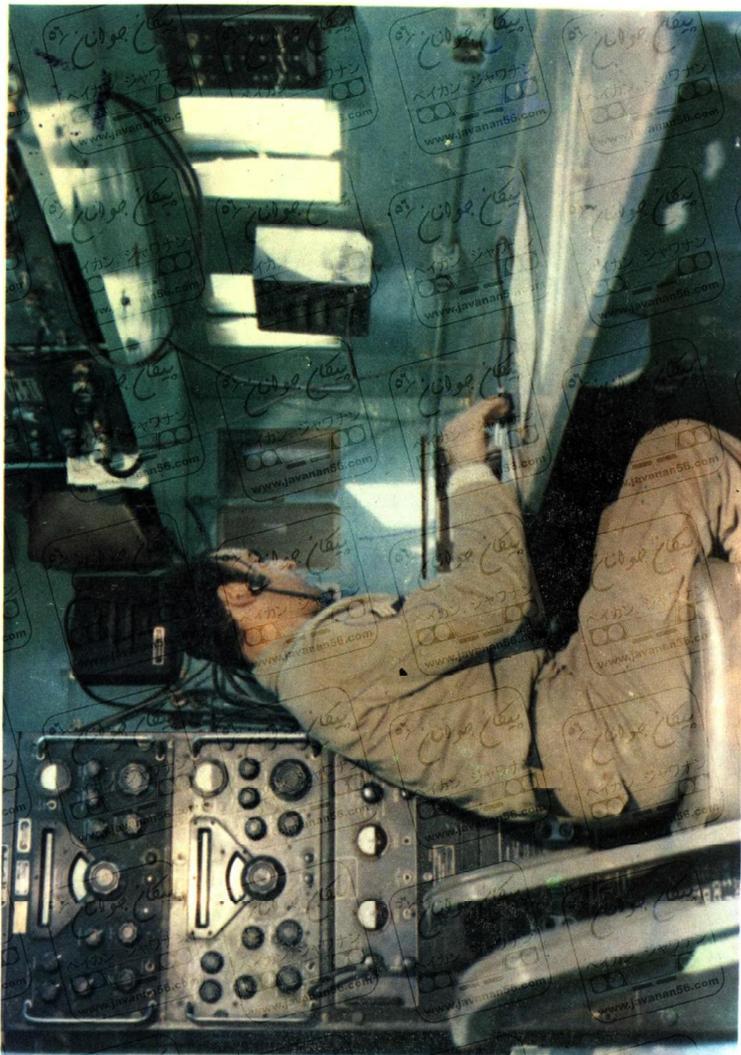
ارتباط و مخابرات در نیروی زمینی شاهنشاهی

در دنیای پیشرفته امروز ارتباط و مخابرات نقش بزرگ و ارزنده و حیاتی دارد و اهمیت آن در ارتش و در جنگهای مدرن امروزی انکارناپذیر است، زیرا اگر ارتباط یگانها با فرماندهی قطع شود و دستورات از فرماندهان به یگانهای اجراء کننده نرسد و یگانها نتوانند بموقع موقعیت و تقاضاهای خود را به فرمانده خود گزارش کنند، کار آن ارتش دیگر ساخته است.

نیروی زمینی شاهنشاهی با توجه به اهمیت ارتباط و مخابرات و با توجه به اینکه ارتباط سلسله اعصاب ارتش است، یگانهای مخابراتی خود را سازمان داده و وسائل ارتباطی مدرن و کافی از انواع مختلف بنا بر احتیاج در اختیار یگانهای تابعه خود قرار داده است. یگانهای مخابرات نیروی زمینی شاهنشاهی در ردههای مختلف با توجه به شرایط میدان رزم و انواع عملیات قادراند در سختترین شرایط، ارتباطی مطمئن و دائمی برای یگانها با فرماندهی و بالعکس فراهم کنند و این ارتباط را در زیر آتش و جنگهای الکترونیکی دشمن بطور دائم حفظ نمایند. بهترین وسائل فنی و دقیقترین لوازم الکترونیکی برای اجرای این مأموریت دقیق و بزرگ در اختیار یگانها و پرسنل مخابراتی نیروی زمینی شاهنشاهی قرار دارد و تلاش پیگیر و دائمی برای پیشرفت و توسعه امکانات ارتباطی، همراه با پیشرفت تکنولوژی جهانی ادامه دارد.



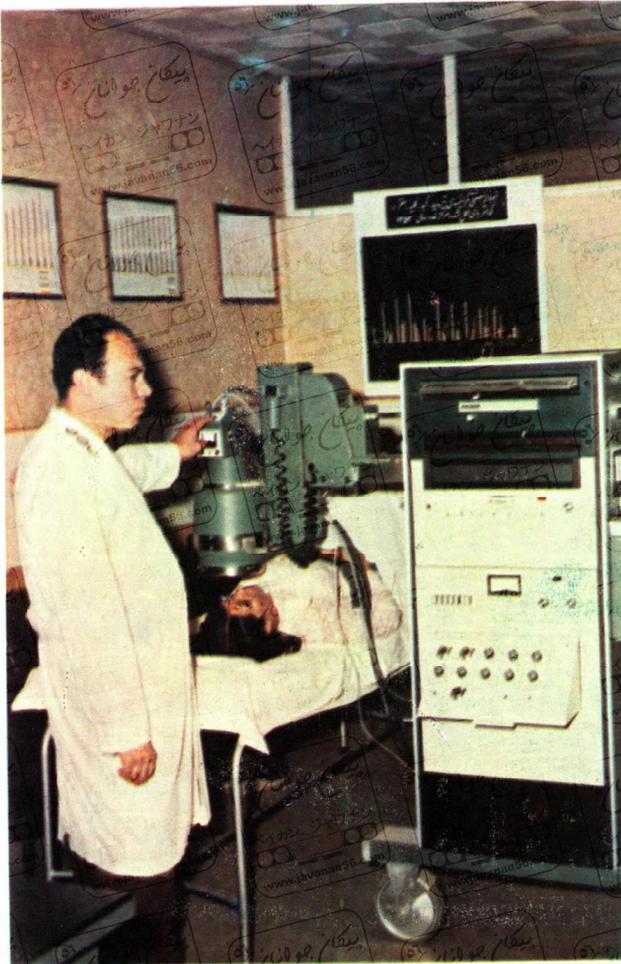
با تأسیس مرکز آموزش مخابرات و الکترونیک، پرسنل مخابراتی یگانها آموزشهای لازم را فرا گرفته و در کاربرد وسائل مخابرات و الکترونیکی دقیق و پیچیده‌ای که در اختیار دارند تخصص لازم را کسب نموده‌اند.



در سالهای اخیر نیروی زمینی شاهنشاهی انتظار ارتباط و مسافرات الکترونیک و به‌بیشتر تفهیم چشم‌گیری ناقل شده است و در حال حاضر مدرن‌ترین وسائل ارتباط الکترونیک را همراه با پرسنل متخصص در اختیار دارد.

بهداشت و بهداری در نیروی زمینی شاهنشاهی

علاوه بر بیمارستانهای ثابت منطقه‌ای، که در تهران و شهرستانها و کلیه پادگانهای بزرگ نیروی زمینی شاهنشاهی ساخته شده و با آخرین وسائل و بهترین پزشکان متخصص تجهیز گردیده است. در کلیه رده‌های فرماندهی یگانهای مختلف



با استفاده از تجهیزات مدرن پزشکی و کادر متخصص، بهداشت و سلامت پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی و خانواده آنها تأمین گردیده است

نیروی زمینی شاهنشاهی، یگان بهداری متناسی وجود دارد که کار تخلیه و بستری کردن و مداوای بیماران و مصدومین را در صحرا و در شرایط سخت میدان رزم انجام میدهند.

یگانهای بهداری رزمی با استفاده از امکانات وسیع و وسائل مدرن بیمارستان‌های متحرک صحرائی و با برخورداری از پزشکان متخصصی که حرفه پزشکی و رزمی را با هم فرا گرفته‌اند، قادراند بیماران، مصدومین و زخمی‌ها را در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط جنگهای مدرن امروزی در کوتاه‌ترین مدت به عقب تخلیه کرده و آنها را با استفاده از تجهیزات مختلف بهداری صحرائی معالجه و مداوا نمایند.

انواع مختلف وسائل و لوازم کمکهای اولیه برای مداوای فوری و بهترین آمبولانسهای مدرن برای تخلیه زمینی و هلیکوپترهای مختلف برای تخلیه فوری هوائی بیماران، در اختیار یگانهای بهداری رزمی نیروی زمینی شاهنشاهی قرار دارد.

پزشکان متخصص یگانهای مختلف نیروی زمینی شاهنشاهی برای حفظ بهداشت و سلامت پرسنل در سربازخانه و صحرا و برای پیشگیری از بیماریهای واگیر در شرایط مختلف، شب و روز تلاش میکنند و کلیه امکانات برای حفظ بهداشت و سلامت پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی در اختیار آنها قرار دارد.

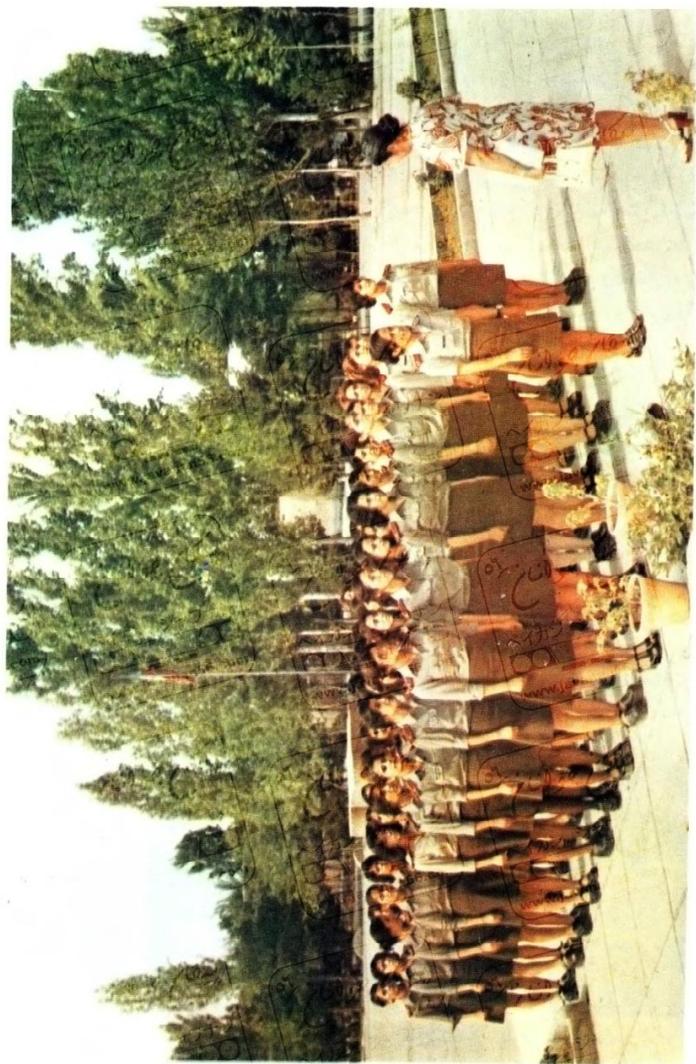
حفظ بهداشت و سلامت خانواده پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی یکی از هدفهای دائمی بهداری نیروی زمینی شاهنشاهی است و بهمین منظور کلیه خانواده پرسنل کادر نیروی زمینی شاهنشاهی تحت پوشش بهداشتی قرار داشته و از کلیه امکانات بیمه درمانی استفاده مینمایند.



در بیمارستانهای متحرک و ثابتی که در خدمت پرسنل متخصص نیروی زمینی شاهنشاهی قرار دارند از جدیدترین و کاملترین وسائل پزشکی استفاده میشود.



ارسال بیمار نیروی زمینی شاهنشاهی بوسیله جدیدترین وسایل پزشکی تست میشوند «تصویر بالا
دستگاه تست‌آری را نشان میدهد»



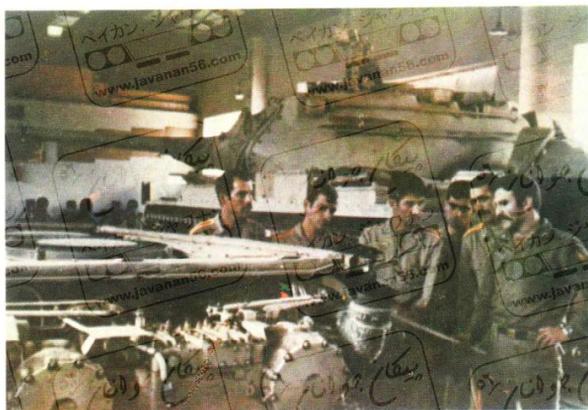
«تصویری از آموزشگاه بهداشتی دانش شاهدی»

تعمیر و نگهداری در نیروی زمینی شاهنشاهی

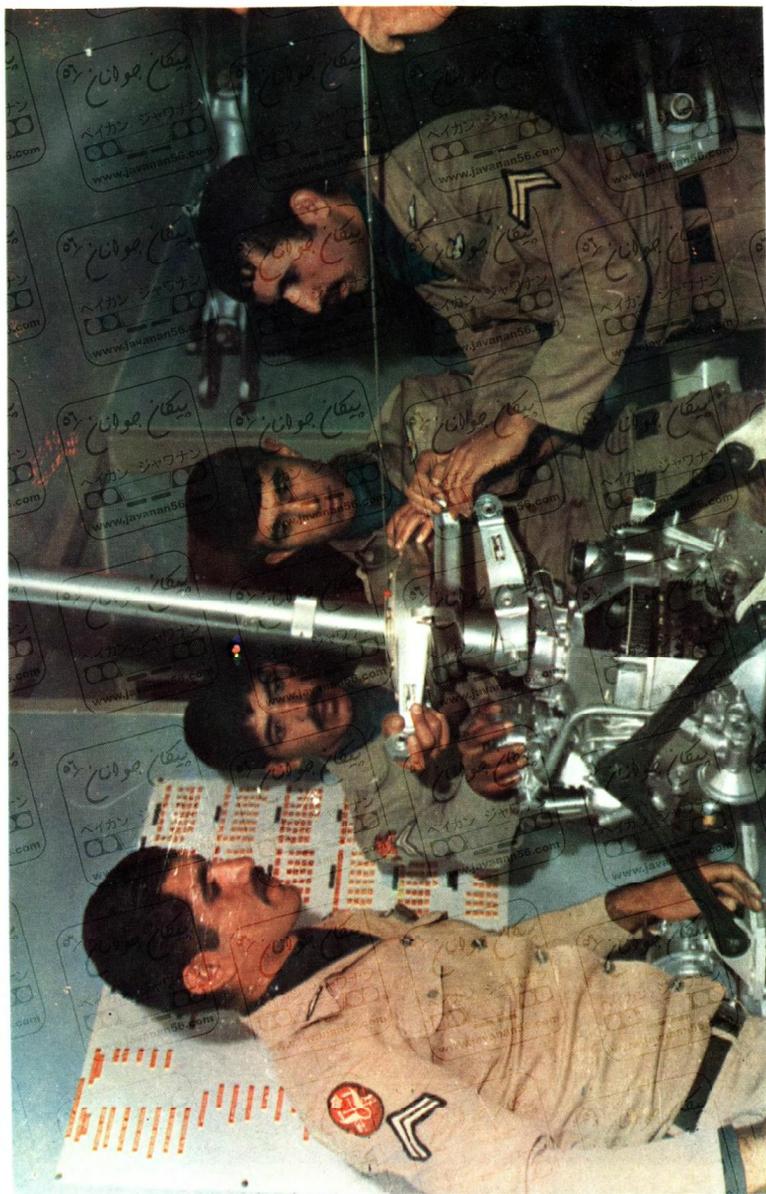
هوایماها ، هلیکوپترها ، خودروهای چرخ دار و شنی دار ، بی سیم ها ، جنگند افزارها ، وسائل و وسائط مدرن و گران قیمت نیروی زمینی شاهنشاهی احتیاج به سرویس و تعمیر و نگهداری دارد .

نیروی زمینی شاهنشاهی با توجه دقیق به امر نگهداری که خود صرفه جوئی در ثروت ملی و عامل اصلی بالا رفتن قدرت رزمی است ، در کلیه رده های فرماندهی عوامل و وسائل دقیق نگهداری متناسب پیش بینی نموده است ، به طوریکه یگانهای رزمندۀ نیروی زمینی شاهنشاهی در صحرا و در شرایط سخت میدان نبرد ، به آسانی قادراند کلیه وسائل گران قیمت خود را تعمیر و حاضر بکار کرده و همیشه آماده اجراء مأموریت باشند . تلاش نگهداری در کلیه رده ها دقیقاً مورد بازدید و کنترل قرار گرفته و یکانی که وسائل تعمیری آن بیش از حد مجاز باشد مورد سرزنش و بازخواست قرار می گیرد .

بمنظور صرفه جوئی هرچه بیشتر در ثروت ملی ، مسئله تعمیر و نگهداری مورد توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران است و نتایج بازرسی از نحوه تلاش نگهداری یگانها مرتباً از شرفعرض خاکپای مبارک شاهانه میگذرد .



آشنائی با طرز کار موتور تانک و آموزش تعمیر و نگهداری قسمتهای مختلف آن



«آشنایی با کار ترانس مپیش و امپوشن تعمیر و نگهداری قطعات مختلف»

آماد و ترابری در نیروی زمینی شاهنشاهی

یگانهای آماد و ترابری وظیفه دارند که آماد و خدمات را در سربازخانه و در صحرا برای یگانهای رزمنده و پشتیبانی کننده نیروی زمینی شاهنشاهی فراهم کنند. بطوریکه یگانهای رزمنده از درگیری تدارکاتی آزاد شده و تمام توجه آنها به آموزش و عملیات معطوف گردد. یگانهای آماد و خدمات کلیه تسهیلات لازم را در سربازخانهها فراهم و از نظر صحرائی دارای انواع تجهیزات و وسائل مدرن متحرک هستند که می‌تواند برای مدتی طولانی، بدون احتیاج به سربازخانه احتیاجات یگانها را از نظر تدارکاتی در صحرا و در سخت‌ترین شرایط میدان رزم فراهم آورند.

انواع آشپزخانه‌ها، خوابخانه‌ها، حمامها، سردخانه‌ها، لباسشویی و خشک‌شوئی و اطو کشی و لوازم مدرن گوناگون به صورت متحرک تهیه و در اختیار یگانها قرار گرفته و این وسائل یگانها را در میدان رزم تدارک و آنها را از مراجعه به شهرها سربازخانه بی‌نیاز مینماید.

در امر ترابری نیز انواع خودروها برای مأموریت‌های مختلف در یگانهای ترابری آماده به کار بون و هر نوع احتیاج ترابری را با توجه به نوع بار و شرایط تاکتیکی میدان رزم بسوق جایجا میکنند. هواپیماها و هلیکوپترهای هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی نیز مکمل تسهیلات ترابری زمینی است.



انواع و اقسام خودروهای موجود در یگانها، انجام هر نوع مأموریتی را برای آنها امکان‌پذیر ساخته است



۴۶۹



با استفاده از تسهیلات ترابری، کلیه نیازمندیهای یگانها چه در سربازخانه و چه در عملیات صحرائی باسانی تأمین میگردد

روحیه و رفاه در نیروی زمینی شاهنشاهی

علاوه بر تسهیلات پلاژها، اردوگاههای استراحت، باشگاههای مختلف ورزشی و دیگر تسهیلاتی که در صفحات قبل تشریح شد، نیروی زمینی شاهنشاهی لحظه‌ای از فکر روحیه پرسنل خود غافل نیست و در هر سربازخانه حتی در تمام اردوگاههای آموزشی، پس از خدمت سخت و یک روز طاقت فرسا دقایقی پرسنل بطور صمیمی چون یک فامیل بزرگ به دور هم جمع شده و با موزیک و رقص و پاپکویی و برپا کردن انواع نمایشات، ساعات خوشی را در کنار هم میگذرانند. برپا کردن انواع مسابقات ورزشی و راه انداختن کارناوال، ارائه نمایشات میهنی و تفریحی، تماشای فیلم‌های مختلف سینمایی، قسمتی از این برنامه‌های تفریحی است. ضمن اینکه وزارت فرهنگ و هنر نیز هنرمندان سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران را با برنامه‌ای دقیق و مرتب به کلیه سربازخانه‌ها بموقع اعزام و وسائل تفریح سربازان را در دورترین پادگانهای نظامی فراهم مینماید.

دادن پاداش و تشویق بموقع پرسنل، توجه کامل به ناراحتی‌های پرسنل و رفع بموقع مشکل آنها، دادن مرخصی، رسانیدن نامه‌ها و امانات پستی آنها در هر گونه شرایط رزمی و صحرائی، دایر کردن باشگاه و کافه برای آنها در سربازخانه و حتی در صحرا بصورت متحرک، توجه به مشکلات خانوادگی پرسنل، توجه و نگهداری خانواده پرسنل پس از فوت یا شهیدشدن، جزء کوچکی از تلاش پیگیر و دائمی نیروی زمینی شاهنشاهی در حفظ و بالا بردن روحیه پرسنل است.

رژه یگانهای نیروی زمینی شاهنشاهی

یکانهای مختلف نیروی زمینی شاهنشاهی در کلیه پادگانها در سالروز غرور-آفرین ۲۱ آذرماه هرسال، بمناسبت نجات خطه زرخیز آذربایجان در تهران از برابر فرمانده تاجدار خود اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران و در شهرستانها از مقابل تمثال مبارک شاهانه رژه میروند و با این رژه گوشه کوچکی از قدرت نظامی و آمادگی رزمی خود را از برابر جشمان تیزبین ملت حق شناس ایران میگذرانند. قدمهای استوار و سینههای فراخ و پیشانی گشاده مردان پولادین نیروی زمینی شاهنشاهی در این رژه به ملت قهرمان ایران و به آنها که باین مرز و بوم کهنسال و شاهنشاه بزرگ آن عشق میورزند، نوید فردائی بهتر و آیندهای مطمئن تر میدهد.

بیان کتب

در پایان از درگاه خداوند بزرگ صمیمانه مسئلت دارد که سلطنت غرورآفرین دودمان شکوهمند پهلوی در ایران زمین جاوید و سرفراز بماند و هر پنجاه سال تاریخچه ای از پیروزیها و افتخارات بی شمار آن به رشته تحریر درآید. پروردگارا، ملت نجیب و حق شناس ایران را در پناه خویش سلامت بدار و به ما سربازان جانباز نیروی زمینی شاهنشاهی، توان و سعادت بخش تادر اجرای فرمانهای مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، در راه سربندی ایران و به زیستی مردم قهرمان آن جان بازیم و خون خود را نثار خاک مقدس کشور سازیم.

جاوید باد اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

پاینده ایران

منابع و مراجعی که مورد استفاده قرار گرفته اند

۱- تألیفات و آثار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران شامل

الف- مأموریت برای وطن

ب- مجموعه نطقها، تألیفات، پیامها و بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

بزرگ ارتشتاران که بوسیله اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران منتشر

شده است.

ب- کتاب انقلاب سفید

۲- دکتر عیسی صدیق اعلم: (از تألیفات و کتابخانه و آرشینو خصوصی)

۳- آریانا، بهرام (ارتشد آریانا): تاریخچه عملیات نظامی جنوب، تهران ۱۳۴۲

خورشیدی

۴- کاظمی، محمد (سپهبد کاظمی) انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی، تهران ۱۳۵۳

خورشیدی

۵- بیگلرپور (سرتیپ) نفیسی (سعید) وقایع مقامی (جهانگیر) تاریخ ارتش نوین، جلد

نخست، تهران ۱۳۴۵ خورشیدی

۶- پیرنیا (حسن، مشیرالدوله) ایران باستان، سه جلد، تهران ۱۳۱۳-۱۳۱۱ خورشیدی

۷- سپهر (احمد مورخ الدوله) ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران، تاریخ

انتشار مشخص نیست

۸- سازمان مطبوعاتی اطلاعات، کتاب پهلوی، تهران، ۱۳۵۰ خورشیدی

۱۰- وزارت اطلاعات و جهانگردی، کتاب عصر پهلوی تهران

۱۰- نوبخت (دانش)، از کودتای سفید تا انقلاب سفید، تهران، آبانماه ۱۳۴۶ خورشیدی

۱۱- نوبخت حبیب اله (شاهنشاه پهلوی، قسمت اول، تهران ۱۳۴۳ خورشیدی

۱۲- ال. پی، ال. لول ساتن انگلیس (ترجمه عبدالعظیم صبوری) رضاشاه کبیر یا ایران نو،

چاپ سوم، تهران تاریخ چاپ نامشخص)

۱۳- علی البصری، محقق عراقی (ترجمه و تحقیق شهرام کریملو) نشریه شماره ۸

ستاد بزرگ ارتشتاران، تهران، مهرماه ۱۳۵۰ خورشیدی

۱۴- بیگلری، حیدرقلی (سرتیپ) خاطرات یک سرباز، تهران،

۱۵- آرشینو اسناد و مدارک ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۶- بایگانی را کد نیروی زمینی شاهنشاهی

۱۷- دایرة احکام ستاد نیروی زمینی شاهنشاهی

۱۸- مصاحبه، یادداشتها، خاطرات، امرای بازنشسته ارتش شاهنشاهی



ПРИКАЗЪ
 по
ВРЕДИДСКОЙ КАЗАЧЬЕЙ
ОСОБЛИЧЕСТВА ШАХА
 ДИВИЗИИ

№ 20 42 - ГО ИЮНЯ 1919 Г.

ПО СТРОЕВОЙ ЧАСТИ

§ 1

С 10-го июня предписываю выступить в Касри-Каджарь следующим частям Тегеранского гарнизона:
 Штабу Дивизии
 Чкаванскому стрѣлковому полку полковника
 Еврейского коннаго полка 1-му эскадрону
 Еврейской конной батарее
 Легкой батарее

§ 2

Начальником Лагернаго сбора в Касри-Каджарь назначается Помощник Начальника Тегеранскаго отряда. Ротмистръ

§ 3

Изъ бывшихъ изъ Решта чиновъ Штаба полагаютъ на лицо, согласно нижеслѣдующаго списка.

СПИСОКЪ

- Съ 7-го июня.
- 1) Мунъ-Наибъ Георгій Соломоновъ
 - 2) Казакъ Муртиза.

Съ 8-го июня.

 - 3) Сарджуе Ягубъ
 - 4) Казакъ Мамедъ-Али
 - 5) Хуссейнъ-Ага

Съ 9-го июня

 - 6) Дивизионной Учебной Команды Наиба 1-го ранга Гуламъ-Али-ханъ
 - 7) Дивизионной Учебной Команды:
- | | |
|---------|----|
| Казакъ | 40 |
| Лошадей | 4 |

Подписанный: Командующій
 казачьей Его Величества Шаха
 Старосельскій.
 Начальникъ Штаба Дивизии,
 Капитанъ *Кондратьевъ*



جهت دیویزیون قزاق
 اعلیحضرت

فروشکوت افسر هایون شاهنشاهی ارواحنا فداء

طهران نمره ۲۰ ۱۲ تایی ۱۹۱۹
 مطابق با ۲۶ رمضان ۱۳۳۷

قسمت راجع به صف نظام

— ماده اول —

به دستهای ذیل ساخوی طهران امر می‌نمایم که
 ایون به اردوی قمر باچار حرکت کنند
 به ارکان حرب دیویزیون
 به فوج تیرانداز عمدان کمانا
 به اسکادرون اول فوج گارد سواره
 به باطری گارد سواره
 به باطری سبک صحرائی

— ماده دوم —

بریامت اردوی قمر باچار مین بشود معاون رئیس
 آریاد طهران رئیسرت تکانتکو

— ماده سوم —

مستخدمین ذیل از ارکان حرب دیویزیون که از دعت
 وارد شده اند حاضر محسوب شوند موافق صورت ذیل:

صورت

- از هفتم ایون
- ۱) گوردگی سالاموف مین ناب
- ۲) مرتضی قزاق
- از هشتم ایون
- ۳) یقوب سرچوئه
- ۴) محمد علی قزاق
- ۵) حسین آلا
- از نهم ایون
- ۶) از مدرسه وکیلی دیویزیونی غلامی خان ناب اول
- ۷) از مدرسه وکیلی دیویزیونی
- قزاق ۴۰ نفر
- اسب ۴ رأس

اصل را امضاء نموده است فرمانده دیویزیون قزاق
 اعلیحضرت افسر هایون هاننشاهی بانکویک ستاروسلسکی
 سواد مطابق اصل است رئیس ارکان حرب کاپیتان کادراتیف

